

ایران در عصر پهلوی

جلد شانزدهم

خاطراتی از شاهان پهلوی

و

فهرست اسامی ۱۵ جلد

نوشته و تحقیق

دکتر محمدرضا باهنر



سردار سپه باشمشیر مکمل به جواهر اعطاتی احمدشاه

ایران در عصر پهلوی

جلد شانزدهم

خاطراتی از شاهان پهلوی

و

فهرست اسامی ۱۵ جلد



نوشته و تحقیق
دکتر محسن تبریزی

جلد شانزدهم ایران در عصر پهلوی

خاطراتی از شاهان پهلوی

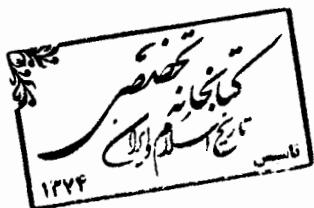
وفهرست اسامی ۱۵ جلد

تاریخ انتشار: مهرماه ۱۳۷۳ - اکتبر ۱۹۹۴

لندن - چاپ پکا

حقوق قانونی برای نویسنده محفوظ است

به جان دوست دارم من ایران زمین را نه ایران زمین، بل بهشت برین را
به چشم من ایران بهشت است، باری توهم بازکن، دیده نیک بین را
ادیب برومند



فهرست مندرجات

پیشگفتار

اظهار نظر رسانه های گروهی درباره کتاب

برگی از دفتر خاطرات - واقعه ناگوار درنیس

۱- نقش شاهان پهلوی در تاریخ معاصر ایران

۲- اخلاق و رفتار و شخصیت رضاشاه پهلوی

۳- رضاشاه و فرمانفرما

۴- اخلاق و رفتار و شخصیت محمدرضاشاه پهلوی

۵- سرنوشت ایرانیان سرشناس عصر پهلوی

۶- اسامی گروهی از اعدام شدگان و ترورها

و آدم کشی در داخل کشور

۷- اسناد و مدارک تاریخی

۸- ضمیمه کتاب

الف نامه ارتشبد قره باغی

ب اظهارات و نوشته های مقامات نظامی

درباره بیطرفی ارتش

ج دو نامه درباره سفر شاه به رم در روز ۲۵ مرداد

و وصیتنامه احمدشاه

۹- عکس های تاریخی

۱۰- اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی در ۲ دوره

قانون گذاری

۱۱- اسامی سناتور هادر ۷ دوره مجلس سنا

۱۲- منابع و مآخذ

ص ۱

از ص ۲ تا ۵۵

از ص ۵۶ تا ۶۶

از ص ۶۷ تا ۱۳۱

از ص ۱۳۲ تا ۱۶۶

از ص ۱۶۷ تا ۱۸۸

از ص ۱۸۹ تا ۲۱۴

از ص ۲۱۵ تا ۲۳۰

از ص ۲۳۱ تا ۲۴۶

از ص ۲۴۷ تا ۲۵۰

از ص ۲۵۱ تا ۲۶۲

از ص ۲۶۳ تا ۳۰۰

از ص ۳۰۱ تا ۳۰۴

ص ۵۵۰ و ۵۵۱

فهرست اسامی

از صفحه ۳۰۶ تا ۳۱۹
از صفحه ۳۲۰ تا ۳۳۰
از صفحه ۳۳۱ تا ۳۵۳
از صفحه ۳۵۴ تا ۳۷۳
از صفحه ۳۷۴ تا ۳۹۱
از صفحه ۳۹۲ تا ۴۰۸
از صفحه ۴۰۹ تا ۴۲۲
از صفحه ۴۲۳ تا ۴۴۰
از صفحه ۴۴۱ تا ۴۶۲
از صفحه ۴۶۳ تا ۴۷۸
از صفحه ۴۷۹ تا ۴۹۵
از صفحه ۴۹۶ تا ۵۰۸
از صفحه ۵۰۹ تا ۵۲۳
از صفحه ۵۲۴ تا ۵۳۸
در همان جلد کتاب به چاپ رسیده
از صفحه ۵۳۹ تا ۵۴۹

الف - جلد اول
ب - جلد دوم
پ - جلد سوم
ت - جلد چهارم
ث - جلد پنجم
ج - جلد ششم
چ - جلد هفتم
ح - جلد هشتم
خ - جلد نهم
د - جلد دهم
ذ - جلد یازدهم
ر - جلد دوازدهم
ز - جلد سیزدهم
ژ - جلد چهاردهم
س - جلد پانزدهم
ش - جلد شانزدهم

این ۱۶ جلد کتاب که ثمره تلاش و کوشش نویسنده هنگام اقامت اجباری در خارج از کشور می باشد به عفت همسر شریف و شایسته ام، به ونوس، کاوه، شهریار، خدایار فرزندان عزیز و نازنینم، که در فراز و نشیب زندگی در کنارم بوده و یار و یاور صادقی برای من هستند تقدیم می گردد.

از خداوند بزرگ برای آنها سعادت و سلامت و شادکامی می خواهم و آرزو دارم که همواره در راه خدمت به کشور کهن سال ما ایران و مردم گرامی و وطنم کوشا باشند.

مصطفی-الموتی

لندن - ۲۰ مرداد ماه ۱۳۷۳

سپاس به درگاه پروردگار بزرگ که مرا یاری کرد تا بتوانم دوازدهم، شانزدهم جلد کتاب درباره «عصر پهلوی» تهیه کرده و منتشر سازم و رویدادها را آنطوری که گفته اند و نوشته اند و یا شخصا شاهد آن بوده ام با بی طرفی و بی نظری و برکنار از حب و بغض در دسترس علاقمندان قرار داده و مورخین را در راه تنظیم تاریخ معاصر ایران یاری کنم.

نویسنده هرگز نگفته و نوشته ام که همه وقایع و رویدادهای عصر پهلوی همین بوده که در این کتاب ها مندرج است بلکه صریحا می گویم هنوز هزاران واقعه و خاطره و سند وجود دارد که منتشر نگردیده و به آن دسترسی نیافته ام. متأسفانه کسانی هم که در جریان وقایع بوده و هنوز زنده هستند یا خواسته اند و یا نتوانسته اند و یا مصلحت ندیده اند که این مطالب را به تاریخ بسپارند و منتظر فرصت های مناسب تری هستند تا این وظیفه ملی خود را انجام دهند.

کراراً به این افراد یاد آورده شده ام که حیف است دانستنی های خود را محفوظ نگاه داشته با خود به گور ببرد در حالی که این ها يك دين و تعهد اخلاقی کسانی است که در آن زمان سمت و مسئولیتی داشته اند و باید آن را يك ودیعه تاریخی بدانند که ثبت و ضبط شود تا مورد توجه تاریخ نویسان قرار گیرد والا مثل هزاران خاطره دیگر ازین رفته به بوته فراموشی و نسیان سپرده خواهد شد.

به سروده شاعر گرانمایه ایران ابوالحسن ورزی که اخیراً جهان ما را ترك گفت:

در این صحرای بی پایان هزاران کاروان گم شد

که از ایشان نمی آید صدائی و نه پیغامی، نه آوائی

باید متشکر بود از کسانی که صمیمانه آنچه را که می دانند در اختیار نویسنده قرار داده و یا شخصا اقدام به انتشار آن کرده و یا با ضبط در نوارهایی آن را برای انتشار آماده ساخته اند. البته کسانی که قصد خودستانی و بهره برداری از نوشته ها و گفته های خود داشته و خود را قهرمان روز معرفی نموده و هر عیب و اشتباهی را به دیگران نسبت داده و با نیشهای خود به انتقام جوئی

ها پرداخته اند کارشان از تاریخ نویسی جداست. آنها به خاطر خودخواهی ها و خودپسندی ها و ارضای غرور شخصی به چنین کاری دست زده اند که مسلماً نزاهت تحقیق این گفته ها و نوشته ها ارزشی ندارد. باید در مورد آنان باخواجه عبدالله انصاری همصدا شد که گفت:

عیب است برکشیدن خود را وز جمله خلق برگزیدن خود را
از مردمك دیده بیاید آموخت دیدن همه کس را و ندیدن خود را

وقتی تصمیم گرفتم «کتابهای ایران در عصر پهلوی» را منتشر سازم هرگز باور نمی کردم که چنین توفیقی نصیبم شود که بتوانم شانزده جلد کتاب (حدود هشت هزار صفحه) را تنظیم کرده و منتشر سازم. شاید برای نویسنده تهیه مدارک و مطالب و جمع آوری این خاطره ها خیلی مشکل نبود بلکه بزرگترین مشکل چاپ و انتشار و توزیع و ارسال آن به نقاط مختلف جهان بود تا همه هموطنان گرامی به راحتی به آن دسترسی داشته باشند و این کار بقدری رنج آور بود که هر آن امکان داشت مرا از پای در آورده و بگویم «عطایش را به لقایش بخشیدم». ولی هر وقت دچار آس و ناامیدی می شدم این شعر حافظ بزرگ که همیشه در زندگی ام نصب العین بوده به یاد می آمد:

زمشکلات طریقت عنان متاب ای دل

که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

حال که با سرفرازی می توانم بگویم این رشته از مطالعات تاریخی پایان یافته وظیفه دار هستم از همه کسانی که مرا صمیمانه یاری کرده اند مجدداً تشکر کنم و آن را نشانه ای از هم بستگی مردم شریف ایران بدانم که با تمام یأس و بدبینی که بین گروهی از ما در باره روش هموطنانمان وجود دارد باید گفت هنوز هم شعله هائی از عشق و محبت و هم بستگی بین ما ایرانیها فروزان است که جرقه های محبت همیشه از آن به خوبی احساس می شود و باید این شعر را در این باره به یاد آورد:

یارب چه چشمه ایست محبت که من از آن

یک قطره آب خوردم و دریا گریستم

ناگفته نماند که برخی از علاقمندان نیز انتقاداتی داشته اند که راهنمای نویسنده در جلدهای بعدی کتاب شد که سعی فراوان داشته ام تذکرات منطقی آنان را مورد توجه قرار دهم. ولی کسانی هم بوده اند که هرگز علاقه ای نداشته

اند این قبیل مطالب تاریخی منتشر گردد و ایراداتی هم داشته اند که قسمتی از آن هم مورد قبول نبود ولی بهر صورت وظیفه دار بودم که نظرات آنان را هم مورد توجه قرار بدهم. وقتی که منطقی در آن نمی دیدم، این سؤال پیش می آمد که گوینده و نویسنده از آن گفته ها و نوشته ها چه نظری داشته و چرا پافشاری داشته اند که مرا از ادامه کار منصرف سازند. آنها می گفتند: «عصر پهلوی تمام شد و این کارشما بی نتیجه است» به آنها می گفتم که این کار هرگز جنبه سیاسی ندارد بلکه می خواهم تاریخ این عصر تاحدودی تنظیم گردد تا آیندگان از آن بی اطلاع نمانند. اما استدلال من در آنها هیچ اثری نداشت. فقط به آنها می توانم بگویم که بابا طاهر عربان این شعر را در وصف آنان سروده است:

تو که باری زدوشم برنداری میان بار سربارم چرانی؟

گاهگاهی دوستان روایت هائی نقل می کردند که در اجتماعی شرکت داشتم. فردی که همیشه از همه چیز روزگار گله مند بود و هرکاری را با دیده منفی می نگریست و زمین و زمان را مسئول خیلی از مشکلات زندگی خود می دانست می گفت انتشار این قبیل مطالب چه فایده ای دارد؟ کار عبثی است. این قبیل افراد گفته اند که جمع آوری و انتشار این نوع مطالب و خاطره نویسی ها کارسبلی است و هرکس می تواند به سهولت انجام دهد منتها صبر و حوصله و پشتکار و تخصص می خواهد که کار هرکس نیست. البته از آنها گله ای ندارم و تأیید می کنم که خیلی ها آگاه تر و مطلع تر از من هستند و باید کاری مهمتر انجام می دادند که چنین همتی نکرده اند و تصور هم می کنم مسئولیت آنها خیلی زیادتر است که توانائی دارند و کاری نمی کنند و باید از آنها پرسید اگر در گفته های خود صادق هستند پس چرا خود کاری انجام نداده اید. بنا براین انتقاد بی پایه و گفتار های بی پشتوانه ارزشی ندارد و هرگز افراد مصمم را که خوشبختانه در میان افراد جامعه ماعداد قابل توجهی هستند، از تصمیمی که گرفته اند باز نمی دارد. پاسخ آنها این دو بیت استاد جلال همائی است که در مقابل تلاش های صادقانه و ارزنده ای که در راه ادبیات ایران می کرد از نیشخند ها و زخم زبان ها نلرزید و به کارش ادامه داد و گفت:

تاجم نمی فرستی، تیغم به سر مزین

مرهم نمی گذاری، زخم دگر مزین

مرهم نمی نهی به جراحت نمک میباش

نوشم نمی دهی به دلم نیشتر مزین

به هرحال کتاب های ایران در عصر پهلوی که شخصا هیچگونه ادعائی درباره تهیه و تنظیم و انتشار آن ندارم پایان یافت و فقط آن را وظیفه کوچکی در حد توانائی خود می دانم تا چنین مجموعه ای در دسترس همگان قرار گیرد که خوشبختانه خیلی از مؤسسات مطبوعاتی و فرهنگی یادآور شده اند که این کتاب ها کار آن هارا در انتشار مطالب آن ایام آسان کرده است و باید یادآور شوم که محتوای این کتابها تنها نوشته و خاطرات نویسنده و دوستان و آشنایانم نیست بلکه مطالب زیادی از نویسندگان و محققین و مورخین و مطلعین و خاطره نویسان داخلی و خارجی ایران است. این ۱۶ جلد کتاب وسیله ای برای نقل کلیه مطالب و خاطرات عصر پهلوی است و همانگونه که در جلد اول یادآور شده بودم برای این آماده شد که هرکس بتواند خاطرات خود را منتشر سازد و حقایق را بگوید تا این سلسله انتشارات مجموعه ای باشد و روشن گردد قهرمانان حل مشکلات در آن زمان چه افرادی بوده اند و مسئولین شکست ها و خطاها چه کسانی هستند؟ باید خدمات و اشتباهات در کنار هم نهاده شود تا نسل جوان بتواند داوری کرده، علاوه بر این همین گفته ها و نوشته ها و سخنان خمیرمایه تاریخ معاصر ایران گردد.

سخن ماند از تو همی یادگار سخن را چنین خوارمایه میدان

گفتن و نوشتن و بیان مطالب، مهمترین اثری است که می تواند از زندگی هرکس به یادگار بماند و در ضمن می تواند راهگشای آیندگان کشور باشد و مردم سرزمین ما با استفاده از این آثار به یادگار مانده و مکتوب، درباره گذشتگان قضاوت کنند. بدون شك آن هائی که توانسته اند مطالب و گفته های خود را صادقانه به تاریخ بسپارند اثری جاودانه از خود به یادگار نهاده اند چنانچه مؤید ثابتی شاعر زبردست معاصر که خود خاطرات مهمی دارد و آن را تنظیم کرده چنین گفته است:

بجای ماند در این روزگار جاویدان

کسی که از هنر خود اثر گذاشت بجای

دوستانی دارم که دارای اطلاعات عمیق در مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده و خیلی خوب می نویسند و خیلی مطلب می دانند و به

چندزبان خارجی تسلط کامل دارند ولی متأسفم که حاضر نیستند اثری از خود به جای نهند. آنها را «دائرة المعارفی» می دانم که درکنج کتابخانه ها گردو خاک می خورد و هیچکس هم به آن دسترسی ندارد. واقعا چگونه ممکن است انسانهایی باشند که اینطور یأس و ناامیدی آنها را تحت تأثیر قراردادها باشد که حاضر نشوند اثری از خود به جای نهند. آنها مشمول این سروده سیاستمدار و شاعر ادیب بزرگوار ما ادیب السلطنه سمیعی هستند:

گیرم که دوست سال دیگر خوشبخت در این جهان بماندی
اما بنگر که با چنین عمر از خود چه اثر بجای ماندی

به هر صورت جلد شانزدهم «ایران در عصر پهلوی» که آخرین جلد کتابهاست دارای فهرست اسامی کلیه جلد های قبلی می باشد. با این یادآوری که در جلد پانزدهم، (فهرست اسامی همان جلد) به اضافه (فهرست اسامی گروهی از جلد ۱ تا ۱۵) به چاپ رسیده است. انگیزه این کار به خاطر تذکرات محققین و دانشگاهیان و پژوهشگران بود تا پیدا کردن هر نوع مطلب و نام مورد علاقه آنها در جلد های مختلف کتاب «ایران در عصر پهلوی» سهل و آسان باشد.

حال که چاپ این کتاب ها پایان یافت، صمیمانه باید بگویم که در این سال هائی که از وطن عزیز به دور افتاده ام، رشته کارهای ناگهان از هم گسست و آنچه برای دوران بازنشستگی و ایام کهولت در داخل مملکت آماده ساخته بودم ناگهان به یغما رفت. تنها دلخوشی من در این شهر و دیاری که هنوز هم به آن خو نگرفته ام، این است که مرتب به کتابخانه ها بروم و نشریات داخلی و خارجی را با دقت مطالعه کنم. با کسانی که در رژیم سابق سمت و مقامی داشته اند بگفتگو بنشینم، هر گفته و نوشته ای را بررسی کرده پس از تحریر و تنظیم آن را در آرشیوی که فراهم ساخته ام بایگانی کنم و سپس در فرصتی مناسب از میان انبوهی از نوشته ها آنهایی را که لازم می دانم ماشین کرده که تعداد صفحات آن از مرز چهل هزار گذشته که ازین آنها این هشت هزار صفحه را به چاپخانه سپرده و با رنج و تعب فراوان برای مطالعه هموطنانم آماده ساخته ام که چون دسته گلی به خواستاران آن تقدیم شده است. وقتی هر جلد از کتاب از چاپ خارج می گردد تمام رنج و زحمت گذشته ام از یاد می رود. وقتی می بینم خدمتی کوچک به فرهنگ کشوری بزرگ و ملتی شریف صورت گرفته است افتخار می

کنم وزمانی هم که می بینم هموطنانم درخانه ها و کتابخانه های کوچک خود این مجلدات را کنارهم نهاده و از مطالب آن بامن بگفتگو می نشینند، بی نهایت شاد می شوم و غم تبعید فراموشم می شود. می بینم درغربت اجباری باانجام وظیفه ای کوچک می توان چراغ فرهنگ ایران را روشن نگهداشت و به ناگهان یاد این سروده می افتم:

چو شمع باش اگر فکر روشنی داری

که بهر فایده دیگران تمام شود

وقتی کتابهای چاپ شده را کنارهم می نهم، وقتی از اظهارنظر همکاران مطبوعاتی و یادآورهای رسانه های گروهی مطلع می گردم، حق دارم که شادمان باشم که به هرصورت و به هرشکل کاری انجام شده است و بازهم حس می کنم شوق و اشتیاق به انتشار مطالب زیادتر درجانب شعله می کشد. با اینکه گرد پیری برسر ورویم نشست و یکبارهم بطورناگهانی درخطرمرگ قرارگرفته ام و ادامه کار به صورت گذشته برایم مقدورنیست ولی این شعر کلیم کاشانی را از یاد نمی برم که می گوید:

شمع قلم ز نامه گرمم به ته رسید

شوقم هنوز بر سر عنوان نمی رود

همه کسانی که نظیر نویسنده درعصری پرتلاش و درکشوری بزرگ مثل ایران فعالیت داشته اند و اکنون به علت تغییر اوضاع ناچارشده اند که ترک دیارکنند تدریجا درکشورهای خارج به زندگی تحمیلی خود عادت کرده و با آن به حکم اجبار دمساز می شوند. زیرا از قدیم نیز گفته اند:

چون مرد درفتاد زجاه و مقام خویش

دیگر چه غم خورد همه آفاق جای اوست

البته دوران جوانی و گذشت ایام برای همه خاطره انگیزاست. فرارسیدن دوران کهولت نیز هزاران مشکل درکنار دارد که باید با آن ساخت و روزگار را گذرانید. گرچه خیلی ازماها عمری را که پشت سر گذاشته ایم و معتقدیم که درزمان خود خدمتی انجام داده ایم، سزاوار آن بوده ایم که ایام بازنشستگی را به صورت راحت و باخیالی آسوده بگذرانیم ولی سرنوشت غیرازاین بود. وقتی به حوادث گذشته و کارهایی که صورت گرفته و به موی سفیدخود می نگریم یاد این شعر دوست گرانمایه ام شاعر خوش قریحه معاصر رهی معیری می افتم که

چنین سروده است:

موی سپید را فلکم رایگان نداد

این رشته را به نقد جوانی خریده ام

با وجود مشکلات زندگی خارج از وطن می دانم برای هرایرانی با هراندازه امکاناتی که در این کشورها وجود داشته باشد آرزوی دیدار وطن و زندگی در میان هموطنان بزرگوار خواسته همگان می باشد و همه خود را مشمول این شعر شاعر ارجمند پارسا تویسرگانی می دانیم:

از جدائی های یاران وطن پژمرده ام

همچو برگگی کز درخت خویشان ماند جدا

هروقت نوشته ای رادرباره سرنوشت نام آوران جهان می خوانم بیشتر به فراز و نشیب زندگی آنها می اندیشم. گاه دیده می شود که افرادی در برابر حوادث و ناملائیات زندگی ضعف به خرج داده و چنان خود را باخته اند که زندگی شان تباه شده است ولی در مقابل افرادی هم هستند که چون کوهی استوار در برابر طوفان حوادث و رویدادهای خطرناک ایستاده و حتی از یزدل جان دریغ نکرده و در نتیجه باشجاعت و درایت و سرسختی ماجراها را از سر گذرانده و زندگی تازه را آغاز کرده اند. این سرنوشت ها و زندگینامه ها باید در دایره المعارفی گردآوری شده و باقی بماند تا هر کس با مراجعه به آن به روشنی بتواند از فراز و فرود زندگی افراد آگاه گردد و به جای تبعیت از افراد ضعیف از افراد برجسته و ممتاز پیروی کرده و زندگی آنها را سرمشقی برای خود قرار دهد.

به سروده ابوالقاسم لاهوتی شاعر آزاده :

هرگز قدمردمان آزاد با هیچ فشار تا نگردهد.

بدیهی است که اشتباهات و خدمات و پیروزی ها و شکست ها و ناتوانی ها و رشادت ها باید در کنار هم در زوایای تاریخ نقش بندد تا اساس قضاوت و داوری برای همه خصوصا نسل آینده باشد تا روشنگر سرنوشت يك ملت گردد. با بررسی رویدادها می توان در برابر مشکلات مقاومت و بردباری به خرج داد و روزهای سخت و مشکل را با تحمل و صبر گذرانید. آن وقت می توان گفت:

ایام هجر را گذرانندیم و زنده ایم

مارا به سخت جانی خود این گمان نبود

در عصری که ما زندگی می کنیم به راستی دوران تغییرات و حوادث شگرفی است که روز به روز ملت ها بیش از گذشته حاکم بر سرنوشت خود می شوند. هر یک از این وقایع مهم تاریخی حاصل قرن ها مبارزه و کشمکش مردمی است که در راه نیل به آزادی و حاکمیت ملی جان داده و پیروزی های تازه ای به دست آورده اند. يك شبه دیوار برلن فرو ریخت و فاصله عمیقی که بین مردم دو آلمان ایجاد شده بود ناگهان از بین رفت و بار دیگر آلمان متحد در جهان سر بلند گردید. مردم زجر دیده و ستم کشیده فلسطین که با دادن تلفات بسیار و مبارزات دلیرانه سرانجام توانستند بر قسمتی از خاک خود حاکم شوند و کشوری به نام فلسطین در میان ملل جهان سر بلند کرد و با افتخار پرچم خود را در سازمان ملل به اهتزاز درآورد. پرده آهنین که پس از جنگ دوم جهانی قسمتی از اروپا را از کشورهای مترقی جهان جدا کرده و تحت سیطره يك رژیم توتالیتر قرار گرفته بود درهم شکسته شد و ملت های تحت ستم استعمار و استثمار و امپراتوری سرخ، آزادی و استقلال خود را به دست آورده و هر یک توانستند رشد و قابلیت خود را به اثبات برسانند. (الخ والنساء) کارگر مبارز لهستانی با رأی مردم کشور خود به کاخ ریاست جمهوری رفت که اکنون با هوشیاری امور کشور خود را اداره می کند. (نلسن ماندلا) رهبر سیاه پوستان آفریقا پس از مبارزات دلیرانه و بسر بردن ۲۷ سال در زندان سرانجام توانست اصول تبعیض نژادی ۳۵۰ ساله را در آفریقای جنوبی از بین برده و در میان شور و شادی همه مردم دنیا مخصوصا آنهایی که از تبعیض نژادی رنج می بردند به کاخ ریاست جمهوری برود و با درایت به کشورداری بپردازد. به جای اینکه يك روش تعصب آمیز پیش گرفته و با انتقام جوئی و آدم کشی کینه های درونی خود را تسکین دهد با رعایت احترام همه مردم آفریقای جنوبی از سیاه و سفید به کشورداری پرداخته حتی مجسمه بانی نژاد پرستی را سرنگون نکرد و به کسانی هم که خواسته اند آن را از بین ببرند گفته است آثار تاریخی باید حفظ شود و این مجسمه باید در کشور بماند تا مردم آینده بدانند که چه کسی مبتکر تبعیض نژادی بوده است.

او گفت باید کینه هارا به خاک سپرد و دل هارا سرشار از مهر به سرزمینی کرد که تاکنون نماد بارزی از نژاد پرستی بوده است. این پیروزی، از آن همه انسانهایی است که سالیان دراز از تبعیض نژادی رنج برده اند. در راهی که من

آغاز کرده ام قهر و زور و انتقامجویی جای خود را به امید و آزادی و نجات از اسارت و جهل و سیاه اندیشی داده است. ما مسائل مهمتر از آن داریم که زمان را صرف انتقام جویی ازستم هائی که بر ما رفته است بنمائیم. مسلما سرنوشت همه ملت ها با آزادی و دموکراسی پیوند خورده است.

آن وقت در کشور بلا دیده ما وقتی بیخردانی که بر حسب تصادف و بطور ناگهانی به قدرت رسیدند با سوء استفاده از حاکمیتی که یافتند چوبه های دار پیا کرده و جوخه های اعدام را به راه انداختند وعده زیادی از انسان های شریف و با ارزش وطن ما را ازین بردند. تنها يك شيخ خونخوار و آدم کش گفته است که یک هزار و یکصد نفر را اعدام کرده است. بسیار زشت و تأسف آور است که در چنین دنیائی که در خیلی از کشورها حتی برای مجرمین و آدمکشان حکم اعدام را لغو می کنند، يك شيخ عامی و خونخوار به خود اجازه می دهد که بگوید من این عده را اعدام کرده ام و به این آدمکشی هم افتخار می کنم. زهی تأسف و تأثر به حال ملتی که در اسارت چنین موجوداتی قرار دارد.

شرم آور است که بگوئیم این قبیل (عمامه داران) از مردانی مانند (ماندلا) (گاندی) و (نهری) و امثالهم نیاموخته اند که باید با هموطنان خود رفتار انسانی داشته باشند. متأسفانه پرچمداران انقلاب تعدادی جلاد بیرحم را بلای جان مردم کرده اند که وقتی شما لیست اعدام شدگان را در این جلد از کتاب می خوانید می بینید چه جنایاتی در سرزمین آریائی ماصورت گرفته که حتی گروهی از همین به اصطلاح انقلابیون و حاکمین فعلی همین رژیم این روش جنایت آمیز را تقبیح کرده اند ولی متأسفانه جانبان و مرتکبین این قتل ها با کمال سربلندی در داخل کشور بسر می برند و به این اعدام های بیشمارانه هم افتخار می کنند.

عجب این است که هنوز در کشور ما کسانی هستند که خیال می کنند می شود در این جهان پر ماجرا یکه و تنها و در حال انزوا به سر برد و با هرگونه قانون شکنی و تجاوز زمام کشوری را در دست داشت. آنها فراموش کرده اند که امروز ملت ها چون حلقه زنجیر بهم متصل هستند و اگر کشوری بخواهد خود را تافته جدا بافته ای بداند، همین می شود که در منجلابی از فقر و فاقه و بی پولی و گرانی و بی سروسامانی فرو می رود و زیان آن متوجه ملتی می گردد که امروز در ایران به سر می برند و از چنین وضعی با چنان حاکمیتی رنج می برند.

ولی تاریخ نشان می دهد که کشورباستانی ایران و ملت صبور و آگاه و پرتحمل ما طی قرون و اعصار گذشته وقایع سهمگین تر از آن راهم دیده و ظلم ظالمان قوی تر از از آنها را هم چشیده ولی باگذشت ایام بادرایت و هوشمندی و صبر و حوصله این قبیل ماجراها را از سرگذرانیده و بار دیگر درمیدان آزمایش پیروز و سربلند، سربرافراشته است. به قول شاعر نامدار وطن ما شهریار:

جهان را تاجهانیان بود زنده نام ایران بود

خوشا ایران زمین تا بود مهد علم و عرفان بود

امروز نسل جوان ما که در داخل و خارج کشور با هزاران مشکل روبرو می باشد باید به تاریخ گذشته خودبنگرد و برای آینده ایران آماده باشد و به یاد آورد که ایران کشوری است که طبق نوشته مورخین صاحب نام دنیا، روزگاری خصوصا در زمان هخامنشیان (اولین ابرقدرت جهان) نامیده شده است. به سروده سعدی شاعر بزرگ ما:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند

چنین ملتی با آن پشتوانه تاریخی مسلما هرگز نیست و نابود نمی شود و این عظمت ملی و این رشته استوار تاریخی با حادثه و تندبادی محو و نابود نخواهد شد. اگر کسانی موجب شده اند که نام «تروریست» و «بربر» در کنار نام «ایران» قرار بگیرد، باید بدانند که متفکرین و پژوهشگران و مورخین جهان آگاهند و می دانند که ایرانی اصیل و شریف از این اتهامات مبری است. ملتی با چنان گذشته درخشان تاریخی به طور قطع «تروریست و بربر و آدمکش» نمی تواند باشد. اینها عده قلیلی ماجراجو هستند که ممکن است در هر کشور و در هر رژیمی پیدا شوند که متأسفانه با استفاده از هرج و مرج اوضاع، دین متمدنی اسلام و نام ملت شریف ایران را وسیله مقاصد سوء سیاسی و غارتگری خود قرار داده اند. بی تردید خیلی زود ابرهای تیره و تار کنار می رود و افق ایران ما مثل همیشه صاف و روشن می گردد و بطور مسلم آینده کشور ما با داشتن آن همه منابع طبیعی و نیروی پرارزش انسانی، درخشان و امیدوارکننده خواهد بود. همانطور که شاعرگرامی معاصر ایران پژمان بختیاری سروده باید گفت:

ایران بجاست تا که بلند آسمان بجاست

از آسمان به گوش رسد این ندا مرا

مصطفی الموتی

۱۴ مردادماه ۱۳۷۳ - لندن

صلح و دوستی در آفریقای جنوبی و هندوستان بجای اعدام و ترور و انتقامجویی

این دو عکس تاریخی با توجه به پیشگفتار به چاپ می رسد.
هندوستان پس از این که از قید حاکمیت انگلستان رهائی یافت مهاجرت گانندی بعد
از پیروزی با (لرد مونت باتن) از صلح و دوستی صحبت کرد و توانست پایه های
استقلال هندوستان را محکم کند.
در آفریقای جنوبی با ابتکار (نلسن ماندلا) سفید و سیاه چنان در کنار هم
قرار گرفتند که جایزه صلح نوبل به ماندلا و (فردریک دوگرل) رئیس جمهور سابق
و رهبر سفیدپوستان داده شد.



نامه های دوستان و اظهار نظر مطبوعات

انتشار جلد پانزدهم «ایران در عصر پهلوی» بار دیگر موجب شد که دوستان و علاقمندان درباره انتشار این مطالب تاریخی به صور مختلف نویسنده کتاب را مورد تأیید و تشویق قرار دهند. با تشکر از مطالب منتشره در رادیوها و تلویزیونها و روزنامه ها و مجلاتی که به زبان فارسی در خارج از کشور به اعتلای نام ایران اشتغال دارند از نظراین که سایر خوانندگان نیز به این نوشته ها آشنائی یابند چند نمونه آن نقل می گردد و صمیمانه از همه کسانی که مشوق و یار و یاور نویسنده بوده و هستند از صمیم قلب تشکر می کنم.

۱۵ سال آوارگی و غربت

۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۲ اول فوریه ۱۹۹۴ - لندن

«یا حق»

می برد هر کس به نزد دوست از جان تحفه ای

ما تھی داستان بی دل شرمساری می بریم

دوست بزرگوار و دانشمند بسیار عزیزم با عرض تشکر بی پایان از این که همیشه بنده را مورد لطف و مرحمت خود قرار می دهید بی نهایت سپاسگذارم.

هرآنکه جانب اهل وفا نگه دارد

خداش در همه حال از بلا نگه دارد

کلك مُشکین توروزی که زما یاد کند

ببرد اجر دوصد بنده که آزاد کند

دوست بزرگوار، در مدت ۱۵ سال آوارگی در غربت نشریات و کتب عدیده منتشر گردیده ولی از نظر تاریخ قبول زحماتی که در نشریات منتشره وجود محترم در دسترس هموطنان قرار دادیده شرافت انسانیت کم نظیر می باشد. هزار افسوس که اولیای امور مملکت نتوانستند به موقع از وجود مردانی ارزشمند و خود ساخته امثال وجود شریف استفاده نمایند. توفیق وجود مهربان و خاندان جلیل را از پروردگاریکتا آرزو مندم.

«سعدیامردنکونام نمیرد هرگز»

مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

بادرود فراوان - ارادتمند همیشهگی

سر لشکر محمود ارم و خانواده

آفرینش يك دائرة المعارف

دوست و مرشد بزرگوار و دانشمند جناب آقای دکتر مصطفی الموتی

باشور و شعف بسیار، پانزدهمین مجلد «ایران در عصر پهلوی» را دریافت داشتم، و بیش از آن که از لطف و عنایت ویژه آن عزیز به خود بیالم، شادمانم که کوله بار تحقیق نفس گیر را با توفیق بر زمین تاریخ و پژوهش ایران گذاشته اید و اینک زمان لذت بردن از آفرینش کارستری برایتان فرارسیده است.

حاصل تلاشی که آن عزیز به پایان برد، در میان سایر ملت ها، ملت‌هایی که هنر خواندن و تفکر را بهتراز مامی دانند، نامی جز آن دارد که ما بر آن می نهیم. به چنین تلاش فاخری «آفرینش يك دائرة المعارف» نام می گذارند و هزارویک جور مقدمه و تمهید بر آن قائل می شوند، و در همین راستا باور نخواهند کرد که یا دائرة المعارف پانزده مجلدی را يك نفر و تنها يك نفر، آن هم در شرایط ادب‌پروری و در هنگامه دور افتادن از اسناد و مدارک ضروری فراهم چینند. برای آنها و در فرهنگ آنها، چنین تلاش نفس گیری به دهها دستیار و صدها هزار دلار سرمایه

و کوشش چندمؤسسه جنبی نیاز دارد. چندهمه مجال می طلبد و آنگاه چشم و دل و دست و اشتیاقها است که منت پذیر آن می شود.

ولی، آیا در جامعه ما چنین است؟

بهر تقدیر، باسپاس از عنایت ویژه آن مرشد بزرگوار، به پایان رساندن این تلاش پژوهشی راصادقانه مبارکباد می گویم و تردید ندارم که این مجموعه چاپ های متعدد بعدی خواهد داشت و در آینده ای نه چندان دور، آنقدر شرح و تحشیه و پانویس بر آن خواهید افزود که دیگر حتی مجالی برای «اگر» و «آیا» هانباشد. این اقبالی است که این گونه پژوهشهای ارزشمند همواره دارد.

باتجدید ارادت و احترام

سیاوش بشیری

نامه يك ایرانی در بدر از وطن

جناب آقای دکتر الموتی

تاریخ عصر پهلوی که به همت جنابعالی تدوین گردیده است بدون شک بهترین اثری خواهد بود که ارزش و مقام آن در تاریخ ایران و بعد از گذشت زمان معنا و مفهوم خاص خود را پیدا خواهد کرد.

هنوز مردم در گرما گرم قرن حاضر می باشند و تاریخ روز برایشان مفهوم چندانی ندارد چون همانطوری که تاریخ گذشته شان بیشتر جاذبه دارد تا این تاریخ روز.

من به عنوان يك ایرانی در بدر از وطن، کسی که از خانه اش فرار کرده و در دوزخ تنهایی اشگ فرزندش بردیده خشگ گردیده است، به سهم خود بر این امر فرهنگی شما ارج نهاده و تشکر می نمایم و امیدوارم عمروتوان مالی من آنقدر باشد تا آخر با شما باشم.

قلمتان پرتوان و وجودتان سالم و عمرتان پاینده

تامن بتوانم شبهای تنهائیم را با آن پرکنم

خدانگهدار شما، رضا

رویدادهای تلخ و شیرین عصر پهلوی

دکتر کورش آریامنش در روزنامه (پیام ما آزادگان) چنین می نویسد:

گشت و گذار دکتر الموتی در تاریخ معاصر

اخیراً در لندن پانزدهمین پوشینه (جلد) کتاب های «ایران در عصر پهلوی» نوشته و پژوهش سخت کوش و پرتلاش دکتر مصطفی الموتی از زیر چاپ بیرون آمد تا بدینگونه بخشی دیگر از تاریخ معاصر ایران به آگاهی مردم ایران برسد.

پژوهش های ستایش آمیز و گسترده دکتر الموتی که در ۷۵۰۰ رویه نگاشته شده اند، به خوبی روشن می سازد که در مدت ۵۷ سال فرمانروائی شاهان پهلوی بر ایران، چه رویدادهای تلخ و شیرین در کشور مارخ داده و ایران چگونه از میان فراز و نشیب ها در گذشته است.

در این کتاب، يك روز شمار تاریخ عصر پهلوی فراهم شده است که آغاز آن روز در خشان نیست که رضاخان میرپنج با اعلامیه ۹ ماده ای خود «حکم میکند - تمام اهالی باید مطیع احکام نظامی باشند» به تهران پا می گذارد تا کشور را از میان موج های سهمگین نابسامانی رهایی بخشد و پایان آن زمانی دردناک است که محمدرضا شاه پهلوی «صدای انقلاب» را می شنود و به مصر و مراکش می رود و گواه سرنوشتی کشور پادشاهی پهلوی می شود و چنانکه در پایان کتاب با عنوان «خدا حافظ»، به بازگو کردن گوشه ای از کتاب «پاسخ به تاریخ» می پردازد که محمدرضا شاه در این باره چنین نوشته است: «آخرین روزهای اقامت من در تهران بسیار سخت و دشوار بود. شبهایی به بیخوابی گذشت. آرزو داشتم سفر من موجب پیدایش آرامش و تسکین شود. اکنون دور از وطن مقدس برای اثبات حق شناسی خود نسبت به فداکاران و جانباختگان جز توسل به دعا راه چاره ای ندارم.»

پژوهشگر دانشمند، دکتر الموتی در این کتاب ۴۵۰ رویه ای همچون نوشته های پیشین، بررسیهای گسترده ای را درباره شاهان پهلوی انجام داده که

بخش بزرگی از آن مربوط به زندگی خصوصی محمدرضاشاه است. در این کتاب روشن می شود که شاهان پهلوی در روزهای تعطیل و درگردهمایی های دوستانه، نزدیکان و بستگان چه می کرده و با چه کسانی همدم و همنشین بوده اند.

نام همه نخست وزیران، وزیران و معاونان نخست وزیر و دست اندرکاران کشور و گردانندگان سازمان برنامه و دیگر کشورمداران که شاید کمتر بتوان نامی از آن ها را در جاهای دیگر دید، يك جامع آوری و به چاپ سپرده است. بنمایه ها و کارمایه های (مدارک و اسناد) دوران پهلوی، همه با موشکافی و ژرف اندیشی ویژه ای برگزیده شده اند که به خوبی روشنگر فرمانها و دستورها، رویدادها و نام و کارکرد کارگزاران و گردانندگان کشور می باشند. در کمتر نوشته و نگارشی است که بتوان این همه آگاهی درباره خانواده و گذشته رضاشاه که در این کتاب آمده است به دست آورد. دکترالموتی با بهره گیری از کتاب «سلیمان بهبودی» از تاریخ خانوادگی و زندگی مردی سخن می گوید که در ساختن ایران و تاریخ کشورما نقشی بزرگ و چشمگیر داشته است. اگرچه همگان می دانند که رضاشاه مردی خودساخته، میهن پرست، پرتوان و توانا بود که از سربازی به سرداری و پادشاهی رسید ولی با این کتاب، به گونه ای بهتر و شایسته تره بررسی و شناسایی این مرد بزرگ می پردازد. بیگمان «هزار خانواده» نیز در همه رویدادها و دگرگونیهای تاریخ ایران نقش داشته اند. از این روست که پژوهشگر پرتوان دربخشی بزرگ از «هزار خانواده» سخن می گوید و پیوندهای خانوادگی را میان کشورمداران و سیاستمداران که از دیرزمانی در گرداندن کشور نقش داشته اند، به روشنی بازگو می کند و به ویژه انگشت برنقش «برادران» دربخشهای دولتی و خصوصی می گذارد. برادرانی که گرداننده کشور و سیاست پیشه بودند، برادرانی که زندان را گرفتند، برادرانی که به نخست وزیری، نمایندگی و... رسیدند و سرانجام برادرانی که در ترورهای سیاسی دست داشتند.

زندگینامه روسای مجلس و بسیاری از نمایندگان به ویژه دکتر سعید، واپسین رئیس مجلس به خوبی بررسی و نگاشته شده است که

چگونه اشراقی داماد خمینی اورا گول می زند و از او که می خواست از کشور خارج شود درخواست می کند که تا چندروز دیگر در تهران بماند تا حکومت از دست بختیار به دست مهدی بازرگان برسد و آنگاه کشور را ترک نماید، ولی او با پیش آمدن ۲۲ بهمن با اطلاع اشراقی در خانه ای پنهان می شود که پاسداران یکسره به سراغش می روند و دستگیر و تیربارانش می کنند.

دکترالموتی پژوهش بنیادین خود را با نگارش «سراجام چه شد؟» چنین به پایان می رساند که:

«روزی در کشور ما میر پنج رضاخان با اراده قوی و رشادت، خود را به سلطنت ایران می رساند و روزی هم محمدرضا شاه با ضعف و تردید سلطنتش را از دست می دهد ولی صفحات تاریخ برای قضاوت درباره اعمال و رفتار آنها باز است و بی حب و بغض درباره رویدادها داوری می کند. در کتابهای ایران در عصر پهلوی خدمات و اشتباهات شاهان پهلوی و کسانی که در آن ایام مصدر شغل و مقامی بوده اند در کنار هم گذارده شده تا راه قضاوت برای همگان سهل و آسان باشد.»

در این کتاب بخشی از نوشته دکتر کورش آریا منش به نام «شهریاران گمنام را یاری و پشتیبانی کنیم» چاپ شده است که از دکتر الموتی و دیگر نویسندگان پر تلاش و میهن پرست ستایش و خواسته شده است که میهن پرستان از نویسندگانی چون دکتر الموتی که تاریخ معاصر ایران را زنده و پویا نگاه داشته و خستگی ناپذیر بررسی و پژوهش می کنند از پشتیبانی دریغ نوزند.

کامیابی نویسنده و پژوهشگر پرتوان دکتر مصطفی الموتی را در راه خدمت به ایران زمین و فرهنگ و ادب و تاریخ ایران آرزو مندیم.

کار مهمی با حجم بزرگ

روزنامه (ایران خبیر) چاپ واشنگتن درباره جلد پانزدهم ایران در عصر پهلوی چنین می نویسد:

در لندن جلد تازه بی ازسری کتاب های دکتر مصطفی الموتی انتشار یافت. محتوای این کتاب ها که اینک جلد پانزدهم آن انتشار یافته به دوران

سلطنت پهلوی ها اختصاص دارد و الموتی وقت و همت بسیار در راه تهیه آن به کار برده است، درباره الموتی و کار او که نوعی روایت تاریخ است بدنیست که نکته هائی یاد آور شویم:

مصطفی الموتی کار سیاسی، اجتماعی خود را با حرفه ی روزنامه نگاری شروع کرده است و روزنامه داد به مدیریت مرحوم عمیددی نوری، از مهم ترین نشریاتی بود که در دهه ی ۲۰ در آن قلم می زد و بعد خود الموتی اقدام به انتشار روزنامه و مجله صبح امروز کرد. الموتی سپس وارد به کارهای دولت شد و در زمان نخست وزیری دکتر منوچهر اقبال به معاونت نخست وزیر رسید و نیز در همان زمان از گردانندگان حزب ملیون بود. بعدها پس از کناره رفتن دکتر اقبال و تحولات دیگری که در کشور روی داد و منجر به تشکیل کانون مترقی و سپس حزب ایران نوین شد، الموتی نیز به حزب ایران نوین پیوست و به عنوان کاندیدای این حزب به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید و لیدر فراکسیون پارلمانی این حزب شد و مدتی هم به کارهای اقتصادی روی آورد و سهامدار چند شرکت شد و در زمینه معدن کار می کرد. و امپس از انحلال احزاب و تشکیل حزب واحد رستاخیز الموتی همچنان از سوی این حزب نیز نامزد شد و مجدداً به مجلس رفت و همچنان نماینده مجلس بود که انقلاب فرآمد و دوران فعالیت سیاسی و پارلمانی الموتی به آخر رسید و وی به انگلستان رفت و در این کشور اقامت گزید. نکته دیگر درباره الموتی اینکه در تمام دوران فعالیت سیاسی روابط نزدیک وی با دکتر منوچهر اقبال معروف و زبانزد بود و هم اکنون عکس العمل های وی درباره یادداشت های علم، که بالحنی تلخ از اقبال یاد شده، نشانه آن دوستی قدیمی است.

... و اما مصطفی الموتی از چند سال قبل شروع به تهیه مطالبی درباره حوادث و رویدادهای پهلوی ها کرد که این مطالب را به صورت کتاب به دست انتشار سپرد. درباره این مجموعه پانزده جلدی آنچه می توان گفت اینکه مطالب و محتوا، آنطور که اشاره کردیم نوعی روایت حوادث تاریخ معاصر است که می توان گفت این مطالب فرآورده های خام برای محققانی است که می خواهند درباره تاریخ معاصر و با توجه به اصول تاریخ نگاری دست به تحقیق و

پژوهش عمیق تری بزنند و از این نظر قطعا کاری که الموتی انجام داده و می دهد، شایان توجه بسیار است و سرانجام باید گفت که چنین کاری با این حجم بزرگ تنها از یک روزنامه نگار حرفه یی برمیآید که الموتی نشان داده است در این عرصه وارد به کار و دقایق آنست و اعتبار مجموعه ارائه شده نیز در حدیک کار روزنامه نگاران است.

مطالب مهمی درباره آخرین روزهای محمدرضا شاه پهلوی

روزنامه نیمروز چاپ لندن چنین می نویسد:

جلد پانزدهم (ایران در عصر پهلوی) نوشته و تحقیق دکتر مصطفی الموتی در لندن انتشار یافت و به این ترتیب مهمترین کتاب تحقیقی درباره تاریخ معاصر ایران به ۱۵ جلد رسید، مع هذا نویسنده کتاب معتقد است که هنوز تاریخ عصر پهلوی به صورت جامع و کامل تنظیم نگردیده و باید مطالعات در این باره ادامه یابد.

دکتر الموتی در این جلد از کتاب یک روز شمار تاریخ تهیه کرده که مبداء آن روز سوم اسفند می باشد که رضا خان میرینج کودتا کرد و با عنوان (حکم می کنم) زمام امور کشور را به دست گرفت. از آن تاریخ به بعد کلیه وقایع مهم دوران پهلوی به صورت خلاصه مورد اشاره قرار گرفته و هر کس بخواهد مطلع شود که از روز سوم اسفند ۱۲۹۹ تا روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چه وقایع مهمی و در چه سالی اتفاق افتاده می تواند از این روز شمار تاریخ بهره مند شود.

در پایان این جلد از کتاب اسامی نخست وزیران و وزرا و کفیلان وزارت خانه ها و معاونین نخست وزیر و وزرای دربار و رؤسای مجلسین سنا و شورایی ملی و مؤسسان و مسئولین سازمان برنامه دیده می شود و حاکی از آن است که چه کسانی در طول مدت ۵۷ سال حکومت پهلوی به مقامات مهم مملکتی رسیده اند. مطلب مهمی که در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته اسامی (هزار فامیل) و افراد خانواده های معتبر ایرانی است که در بخشهای دولتی و خصوصی نقش مهمی داشته اند و همچنین برادران موفق که هر یک چه سمت هائی داشته و نقش آنها ذکر شده است.

يك سري از اسناد و مدارك مربوط به دوران سلطنت پهلوي در اين جلد كتاب ديده مي شود كه انتشار آن بسيار ضروري بود و پرده از روي خيلي از مسائل سياسي برمي دارد.

مطلب بسيار جالب و خواندني در اين كتاب زندگي خصوصي محمدرضا شاه پهلوي مي باشد و نشان مي دهد كه پهلوي دوم در خلوت با چه كساني معاشرت داشت و ايام تعطيلات را چگونه مي گذراند و همبازيهاي او در بازي با ورق چه كساني بوده اند و چه گفتگوهاي رد و بدل مي شده و نظر شاه فقيد نسبت به دوستان و بستگان و اطرافيانش چه بوده است؟

در اين جلد از كتاب همچنين پيرامون زندگي سپهبد امان الله ميرزا جهانباني و خانواده جهانباني مطالب چاپ شده و علت اينكه سپهبد جهانباني مورد غضب رضا شاه قرار گرفته بود روشن شده و وضع خانواده جهانباني در عصر پهلوي مورد اشار قرار گرفته است.

از مطالب جالب ديگر اين جلد از كتاب (انتقال سلطنت از پهلوي اول به پهلوي دوم) - آخرين سالهاي زندگي رضا شاه - چند خاطره مهم درباره سرطان و ثروت محمدرضا شاه و چگونگي كودتاي سرلشكر قزويني و ارتباط آن با كودتاي سرلشكر عبدالكريم قاسم در عراق - دولت مرداني كه در اين دوران خودكشي کرده اند، مي باشد با عكس هاي تاريخي متعدد كه نموداري از وضع خانواده ها و افراد در عصر پهلوي است.

جالب ترين بخش اين كتاب به گفتگوئي با دكتور اصلا ن افشار آخرين رئيس تشريفات دربار شاه اختصاص داده شده است. در اين گفتگو اصلا ن افشار پيرامون سفر شاه به خارج و انصراف او از صدور فرمان نخست وزيري ارتشبد اويسي و همچنين رفتار آمريكائيها با شاه و علت انصراف از سفر آمريكا و اينكه شاه تا آخرين روزهاي عمر از چه كساني گله مند بود و درباره وضع مملكت چه فكر مي کرده مطالب مهمي بيان داشته است.

بیطرفی و بی نظری کامل در کتاب های ایران در عصر پهلوی

روزنامه کیهان چاپ لندن چنین می نویسد:

ایران در عصر پهلوی (جلد پانزدهم) که روز شمار تاریخ و وقایع مهم با فهرست گسروهی اسامی از جلد اول تا پانزدهم نام گسرفته تازه ترین اثر دکتر مصطفی الموتی سیاستمدار و روزنامه نگار و محقق ایرانی است که به چاپ رسیده است. دکتر الموتی که در غربت کار تحقیق را برگزیده و تاکنون ۱۵ جلد کتاب تحقیقی منتشر ساخته است (اسامی هر ۱۵ جلد رانام برده است)

درباره اهمیت کار تحقیق دکتر الموتی و رویدادهای ایران در عصر دوپادشاه پهلوی پیش از این در موقع انتشار هر جلد از کتابها یادآوری هائی کرده ایم و در اینجا فقط به ذکر این نکته اکتفا می کنیم که کمتر محقق و مورخی در ایران تاکنون کاری به عظمت جمع آوری و بررسی و تحقیق و انتشار رویدادهای «ایران در عصر پهلوی»، آن هم با بی نظری و بی طرفی کامل انجام داده است. در حقیقت دکتر الموتی با این خدمت دین خود را به ایران و ایرانی ادا کرده است.

تصور ما از جلد پانزدهم آن بود که شامل روز شمار تاریخ و وقایع مهم ایران در عصر پهلوی و نام مقامات و اشخاص در کتابهای پیشین است اما مطالعه مختصر کتاب نشان می دهد که جلد پانزدهم نیز مستقلاً کتابی است مانند جلد های پیشین با این تفاوت که فهرستها رانیز شامل می شود. گفتگوی دکتر الموتی با دکتر اصلان افشار قاسملو آخرین رئیس تشریفات دربار سلطنتی ایران که در روزهای بحرانی و آخرین روزهای زندگی شاه فقید در کنار او بود از مهمترین قسمت های کتاب می باشد زیرا حقایقی که بر بسیاری از مردم پوشیده بود به طور کامل بیان شده است. روزنامه کیهان سپس به کلیه مطالب کتاب اشاره کرده و این کتاب را يك اثر مهم تاریخی معرفی نموده است.

ایران در عصر پهلوی همسنگ «تاریخ ایران باستان»

روزنامه مشروطیت چاپ لندن چنین می نویسد:

ایران در عصر پهلوی، عنوان پانزده جلد کتابهایی است که به وسیله مرد فرهنگ و سیاست، دکتر مصطفی الموتی تحقیق و تألیف شده است. اواز پر آوازه ترین روزنامه نگاران و مورخان زمان ماست که در موقع حیات و زندگی دنیوی اش در نهایت سلامت و درست اندیشی کار بسیار مهمی به انجام رسانده و از آن مهمتر خود مستقیماً بدون واسطه آثار پراچ اش را به چاپ رسانده است. جمع آوری خیل مدارک و اسناد و به کار گرفتن آن با «بی نظری علمی» کار هر محقق و دانش پژوهی نیست. آدم باید مانند دکتر الموتی در تمام طول زندگی به شیوه خودش بتواند «تعادل» را در سیاست حفظ کند، تا موقوف به انتشار چنین اثر بزرگی شود. دکتر الموتی خود شخصاً تمام گرایش های سیاسی رایج در ایران را آزموده و چون سنگ زیرین آسیا، «ماندنی» شده است. پانزده جلد کتاب ایران در عصر پهلوی باروز شمار تاریخ و وقایع، مهمترین اثر سیاسی و تاریخی می باشد که پس از انقلاب منتشر شده است. اگر بخواهیم همسنگی بر آن بجوئیم، باید این اثر الموتی را با تاریخ ایران باستان، تألیف شادروان حسن پیرنیا، مشیرالدوله مقایسه کنیم. هر دو اثر در کمال و تعالی بینظیرند و باید نام دکتر مصطفی الموتی را در کنار نام روانشاد مشیرالدوله قرارداد. دکتر الموتی مشغول آماده ساختن بخش هایی از کتاب «ایران در عصر پهلوی» به زبان انگلیسی است.

همانطوری که در هر خانواده ایرانی همراه کلام الله مجید، شاهنامه و دیوان حافظ وجود دارد دوائر پراچ دکتر مصطفی الموتی و روانشاد حسن پیرنیا (مشیرالدوله) در هر خانه ایرانی باید باشد تا خواندن آن ما را در راه بازشناسی ایران یاری دهد.

باسپاس فراوان از مؤسسه انتشاراتی «بوك پرس» با اجازه مؤلف به نقل قسمت هایی از این کتاب از سال ۱۳۲۰ خورشیدی می پردازیم به امید آنکه فرزندان ایران زمین با نوشیدن آبی از این دریای بیکران به عنوان «رفع عطش» بر حسب طبیعت رغبت بیشتری در خود حس کنند و تمام پانزده جلد کتاب «ایران در عصر پهلوی» را به دقت مطالعه نموده و برای جوانان بازگو کنند تا این نوشته های پراچ وسیله ای شود برای شناخت ریشه های تاریخ ایران.

آن اتفاق ناگوار درنیس

به دنبال خبری که پیرامون بیماری دکتر مصطفی الموتی همکار عزیز نیمروز و محقق و نویسنده کتاب های ایران در عصر پهلوی در نیمروز منتشر شد بسیاری از خوانندگان عزیز و دوستان و آشنایان از ما احوال ایشان را که به دلیل خصلت های پاک و منش انسان دوستانه و دوست طلبش از دوران خبرنگاری روزنامه های تهران و دولتمداری و وکالت و سپس تبعید مرکز توجه و علاقه ایرانیان قرار داشت، سئوال می کردند و جوایب سلامتی او بودند، از ایشان خواستیم به جای ماکه روزهای متعدد پای تلفن توضیح می دادیم که چه شد و چه نشد، خودشان در این زمینه پادداستی تنظیم کنند.

آنچه می خوانید نوشته ای است که دکتر الموتی در مورد آن اتفاق ناگوار درنیس به رشته تحریر کشیده است که ما با اظهار امتنان از درگاه باری تعالی بخاطر بازگشت سلامت دوست عزیزمان، نوشته ایشان را در اینجا چاپ می کنیم.

۵ دقیقه درد هلیزمرگ

روزی پنجشنبه ۲۶ خرداد هنگام اقامت در (نیس) خیلی خوب شروع شد. ساعت ۹ صبح با دوست دانشمندم دکتر منوچهر بهرون در کنار دریا قدم زدیم و از اطلاعات و سیع و مطالعات عمیق او مثل همیشه بهره ها بردیم. ضمن گفتگو اظهار داشت دوست مشترکمان مهندس رحمت صفائی که روز قبل با هم بودیم بطور ناگهانی دچار بیماری شده و او را به بیمارستان (آرشه) برده اند که اکنون تحت مداوا قرار دارد.

ضمن ابراز تأسف از بیماری انسانی که گره گشای مشکلات هموطنان خود در شهرنیس می باشد گفتم دنیای عجیبی است، هیچکس از فردای خود خبر ندارد، صفائی روز قبل از سلامت کامل برخوردار بود و امروز در بیمارستان تحت مداوا و معالجه قرار دارد. عصر همان روز با دو دوست بزرگوار هلاکو رامبد و امیر خسرو افشار که از دولتمردان شایسته عصر پهلوی هستند دیداری داشتم. درباره خیلی از مسائل سیاسی داخلی و خارجی به بحث و گفتگو پرداختیم که اطلاعات جامع آنها نیز برایم خیلی با ارزش بود.

ساعت ۷ بعد از ظهر که از آنها جدا شدم با همسرم مقابل در ورودی فروشگاه (لافایت) قرار می داشتم که متفقا برای صرف شام کوچکی به یکی از رستورانها رفتیم و ساعت ۸ و نیم شب تصمیم گرفتیم که برای دیدار برنامه های تلویزیونی به خانه برویم. قدم زنان خود را به ایستگاه اتوبوس رساندیم و منتظر ماندیم. پس از لحظه ای اتوبوس از دور نمایان شد که من و همسرم به آن

می نگرستیم. در آن لحظه بطور ناگهانی و خیلی آرام از پشت به روی زمین کنار ایستگاه اتوبوس افتادم. این سقوط بقدری بیصدا بود که همسرم متوجه من نشد ولی وقتی روی خود را برگرداند با کمال حیرت دید که به زمین افتاده ام. دچار تعجب و ناراحتی فراوان گردید و در کنار من روی زمین نشست و سر مرا روی دامن سفید خود قرار داد که غرق خون گردید. او بعداً به من گفت در حالیکه اشک از چشمانش سرازیر شده بود دیده است که چشمهای من بکلی بسته شده و هیچگونه آثار حیات در من دیده نمی شود و در همین حال از مردم کمک خواسته است، او می گوید: فکر می کردم شعله حیات تو برای همیشه خاموش شده و به سرای ابدی پیوسته ای... بهمین جهت دنیا در نظرم تیره و تار شد و در یک لحظه احساس کردم همه چیز در زندگی پایان یافته است. آنهایی که ما را می شناسند می دانند زندگی ما دوتن به هم پیوسته است و ادامه زندگی یکی از ما بدون دیگری کاری است بسیار مشکل و طاقت فرسا... او گفت بهر صورت این صحنه تأسف آور چنان مرا هیجان زده کرده بود که کلیه کسانی که در آنجا حضور داشتند دور ما اجتماع کرده هر یک در صد کمی برآمدند تا از خونریزی زیاد تر جلوگیری شود. فرانسویها در این قبیل کارها از خود فداکاری بسیار نشان می دهند و صمیمانه همدردی و همکاری می کنند. آنها در حالیکه مرا دلداری می دادند که واقعه مهمی نیست و با وسایل ابتدائی خون های سر توراپاک می کردند و می گفتند باید اورا به بیمارستان رسانید.

همسرم می گوید این واقعه که برایم ضربه ای شدید و غیر مترقبه بود چنان مرا در وحشت و اضطراب فرو برده بود که به اصطلاح دست و پای خود را گم کرده و خونسردی خود را از دست داده و اشگریزان قیافه آرام و خونین تو را می نگریستم و خون های سر را پاک می کردم، با این که همه توصیه می کردند توراتکان ندهم ناخود آگاه بدون اراده سر تو را از روی زانوی خود بلند کردم که بلافاصله چشمان تو برقی زد و آثار حیات در تو ظاهر شد و بدون اینکه بدانی چه واقعه ای اتفاق افتاده و سر و لباسهایت غرق در خون است می گفתי پس چرا به منزل نمی رویم؟ گفتم مگر نمی دانی به زمین افتاده ای و سرت خونی شده و هنوز هم خونریزی ادامه داد. گفתי واقعه مهمی نیست با تاکسی به خانه می رویم و سر را پانسمان می کنیم. گفتم بهتر است به بیمارستان برویم تا بدانند چرا این ناراحتی برای تو پیش آمده است؟ تو که از ماجرای سقوط روی زمین بی اطلاع بودی می گفתי من کاملاً سلامت هستم و احتیاجی نیست که به بیمارستان برویم. بیمارستان برای چه؟

در همین گفتگو بودیم که یکی از همین فرانسویهای بشردوست به بیمارستان تلفن کرد و امبولانس خواست که ظرف چند دقیقه رسید و به سرعت مرا همراه همسرم به بیمارستان (سن رخ) منتقل ساختند. پزشکان در بین راه به پانسمان سر پرداخته و مانع خونریزی زیادتر شدند. این بیمارستان که همان

نزدیکی هابود از مجهزترین بیمارستان های نیس برای سوانح می باشد.
از نظر من که از جریان آگاه نبوده و نمی دانستم چند دقیقه زندگی از من دریغ شده بود و اساسا جریان سقوط خود را در پیاده رو بهیچوجه حس نکرده و از آن بی اطلاع مانده بودم رفتن به بیمارستان بیهوده به نظر می رسید ولی همسر کم کم مرا از واقعه آگاه ساخت. تازه فهمیدم که ۵ دقیقه در دهلیز مرگ بودم که اکنون از آن رها شده ام. وضع بصورتی بود که هم از سقوط خود و هم از بازگشت به زندگی مجدد بی اطلاع مانده بودم.

در بیمارستان (سن رخ) پزشکان ضمن مداوا و عکس برداری های مختلف اظهار نظر کردند که معالجات اولیه صورت گرفته و لازم است به بیمارستان مجهزتری منتقل گردیم که پس از یک شب اقامت در آن بیمارستان به بیمارستان (آرشه) منتقل شدم و ۵ شب هم در آنجا بستری و تحت معالجه قرار گرفتم. تصادفا این همان بیمارستانی بود که مهندس صفائی در آنجا بستری بود و چون از بیماری من آگاه شد با همان حال کسالت بیدارم شتافت. با دیدن او یاد گرفته خود در روز قبل افتادم که می گفتم انسان از فردای خود بی خبر است. اشتباه روز قبل خود را اصلاح کرده گفتم انسان از یک ثانیه بعد زندگی خود خبر ندارد. حقیقتا همانطوری که گفته اند انسان در هر لحظه با خطر مرگ روبرو است. در قرآن مجید هم اشاره ای شده که خطر مرگ از رگ گردن به انسان نزدیکتر است.

در بیمارستان (آرشه) هم آنچه برای معاینه و معالجه لازم بود صورت گرفت. همه گونه آزمایش و عکسبرداری شد. غیر از بیماری مزاحم (آسم) که مدت ۲۰ سال است بلای جانم می باشد و آن را هم می دانستم هیچ آثارضعفی در بدنم نیافتند. نتیجه هرگونه آزمایشی خوب و طبیعی بود و هرچه پزشکان تلاش می کردند و هنر نوع عکسی که می گرفتند و هنر نوع تجزیه ای که می شد آنها را به این نتیجه نمی رسانید که چرا ناگهان سقوط کرده و چرا به سرعت به حال طبیعی بازگشته ام.

همکار پارلمانی شریف من دکتر پریش سرخوش که با همسر فرانسوی اش در نیس زندگی می کند و عاشق خدمت به همنوع می باشد به سرعت به بیمارستان شتافت. او که تازه از افغانستان بازگشته و با همکاری (پزشکان بی مرز) خیلی از مجروحین جنگ های داخلی افغانستان را معالجه کرده و رنج و تعب فراوانی در این سفر برده شب و روز در بیمارستان بسر می برد و با پزشکان فرانسوی در بحث و گفتگو بود تا ریشه این سقوط ناگهانی را کشف کند. او از این معاینات و معالجات قانع نشد و از پروفسور (مراند) عالی ترین متخصص قلب در این منطقه وقت ملاقات گرفت و مرا برای ادامه معالجه به بیمارستان پاستور برد. یک روز تمام زیر نظر او و همکارانش تحت معالجه و مداوا و عکسبرداری های مختلف قرار گرفتم و در حقیقت یک (چک آپ) کامل و دقیق صورت

گرفت و از دستگاه های الکترونیکی و کامپیوتری برای قسمت های مختلف بدن یاری خواست و سرانجام وسیله کوچکی به پدمن وصل کردند که مدت ۲۴ ساعت تمام حرکات بدن من به ویژه ضربان قلب در آن ثبت و ضبط می شد.

این معالجات دقیق و عمیق آنها را به اینجا رسانید که بدن از هر حیث سالم است. نیاشامیدن مشروبات الکلی و نکشیدن سیگار و ادامه ورزش و راه پیمائی مرا از هر حیث سالم نگه داشته فقط احتمال دارد در یک لحظه اختلالی در گردش خون پیدا شده که موجب بیهوشی و سقوط روی زمین گردیده اما چون بدن سالم و آماده دفاع بود بار دیگر سلامت کامل بازگشته و احتمال تجدید و تکرار آن هم بسیار کم است و موارد زیادی دیده شده که افراد فقط یکبار در زندگی دچار چنین وضع شده اند. با اینطرز ضروری است که سالی یکبار (چک آپ) کامل و عکسبرداریهای دقیق از قلب و مغز و عروق صورت گیرد تا حرکت خون را در بدن نشان دهد تا اگر بعلت ضعف رگها و موی رگها در گردش خون رختی پیدا شد با داروهای مختلفی که وجود دارد نظمی در گردش خون برقرار شود که فعلا استفاده از هیچگونه دارویی ضروری نیست و زندگی بهمان صورت گذشته باید ادامه یابد.

در اینجا باید یادآور شوم که در این معاینات و معالجات اعتقاد یافتیم که فرانسویها در کارهای پزشکی و درمانی بسیار پیشرفته هستند و پزشکان فرانسوی درمان بیمار را فریضه و وظیفه خود می دانند و تا انسان را مورد معاینه و معالجه دقیق و عمیق قرار ندهند از او دست بردارنیستند. چون یک سیستم بیمه درمانی هم در فرانسه وجود دارد همه کسانی که بیمه هستند به سهولت و بدون پرداخت وجه می توانند از تسهیلات کامل برخوردار باشند. دیگر مسئله پول و هزینه درمان برای بیمار و پزشک مطرح نیست و از این حیث باید گفت وضع کشور فرانسه برخیلی کشورها برتری دارد.

ضمن تشکر از همه کسانی که مرا در این واقعه ناگهانی یاری کرده و به یاد من بوده اند خدا را شکر می کنم که بهر حال زنده مانده ام تا بتوانم به کارهای انتشاراتی و مطبوعاتی خود ادامه داده و کاری را که شروع کرده ام به پایان برسانم. چون نزدیک بود در شانزدهمین سال دوران تبعید در حالیکه شانزدهمین جلد از کتابهای (ایران در عصر پهلوی) در چاپخانه ناقام مانده بود جهان را ترک کنم.

امیدوارم که در بقیه عمر باز هم بتوانم خدمت کوچکی به هموطنان عزیزم و تاریخ معاصر ایران انجام دهم.

مصطفی - الموتی

نیس دوم مرداد ماه ۱۳۷۳



نویسنده کتاب در سال ۱۳۳۸ پس از انتصاب به معاونت نخست وزیر و ریاست
کل بازرسی نخست وزیری

نقش شاهان پهلوی در تاریخ معاصر ایران

بررسی تاریخ عصر پهلوی بدون اینکه از اخلاق و رفتار شاهان پهلوی آگاهی دقیق داشته باشیم مقدور نیست از این جهت به فکر افتادم تمام خاطراتی را که درباره تاریخ معاصر ایران نوشته شده مجدداً بررسی کرده و از هر خرمن خوشه ای بچینم تا خوانندگان و محققین بهتر بتوانند درباره کسانی که ۵۷ سال در ایران حاکمیت داشته اند اظهار نظر کنند.

خوشبختانه طی سالهای اخیر نزدیکان شاهان پهلوی به انتشار مطالبی پرداخته اند که بهتر و بیشتر همگان را به خصوصیات اخلاقی آنان آشنا می سازد. انتشار خاطرات سلیمان بهبودی که شب و روز بارشاه بود و انتشار یادداشتهای امیر اسدالله علم وزیر دربار مقتدر محمدرضا شاه که با همت و کوشش دکتر علینقی عالیخانی انتشار یافته خیلی از نکات اخلاقی شاهان پهلوی را روشن می سازد که سعی نویسنده این است که با توجه به همه نشریاتی که طی سالهای اخیر انتشار یافته قسمتی از آن را در این جلد که آخرین جلد از کتابهای ایران در عصر پهلوی می باشد منتشر سازم.

اخلاق و رفتار و شخصیت رضاشاه

ارتشبدفریدون جم که همواره از رضاشاه با احترام و تجلیل یاد می‌کند و چندسال قبل نویسنده کتاب با او گفتگویی درباره اقامت رضاشاه در جزیره مورس انجام داده بود، اخیراً در یک گفتگوی رویاروی با دکتر نوری زاده چنین گفته است:

رضاشاه مردی بود بسیار وطن پرست، متین، خانواده دوست و بردبار، در تمام مدت اقامت در جزیره مورس که در کنار ایشان بودم هیچوقت درباره ازدست دادن سلطنت و ثروت شخصی خود چیزی نمی‌گفت ولی همیشه ناراحت بود که مبادا وضع ایران خراب شود. او می‌گفت برای پیشرفت ایران خیلی تلاش کردم تا قدری پیش رفت. غصه می‌خورد که مبادا وضع ایران خراب شود.

رضاشاه هرگز امیدی به مراجعت به ایران نداشت ولی ترجیح می‌داد که در ایران زندگی کند و از زندگی در خارج بیزار بود. شبی هم که قرار بود در جزیره مورس لباس اسمو کینک بپوشد تا در ضیافت

فرماندار جزیره شرکت کند، وقتی خواست لباس اسمو کینک را بپوشد گفت «خدا مرا مرگ بدهد که مجبور بپوشیدن این لباس هستم» به عرضشان رساندم که خوب است اعلیحضرت لباس نظامی خود را بپوشد. ناپلئون هم در جزیره سنت هلن، همیشه لباس نظامی می پوشید. وقتی لباس اسمو کینک را پوشید و درآینه خود را نگاه کرد باخنده گفت «شبییه پیشخدمتها شده ام».

در پاسخ این سؤال که عده ای می گفتند رضاشاه بیسواد بود جم گفت البته او در قزاقخانه خدمت کرده بود و تحصیلات زیادی نداشت ولی بسیار باهوش و مطلع و بصیر بود و خیلی مطالب را خوب می فهمید و درک می کرد و حتی در جزیره مورس می خواست فیزیک بخواند. کاغذهایی را که برایش به فرانسه می نوشتم کلمه به کلمه معنی فارسی آن را می پرسید و عینا همان طوری که شنیده بود تکرار می کرد. حافظه خیلی خوبی داشت و سطح فهم و شعورش بالا بود. فوق العاده وطن پرست بود و به مملکت علاقه داشت.

رضاشاه در جزیره مورس خاطرات زیادی را برابرم نقل کرد وقتی از اعلیحضرت اجازه خواستم که این خاطرات را یادداشت کرده تا در تاریخ ایران بماند فرمودند حالا لازم نیست به موقع خواهم گفت که این کار انجام نگردید و متأسفانه این خاطرات از بین رفت.

رضاشاه در تبعید در باره ایران چه فکر می کرد؟

روزنامه پیام ما آزادگان، مطالب زیر را از یادداشت های عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام نقل کرده است. این گفته های رضاشاه در ایام تبعید میباشد:

- شنیده بودیم که در تهران خواربار کم شده، آیا آدم هم نایاب

است، يك شهردار نظامی می خواهند که با بیل فرمان بدهد.
- مستشار چه می کند: معلوم می شود مردم از مستشاری
که خودشان آورده اند راضی نیستند، مردم از خدا هم راضی نمی
شوند. ما که بی مستشار کار می کردیم چه شد؟
- راه چالوس هم خراب شده! بایک فرمان ما این راه را ساختیم
ولی با هزار فرمان نمی توانند آن را نگاه دارند.
- این سهیلی را که ما بیرون کرده بودیم حالا دوبار نخست
وزیر شد!

- تدین هم وزیر خواربار شده. هرچه هست او خواهد خورد.
وزارت خواربار برای چیست؟ لابد سیاستی در کار است و الا چرا
نان را از مردم به زور می گیرند و بعد از معطلی با زحمت و ذلت
نصف آن را به آنها می دهند. نان هم لوطی خور شده برای اینکه
همه چیز ایران لوطی بازی شده.
- می گویند نان ایران خراب است. چه چیز ایران بعد از ما
آباد مانده که ناننش خراب شده؟

- قند و شکر و چای هم که جیره بندی شده، يك روز در
مدرسه نظام برای بازدید مدرسه رفته بودم برف زیادی آمده بود.
بچه ها صف کشیده بودند يك گلوله برف در دست گرفتم به اول صف
دادم گفتم به همقطار خود بده. گلوله برف از اول صف تا آخر صف
دست به دست گشت. چیزی از آن نماند. به بچه ها گفتم این برف را
دیدید؟ من جیره شمارا به اندازه همان گلوله برف می دهم. دست به
دست دزدها می گردد تا به شما می رسد هیچی نمی ماند. حالا
جیره ایران دست به دست دزدان می گردد، به ملت هیچ نمی رسد.
خصوصا که رئیس خواربار دزد است که قبلا کلاه مارا هم برداشته
بود.

- افسری که با آن همه عده در زمان قدرت من در کردستان

تنبانش را کنند! چگونه می تواند مهمات و سربازان را در سمیرم حفظ کند؟

- ازبهداری در شهرستان هافقط تابلومانده. مردم می میرند، بعد از ما باید بکشند. درمازندران مالاریا بود، دستورادم طبیب و دوا بفرستند و خودم رفتم، قبل از رسیدن من همه چیز حاضر شده بود.

- آشپزخانه قصر بابل نزدیک عمارت بود گفتم باید خراب شود، هنوزبه عمارت داخل نشده تیمورتاش و عدل الملك و نمایندگان که دررکاب بودند با عمله ها کارکرده و آجر و خاک کشیدند. قدرت چیزخوبی است. آه، آه، نماندم.

- راهی را که مستقیما کشیدم و نزدیک ترین راه مازندران بود با مختصر مخارجی تمام می شود، اگر دولت نمی تواند خوب است شوورها غیرت و همت کنند و آن را تمام کنند، خرجش را با چند بار رفت و آمد دربیاورند.

- نصف ماشین های قندسازی ورامین رابه فارس برده اند، این کارخانه ناقص مانده و آن یکی هم تکمیل نشده. چغندرکاری چه شده، مملکت شلغم و چغندر...!

- به کریم گفتم (مقصود کریم آقا بوذرجمهری شهردار تهران است) سرتاسر خیابان را درخت بکار.

گفت: موقع درختکاری گذشته گفتم مردکه در این مملکت آدم کاری موقع نمی خواهد، او کاشت و اتفاقا گرفت. حالا به آن درخت ها آب می دهند؟ یا آن هارا کنده اند؟ رعایای مازندران خانه های خود را بعد از ما خراب کرده اند. بسیار خوب ما هم در ساختن خانه روستائی اشتباه کردیم، هرچه مانده دولت هریک دستگاه را به صد تومان می فروشد که خراب کنند و مصالحش را بردارند! واقعا خانه ملت را ارزان می فروشند.

- راستی امسال تکلیف اعطای درجات افسران چه می شود؟
آیا به اندازه کافی سرباز هست؟ خوب است سربازان را مرخص کنند
که جو بکارند تادرشگه يك اسبه درتهران دوباره دواسبه شود، ما
که امتحان کردیم دیگر حاجت به امتحان نیست.

- این چاقوکشها که می گویند آدم می کشند کجا بودند؟ بعد
ازما به دنیا آمدند؟ قانون مجازات چاقوکش هابه چه کار می خورد؟
چندتن از آن هارا در خیابان ها بیندازنددیگر آن لوطی که چاقو می
کشد زیرلحاف می خوابد.

- ازکارخانه ها که استفاده می کنند چیزی هم می دهند یا می
گیرند؟ بعد از ما کسی يك چرخ پنبه که پیرزن ها آن را اداره می
کنند، دایر نکرد، اگر از کارخانه های پارچین برای جنگ استفاده
نمی شد، الان مثل کارخانه چای زنگ می زد. به متفقین دعا کنید.

- دزدی زیاد شده! سر آدم را می برند و مالش را می برند.
- قانون خوب است اما اگر با قدرت وضع و با قدرت اجرا
شود.

- گریه را باید سرحمله کشت، این ها دندانشان شمرده شده.
صابون در آب شورکف نمی کند.

- هنوز به جان محمدخان ریاست یا درجه سپهبدی داده نشده.
من نظامی هارا خوب می شناسم. اشخاص دیگر غیرنظامی را هم
خوب می شناسم.

- منصور هنوزدرخراسان است. روس و انگلیس از او راضی
هستند کافی است؟ بگو بماند.

- يك نفر مدیر بهتر ازصد وزیر است. وکیل باشی خوب از
سپهبد بهتر است.

- شترهای اختصاصی به کویر کرمان رفتند گوسفندها چه
شدند، گوسفند درایران زیاد است، گرگ چطور؟

- برای تیمورتاش گنبد و بارگاه ساخته اند؟ تدین سرقبر تیمور
تاش نطق کرده، اوضاع غریبی است.

- ایران چندتا سپهبد پیدا کرده؟ غاز در ایران پرواز می کند؟
- کارخانه سوزن سازی در ایران هست. میخ طویل چطور؟
اگر من می ماندم بیشتر کارخانه های فرنگ را به ایران می آوردم.
بعد از من گمان می کنم صنعت حجاری و کاشی سازی هم ازین
برود. به جای آن از فرنگ صنعت نمی آید و اگر چیز تازه ای بیاید
موسیقی فرنگی است و قر و فر.

- دخترها رقاصی را خوب یاد گرفته اند؟ ما گفتیم مثل فرنگی
ها آدم شوید، نگفتیم رقاص شوید.

- زنهایی که ران و بازو شان پیدا بود چادر نمازه سر می کنند!
اهل اصفهان دوبار عمامه به سر گذاشته اند، ترکمن ها چطور؟ کلاه
پاپاخی بر سر گذاشته اند.

- مرحوم سلطان العلماء از قبر درآمده دوباره در مجلس نشسته،
فرمانفرما سراز قبر در نیاورده که سرما را دور ببیند. کسی از او نمی
پرسد طول و عرض طویلہ اعلیٰ حضرت پهلوی چند ذرع است؟ پیر
غلام دیگری به دنیا نیامده؟

- مختاری هنوز در حبس هست! از او بیچاره تر پیدا نکردند
که انتقام بکشند.

- همه در جنایت مختار بوده هستند و از میان پیغمبرها جرجیس
را پیدا کردند. محمد چاقوزندان را ساخت، اول او را حبس کردم.
زندان جای آفتابه دزد نیست. جای همین دزدهاست که در کار بوده
و هستند.

- امسال در محرم خوب عزاداری کردند، زهی تأسف. قمه هم
زدند؟ این که در مکه گردن زدند مال کدام مملکت بی صاحب است؟
مردم برای دادن گردن می روند؟

- سرحدات ما وسیع است و همسایگان ما قوی و مردم ایران بیخون هستند.

- هنوز روزنامه نویس ها به دولت و ملت توهین می کنند؟
در ایران چندتا حزب پیدا شده، يك یا دو حزب بس نیست؟
- اتومبیل های ارتش چون به کار نخورد خوب است زیاله
شهر را بکشند. افسرها چه کاری کنند؟ راستی باشگاه افسران دایر
است؟ عروسی در آن می شود یانه؟ این باشگاه هم برای عروسی
خوب است وهم برای عزا.

رضاشاه اعتقادات مذهبی نداشت

محمودطلوعی در کتاب (داستان انقلاب) چنین می نویسد:
رضاشاه برخلاف آنچه در اوایل سلطنت خود به آن تظاهر می
کرد، اعتقادات مذهبی نداشت و بهمین جهت به محض اینکه جای
پای خود را محکم کرد باروحانیت در افتاد.
اولین مبارزه او با سیدحسن مدرس بود که در سال اول سلطنت
اوپس از ایراد نطق انتقاد آمیزی در مجلس مورد سوء قصد قرار گرفت و
در دوره بعد از انتخاب او به نمایندگی مجلس ممانعت شد. در مهرماه
۱۳۰۷ به خواب تبعید گردید و پس از ۹ سال تبعید در کاشمر به قتل
رسید.

دومین درگیری رضاشاه باروحانیت در سال دوم سلطنت او بود
که شب اول سال ملکه مادر وعده ای از زنان درباری به قم رفته
و چون حجاب آنان کامل نبود، مورد اعتراض قرار گرفتند و شیخ
محمد باقری دستور اخراج آنها را از رواق داد که به خانه تولیت رفتند
و بعد رضاشاه به قم رفت و دستور ضرب و شتم روحانیون را داد و شیخ
محمد باقری را خوابانیده شلاق زدند.

سومین برخورد رضاشاه باروحانیت در سال ۱۳۰۶ بر سر قانون

نظام اجباری روی داد که به علت تظاهرات روحانیون تیمورتاش و مخبرالسلطنه رابه قم فرستاد و توافق شد که درقانون مزبور تجدید نظر شود ولی بعداً رضاشاه آن را عملی ساخت و خواسته علمارا که ۵ تن از روحانیون برابر قانون اساسی در مجلس شرکت کنند نپذیرفت. چهارمین برخورد رضاشاه با روحانیون در واقعه مشهد بود. رضاشاه پس از سفر به ترکیه و تحت تأثیر اقدامات آتاتورک که آداب و رسوم غربی را در ترکیه ترویج داده بود، به متحدالشکل ساختن لباس و کلاه پهلوی و سرانجام کشف حجاب پرداخت که در تیرماه سال ۱۳۱۴ تظاهراتی در صحن مسجد گوهرشاد به عمل آمد که عده ای مقتول و مجروح و محمودلی اسدی نایب التولیه تیرباران و گروهی از روحانیون و تظاهر کنندگان نیز بازداشت شدند.

پنجمین برخورد رضاشاه با روحانیون در سال ۱۳۱۴ بود که روز ۱۷ دیمه رضاشاه و همسر و دخترانش برای اولین بار بدون حجاب در جشن دانشسرای عالی شرکت کردند. از آن تاریخ ببعد دیگر رضاشاه از روحانیون برید و مقامات روحانی را بیش از پیش تحت فشار قرارداد و اگر جنگ دوم جهانی پیش نمی آمد و سلطنت رضاشاه چندسالی بیشتر دوام می یافت، آیا نقشه رضاشاه در ریشه کن ساختن نفوذ روحانیون عملی می شد یا نه؟ پاسخ آن دشوار می باشد. ولی پس از استعفای رضاشاه بار دیگر روحانیون در جامعه نفوذ یافتند و به جبران خفتی که در دوران سلطنت رضاشاه متحمل شده بودند با فرزندش به مبارزه برخاستند.

رضاشاه مرد (خانواده) بود
محمودطلوعی در همچین کتاب (پدر و پسر) درباره رضاشاه
چنین می نویسد:

رضاشاه به زن علاقمند بود ولی برخلاف پسرش درخارج از محیط خانوادگی و زندگی زناشویی بازن دیگری رابطه نداشته است. يك گزارش محرمانه سفارت آمریکا حاکی است که اولین همسر او مریم نام داشته که از خانواده فقیری بود و نام دخترش را فاطمه نهاد که بعداً (همدم السلطنه) ملقب گردید. او با یکی از بستگان مادری خود که نام خانوادگی آتابای را انتخاب کرده بود ازدواج نمود. (منظور سرلشکر دکتر آتابای می باشد.)

این همسر رضاشاه در سوم اسفند ۱۲۸۲ هنگام زایمان درگذشت و رضاخان تازه افسر شده بود که ۱۲ سال بعد با تاج الملوك آیرملو ازدواج کرد. وقتی رضاخان به مقام سردار سپه رسید در سال ۱۳۰۱ با توران امیر سلیمانی ازدواج نمود که این زندگی زیاد دوام نیافت.

سردار سپه در سال ۱۳۰۲ وقتی رئیس الوزرا بود با عصمت الملوك دولتشاهی ازدواج کرد که زن سوگلی شاه بود و با او هم به تبعید رفت. با اینکه تاج الملوك در تمام مدت سلطنت رضاشاه بانوی اول دربار به شمار می رفت ولی با شاه رابطه زناشویی نداشت.

رضاشاه بیش از همه فرزندانش به محمد رضاشاه و شمس علاقه داشت و اشرف چندان مورد توجه پدر نبود.

گزارش محرمانه سیا حاکی است تاج الملوك علاقه داشت که علیرضا به سلطنت برسد در حالی که این مطلب صحت داشته باشد بلکه مادر در زمان رضاشاه جرئت انجام چنین کاری را نداشت.

بعضی نشریات نوشته اند که (چشمان نافذ و ترسناک رضاشاه قوی ترین مردان را به لرزه می انداخت) و یا اینکه (او آنچه را در دل داشت سالها بروزنی داد) و حتی (کسانی که او را صمیمانه دوست داشتند از او می ترسیدند).

محمد رضاشاه هم می نویسد: «کلیه مقامات و مسئولین کشور در ملاقات با پدرم به قدری مرعوب می شدند که مجالی برای مذاکره

باقی نمی ماند. من هم عقاید خود را بدون این که جنبه مذاکره یا
مباحثه داشته باشد به سمع او می رساندم. «

رضاشاه از خارجیها خوشش نمی آمد. با اینکه ولیعهد (ارنست
پرون) را از سویس به ایران آورده بود همواره نسبت به او اظهار
بدبینی می کرد. بعد از فوت رضاشاه دودخترش (اشرف و فاطمه)
ویک پسرش شاهپورعلیرضا همسران خارجی پیدا کردند که زندگی
آنها هم چندان دوامی نداشت.



شاهدخت اشرف پهلوی
و همسر دوش احمدشفیق



شاهدخت فاطمه پهلوی
و همسر اولش علی هیلر

مردی با امتیازات مشخص

موريس برنو از نویسندگان اروپائی درباره رضاشاه چنین می

نویسد:

رضاشاه قامتی بلند و متناسب داشت و غالباً به واسطه همین تناسب اندام در میان جمعیت شناخته می شد. حتی هنگامی که به ترکیه رفته بود و فیلمهایی که برداشته شده رضاشاه درین آنها ممتاز بود و مخصوصاً هنگامی که با آتاتورك و مخصوصاً عصمت اینونو راه می رفت امتیاز او مشخص تر می شد.

موئی بسیار کم و سفید و چشمانی نافذ و بزرگ و فرورفته داشت. استخوان بندی صورت و اعضای بدن او درشت و بسیار قوی بود. تا به سلطنت نرسیده بود رنگ او تیره بود ولی به تدریج بر اثر فکر و کوشش تیره تر شد. در سال های آخر سلطنت در اطراف چشمانش خطوطی پدید آمد که بر هیبت و مهابت او بسیار افزود.

در سال های اول سلطنت هنگام سخن گفتن غالباً زبان را از دهان بیرون می آورد ولی در اثر یادآوری نزدیکان این عادت را ترك گفت. دندان های او هنگام غضب خیلی خوب دیده می شد که بسیار مرتب بود. موی ابرو و سبیلش پر پشت بوده و رو به سفیدی می رفت. به روی گونه و دماغ او زخم شمشیر که یادگار ایام جوانی و اختلافات با همکاران قزاق بود مشاهده می شد. چانه اش متوسط و آرواره اش

سنگین و مربع شکل بود و دست و پائی درشت و استخوانی داشت و هنگام ایستادن اندکی به پشت خم می شد و اکثر اوقات به عصا تکیه می کرد.

دیدگانش او را متفکر و غمناک جلوه گر می ساخت. وقتی به خشم و غضب می افتاد نگاهش بیسترهول انگیز می شد. تبسم و خنده اش هیچگاه از هیبتش نمی کاست. همیشه لباس ساده نظامی می پوشید مگر در مواقع رسمی که لباس مخصوص خود را مزین به یراقها و سردوشی ها و مدال و نشان می آراست.

رضاشاه همیشه پاکیزه و منظم و مرتب بود و به رعایت مقررات خیلی اهمیت می داد. به نحوی که نظم و ترتیب طبیعت ثانوی او شده بود. در استحمام و اصلاح سروصورت تاخیر روا نمی داشت. هرچیز که مخالف طبیعتش بود و به او رنج می داد باسرعت از خود دور می ساخت. اشخاصی که موردخشم و غضب او قرار می گرفتند باچکمه و لگد و تعلیمی و عصا تنبیه می شدند.

رضاشاه از تربیت و اصول و آداب و رسوم دریاری عاری بود. احوال و رفتار او برای اقامت در سربازخانه مطلوب تر به نظر می رسید. تا آخر عمر خوراک و پوشاک و تشکیلات نظامی و دیسپلین سربازی را انجام می داد.

سال های اول سلطنت اصول طرزپذیرائی و نشست و برخاست سلطنتی را نمیدانست. حرکات و سنوالات و مکالمات او با غیرنظامی ها سریع و کوتاه و موقر و مختصر و آمرانه بود. این خوی نظامی او به همقطاران نظامی اش سرایت کرد.

درمجامع عمومی متن سخنرانیهای را که برای او تهیه می شد بدون هیچگونه تغییر قیافه و حرکات دست و صورت ایراد می کرد. صدای او موقع قرائت و سخنرانی يك نواخت و تند و گاهی در تلفظ بعضی از کلمات اندکی اشتباه بود. به همین جهت ترجیح می

داد که کمتر به سخنرانی رسمی بپردازد.

رضاشاه مردی باهوش بود و حافظه سرشار و شگفت آوری داشت. با این که آموزش و پرورش مرتبی نداشت قریحه و استعداد او در کارهای مختلف باعث شگفتی حاضرین می گردید و مخصوصاً اهل فن می دیدند که استنباطاتش بر اطلاعاتش می چربد. رضاشاه به مطالعه کتاب و سیاحت های علمی عادت نداشت ولی به تربیت فرزندان خود خیلی علاقمند بود و طرزتعلیم و تربیت آنها را زیر نظر داشت.

رضاشاه خاطراتش را به گور برد

شاپور غلامرضا درباره زندگی پدرش در تبعید چنین می نویسد: زندگی ما در ژوهانسبورگ مانند زندگی در جزیره موریس بود. اعلیحضرت همیشه به تفکر درباره ایران و سوختن در آتش عشق وطن و دوری از آن بودند. گاهی می فرمودند اطرافیان مرا اغفال کردند و فریب دادند. دردهای دل من گفتنی و شنیدنی نیست. من این خاطرات را با خود به گور خواهم برد. ما از ایشان خواستیم که این خاطرات را برای ما بازگو کنند ولی مورد قبول واقع نشد و فرمودند درد دل های من اوراق کتاب و دفتر را می سوزاند و هرگز راضی نخواهم شد که سایر ایرانیان وطن پرست را بسوزاند.

گریه رضاشاه

والاحضرت شمس می نویسد: وقتی پدرم تصمیم گرفتند کشور را ترک کنند می دانستم به سوی يك سرنوشت مبهم و منقطه ای نامعلومی میروند که هیچکس جز خدا از آن آگاه نیست. احساس کردم که پدرم میل دارند من و خواهرم اشرف در تهران باقی بمانیم. من بغض گلویم را گرفتم می گفتم در این سفر عجیب و غریب مونس پدرم باشم بهتر است، بالاخره تصمیم گرفتم در این سفر شرکت کنم.

استدعا کردم که همراه باشم. فرمودند: «به تو خوش نمی گذرد همین جا بمان» بالاخره با اصرار جزو مسافری شدم.

زادوتوشه سفر همراه شد. در اصفهان شش دست لباس شخصی برای اعلیحضرت پدوم خریده بودند که هیچیک از این لباس ها قابل پوشیدن نبود. لحظات وداع خیلی غم انگیز بود. پدوم برای آخرین دفعه به اتاق شهنواز رفته و او را در آغوش گرفتند که برای نخستین بار دیدم شاه گریه می کند. هنگامی که از اتاق شهنواز خارج شدند چنان آثار غم و اندوه در چشمان شاه نمایان بود که من از مشاهده آن بی اختیار لرزیدم. در نائین در بالاخانه محقری برای ناهار جمع شدیم. اعلیحضرت نگاهی به شاهپورها انداخته فرمودند: «این بچه ها شیرند یاببر که باید از وطن خارج شوند» آقای جم گفتند: «قربان شیر و ببر نیستند اینها بچه شیرند».

هنگامی هم که کشتی از بندر عباس حرکت می کرد اشک از چشمان پدوم سرازیر شد که چون تحمل نگریستن این منظره را نداشتم به اتاق کشتی پناه بردم.

روزی در کشتی یکی از همراهان پیانو می نواخت که قدری حزن انگیز بود. پدوم گفت: «این چیست، مارش بزنید. یک آهنگ زنده بنوازید.» با وجود آثار عصبانیت و آشفتگی که در پدوم مشاهده می شد معهذا مارا ترغیب می کردند که باید استقامت و صبر و بردباری داشت. می دانستم زیرا آن قیافه آرام طوفانی نهفته است و بیش از همه ما رنج می برند و غم هائی بردل دارند که هزاریک آن را آشکار نمی کنند. رنج و الم روحی پدوم طوری بود که بالاخره طومار زندگی و حیات ایشان را درهم نوردید.

پدوم در جزیره موریس رادیولندن و رادیو برلن را می شنید که به او دشنام می دادند. در اینجا بود که فرمود: «جرم من جرمی است که باید هر دو طرف به من دشنام بگویند.»

پدرم همانطور که از زمان سربازی عادت داشت همه روزه قبل از طلوع آفتاب از خواب برمی خواست. ساعت ۱۰ وارد باغ می شدند و تا ساعت یازده و نیم قدم می زدند. ساعت یازده و نیم غذا صرف می شد. تا ساعت دونیم بعد از ظهر استراحت می کردند و باز در باغ قدم می زدند تا ساعت چهار که چای صرف کرده و به رادیوها گوش می دادند. در ساعت هشت و نیم شب شام صرف میشد و ساعت ۱۰ شب برای استراحت به اتاق خواب می رفتند. پیوسته از بی خوابی شکوه کرده از شنیدن کوچکترین صدائی ناراحت می شدند. خواب از چهره پدرم فراری بود و هرقت به چهره ایشان نگاه می کردیم آثار رنج عمیق و يك اندوه بزرگ را در چشمانشان می دیدیم و در پنهان از ایشان اشک می ریختیم. به هیچوجه مایل نبودند از باغ بیرون بروند و از دیدن و بازدید اشخاص گریزان بودند. چندبار اصرار کردیم که به سینما برویم ولی قبول نکردند. فقط یکبار از باغ خارج شدند و آن هنگامی بود که برای شاپور محمودرضا حادثه ای روی داده بود که با تاكسی به محل حادثه رفتند که تصادف مهمی نبود.

به همه ما تاکید می کردند که از درس و بحث و ورزش و تکمیل زبان های خارجی غفلت نکنیم. برای ضیافتی که به افتخار پدرم در جزیره موریس داده شد به دشواری لباس پوشیدند ولی می فرمودند: «من عادت به پوشیدن این لباسها ندارم و در تمام عمر جز لباس سربازی نپوشیده ام.» وقتی نامه برادرم از تهران رسید چشم پدرم روشن گردید. هر وقت نامه ای از تهران می رسید دست به دست می گشت و قلوب ما را لبریز از شادی می کرد. وقتی نامه دیر می شد می فرمودند: «چه شده که اعلیحضرت شاه از ما یاد نمی کنند. چرا مرا به کلی فراموش کرده اند.»

پدرم نسبت به سگ و گربه و حیوانات رثوف بودند. در کشتی من سگی داشتم که باعث سرگرمی ایشان می شد. گاهی ما را می

خندانند که وقتی مرد همه رامتاسف ساخت. درمورس یکی ازبانوان گریه ای آورده بود که تقدیم اعلیحضرت کردم که درتمام مدت درمورس همراه ایشان بود و ازایشان جدا نمی شد. به آب و غذای حیوان خیلی توجه داشته و نام آن حیوان را (پوتین) گذارده بودند. اززمان سربازی خود خاطراتی داشتند که متاسفم چرا آنها را یادداشت نکرده ام. همه چیز را به من می گفتند. گاهی باصدای بلند می گریستند.

يك روز درباغ که گردش می کردیم خرمائی مانند سنگ ریزه روی سرایشان افتاد که با تاثرگفتند: «خرماهای اینجامرا آزار می دهد، تصور نمی کنم تا حالا کسی ازخرما این جور صدمه دیده باشد.»

علاقه رضا شاه به شهناز

علی ایزدی می نویسد: اعلیحضرت رضاشاه به شهناز علاقه زیادی داشتند و مرتب عکس اورا می دیدند و درباره شهناز صحبت می کردند. هروقت درکوچه بچه ای را به سن شهناز می دیدند اورا موردنوازش قرار می دادند.

هنگام اقامت درژوهانسبورک یکبارخبرقحطی و بدی وضع نان درتهران به گوش اعلیحضرت رسید. اگر بگویم ازشنیدن این خبر بیش از همیشه ایشان را متاثر دیدم حمل براغراق خواهید کرد. از ناراحتی حتی اشک ریختند. مرتب دراتاق راه می رفتند و می گفتند: «قحطی چیه، یعنی چه، مگرنان خارجی هارا بایدایرانیها بدهند. خارجی ها که ادعا می کردند برای مردم ایران آمده اند تاوضعشان را درست کنند؟ عجب درست کردند، آنها می خواستند مرامفتضح کنند.»

اعلیحضرت شب ها برای ما گاهگاهی لطیفه های نغز و سخنان شیرین برزبان می راندند وحتی درآخرین شب زندگی.

به عقیده من رضاشاه پهلوی از بزرگترین پادشاهان ایران بعد از اسلام بود. جزعظمت ایران و سعادت ملت ایران تا آخرین روز حیات آرزوی نداشت.

رضاشاه به کشور امنیت داد

سیدضیاء الدین طباطبائی در دفاع از اعتبارنامه خود در جلسه ۱۴ اسفند ۱۳۲۲ مجلس چنین گفت:

این سردار سپهی که به شما امنیت داد و شما را در کسب و کار خودتان آزاد گذاشت کی به شما داد؟ جز سیدضیاء الدین؟ شما که رضا خان را نمی شناختید. این یک سربازی بود مانند هزاران سرباز بدبخت دیگر. همین رضاخان بود که با تعدادی قزاق در قزوین افتاده بود و پس مانده و نان و گوشت قشوق هندی راه چهارماه به او می دادند. آن موقع شما کجا بودید؟ سیدضیاء الدین او را از آنجا آورد. پس چه شد که او خوب بود و سیدضیاء الدین بد. اگر او خوب بود که من هم باید خوب باشم. تا وقتی که او بود من هم خوب بودم و خدمت می کرد و امنیت می داد. حالا در مقابل خدماتی که کردیم و در مقابل خطراتی که از زن و فرزند و مال شما به دور کردیم پاداش نمی خواهیم، دیگر چرا فحش می دهید؟ چرا به من ناسزا می گوئید؟ یک بام و دو هوا که نمی شود.

کشتی رضاشاه و ولیعهد

ژرارد و ویلیه نویسنده فرانسوی با نقل قول از علی ایزدی چنین می نویسد: وقتی ولیعهد از سویس بازگشت پس از انجام مراسم استقبال برای محمدرضا و علیرضا یک ساختمان ویلایی در کنار دریای خزر برای استراحت در نظر گرفته شد. رضاشاه نزد آنها رفت و از ولیعهد پرسید «برای من نوشته بودی که در مسابقه کشتی مدرسه قهرمان اول شده ای، همین طور است؟» ولیعهد گفت بلی پدر.

رضاشاه گفت پس بیا با من پیرمرد کشتی بگیر. رضاشاه با ولیعهد گلاویز شد و با يك چشم بهمزدن ولیعهد را روی دست خود بلند کرد و بعد از يك دقیقه او را روی زمین گذاشت. سپس رو به علیرضا کرد و گفت نوبت توست و در حالیکه ولیعهد را زیر بغل داشت علیرضارا هم مغلوب کرد و هردو پسرا زیر بغل گرفت.

بعد رضاشاه خطاب به آنها گفت هنوز خیلی مانده که شماها مرد بشوید. گردش و تفریح گذشت من باید شمارا مثل يك سرباز تربیت کنم.

رضاشاه بعد از اینکه پسر خود را برای تحصیل به سوی فرستاد دچار پشیمانی شد زیرا اعزام ولیعهد به دانشکده افسری و تحصیل مقررات سخت دانشکده به وی نقاط ضعف روحی او را ترمیم نکرد. رضاشاه از اینکه پسرش اعتماد به نفس ندارد و بیش از اندازه محتاط و محافظه کار است رنج میبرد. او که با اعمال قدرت و خشونت به سلطنت رسیده بود عقیده داشت که در کار حکومت عفو و اغماض در برابر دشمنان کمتر نتایج مطلوب به بار می آورد. رضاشاه معتقد بود که در صورت احساس خطر باید بی تأمل در فرود آوردن ضربه کاری پیشقدم شد. او رحم و عفو و گذشت را در نبرد قدرت خطرناک می دانست و معتقد بود که قلب يك زمامدار باید بر روی هر تاثیر و تاثیری بسته باشد.

رضاشاه که این خصوصیات را در پسر خود نمی دید می کوشید با تکرار مطالب در روح و مغز او اثر بگذارد. او می گفت باید خط مشی ثابت و مشخصی در حکومت تعیین کرد و از آن عدول ننمود. او معتقد بود که هرگز از تصمیمی که گرفته نباید بازگشت و علاوه بر آن نباید به هیچکس بطور مطلق اعتماد کرد. ولیعهد این حرفها را گوش می کرد و تحت تأثیر محیط تربیتی خود در سویس در درون خود اندیشه دیگری داشت. خوش قلبی بیش از اندازه و اعتماد به همه پایه های

حکومت محمدرضا شاه را متزلزل ساخت و این کابوس هرگز او را رها نکرد.

ژرارد وویلیه می نویسد: این نگرانی به قدری فکر رضاشاه را مشغول کرده بود که می خواست در قانون اساسی تجدید نظر کرده و علیرضا را برای جانشینی خودانتخاب کند که تحت تاثیر فرهنگ اروپائی قرار نگرفته و مانند او خشن و بی رحم بود. ولی علاقه باطنی به ولیعهد مانع از هرگونه اتخاذ تصمیم بود.

دربازگشت از اروپا عیاشی های ولیعهد نیز فکر رضاشاه را به خود مشغول داشته بود و به همین جهت موجبات ازدواج او را فراهم ساخت.

ولیعهد از ازدواج با فوزیه صاحب يك دختر شد که ته دلش خوشحال بود زیرا دختر را از پسر بیشتر دوست می داشت و فرصت کافی برای تولد ولیعهد باقی مانده بود. اما رضاشاه از این کار بسیار ناراحت گردید. زیرا در تاریخ خوانده بود و یا به او گفته بودند که در میان سلاطین قاجار آنهاستیکه اولین فرزندشان دختر می بود یا کشته شده یا در تبعید مرده اند. فردای آن روز رضاشاه به پسرش گفت: « دست به کار شو تا صاحب ولیعهد شوی. این مهم ترین وظیفه تو است. »

رضاشاه مردی مقتدر و دقیق و سختگیر بود

سلیمان بهبودی از یاران نزدیک رضاشاه که انسان شریفی بود بهتر از هر کس به روحیه و اخلاق رضاشاه آشنائی داشت و یادداشت هایش به خوبی می تواند سرسلسله پهلوی را معرفی کند.

او می نویسد: در ژاندارمری خدمت می کردم که يك صاحب منصب قزاق بلند بالا و خوش اندامی وارد شد و در اتاقم نشست و به گفتگوی او پرداختم که معلوم شد سرتیپ رضاخان است. از طرز کارم

جویا شد. خط مرا دید و تعریف کرد.

بعد از کودتا از خیابان فردوسی عبور می کردم، رضاشاه سوار درشکه بود مرا نشان داد که یکی از همراهان او آدرس مرا گرفت و مرا احضار و دعوت بهمکاری کرد و گفت می خواهم کار داخلی مرا اداره کنی. خانه کوچکی بین چهارراه پهلوی و خیابان کاخ داشتند که اعضای خانواده ایشان همه در آنجا زندگی می کردند. مشغول ساختن عمارت جدیدی توسط استاد محمد تقی صانعی (معمارباشی) شدند که با کمک فرمانفرما آماده گردید.

در مراسم عزاداری حضرت اشرف جلو دسته قزاق بودند که قزاقها این نوحه را می خواندند:

اگر در کربلا قزاق بودی حسین بی یار و یاور نبودی
در حالی که مخالفین می گفتند:

اگر در کربلا قزاق بودی چادر را از سرزینب ربودی

حضرت اشرف موقعی که افسر قزاق بودند در چهارراه حسن آباد منزل داشتند و با اهل محل مثل (خادم عکاس - عیسی خان خیاط - حاج حسن سقط فروش - جعفرخان - علی اصغر کلاهدوز - یوسف خان خیاط ارمنی) آشنائی داشتند که هیچگاه آنها را فراموش نکرده و به آنها کارهایی رجوع نموده و همراه برای احوالپرسی می فرستادند. در اوایل کودتا در چاله میدان در زدو خوردی دونفرگشته شدند که قاتلین دستگیر و محاکمه و محکوم به اعدام شدند. یکی از آنها متعلق به صنف کفاش بود که بازاریها گفتند اعتصاب کرده بازار را تعطیل می کنند. دستور دادند هر کس دکان خود را تعطیل کرد، یک قفل روی قفلش بزنند و دیگر حق کسب در آن دکان را ندارد و دستور اعدام قاتلین را دادند. هیچکس جرئت نکرد مغازه اش را تعطیل

کند.

دستور دادند برای هر روز طبقه ای شرفیاب شوند. يك روز رئیس اداره سیاسی سفارت انگلیس اجازه شرفیابی خواست گفتند من روزها رغبت نمی کنم ریخت شماها را ببینم حالا شب می خواهی نزد من بیائی، برو همان روزی که مخصوص خارجیها هست بیا. یکبار روی کاغذ يك سطر نوشته بودم نزد من آمده گفت باید از این کاغذ حداکثر استفاده را بکنی زیرا هر برگ این کاغذ برای دولت مبلغی خرج دارد و باید صرفه جوئی شود.

مخالفین برای اینکه قدرت نظامی را از حضرت اشرف بگیرند باتبانی محمدحسن میرزا اورا وزیر جنگ کردند. لباس غیرنظامی و سرداری و کلاه پوست معمولی هم برای ایشان فرستادند ولی لباس را تغییر نداده و با همان لباس نظامی در جلسه دولت شرکت کردند و نقشه مخالفین را بهم زدند.

محمدحسن میرزا ولیعهد وقوام السلطنه و سرداران انتصار می خواستند حضرت اشرف را ازین ببرند که قضیه کشف شد و نقشه بهم خورد. چندین بار محرمانه تشکیل جلسه شد تا حضرت اشرف را ازین ببرند که از توطئه آگاه شده دستور دادند که بنده و حمدالله و محمد که هر سه نظامی و ازمحارم بودیم از ساعت ۱۱ شب تا صبح دوراتاق به نوبت کشیک بدهیم.

امیر لشکر خدایارخان واسطه عقد با ملکه توران دختر مجد السلطنه بود. در چهارراه پهلوی زمینی خریداری و ساختمان شد و ملکه توران آنجا منتقل گردید. بعد از تولد شاپور غلامرضا از حضرت اشرف جدا شد.

وقتی خدایارخان حاکم قزوین شد نامه ای نوشت که باید برای ایام پیری فکری کرد، شخصی به او متوسل شده که برای کارش سه دانگ ملك می دهد و سه دانگ دیگر راهم می توان خرید، می دانم

حضرت اشرف پولی ندارید ولی از عایدات ملك می توان بهای آن را پرداخت. در حاشیه نوشتند من آرزو می کنم در قلب مردم باشم در آن صورت همه چیز فراهم است. البته این اقدام با اقدامات بعدی که منجر به خرید املاک شد شاید منافات داشته باشد ولی حکمتی هم داشت.

وقتی حضرت اشرف افسر جزء بودند به چند نفر از افراد خود اعتماد داشتند. حمدالله گروهیانی که به پیشخدمتی گمارده شد. یدالله که بعدها پهلوی راننده می نشست. حسین بلوچ که پیشخدمت اتاق خواب بود. هروقت او را می خواستند (حسین سیاه) صدا می کردند. یکی هم قاسم بود که با او شوخی میکردند. این چند نفر از محارم بودند.

يك روز مرا خواستند و گفتند شما می توانی زندگی شخصی مرا اداره کنی. دست راست خودشان را روی شانه چپم گذارده فرمودند شما هم دست خود را روی شانه و سردوشی من بگذارید. فرمودند بگو به این سردوشی و شرافت سربازی قسم یاد می کنم که من با کمال صمیمیت به شما خدمت کرده و زندگی شما را خوب اداره می کنم. بعد از گفتن این جمله اضافه کردم: «تا خون در رگهایم هست با کمال صداقت و درستی به خاندان پهلوی خدمت می کنم.» فرمودند در صورتی که زندگی مرا خوب اداره کنی شما را ترقی می دهم بطوریکه باعث تعجب دیگران شود. بعدها که به سلطنت رسیدند به وزراء می فرمودند اگر سلیمان زندگی مرا به صورت تخم مرغی در آورده و به دیوار بزند و بشکند من حرفی ندارم و فکر می کنم که به صلاح است. قائم مقام هم آن را از شاه شنیده بود.

محمدرضا (پهلوی دوم) را (محل جان) صدا می کردند. وقتی صانعی ساختمان عمارت پذیرائی را تمام کرد و به تهیه وسائل پرداختیم. دسته های اصناف مرتباً در عمارت پذیرائی جمع شده اظهار

خدمتگذاری می کردند. سیدشجاع (حقگو) و جماعتی آمده بودند که سیدمحمدعلی شوشتری گفت برای کمک به حضرت اشرف آمده اند. ایشان گفتند من به کمک و پشتیبانی احتیاج ندارم. ولی سیدحقگو گفت برای تبریک عید آمده اند و شوشتری هم با ما نبوده است. بعد مسجدی روی زمین نشستند و خودشان هم روی زمین نشستند. تا مدتی شوشتری مطرود گردید. فرمودند شما صنف خباز می توانید با دادن نان خوب به مردم کمک کنید و کم فروشی نکنید.

حضرت اشرف دستور دادند که خیاط و کلاهدوز به کاخ گلستان بروند و برای شاه و ولیعهد لباس نظامی تهیه کنند. ولیعهد لباس سرهنگی پوشید و به بازدید فوج احمدی رفت. بعضی از شاهزادگان مفت و مجانی از خزانه پول می گرفتند که دستور دادم قطع شود. به تدریج با ایلات و عشایر ارتباط برقرار کردند. صولت الدوله قشقائی - غضنفرالسلطنه - سردار معزز بجنوردی - امیر مخصوص کلهر که مورد محبت بودند به تهران می آمدند و میهمان بودند. صولت الدوله در دفعه اول پای حضرت اشرف را بوسید ولی از زمین بلندش کردند. در مراجعت چهار نفر از ایل خود را برای مراقبت حضرت اشرف گمارد.

وقتی به فکر تهیه بیلاقی بودند کشتکار معمار باغ سعدآباد را پیشنهاد کرد. معلوم شد که متعلق به امیر لشکر سردار اعظم می باشد که وقتی فهمید قباله را تقدیم کرد ولی ناراحت شدند و از خرید آن منصرف گردیدند. سردار اعظم وقتی فهمید گفت همان قیمت قباله پرداخت گردد که معامله انجام شد.

روزهای سه شنبه قرار ملاقات عمومی بود. حاضرین یکی یکی مطالب را معروض داشته دستورات لازم می دادند.

از هیئت وزراء اطلاع دادند که اعلیحضرت (احمدشاه) به کاخ می آیند و آقای مشیرالدوله هم حضور دارند شما هم برای معرفی

تشریف بیاورید منتظر هستند. جواب دادند بگوئید تب دارم و نمی توانم. سالاراعتضاد عرض کرد اعلیحضرت می فرمایند بعد از ظهر به کاخ گلستان بیائید من هم ماندم که شمارا ملاقات کنم. فرمودند تب شدید است و قادر نیستم. مجددا اعلیحضرت فرمودند کار لازمی هست ۵ دقیقه شده شرفیاب شوید فرمودند کسالتم شدید است و معذرت می خواهم.

سید ابوالقاسم کاشانی وقت شرفیابی خواسته بود مقرر داشتند دبیر اعظم از ایشان پذیرائی کند.

در زمان قاجاریه حکومت آذربایجان با ولیعهد بود. اهالی از این سنت ناراحت و حضرت اشرف هم ناراضی بودند. اولین بار امیر لشکر اسماعیل خان امیر فضلی را که از نظامیان قدیمی بود و دست پرورده حضرت اشرف و مورد اعتماد بود مامور و والی آذربایجان کردند. خوب کار کرد اهالی هم راضی بودند پس از مدتی با اصرار زیاد قرار شد ولیعهد به آذربایجان برود و عهده دار حکومت شود به علت مخالفت اهالی و مخایره تلگرافات و ولیعهد و حضرت اشرف اختلاف پیدا کردند که منجر به توطئه علیه ایشان شد. سید ضیاء هم روابط محرمانه ای با ولیعهد داشت. آقای رئیس الوزراء سئوال کردند که امروز حضرت اشرف به هیئت دولت می آیند؟ فرمودند شرفیابی دارم و بعد از شرفیابی خواهم آمد. آقای رئیس الوزراء خواهش کردند قبل از شرفیابی به هیئت دولت تشریف بیاورند چون مطلبی است که باید قبل از شرفیابی اطلاع حاصل کنند، قبول نمودند. آقای رئیس الوزراء از کاخ صاحبقرانیه سئوال کردند که امروز جلسه هیئت دولت تشکیل شده آیا تشریف خواهند آورد؟ چون جزئی کسالت داشتند عذر خواستند. دست مصدق السلطنه شکسته و در منزل بستری بود فرمودند از ایشان احوالپرسی شود. از مراجع حضرت اشرف تشکر کردند.

قایم مقام الملك رفیع خود را به حضرت اشرف نزدیک کرده بود. نان رابه نرخ روز می خورد. می گفت شخص باید لباسش را در آفتاب خشک کند. همواره طرف قوی را می گرفت. اغلب روزها حضرت اشرف برای تفریح با خدایارخان و سردار رفعت نقدی و قایم مقام و میرزا کریم خان رشتی و صارم الدوله و آقامیرحمزوی آس بازی می کردند.

اعلی حضرت بعد از احوالپرسی از حضرت اشرف گفتند من کسالت دارم فردا بعد از ظهر در صاحبقرانیه منتظر هستم قبول فرمودند. همراه حضرت اشرف به کاخ برلیان رفته بودم پیش خدمت در اتاق شاه لبخند زنان پیش آمد و سلام کرد. حضرت اشرف محض تادیب دستش را گرفته او را بیرون کردند و گفتند عوض تعظیم به من لبخند تحویل می دهید. تعظیم کن. رئیس او را احضار کرده فرمودند چرا پیش خدمتهای دربار اینقدر بی تربیت هستند.

وقتی به مقام سلطنت رسیدند درگاهی رئیس نظمی برای هر کس پرونده ای می ساخت از جمله برای سید محمد صادق طباطبائی، فرمودند او مرد خدمتگذاری است علیه من عملی نخواهد کرد، در مورد او گزارش ندهید، از ایشان صرف نظر کن، همینطور هم شد. درگاهی به گزارش دادن عادت کرده بود. اوایل وقتی به مسافرت می رفتند هفتاد هشتاد اتومبیل همراه داشتند. نظمی همه را از اطراف ایشان دور کرد و فقط سه اتومبیل همراه داشتند، سردار رفعت - رئیس مخصوص و معاونش.

سید محمد صادق طباطبائی عرض کرد به علت گرفتاری زیاد حضرت اشرف شرفیاب نشدم هر وقت اجازه فرمائید شرفیاب شوم. فرمودند هر وقت تشریف بیاورید من آماده ام.

امیراکرم تقاضای شرفیابی داشت. پسر عموی حضرت اشرف بود، در سوادکوه زندگی می کرد و مردی خوشنام بود. از افسران فوج

سوادکوه بود که فرماندهی آن با داداش بیک پدرحضرت اشرف بود. ازیستگان دیگر ایشان ابوالقاسم خان - برخوردارخان - فضل الله خان عموزادگانشان بودند که هروقت به تهران می آمدند چندروز در منزل ایشان می ماندند. امیراکرم بعدها پیشکار ولیعهدشد وچندی بعداز تیمورتاش کفالت وزارت دربارداشت.

حاج آقا جمال عریضه ای نوشته بود با عنوان متعدد که وقتی به عرض رسید فرمودند وقتی روی پاکت این همه عنوان است توی پاکت چیست؟ به معاون رئیس الوزراء دستوردادندکه ازاین ببعده فقط پاکت هائی قبول می شود که ازلقب (سردارسپه) استفاده شود.

وقتی سروصدا فراوان شدحضرت اشرف ازمقام رئیس الوزرائی استعفاکرده تصمیم گرفته بودند ازایران خارج شوند. شیخ مهدی نجم آبادی را خواستند و وکالتنامه ای به نام سرهنگ کریم بوذرجمهری نوشتند و امضاء کردند که درغیاب حضرت اشرف همه اختیارات زندگی با کریم آقا بود. جامه دانهارا هم بستند ولی معاضدالسلطنه مطلبی رازیر گوش ایشان گفت و رفت و بعدمستوفی الممالک و مشیرالدوله و مؤتمن الملك و جمعی ازوکلاء آمده مانع سفر خارج شده موافقت کردند به رودهن بروند. فشارمردم به جائی رسید که مجددا مجلس به ایشان رأی داد.

حضرت اشرف به مناسبت کسالتی که داشتند نتوانستند وزراء را حضور ولیعهد معرفی کنند به آقای مصدق السلطنه وزیرخارجه مأموریت دادند که وقتی این کارصورت گرفت ولیعهد گفتند خیلی مشتاق دیدار حضرت اشرف هستم.

من واسطه ملاقات مدرس بودم. هروقت قرارشرفیابی داشت کالسکه را می بردم واورا می آوردم. ساعت شرفیابی همیشه قبل ازآفتاب بود. موقعی که اشخاص را ازملاقات با مدرس منع کرده بودند بطوریکه مأمورین متوجه نشوند من اورا ملاقات می کردم و

رئیس نظمیہ نمی توانست بفہمد واسطہ کیست.

روزی مرا احضار فرمودہ گفتند ہر وقت آقای فروغی مطلبی بہ شما رجوع کرد مثل این است کہ من رجوع کردہ ام بدون اینکہ از من پرسیدا اجرا کنید. بہ رئیس نظمیہ بگوئید گفتہ ایشان گفتہ من است. تمام وزراء و مقامات ساعت خود را با ساعت اعلیحضرت تنظیم می کردند کہ در شرفیابہا اشکالی پیش نیاید. چون ساعت روی میز تحریرہ دقیقہ از ساعت های دیگر جلو تری بود. نسبت بہ کارهای خاندان قاجار خیلی توجہ داشتند و بہ صاحب جمع کہ کارهای ملکی خانوادہ قاجار را ادارہ می کرد فرمودند ہر کاری دارند بگویند کہ رفع مشکل شود. با اشخاصی کہ صفاوصمیمیت داشتند و از زیرکار در نمی رفتند مہربان بودند.

از حقیقت گوئی خوششان می آمد و از قملق و تعریف و دعا و ثنا متنفر بودند. از شنیدن معایب بدشان نمی آمد ولی اگر بد بود و تعریف می کردند ناراحت می شدند. از توسل بہ خارجی ها بہ شدت تنفر داشتند. می فرمودند از سہ چیز بدم می آید. یکی دیوار گلی (چینہ) - دیگری چادر سیاہ و سومی ہم گریہ.

بہ درختکاری توجہ خاص داشتند. در شمال املاک مخروہ را خریداری و آباد کردند. اگر دہی آباد بود می فرمودند مالکش لیاقت دارد و خودش ادارہ کند. از قطع اشجار ممانعت می کردند. معتقد بودند بہ رؤسا و مدیران باید استقلال داد تا بتوانند انجام وظیفہ کنند و از مداخلات اشخاص در کار دیگران خشمگین می شدند.

سر لشکر خزاعی فرماندہ لشکر خراسان شد. برای خود آرامگاہ می سازد و بہ فکر می افتد کہ برای اعلیحضرت ہم جای مناسبی تہیہ کند. وقتی بہ عرض می رساند ناراحت شدہ می فرمایند: «فرماندہی کہ بہ جای فرماندہی بہ فکر مردن است و برای خود قبر تہیہ می کند دیگر بہ درد فرماندہی نمی خورد» و او را تغییر دادند.

در سال های ۱۳۱۶ و ۱۷ سپهبد امیراحمدی - سرلشکر خدایارخان - ادیب السلطنه سمیعی - سرلشکر نقدی - قائم مقام رفیع مرتب شرفیاب می شدند و مطالبی معروض می داشتند.

تیمورتاش می خواست پیشخدمتهای تحصیل کرده بیاورد قبول نکردند می گفتند من هروقت چای خواستم به این رفتگریگو برود از قهوه خانه سرچهارراه بیاورد و بگذارد روی نیمکت و من برمی دارم. اینها خیال می کنند من سربازی خود را فراموش کرده ام. نه من در زندگی همان سرباز هستم. وقتی خیابان های شهر تهران ساخته می شد اکثراً با اسب سواری سرکشی می کردند.

حضرت اشرف تابستانها در سعدآباد بودند و مقرر فرمودند در شهر مراقب ساختمانها باشیم. در شمال شرقی کاخ مرمر بنائی بود معروف به سالاریه که سالن های بزرگ و اتاق خواب تمام آینه داشت. از سالار لشکر آن را خریداری کردند و چند عمارات اطراف راهم خریدند. سردر سنگی بانقشه استاد جعفرخان معمار ساخته شد. استاد علی حداد در کمال زیبایی آن را آراست و کاشیهای آن را طاهرزاده بهزاد طراحی و استاد حسین خاک نگار مقدم تهیه کرد. بعدها در همین عمارت سالاریه منزل کردند.

سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) و داور در اتاق من بودند و کلارایکی یکی می آوردند و ورقه ای را امضاء می کردند که پیشنهاد انقراض قاجاریه بود. سیداجاق گفت تا این امیراحمدی قصاب را برندارید امضاء نمی کنم که گفته شد او تغییر می کند و ورقه را امضاء نمود.

احمدشاه از اروپا شیخ خزعل را تحریک می کرد و می گفت من به این دولت اعتماد ندارم. در حضور چندتن از وکلاء فریاد زدند که این تلگرافات به دستور شاه است. اینها تصور کردند من میرزاتقی خان امیرکبیر هستم که بخواهند او را ازین ببرند و خودش دستش را

دراز کند و بگوید رگ دستم را بزنید. ولی من میرزاتقی خانی هستم که رگ دیگران را می زنم و سزای این دزد غارتگر و اربابش را کف دستش می گذارم. دوازده روز بعد به جنوب حرکت فرمودند و خوزستان را پاک کردند و فاتحانه مراجعت نمودند. از همان روزها معلوم بود که سلسله قاجار خلع شده است. احمدشاه هم دیگر فکر مراجعت از ایران را از خود دور کرد.

بعد از تصمیم مجلس مؤسسان به خلع قاجاریه روزی به عمارت برلیان و عمارت تاج تشریف بردند. در مقابل تابلوئی ایستاده پرسیدند از کیست؟ گفتند از میرزا حسین خان سپهسالار. جلو رفته فرمودند مرد بیکاره ای بودی، سالها جلوی پیشرفت مملکت را گرفتی، کاری که حالا من کردم تو باید در زمان خودت می کردی و پیشرفت مملکت را به عقب نمی انداختی. دستور دادند کله کریمخان زند را که آغامحمدخان قاجار دستور داده بود زیرپله راهرو تخت مرمر دفن کنند بیرون بیاورند و در جای مناسبی بگذارند. آغامحمدخان سرکریم خان را زیرپله های راهرو دفن کرده بود تا وقتی از آنجا عبور می کند سرکریم خان زیرپایش باشد.

اوایل سلطنت در کاخ گلستان عمارت بلور منزل داشتند و عمارت خوابگاه هم که فعلا (وزارت دارائی) است اختصاص به دفتر پیشکاری ولیعهد داشت.

وقتی به سلطنت رسیدند شروع به مسافرت به نقاط مختلف مملکت کردند. در عین سادگی این عادت را داشتند که وضع زندگی در منزل و خارج یکنواخت باشد. در ساعت معین سیگار می کشیدند و چای و آب می خوردند آنهم فقط در ظرف خودشان. باید سیگارشان از توتون مشوک دار باشد که خیلی تند بود و هر کس نمی توانست استفاده کند. بقدری منظم بودند که پیشخدمتها سر ساعت معین وسایل را آماده می کردند. پیشخدمت دستور داشت که سر ساعت ۶ صبح چای

را به اتاق خواب ببرد که در رختخواب منتظر بودند. با استحمام و کشیدن سیگار دوم به اتاق دفتر می رفتند که درست ساعت ۷ صبح بود. يك گزارش از نظمی می رسید و گزارشات تلگرافی از سراسر کشور که تا ساعت ۸ صبح مطالعه می کردند. ساعت ۸ صبح رئیس دفتر شرفیاب می شد. يك روز ساعت ۹ صبح وزیر جنگ و روز دیگر رئیس ستاد ارتش و بعد وزراء شرفیاب می شدند. يك روز رئیس ستاد زودتر شرفیاب شد که فرمودند ساعت شما خراب است. برگشت و سر ساعت ۹ شرفیاب شد.

کاظمی وزیر خارجه شرفیاب بود. فرمودند وزیر خارجه را ببر و اتاق ها با قالی های نفیس را نشان بده و گفتند تمام ممالکی که سفارتخانه داریم باید محل ملکی خودمان در بهترین منطقه باشد و چون در دنیا به فرش شهرت داریم بهترین فرشها را برای سفارتخانه ها خریداری کنید.

سالی دو مرتبه به مسافرت می رفتند که هر بار ۱۲ تا ۱۵ روز طول می کشید.

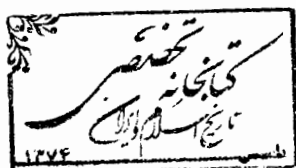
وقتی ولیعهد کلاس مخصوصی را در کاخ طی می کردند اتاقی داشتم که در آن تفنگی بود که اغلب پر بود که با آن ما کلاغ هارا می زدیم. يك روز ولیعهد و دوستان همبازی اش به آن اتاق می روند ولیعهد تفنگ را برمی دارد بدون اینکه بداند پراست یکی از شاگردها دستش به ماشه می خورد و تیری شلیک می شود که کلاه ولیعهد را سوراخ کرده به سقف می خورد. از صدای تفنگ به آنجا رفتم و بحمدالله بخیر گذشت. سعی کردم رضاشاه از آن مطلع نگردد. وقتی القاب را لغو کردند خیلی حساسیت داشتند. يك روز گفتم (امیراکرم) فرمودند، دیگر امیراکرم نیست دیگر خان و آقا و بیك نیست. گفتم چرا علیخان گفتند مگر نگفتم خان هم نیست.

اعلیحضرت افسران قدیمی و کارمندان علاقمند به کار را دوست

داشتند. وقتی سرلشکر بوذرجمهری و سرلشکر نقدی (سردار رفعت) مریض شدند به عیادت آنان می رفتند. فروغی خیلی مورد اعتماد بود بارها برای عیادت به منزلش می رفتند.



محمد رضا پهلوی بعد از اینکه ولیعهد ایران شد



يك روز فرمودند من همیشه اینطور زندگی نداشته ام. سختی ها کشیده، پیاده رویها کرده، گرسنگیها کشیده، در سرمائی که سنگ را می ترکاند پیاده در بیابانها با عده خودم به مأموریت می رفتم. یکبار چکمه هایم بقدری کهنه شده بود که با پاشنه های کجش بازحمت راه می رفتم. هر چند فرسنگ بچه ها چکمه هارا از پایم درمی آوردند و با سنگ میخهای داخلی چکمه رامی کوبیدند و پای زخمی به راه رفتن ادامه می دادم.

يك روز به دادگر رئیس مجلس گفتند این چه مجلسی است؟ کارشاه به جائی رسیده که زوار باید از او تعریف کند. او آدم متلونی است که هر روز چیزی می گوید. من چه احتیاجی دارم که از من تعریف کند. عوض تعریف کارشان را انجام بدهند.

اعلیحضرت با تمام گرفتاریها اختیار جنگل و ارز را در دست خود داشتند. هرسازمانی که احتیاج به ارز داشت باید گزارش شرفرضی تهیه می کرد.

اعلیحضرت به نظافت خیلی اهمیت می دادند. از نظر عمارت و باغ و لباس و بدن که هر دو روز یکبار حمام می رفتند و کیسه کش مخصوص داشتند. اگر روی مبل ها گرد می گرفت ناراحت می شدند و با دستمال سفید جیبی روی آن می کشیدند.

در مراجعت از سفر چالوس راه دست انداز داشت. وقتی پیاده شدند به منصور وزیر راه فرمودند: «برود عاکن پادشاه مشروطه هستم والا همین جادستور می دادم سرت را جدا کنند، این راه است یا کوهستان». دفعه بعد که سر لشکر فیروز وزیر راه بود باز هم راه خراب بود، بطوری عصبانی شدند که نزدیک بود وزیر راه قبض روح شود.

از مأمورین املاک نظیر سرتیپ صفاری و سرتیپ افشارطوس که
مریض شدند خیلی مراقبت داشتند. من هم وقتی مریض شدم همه
روزه در کاخ بدیدنم می آمدند.

اعلیحضرت يك روز (حسین سیاه) از خدمتگذاران دربار را به
ولیعهد معرفی کرده گفتند در مأموریت همدان حسین کارهای مرا
انجام می داد و با خدمتگذار زن به نام فاطمه که آنها را دست به دست
دادم ازدواج کردند و صاحب دو پسر هستند. پسرهارا آوردوبه ولیعهد
معرفی کرد. فرمودند متوجه آنها باش. یکی در دفتر شهبانوکاری
کرد و دیگری استاد یار دانشگاه شد.

اعلیحضرت به قالی خیلی علاقه داشتند و می گفتند من
عمارت را به خاطر قالی می سازم. قالی های بسیار نفیس در کاخ
ها بود.

يك روز فرمودند در اطراف کاخ شب ها صدای اتومبیل را نمی
شنوم. معلوم شد شهربانی شب ها جلوی حرکت اتومبیلها را می گیرد.
فرمودند پس تکلیف ساکنین اطراف چیست؟ رئیس شهربانی دلایلی
آورد فرمودند من بین مردم بوده ام مزاحم آنها نشوید.

موقع پیاده روی گیوه می پوشیدند. يك روز یکی از مستخدمین
رأیدند که گیوه بهتر از ایشان به پا دارد فرمودند با حقوق کم چطور
این گیوه را خریداری کرده ای؟ من که شاه هستم این گیوه ارزان را
پوشیده ام. شما هم باید صرفه جو باشید.

کفش ها و پوتین ها اغلب تعمیر می شد و حق تعویض نداشتیم.
زیرا بازخواست می شدیم.

برای مستخدمین دربار اضافه حقوق خواستم و به عرض رساندم
که خداوند به اعلیحضرت به اندازه بلژیک ملك و نقدینه داده و اگر
اضافه حقوق داده شود آنها خوشحال می شوند. خیلی عصبانی شده
فرمودند اینتهائی که من دارم مال مملکت است. آنچه من با خود می برم

دوزخ ونیم چلواراست. چون می بینم صاحبان املاک آبادانی نمی کنند فکر کردم با عایدی این املاک می شود بودجه مملکت را تأمین کرد. آن را آباد می کنم و برای مملکت می ماند. هرکجای مملکت ما مثل سویس است اگر آباد کنیم ثروتمند می شویم. من امروز پادشاه مملکتی ولی مالک و زارع و مهمانخانه چی و کارخانه چی و حمامی هستم. مگر نمی دانم که شاه مملکت نباید این کارها را بکند. من مملکت را دوست دارم و این کارها را می کنم برای فردا وقتی که رفتم برای مملکت می ماند.

اعلیحضرت اعتقادات مذهبی محکمی داشتند و به مشیت الهی و عفو و انتقام مقید بودند.

در مراسم سلام در کاخ گلستان تیمورتاش مطالبی را به عرض رسانید و دوست محمد بلوچ را به کاخ آورده بود. در اتاق انتظار شخص ژنده پوشی را با لباس کثیف پهلوی مشیرالدوله و مستوفی الممالک دیدم ایستاده است. با تیمورتاش تشریف آوردند و گفتند دوست محمد تویی؟ گفت بلی. فرمودند چهل روز است فراری هستی و یک موی سیاه نداری. گفت از خوف اعلیحضرت است. فرمودند دست انتقام است. آنهمه جنایت کرده و آدمهای بیگناه و مأمورین بدبخت راکشته ای، باید از تو انتقام گرفت. فرمودند ببریدش که چند روز بعد اعدام شد. سرلشکر آبرم می خواست علیه بوذرجمهری پرونده بسازد که دستور فرمودند یکی از خیابانهای تهران به نام بوذرجمهری نامگذاری شود با این طرز پرونده سرلشکر بوذرجمهری بسته شد.

یک روز در خیابان قطاری از شترجلوی اتومبیل اعلیحضرت عبور می کند و مانع حرکت اتومبیل می شود اعلیحضرت از اتومبیل آهسته پیاده شده به سفارت فرانسه می روند و باتلفن اتومبیل دیگری می خواهند. راننده اولی متحیر می شود که مسافرش چه شده است؟ اعلیحضرت فرمودند چرا درآینه نگاه نمی کنی؟

درویشی جلوی اتومبیل شاه را گرفت. پیاده شدند و از او که ریش انبوهی داشت پرسیدند گردن کلفت اول بگو ببینم نظام رفته ای یا خیر؟ گفت خیر. فرمودند این گل مولا هنوز خدمت نکرده اورا به لشکر سنندج تحویل می دهید که خدمت کند تا بانان حلال و مشروع زندگی کند. اول سروصورت درویش را تراشیدند. چندروز بعد درویش را با لباس نظامی در سربازخانه دیدند و پرسیدند حالا بهتر است یا آن وقت گل مولا؟

از موقعی که ولیعهد از سوی مراجعت کرده بودند حال اعلیحضرت بی اندازه تغییر کرده بود. هم ملایم شده و هم حال بشاش و خرسندی داشتند. یک روز به وکلای مجلس گفتند در کشورهای مشروطه حزب هست برای انتقاد از کارهای دولت و این کار را من به جای حزب می کنم مخصوصا حالا که با ولیعهد دونفر شده ایم.

وقتی اعلیحضرت استعفا کردند و می خواستند بروند عرض کردم من هم در التزام رکاب باشم فرمودند خیر، باش برای شاه لازمی و بعد به سوی اصفهان حرکت کردند.

سلیمان بهبودی می نویسد: شبی مرا احضار فرمودند. به تنهایی آواز می خواندند فرمودند سلیمان توهم بخوان، عرض کردم بلد نیستم. فرمودند من بهتر می خوانم یا تو؟ عرض کردم اعلیحضرت. فرمودند چون من شاه هستم خوب می خوانم. سلیمان آیا من بد اخلاق هستم؟ عرض کردم خیر، فرمودند ۴۰ سال است برای پیشرفت این مملکت سگرمه هایم را درهم کشیده ام، به محض اینکه لبخند به روی این مردم بزنم فوراً روی دوشم سوار می شوند و الا دلیل ندارد که دایم به خود زحمت بدهم و این طور وانمود کنم، من بد اخلاق نیستم مرا وادار به این طرز رفتار می کنند.

ترس از رضاشاه

ابوالحسن ابتهجاج می نویسد: وقتی امیرخسروی رئیس بانک ملی بود و بعدها من معاون او شده بودم برایم تعریف می کرد که وقتی شرفیاب می شدم شاه آن طرف اتاق می ایستاد و با چشمانش که مانند ببراست به من نگاه می کرد و من هم درحال لرزش گزارش هارا می دادم.

محمودجم چنین گفته است. درشرفیابی حضور رضاشاه آن قدر از ترس عرق می کردم که وقتی به خانه می رسیدم مقداری جوش شیرین می خوردم تا آرام شوم.

ابراهیم خواجه نوری می نویسد: رضاشاه وقتی به تخت سلطنت مستقر گردید و مطمئن شد که قانون پشت اوست و یقین کرد که ناظران برامورایران هم ازسیاست کلی اوراضی هستند دیگر کم کم وقعی به هیچکس نگذاشت و هیچ شخصیتی رانخواست درمقابل خودسربلند و محترم ببیند. درچنین شرایطی است که متملقین مقرب گردیدند.

رضاشاه به مستوفی الممالک خیلی احترام می گذاشت و ازقوام السلطنه و دکترمصدق متنفربود.

علی دشتی می نویسد: رضاشاه مثل هرمؤسس وبنیانگذاری ازاراده ای برخوردار بود. طبعاً اشخاصی در دستگاه وی راه می یابند که خودرامجری اراده او نشان دهند واگر طرحی رامناسب ندانند بایدباشکل ملایم که سازگارطبیعت او است بیان کنند. رضاشاه به خودمن گفتند ازاننقاد بدم نمی آید ولی باید غرض آلودنباشد. سرلشکر مطبوعی نقل می کرد که روزی امری فرمودند گفتم به نظرغیرعملی می آید باتلخی فرمودند «نمی شود، نمی شود، چرا؟» عرض کردم اگر اعلیحضرت بفرمایند اجرامی شود ولی اگر اجازه بفرمائید علت جسارت را عرض کنم. فرمودند بگو. وقتی

گفتم آرام شده به شکوه الملك گفتند مطبوعی نظری دارد شاید صحیح باشد. باید مذاکره کنید.

احمدنفسی از قول ملکه مادر نقل می کرد که رضاشاه همانقدر که نسبت به رجال و صاحبان مقام سختگیر بود با افراد عادی رفتار ملایمی داشت و بارها این جمله را تکرار می کرد: «این ملت بقدری نجیب است که اگر نان و گوشتی برایش فراهم کنید توقع بیشتری ندارد.»

دکتر متین دفتری می گفت: رضاشاه تدریجا مخالفین را کنار گذاشت. برای نمایندگی مجلس لیست اشخاص مورد اعتماد مردم ولایات تهیه می گردید و غالباً نامزدها را ازین آنان انتخاب می کرد. جوانان و مستخدمین فعال را برای وکالت قبول نمی کرد و آنها را برای خدمات دولتی ترجیح می داد.

رضاشاه خیلی حریص شده بود

بلوشرسفير آلمان در ایران می نویسد: یکی از نقاط ضعف رضا شاه قملک زباد املاک بود که خیلی حریص شده بود. در ابتدای سلطنت این خوی را نداشت ولی به عنوان آباد کردن املاک، اطرافیان او را تشویق کردند به صورتی که ملک داری خصلت ثانوی شاه شده بود. رادبولندن هم از همین نقطه ضعف استفاده کرد او را مورد حمله قرار داد.

رضاشاه ازدوران قزاقی عادت داشت که روی زمین بخوابد و این عادت را در دوران سلطنت هم ترك نکرد. در وقت شناسی بسیار منظم بود. روزی چند ساعت عصازنان راه می رفت و مقامات مملکت را می پذیرفت. کمتر اتفاق می افتاد که در این شرفیابی های روزانه کاربه فحاشی و کتک کاری نکشد. هیچ مقامی از این تعرض مصون نبود.

رضاشاه مردی بود با سوادی کم و اطلاعاتی متوسط ولی غیرت زیاد ملی

احمدتوکلی سفیر سابق ایران با بررسی اسناد و مدارک تحت عنوان (مشروطه ای که نبود) کتابی منتشر ساخته و درباره رضاشاه چنین نوشته است:

کودتای ۱۲۹۹ به خودی خود تغییری ایجاد نکرد. نه دولت را برانداخت (چون سپهدار اعظم در جریان تشکیل دولت تازه بود) و نه شاه و درباریان تغییر کردند، نه مجلسی بود که تعطیل شود و نه آزادی وجود داشت که با حکومت نظامی از بین برود. عاملین کودتا از یکطرف با حضور قوای انگلیس در قسمتی از کشور و بلشویکها و متجاسرین زیر عنوان (سویت گیلان) در قسمت دیگر مملکت (منتظر فرصت برای برقراری دیکتاتوری پرولتاریا) بودند. آنها با چنین مشکلات و فقدان ارتشی برای مقابله با خارجیها و نداشتن پول برای تشکیل و اداره ارتش چه کاری می خواستند بکنند؟ قوای دوهزار نفری باپولی که انگلیسها داده بودند و وسیله سیدضیاء به محل اقامت قزاقها برده شد به سوی تهران حرکت کردند.

سیدضیاء یکی از ۱۴ فرزند آقا سیدعلی یزدی و پسر عموی محمد طالب الحق بود که در شیراز متولد گردید. آقا سیدعلی یزدی از سادات سرشناس بود که مظفرالدین شاه به او ارادت می ورزید چنانکه در نامه ای خطاب به او نوشت چهل سال است که سگ آستان

اجداد طاهرین شما هستم. چون سگی در آستانی پیرشد، از وفا بر گردنش زنجیر شد. (مجله آینده نوشته که این نامه نزد برادر سیدضیاء به نام سیدعبدالله موجود است.)

مظفرالدین شاه همچنین در سترمرگ وصیت کرد سیدعلی آقا برجنازه او نماز بگذارد. پس از فوت مظفرالدین شاه شاه رجال و مراجع تقلید به او اقتدا کردند و برجسد شاه نماز گذاردند. سیدعلی آقا یزدی همچنین با شیخ فضل الله نوری همکاری داشت. وقتی ژنرال آیرون ساید در ایران فعالیت داشت (کلنل کاظم خان سیاح) افسر ژاندارمری با او همکاری می نمود و رابط و مترجم ایرانیها و انگلیسیها دریادگان های نظامی بود. بهمین جهت با روابط نزدیکی که با سید ضیاء داشت او را در جریان مذاکرات آیرون ساید و افسران انگلیسی و ایرانی می گذاشت و از ترقی رضاخان آگاهش ساخت. در آن روزها خیلی ها روی کار آمدن يك مرد قوی را آرزو می کردند. سیدضیاء از اطلاعات خود استفاده کرد و برای این که ثابت کند کودتا به ابتکار او بوده فرمانده تازه قوای قزاق سرداران تنصار را که افسری تحصیلکرده بود گول زد تا حکم فرماندهی رضا خان را صادر کند و به او اجازه حرکت به تهران را بدهد. ولی بهرحال سندی در دست نیست که سیدضیاء در تصمیمات آیرن ساید مستقیم و یا غیرمستقیم مؤثر بوده باشد به خصوص که بین اعضای سفارت انگلیس در مورد نخست وزیر آینده توافق کامل وجود نداشته است.

بهر صورت پس از صدور اعلامیه (حکم میکنم) با امضای ساده (رضا) کلنل کاظم خان دوست سیدضیاء با درجه سرهنگی به مقام فرمانداری نظامی تهران منصوب شد.

وقتی سیدضیاء هیئت دولت خود را معرفی کرد وزارت جنگ به مسعودخان کیهان واگذار گردید و هیچ مقامی به رضاخان داده نشد. طبیعی است که او وزارت جنگ را حق خود می دانست و می

توان یقین داشت که این انتخاب لااقل اولین اختلاف بیم دوهمکار کودتا بود.

بااستخدام تعدادی افسرانگلیسی داوطلب، اختلاف سردار سپه و سیدضیاء زیادترشد. افسران ایرانی نیروی قزاق مصمم شدند که فرماندهی انگلیسی را نپذیرند. رضاخان هم به افسران قزاق دستور داد که فقط از او کسب تکلیف کنند و هیچ بهانه ای حتی فرمان انگلیسها که خلاف این دستور باشد قابل قبول نیست. در روز سلام هم احمدشاه يك قبضه شمشیر مرصع به سردار سپه اعطاء نمود.

با ملاحظه اوراق تاریخ می توان توجه یافت که نه در زمان کودتا و نه پیش از آن در ایران آزادی وجودنداشت که ازین برود. تردید نیست که یکی از دلایل کودتا و روی کارآمدن سردار سپه که منجر به ایجاد ارتش منظم از ایرانیها و قدرت او شد جلوگیری از نفوذ کمونیسم در هندوستان بوده است. با کناره گیری مسعودخان کیهان وزیر جنگ سردار سپه به این سمت معرفی و وزیر کابینه شد. وقتی سیدضیاء خود را تنها دید در صدد برآمد که محمدحسن میرزا ولیعهد را جانشین احمدشاه کند که خبر به شاه رسید و این امر پایان کار سیدضیاء بود ولی او خود را متکی به انگلیسها می دانست. بعد سردار سپه اقدام کرد و سرهنگ حبیب الله خان شیبانی فرماندار نظامی تهران شد.

سردار سپه یارضا شاه بعدی هیچگاه ادعای آزادیخواهی نکرد. آدمی بود با سواد کم و اطلاعاتی متوسط ولی غیرت ملی زیاد. او معنای مشروطه را آن چنان که جوانان چپ و راست تشریح می کنند نمی دانست. در دوره او مشروطه در مجلس خلاصه می شد و بس. او که فقدان امنیت را در سطح مملکت دیده بود فقدان امنیت خصوصی را فرع بر آن می دانست.

فراموش نشود که بعد از جنگ بین الملل اول دوران دیکتاتورها

بود. در زمان کودتا ایران کشوری بود تحت اشغال بیگانگان و حتی ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا در افق سیاسی ایران دیده می شد. رضاخان مثل دیگران عیب هائی داشت که اگر مقایسه شود از دیگر رجال آن دوره بدتر نبود. ولی نفوذ خارجی هارا به حداقل رسانید و بهمین جهت بهای آن را با غربت و مرگ در تبعید در آخر عمر پرداخت. گردآوری مال و گرفتن املاک سابقه قدیم داشت. ازدست رفتن عده ای افراد با صلاحیت و روزنامه نگار بهای گزافی بود که پرداخته شد. اگر آن فقدان ها یا ضایعه ها با آنچه قبل از کودتا در ایران روی می داد مقایسه شود شاید بدتر از سابق نشده بود و محدودیت آزادی ها بیش از دوران قبل از کودتا نبود. اگر ایران دوستی و غیرت سردار سپه نبود خوزستان هم وضع کویت را پیدا میکرد همانطور که هرات را از ایران جدا کردند. با این طرز سردار سپه نشان داد که اگر انگلیسها اورا آوردند نمی دانستند با کی طرف هستند که حمیت ملی و ایران دوستی او مقدم بر سایر احساساتش قرارداداشت.

در سال ۱۳۱۲ رضاشاه درصدد محدود کردن شرکت نفت و کسب حق ایران از آن شرکت برآمد و مذاکرات بانقشه پیش می رفت. در لحظه آخر رئیس شرکت نفت حتما به رضا شاه گفته بود یا تمدید قرارداد را بپذیرید یا دولت انگلستان به استناد اسناد قدیمی در صدد حمایت از شیخ خزعل بر می آید و رضاشاه بین آن دو ضرر آن را که کمتر زیان داشت پذیرفت زیرا می دانستند از اوضاع و احوال آن روز جهان دولت انگلستان احتمالا در پناه حمایت جامعه ملل موفق به جدا کردن خوزستان میشد. آنها که عدم النفع دوره ۶۰ ساله قرارداد تمدید شده نفت را حساب می کنند هیچوقت به فکر این نیفتاده بودند که اگر خوزستان ازدست میرفت آن وقت محاسبه چه صورتی می داشت؟

جرم رضاشاه این بود که انگلیسها اورا نشناخته بودند و

وقتی او را کمک کردند تا به قدرت رسانیدند نمی دانستند با کی طرف هستند؟ او افسران انگلیسی را از ارتش مرخص کرد، خزعل تحت الحمایه انگلیس را سرکوب نمود و خوزستانرا باردیگر جزء ایران ساخت. او قصد احقاق حق ایران را در شرکت نفت جنوب داشت که با تهدید او را مجبور به عقب نشینی کردند. در جنگ بین الملل اول انگلستان به ملاحظه هزینه جنگ در پرداخت حق امتیاز ایران تأخیر کرده بود که رضاشاه در وصول آن پافشاری داشت. رضاشاه با این اقدامات غیرت ملی خود را نشان داد و بقای خود را به خطر انداخت.

رضاشاه و افکار عمومی

یکی از اشتباهات شاهان پهلوی این بود که هر دو وقتی قدرت یافتند ملت و افکار عمومی را فراموش کردند و حتی می گفتند که افکار عمومی و نظر مردم را نمی توان پذیرفت.

مخبر السلطنه هدایت که خود ۶ سال نخست وزیر رضاشاه بود و سلامت هم از کارکنار رفت می نویسد: رضاشاه به مستوفی الممالک خیلی احترام می گذاشت. به غلامحسین غفاری (صاحب اختیار) گفته بود «به رفیقت بگو این اندازه به ملت تکیه نکند، ملتی در کار نیست».

مخبر السلطنه همچنین اشاره می کند که از سال هفتم و هشتم سلطنت پهلوی امیدها به یأس مبدل شد. نظم در شهرها و داشتن کارخانه ها و داشتن راه ها امیدی ایجاد کرده بود ولی پایه عدالت متزلزل شد. تمام محسنات به این عیب نمی ارزید. پهلوی اهرمی بود که مملکت را تکان داد و کشور را به تعالی برد اگر سوء اخلاق در کار نیامده بود می شد بگویم دوره پهلوی دوره الماس بود. در دوره پهلوی هیچکس اختیار نداشت. تمام امور باید به عرض برسد و آنچه فرمایش بود رفتار کنند. پهلوی هوش سرشار داشت، حافظه اش قوی

بود، با بیسوادی متصرف در عبارات و ملتفت اشارات بود، نکته سنج و متین، غیظ را فرو می برد و می توانست هر چیزی را به جای خود بیان کند. عزم سنگین داشت و اراده آهنین، در کارها بنیان می خواست و مراقب فرجام کار بود.

عبدالله مستوفی می نویسد: رضا شاه پسر هوش و فراست و حاضر جوابی، پسر پشتکار و متانت و حوصله، پسر شهامت و علوهمت، پسر وطن پرستی و دوری از بیگانگان، پسر اخذ و طمع و حرص، پسر بیدینی تا حمله به دیانت. اگر این دو صفت آخری را نداشت و در شجره نامه اخلاقی او نبود مسلماً از بهترین پادشاهان ایران بشمار می آمد ولی اگر این دو پدر را نداشت نمی توانست ایران آن روزی را جمع و جور کند.

ابراهیم خواجه نوری می نویسد: رضاشاه عاشق دو چیز بود. اول پسرش محمدرضا و دیگری وطنش ایران.

سرپرسی لرن وزیر مختار انگلیس که بارضا شاه تماس زیادی داشت به لرد کرزن می نویسد: «رضاخان يك وطن پرست راستین و بی ریاست و مشتاقانه آرزو دارد که ایران را از خفت و خواری رهایی بخشد. او می خواهد قانون و نظم را در سراسر کشور برقرار سازد و احترام همسایگان را جلب کند».

دکتر سجادی در سالنامه دنیا چنین نوشته است:

در آخرین دیدار بارضاشاه در اصفهان عرض کردم قربان تعذیات مأمورین املاک مردم را به ستوه آورده بود. شاه گفت راست گفتمی بر پدر... لعنت که از نیات خیر خواهانه من سوء استفاده کرده و رعایای بدبخت مازندرانی را که همولایتی من بودند تحت فشار قرارداده و باوجودی که من بعضی مواقع به این فشارهای بی مورد پی می بردم بازبان تملق می گفتند «خیر قربان به دعاگوئی مشغول هستند».

از همین نقطه ضعف است که رادیوهای خارجی سوء استفاده

می کنند و هر شب به من ناسزا می گویند. کو آن وسیله که من بتوانم حقایق را فاش کنم و بگویم روحم از این تعدیات خبر نداشت و منظور واقعی من از خرید املاک آبادانی آن و ازدیاد محصول و رونق صادرات بود.

مصطفی فاتح می نویسد: هنگامی که سردار سپه به سلطنت رسید قدرو منزلت مردمی که او را یاری کرده بودند در نظرش بسیار زیاد بود. او خود رامرهون مردم و روشنفکران آن زمان می دانست ولی متأسفانه چند کهنه درباری او را احاطه کرده و به او تلقین می کردند که مردم را نباید به حساب گذاشت و قدرت و زورتنها عاملی است که بر هر چیز برتری دارد. بدیهی است هر وقت قدرت به دست يك نفر افتاد هر قدر هم آن فرد وطن پرست و مردم دوست و خیرخواه باشد امیدرستگاری برای چنین مردمی نیست.

از یادداشت های علم و گفته بعضی از نزدیکان محمدرضا شاه هم شنیده شده که وقتی گفته اند که مردم با فلان کار موافقت ندارند گفته اند که مردم چه می گویند. گفته مردم نمی تواند مبنای تصمیم گیری باشد.

روس ها با نخست وزیری سردار سپه مخالف بودند

رضاهروی (بصیرالدوله) که از محارم احمدشاه بود در خاطراتش چنین نوشته است:

احمدشاه با مسیووالدین نماینده دولت روسیه در ایران روابط خوبی داشت و کراراً با او مشورت می کرد. بهمین جهت نزد من آمد و گفت از قراری که شنیده ام سردار سپه وزیر جنگ خدمت شاه رسیده و تکلیف کرده که اعلیحضرت برونند فرنگ من حاضرم حق یکساله دربار را از وزارت جنگ بطور مساعد بدهم که حدود چهل هزار تومان

می شود تا با خیال راحت در فرنگ باشند. اعلیحضرت هم متقاعد شده و این پیشنهاد را قبول کرده که دستخط رئیس الوزرائی او را هم صادر فرمایند. او گفت وزیر جنگ با قوه نظامی نمی تواند سیاست خود را عملی کند. دو ماه قبل می خواست این کار را بکند و ما جلوگیری کردیم. از این مسئله خیال شاه راحت باشد. او می خواهد با میلیون سازش کند و یکی دو نفر از اشراف را حبس و بدنام نماید. شاه را گاهی تحبیب و گاهی تهدید می کند تا بتواند اختیارات تام بگیرد. ما همراه شاه هستیم تا جلوی اقدامات وزیر جنگ گرفته شود. به شاه عرض کنید که یگانه راه ساختن با میلیون است. دیگر اینکه در دربار مردمان بدی هستند به اعلیحضرت بگوئید که در دربار کودتا کنند. حضوراً اعلیحضرت رفتیم و گفتم روسها حرف های بی ربط می زنند و نباید به حرفهای آنها اعتماد کرد. شاه خندید و گفت وزیر جنگ نقشه انگلیس هارا پیاده می کند و هرچه آنها میل دارند انجام می دهد. اینکه گفته شده قوام السلطنه در توطئه علیه وزیر جنگ شرکت داشته صحت ندارد و خیال می کنم عقل و شعور قوام طوری است که وارد این کارها نمی شود. الان قدرت وزیر جنگ از ناصرالدین شاه زیادتر شده است. شایعه این که وزیر جنگ پیشنهاداتی درباره سفر اروپا کرده است صحت ندارد. اعلیحضرت فرمودند به نماینده روس بگوئید من از انگلیسها میوسم و روابط خود را با آنها قطع کرده ام فقط امیدوار به دوستی با شما هستم. ما را رفیق بین راه نگذارید. نماینده روس هم در مذاکرات گفت به اعلیحضرت اطمینان بدهید رفیق بین راه نیستیم.

مسیووالدین همراه مترجمش (عبدالحسین هژیر) نزد من آمد و گفت وزیر جنگ درخواست دستخط رئیس الوزرائی را دارد. رأی اعلیحضرت چیست؟ اطلاع یافتیم که چند روز قبل وزیر مختار آمریکا پیش وزیر جنگ رفته و گفته شنیده ایم خیال کودتا دارید در آن صورت

دولت آمریکا شمارا به رسمیت نخواهد شناخت. گفتم این مسئله حقیقت دارد. همچنین وزیر جنگ اسماعیل خان (سرلشگر شفاقی) را به مسکو فرستاده تا رابطه دوستی زیاده‌تر برقرار کند. خواستم که اعلیحضرت به مشاور الممالک سفیر در مسکو با تلگراف رمز موضوع را اطلاع دهد که تبلیغات را خنثی کنند. از طرفی وزیر جنگ شهرت داده می‌خواهم قوام السلطنه را به عنوان توطئه محاکمه کنم چون پای ولیعهد در میان است شاه نمی‌گذارد می‌خواهد او را بفرستد به فرنگ که مطلب را به شاه گفتم اظهار داشتند که به مسیو والدین بگوئید ظهیرالاسلام را در حبس شکنجه کردند که اقرار کند در حالی که گرفتاری قوام السلطنه بی‌ربط است و قرار است آزاد شود.

اعلیحضرت مرا خواستند و گفتند فوراً به سفارت روس بروید و بگوئید من تصور می‌کردم همانطوری که با من قرار گذاشتید بر عهد خود باقی هستید ولی وزیر جنگ شمارا گول زده با خود همراه کرده و مشیرالدوله رئیس الوزراء هم استعفا کرده و وزیر جنگ مرا ناچار کرده فرمان ریاست وزرائی به او بدهم. به شما هم می‌گویم هر چه قدرت او زیاد شود اسباب تضعیف سیاست دولت روسیه در ایران خواهد شد. من دیگر نمی‌توانم در مقابل سردار سپه مقاومت نمایم. جز تفویض زمامداری به او چاره‌ای ندارم. تا به حال از شما ملاحظه می‌کرد ولی حالا از شما هم اطمینان پیدا کرده و سوسیالیستها هم برای این که داخل کابینه شوند با او همراه هستند. ولی مسئله عمده این است که وقتی دستخط صادر شد دیگر در ایران نمی‌توانم بمانم و به اروپا خواهم رفت. وقتی سردار سپه وزیر جنگ و رئیس الوزراء شود اقامت من در ایران غیر ممکن است، مطالب را به مقامات سفارت گفتم آنها اظهار داشتند دولت روسیه خلاف تعهدات خود با اعلیحضرت رفتار نمی‌کند. سفارت روس بیطرف است برله یا علییه وزیر جنگ اقدامی نمی‌کند. این که گفته‌اید او را رئیس الوزراء می‌کنید ماهم

تصدیق می کنیم مطلب همین است به هرکس تکلیف شود وزیر جنگ نمی گذارد کار کند و اقدامات هر زمامداری را فلج می کند. پس صلاح در این است که به اعلیحضرت بفرمائید پروگرام دولت و اعضای کابینه را بدهید تا دستخط صادر شود. پس از این گفتگو دستخط رئیس الوزرائی سردار سپه صادر شد.

چگونگی کناره گیری رضاشاه وترس از شورویها و نصایحش به محمدرضاشاه پهلوی

ریچارد استوارت پژوهشگر آمریکائی درباره رضاشاه چنین می

نویسد:

وقتی فرماندهی قزاقهای ایرانی به یک سرتیپ ناسونالیست و جاه طلب به نام رضاخان تفویض شد با تهور و قدرت رهبری زیادی که در خلال لشکر کشی ها از خود نشان داده بود تدریجا ارتقاء یافت. او هیكلی تنومند داشت که از بسیاری از هموطنانش بلند تر بود. از سرسختی و انضباط و وجهه نظامی برخوردار بود. چهره مشخص و متمایزی داشت. آموزش چشمگیر و سواد درستی نداشت ولی از مشاهده عمل کرد حکومت های فاسد و واپسگرای ایران و مداخلات بیگانگان به تنگ آمده بود که با همراهی بعضی از روشنفکران ناراضی به ویژه سیدضیاء الدین طرح کودتا را ریخت و دولت بی خاصیت وقت را سرنگون ساخت. نیروهای روس و انگلیس کشور ایران را ترك گفتند و رضاخان را برای تحکیم مبانی اقتدارش به حال خود واگذار کردند. وی با توسعه ارتش و استقرار امنیت سراسر کشور را تحت کنترل مرکز درآورد. او با تکیه بر افکار عمومی آخرین پادشاه قاجار را رهسپار اروپا ساخت و خاندان جدید سلطنتی را بنیان نهاد. هدف اصلی او آن بود که با نوسازی و صنعتی ساختن

سریع ایران عرصه را برمداخله بیگانگان در امور کشور تنگ کند. مقامات مملکت از او بیمناک بودند. وی در قبال دیوانسالاری فاسد و بی تفاوت کشور رویه ای سرسختانه در پیش گرفت. رضاشاه کشور ایران را نوسازی کرد. یک نظام قضائی مطابق موازین اروپائی بنا نهاد و روحانیون مقتدر را از مزایای قضائی سنتی شان محروم ساخت و به مخالفتهای مذهبی تا سرکوبی آنان خاتمه داد. همکاری ایران و آلمان خیلی توسعه یافت. ریشه های نژادی مشترک ایرانیان و آلمانیهای آریائی موجب شد که رضاشاه اعلام کند که دولتهای خارجی باید کشور او یعنی (ایران) را موطن آریائی ها بدانند.

ولی بهر حال دستاوردهای رضاشاه برایش گران تمام شد. ایرانیان از فساد و ستمگریهای حاکم به تنگ آمده بودند. متأسفانه بنای کار در مورد غارت و چپاول گسترش یافت. پلیس تأمینات همه را مرعوب ساخته بود. نزدیکان شاه از خشم و غضب او بیمناک بودند. شاه به نحو فزاینده ای از مردم فاصله گرفت. چاپلوسان دریاری او را دوره کردند. اقتدار شاه فقط بر ارتش استوار بود. رضاشاه امیدوار بود که بتواند ایران را چنان توانا سازد که دیگر به قدرتهای خارجی متکی نباشد ولی تدریجا اطلاع یافت که با این کار فاصله زیادی دارد.

رضاشاه در نوسازی کشور موفق بود. زیرا در بیست سال آرامش و برکنار از مداخلات خارجیها به کار مشغول بود زیرا در آن وقت انگلستان گرفتار مسائل مالی و مستعمرات امپراطوری و استالین در پی تحکیم اقتدار شخصی خود در روسیه بودند.

در موقع پیشرفت آلمانها در خاک شوروی ملک فاروق توسط سفیر مصر در تهران به شوهرخواهر خود (محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران) خبر داد که انگلیسها قصد دارند مناطق نفتخیز ایران را اشغال کنند. وقتی ولیعهد موضوع را به شاه گفت که باور نمی کرد.

علی منصور نخست وزیر به سفیر آلمان در ایران خبر داد که در صورت تهاجم نیروی انگلیس به ایران از آلمان تقاضای کمک خواهد کرد. ولی اگر آلمان در صدد تجاوز به ایران باشد از انگلستان کمک می خواهد.

در همین موقع مقامات نظامی انگلستان بیم داشتند که آلمانها قفقاز و خاورمیانه را در اختیار بگیرند و از فرودگاه های ایران استفاده کنند. برای رضاشاه پذیرش این نکته که روس و انگلیس در تدارک يك حمله مشترك نظامی به ایران باشند دشوار بود ولی چرچیل باروزولت رئیس جمهور آمریکا مذاکره و او را هم در مورد اشغال ایران موافق ساخت که در شب سوم شهریور ۱۳۲۰ ایران از طرف شوروی و انگلستان اشغال نظامی شد.

رضاشاه کماکان روی این اعتقاد معقول ولی منسوخ حساب می کرد که انگلستان هیچگاه اجازه نخواهد داد شوروی مناطق شمالی ایران را اشغال کند. زیرا با این طرز کمونیسیم به ایران چیره می شود و سراسر هند و خاورمیانه آلوده خواهد شد. ولی رضاشاه درک نکرده بود که انگلستان برای شکست آلمان، در مورد رقابت دیرینه اش با روسیه درباره ایران کوتاه خواهد آمد.

بعد از اشغال ایران رضاشاه دچار وحشت شد و می خواست به اصفهان برود. بلافاصله اعضای خانواده سلطنتی رافرستاد. مختاری رئیس شهربانی افسران را خواست و گفت اوضاع بحرانی شده و ممکن است در تهران انقلاب شود. بهمین جهت از تهران خارج می گردد و خیلی از افسران هم از او پیروی کردند. رضاشاه برای این که به شایعه خروج خود از تهران خاتمه دهد از باغشاه بازدید کرد و با اتومبیل در شهر به گردش پرداخت. فروغی سعی داشت آرامش را به کشور بازگرداند. سپهبد احمدی حاکم نظامی تهران شده بود. رضاشاه می دید که شمارش روزهای زوال فرمانروائی او آغاز گشته است.

حملات رادیوهای خارجی مخصوصا رادیو لندن اورا خیلی رنج می داد. درمجلس به رضاشاه حمله شد. گروهی از نمایندگان خواستار شدند که حضور رضاشاه بروند و از او تقاضا کنند که استعفا کند. وقتی هم خبر دادند که متفقین به تهران میآیند، رضاشاه به ولیعهد چنین گفت: «هرگز نمی توانم مانند یک پادشاه دست نشانده سلطنت کنم. من نمی توانم از یک افسر کوچک روسی یا انگلیسی دستور بگیرم.» رضاشاه درجلسه هیئت دولت هم گفت: «به ایران خیلی خدمت کرده ام و علت این بود که مستقلا تصمیم گرفته و با هیچکس مشورت نکرده ام. اما سال گذشته رویه را تغییر دادم و باشورایعالی جنگ دربارہ حمله به عراق به مشورت پرداختم. اگر چنین کاری نکرده بود حالا در چنین وضعی نبودم.»

هنگامی که هنگ مکانیزه شوروی غرش کنان از قزوین به سوی تهران حرکت کرد تا قبل از انگلیسها به تهران برسند اعتقاد رضاشاه براین بود که برای سرنگونی او می آیند. فروغی راخواست و با دقت استعفانامه اش را نوشت و به دست شاه داد که در اثر فشار مستمر وزخم معده دردناکی که داشت و چشمانش به رنگ خون در آمده بود آن را امضاء کرد. آنگاه به پسرش گفت «من درحفظ تاج و تخت کوشیده ام. نیروهای قوی تر از من مرا شکست داده اند آیا می توانی سلطنت مرا حفظ کنی؟» وقتی آری رضاشاه اظهارداشت پسرم مواظب باش... مقاومت نکن... ما و همه دنیا با طوفانی روبرو شده ایم که عظیم تر ازماست. سرت راخم کن و بگذار طوفان بگذرد. سعی کن پسر دار شوی.» سپس راه اصفهان را پیش گرفت.

(میلرا دیاری) می نویسد: رضاشاه کارهای خوبی کرد که در مقایسه باکارهای بد او زیادتیر بود. او مرد مقتدری بود. هیچ مردی مانند او درمشرق زمین یافت نمی شود. ممکن است کارهای زیاد

دیگری هم به نام او انجام گرفته باشد. او قدرت روحانیون را درهم شکست که از او قصد دارند انتقام بگیرند. از نطق های نمایندگان درباره رضاشاه مکدر شدم. زیرا آنها عدم درک خود را از کارهایی که انجام داده بودند نشان دادند.

وقتی رضاشاه به اصفهان وارد شد، اعضای خانواده سلطنت به گریه و زاری پرداختند که رضاشاه به آنها گفت «غصه نخورید. غصه انسان را نابود می کند. صبر و تحمل داشته باشید.» وقتی رضاشاه لباس غیرنظامی پوشید. اعضای خانواده اش شکفت زده شدند زیرا او را خیلی ضعیف و نحیف نشان می داد. در تبعید فرزندان رضاشاه به او اصرار می کردند که خاطراتش را بنویسد ولی قبول نکرد. سرانجام در ۴ مرداد ۱۳۲۳ در تنهایی و براهرسکته قلبی درگذشت.

میلردیاری می نویسد: با يك جوان ایرانی صحبت کردم که چنین گفت: «انگلیسها يك اشتباه بزرگ کردند که کشور ما را ۲۰ سال به عقب بردند. اصلاحاتی که رضاشاه با دشواری انجام داده بود همه برباد رفت. مخالفین همه از مخفی گاهها خارج شده اند. رضاشاه قدرت کسانی را که در نقاط مختلف کشور حاکمیت ظالمانه ای داشتند درهم شکست و اکنون قدرت به آنها بازمی گردد. رضاشاه املاک مردم را گرفت ولی آباد کرد. با رفتن رضاشاه تمدن مایبست سال به عقب برگشته است.» ولی اکثریت مردم اینطور فکر نمی کنند. وقتی در کنفرانس تهران روزولت سران انگلستان و شوروی را متقاعد ساخت که اعلامیه سه جانبه درباره استقلال و حاکمیت ایران امضا کنند شوروی ها به خرابکاری ادامه می دادند و هیچ حزب سیاسی غیر از حزب توده در مناطق اشغالی آنها حق فعالیت نداشت. رضاشاه گرچه طرفدار نازیها نبود ولی قلبا مایل بود که آلمان روسیه را شکست دهد و حاضر نبود با متفقین اتحاد رسمی داشته

باشد زیرا انگلستان را فاقد صداقت می دانست. بهمین جهت انگلیسها توانستند روزولت را آماده کنند و حمله به ایران صورت گرفت و رضاشاه مستعفی شد

خرابی مقبره رضاشاه

شیخ صادق خلخالی معروف به (آیushman ایران) طی نامه ای به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱ با ناسزای فراوان به خاندان پهلوی چنین نوشته است:

به نام خداوند متعال و قاهر وغالب جنازه رضا خان را که در جوار حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده بودند و جنازه علیرضا در آنجا مدفون بود و پس از انعقاد جمهوری اسلامی يك روز تصمیم گرفتیم که آن مقبره را که به مراتب بدتر از مسجد ضرار بود تخریب نمائیم. در این کار انسانی و اسلامی برادران سپاه پاسدار با تعدادی متجاوز ازدویست بیل و کلنگ و دسته های دیگر از مردم کمک شایان نمودند و ما بدو امر خیال می کردیم که يك شبه آنجا را خراب می کنیم ولی ساختمان بی اندازه محکم بود که بالاخره باشیوه مهندسی و مواد منفجره پس از دو هفته تخریب شد. تنها مقبره رضاخان نبود که خراب شد بلکه قبر متجاوز از پنجاه نفر از وابستگان منجمله حسنعلی منصور نیز خراب شد و با این تخریب انقلابی خاطره انقلابی کبیر سدید قهرمان در تخریب مقابر قریش در شام تجدید شد. بعضی ها منجمله بنی صدر را تخریب آنجا مخالفت می کردند و حتی در صدد بودند که ما را بازداشت نمایند ولی مردم مسلمان با ما بودند. باید عرض کنم که خود جنازه راشاه فراری دو روز قبل از رفتن خود از ایران خارج و حالیه در لوس آنجلس به عنوان امانت نگهداری می شود. استخوان های آنها را در جعبه و صندوق جای داده به لوس آنجلس آمریکا برده اند.

انگشتر پانصد هزار تومانی ملکه توران

روزنامه کیهان چاپ لندن در شماره ۵۰۴ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۳ با اشاره به خاطرات سلیمان بهبودی و نصرالله انتظام که قسمتی از آن در مجله روزگارانو چاپ و در کتاب های «ایران در عصر پهلوی» نقل شده از قول مطلعی چنین توضیح داده است:

داستان انگشتر پانصد هزار تومانی رضاشاه برای ملکه توران صحت ندارد. زیرا اینکه گفته شده در سال ۱۳۰۱ انگشتری با قیمت پانصد هزار تومان خریداری کرده نه در آن زمان رضاشاه به سلطنت رسیده بود و نه قابل تصور بود که در آن زمان انگشتری به این قیمت معامله شود. در آن زمان انگشتر به قیمت ۵ هزار تومان هم به زحمت پیدا می شد. علت طلاق ملکه توران به قول حمدالله خان از رضاشاه این است که رضاشاه معتقد بود ملکه توران (بدقدم) است زیرا در کارش مشکلاتی پیدا شده بود. در حالیکه ملکه عصمت را خوش قدم میدانست زیرا پس از ازدواج با او راه ترقیات برایش هموار گردید.

ملکه توران با اینکه بعد از جدائی از رضاشاه با ملکپور از تجار سرشناس ازدواج کرده و ثروت فراوانی داشت در سال ۱۳۷۳ در پاریس در خانه سالندان درگذشت. آخرین روزهای زندگی او بسیار تأسف آور بود.



رضاشاه در سال های آخر عمر (در تبعید)

رضاشاه و فرمانفرما

درجلدهای مختلف کتاب نکات مهمی درباره زندگی رضاشاه منتشر شده که یکی ازجالب ترین آن روابط (رضاشاه و فرمانفرما) می باشد.

ستاره فرمانفرمائیان درکتابی به زبان انگلیسی باعنوان (دختری ازایران) عکسی از فرمانفرما و رضاشاه را چاپ کرده که به نظرتان می رسد. در زیر عکس نوشته سرباز بلند قامتی که پشت سرفرمانفرما ایستاده رضاخان است که در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۶ شمسی) در کرمانشاه موقعی که فرمانفرما حاکم بوده در خدمت او به کار اشتغال داشته است.

در اینکه رضاخان با درجه سرگردی در کرمانشاه خدمت می کرده و فرمانفرما حاکم آن منطقه بوده تردید نیست، ولی سلیمان بهبودی در خاطرات خود درباره روابط رضاشاه و فرمانفرما چنین می نویسد:

فرمانفرما با اعلیحضرت همایونی از زمانی که حاکم کرمانشاه بود سابقه داشت. طبق معمول آن زمان عده ای نظامی را همراه دستگاه حکومتی می بردند. در میان افراد قزاق که همراه بودند اعلیحضرت همایونی فرماندهی قسمتی را به عهده داشتند به نام (ماکسیم) که همان شبه مسلسل نام داشت و رئیس قسمت هم (پالکونیک اوشاکوف) روسی بود که خیلی تندخو به نظر می رسید و به مناسبت بد رفتاری، اعلیحضرت قمارض کرده و از کرمانشاه با عده خود حرکت کردند. پالکونیک ناراحت شده و خودش از عقب حرکت کرده و با خواهش اعلیحضرت همایونی را مراجعت می دهد. در آن موقع برای امنیت کرمانشاه زحماتی کشیده بودند که مورد توجه فرمانفرما قرار داشتند.



فرمانفرما حاکم کرمانشاه درصف جلو ورضا (ماکسیم) باقدبلند ودرجه افسری
درپشت سر فرمانفرما ایستاده است.

محمدولی فرمانفرمائیان با لباس سفید درکنار پدرش دیده می شود

اعلیحضرت جریان را چنین حکایت کرده اند:

تازه نایب سوم شده بودم که به کرمانشاه مامور شدم. فرمانفرما دفعه دوم حکومتش بود. یک روز مرا احضار کرد و دستور داد که عوارض چهارپایان و مال التجاره را از اسماعیل آقا (سرلشگر امیر فضلی) تحویل بگیرید و از فردا عوارض را جمع کنید و بنده هم این کار را کردم. اسماعیل آقا که در آن موقع نایب اول بود به من نصیحت کرد که خیلی مراقبت کن چون ممکن است مفتشین راپرتنهائی بدهند و درجه ات ازین برود. با این حرف من ترسیدم. شب که عوارض را در دارالحکومه تحویل فرمانفرما دادم استدعا کردم که بنده از عهده این کاربرنی آمی و تمنا کردم که به شخص دیگری واگذار شود. فرمانفرما با خنده بلندی گفت حتما اسماعیل آقا شمارا ترسانیده تا خودش دو مرتبه مامور شود. چون این پولی که شما تحویل داده اید او هر شب نصف آن را تحویل می داد. آقا این پول ها سهم من است. دولت کیست؟ این جا دولت و رئیس و شاه من هستم. این حرفها چیست برو کارت را انجام بده.

بعد از کودتا وقتی در تهران حکومت نظامی اعلام گردید مامورین مشاهده می کنند که اتومبیلی در ساعت غیر مجاز در حال حرکت است. اتومبیل را متوقف می کنند، معلوم می شود فرمانفرما در اتومبیل نشسته است. او را بازداشت می کنند. هر چه می گوید با حضرت اشرف دوست می باشد و اظهار علاقه می کرد که با حضرت اشرف ملاقات کند فایده نکرد. مطلب را به اطلاع ایشان رسانیدند گفتند به زندان سیاسی انتقال یابد.

اتومبیلی که آن شب فرمانفرما سوار شده بود همان (رولز رویسی) بود که بعدها به حضرت اشرف هدیه کرد که ایشان هم سالها بعد به مرتضی خان (یزدان پناه) مرحمت فرمودند.

وقتی عمارت پذیرائی تمام شد و معماریاشی (صانعی) خیلی

زحمت کشیده به تهیه وسایل پرداخت، فرمانفرما درمبله کردن عمارت اظهار عقیده می کرد و حتی گاهی سر قالی را برای کمک می گرفت.

از این مداخلات حضرت اشرف بسیار ناراحت بودند مخصوصا موقعی که فرمانفرما ۲۳ ساعت از آب قنات کوثر را که معروف به قنات فرمانفرما بود تقدیم کرد خیلی ناراحت شدند چون از این قبیل عملیات متنفر بودند.

به هر صورت وقتی شاهزاده فرمانفرما اجازه شرفیابی خواسته بودند دو ساعت به غروب مانده اجازه شرفیابی دادند.

روز دیگر شاهزاده فرمانفرما آمدند. چون گرفتاری زیاد بود کارت دادند و رفتند. گفتم شاهزاده فرمانفرما سلام و تبریک عرض کرد. تشکر کردند و فرمودند به او بگوئید به تبریک تنها نمی شود قانع شد. مجددا شاهزاده عرض کردند البته شرفیاب می شوم و دست مبارک را می بوسم و با کمال افتخار بندگی می کنم.

حضرت اشرف شاهزاده فرمانفرما را خواستند و مدتی در خدمتشان بودند.

شاهزاده فرمانفرما به اتفاق میرزا کریم خان رشتی و خانم فخرالدوله شرفیاب شدند و دعوی لشت نشاء مطرح شد. با پا در میانی فرمانفرما حکمیت به حضرت اشرف داده شد. بابررسی مدارک خانم فخرالدوله ذیحق شناخته شد، دعوائی که سال ها اسباب زحمت عدلیه شده بود خاتمه یافت.

مقرر فرمودند از شاهزاده فرمانفرما احوالپرسی کنم. شاهزاده از عنایت حضرت اشرف تشکر کرده و عرض کرد قریب ۱۲ روز است پادرد شدیدی دارم. چند روز بعد مجددا از شاهزاده فرمانفرما احوالپرسی کردند که گفتند کمی بهتر شده ام.

شاهزاده فرمانفرما جهت بازدید می خواست شرفیاب شود

فرمودند چون کسالت دارید من بازدید نمی خواهم و چون اصرار داشتند موافقت نمودند.

در یکی از مانورهای سوم اسفند که مدعوین در چادر جای داشتند و اعلیحضرت همایونی هم در چادر مخصوص بودند در موقعی که دفیله شروع شد، فرمانفرما غفلتا از چادر رجال خارج شد و آهسته به چادر اعلیحضرت نزدیک گردید. اعلیحضرت به ایشان توجه کرده فرمودند حضرت والا حال شما چطور است؟ و بعد فرمودند اگر این عده و این تشکیلات را به شما بسپارم چه خواهید کرد؟ می توانید اداره کنید؟ فرمانفرما عرض کرد اگر می توانستیم اداره کنیم قبل از اعلیحضرت همایونی می کردیم. پس نمی توانیم و از عهده بر نمی آئیم.

بلوشر سفیر سابق آلمان در ایران می نویسد:

دبیر خاقان که در عملیات جنگی علیه سالارالدوله در کرمانشاه شرکت داشت چنین گفته است: در آن جنگ شاهزاده فرمانفرما سرکردگی قوای دولتی را داشت. در نقطه ای بین سنندج و کرمانشاه اردو زده بودیم که خبر آوردند یک دسته قزاق به فرماندهی (رضاماکسیم) که به کمک قوای دولتی آمده در برف و بوران گیر کرده و در حال تلف شدن هستند. من مامور نجات شدم، وقتی رسیدم دیدم عده ای تلف شده و رضاخان هم یخ زده در حال اغماء می باشد. بلافاصله او را به چادر خود بردیم و حالش خوب شد. ضمن صحبت ها اصطلاحات بسیار عامیانه، به کار می برد. حدود ۱۶ سال بعد که فرماندار خرمشهر بودم رضاشاه در بازدید مرا شناخت و گفت: «من زندگی خود را مرهون شما هستم» و خیلی محبت کرد.

آنچه مورخین می نویسند: قرار بود شاهزاده نصرت الدوله فرزند فرمانفرما در وقایع کودتا نخست وزیر شود. ولی به علت اختلافات مامورین سفارت انگلیس و این که نصرت الدوله در همدان

دربرف گیر کرده بود نتوانست به تهران برسد و در نتیجه سیدضیاء الدین طباطبائی نخست وزیر کودتا شد. نصرت الدوله بعداً در مقام وزارت قرار گرفت و مدتها ازوزرای نزدیک به رضاشاه بود که ناگهان مغضوب گردید که جریان بازداشت او در جلد های قبلی کتاب آمده است. ولی بهبودی در این باره چنین می نویسد:

«در ایام محرم در تکیه دولت روضه خوانی می کردند. در غرفه مخصوص بودم که وارد شدند. از طرز راه رفتن فهمیدم که عصبانی هستند. سرتیپ درگاهی رئیس شهرانی رسید. فهماندم که اوضاع خراب و منفجر کننده است. به مخبر السلطنه گفتند آقای رئیس الوزراء دیگر نصرت الدوله موردا اعتماد نیست. به رئیس نظمی فرمودند ببریدش. رئیس نظمی سراغ او رفت و دست نصرت الدوله را گرفت و به جلو برد. نصرت الدوله گفت قربان عرض دارم. فرمودند به رئیس نظمی چرا معطلی، ببریدش. نصرت الدوله به زندان رفت و جای خواستند.»

این طرز رفتار رضاشاه با نصرت الدوله سرانجام متجر به مرگ او شد و موجب گردید که خانواده فرمانفرما مخصوصاً (مظفر فیروز) پسر نصرت الدوله و نوه فرمانفرما به شدت با خانواده پهلوی درافتد و دختر دیگر فرمانفرما (مریم فیروز) با پیوستن به حزب توده شب و روز در تلاش باشد که سلطنت پهلوی در ایران سقوط کند.

مظفر فیروز در کتاب خاطراتش که توسط همسر او مهین دولت شاه فیروز منتشر گردیده دشمنی خود را با خاندان پهلوی به خوبی نشان می دهد و از جمله چنین می نویسد:

دولت بریتانیای کبیر به دلیل یاس از قبولاندن تسلط و نفوذ دلخواه خود به سلطان احمد شاه آخرین تیر را از ترکش کشیده و چاره را در کودتا دید. به وسیله عمالش به تحقیق در احوال چند تن از ایرانیان که در نظر داشت پرداخت و بالاخره مرد ایده آل خود را در شخص

رضاخان تمام و کمال یافت و به دست او به کودتا مبادرت ورزید و سلطه خود را برطبق آرزو بر سراسر ایران و خصوصا بر مناطق نفت خیز مستحکم کرد و با تجدید قرارداد داری در حقیقت نفوذ و اربابی خویش را در خاک ما مستقر نمود. انگلیسها کاملا متوجه شده بودند که با سلطان احمد شاه قاجار نمی توانند کناریبایند لذا عمل کودتار را ناجوانمردانه انجام دادند و با هزار وسیله بیماری شاه را وسیله ساختند و شاه را به فکر معالجه در فرنگ انداختند. قرار بود تا مراجعت شاه ولیعهد عهده دار امور مملکت طبق قانون اساسی باشد ولی نمک پروردگان انگلستان در خفا بارضاخان همکاری داشتند تا نگذارند احمد شاه به ایران بازگردد. در این باره نامه هائی از رضاخان به احمد شاه در دست است که امیدوارم روزی چاپ شود. دلیل اصلی قتل نصرت الدوله به دلایل شخصی رضاخان با خانواده اش که مسئله ضبط اموال از آن جمله است، می باشد. انتشار مقالاتی علیه شاه در روزنامه های فرانسه که موجب قطع رابطه بین دو کشور شد از ناحیه نصرت الدوله تلقی گردید که در فرانسه دوستان فراوان داشت و همه تحصیلاتش را در آن کشور گذرانیده بود. با گزارشاتی که به رضاشاه داده شده بود نصرت الدوله بدوا زندانی و سپس به سمنان تبعید شد و در آنجا او را خفه کردند و گفتند که با سگته قلبی در سمنان در گذشته است.

بعد از قتل نصرت الدوله شاهزاده فرمانفرما مورد آزار و اذیت قرار گرفت.

روزی حاج محتشم السلطنه رئیس مجلس بدیدن فرمانفرما آمد و گفت رضاخان به املاک اسدآباد در کرمانشاه علاقمند است خوبست حضرت والا آن را پیشکش کنید. پدر بزرگم عصبانی شد و گفت امکان ندارد این کار را بکنم و فرزندان صغیر و کبیرم را از هستی ساقط کنم. آن هم برای خاطر (رضاماکسیم) که ۵ ردیف پشت

سرمن درصاف فرمانبرداران نظامی می ایستاد و برای اجرای دستورات من آماده بود.

چندروز بعد مریم فیروز عمه ام که عروس محتشم السلطنه اسفندیاری بود نزد من آمد و گفت «مظفرجان همه می دانند که نزد پدرم خیلی عزیزهستی از او بخواه این ملك را واگذارند زیرا نمی خواهیم به قیمت آزارش تماش شود» من نزد فرمانفرما رفتم و پیام مریم را با التماس خودم بیان کردم ولی فرمانفرما گفت بذل و بخشش به کسی که فرزندم را کشته حرام می باشد. من هیچ رغبتی به این زندگی پردرد ورنج ندارم.

«از نکات دیگری که در این جا ذکرش ضروری است اینکه هنگام امضای قرارداد ۱۹۱۹ نصرت الدوله وزیر خارجه بوده (وثوق الدوله - صارم الدوله - نصرت الدوله) متهم شدند که چهارصد هزار تومان از انگلیسها گرفته اند تا این قرارداد را به تصویب برسانند. تقی زاده می گوید وقتی وزیرداری بودم به دستور رضاشاه این پول را از آنها گرفته به خزانه ریختم. این امر هم در رابطه رضا شاه و خانواده فرمانفرما باید یادآوری گردد.»

ستاره فرمانفرمائیان می نویسد:

در کودتای ۱۲۹۹ سیدضیاء دستور توقیف نصرت الدوله و سالار لشکر برادرانم را داد که آنها را به زندان قصر بردند. پدرم فرمانفرما برای نجات فرزندانش نزد رضاخان رفت که سال ها براو فرماندهی داشت تا فرزندانش خود را نجات دهد. رضاخان نهایت احترام را گذاشت ولی سیدضیاء دستور باز داشت فرمانفرما را هم صادر کرد و او را به زندان قصر نزد فرزندانش فرستاد. خطر باز داشت حتی برادر دیگرما (محمدولی میرزا) را تهدید می کرد که دیگر صورت نگرفت. ولی ماشین (رولز رویس) نصرت الدوله را توقیف

کردند.

بعد از استقرار سلطنت پهلوی از طرف رضاشاه پیغام داده شد که چندتن از افراد خاندان قاجار قسمتی از اراضی و ساختمانهای خود را برای ساختن قصر سلطنتی تقدیم کنند که عزت الدوله همسر فرمانفرما و نصرت الدوله و سالار لشکر و خود فرمانفرما و چندتن دیگر از بستگان این پیشنهاد را پذیرفتند.

فرمانفرما در سن ۷۰ سالگی بیش از هر چیز به فکر تحصیل فرزندان خود بود و دوران بازنشستگی را می گذرانید.

نصرت الدوله برادرم بعد از فرمانفرما مهمترین شخصیت فامیل ما بود که سیاستمدار برجسته ای به شمار می رفت. هنگام امضای قرارداد ۱۹۱۹ وزیر خارجه بود و آن قرارداد را امضاء کرد که به نفع ایران می دانست. رضاشاه او را به همکاری دعوت کرد. مدت ۹ سال نماینده مجلس و استاندار و وزیر دادگستری و وزیر دارائی بود. بطور ناگهانی مورد غضب رضاشاه قرار گرفت و متهم به ۵۰۰ تومان سوء استفاده شد. وقتی اتهام به او ابلاغ شد گفت مرا متهم به سوء استفاده کرده اند آنهم رقمی ناچیز. مگر نصرت الدوله (آفتابه دزد) است. من بیش از این ارقام رادرمه انعام می دهم. در این مورد به چهار ماه زندان محکوم گردید و سپس از زندان آزاد شد. (اتهام ۱۵ هزار تومان بود نه پانصد تومان که در کتاب مزبور به آن اشاره شده است.)

رضاشاه نسبت به خارجیها سوء ظن داشت. نصرت الدوله ۵ زبان خارجی می دانست و با خیلی از (خارجیان) مکاتبه و معاشرت داشت.

وقتی تیمورتاش دوست نصرت الدوله توقیف شد و در زندان مرد، پدرم از وضع نصرت الدوله ناراحت بود. چندی بعد بعلت چاپ مقالاتی در روزنامه های فرانسه دستگیر و به سمنان تبعید شد.

وقتی به فرمانفرما خیردادند که پسرش درسمنان مرده و جنازه اش را تحویل بگیرند خیلی ناراحت شد. مختاری هم خبر داده بود که هیچ مراسمی نباید برای او برگزار شود. شب قبل از فوتش نامه ای به پسرش مظفر فیروز که ۱۲ سال داشت نوشت بعدا گفته شد پزشک احمدی اورا کشته است. مادرم می گفت در مدرسه بهیچوجه درباره مرگ نصرت الدوله صحبت نکنید.

رضاشاه خانواده مارا در فشار قرارداد تا مبلغ ۲۸ هزار پوندی را که نصرت الدوله متهم بود از انگلیسها گرفته بود پس بدهد. به همین جهت پدرم مقداری از املاک خود را فروخت.

پدرم تا آخر عمر دعا می کرد که خدا اورا در برابر رضاشاه حفظ کند. بعد از فوت او همه ناراحت شدیم زیرا می دانستیم در برابر رضا شاه او مارا حمایت خواهد کرد و بدون او چه کسی از ما حمایت خواهد کرد؟ وقتی وصیتنامه اش را باز کردیم معلوم شد يك سوم ثروتش را به بیمارستان فیروز آبادی اختصاص داده است.

موقع مرگش ۳۲ فرزندش زنده بودند یعنی ۲۰ پسر و ۱۲ دختر بودند که همه تحصیلات عالی داشتند و به علاوه تعدادی هم فرزندخوانده داشت. فرمانفرما به ما خیلی چیزها آموخت که همیشه به یاد او هستم.



دوازده دختر فرمانفرما

فرمانفرما ۸ همسر و ۳۶ فرزند داشت. چهار فرزند او قبل از فوتش درگذشتند. بیست و یک پسر و دوازده دختر و اکثراً با تحصیلات عالی در بخشهای دولتی و خصوصی فعال بودند. مریم فیروز که به حزب توده پیوست می نویسد: «هر روز در خانه پدرم زن تازه ای را می دیدم. هر چه با اعیان و اشراف بیشتر معاشرت کردم نفرت من از آنها زیادتر می شد. هر وقت پلیس مرا با باتون می زد خوشحال بودم زیرا این ضربات شخصیت اشرافی مرا پاک می کرد.»

اخلاق و رفتار و شخصیت محمدرضا شاه پهلوی

طبیعت ذاتی شاه بانقشی به عنوان فرمانروای مطلق تطبیق نمی کرد
هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا، در خاطرات خود تحت
عنوان «سال های کاخ سفید» درباره محمدرضا شاه چنین می نویسد:
شاه یکی از استوارترین دوستان آمریکا در جهان بوده است که
هشت تن از رؤسای جمهور آمریکا او را مورد تأیید و ستایش قرار داده
اند. در ایران هر فرد و گروهی که در رأس حکومت قرار گیرند قدرت
واقعی در دست سلطان یا امپراطوری می باشد که در رأس هرم قدرت
قرار داشته از دسترس مردم به دور بوده است. این شیوه حکومت در
زمانی سرچشمه قدرت او بود. بعدها در شرایط متفاوتی مایه ضعف
و عامل سرنگونی او گردید.

من با گذشت ایام شاه را بهتر شناختم. طبیعت ذاتی او با نقشی
که می خواست به عنوان يك فرمانفرمای مستبد و مطلق العنان بازی
کند تطبیق نمی کرد. شاه نه فقط شخصیت مسلطی نداشت بلکه
بیشتر آدمی کمرو و درونگرا به نظر می رسید. او ذاتاً مهربان و ملایم
و عاطفی و احساساتی بود که می خواست خود را در قالب خصوصیات
يك رهبر، که به گمان اومی بایست سختگیر و جدی و دوراز دسترس
مردم باشد جا بدهد که هرگز در این کار موفق نمی شد و نمی توانست

نقش طبیعی يك زمامدار قاطع و سخت گیر را ایفا کند. جنبه شاهانه شخصیت او بیشتر حاصل تمرین برای ایفای این نقش بود و به گمانم او بیشتر زندانی این نقش به شمار می آمد.

بامعیارهای غربی شاه يك زمامدار مترقی بود که می خواست کشور خود را به سرعت در راه صنعتی شدن پیش براند که خود یکی از عوامل اصلی بدبختی و گرفتاریهای بود که بر سرش آمد. او در تجدید و مدرنیزه کردن جامعه با سرعتی که بیش از آنچه جامعه مستعد آن بود پیش رفت و همزمان با آن در ایجاد نهادهای سیاسی متناسب با این پیشرفت کوتاهی کرد.

شاه قواعد کلی حاکم بر کشورهای پیشرفته غربی را ملاک کار خود قرار داده بود. شاه گمان داشت رژیمی که سطح زندگی مردم را بالا ببرد، بطور طبیعی از تأیید و حمایت مردم برخوردار خواهد شد در حالی که این تئوری درباره ایران کاملاً گمراه کننده بود و غلط از آب درآمد زیرا در کشورهای توسعه نیافته رشد اقتصادی می تواند نتایج معکوس داشته و ناآرامی های سیاسی را موجب شود.

نه شاه و دوستانش چنین خردی داشتند و نه دشمنان او از قبل در صدد بهره برداری از فرصتها بودند بهمین جهت شدیدترین حرکتهای مخالف از سوی کسانی که خواهان مشارکت سیاسی بیشتر در کارها بودند آغاز نشد بلکه قشرهای سنتی از قبیل روحانیون و ملاکین و طرفداران نظام کهن در پیشاپیش این حرکتها قرار داشتند و گروههای افراطی که با اساس حکومت موروثی مخالف بودند آنان را یاری کردند. شاه به تدریج احساس می کرد که موقعیت هایش خطر آفرین است و هرگامی که پیش می گذارد بر تعداد مخالفین و دشمنان خود می افزاید و آنقدر ذکاوت و دوراندیشی نداشت که به موقع نهادهای سیاسی جدیدی بوجود آورد تا طرفداران خود را برای مقابله با تحریکات تازه بسیج نماید.

درسی که می توان از تاریخ گرفت این است که فقط دونوع حکومت می تواند در برابر تکانهای شدید ناشی از تجددطلبی جان بدربرند یکی حکومتهای مطلقه که با روشهای استبدادی خواست خود را بر جامعه تحمیل می کنند، دیگری حکومتهای به معنی واقعی دموکرات که نهادهای دموکراتیک پیش از مرحله صنعتی شدن در جامعه آنها استقرار یافته باشد، ولی ایران چنین نبود.

شاه با اینکه از ثابت قدم ترین دوستان آمریکا در جهان بود و اعتماد و اعتقاد خاصی به آمریکائیهها داشت ولی آنچه موجب فروپاشی و سقوط روانی او شد احساس ازدست دادن حمایت آمریکا بود. تردید و تزلزل آمریکا در حمایت از او در روزهای سخت و گرفتاری برایش غیرمنتظره و غیرقابل تصور بود. شاه از سال ۱۹۵۳ که تاج خود را با کمک آمریکا بازگرفت ریشه اعتماد و اعتقادش به آمریکا خیلی عمیق شده بود.

مامدت ۳۷ ساله پادشاه همکاری کردیم و اتحاد با او را پذیرا شدیم ولی در روزهای سخت او را تنها گذاشتیم و این بسیار تأسف انگیز است که در روزهای مشکل دوستان خود را فراموش می کنیم.

بطور کلی باید گفت زمان و مردم نسبت به شاه رفتار خوبی نشان ندادند. وقتی اوضاع ایران بحرانی شد در آمریکا همه تقصیرها را به گردن نیکسون می انداختند که به ایران اسلحه زیادی فروخته است و رژیم شاه را دیکتاتور می دانستند. ولی نیکسون با حقیقت روبرو بود و با خارج شدن انگلیسها از خلیج فارس برای اینکه ایران خلاء منطقه را پر کند فروش اسلحه به این کشور را ضروری می دانست. بهمین جهت گفته می شد که شاه چک سفید داشت تا هر اسلحه ای را که می خواهد می تواند از آمریکا بگیرد.

قشر مذهبی که در ایران پیرو شدند نمی خواستند برای مردم آزادی و ترقی فراهم کنند بلکه در نظر داشتند یک روش قدیمی مذهبی

رادرایران پیاده کنند. اشتباه ما این بود که ما این انقلاب بدون مدرنیزه شده رادرنظرنگرفتیم. چشمان ما بسته شده بود نه تنها به خاطر صمیمیت باشاه بلکه به خاطر عقاید غربی خود درباره پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی ایران و این همان موضوعی بود که مخالفین شاه می خواستند. من وقتی ازتهران برگشتم گفتم تاریخ به ما می آموزد کشوری مثل ایران که با این سرعت رشد می کند راه انقلاب را هموارمی سازد. این گفته من فانتزی بود، منظورم این بود که این رشدسریر فوق العاده ممکن است خطرات صنعتی شدن رادنبال نداشته باشد. ولی من اشتباه کرده بودم زیرا مدرنیزه شدن ایران به انقلاب منتهی شد. ثبات ظاهری ایران درسال ۱۹۷۶ مراگول زد.

دوسال بعد ازاینکه ازکارکناررفتم انفجاردرایران روی داد و اشتباهاتی که درتهران و واشنگتن برای مقابله بااین وقایع صورت گرفت تراژدی رابیشترکرد و تمام پایه گذاریهای ۲۰ ساله قبل را بکلی درهم فروریخت ومنجر به ازهم پاشیدگی روابط بین المللی شد که صلح رادرخلیج فارس حفظ می کرد. این درست نیست که بگوئیم اگرشاه آزادی بیشتری می داد نجات پیدا می کرد. بعدازسقوط شاه گروههای مختلف به جان هم افتادند و سازمانهای دموکراتیک بکلی ازبین رفت زیراگروههای مخالف هیچ علاقه ای به دموکراسی نداشتند. رهبرانقلاب یک دموکرات پیشرونبود بلکه یک مرتجع تلخی بود که وقتی به قدرت رسیدازشاه دیکتاتورترشد.

بدون هیچ خوشایندی می گویم شاه ایران سعی فراوان داشت که کشوررا ازعقب ماندگی نجات داده و یک کشورمترقی و مدرن بسازد و اوضاعی که امروز درایران پیش آمده قیمتی است که شاه برای پیشرفت کشورش پرداخته است.

جوانمردنیل

انورسادات رئیس جمهور سابق مصر که درپناه دادن شاه فقید

به مصر به (جوآنردنیل) شهرت یافته در آن ایام مصاحبه هائی با روزنامه نگاران داشته که از جمله مجله پاری ملچ گزارش فرستاده خود را چنین چاپ کرده است:

«بسیارند کسانی که به رئیس (سادات) درباره خطرات میزبانی از شاه در قاهره هشدار داده اند. به او یادآوری کرده اند که این اقدام وی می تواند پی آمدهای سنگینی به دنبال داشته باشد که مهمترین آنها تشدید انزوای مصر در جهان عرب، جلب ناراضائی بیشتر آمریکا، تسهیل مانورهای سیاسی در شوروی و تقویت زمینه تبلیغاتی بنیاد گرایان اسلامی و چپگرایان مارکسیست در داخل مصر است. ولی سادات همواره بدان پاسخ داده است: چطور می توانم فراموش کنم که دوست من، محمد رضا شاه در وقتیکه شورویها مرا از دریافت سلاح محروم کرده بودند هواپیماهای مدرن نیروی هوائی خودش را برای من فرستاد؟ چطور می توانم نادیده بگیرم در وقتیکه قذافی نفت لیبی را به روی ما بست، شاه به يك نفتکش ۶۰۰۰۰ تنی ایران در دریای مدیترانه که عازم مأموریت دیگری بود دستور داد که نفت خودش را در اسکندریه تخلیه کند؟ چطور از یاد ببرم که تاکنون ایران به کشور من بیش از يك میلیارد دلار کمک بلاعوض کرده است؟ می گویند پذیرائی از شاه برای من خطر دارد؟ به جهنم که خطر دارد! کسانی که در جهان عرب از این بابت به من دشنام می دهند بگذارید هر چه می خواهند دشنام بدهند. آنچه برای من مهم است این است که اکثریت عظیم ملت مصر، در این موضوع پشتیبان من است. ببینید از وقتیکه شاه در بیمارستان معادی بستری شده است چطور مردم دسته دسته با اتوبوس یا پیاده برای عیادت او بدانجا روی می آورند؟ در تعطیل جمعه هفته گذشته يك هندوانه فروش پیاده روی معادی به خود من گفت که در عمرش فروشی به این برکت نداشته است. اگر من باید حساسی پس بدهم، باید آن را به این مردم پس بدهم نه به

آنهایی که بخاطر حسابه‌های خصوصی خودشان داد و قال می‌کنند». استقبال رسمی از شاه، هنگام ورود او به خاک مصر، عملاً اعلام مبارزه جوئی سادات علیه سیاست بین‌المللی بود. وی به عنوان رئیس جمهوری مصر، در حالیکه تمام افراد خانواده او و مقامات رسمی کشور در کنارش بودند، شاه را در پای پلکان هواپیما در آغوش گرفت؛ گارد احترام در برابر شاه رژه رفت و به افتخار او صدویک تیرتوپ شلیک شد. «رئیس» شخصاً وی را تا اتاق مخصوصش در بیمارستان همراهی کرد. بعد از آن نیز حتی یک روز نبود که وی از بیمار عالیقدرش عیادت نکند. به موازات این، از همان آغاز دوستی مشابهی میان همسران این دو نفر برقرار شد. فرح پهلوی و جهان سادات همسرفروتن و ساده‌انور سادات از آن روز به صورت دو دوستی درآمدند که گوئی از دیرباز با یکدیگر همدلی و همزبانی داشته‌اند.

ولی درست در همین زمان، این گرمی استقبال سادات و همسرش از شاه و شهبانوی ایران، تقریباً در سراسر جهان در غرب و شرق، یک نوع «تحریک» تلقی شد. مفسران و خبرنگاران بسیاری تاکنون این موضوع را به «رئیس» متذکر شده و پرسیده‌اند که فکر می‌کنید شاه چه مدت در مصر بماند؟ و وی هر بار پاسخ داده است: «تا هر مدتی که بخواهد، برای من همیشه، حتی اگر لازم باشد مجبورش کنم».

شاه می‌خواست در ۶۰ سالگی از سلطنت کناره‌گیری کند

ژیسگاردستن رئیس جمهور فرانسه در کتاب خاطرات خود تحت عنوان «قدرت و زندگی و خاطرات یک رئیس جمهور» چنین می‌نویسد: در سن موریتس به دیدار شاه رفتم و ضمن صرف ناهار با او به مذاکره پرداختم. شاه طرفدار افزایش بهای نفت است که گفتم شما دارید کشورهای صنعتی را دچار بحران می‌کنید. بحرانی که در اثر

افزایش قیمت نفت بوجود می آید تکان های سیاسی شدیدی در کشورهای ما بوجود خواهد آورد. آیا این بامناف واقعی ایران مطابقت دارد؟

شاه در پاسخ گفت کشورهای صنعتی با خریدن نفت ما به قیمت ارزان تقریباً سالیان دراز منابع ما را غارت کرده اند. حالا ما توانسته ایم این وضع را دگرگون کنیم و این جز عدالت چیزی نبوده است. اگر شما مسیر قیمت نفت را در یک دوره طولانی بانرخ تورم مقایسه کنید متوجه خواهید شد که شما هنوز هم نفت را به قیمتی ارزان تر از سال ۱۹۶۰ خریداری می کنید.

من منبجر می شوم و می گویم اعلیحضرتا شما دارید مقدمات يك انقلاب رافراهم می کنید. اکثریت مردم ایران هنوز در روستاها زندگی می کنند. شما نمی توانید جمعیت این کشور را در یک نسل از شرایط دهقانی به کارگر متخصص تبدیل کنید و یا از نظامیان خودتان يك ارتش پیچیده مدرن بسازید. شما اگر بخواهید این حرکت را باشتاب انجام دهید موجبات يك انقلاب رافراهم می کنید.

من دوبار در بیاناتم کلمه «انقلاب» را تکرار کردم که شاه از آن تکان خورد و چنین گفت: من وقت زیادی ندارم و مدت زیادی در قدرت نخواهم ماند. در نظر دارم در ۶۰ سالگی از کار کناره گیری کنم، من ترجیح می دهم که زودتر از سلطنت دست بردارم ولی پسر من هنوز خیلی جوان است، منتظرم که او آماده شود بهمین جهت می خواهم کارهای اساسی قبل از اینکه او مسئولیت را به عهده بگیرد انجام شود زیرا در آغاز کار با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد.

من مشکل مبارزه شاه را با زمان درک می کردم ولی تغییر و تحول در زندگی يك ملت را نمی توان بر اساس تصمیم و مقتضیات شخصی تنظیم کرد. آنچه شاه می خواست انجام دهد غیر عملی بود. لحن کلام شاه نشان می داد که اندیشه های خطرناکی در ذهن او جا

گرفته و آنچه غیر واقعی است برواقعیات چیره شده است.

شاه مرد تقدیر و سرنوشت بود

سایرس ونس وزیر خارجه سابق آمریکا می نویسد:

من روزهای بحران باشاه ملاقات کردم. او مردی آرام و تیز هوش و تاحدی مبتکر بود. با اینکه می کوشید خود را قوی و مصمم نشان دهد نامطمئن به نظرمی رسید، وقتی درباره رعایت حقوق بشر باشاه صحبت کردم شاه گفت از زمان کورش کبیر در ایران تأمین حقوق و آزادی انسانی مورد توجه بوده ولی چون رژیم ایران در معرض خطر کمونیستها می باشد ایران نمی تواند به خاطر رعایت اصول حقوق بشر امنیت خود را به مخاطره اندازد زیرا از آشوب و تشنج فقط روسها بهره برداری خواهند کرد. در این ملاقات چیزی که بیش از هر چیز توجه مرا جلب کرد آشنائی شاه به مسائل دقیق بین المللی بود و نکته جالب دیگر تسلیم و رضاد در مسائلی بود که به شخص او ارتباط داشت. سولیوان و سفیر ما و خیلی از کسانی که باشاه تماس داشتند تأکید می کردند که شاه اعتقاد عجیبی به تقدیر و سرنوشت داشت.

شاه انسانی بخشنده بود

شهبانوفرخ درباره محمدرضا شاه چنین قضاوت می کند:

اولین بار که او را دیدم آنچه بر من اثر گذاشت غمی بود که در چشم های شاه موج می زد. او از معماری خواندن من بطور خوشایندی دچار تعجب شده بود.

قبل از هر چیز او انسانی بود با قلبی بسیار بخشنده، احساس و وظیفه شناسی داشت. منصف و بردبار و دقیق بود. نه تنها هیچ سفاکی در او راه نداشت بلکه حتی بدکسی را نمی توانست بر زبان آورد. دریک کلام، درست خلاف آن چیزی بود که بعضیها درباره او می پنداشتند.

تحریف های تاریخ شگفت انگیز است.

تاریخ امروز قضاوت خود را کرده است. ایرانیان زندگی امروز خود را با دیروز مقایسه می کنند و می گویند: «خدا اورا بیامرزد»
آخرین ایام زندگی ما در ایران برای شوهرم بسیار دردناک بود و بدتر از آن اتهامات غیرمنصفانه ای بود که به او وارد می شد و اورا عمیقاً منقلب کرده بود.

من سعی کردم به بار این دردورنج چیزی نیفزایم بلکه امیدواری بدهم.

- تصویری که از همسرم در ذهنها هست، البته همان تصویر پادشاهی جدی و با پشتکار است که بزرگترین بخش زندگی فعال خود را وقف پیشرفت و توسعه و استقلال و آبادانی ایران می کرد. اما در پشت این تصویر، چهره انسانی بود که خوشحال می شد، اندوهگین می شد ولی نشان نمی داد. هوش سرشار و احاطه زیادی به مسائل مهم مملکتی و بین المللی داشت. حافظه عجیبی داشت و از جزئیات مسائلی که برایش مهم بود آگاه می گردید، از سرعت انتقال حیرت انگیزی برخوردار بود. بدون فکر درباره هیچ مطلبی صحبت نمی کرد و از حرف منطقی خوشش می آمد. ایشان در مواقع رسمی یا در عکس های رسمی نمی خندیدند و فکر می کنم به دلیل سنتی بود که در مملکت ما وجود داشت که شاه باید همیشه جدی باشد. ولی ایشان خنده بسیار زیبایی داشت، پراز مهر و آرامش و عواطف انسانی. اغلب اوقات در برابر شیطانی های بچه ها یا شوخی یا فیلم های کمدی از ته دل می خندید. مردی بود پراز ادب که با وجود سنت تاریخی مردسالاری ما، در زندگی خصوصی هیچوقت جلوتر از من راه نمی رفت و در مراسم رسمی هم همیشه مواظب من بود، مگر اینکه تشریفات ایجاب می کرد. این ادب نه فقط در برابر ما و افراد خانواده، بلکه نسبت به زبردستان و خدمه دربار هم روا می شد. هیچوقت سخن درشت یا

دشنامی برزبان نمی آورد و صدایش را از حد عادی بلندتر نمی کرد. به مطالعه و ورزش یا دیدن فیلم بخصوص فیلم های تاریخی علاقه داشت. صبر و استقامت از صفات اعلی حضرت بود. بدون این صفات تحمل آنچه در دوران ۳۷ سال سلطنت و بخصوص حوادث پس از سقوط ایران گذشت، امکان پذیر نبود. این صفات خداداد تا واپسین لحظه حیات با ایشان بود

دکتر محمد باهری از دولتمردان عصر پهلوی درباره محمد رضا شاه چنین قضاوت می کند:

خلاصه و عمده انتقاداتی که از محمد رضا شاه بعمل آمده این است که وی ضوابط پادشاهی مشروطه را دقیقاً رعایت نکرد و در دوران او دموکراسی و حاکمیت ملی رونق نداشته است ولی در بیان این مطلب که اکتفا به واقعیات نشده لحنی احساساتی و توأم با تعصب به کار رفته و هنگام تفصیل از مبالغه و گزافه گوئی مضایقه بعمل نیامده است. دروادی انتقاد تسلیم به تعصب و احساسات به قدری شدید است که گاه از حرمت به حیثیات ملی غفلت شده و مظاهر آن در معرض ناسزا و اهانت و افترا و تحقیر قرار گرفته است. مثلاً فراموش شده است که محمد رضا شاه به ضرورت تاریخی در دوره ای از زمان جلوه و نماینده ایران بود که فرزندان خلف وطن مکلف هستند جانب او را به خاطر بزرگداشت نام ایران داشته باشند. در مقابل این رویه که مخصوص گذشته است عکس العمل های شدید ظهور کرده است.

عکس عملهایی که آنها هم مبنی بر احساسات است و محتوی آنها سرزنش و ملامت مخالفان محمد رضا شاه پهلوی می باشد. ولی عبرت آموزی و کسب تجربه اقتضا دارد که تعصبات و احساسات موافق و مخالف را کنار بگذاریم و در واقعیات تأمل کنیم و از آنها پند

بگیریم.

محمدرضاشاه پهلوی وظیفه تأمین موجبات حاکمیت ملی را با همکاری مقامات به عهده داشت همچنانکه اداره امور مملکتی را در معیت دولت و مقامات اداری انجام می داد. همکاران او و شخص او در معرض خطا و اشتباه و افراط بودند و گاهی هم تسلیم هوس می شدند زیرا انسان بودند و در معرض خبط و خطا و غرض و هوس. ولی این را به خاطر داشته باشیم که محمدرضا شاه پهلوی برای اینکه قدرت مالکان بزرگ را حذف کرد و به زنان آزادی داد و موضع قدرت اولیای مذهب را تهدید می کرد به مبارزه کشیده شد و در این مبارزه جان شیرین خود را از دست داد در حالی که هدیه های او به دموکراسی و حاکمیت ملی ایران جاوید خواهد ماند.

شاه ایران در سیاست خارجی بصیرت داشت

احمد میرفندرسکی آخرین وزیر خارجه رژیم سابق از دیپلماتهای مطلع و شایسته ایران است که در مصاحبه ای با روزنامه کیهان چاپ لندن درباره سیاست خارجی ایران در سابق چنین اظهار نظر کرده است: اختلاف میان ایران و عراق تا سال ۱۹۷۵ ادامه پیدا کرد. موضوع اختلاف، مرز آبی ایران و عراق در شط العرب (اروند رود) بود. طی قراردادی که در سال ۱۹۳۷ با پادرمیانی انگلیس که حامی عراق بود بین ایران و کشور نوپای عراق منعقد شد، دو بندر آبادان و خسروی به ایران تعلق گرفت و بقیه شط العرب به عراق داده شد. بدین ترتیب مرز آبی عراق تا ساحل ایران امتداد می یافت. ایران که با توجه به اوضاع و احوال سیاسی آن زمان مجبور بود به این زورگویی تن در دهد، مدعی بود که خط مرزی در شط العرب بنابه عرف و معمول بین الملل باید خط میانه «خط القعر» باشد که معروف به Thalweg است. بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۷۵

مذاکرات مفصلی در کمیسیونهای مختلف چه در بغداد و چه در تهران و چه در حاشیه مجامع عمومی سازمان ملل متحد، درباره شط العرب به عمل می آمد. ایران مدعی بود که شرایط تغییر اساسی کرده و دیگر اینکه عراق با عدم پرداخت سهم ایران از عوارض کشتیرانی در شط العرب از خود سوءنیت نشان می دهد. جواب عراق در رد دعوی ایران این بود که استناد ایران به تغییر اساسی شرایط مورد ندارد، زیرا این اصل در حقوق بین الملل اعتبار چندانی نداشته است، دیگر این که از نظر دولت عراق هیچ تغییر اساسی که مستوجب استناد به این اصل باشد رخ نداده است و سپس استدلال می کرد که ایران با طیب خاطر قرارداد ۱۹۳۷ را امضاء کرده است و باید به حکم اصل مسلم وفای به عهد که حقوق بین الملل بر آن بنا شده است به این قرارداد احترام بگذارد. مضافاً فسخ يك جانبه قرارداد بطور کلی در حقوق بین الملل جرم شناخته می شود و موجب مسئولیت بین المللی دولتی می گردد که مرتکب چنین قانون شکنی شده است.

در سال ۱۹۶۹ (۲۳ ماه مه) کنوانسیون وین مربوط به عهد که به ابتکار سازمان ملل در دهه شصت با عضویت اعضای سازمان مذکور تدوین شده بود، در ماده ۶۲ صریحاً مقرر می دارد که در مورد قرارداد مرزی تغییر اساسی شرایط قابل استناد نیست.

در ماده ۲۶ صراحت دارد وفای به عهد یعنی طرفین موظفند هر قرارداد معتبری را بین خود با حسن نیت به اجرا در آورند. مذاکره و دیپلماسی به جایی نرسید. سرانجام عراق حاکم و ذیحق و ایران بازنده شد.

اعلیحضرت فقید که با جدیت و بصیرت مسایل مربوط به منافع ایران و تمامیت ارضی کشور را پیگیری می کردند، چون از دیپلماسی متعارفی نتیجه حاصل نشد و حقوق بین الملل هم آب پاکی را روی دست ماریخت، علاوه بر تشدید زد و خوردهای موضعی در

خطوط مرزی باعراق و پشتیبانی بیشتر از کردهای عراق به دیپلماسی دیگری در خلیج فارس که در روابط بین الملل معروف به «قدرت نمائی دریائی» است متوسل شد. معنی این اصطلاح به زبان ساده این است که ما عزم راسخ داریم حاکمیتی را که عراق بر مبنای قرارداد ۱۹۳۷ بر قلمروی آبهای شط العرب قائل است نقض کنیم. کشتی‌هایی که در گذشته برای رعایت این حق حاکمیت اجباراً بآن صوب پرچم عراق و به راهنمایی عراقی‌ها به بنادر ساحل شرقی رود شط العرب رفت و آمد می‌کردند، از این پس بایزافراستن پرچم سه رنگ مزین به شیروخورشید به راهنمایی ایرانیان به بنادر ایران طبق عرف بین المللی از خط تالوگ رفت و آمد خواهند کرد. بدین ترتیب ما عملیات ثابت خواهیم کرد که قرارداد ۱۹۳۷ را که هیچ ارزشی ندارد و به پیشیزی نمی‌آورد، رسماً و عملاً پایمال خواهیم کرد. عراق شدیداً به این اظهارات اعتراض کرد. شرح روابط ایران و عراق از لحاظ مذاکرات دیپلماتیک مفصل و جالب است. نکته‌ای که منظور من است نشان داده شود اینست که چطور اختلاف یک درجه شدیدتر شد و چطور اختلاف از مذاکرات دیپلماتیک و مباحثه و گاهی مشاجره، به تهدید و منازعه رسید و تبلیغات رادیویی در صورت عکس العمل شدید می‌توانست به جنگی تمام عیار منتهی گردد. ولی مذاکرات لازم بامسکو که یاروغار عراق بوده و آمریکا که هم پیمان مابود به عمل آمد. هیچ یک از دو قطب حاضر نبودند جنگی تمام عیار بین تهران و بغداد رخ دهد و در نتیجه مجاز به رودر رویی مستقیم بایکدیگر شوند امری که از آن سخت‌گریزان بودند و حساب رقابتهای خود را که مایه و پایه جنگ سرد بود در کشورهای جهان سوم حل و فصل می‌کردند.

برای اینکه به عراق و سایر کشورهای منطقه ثابت شود که ایران بلوف نمی‌زند روز ۲۲ آوریل ۱۹۶۹ کشتی ابن سینا که از طرف نیروی دریائی ایران اسکورت می‌شد، از آبادان حرکت و از آب‌هایی که عراق

ملك طلق خودمی دانست گذشته وبدون دغدغه خاطر به خلیج فارس رسید. سه روز بعد کشتی آریامهر که بازهم توسط واحدهای نیروی دریائی اسکورت می شد، از خلیج فارس رهسپار بندر آبادان گردید. بدیهی است که عراق یادداشت اعتراض آمیزی به وزارت خارجه ایران تسلیم کرد و ایران رامتهم به نقض حقوق بین الملل نمود. تظاهرات ضدایرانی که در بغداد و خاصه در بصره به عمل آمد و هجوم به سرکنسولگری ایران در شهر اخیر باعث شد که روابط دیپلماتیک بین تهران و بغداد قطع گردد و جنگ روانی و امواج بین دو کشور روزه روز تشدید یابد. اخراج چند هزار ایرانی مقیم بغداد که در زمستان زودرس سال ۱۹۷۱ به عنوان عملی تلافی جویانه صورت گرفت، حادثه بسیار دردناک و عملی واقعا وحشیانه بود و دوکشور را به لب پرتگاه جنگ تمام عیار سوق داد و بیم آن می رفت که اختلاف که از مرحله مذاکره به مشاجره و مخاصمه کشیده شده بود به جنگ منتهی گردد. به علل سیاسی که اشاره مختصری در بالا بدان به عمل آمد ماجرا از سیاست «لب پرتگاه» تجاوز نکرد. پس از اینکه خط «تالوک» در شط العرب دوفاکتو مرز ایران و عراق شناخته شد در اواخر پائیز سال ۱۹۷۱ نیروی دریائی ایران سه جزیره ابوموسی و تنب های کوچک و بزرگ را تصاحب کرد.

در این مورد سیاست «گان بوت دیپلماسی» در کار نبود. با مذاکرات قبلی و تمهید مقدمه لازم این اختلاف اراضی هم به سود ایران تمام شد. نماینده ایران در مذاکرات مذکور امیر خسرو افشار قاسملو قائم مقام وزارت خارجه بود. شرح این مذاکرات درباره این اختلاف صدساله با انگلیس مدت مدیدی جریان داشت که از حدود سؤال خارج است. ولی فرق اساسی بین دومورد این است که در قضیه شط العرب ایران مستحق بود و به حقش رسید. در مورد جزایر ایرانی حقی را که از او سلب شده بود، مجدداً به دست

آورد. آنچه باید درمقایسه سیاست رژیم گذشته و امروز ایران مورد توجه قرار گیرد، اینست که اختلاف در مورد جزایر از حدود فعالیت دیپلماتیک خارج نشد و اختلاف سرمرز ایران در شط العرب به جنگ منتهی نشد و سیاست «چماق و هویج» به قول روزنامه نویسان غربی به نحو اعلاء اعمال گردید و سرانجام با پادرمیانی انور سادات رئیس جمهور مصر و بومدین رئیس جمهور الجزایر در کنفرانس اسلامی که اوایل ماه مارس ۱۹۷۵ در الجزیره تشکیل یافت، اختلاف فیصله پذیرفت و اعلیحضرت فقید و صدام حسین میان هلهله حضار که ایستاده کف می زدند، دست یکدیگر را به گرمی فشردند و با این حرکت نهال دشمنی را کندند و درخت دوستی کاشتند. موافقتنامه الجزیره که بعداً در بغداد صورت حقوقی پذیرفت و در پایتخت عراق به امضای طرفین رسید قدر مسلم موقعیت دیپلماتیک شایانی بود و سندی است که حکایت از خرد سیاسی می کند. خلاصه قرار شد اختلاف مرزی بر اساس «Package Deal» یک کاسه حل گردد. عراق خط تالوگ را در شط العرب، رسماً خط مرزی بین دو کشور شناسد و ایران در عوض از دخالت در امور داخلی عراق امتناع ورزد و در درجه اول از کمک لجستیکی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم به کردهای عراقی شورشی خودداری کند. در اینجا درباره ستمی که بر کردهای عراقی رفت، سخنی نمی گویم. تنها به این نکته اشاره می کنم که هر دو دوستد سیاسی که به مصلحت مملکت انجام گیرد، غالباً ممکن است به ضرر ثالثی تمام شود. و این سخن ناپلئون را باید به یاد آورد که «سیاست فاقد قلب است، فقط سر دارد».

باتوجه به آنچه در بالا گذشت، سیاست خارجی شاه را می توان رویهمرفته صرف نظر از بیاناتی در خصوص «چشم آبی ها» و غیره، معقول و سنجیده و سرانجام موفق دانست.

شاه انسانی سازنده بود



محمدرضا شاه به توسعه جنگلها و امر درختکاری در ایران خیلی علاقه داشت. در مراسم
غرس درخت در جنگل ساعی چنین گفت:

در گذشته در ایران ۱۶ میلیون هکتار جنگل داشتیم ولی امروز از ۵ میلیون
هکتار کمتر است باید جنگلها و امر درختکاری در ایران توسعه یابد.

دکتر آقبال - امیر اسدالله علم - مهندس منصور روحانی در حضور شاه

شجاع الدین شفا محقق گرامی که سالها از نزدیک با محمد رضا شاه همکاری داشته در سالروز درگذشت شاه فقید چنین می نویسد:
بادرگذشت محمد رضا شاه پهلوی، آخرین پادشاه تاریخ ایران و درگذشت روح الله خمینی، نخستین ولی فقیه ایران، شاید تمام معمای حال و آینده ایران در تضادی نهفته باشد.

از نظرگاه تاریخ مهم این نیست که دفتر این دوزنگی کجا و به چه صورت بسته شده باشد، زیرا که به هر تقدیر، این دفتر دیربازود بسته می شد، سرنوشت اجتناب ناپذیر هر فرد بشری و اصولا هر موجود زنده ای، روزی به درخانه آنان نیز انگشت می کوفت.

صدای محمد رضا شاه اگر هم در غربت قاهره خاموش نشده بود در روی تخت طاووس خاموش می شد، و صدای روح الله خمینی نیز اگر در دارالخلافه جماران فرو نمانده بود، در دارالعباده نجف فرومی نشست و در هر دو صورت امروز این هر دو مقیم جاودانی همان دیار خاموشانی بودند که به قول خیام پیش از آن «هفتهزار سالگان» دیگری رخت بدان کشیده اند. در چنین دیاری میان شاهان و فقیهان، پیروزان و شکست خوردگان، ستمگران و ستمدیدگان، توانگران و مستمندان، نشانی از پستی ها و بلندی های این جهان در کار نیست.

آنچه در کارنامه تاریخ واقعا از زندگی اینان ثبت می شود ترازنامه ای است که از این زندگی برجای می گذارند. اقلام سود و زیانی که این ترازنامه در بردارد و آنچه از صدای خاموش شده رهبران باقی می ماند پیامی است که این صدا در دوران رسائی خود بیانگر آن بوده است. و اگر از چنین دیدگاهی، در ارتباط با این دو سالروز به طنین این دو صدای خاموش شده در فراخنای تاریخ گوش فراداده شود و البته فارغ از دوستی ها و دشمنی ها و جوانب داری های اغرض ورزی ها، در این صورت به خوبی آشکار خواهد شد که این دو صدا بیانگر دو پیام جدا از یکدیگر و بالاتر از آن به کلی در نقطه مقابل یکدیگر بودند. یکی پیام ایران و شکوه ایران بود و دیگری پیام نفی ملیت و ایرانیت. یکی پیام رهروی به سوی آینده بود و دیگری پیام بازگشت به

گذشته. یکی پیام سازندگی بود و دیگری پیام مرگ و خون. یکی پیام واقع بینی بود و دیگری پیام تعصب. یکی پیام تلاشی پیروزمندانه بود برای اینکه ایران رابه کاروان جهان پیشرفته برساند و دیگری پیام دوران ویرانگری که می بایست تمام این دستاوردها را درراه تلاشی بی حاصل بریاد دهد. یکی پیام نظامی بود که سالانه ۱۲میلیون نوجوان ایرانی را به دبستان ها و دبیرستان ها و دانشگاه های فرستاد و دیگری پیام نظامی بود که يك میلیون نفر از همین نوجوانان را از همین دبستانها و دبیرستان ها و دانشگاه ها روانه کشتارگاه ها کرد یابه صورت ناقص العضوهای مادام العمری تحویل ملت خود داد. یکی پیام نظامی بود که بر اثر کمبود کارگر، يك میلیون کارگر خارجی استخدام کرده بود و دیگری پیام نظامی بود که هم امروز چهارتاشش میلیون نفر از نیروی ۱۲میلیون نفری فعال آن بایبکاری دست به گریبانند. یکی پیام نظامی بود که به هنگام سقوط خودده هامیلیارد ذخیره ارزی داشت و دیگری نظامی که به گفته خودش باریلیاردها دلار خسارت را بردوش دارد. یکی پیام نظامی بود که بدون شلیک يك گلوله یادادن يك قربانی تاریخی، حق تاریخی ایران را دراروندروود تثبیت کرد و دیگری پیام نظامی بود که علیرغم يك میلیون قربانی و معلول باتسلیمی حقارت آمیز حاکمیت بر شط العرب را به حریف نیرومند بازگردانید. یکی پیام نظامی بود که زنان ایرانی را از حقوق برابر بامردان برخوردار کرد و دیگری پیام نظامی که همین زنان را دیگر باره درون چادرهای سیاه جای داد و به مقام ضعیفه های گذشته بازگردانید. یکی پیام نظامی بود که می کوشید تا ایرانیان را از حیثیت و احترام بین المللی روز افزون برخوردار سازد، و دیگری پیام نظامی که همین ایرانیان را به صورت آدمکشان و گروگانگیران و آدم ربایان بین المللی درآورد. یکی پیامی بود که رهبرش آرزو می کرد روزی بیاید که سایه شوم جنگ از کشورش

و همه کشورهای جهان برکنار رود و کشور او حتی يك دینار خرج تسلیحات نکند و دیگری پیام نظامی که رهبرش می گفت: «جنگ رحمت الهی است و قرآن صریحا می گوید که بکشید و بزنید و حبس کنید». یکی پیام رهبری بود که می گفت هرکشوری که نخواهد دموکراسی گرسنه هاراداشته باشد باید از اقتصادی نیرومند برخوردار باشد، و دیگری پیام رهبری که فتوا می داد که «اقتصاد مال الاغ است». یکی پیام رهبری بود که در همه جا از مطلع ترین زمامداران جهان شناخته شده بود و دیگری پیام رهبری که ادعا می کرد دو هزار سال است آمریکا ایران را استعمار کرده است. یکی پیام نظامی بود که رهبران می گفت هدف نهائی من رسانیدن ایران به مرحله ای از پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است که دیگر ملت ایران احتیاجی به رهبر مقتدر نداشته باشد و دیگری پیام نظامی بود که اولین نخست وزیر آن درباره ایده ثلوثی رهبرش نوشت «حضرت امام حکومت جمهوری اسلامی را به نظمی توصیف کرده اند که در آن ولی فقیه قیم بلاعزل و مادام العمر مردم صغیر است»

مسلمانان ترازنامه سلطنت سی و هفت ساله محمد رضا شاه تنها به ستون سود محدود نمی شد، مثل هر ترازنامه ای ستون زیان نیز داشت. یعنی در این سال های دراز اشتباهات و انحراف هائی نیز صورت گرفته بود که نمی بایست صورت گرفته باشد و اتفاقا خود محمد رضا شاه بیشتر از منتقدان بی غرض خویش چه در کتاب پاسخ به تاریخ و چه در آخرین مصاحبه هایش در دوران غربت بر این خطاها، منجمله بر تردیدها و ضعف های ماه های آخر دوران سلطنت خود تکیه نهاد. با این همه در سنجش اقلام سود و زیان این ترازنامه و در مرحله جمع و تفریق نهایی رقم سود چنان بر رقم زیان می چربد که اساسا با آن قابل قیاس نیست. سقوط سنگین محمد رضا شاه نیز پیش از هر چیز زاده برخورد اجتناب ناپذیر وی در پیشبرد همین تلاش سازندگی با منافع

مقدس نیرومندترین امپراتوری اقتصادی جهان غرب امپراتوری نفتی بود و نه تنها به خاطر اینکه دموکراسی بطور کامل در ایران رعایت نمی شد، آن بهانه هائی که فهرست «پیش ساخته» آنها همیشه در چنته «جهان بزرگان» نگاهداری می شود تا در موقع به خطرافتادن یکی از این منافع «مقدس» فتوکپی مناسب آن بیرون کشیده شود، مثل همیشه «بهانه ای» بیش نبود.

دردوران پنجاه ساله ای که عصر پهلوی نام گرفت و از پایان ربع نخستین قرن بیستم تا آغاز ربع پایانی آن را شامل می شد، اختصاصاً دربرکردن این خلاء کوشش به عمل آمد. تقویت حکومت مرکزی، محوفئودالیسم، ایجاد ارتش منظم، تاسیس دادگستری جدید، گسترش وسیع آموزش و پرورش، کشیدن راه آهن سرتاسری، تاسیس بانکها، ایجاد نیروهای منظم هوائی و دریائی، نوسازیهای اجتماعی، جهش فراگیر فرهنگی، همه اجزای مختلفی از این تحول بنیادی بود. وقتی که رضاشاه روی کار آمد، بودجه سالانه مملکت ۱۹ میلیون تومان بود. وقتی محمدرضاشاه از ایران رفت این بودجه به ۲۳۰

میلیارد تومان رسیده بود. در سال ۱۹۲۱ درآمدمدیرانه سالانه در ایران ۳۷ دلار بود. در سال ۱۹۷۵ این رقم به ۲۰۰۰ دلار رسید و می بایست در سال کنونی به ۶۶۸۵ دلار رسیده باشد. رشد سالانه صنعتی ایران تنها در یک دهه ۷۰ هشت برابر شد و درآمد ناخالص ملی به ۵۴ میلیارد دلار رسید. مصرف سرانه متوسط انرژی برای هریرانی از رقم تقریباً صفر در آغاز حکومت پهلوی به معدل انرژی ۱۲۷۴ لیتر نفت در سال ۱۳۵۶ رسید. عایدات نفتی ایران از یک میلیون لیره در ۱۹۲۵ به ۲۰ میلیارد دلار در ۱۹۷۵ بالغ شد. صنعت پتروشیمی ایران بصورت بزرگترین مجتمع پتروشیمی جهان پایه گذاری شد. رقم سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی در امور ساختمانی به ۸۷۰ میلیارد ریال رسید. هواپیمائی ملی ایران یکی از مجهزترین شرکتهای هوائی

جهان شناخته شد.

کشتیرانی کشوری ایران با کلیه بنادر خلیج فارس و اروپا و خاور دور و آمریکا در ارتباط بود. ظرفیت مخابراتی ایران در سال ۱۹۷۸ به دو میلیون تلفن با ۲۰۰ مرکز مخابرات ماهواره ای رسید. و ظرفیت پستی کشور به یک میلیارد نامه بالغ شد. برای نخستین بار، در آسیای غربی، ایران پخش تلویزیونی دایر کرد. تیراژ روزنامه ها و رقم کتاب های چاپ شده در ایران به مقام اول در منطقه خاورمیانه رسید.

در سال تحصیلی ۱۳۵۶، جمعاً ۱۱ میلیون دانش آموز در سطوح مختلف آموزشی تحصیل می کردند. اضافه بر این ۲۰ دانشگاه و ۱۳۵ آموزشگاه عالی و تخصصی مشغول کار بودند. همزمان با آن، فعالیت های بهداشتی و درمانی، بیمارستانها، درمانگاه ها، سازمان های خدمات امدادی در شهرها و روستاها بطور منظم در حال گسترش بود. در دهه ۱۳۵۰ زنان از تساوی کامل حقوق اجتماعی با مردان برخوردار شدند. ارتش ایران به صورت نیرومندترین ارتش خاورمیانه درآمد و نیروهای هوایی و دریایی ایران قویترین نیروهای هوایی و دریایی منطقه شناخته شدند. سیاست خارجی ایران در این سالها یکی از موفق ترین سیاست های خارجی در جهان بود.

همه این عوامل زیربنای اقتصادی و اجتماعی نیرومندی را در ایران پی ریزی کرده بود که می بایست ضامن فردائی مرفه، پیشرو و دموکراتیک باشد. این جهش فراگیر با بلوای ۱۳۵۷ درهم شکست، و این فاجعه درست در گرماگرم شکوفائی بی سابقه ای به وقوع پیوست که تا به آن روز نظیر نداشت. به همین دلیل پیامدهای آن نیز وخیم ترین پیامدهای ممکن بود.

به عکس آنچه بسیاری از انقلابیون موج اول - موج دانشگاهی پیش از آخوند - خواسته بودند، همه دستاوردهای مثبت

عصر پهلوی به ویرانی کشانیده شد، بی آنکه دستاوردهای مثبت تری جای آنها را گرفته باشد. ایران به عصر طلایی دموکراسی پانگذاشت، ولی به دوران تاریک قرون وسطائی بازگشت. و آنچه در قاموس «روشنفکران» استبداد چکمه نام گرفته بود جای خود را به استبداد نعلین داد.



در سال ۱۳۴۵ محمدرضا شاه پهلوی سفری به کشور یوگوسلاوی نمود که بین رهبران ایران و یوگوسلاوی روابط صمیمانه ای برقرار گردید. نویسنده نیز در این سفر همراه شاه فقید بودم. شاه ایران و مارشال تیتو و همسرش و احمد اقبال و همسرش سفیر وقت ایران در یوگوسلاوی در آن دیده می شوند. اخیراً (پاملا هاریمن) سفیر آمریکا در فرانسه و همسر سابق اورل هاریمن گفت من و شوهرم ۶ ماه قبل از مرگ تیتو مکالمه ای با او درباره جانشینش داشتیم که گفت «شما هیچ به موقعیت یوگوسلاوی آشنائی ندارید. بعد از مرگ من این کشور دچار هرج و مرج و آشوبهای پی در پی گردیده و قطعه قطعه خواهد شد.» محمدرضا شاه هم قبل از خارج شدن از کشور گفت بعد از من کشور ایران دچار «وحشت بزرگ» خواهد گردید. این گفته ها در حقیقت صدای تاریخ است.

شاه زندگی بحث انگیزی داشت

امیرطاهری نویسنده سرشناس ایرانی که کتاب «زندگی ناشناخته شاه» را نوشته درباره محمدرضاشاه چنین می گوید:

کمتر شخصیت سیاسی جهان معاصر را می توان یافت که به اندازه محمدرضاشاه پهلوی زندگی بحث انگیز داشته باشد. گروهی او را عاشقانه پرستیده اند و معتقدند که او هرگز ممکن نبود خطا کند. گروهی هم همواره او را دشمن داشته اند و حاضر نیستند کوچکترین ستایش او را بپذیرند. بعضی هواداران شاه محال است بپذیرند که او احتمالاً لااقل در بعضی زمینه ها اشتباه کرده بود. بعضی از دشمنان شاه نیز حاضر نیستند حتی يك نقطه روشن در سراسر دوران سلطنت او بیابند. مگر می شود ادعا کرد که شاه در بیش از ۳۷ سال سلطنت خود هرگز اشتباه نکرده؟ یا مگر می شود ادعا کرد که در این مدت حتی يك کار مثبت انجام نداد؟ کسانی که از این دو موضع افراطی در ارزیابی او دفاع می کنند در حق او ستم روا می دارند. هدف من از عرضه این کتاب ایجاد تفاهمی ملی درباره این بخش مهم تاریخ معاصر ایران است.

شاه يك تنه تصمیم می گرفت

دکتر عالیخانی با بررسی یادداشت‌های علم چنین می نویسد:

علم از اینکه شاه تصمیمات مهم کشور را بی اعتنا به مسئولین کشور يك تنه می گرفت، رنج می برد و به شاه یادآور می شد که گروهی از کارشناسان ورزیده مورد علاقه شاه گرد آیند و مسائل را بررسی کرده در اختیار شاه بگذارند ولی شاه مخالف بود و علم را متهم می کرد که می خواهد دولتی در دولت تشکیل دهد. کاراراباشاه مذاکره کرده و می نویسد که گوش شنوائی وجود نداشت.

يك بار در زمينه وضع بد اقتصادى به علم گفتم، چرامسائل را به عرض شاه نمى رساند. باصراحت گفتم «اين اعلىحضرت آن اعلىحضرتى نيست كه تو مى شناختى» با او نمى توان از اين سخنان گفتم. علم با همه نزديكى باشاه مى دانست اگر بخواهد سركار بماند درستايش از شاه و خشنود كردن او از ديگران به ويژه هويدا كه به راستى در اين كار استاد بود پس نماند. علم نيز مانند ديگر نزديكان شاه، راز دوام شغلى خود را در رفتارى كه خوشايند شاه بود مى ديد و به رغم هرگونه هشدارى از مجريان هوس هاى او بود.

شاه هشير بود كه همچنان خود رار هبرى مصلح و نزديك به مردم نشان بدهد. با آن كه مى كوشيد هميشه نقش خود را در اين دگرگونى هاى كشور نشان دهدولى براى مردم نيز اصالتى قائل نبود. دكتور حسن امامى (امام جمعه تهران) كه بسيار مورد توجه شاه بود در ديدارى به او گفته بود كه افكار عمومى با فلان كار دولت موافق نيست. شاه از اين گفته سخت بر آشفت و از دكتور امامى پرسيده بود كه افكار عمومى يعنى چه؟ ولى همان شاه بعد از رويدادهاى ۱۵ سال بعد گوئى به او الهام شده بود كه به شركت كندگان در كنفرانس اقتصادى يادآور مى شود جامعه اى كه مردمانش خرسند نباشند به رغم بزرگترين نيروهاى نظامى محكوم به فناست.

شاه نمى خواست هيچكس غير از خودش بدرخشد و هر كسى كه به نحوى در كار خود محبوبيتى پيدا مى كرد به او ظنين مى شد، از اين رو سياست هميشگى او اين بود كه پايه هاى چنين قدرتى را از ميان بردارد. شاه گوشش بدهكار دموكراسى و مشاركت مردم نبود و تحمل شنيدن واژه دموكراسى و دادن وعده آن را به مردم نداشت. وقتى دكتور كنى دبير كل حزب مردم گفت انتخابات انجمن هاى ايالتى و ولايتى آزاد نبوده شاه سخت بر آشفت و گفت «چگونه جرأت كرده بگويد انتخابات در سلطنت من آزاد نيست» كار به استعفا و مغضوب

شدن اوکشید.

شاه در پیشرفت هدفهای اوپک سهم بزرگی داشت و این فرصت را برای گسترش بازهم بیشتر اختیارات خویش برانزنده دید، انحلال همه احزاب و برپائی حزب رستاخیرزا اعلام داشت.

شاه از نبود آزادی سیاسی نگرانی نداشت و می پنداشت آن چه برای توده مردم مهم است آسایش مادی است. در اسفند ۱۳۵۲ هنگامی که درآمد نفت همه را مست کرده بود، فرمان آموزش و بهداشت رایگان صادر گردید. گمان شاه این بود که با صدور اینگونه فرمان ها او بر کشوری فرمان می راند که اکثریت مردمش از برکت وجود او در آسایش به سر می برند. در این شرایط اگر کسانی سخنی در باره ناخرسندی مردم به زبان می آورند نشانه بدخواهی و یا ناآگاهی بود.

دشواریهای آغاز سلطنت و علاقه ذاتی به درگیری در مسائل سیاسی و اجتماعی کشور شاه را مردی آبدیده و با اطلاع کرده بود. در تماس های خصوصی بسیار مؤدب و تاندازه ای خجول و شنونده دقیقی بود. به مسائل جهانی وارد بود. رفتار ساده همراه با وقار، هوش تیز و حافظه قوی او در همه کسانی که با او برخورد داشتند اثر عمیقی می گذاشت. هر چند اطلاعات او در بسیاری از زمینه ها ژرف نبود ولی همان دانش سطحی گسترده او را در بالاتر از بیشتر سران کشورهای جهان قرار داد. گرفتاری اساسی این بود که از یکسوی خواست ایران را بر پایه کشورهای پیشرفته برساند و از سوی دیگر آمادگی و پذیرش لازم چنین خواستی را که در حکومت قانون و تاندازه ای دموکراسی و مشارکت مردم بودند داشت. از هرگونه اصول و ضابطه ای که به مذاق او خوش نمی آمد و یا دست و پای او را می بست بیزاری بود و این که کارها در چهارچوبی مشخص و سنجیده و پس از بررسی کامل صورت گیرداری نمی نهاد. در نتیجه تصمیمات او

بایک دیگر تضاد داشتند و مشاورین امرادچار در دسر و گمگستگی می ساخت.

گرفتاری این بود که شاه آمادگی نداشت مشاورین ویژه ای در دربار گرد آیند یا این که مقام های دولتی را به بازی بگیرد. هویدا در هر فرصتی یاد آوری می شد که قائم مقام نخست وزیر است و نخست وزیر استین همانا خود شاه می باشد.

چشمداشت همیشگی شاه این بود که بزرگترین مرد تاریخ ایران و بالاتر از همه شاهان پیشین شناخته شود. همه پیروزیهای ملی زمان او به او نسبت داده شوند و درخشش زودگذر هیچ کس چیزی مگر بازتاب بی رونقی از شخصیت پرتوافشان او نباشد. سالهای آغازین سلطنت وی اعتنائی چندتن از نخست وزیرانش را پیوسته به یاد داشت. آرزوی این بود که به همه نشان دهد که از همه بالاتر است. از سال ۱۳۴۲ به بعد دیگر شاه با هیچ هموردی رویاروی نبود و به تدریج خود را قهرمان بی همتائی پنداشت و توقع داشت اطرافیان او نیز به همینگونه بنگرند. فضای حاکم بر دربار نیرچاپلوسی بود تا هر کس بگونه ای مدح شاه را می گفت. علم در نامه های خود او را (پیشوای بزرگ من) خطاب می کرد. هویدا که به ورزش (یوگا) علاقه داشت او را (گوروی) خود می خواند. چندی نیز میان ارتشیان باب شده بود که او را (خدایگان) بخوانند. همه کسانی که که باشاه سروکار داشتند ناچار بودند که با این وضع بسازند و در برابر شاه چنان رفتار کنند و چیزهایی را بر زبان آورند که برای او خوشایند باشد.

شاه آرزو داشت همگان او را مردی بی مانند در سراسر تاریخ ایران بدانند. شگرف این که نسبت به پدرش که بی گمان مردی استثنائی و سازنده بود حساسیت غربی داشت و در هر فرصتی به گونه ای یاد آور می شد که کارنامه خود او درخشان تر از پدرش می باشد. شاه توقع داشت که رسانه های گروهی بیگانه نیز مانند رسانه های

دست وزیران بسته داخلی رفتارکنند و همه کارهای اورایکسره بستایند و به هیچ روشکیبائی این را نداشت که به گونه ای واقع بینانه و متعادل درباره اوداوری گردد و کاستیهای کارنیز درکنار جنبه مثبت آن آورده شود. وسواس شاه دراین زمینه به حدی بود که مقاله های روزنامه نویسان خارجی رامی خواند و اگر به مذاقش خوشایند بود اجازه می داد درمطبوعات داخلی نقل شوند و اگر نبود ازعلم و مسئولان دولتی انتظارداشت بیدرنگ از نمایندگان سیاسی کشورهای مربوطه توضیح بخواهند. شاه هرگز آزادی راستین این رسانه هارا باورنداشت و هرگونه تفسیر ناخوشایندی را ازچشم دولتهای متبوع آنها می دید. هنگامی که روزنامه های تایمز و گاردین رژیم ایران را خفقان آور می نامند به علم دستور می دهد که سفیرانگلستان را احضار و به او بگوید «اگر روزنامه ها و رادیو و مجلس این طور عقیده دارند ما چطور می توانیم از شما اسلحه بخریم.»

شاه می پنداشت که رسانه های غربی گذشته از فرمانبرداری از دولتهای خود در دست یهودیها و در نتیجه اسرائیل است.

درسالهای واپسین دیگرکسی را یارای آن نبود که آن چه به راستی درکشور می گذرد به شاه بگوید و تازه اگر می گفت با واکنش تند و ناشکیبای او روبرو می شد. شاه می خواست تنها آن چیزی را که دلخواه او بود باور کند. گمان او این بود که ازراه گزارش های رسمی از همه جریان های کشور و نظر راستین مردم آگاه است درحالی که خود این دستگاه هانیز جرأت بازگوکردن همه حقایق رانداشتند و معمولا گزارشهایی را به عرض شاه می رساندند که موجب خشنودی او شود. علم نقل می کند که شبی سرشام در کاخ ملکه مادر که سپهبد یزدان پناه رئیس بازرسی شاهنشاهی نیز حضور داشت صحبت از این بود که چون مراجعات به بازرسی شاهنشاهی خیلی کم شده است، پس مردم راضی هستند، به شوخی گفتم ممکن است دیدند اثری

ندارد دیگر عریضه نمی دهند. شاهنشاه و یزدان پناه خوششان نیامد ولی من این شوخی را مخصوصاً کردم که شاه را به اشتباه نیندازند. هویدا سیزده سال نخست وزیر بود و مقامات مسئول دولت معمولاً آن چیزی را گزارش می دادند که موجب ناراحتی ذات مبارک نگردد. بارها در نشست هیئت دولت یا کمیسیونها اگر مسئولان امر ایراد می گرفتند یا با سیاستی موافق نبودند روش هویدا معمولاً این بود که به ایراد گیرنده یادآور می شد که اگر حرفی دارد با او شرفیاب شود و نظرش را به شاه بگوید. همین تهدید کافی بود که بسیاری خاموش شوند. البته شمار کوچکی از دولتیان باشهامت و پاکدلی آنچه را که باور داشتند به زبان می آوردند. در این میان شهبانوفرخ در حد توانائی خود کوشید چشم شاه را باز کند و حقایق را به او بگوید. علم با آنکه گمان می کرد شهبانو با او میانه خوبی ندارد و او را عامل تعدیل کننده بزرگی می داند که امیدوار است همیشه باقی بماند و از تباهی قدرت او جلوگیری کند. انتقادهای شهبانوغاهی موجب گفت و گوی تندی میان او و شاه و دلخوری هر دو می شد. شهبانو از بعضی عملیات خواهران و بستکان شاه ناراضی بود و می گفت که مبادا به سلطنت ولیعهد صدمه بزنند، به علم فرمودند این مطالب را توبه شاه عرض کن زیرا اگر من صحبت کنم هم خودم ناراحت می شوم و هم شاهنشاه را ناراحت می کنم.

شاه هرگز نتوانست بپذیرد که شیوه حکومت او کاستیهائی دارد و به رغم ناخرسندی فزاینده مردم هیچگاه در صدد تغییر روش خود بر نیامد. به گمان او اصلاحات ارضی و اجتماعی او جامعه ای خوشبخت برپا ساخته و دیگر جائی برای شکایت و خرده گیری نبود. سودای یکه تازی شاه موجب شد که هرگز نتواند باکسان دیگری که اظهار وجود می کردند بسازد و روی هم رفته اصالتی برای مردم و خواست و باور آنها قائل نبود و گمان داشت که کار

ویژه مردم يك سره فرمانبری از رهبری اوست. شاه یقین داشت نگهداری قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا و انگلستان دارای نیروی افسانه ای هستند و نگهداری روابط صمیمانه با اینان او را از هرگونه خطری ناشی از ناخرسندی مردم مصون می دارد و در چنین شرایطی آسوده دل آنچه می خواهد بگوید و بکند. شاه را با واقعیت عینی وضع ایران سروکاری نبود و با سرسختی و یکدندگی به دنبال دورنمایی بود که درباره آینده کشور در ذهن خود می پروراند از همین رو او که مردی سخت کوش بود و به شیوه ویژه خویش آهنگ خدمت به میهن داشت هرگز دریافت چگونه ممکن است توده مردم این پاکدلی ذهنی او را درک نکنند و در همه حال به گرداوبنباشند. بدین سان با گذشت زمان شکاف بین جهان پنداری او و آنچه به راستی در کشور رخ می داد افزون شد. ولی شاه ایرادی در کار خود نمی دید و تنها دستگاه های منتقل کننده اندیشه ها و کارهای خود را مسئول کمبودها و ناخرسندیهای دانست و تاپایان نیز همچنان بر این باور بود.

دکتر عالیخانی از قول مجیداعلم دوست شاه چنین نقل می کند: در اوایل دهه ۲۰ که هنوز شاه چندان کاره ای نبود در یک جلسه میهمانی خصوصی از هریک از دوستان خود می پرسد که هریک از آنان چه شغل و حرفه ای را آرزو می کردند. هنگامی که نوبت به شاه می رسد میگوید اگر شاه نبود مایل بود کارمند دولت باشد به شرطی که حقوق او کفاف زندگیش را بدهد و بتواند به ورزشهای مورد علاقه اش بپردازد. در این صورت حاضر نبود شغلی بالاتراز رئیس دایره داشته باشد چون از مقامی که همراه با مسئولیت باشد گریزان است. شاه همواره به ویژه در شرایط سخت گریز از مسئولیت را هنر می دانست.

در آخرین روزها همه به اعلیحضرت می گفتند نروید، نروید

منصوره پیرنیامؤلف سفرنامه شهبانومصاحبه خود را با شهبانو فرح ارسال داشته که در این جلد از کتاب منتشر می گردد:

می پرسم چرا موضوع بیماری اعلیحضرت فقید از مردم پنهان نگهداشته شد؟ مگر نه این است که مردم ایران قلبی رئوف دارند و اگر می دانستند که شاه بیمار است آن چنان خصمانه باشما برخورد نمی کردند؟ می گویند اعلیحضرت خودشان نمی خواستند که مردم بدانند مریض اند. حتی به روی من هم نمی آوردند. در صورتی که من از دو سال قبل می دانستم حالشان عادی نیست. سال ۱۳۵۵ وقتی به فرانسه آمدم، دکترهای فرانسوی مرا خواستند. می گفتند بایستی به یکی از اعضای خانواده گفت. گفتند اعلیحضرت بیماری خونی دارند. کلمه «سرطان» را اصلا به کار نبردند. صحبت از بیماری به نام «والدن اشتروم» می کردند که در آن نوع بیماری گویا سلولهای قرمز خون کم می شود و تغییراتی در تعداد پلاکت ها و سلولهای قرمز خون به وجود می آید. آن روز پس از شنیدن خبرانگار کاسه آب داغ سرم ریختند. یادم افتاد که دو سالی است برای چکآپ به خارج نمی روند و قبل از آن وقتی آخرین بار از تریش برگشتند، زمزمه هایی شنیده بودم. دودکتر ایرانی و سه دکتر خارجی دائم می آمدند و می رفتند. وقتی بود که علم بیمار بود و می گفتند دکترها برای دیدن ایشان می آیند. ملاقات ها نه در داخل کاخ بلکه در خارج در مکان های مختلف و دور از چشم من و مردم انجام می گرفت. دکترهایی که ایشان را می دیدند با دارو معالجه شان می کردند. یک روز دیدم پشت لبشان ورم کرده که از اثر دارو ها بود. پرسیدم؟ گفتند نوعی حساسیت از طحال

ورم کرده شان است. دکتری گفت ازمالاریائی است که در بچگی گرفته اند. ایادی پزشك مخصوص معتقد بود که اصالتباید به ایشان چیزی دریاہ بیماری شان گفته شود. دوران سخت ووحشتناکی بود ومرادرموقعیت بسیارمشکلی قرارمی دادند.دو مسأله مهم در میان بود.اول مسأله خودایشان.يك انسان بیمارحق داردبداند دریدن اوچه می گذرد، بیماری اش چیست؟. اعلیحضرت چنان روحیه ای قوی داشتند که به راحتی می توانستند چنین خبری را حتی اگر معلوم بود«سرطان» است تحمل کنند. نباید موضوع را ازایشان پنهان می کردیم. دوم ازنظرسیاسی و موقعیتی که داشتند. هرگونه پنهان کاری به ضررملت بود. گویا درموقعیت خاصی،دکترهاموضوع رابایشان درمیان گذاشتند. چیزعجیبی بود که حتی پس ازآن هم اعلیحضرت بطورمستقیم وروشن بیماری شان را بامن درمیان نگذاشتند. شاید نمی خواستند مراناراحت کنند. من هم نمی خواستم پیش دستی کرده و موضوع را به رویشان بیاورم. اولین بار کلمه سرطان را اززبان خودشان درمکزیک شنیدم. وقتی همه چیز علنی شد دیگر به امید پناه بردم. دراین نوع بیماری امید به بهبود زیاد است. مردم ازگوشه وکناربرای من نامه می نوشتند که مثلاً عزیزمان چنین بیماری داشته و بهبود یافته و چندسالی است بطور طبیعی زندگی می کند.

س: آخرین روزهای زندگی درایران راچگونه به یادمی آورید؟
می گویند اعلیحضرت وقت خروج ازایران حتی افراد گاردجاویدان راخلع سلاح کرده بودند که مبادا پس ازرفتن شان خونریزی بشود.
ج: این نکته را به راستی نمی دانم. ولی می دانم که اعلیحضرت نمی خواستند خون ازدماغ کسی بیاید. می گفتند من پادشاه يك مملکت هستم، دیکتاتورنیستم که برای ماندن برسرقدرت خونریزی کنم. نمی خواهم يك قطره خون مردم روی دست من باشد.

می گفتند سلطنت چیزی نیست که پایه های آن را روی خون بنا کنند. و اماروزهای آخر کابوس بود ولی برای اعلیحضرت دردناک تر. چرا که عمری درسزمینی باعشق به آب و خاک آن زندگی کرده بودند. ملت شان را دوست داشتند. تقریباً هیچ چیز نمی گفتند. روحیه شان تاروزهای آخرفوق العاده قوی بود. من هرروز صبح قدرتی می خواستم که ازجا بلند شوم و حرکت کنم. هرروز از خود می پرسیدم امروز باید منتظر چه چیزی بود. من آدم پرانرژی هستم، ولی هرروز احساس می کردم که بندبند وجودم در حال گسستن است. انرژی نمانده بود. نیروهای مانده را صرف هسته اصلی خانواده می کردم و وقت برای نخست وزیر و ارتشی ها می گذاشتم. شاید ذره های امید باقیمانده باعث نجات شود. سعی می کردم کنترل روحی خودم را حفظ کنم. لحظه خروج از کاخ وحشتناک بود. مستخدمین و گاردی ها همه دور اعلیحضرت جمع شده بودند. دست هایشان را می بوسیدند، به پاهایشان افتاده بودند، التماس وزاری می کردند و می گفتند نروید، نروید و من در آن میان سنگ صبور شده بودم. آنها را دلداری می دادم و می گفتم شما بمانید قوی باشید ما برمی گردیم. وقتی سوار هلیکوپتر شدیم، هلیکوپتری که همیشه سوار می شدیم واقعا احساس کردم که بار آخر است.

در فرودگاه وضع سرد و خالی بنظر می رسید، همه در اعتصاب بودند. چند نفری از افسرهای گارد، روزنامه نویس ها و عکاس ها خودشان را به ما رسانده بودند، وقتی آن افسر گارد جاویدان روی پای اعلیحضرت افتاد، یک لحظه نگاهم را به نگاه ایشان دوختم. شاید بخواهند که بمانیم. چشم هایشان پرازاشک شده بود. صحنه ای از آن غم انگیزتر نمی شد. عده ای از افسران گارد جاویدان تا داخل هواپیما به دنبال ما آمدند. التماس می کردند نروید بمانید. یک افسر آذربایجانی در داخل هواپیما هنوز التماس وزاری می کرد و اشک

می ریخت. گفتم تو آذربایجانی هستی و غیور، مملکت را باید شماها نگهدارید ما برمی گردیم. موقعیت عجیبی بود. يك تراژدی غم انگیز، بختیار منتظر بود از مجلس رأی اعتماد بگیرد. معلوم نبود بگیرد یا نه. اوهم به بدرقه آمده بود. متأثر و یا کوهی از مشکلات و مسئولیت. در فرودگاه من و اعلیحضرت حرفهائی زدیم. درست یادم نمی آید چه گفتم. ولی یادم می آید که گفتم فرهنگ چند هزار ساله ایرانی نشان داده که ایرانی بر مشکلات پیروز می شود و ایران ماندنی است. وقتی هواپیما پرواز کرد، اعلیحضرت همچنان گرفته و غمگین بودند. من آخرین نگاهم را به روی ایران انداختم. درد می گفتم آیا دوباره این سرزمین و آسمان آن و آن کوه های البرز را خواهم دید یا بر نمی گردیم؟ معلوم نبود به کجا و به دنبال چه و سوی چه سرنوشتی می رویم و چه چیزهایی در انتظارمان است. برای آن که خود را آرام کنم شروع کردم به نوشتن. نوشتن نام و مشخصات تعداد آدم هائی که به همراه ما آمده یا مانده اند و شروع کردم به نوشتن افکار و احساسات خودم در آن لحظات و دقائق. وقتی به اسوان رسیدیم، استقبال رئیس جمهور سادات و مردم مصر به ما قوت قلب و نیرو داد. دختر جوان سادات اعلیحضرت را بغل کرده بود و اشک می ریخت. مردم زیادی به استقبال ما آمده بودند در ابوسمبل، دره شاهان، برای اولین بار طعم تلخ تبعید را چشیدیم. قبل از آن کلمه تبعید فقط يك کلمه بود. اما در معنی داغی است بزرگ که چگونه انسان تبعیدی به هر کجا می تواند برود جز سرزمین پدری خود.

يك ضرب المثل ترکمن می گوید غربی کسی را نمی کشد، اما اگر نکشد کسی را هم نمی خنداند. یادم می آید در یوگوسلاوی مجسمه يك مرد رومی را به عنوان «مردی تبعیدی» گذاشته بودند، زیر آن نوشته بودند: در تبعید آدم يك نوع حس خوشبختی را از دست

می دهد. ولی من هنوز باور نمی کردم تبعیدما آغاز شده باشد. فکر می کردم يك نوع سفر است. ولی سفری هم نیست که به این زودی ها برگردیم. ته دل می گفتم شاید هم برگردیم. امید به بازگشت همیشه در دل مالانه دارد.

باردوم، بازگشت به مصر، استقبال همچنان امیدبخش بود. در آمریکا ما را دائم جا به جا می کردند. عملا احساس می کردم نمی خواهند آن انسجام انجام گیرد. در این فاصله اتفاقات بدی افتاده بود. فشارهای روحی، خبرهای بد و دردهای جسمی به کلی اعلیحضرت را از پای درآورده بود، ولی روحیه شان تا آخرین روزها که دیگر کسی را نمی شناختند قوی بود. حتی يك لحظه از غم و غصه و ناراحتی و دلتنگی ها حرفی نمی زدند. اصلا گله ای از روزگاری مردم هم نمی کردند و این خود دردناک تر بود. مثل این که چون عقابی پرواز کرده بودند و بالای آن مسائل زمینی بودند. حتی در روزهای آخر بیماری، ایرانیها بیدارشان می آمدند و از ایشان نظر می خواستند. وحتى اگر جوابی نمی گرفتند باروحیه ای که برخوردار می کردند، قدرت روحی گرفته بودند. من هم هر روز صبح وقت بیدار شدن، از خدا قدرتی دیگر می خواستم ولی یارای حرکت نداشتم. هر روز از خودم می پرسیدم امروز دیگر باید در انتظار چه خبری بود. زمان مشکلی بود. در راهروها حرف های مختلفی می زدند و خبرهای غم انگیزی می دادند. راه فرار من اتاق مریضم بود. اما آنجا هم دردناک تر بود. سعی می کردم با خواندن کتاب برایشان سرشان را گرم کنم. کتاب زندگی دوگل، و کتاب پنجمین سوارکار، را تقریبا برایشان تمام کردم. کتاب پنجمین سوارکار کتاب داستان پلیسی و سیاسی بود. هر بار که در اتاق راباز می کردم و بیرون می رفتم، چشم هایشان به من دوخته می شد. يك لحظه يك نگاه بود: امید و ناامیدی. و هر روز امید کمتر می شد.



محمدرضا شاه پهلوی در قاهره در بستری بیماری و شهبانو فرح در کنار او

يك روز صبح در بیمارستان معادی مصر، باباری از غم و غصه و مشکلاتی گره خورده نشسته بودم. دیگر احساس می کردم زندگی اعلیحضرت تمام شدنی است و ممکن نیست زنده بمانند. می دیدم عزیزم چون شمعی دارد جلوی چشم آب می شود. يك آن چنان بار سنگینی بردوشم احساس کردم که انگار کوهی روی شانه هایم بود. تمام بدنم سرد شد. از جا بلند شدم روی ایوان، نگاهی به افق های دور انداختم. نگاهی به رود نیل انداختم. دیدم چه آرام می رود. نگاهی به اهرام ثلاثه انداختم و عظمت تخت جمشید را به یاد آوردم. فکر

کردم من اولین نفری نیستم که زندگی اش این چنین دچار تلاطم و طوفان شده. این اولین تراژدی تاریخ نیست و آخرین آن هم نخواهد بود. دنیا تا بوده همین بوده، سرنوشت شبیه هم قلم می زند. پادشاهان، ملکه ها، ناپلئون ها، تزارها، پیغمبرها، قدیسین. همه آمده اند و رفته اند و همه در زندگی عشق ها، فداکاری ها، خیانت ها و دوروییها دیده اند. باخودگفتم برای چی ناراحتی؟ از خاک برآمده ایم و بر خاک می شویم. سرنوشت ما برپیشانی ما نیست، برپیشانی خاک می نشینند. به قول لرها چروک خاک چروک پیشانی من است. سعی کردم خودم راباز به بالاتر بکشم. از جلد يك انسان خاکی بیرون بیایم و در همان نقش تاریخی و ورای مسائل و مشکلات زمینی. بازی نقشی را که به من محول شده ادامه بدهم و وظیفه ام رابه نحو احسن انجام بدهم. نگاهی دوباره به نیل انداختم همچنان جریان داشت و می رفت.

می خواستم بچه هارا بامادرم به اسکندریه بفرستم. دکترها مانع شدند. حتی اول نمی خواستم لیلان روزرا ببیند. او ۹ ساله بود. من درست در همین سن و سال بودم که پدرم فوت کرد. او هم سرطان داشت. سرطان کیسه صفرا، و من هنوز صدای چک چک بیرون ریختن صفرای اورابه یاد دارم. نمی خواستم لیلای ۹ ساله چنین خاطراتی را از پدر به یاد داشته باشد.

شب آخر چند ساعتی رفتم که بخوابم. هنوز چشم هایم گرم نشده بود که صدایم زدند. بالاسرا علی حضرت آمدم. فرحناز تا صبح دستهای پدر را گرفته بود و در کنار تخت خواب او نشسته بود. فرحناز با پدرالفتی دیگر داشت. ولیعهد مات و غمزده در گوشه ای ایستاده بود. والا حضرت اشرف هم نگاه از صورت برادر بر نمی داشت. عده زیادی در اتاق بودند اما من درست کسی را نمی دیدم. یادم نمی آید دیگر چه کسانی بودند. نزدیکی های صبح بود. هواروشن شده بود. اما

سیاهی غم بر همه جا سنگینی می کرد. همه نگاه ها به سوی اعلیحضرت بود و به روی او. چندتانیس کشیدند دیگر مثل اینکه نفسشان در نمی آمد تا اینکه نفس عمیقی کشیدند و تمام کردند.

خانم دکتری که همراه ما بود حلقه ازدواج اعلیحضرت را از دستشان در آوردند و دعائی را که اعلیحضرت همیشه زیر سرشان داشتند برداشتند و به من دادند. مات مانده بودم. نمی دانستم چه کنم. والا حضرت اشرف گفتند چشم هایشان را ببندید. چشم هایشان را بستم و وداع کردم و همه ما را از اتاق بیرون کردند. دوباره پس از چند دقیقه برگشتیم. برای آخرین بار رویشان را بوسیدم. هنوز بدنشان گرم بود و فکر می کردم دارند نفس می کشند. ولیعهد را بغل کردم و گفتم پدرت «به حق» پیوست. همیشه با او بوده و حالا هم به سوی او رفته است. عده ای بیرون از اتاق ایستاده بودند. از آنجائی که همیشه باید نقشم را بازی کنم تسلیت هارامی گرفتم و دیگران را تسلی می دادم. گفتم «اتفاق افتاد» بایستی روحیه مان را حفظ کنیم. قوی باشیم و برای هدفهائی که اعلیحضرت داشتند مبارزه کنیم. ساعتی بعد خانواده سادات و اعضای دولت مصر بدیدن ما آمدند و پس از آن در جریانی شبیه گردباد افتادیم. همه چیز چون خواب و بیداری تندی گذشت.

پادشاه مراکش تکه ای از پارچه روی کعبه را به ولیعهد داده بودند که اعلیحضرت را با آن دفن کنند. شب اول فوت اعلیحضرت تنها خوابان نمی برد. به بچه ها سرزدم و گفتم همگی با هم در یک اتاق بخوابیم مثل اینکه همه منتظر این پیشنهاد بودند و قبول کردند. تشک هایمان را روی زمین کنار هم گذاشتیم و همگی آن شب را در یک اتاق خوابیدیم.

در مراسم تشییع جنازه دوباره باید قد برمی افراشتم و محکم و مسلط قدم برمی داشتم. از کاخ عابدین، تا مسجد رفاعی راهی بسیار

طولانی است. درمسیر مامیلیون ها نفر از مردم مصر در خیابان ها ایستاده بودند. در آن گرمای ماه مرداد و تابستان داغ مصر، رئیس جمهور سادات بالباس رسمی و حمایل، رئیس جمهوری سابق آمریکا نیکسون، پادشاه و ملکه یونان، سفیر آمریکا و وزیر دربار مراکش و عده ای از ایرانیها و نماینده های خارجی شرکت داشتند. من می خواستم به دنبال جنازه راه بروم گفتند در سنت مصری ها نیست که زن ها به دنبال جنازه راه بیفتند. چندین بار رفتند و آمدند ولی سادات گفته بود هرچه «فرح» بگوید. او مرا به اسم کوچک صدا می زد. در آخرین ساعات روز تشییع جنازه همگی در کاخ عابدین در تالاری در مقابل جنازه که با پرچم ایران پوشیده شده بود جمع شدیم و ادای احترام و خدا حافظی کردیم. دقیقی بعد در صحن حیاط کاخ عابدین وقتی جنازه را از تالار بیرون آوردند و برای آخرین بار سرود شاهنشاهی را نواختند دیگر همه داغان شدیم. در مسیر نگاه های غمگین، تسلیت آمیز و مهربان مردم مصر رابه یاد می آورم. در مقابل مسجد رفاهی همگی در زیر چادری که نصب کرده بودند جمع شدیم. وقتی جنازه را از تابوت در آوردند ولیعهد به کمک چند نفر جنازه رابه دوش گرفت و در محل مخصوص گذاشتند. قرار نبود علیرضا در مراسم شرکت کند زیرا اوفقط ۱۲ سال داشت. ولی دکترها گفتند از نظر روانی برای هر فرزند پدر و یا مادر مرده ای بهتر است که به خاکسپاری عزیزش را ببیند تا اتفاق را قبول کند.

من آن روز به قدری بر اعصابم مسلط شده بودم و خود را قوی و محکم نگهداشته بودم که وقتی به کاخ برگشتم می خواستم بروم بالا و به اعلیحضرت بگویم ببینید من چقدر خودم را خوب نگهداشتم اما دریغ اورفته بود. تا مدتی هرکاری می کردم این شوق در درونم بود که به سوی او بروم و مثل گذشته برایش تعریف کنم. اصلا خودم را محکم نگهداشتم که اشکی نریزم. وقتی غم آنقدر بزرگ است، اشک ریختن

هم كوچك است. اصلاحشكي درنمی آید. برای زن وشوهرهائی كه همسرشان را ازدست می دهنداین حالات روحی عادی است تامدتی بامرده شان زندگی می كنند. پس ازآن مدتی حتی آنهائی كه مهر سلطنت روی پیشانی شان خورده بود ازما دوری می كردند دوباره شروع به یاریگیری كردیم. دوستان راجمع كردیم. بایستی دلداری شان می دادیم و دلشان را به دست می آوردیم. می دانستم كه دوباره بایدساخت. دوباره باید هسته ای راكاشت. ولیعهد سه ماه دیگر بیست ساله می شد. سه ماه فرصت زیادی بود، فكركردیم بایستی پیامی تهیه و برای مردم بفرستند. اعلام قبول مسئولیتی بزرگ می كرد. اطلاعیه مطبوعاتی فرستادیم وطی آن، روزاعلام قبول سلطنت ازطرف ایشان را اعلام كردیم. روزارسال پیام ۳۱ اکتبرتعیین شده بود و روزدوم نوامبر انتخابات ریاست جمهورآمریکابود.

يك روزخانم سادات تلفن زدو گفت كارتر به پریزبنت سادات تلفن كرده وخواش كرده كه اگر ممكن است ولیعهدایران روزارسال پیامش را به تعویق بیندازد. منظورواواین بود كه روز ۳۱ اکتبر نباشد. گفت موضوع گروگان گیری و مسائل دیگر درمیان است. گفتم طبق قانون اساسی ایران بایستی درهمان روز تولد بیست سالگی ولیعهد اعلام قبول مسئولیت كند. پرسید نمی توانیدمثلا بگوئید سرما خورده و بیماراست. گفتم قبلاً اعلام شده. این راه تاریخ است و ازدست ما خارج است.

پیام تهیه شده بود وولیعهد دريك اتاق، کنارپرچم ایران، میبایست باخواندن پیام به قرآن قسم می خورد ومسئولیت خودرا قبول می كرد. باآن كه همه مقدمات كار فراهم شده بود روزپخش پیام گفتند «ماهواره خراب است» ولی پیام رابه دست يك روزنامه نگاردادیم تا به آن برساند. خوشبختانه پیام همان روز در تلویزیون

های فرانسه پخش شد. فرانسویها با احترام گفتند که جوانی اعلام قبول مسئولیت پدررا کرده است و آمریکائیها آن را به شوخی و طنز گرفتند. آن شب تا صبح من و ولیعهد چندمصاحبه روی نوار پرکردیم و به خارج فرستادیم و سادات گفت بالاخره فرح کارخودش را کرد. روزهای ما پراز حوادث و کار بود. حتی به من فرصت ندادند در عزای همسر، چون هرزن بیوه داغدیده ای آرام سوگواری کنم. چندروزی با ولیعهدبه اسکندریه رفتیم و پس از آن تحریکات زیاد شد.

س: پس از فوت اعلیحضرت، نیروها درموردادامه کار به دو جناح تقسیم شد. عده ای می خواستند علیاحضرت خودشان را به کلی کنار بکشند، و عده ای براین عقیده بودند که ولیعهد جوان است و نیاز به تجربه مادر که بیست سال زندگی سیاسی را پشت سر گذاشته دارد، خودتان واقعا چه می خواستید؟

ج: خسته و عزادار بودم. ولی می خواستم کمک کنم تا تداوم حفظ شود و من با احترام کنار بروم. سناریو قبلا نوشته شده بود و نقش های تاریخی مشخص بود و عوض نمی شد. من دنبال کسب قدرت دوباره نبودم. مسئولیت تاریخی ام را به عنوان يك ملکه می شناختم و احساسات مادری هم اضافه بر آن می گفت که پسر من را در این موقعیت تنها نگذارم. ضمنا نمی خواستم که ملت ایران فکر کنند که ولیعهد به دامن مادرش چسبیده و نمی خواستم پسر من را تنها بگذارم. این کمترین حق يك مادر است که در مواقع خطر در کنار فرزندش باشد و از او حمایت کند و اگر فرزند نیازی به او داشت به کمکش بیاید، این دیگر غریزی است و منطق انسانی هم دارد. می خواستم در حلقه کوچک دورایشان افراد قابل احترامی باشند. زمانی که اعلیحضرت زنده بودند سه نفر را انتخاب کردند. يك نفر نظامی و دو نفر شخصی. فکر کردم بهتر است سه نفری که می خواستند بایشان کار کنند بعد از ایشان با پسرشان کار کنند. من نه می توانستم

کسی را انتخاب کنم و نه ازایشان می توانستم بپرسم چه کسانی را انتخاب کرده اند.

چطور می توانستم بگویم ما داریم برای پسران برنامه درست می کنیم. بالاخره آن سه نفر را خواستم تا به کمک بیایند. متأسفانه هر سه گرفتاری داشتند. تحریکات هرروززیادتر می شد. نمی خواستند من نزدیک پسرم باشم. روزبه روز فاصله را زیاد می کردند. بعد از آن مدتی همه چیز از لحاظ روحی و احساسی و سیاسی سخت شد. دیگر نمی خواستم کار سیاسی بکنم و این همه عشق و احساس و نیرو را برای کاری بگذارم. البته دردناک بود که می دیدم شوهرم رفته است و پسر را هم به سرنوشت و تصمیم اراده خودش واگذار کردم.

باز خود را در آن نقش تاریخی ام گذاشتم: به بالاتراز مشکلات فکر کردن برای من فقط ایران و ایرانی مطرح بود و دیگران بر سرلحاف ملا می جنگیدید. لحافی نبود. حلیمی را هم نمی زدند که کاسه سهم کسی را کنار نگذاشته باشند. حتی یک بار پرسیدم اگر من مسأله هستم از اینجا بروم. سفر شاه جوان به مراکش تصمیم خودشان بود. البته ملک حسن نیز در این مورد محبت های زیادی کرد. من می گفتم در مصرا مکاناتی فراهم شده و وسایل و افراد لازم آماده است. واقعا فکر می کردم مانند در مصر بهتر است. بالاخره باید بگویم از آن روزی که ایشان مسئولیت بزرگ و تاریخی و سیاسی را بردوش گرفتند من به عنوان یک مادر و یک ایرانی در اختیار ایشان بوده و هستم و خواهم بود ولی باید زمان می گذشت. همیشه در طوفان مقداری خار و خاشاک به هوا می رود. اما آسمان که صاف شد همه چیزهای خوب و با ارزش و به درد خور به جا می ماند به قول شاعر:

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس

که وعظ بی عملان واجب است نشنیدن

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافر است رنجیدن

س: علیا حضرت و سایر خانواده چرا مصر را برای اقامت دائم انتخاب نکردید؟

ج: ما انتخاب زیادی نداشتیم، در مراسم تشییع جنازه سادات، ژنرال هیگ وزیر خارجه آمریکا تلفن زد و گفت: رئیس جمهور ریگان پیشنهاد کرد که اگر بخواهیم به آمریکا برویم می توانیم. من این دعوت را قبول کردم. چون شاه جوان در «ویلیامزتاوون» خانه ای داشت و آن شهر نسبتاً محل مناسبی برای تحصیلات بچه ها بود. مدارس شهرهای دیگر بچه های ما را به دلایل امنیتی قبول نمی کردند. پدر و مادرها می گفتند می آیند بچه های شاه را بکشند بچه های ما هم کشته می شوند. از طرفی هنوز زندگی آرامش خود را نیافته بود که حادثه جانخراش مرگ رئیس جمهور سادات پیش آمد. سادات در حق من و خانواده ام برادری و بزرگواری کرد. دلداری ها و دلگرمی های او در لحظات بسیار سخت زندگی نجات بخش من بود. هربار که می دیدم زیر بار فشار مسئولیت دارم از بین می روم به دیدار سادات می رفتم. او به راستی و به تمام معنی برادری و اخوت را تمام کرد. همیشه از صورتش نور می بارید. با چند جمله ساده مرا به زندگی امیدوار می کرد. با مرگ سادات امید دیگر ما از بین رفت و نگرانیها بیشتر شد. بعد از فوت سادات وقتی مبارك رئیس جمهور شد و ما به دیدار رفتیم واقعا او و همسرش خیلی به ما محبت کردند. مبارك گفت هیچ چیز فرقی نکرده. مصر کشور دوم شماس است و من برادرتان. ملت مصر در جواب همه محبت هائی که شاه فقید در دوران مشکلات مصر به آنها کرده است، دینی برادرانه بر او دارد.

چند سفر هم به مراکش رفتم. پادشاه مراکش هم به ما مهربانی های زیادی کرد. ملك حسين هم محبت های خود را از ما دریغ نکرد ولی بیش از آن در توانش نبود. این بحران ها پنج سال طول کشید.

س: در پایان یأس و ناامیدی پسران را داماد کردید؟
 ج: بله بچه ها بزرگ می شوند و می خواهند هسته خانوادگی خودشان را تشکیل بدهند. پس از آنهمه طوفان غم و غریت و تبعید، ازدواج و لبعهد نقطه روشن زندگی ما شد. یک روز آمد مثل هر پسر دیگری عکسی از دختر جوان و زیبایی نشان داد و گفت می خواهیم ازدواج کنیم. معلوم بود عاشق شده است. من هم بلافاصله بیش از آنکه دیگران فرصت کنند ذهن آن دختر جوان را نسبت به من آلوده کنند، خواستم اورا ببینم. خواستگاری کردیم و به رسم سنت ایرانی سفره عقد چیدیم. من در یاسمین عروسم، روزهای جوانی و دورانی را که خودم تازه عروس دربار شده بودم می بینم و دلم می خواهد اورا در راهی که در پیش دارد مددواری دهم.

س: در مورد به خاکسپاری جنازه اعلیحضرت محمدرضا شاه که هنوز به طور امانت نزد مصری هاست صحبت هایی بر سر زبانهاست. گفته می شود دولت مصر فشار می آورد که جنازه در مصر هر چه زودتر به خاک سپرده شود. از طرفی دیگر خانواده سلطنتی به خاکسپاری شاه فقید را در خاک مصر پایان امید بازگشت می دانند، نظر علیا حضرت در این مورد چیست؟

ج: جنازه اعلیحضرت فقید در مصر و در مسجد رفاعی به امانت گذاشته شده و تاروی که به ایران برگردیم همچنان امانت خواهد بود. آن جنازه با تکه ای از پارچه کعبه (کفن) و با پرچم ایران زینت شده و فقط به خاک ایران سپرده می شود و بر آرامگاه او بر لوجه ای خواهیم نوشت:

خداوندگارا به یاد آور نه فقط زنان و مردان نیک کردار را، بلکه زنان و مردان بد کردار را، و فراموش کن همه رنج هائی که بر ما هموار کرده اند و به یاد آور میوه هائی را که ما به شکرانه آن رنج ها خریدار شده ایم. به یاد آور رفاقت های ما را، وفاداری ما را و فروتنی

های مارا، که از این رنج ها زاده شده اند و چون روزداوری فرارسد
بادا که میوه هائی که ما برآورده ایم دلیل بخشایش آنها باشند.



محمدرضا پهلوی از تحصیل در مدرسه تا تبعید در یاناما

شاه خود را يك سردار نظامی می دانست

آچسن وزیر خارجه سابق آمریکادر خاطرات خود چنین می نویسد: شاه ایران مرد واقع بینی نیست و به امکانات عملی افکار خود نمی اندیشد. او افکار و خیالات بزرگی دارد و خود را يك سردار بزرگ نظامی تصور می کند. اعتقاد او به این که ارتش او روزی می تواند با روسها مقابله کند خواب و خیالی بیش نیست. حتی برنامه اقتصادی ایران از حد توانائی و امکانات این کشور خارج است. به شاه گفتم بوجود آوردن چنین ارتشی با هزینه سرسام آور آن، نه تنها نتیجه بخش نیست بلکه ایران را از نظر اقتصادی به قدری ضعیف خواهد کرد که زمینه سقوط کشور بدون حمله شورویها فراهم خواهد شد. بهترین راه ایجاد يك زیربنای سالم اقتصادی و اجتماعی است که روسهارا از فکر تجاوز به ایران باز خواهد داشت. چنانکایچک هم به جای اقدامات وسیع اقتصادی و اجتماعی به يك ارتش بزرگ تکیه کرد ولی عدم تعادل اقتصادی و فسادى که جامعه را فرا گرفته بود این ارتش بزرگ را از درون متلاشی ساخت. شاه گفت در ایران چنین فسادى وجود ندارد و بهر صورت خواهان اصلاحات اقتصادی و اجتماعى توأم با يك ارتش قوی می باشد.

دربار محمد رضا شاه (زنانه) بود

ثریا در خاطراتش می نویسد: خصوصیات اخلاقی شاه با پدرش به کلی تفاوت داشت. رضا شاه به تند خوئی شهرت داشت ولی شاه بسیار خون سرد و ملایم حتی خجالتی بود. یکی از دشواریهای او رد کردن درخواستهای اطرافیانش بود که بعضی هم نامشروع به نظر می رسید. شاه هر وقت می خواست کسی را برکنار کند سعی می نمود این تصمیم را وسیله دیگران ابلاغ نماید. زیرا از دیدن قیافه ناراحت برکنار شدگان رنج می برد. شاه مثل پدرش در مورد برکناری اشخاص بطور ناگهانی تصمیم نمی گرفت بلکه بعد از مشورت و مطالعه تصمیم

می گرفت. برخلاف دوران سلطنت رضاشاه دربار ایران دربار زنان بود و ملکه مادر در رأس آن قرار داشت. اطلاعات زنان درباری بسیار محدود بود ولی در توطئه چینی مهارت داشتند. شمس و اشرف دو خواهر تنی شاه با هم دشمن بودند.

نقشه قوام و مظفر فیروز علیه شاه
مظفر فیروز پس از عزل از سفارت مسکو در اروپا مقالاتی علیه محمد رضاشاه می نوشت که در یکی از مقالات چنین نوشته است:
اگر حکومت قوام در نتیجه پشتیبانی آمریکائیها از شاه تضعیف نمی شد آنها (قوام و فیروز) شاه را برانداخته بودند.
محمود طلوعی می نویسد: این ادعا ممکن است صحیح باشد چه با کینه دیرینه ای که قوام نسبت به رضاشاه داشت و با وعده ریاست جمهوری که از طرف استالین به تهران بازگشته بود اگر شاه جوان و بی تجربه حریف این کهنه سیاستمدار نمی شد به آرزوی خود می رسید.

چگونه وزرای توده ای از کابینهء قوام اخراج شدند؟
اسناد منتشره وزارت خارجه آمریکا چنین حاکی است:
جرج آلن سفیر آمریکا در ایران درباره تغییر وزرای توده ای کابینه قوام به واشنگتن گزارش می دهد:
شاه پس از آخرین گفتگو با من تصمیم داشت که قوام السلطنه را از کار برکنار کند و می خواست روز بیستم اکتبر (۲۸ شهریور) این تصمیم را به مرحله اجرا بگذارد. قوام از احتمال برکناری و بازداشت خود از طرف شاه مطلع گردید و با سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ صحبت می کند. او می گوید از نقشه شاه خبرنگار دارد ولی می داند که شاه از گرایش روزافزون دولت به طرف شورویها ناراضی است و هر تصمیمی

که شاه بگیرد ارتش وفادار خواهد ماند و از فرامین شاه اطاعت می کند. روز بعد قوام تقاضای شرفیابی می کند و آمادگی خود را برای او امرشاه ابراز می دارد. شاه می گفت که قوام از ترس می لرزید. شاه به قوام می گوید اولین شرط این است که مظفر فیروز وسه وزیر توده ای از کابینه اخراج شوند و دومین شرط این است که حزب دموکرات از هرگونه ائتلافی با حزب توده خودداری کرده و حتی در انتخابات با حزب توده مبارزه کند. قوام تمام شرایط را می پذیرد و فقط تقاضا می کند که مظفر فیروز بطور موقت در کابینه بماند. شاه از اصرار قوام خشمگین شده روی میز می کوبد و می گوید اگر یکبار دیگر اسم مظفر فیروز را بیاورید همه چیز بین آنها تمام شده است. فیروز باید از این کشور اخراج شود و الا دستگیر و زندانی خواهد شد. قوام اجازه می گیرد که مظفر فیروز به عنوان سفیر به مسکو برود که شاه موافقت می کند و به این ترتیب قوام مجدداً مأمور تشکیل کابینه می شود و لیست اعضای کابینه در همان جلسه مورد تصویب شاه قرار می گیرد ولی توافق حاصل می شود که اعلام تغییر کابینه ۲۴ ساعت به تأخیر افتد تا تدابیر لازم برای مقابله با حزب توده اتخاذ گردد. قوام موضوع را به مظفر فیروز می گوید و او هم سادچیکف سفیر شوروی را در جریان می گذارد که او هم قوام را تهدید می کند. قوام نزد شاه رفته می گوید در صورت تغییر کابینه و اخراج وزرای توده ای ممکن است نیروهای شوروی دوباره ایران را اشغال کنند. شاه جواب می دهد او تصور نمی کند که شورویها چنین کنند و اگر اقدام کنند از سازمان ملل متحد تقاضای کمک خواهد شد. به این ترتیب اعضای جدید کابینه قوام معرفی می گردند.

جورج آلن می نویسد: شاه به من گفت برای اتخاذ این تصمیم

سه شب خوابیده و به این نتیجه رسیده که مسئولیت اخراج وزرای توده ای را خود قوام به عهده بگیرد و من هم گفتم روش پسندیده ای بود.

شاه زمامداری خودکامه بود

گزارش سیا درباره شخصیت شاه چنین است:

او زمامداری خودکامه می باشد که به جز افراد خانواده خود با ۱۰ یا ۱۲ نفر که در رأس آنها اسدالله علم قرارداد محشوراست و از آنها اطلاعاتی کسب می کند. او با کسی مشورت نمی کند. و کمتر کسی جرأت دارد که نظری برخلاف نظر وی بیان کند. او تصمیم می گیرد و دیگران فقط مجری تصمیمات او هستند. مهمترین رازبقای هویدا در حکومت (توانائی او در پرهیز از هرگونه تعلل و یا اشتباه در اجرای اوامر ملوکانه و قرار گرفتن در سایه شاه می باشد).

يك نویسنده خارجی می نویسد: شاه قبل از ابتلا به بیماری سرطان خود را نظر کرده و تحت حمایت يك نیروی غیبی می دانست که موجب نجات او از حوادث مختلف و سوء قصد هابود و این طرز تفکر موجب می شد که اضعفهای درونی خود را پنهان کرده و در مواردی از خود تهور نشان دهد ولی ابتلاء به بیماری مهلك باورهای حمایت الهی را در او متزلزل ساخت در نتیجه در برابر طوفانی که به وجود آمد ناتوان گردید و خود را به قضا و قد سپرد و در برابر حوادث ضعف فراوان به خرج داد و راه تسلیم و رضا پیش گرفت.

محمود طلوعی می نویسد: هیچیک از دولت های خارجی تا آخرین ماه های انقلاب از بیماری سرطان شاه آگاه نبودند، فقط انگلیسها از طریق شاپور ریپورتراگه شده بودند که دکترایادی موضوع را به او اطلاع داده بود. او نیز سرطان شاه را به دوگلاس

هیوم وزیر خارجه انگلستان اطلاع داد ولی انگلیسها ازدادن اطلاعات به آمریکائیهها خودداری کردند منتها خود برای دوران بعد از شاه برنامه ریزی نمودند.

وقتی هم شاه با خلبان معزی از ایران خارج گردید به فرح گفته بود هیچ چیز بهتر از خلبانی نمی تواند روحیه او را تقویت کند. شاه به خلبان معزی هم ظنین شده بود که احتمال می داد هواپیمارا به کشور شوروی هدایت کند. این تصور شاه هم بیمورد نبود. زیرا وقتی خلبان معزی جزو مجاهدین قرار گرفت شاید قبلا هم با آنها همکاری داشته است.

محمود طلوعی همچنین می نویسد: در زمان نخست وزیری دکتر مصدق يك روز غروب امیر اسدالله علم آگاه می شود که به شاه گزارش داده اند که چندتن از افسران گارد شاهنشاهی قصد دارند نیمه شب او و همسرش ثریا را ترور کنند. علم بی درنگ به کاخ سعدآباد رفت و شاه را نگران دید که به او گفت تصمیم دارد شب را با ثریا در داخل يك تانک بگذراند. علم جوای منیع گزارش شد و برای او مسلم گردید که بی اساس است گفت اگر هر بار چنین گزارشاتمی برسد و چنین واکنشی نشان داده شود فرجام کار خوب نیست. سپس همه افسران گارد را به خوردن شامپانی فراخواند و همه به سلامتی شاه و ملکه نوشیدند. بدنبال همین جریان بود که مصدق تصمیم گرفت اطرافیان شاه را از گرد او براند و علم را به بیرجند تبعید کرد. علم در آنجا بود که از رفتن شاه به بغداد آگاه شد. دکتر مصدق هم گفته بود که شوکت الملک به من در زمان تبعید به بیرجند خیلی خدمت کرده که در آن زمان برایش خطرناک بود. من هم کاری به علم ندارم. فقط علم از سیاست بازی دست بردارد.

مخالفت شاه با کشتن خمینی

(اری بن مناشه) مأمور سازمان اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش

اسرائیل در کتاب جالب خود ضمن فاش ساختن اسرار روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل چنین می نویسد:

در آوریل سال ۱۹۷۸ رؤسای من نظریاتم را درباره رویدادهای ایران و انقلاب قریب الوقوع آن کشور پذیرفتند و کنفرانسی که نمایندگان سیا نیز در آن شرکت داشتند، یکی از تحلیل گران آمریکا (عضوسیا) نظر مرا بی اساس خواند و مدعی شد آنچه که در ایران می گذرد سروصدای بچگانه ایست که به زودی آرام خواهد شد. در دسامبر سال ۱۹۷۸ طرحی از طرف (رافی ایتان) مشاور امور ضد تروریستی نخست وزیر اسرائیل تهیه شد که خمینی در پاریس ترور شود. سیا نیز موافقت خود را اعلام داشت تا یک تیم تروریستی اسرائیل به پاریس برود و خمینی را ترور کرده بازگردد.

برای حمله به اقامتگاه خمینی در نوفل لوشاتو و مصدوم کردن خمینی تیم کماندوئی سرهنگ آصف هف تز Assef Heftez رئیس گارد ویژه پلیس ضد تروریسم اسرائیل در نظر گرفته شده بود. بدیهی است که این تیم قادر بود مأموریتی را که برعهده اش قرار می گرفت با موفقیت اجرا کند و بدون برخورد با اشکال و مانعی به اسرائیل بازگردد. ولی موانع اجرای طرح جای دیگری بود.

اوری لوبرانی Uri Lubrani نماینده سیاسی اسرائیل در ایران مأموریت یافت که موضوع را باشاه در میان بگذارد. شاه بی تأمل مخالفت کرد و گفت اجازه نخواهد داد جوی خون در کشور جاری شود. او عقیده داشت در صورتی که ژنرال ها قدرت را به دست گیرند خونریزی اجتناب ناپذیر می گردد و می پنداشت بدون نیاز به چنین اقدامی اوقادر خواهد بود بر بحران غلبه کند.

لوبرانی پس از ملاقات باشاه به سازمان اطلاعاتی اسرائیل اطلاع داد که نه شاه دیگر می تواند در قدرت باقی بماند و نه ژنرال ها قادر به کودتا هستند. کشور عملاً در اختیار رهبران مذهبی قرار

گرفته است و تنها عامل زمان است که کار او را یکسره خواهد کرد. هنگامی که طرح کشتن خمینی منتفی شد اسرائیل تصمیم گرفت که با خمینی رابطه برقرار کند. مناخین بگین پیامی برای خمینی فرستاد و او هم گفت یهودیان شهروندان ایرانی هستند و اسلام به ادیان الهی از جمله یهودیان احترام می گذارد و اسرائیل نباید از ایجاد حکومت اسلامی در ایران نگران باشد. برنامه کار نخست روپوشدن بادشمنان عریمان می باشد. پس از آنکه حسابان را با اعراب روشن کردیم آن وقت درباره اسرائیل فکر خواهیم کرد. اسرائیلی ها از دریافت این خبر بسیار شادمان شدند. باتوجه به افق روشنی که از روی کار آمدن جمهوری اسلامی گشوده شد اکنون به نظر می آید که عدم اجرای طرح کشتن خمینی به سود اسرائیل بوده است.

سرت ۴۸ جت ۱۴ - اف از ایران توسط اسرائیل

(اری بن مناشه) همچنن درباره سفر شاه چنین می نویسد:

روز ۲ دی ماه ۱۳۵۷ (۱۶ ژانویه ۱۹۷۹) شاه از ایران خارج شد. گزارش کارگزاران اطلاعاتی ما حکایت از آن می کرد که ایران دچار آشوب خواهد شد. پیش بینی می شد که این رویه برای امنیت اسرائیل بسیار خطرناک می باشد. وقتی شاه و شهبانو در فرودگاه از هلیکوپتر پیاده شدند دو افسر گارد جلوی پای شاه زانو زدند و به بوسیدن پاهایش پرداختند که این در حقیقت پایان سلطنت او بود. وقتی یکی از افسران گارد پرسید «برای چه مدتی در خارج خواهید ماند؟» شاه گفت «بستگی به وضع تندرستی او دارد.»

وضع داخلی ایران خیلی متشنج شده بود. مسکو هواپیماهایی به ایران گسیل داشت تا ۷۰ کارشناس نفتی و افراد خانواده آنها را به شوروی بازگرداند. آمریکاییها و سایر اتباع خارجی باشتاب برای

ترك ايران به هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا هجوم برده بودند. شاه درحالی که تظاهرکنندگان درخیابانهای ایران شادی می کردند مشتی ازخاک وطن را برداشت و درجیب خود جای داد و وارد هواپیما شد. هواپیما درآسمان ایران به پرواز آمد و دوران فرمانفرمائی او به پایان رسید.

هنگامی که معلوم شد کارشاه به آخر رسیده است اسرائیل برای حفظ منافع خود دست به کارشد. با یکی از هواپیماهای ال - ۴۸ خلبان را بالباسهای غیرنظامی جا داد. چندروز بعد با همکاری کامل فرماند نیروی هوایی (سپهبد زبیدی) خلبانان اسرائیلی ۴۸ هواپیمای جت (اف۱۴) F14 را ازایران خارج کرده و به پایگاهی درشمال سینا منتقل نمودند. این هواپیما ها بعدها وسیله اسرائیل به تایوان فروخته شد. این هواپیما هارا دولت آمریکا درسپتامبر ۱۹۷۸ به ایران تحویل داده بود. تحویل هواپیماهای مزبور به ایران درچنین زمانی نشانه کاملی از ناآگاهی حکومت کارتر نسبت به اوضاع ایران بود زیرا آمریکا این هواپیما هارا حتی پیش ازآنکه وارد نیروی هوایی آمریکا شود دراختیار رژیم شاه قراردادده و بهای آن را هم دریافت کرده بود درحالیکه رژیم شاه درحال فروریختن بود. آمریکائیهها ازاینکه اسرائیلی ها به کیفیت یاد شده هواپیماهای مزبور را ازایران خارج ساخته بودند شادشدند زیرا نگران بودند که مبادا این هواپیماها به دست افراد ناباب بیفتد.

پس از روی کارآمدن رژیم خمینی ۱۷ نفر ازکارکنان سفارت اسرائیل که خودرا پنهان کرده بودند وسیله نیروی هوایی آمریکا به فرانکفورت منتقل و ازآنجا به تل آویو رفتند.

برای شاه ایران گریه کردم

(اردن ل ری) يك وکیل دادگستری آمریکا در مقاله ای به کتاب (شاه شاهان) که در نیویورک منتشر شده اعتراض کرده و چنین می نویسد:

من شاه ایران را همیشه ستوده ام. او مرد بسیار بزرگی بود که همواره به سودکشورش و برای رفاه ملتش تلاش می کرد. من روش دولت آمریکا را در ساعاتی از زندگی شاه که وضعی وخیم داشت و با اوبد رفتاری کرد و هنگامی که شنیدم آمریکا از پذیرفتن او خودداری کرده گریه ام گرفت، من درباره ایران بسیار مطالعه کرده ام، من شاه فقید را در حقیقت (آبرام لینکلن) ایران نامیده ام.

عصبانیت شاه از روزولت و چرچیل

تقی زاده در خاطراتش چنین می نویسد:

وقتی روزولت و استالین محرمانه به تهران آمدند هیچکس نمی دانست، خیابان فردوسی را آدم گذاشتند. شاه خواست با آنها ملاقات کند وقتی به آنجا رفت صدلی گذاشتند در بیرون منتظر ماند. علاء وزیر دربار و سهیلی وزیر خارجه بود. به شاه خیلی بدگذشت. علاء رشید ودانا بود. رفت در هارا باز کرد و گفت اعلیحضرت تشریف می آورند.

چرچیل و روزولت هر کدام عذری پیش آوردند. مثلاً روزولت گفت من از بلند شدن و راه رفتن عاجزم و این قبیل حرفها. ولی شاه خیلی عصبانی شد و به سهیلی هزار فحش داد که اینها آبروی مرا بردند. شاه رفت خانه مورخ الدوله زیرا باروسها ارتباط زیاد داشت. مورخ الدوله به او گفت من درست می کنم. رفت باروسها صحبت کرد و گفت حالا موقع شکار است و از دست ندهید. شما جلبش کنید. استالین فردا صبح باشد گفت می روم بدیدن شاه. وقتی رفت روی شاه را بوسید. گفت ما به شما طیاره می دهیم، قوا می دهیم.

صورت بدهید، بعد که بنای دادن شد گفتند می آوریم ولی اختیارش باید دست خردمان باشد.

محمدرضاشاه از شخصیت های مهم قرن
روزنامه (لاکروا) چاپ پاریس در سال روز فوت محمدرضاشاه
پهلوی چنین نوشته است:

در قرن بیستم هیچ شخصیت ایرانی به اندازه محمدرضاشاه،
توجه جهانیان را به خود معطوف نکرد. از این حیث، او نام هرایرانی
شاخص دیگری را در سایه نهاد.

تعداد عظیم واژه هائی که درباره محمدرضاشاه در روزنامه ها و
کتاب ها به کار رفته هرگز در طول تاریخ بشری درباره هیچ ایرانی
دیگر به کار رفته بود.

او یک ایرانی بحث انگیز بود، بحث انگیزترین ایرانی سراسر
تاریخ، یک ایرانی توجه انگیز. و همچنان بحث انگیز و توجه انگیز
خواهد ماند. هنوز کتاب ها درباره این انسان فوق العاده ایرانی رقم
زده خواهد شد، زیرا معما هنوز حل نشده است. هنوز ابعاد این معما
اندازه گیری نشده است. هنوز بی انصافی خشمگین دشمنان شاه
اجازه نمی دهد که غبار از چهره او سترده شود و منش های وی کاویده
شود.

هنوز قدرت تبلیغات هیستیریک ضد محمدرضاشاهی قوی تر از
شخصیت اوست. با این همه مصائب بی پایان ایران در این پانزده
سال، وجدان بسیاری از دشمنان ایرانی وی را بر اهمیت وجود او در این
برش از تاریخ ایران بیدار ساخت.

ایرانیانی که می خواستند زندگی کنند و امروز نمی توانند
زندگی کنند، قدر او را بهتر از همه می شناسند. قدر او را در لحظه ای
شناختند، که غرش «ژ ۳» هائبات و امنیت جامعه ایرانی را به قربانگاه

برد. درمرگ او در لحظه ای ماتم گرفتند که عناصری بی رحم تر از بیگانه را بر خود مسلط دیدند.. زندگی را در لحظه ای از هم پاشیده و غمین دیدند که بازی مرگ و کشتار، در صحنه ایران به يك کار عادی روزانه بدل شده بود. ترس و هراس، جو عمومی را تشکیل می داد و آنچه به حساب نمی آمد جان ایرانی بود.

درچنین شرایطی بود که يك دشمن ایرانی محمدرضا شاه در خارج از مرز اعتراف کنان نوشت: بدون اوشیرازه ایران از هم گسست. گوئی که او وجودش، لنگری برای ایران بود.

درچنین شرایطی بود که يك جامعه شناس ایرانی که سابقه چاپ گرائی داشت گفت: حیف است چهرهء شاه فقید رازیرسایهء محبوبیت تاریخی مصدق، کمرنگ کنیم.

پاس شخصیت های خود را بداریم. مصدق و شاه دوفرزند شاخص ایران زمین، و دو برداشت متفاوت از ایران دوستی بودند. آن ها آن قدر دشمنانی سوگندخورده نبودند که هواداران شان تصویری نمودند. آن ها دوطریقه دلواپسی برای ایران محسوب می شدند، دو شیوه درمان يك بیمار بودند. آن ها سرانجام در نقطه ای بهم می رسند و آن ها که دید تاریخی دارند از هم اکنون این نقطه را می بینند.

روزی که خبر مرگ شاه به ایران رسید، ایران ماتم سرای بیصدائی شد. ده ها میلیون ایرانی که قدرش را شناخته بودند در دل می گریستند. این گریه، گریه بی های های بود. ضجه بی صدا بود. سوگواری در محیط اختناق بود. روزی که خبر مرگ شاه در روزنامه های فرانسوی چاپ شد، يك روز دوشنبه بود.

«لوماتن» که اکنون از انتشار بازمانده، این عبارت هارا درباره او نوشت:

شاه دریازی قدرت شکست خورد، اما در روح تاریخ ایران زنده خواهد ماند. پاسداری که اکنون با «یوزی» خود، اختناق در

کوچه پس کوچه های ایران می آفریند، ده سال بعد یا بیست سال بعد، قدر او را خواهند شناخت.

لوماتن نوشت: شاه دربازی ابرقدرت ها شکست خورد. او به زندگی باخت. امامرگ مایه فراموشی اونخواهدشد. مرگ، زوال نام اونخواهدبود. مرگ ارزش او را به درخشش درخواهدآورد. شاه ازجمله مردان بزرگی بود که به يك نقطه خیره می شوند ویی پروا به سوی آن نقطه می روند و دیگر رویدادهای پیرامون را نمی بینند. همه تمرکز فکر اواین بود که ایران و ایرانی را از ورطهء قرون وسطائی به صحنه جهان کنونی پرتاب کند. قدرت پرتاب، کارخودرا کرد.

محمدرضاشاه بسیارمهربان بود

عطاءالله خسروانی دبیر کل سابق حزب ایران نوین که از نزدیکان به محمدرضاشاه پهلوی بود درگفتگویی با روزنامه (گام) چنین گفته است:

اعلیحضرت فقیددارای ویژگیهای بسیاری بودند که مجموعه آن راکمتر درکسی می توان پیدا کرد. مهربان، تحصیلکرده، با احساس، هوشمند،محبوب، ترقیخواه و به شدت عاشق ایران و ملت ایران بود. درکنارهوشمندیش بسیارکنجکاو بود. برخلاف آنچه شایع شده آمادگی بسیار برای شنیدن داشت، حتی اگر مخالف سلیقه های خودش بود...

- کم نیستند کسانی که حتی وزیر بوده اند و پادشاه را دیکتاتور خوانده اند.

- ببینید، به جز وزیر جنگ ووزیرامورخارجه، اگر وزیر دیگری پیدا بشود و بگوید شاه به من دستور داده است که فلان کاررا بکن، یقین داشته باشید حقیقت را نمی گوید. البته بی درنگ اضافه کنم که شهادت من به این مطلب تازمانی است که خود من وزیر بوده ام.

یعنی تا سال ۱۳۴۸، بعد از آن اگر اوضاع جور دیگری شده من آگاهی ندارم، نکته دیگر این که فراموش نکنید بسیاری از وزیران شاید در تمام مدت وزارتشان به جز روزی که بار می یافتند و معرفی می شدند تا پایان دوران وزارتشان، حتی یکبار باشاه ملاقات نداشتند. کار آنها در هیأت دولت بود و وزرائی هم که بطور پیگیر شرفیاب می شدند به خاطر اهمیت وزارتخانه ها و نوع مسئولیت هایشان در جهت سازندگی کشور بود. و این راهم اضافه کنم که اعلیحضرت چون همانگونه که گفتم، بطرزی خارق العاده در اندیشه پیشرفت ایران بودند بارها اتفاق می افتاد که به يك وزیر در ارتباط با کارهای وزارتخانه اش می گفتند: بطوری که شنیده ام فلان کشور در فلان زمینه فلان برنامه راپیاده کرده است و موفق بوده اند، شما هم مطالعه کنید ببینید در مورد ایران می شود از آن استفاده کرد یا خیر؟

برای نمونه طرز فکر شاه فقید باید بگویم که بسیار مهربان بودند. يك روز دکتر مرتضی یزدی از سران حزب توده را دیدم که از کارهای گذشته پشیمان بود و می گفت با اجرای دو موضوع اصلاحات ارضی و آزادی زنان که پایه های اصلی انقلاب شاه و مردم است در حقیقت همه مخالفان خلع سلاح شده اند. من تصمیم گرفتم پیرمرد را در وزارت کار استخدام کنم بهمین جهت موضوع را بعرض رساندم و گفتم که وزارت کار مشغول تهیه و تنظیم «آئین نامه اجرائی حفاظت فنی و بهداشت» است و برای این که از تجربیات دیگر کشورها هم استفاده شده باشد تیمی مشغول ترجمه این گونه آئین نامه های متعلق به سایر کشورها است. بعد ما اجرای دکتر یزدی را تعریف کردم و استدعا نمودم چون وزارت کار بودجه ای برای این گونه پرداختها دارد اگر موافقت می فرمائید دکتر یزدی به کار ترجمه این آئین نامه مشغول شود و دستمزدی را که وزارت کار مجاز است به او بپردازد. اعلیحضرت چند ثانیه ای تأمل کردند و بعد گفتند: مثلاً ماهی چقدر به

اومی دهید؟ بعرض رساندم طبق مقررات نمی توانیم بیش از ماهی هزار تومان پرداخت کنیم. اعلیحضرت گفتند با هزار تومان این پیرمرد می تواند زندگی کند؟ فعلا ماهی هزار و پانصد تومان بهش بدهید تا ببینیم چکار می شود برایش کرد که زندگیش راحت تر باشد.

خوب این سیمای واقعی پادشاه فقید ایران بود. علاوه بر دکتر مرتضی یزدی چندتن دیگر از قبیل سرهنگ فضل الهی عضو سازمان نظامی حزب توده و باز پرس دادستانی ارتش و دکتر محمد بهرامی دبیر کل سابق حزب توده در وزارت کار مشغول بودند و حقوق می گرفتند.

نظر شاه ایران درباره مخالفینش و اقدام ایران در کنفرانس نفتی اوپک

علم در خاطرات» می نویسد: شاهنشاه صحبت عجیبی می فرمودند که واقعا اعتقاد ایشان رابه خداوند می رساند.

می فرمودند امتحان کرده ام هرکس بامن در افتاده ازین رفته است. چه داخلی و چه خارجی. مثال برادران کندی را در آمریکا می زدند. کندی رئیس جمهور آمریکا دو برادر سنا تور داشت که هر سه باشاهنشاه بد بودند. جان کندی کشته شد. رابرت کندی هم کشته شد. آخرین آنها هم افتضاحی سرکشته شدن یک دختر بالا آورد که ستاره اش رو به زوال است. ناصر رئیس جمهور مصر ازین رفت. در داخله هر که باشاه در افتاد و رافتاد. مثل مصدق و تا اندازه ای قوام السلطنه... رزم آرا را من یقین داشتم خیال سوء نسبت به شاه داشت. او هم کشته شد. موقع کشته شدن رزم آرا من همراه بودم چند گلوله به او خورد من جان سالم بدر بردم. عجب این است که ما در حرکت بودیم و در صحن مسجد با او درگوشی صحبت می کردم. منصور هم که دیگر نوکر مستقیم آمریکائیها بود و فوق العاده جاه طلب. او هم کشته شد. او غیر از رزم آرا بود که رئیس ستاد ارتش

بود وبعد نخست وزیر شد.

هنگام تشکیل کنفرانس نفتی اوپک در تهران سفرای انگلیس و آمریکا تلفن کرده بودند که کارفوری دارند. سفیر آمریکا گفت که سفیر انگلیس به جای من صحبت خواهد کرد. وقتی او آمد سه مطلب داشت (۱- پیامی از هیث رئیس الوزرای انگلیس ۲- وقت شرفیابی می خواست ۲- می گفت چون وقت مذاکرات نفتی کم بوده که مذاکرات کمپانیها بهم خورده لااقل ۴۸ ساعت مهلت می خواست). درباره افزایش قیمت نفت سفیر می خواست قبل از این که شاهنشاه با وزرای اوپک ناهار می خورند شرفیاب شود. فرمودند به سفیر بگو من وقت ندارم اگر مطلبی دارد به تو بگوید و ضمنا بگو بهیچوجه نمی توانم وقت بیشتری برای مذاکرات بدهم. دیروز مذاکرات قطع شد و دیگر سرنوشت کار در دست وزرای اوپک است. من هم امروز مطلب خودم را در کنفرانس اوپک در مجلس سنا خواهم گفت. به سفیر بگو شما قدری دیر جنبیدید. مرحمت زیاد. من مطلب را به سفیر گفتم. با ناراحتی عجیبی خدا حافظی کرد و رفت. شاهنشاه به خود زحمت خواندن پیام هیث را ندادند و فرمودند خلاصه اش چیست؟ عرض کردم دو کلمه است یکی وقت زیادتر و دیگری این که اگر وقت داده شود قبل از خاتمه مذاکرات در دوردوم اقداماتی مثل (وضع قانون) یا تصمیم به قطع کردن در جریان نفت اتخاذ نشود. شاهنشاه خنده پرمعنائی کرده فرمودند خیلی دیر است دیگر از دست من کاری ساخته نیست زیرا وارد کارزار شده ایم. فرمودند فوری سفرای آمریکا و انگلستان را بخواه و به آنها بگو اول این که من نمی توانستم سفیر انگلیس را بپذیرم به علت کنفرانس اوپک و قرارهای قبلی که امشب تشکیل می شود. بهر صورت ما احتیاج به عوامفریبی نداریم و سعی خواهیم کرد تصمیمات کنفرانس عاقلانه باشد. ثانیاتاروزی که همه کشورها در تاریخ تعیین شده باید (وضع

قانون) بکنند وقت باقی است. اگر تمام کمپانیها بجنبد ممکن است
احیانا پیشنهادات آنها طرف توجه واقع شود. بعد مگر این کمپانی
ها این منافع را از کجا آورده اند، ما که چیز مهمی نخواسته ایم،
می گوئیم از همین اضافه قیمتی که اخیرا قائل شده اید حق مارا
بدهید. بعد هم شما اصرار دارید کشورهای معتدل را به لجن بکشید.
من به اندازه کافی تجربه آموخته و سی سال سلطنت کرده ام و
خبطهای شما و کثافت کاری های شمارا دیده ام. دیگر محال است
جز آنچه را خودم مصلحت می دانم بکنم. فرمودند به آنها بگو من
آنچه امروز در مجلس سنا خواهم گرفت بعدها قابل تغییر نخواهد
بود. کویت و عربستان هم چشم بسته دنبال ما خواهند آمد. عراق هم
که هیچ چیز را قبول ندارد باز دنباله روی می کند. اینها فکر می
کنند اگر در ایران یکی دو میلیون دلار خرج بکنند می توانند کودتا
کنند. دیگر از این حرفها گذشته است. مگر امرای ارتش من به
یکدیگر اعتماد دارند؟ یا اگر اعتماد بکنند همه را قبول دارند؟

من اینجا دو مطلب را گفتم نمی دانم درست گفتم یا باعث
ناراحتی شاهنشاه شدم. یکی اینکه اینقدر هم که میفرمائید مطمئن
نمی توان بود. به خصوص اگر خارجی ها بخواهند این کار را بکنند
فکر این را که بعدها چه خواهد شد نمی کنند. اول کلك مارا می کنند
بعدها سرفرصت يك عذری می تراشند. ثانيا خدای نکرده بعد از شما
نمی دانم تکلیف ولیعهد چه می شود. اگر روی روحیه فداکاری
ارتش حساب کنیم که چون فداکار هستند قدرت خارجی نمی تواند
کاری کند این خوب خواهد بود. شاهنشاه فرمودند در درجه اول این
است که من گمان نمی کنم افسرخانی در ارتش باشد. بعد هم یکدیگر
را قبول ندارند و بهر صورت حالا دیگر ما وارد گودهستیم دیگر این
حرفها زیادی است. حالا برو سفیر را احضار کن و مطالب را بگو. من
سفرای آمریکا و انگلستان را احضار کردم و اوامر شاهنشاه را به

تفصیل گفتم رنك، از صورت آنها پرید. گفتم هرچه بعد از ظهر امروز شاهنشاه بفرمایند لایتغیر است. باز هم هردو التماس کردند که ۴۸ ساعت وقت بدهید گفتم صبح هم ابلاغ کردم که دیگر دیر شده است

عامل اصلی درگذشت شاه فقید چه بود؟

روزنامه دیلی اکسپرس چاپ لندن از اقدام انور سادات رئیس جمهوری مصر در دعوت از شاه ایران با احترام زیادی یاد کرده و نوشت که او از مردان بزرگی می باشد که نظیر وی در تاریخ کمتر دیده شده است. زیرا او با این اقدام خود ثابت کرد که در برابر حقیقت از هیچ چیز واهمه ای ندارد.

رادیولندن گفت شهبانو فرح هنگام ورود به مصر به سادات گفت او و شاه روزهای سیاهی را سپری کرده اند و چنانچه به مصر دعوت نمی شدند هیچکس نمی توانست پیش بینی کند که در صورت يك روز اقامت بیشتر در پاناما چه سرنوشتی در انتظارشان بود.

موسی صبری سردبیر (الاکبار) می نویسد که شاه معتقد بود به هنگام اقامت در پاناما، آمریکا از طریق سیا قصد نابودی وی را داشته است.

سادات گفت شاه ایران به شدت بیمار است و تحت عمل جراحی قرار خواهد گرفت. شاه ایران میهمان ملت مصر می باشد و می تواند برای همیشه در این کشور اقامت کند.

رادیوقاهره گفت پس از فوت شاه در بیمارستان معادی قاهره انور سادات با کراوات سیاه در تلویزیون شرکت کرد و با اعلام ۷ روز عزاداری درگذشت پادشاه ایران را به اطلاع رسانید و گفت به خاطر حمایت مردم از پناه دادن شاه تشکر کرد و این اقدام را یکی از پر افتخارترین وقایع زندگی خود نامید.

روزنامه الاهرام چاپ قاهره دکترمایکل دوبیکی آمریکائی را مسئول مرگ پادشاه ایران دانسته و نوشته است که هنگام جراحی کارد به لوزالمعده شاه اصابت کرده و آن را زخمی نموده است. ضمناً پس از اتمام عمل جراحی دکتر مزبور از لوله ای که بعد از پایان عمل مایع زائدر را بیرون می کشد و در نتیجه به آبسه شکم و جمع شدن چرک و عفونت منجر و موجب مرگ شاه شده است.

روزنامه های انگلیسی نوشته اند که سازمان (سیا) هنگام اقامت شاه در پاناما داروهای مخصوصی به او خورانده اند که سبب مرگ تدریجی شاه شده است. زیرا محمد رضا شاه در اثر ۳۷ سال رابطه با آمریکا به صورت بمب متحرکی درآمده بود که هر لحظه می توانست زبان بگشاید و برای آمریکایک فضاحت تاریخی بزرگ بوجود بیاورد. در مقابل همه شایعات دکتر مایکل دوبیکی در شبکه تلویزیونی (ان - بی - سی) آمریکا چنین گفته است: معالجه شیمیوترابی که به تصمیم پزشکان مصری صورت گرفت مقاومت شاه را در برابر عفونت کاهش داد و نهایت این عفونت باعث مرگ شاه شد نه سرطان.

نمونه ای از عشقهای شاه

با اینکه تلاش فراوان شده در کتابهای ایران در عصر پهلوی هرگونه مطلبی که درباره شاهان پهلوی منتشر گردیده در کنار هم قرار گیرد با این حال نمی توان از عشقهای شاه که قسمتی از زندگی او را تشکیل می داد صرف نظر کرد.

از یادداشتهای فردوست و علم و ژرارد و ویلیه فرانسوی و دیگر

نزدیکان شاه چنین برمی آید که محمدرضاشاه نسبت به زنها علاقه زیادی داشت. رضاشاه غیراز چهاربار ازدواج با همسرانی که نام آنها منتشر گردیده هیچگونه ارتباطی با دیگر زنان نداشت و کلیه کسانی که درباره زندگی رضاشاه مطالبی نوشته اند، به این امر اشاره کرده اند. ولی درباره پهلوی دوم وعشقه‌های شاهانه مطالب زیادی منتشر شده است که قسمی از آن نقل می گردد:

ژراردوویلیه نویسنده فرانسوی فصل مهمی از کتاب خود را به عشق های شاه اختصاص داده و چنین می نویسد: مشخصات بعضی از زنانی که باشاه ارتباط داشته اند و دربارها در اختیار او گذارده اند چنین است: دختر قدبلند و زیبای ۲۱ ساله ای به نام (دخی) و دختر زیبائی از يك خانواده اشرافی به نام (منیژه) و يك دختر زیبای ۱۹ ساله تحصیل کرده انگلستان با نام صفیه ودختری از يك خانواده معروف که زمزمه ازدواج اوهم منتشر گردید به نام (لی لی) و يك هنرپیشه سبزچشم به نام (الگا اندرسون) که از معشوقه های سوگلی شاه بود.

در بعضی از نشریات درباره دوزن زیبا که قرار بود باشاه ازدواج کنند مطالبی نوشته شده که هر دو ازدواج بهم خورد. یکی درباره ایران علاء دختر حسین علاء نخست وزیر و وزیر دربار محمدرضاشاه بود که حتی عکس (ایران علاء) پشت جلد بعضی از مجلات تهران به چاپ رسید و قرار بود اعلامیه ای منتشر گردد که بهم خوردن آن موجب شد که همسر و مادر همسر علاء نسبت به شاه ابراز بدبینی کرده و این امر را موجب هتك حیثیت خود تلقی کنند.

مورد دیگر ازدواج با (پرنسس ماریا گابریلا) دختر (امبرتو) آخرین امپراتور ایتالیا بود.

ژراردوویلیه درباره این ازدواج چنین می نویسد:

اولین ملاقات با اودریک میهمانی سپهبدزاهدی در دیماه ۱۳۲۷

در ژنوصورت گرفت. دخترپادشاه ایتالیا در ژنوتحصیل می کرد. ماریادرست همان چیزی بود که شاه می پسندید. بسیار زیبا، بلوند، قدبلند، جذاب که درآن موقع ۱۸ ساله بود درحالی که شاه درآستانه چهل سالگی قرارداشت.

شاه چندبار با (ماریا) به اسکی رفت و به او ابرازعشق نمود. در بهمن ۱۳۳۷ (امبرتو) پدرماریا ازشاه نامه ای دریافت داشت که از دخترش خواستگاری کرده بود. امبرتو به شاه جواب محترمانه ای داد و یادآور شد که از نظر شخصی دخترش باید دراین باره تصمیم بگیرد ولی بطورکلی از نظر مذهبی این ازدواج خالی از اشکال نیست زیرا ماریا (کاتولیک) است.

شاه تصمیم می گیرد باپاپ (جان بیست و سوم) که به پاپ انقلابی معروف شده بود دیداری کند. دریک ملاقات محرمانه این ملاقات صورت می گیرد. ولی از چگونگی گفتگومطلبی انتشار نیافت ولی اظهارعلاقه شاه به ازدواج نشانه ای است که پاپ نظر مخالف نداشته است. به همین جهت بیوگرافی مفصلی از پرنسس در مطبوعات ایران منتشر گردید.

شاه به قدری این مطلب را جدی گرفت که حتی ازدولت دکتر اقبال خواست لایحه صفت (ایرانی الاصل) شدن اورانظیر فوزیه آماده کند.

تمام برنامه های شاه وقتی بهم خورد که پرنسس دریک مصاحبه مطبوعاتی گفت شایعات درباره ازدواج او با شاه ایران صحت ندارد و باوجود پیشنهادشاه با ازدواج او چون کاتولیک است حاضر نیست از مذهب خود دست بردارد. به علاوه مادر پرنسس اختلاف زیاد سن شاه و ماریا را هم مطرح کرد و گفت این امر مانع ازدواج است.

درباریان ایران گفته اند که (ماریا) درسفر به ایران با (پری سیما) همسر عبدالرضا برادرشاه دیداری کرد و او از تحریکاتی که

دردربار ایران وجود دارد (ماریا) را آگاه ساخت و همین امر موجب انصراف ماریا از ازدواج باشاه گردید.

علم درخاطرات خودضمن تقاضای بخشش (پری سیما) به شاه یادآور شده او شخصا ازهمین پرنسس ایتالیائی خاطراتی دارد که بهترشد ملکه ایران نگردید. علم همچنین می نویسد که دخترکی درتهران انتشار داده که شاه عاشق دلخسته او است. شاه گفت به دخترک احمق که چندبار او را دیده ام بگوئید اگر این بازیها راکنار نگذارد پشت میله های زندان خواهدافتاد.

فریده دیباهم درباره شایعات مربوط به ازدواج جدید، اعلیحضرت را شروع کرد که زدم توی ذوقش وشاه هم مرا تأییدکرد. شهبانو متقاعد شده که دخترک با ارتشبدخاتم ارتباط دارد.

سرنوشت ایرانیان سرشناس عصرپهلوی ودرخشیدن جوانان ایرانی درکشورهای مختلف بعدازسقوط رژیم

باسقوط رژیم درروز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ واستقرار جمهوری اسلامی وضع کشورما دگرگونه شد. خیلی ازصاحبان مقام و مدیران شرکتهاتجارتی و معروف وهنرمندان و نویسندگان وپیروان مذاهب وادیان مختلف ازطرف حاکمان وقت و کسانی که خودرا درتغییر رژیم مؤثر می دانستند مورد تعقیب وظلم و ستم قرارگرفته گروهی به جوخه اعدام سپرده شدند و عده زیادی نیز اموال وکارخانه ها و مزارع وخانه ها و ثروتشان مصادره گردید. درنتیجه خیلی ها به مخفی گاهها رفته و گروهی نیزازمرزهای کشور گریخته و خودرا به نقاط مختلف جهان رسانیده ویامشکلات فراوان جای امنی برای خود دست و پا کردند. به حدی که تعداد این مهاجرین بین دوتاسه میلیون نفرتخمین زده شد که مخصوصا درجنگ ایران و عراق دامنه این مهاجرت و گریزازایران گسترش یافت. ولی باخاتمه جنگ و فراهم شدن تسهیلاتی برای بازگشت ایرانیان عده ای به کشوربازگشتند.

درباره این مهاجرت مهم تاریخی و چگونگی اقامت ایرانیان در کشور های مختلف جهان لازم است در وقت مقتضی با جمع آوری اسناد و مدارک کتاب جامعی انتشار یابد تا در تاریخ کهن ایران به یادگار بماند ولی در این جلد از کتاب بطور مختصر مطالبی منتشر می گردد.

بهر صورت اولین زنگ خطر در مدرسه علوی به صدا درآمد که در آنجا گروهی از مقامات سابق در توقیف بودند. چهار امیر ارتش را به بام مدرسه علوی بردند و آنان را گلوله باران کردند و گفتند که خمینی به بالین اعدام شدگان رفته و دست خود را به خون آنها آغشته کرده و نماز وحشت خوانده است.

روز شنبه ۲۸ بهمن پس از اعدام چهارتن از امرای ارتش مسعود رجوی و هبر سازمان مجاهدین خلق در پیامی به خمینی چنین اعلام داشت:

«ضمن عرض تبریک به گفته قرآن و در گرو قصاص تا اعدام آخرین نفر از این عناصر ضد انقلاب باز نیایستید.»
او خواستار انحلال ارتش و مجازات قاطع کلیه مقامات نظام شاهنشاهی شد.

نورالدین کیانوری دبیرکل حزب توده نیز گفت:
«دادگاه های انقلاب اسلامی نام ایران را سر بلند کرده است»
به دنبال آن دولت موقت با تصویب شورای انقلاب تصمیماتی گرفت که این اقدامات در فرار اشخاص از کشور مؤثر واقع شد.
مهندس بازرگان روز ۱۹ خرداد ۱۳۵۸ چنین اعلام داشت:
از آنجائی که بانکهای خصوصی وضع نامساعد و زیانباری داشته اند، دولت از نظر حفظ حقوق و سرمایه ها لازم دانست آنها را ملی کند. بهمین جهت با تصویب شورای انقلاب از تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ کلیه بانکهای کشور ملی اعلام گردید.

با این طرز ۲۴ بانک خصوصی و مختلط ملی شد و کارکنان آن بین ۶۰ تا ۸۰ هزار تخمین زده می شود. سرمایه این بانکها ۱۶۹ میلیارد ریال می باشد.

در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب تصویب کرد که برای حفظ صنایع کشور عده ای مشمول بندج قانون حفاظت شده که کارخانجات آنها ملی گردید. صنایع مزبور بعدا به بنیاد مستضعفان سپرده شد. اسامی مشمولین این مقررات چنین اعلام شد:

جعفر اخوان - حبیب ثابت - گروه فرمانفرمائیان - علی رضائی - محمود رضائی - مراد آریه - رسول وها بزاده - احمد خیامی - محمود خیامی - منصور یاسینی - محمد رحیم ایروانی - محمد تقی برخوردار - اکبر لاجوردیان - قاسم لاجوردی - احمد لاجوردی - سید محمود لاجوردی - حبیب لاجوردی - علی اصغر پیروی - محمد علی مهدوی - خسرو ابتهاج - آذربتهاج - ابوالحسن ابتهاج - حسین دانشور - دکتر علینقی عالیخانی - مرتضی رستگار جوهری - رضارستکار اصفهانی - عبدالحمید اخوان کاشانی - علی شکرچیان - رضا شکرچیان - ابراهیم مزین راد - عبدالمجید اعلم - مهدی میراشرافی - مهدی هرنندی - سعید هدایت - ابونصر عضد - برادران عمید حضور - حسن هراتی - مرتضی رحیم زاده خوئی - عبدالحمید قدیمی نوائی - مهدی بوشهری - مراد پناهپور - علینقی اسدی - طاهر ضیائی - علی حاج طرخانی - عنایت بهبهانی - کاظم خسروشاهی - محمد خسروشاهی - برادران فولادی - مهدی نمازی - اسدالله رشیدیان.

این ملی کردن شامل آن قسمت از دارائی های افراد فوق است که به صورت کارخانه و تأسیسات صنعتی وجود دارد.

در این صورت اسامی کسانی دیده میشود که اساسا صاحب صنعت و کارخانه نبوده اند از قبیل ابتهاج و دکتر عالیخانی

و دکتریائی و معلوم نیست نام آنها چرا ذکر شده است که برخی آنان نیز همان وقت توضیح داده اند که کارخانه ای نداشته و ندارند.

احمد آذری قمی دادستان انقلاب در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۸ چنین اعلام کرد: به کلیه نخست وزیران و اعضای متواری کابینه های شریف امامی و ازهارای و شاپوربختیار ابلاغ می شود که ظرف ده روز جهت رسیدگی به وضعیت و اتهامات، خود را به دادسرای انقلاب اسلامی استان مرکز واقع در زندان اوین معرفی نمایند. در غیر این صورت غیابا تحت تعقیب قرار گرفته و برای کیفر تسلیم دادگاه انقلاب خواهند شد.

عباس امیرانتظام که اکنون در زندان جمهوری اسلامی به سر می برد به عنوان سخنگوی دولت موقت چنین گفت:

تعداد ممنوع الخروجها بین ۶ تاده هزار نفر است. حدود ۷۵۰ نفر نمایندگان مجلسین ۱۲۰۰ نفر وزراء و معاونین و مدیران کل ۶۰۰ نفر از مدیران عامل مؤسسات دولتی و تعدادی هم مدیران عامل بانکها و شرکتهای خصوصی و امرای ارتش و سایر افراد.

روز دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ طی بخشنامه ای احمد صدر حاج سید جواد وزیر کشور و سرپرست وزارت دادگستری نقل و انتقال کلیه اموال منقول و غیر منقول و امتیازات و دارائی نخست وزیران - وزراء - معاونین وزراء - امرای ارتش و شهربانی و ژاندارمری - رؤسای سازمانها و مؤسسات دولتی و مدیران شرکتهای و بانکهای دولتی - شهرداری و معاونین شهرداری پایتخت و شهرداران شهرهای درجه ۱ و استانداران و فرمانداران کل - سفرا - رؤسا و نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی که از اول سال ۱۳۴۲ به بعد در سمت های یاد شده بوده اند اکیدا ممنوع شد.

روز ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ چنین اعلام شد:

با تصویب شورای انقلاب اسلامی ۶ شرکت خدمات هوایی کشور (آسمان) ملی اعلام شد و کلیه اموال و دارائی آنها مصادره گردید. شرکتهای نامبرده عبارتند از شرکت هواپیمائی ایرپارس - شرکت هواپیمائی هورآسمان - شرکت هواپیمائی هلیکوپتر ایران - شرکت هواپیمائی هلیکوپتر سرویس.

در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ اعلام شد که به حکم دادگاه انقلاب اسلامی ۴۸ دستگاه ویلاهای مردم در شهرهای چالوس - نوشهر - بندر پهلوی به نفع بنیاد مستضعفان مصادره گردید. به حکم دادستان انقلاب چاپخانه (گوتنبرگ) به نفع بنیاد مستضعفان مصادره شد.

روزنامه کیهان می نویسد: مجلس شورای اسلامی روز سه شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۹ (برابر با ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۱) لایحه مصادره اموال پادشاه سابق ایران و افراد نامبرده زیر را تصویب نمود:

تاج الملوك پهلوی - سیمین دخت پهلوی (اقدس) - فاطمه پهلوی - شمس پهلوی (خدیجه) - اشرف پهلوی (زهره) - غلامرضا پهلوی - عبدالرضا پهلوی - احمدرضا پهلوی - حمید رضا پهلوی - شهناز پهلوی - رضا پهلوی - فرحناز پهلوی (معصومه) - علیرضا پهلوی - لیلی پهلوی (فاطمه) - مهراناز پهلوی - بهمن پهلوی - بهزاد پهلوی (رضا) - نازک پهلوی - شاهرخ پهلوی - شهلا پهلوی - سونیا پهلوی (مریم) - جعفررضا پهلوی - آذر میدخت پهلوی (خدیجه) - مریم پهلوی (زهره) - بهرام پهلوی - کامیار پهلوی - سروناز پهلوی - پری ناز پهلوی - علی پهلوی - یونس پهلوی (محمد) - (داود پهلوی - هود پهلوی - نیلوفر پهلوی که نام خود را به اسلامی تغییر داده اند) -

فرح پهلوی (دیبا) - شهرام پهلوی نیا - داریوش پهلوی نیا -
سیروس پهلوی نیا - کیوان پهلوی نیا - شهریار شفیق - آزاده
شفیق - شهپاز پهلبد - شهریار پهلبد - آناهیتا پهلبد.

روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ روزنامه کیهان نوشت:

به دستور شیخ صادق خلخالی و فدائیان اسلام در شهر ری با
بیل و کلنک و چند جرثقیل و کمپرسورهای بادی و مته های مکانیکی
و مواد منفجره به بنای آرامگاه رضاشاه حمله کرده و به تخریب آن
پرداختند. اولین کلنگ تخریب توسط شیخ صادق خلخالی به آرامگاه
زده شد. او به خبرنگاران گفت بسبب محکم بودن بنا تخریب آن یک
ماه طول می کشد و ما در نظر داریم پس از خراب کردن بنای آرامگاه
در این محل آبریزگاه درست کنیم.

روز چهارشنبه ششم فروردین ۱۳۵۹ اعلام گردید که ۸ تن از
اعضای سندیکاای نویسندگان و خبرنگاران به اتهام وابستگی به
نظام شاهنشاهی از سندیکا اخراج شدند که عبارتند از: سیما دبیر
آشتیانی - شاپور زندنیا - سیروس آموزگار - فیروز مجللی -
محمد رضا تقی زاده - حبیب چینی - یدالله ذبیحیان - امینی.

خبرگزاری فرانسه با نقل از روزنامه (دیلی اکسپرس) خبر داد
که کمپانی (برنسیود هلیکوپتر) توانسته ۱۱ فروند از هلیکوپترهایی
را که به دولت ایران کرایه داده بود و بیم ملی شدن آن می رفت،
بطور مخفیانه از ایران خارج کند. ارزش این هلیکوپترها ده میلیون
لیرد انگلیس می باشد.

خلبانان هلیکوپتر به بهانه پرواز آزمایشی به پرواز در آمدند
و به سرعت در دوبی فرود آمدند و پس از پیاده کردن به صورت
قطعات یدکی با بوئینگ ۷۴۷ به لوکزامبورگ برده شده و از آنجا به
وسیله کامیون به انگلستان حمل گردیدند.

به دستور شیخ صادق خلخالی محوطه مقبره سپهبد زاهدی در

امامزاده عبدالله که ۱۲ جنازه دیگر در آن دفن شده بود به دفتر فدائیان اسلام در شهر ری مبدل شد و غدیر علی عسگری مدیر آن گردید.

خلخالی همچنین گفت کسی که شاه را دستگیر و یا ترور کند يك ميليون تومان جایزه دریافت خواهد کرد و اگر این شخص شهبانو باشد نه تنها جایزه را دریافت خواهد کرد بلکه از کلیه اتهامات مبرا خواهد شد و می تواند به ایران باز گردد. خخالی همچنین گفت سه تن را برای مأموریت ترور شاه به مکزیک فرستاده است. خخالی گفت کسی که شاه را ترور کند در بازگشت به میهن اسلامی از او مانند يك قهرمان استقبال خواهد شد.

شاه ایران در مکزیک گفت در صورتی که به جان من سوء قصد شود من مرگ را با طیب خاطر می پذیرم. من عمیقا شخص معتقدی هستم و از مرگ هراسی ندارم.

من در ۳۷ سال گذشته برای ساختن وطنم بصورت يك کشور پیشرفته که در خور مردم ایران باشد کوشش و تلاش بسیار کرده ام و متأسفم که اکنون می بینم ایران دارای هیچگونه حکومتی نیست.

شاه در مصاحبه با دیوید فراست گفت: اینها چه کسانی هستند که می خواهند مرا محاکمه کنند. اگر قرار باشد محاکمه ای صورت گیرد آنها هستند که باید به پای میز دادگاه بروند. اگر ما در یک دنیای جدی و قانونی زندگی می کردیم باید کسانی را که به هیچ قانونی احترام نمی گذارند محاکمه می کردیم. آنها هزاران انسان بیگناه را کشته اند. چه کسی آنها را محاکمه می کند؟

روز ۲۲ آذر ۱۳۵۸ لاهوتی مسئول سابق سپاه پاسداران انقلاب در مصاحبه ای با روزنامه کیهان فاش ساخت که دستور انفجار سینمای قم در زمان شورش های انقلابی از سوی احمد خمینی

صادر گردیده بود.

روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ مقامات جمهوری اسلامی، چنین اعلام داشتند

بابت وام هائی که دولت شاهنشاهی ایران به کشورهای دیگر پرداخته بیش از ۷ میلیارد دلار از ۲۵ کشور طلبکار هستیم. عمده ترین آنها مربوط به انگلستان - فرانسه - سودان - مصر می باشد. ضمناً بیش از ۸۵۰ میلیون دلار در کشورهای برزیل - آلمان - سویس - فرانسه - آمریکا - پاکستان - اردن - سنگال - ونزوئلا - مصر - آفریقای جنوبی سرمایه گذاری شده که تاکنون ۲۷ میلیون دلار بابت عایدی آنها به ایران پرداخت شده است.

مهدی هادوی دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام داشت کسانی که در کمک به فرار و پناهندگی دادن و مخفی کردن افرادی که تحت تعقیب رژیم جمهوری اسلامی هستند شرکت نمایند در دادگاههای انقلاب بعنوان ضدانقلاب مجازات خواهند شد.

روز ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ تعداد کثیری از مردم رضائیه در اعتراض به اعدام سرهنگ ابراهیم هوشنگی و استوار علی اسکندری در خیابان های شهر تظاهراتی کرده و خواستار مجازات اعضای دادگاه انقلاب اسلامی رضائیه شدند. دفتر فرمانده لشکر رضائیه در اعتراض به این اعدام به آتش کشیده شد و گروهی از نظامیان در پادگان متحصن شدند. رئیس دادگاه انقلاب رضائیه که حکم اعدام را صادر کرده بود يك جوان ۲۵ ساله ایست که طبق گفته حقوقدانان پس از تظاهرات مردم از رضائیه فرار کرده است.

احمد صدر حاج سید جوادى وزیر دادگستری دولت موقت گفت: کلیه قوانین دادگستری منطبق با شرع اسلام می شود. دعاوی راجع به طلاق - نکاح - وقف - تولیت - حبس - ارث و نظائر آنها به دادگاه های شرع ارجاع خواهد شد. او قانون حمایت از خانواده را

خلاف شرع اعلام نمود و اظهار داشت که (قضاوت و ولایت زن در اسلام ممنوع است).

روز ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸ به علت این که شیخ صادق خلخالی عده زیادی را در کردستان تیرباران کرده بود گروه کثیری از مردم سنج به نشان اعتراض دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند. پاسداران انقلاب اسلامی آنها را به گلوله بسته ۳ نفر کشته و ۸ نفر مجروح شدند. در شهر مهاباد نیز تظاهرات شدیدی شد که طی آن ۷۴ نفر کشته و چندروز شهر در محاصره بود.

شهرام خاموشی کارشناس بانک مرکزی در سمیناری گفت از اواخر سال ۱۳۵۷ تا شهریور سال ۱۳۵۸ حدود یک میلیون و یکصد هزار نفر از کشور بطور رسمی خارج شده اند.

مصادره اموال مردم

رژیم جمهوری اسلامی با سرعت شروع به مصادره و غصب اموال مردم نمود و بنیادهائی با نام (مستضعفان - شهید - ۱۵ خرداد) و امثالهم ایجاد کرد و میلیاردها تومان ثروت مردم را در اختیار گرفت و اکنون بهر صورتی که می خواهد از آنها بهره برداری می کند. در نتیجه بنیاد مستضعفان بصورت بزرگترین شرکت و مؤسسه در آمده که بدون داشتن مقررات و خارج از قانون محاسبات عمومی درآمدهای آن به مصرف می رسد و اموال مردم را بهر صورت که می خواهند به بستگان و نزدیکان خود می فروشند. جزو نخستین اقدام اطلاعاتی زیر می باشد که در روزنامه اطلاعات شماره ۱۶۰۹۷ منتشر شده و اموال گروهی از افراد و مقامات رژیم مصادره گردید و پس از آن نیز مرتب این کار ادامه یافت. اسامی خیلی ها از جمله نویسنده کتاب در آن دیده می شود که کلیه اموال من و همسر و فرزندانم مصادره گردیده که اکنون در اختیار بنیاد مستضعفان می

باشد و مجله دانشمند هم از طرف این بنیاد منتشر می گردد. درباره
۲۰۹ نفر از کسانی که اموالشان به حکم دادستانی مصادره شده چنین
اعلام گردید:

فرج الله زاهدی مدیرکل حقوقی و روابط عمومی ثبت اسناد
کشور اظهار داشت: براساس احکام دادستانی کل جمهوری اسلامی
کلیه اموال منقول و غیرمنقول ۲۰۹ نفر از وابستگان به رژیم گذشته
که به نفع بنیاد مستضعفان مصادره گردیده از هرگونه نقل و انتقال و
فروش اوراق بهادار و بطور کلی امور مایملک نامبردگان ممنوع می باشد
و به دفاتر اسناد رسمی طی بخشنامه ای ابلاغ شده است.

اریاب رستم گیو - حسین نمازی - حبیب اخوان - هوشنگ
رام - امیرمتقی - امیرحسین خزیمه علم - امیرناصر دیبا -
امیراصلان افشار - سرهنگ علی زیبایی - سرتیپ حسین محری -
صیادیان - یوسف خوشکیش - پرویز ثابتی - رضا فلاح -
سیدحسین نصر - لوتیز قطبی - محمدعلی قطبی - شمس الدین
ملک ابهری - رضا شیخ بهائی - امیر حسین شیخ بهائی -
غلامرضا افخمی - محسن هاشمی نژاد - غلامعلی اویسی -
منصور مزین - شجاع الدین شفا - خسرو شاهی - شیخ الاسلام
زاده - ارتشبد غلامرضا زهاری - جعفر شریف امامی - خسروانی -
اقبال - جعفر شفقت - شاهپور بختیار - فرخ نجم آبادی - اسدالله
علم - اردشیر زاهدی - عبدالعظیم ولیان - محمد باهری - هوشنگ
انصاری - فرخ رو پارسای - هوشنگ نهاوندی - عبدالمجید
مجیدی - فریدون مهدوی - منوچهر گنجی - انوشیروان پویان -
صفی اصفیا - خداداد عظیمی - جهانشاه صالح - مهرداد پهلبد -
سپهبد صمدیانپور - سپهبد نادر باتمانقلیچ - هوشنگ باتمانقلیچ -
هلاکو رامبد - سیدحسن امامی - حبیب دادفر - عبدالله خواجه
نوری - سپهبد فخرمدرس - سپهبد نادر جهانبانی - غلامحسین

دانشی - سالار جاف - جعفر قلی صدری - نعمت الله مفیدی -
 مهدی رحیمی - سیروس اصانلو - نصیر عصار - هدایت الله
 اسلامی نیا - شعبان جعفری - قاسم لاجوردی - شمس الملوك
 مصاحب - ایرج مطبوعی - محمد علی مهدوی - مهدی نمازی -
 غلامرضانیک پی - کریم ورهرام - علی رضائی - فلیکس آقاییان -
 محسن فروغی - کاظم کورس - جمشید اعلم - عزیز الله پالیزبان -
 شوکت ملک جهانبانی - منصور جهانبانی - خسرو ابتهاج -
 توماس توماسیان - هارمیک داویدخانیان - ارسن پزشکیان -
 مهندس اتحادیه - محمد حسن فولادی - احمد فولادی - حسین
 فولادی - علیرضا فولادی - مهشید فولادی - آتینا فولادی -
 بهناز فولادی - یاسمن فولادی - محمدرضا فولادی - محسن
 خواجه نوری - جیحون اریه - لورا اریه - مراد اریه - مهیندخت
 اریه - شهناز اریه - جهانشاه اریه - ریچارد اریه - شهر اریه -
 دزیره اریه - سهراب اریه - بهمن باتقلیچ - مهدی باتمانقلیچ -
 فریدون باتمانقلیچ - علیرضا امیر سلیمانی - بهنیا - داود القانیان -
 سیروس القانیان - عطا القانیان - نجات الله القانیان - نورالله
 القانیان - ژان القانیان - سپهد بدره ای - داود نعمان - سلیمان
 سخان - رفیع اریه - رزا اریه - اسکندر اریه - عبدالمجید اعلم -
 سلیمان و هابزاده - علی عبده - جعفر منصوریان - احمد قطبی -
 عبدالعزیز و هارون و علینقی و عبدالعلی فرمانفرمائییان -
 پرویز دولوقاجار - ابوالفتح محوی - علی محوی - ژوزف مخمری
 - ابوالحسن ابتهاج - آذربتهاج - احمد علی ابتهاج - سیف الله
 رشیدیان - مصطفی فاتح - پرویز نجومی - ابوالفتح آتابای -
 کامبیز آتابای - خسرو اکمل - احمد و حسین و اصغر و هابزاده -
 فاروق فرمانفرمایان - هرمز قریب - عباس عظیمی - دردشتی -
 احسان معنوی - اردشیر شجاعی - نصرت الله معینیان - منوچهر

ظلی - هژیر یزدانی - اسدالله رشیدیان - دکتر شریف امامی -
 چنگیز وشمگیر - احمدعلی اویسی - محمود صدقی - رضا قطبی -
 غلامعلی ناصری - احمد خیامی - ابوالحسن دیبا - رضا صدقیانی -
 کامران دیبا - حسین صدوقی - امیر حسین امیرسیف - مهندس
 امانت - محسن ایادی - محمود خیامی - شاهپور اردشیر جی -
 کوچک روشن - حیدر غیائی - محسن نیکپور - علی مؤید ثابتی -
 عبدالرضا انصاری - تیمسار حسین زنگنه - پرویز خسروانی -
 لطیفه معنوی - جمشید آموزگار - رسول رحیمی - کریم پاشا
 بهادری - ربیع مشیرغدوی - تقی علمشاهی - سپهبد حسین
 آزموده - خسرو و عبدالله معنوی - منصور رفیع زاده - فریدون
 ابراهیمی - بدری آتابای - فاطمه خزیمه علم - سیروس بقائی -
 تیمسار خسروداد. یعقوب حی.

(در چاپ اسامی اشتباهاتی هست که عیناً از روزنامه اطلاعات
 نقل شده است).

اموال تحت حفاظت رژیم

بهانه دیگر رژیم در غصب اموال مردم این بود هر کس در کشور
 نبود و یا احتمال داده می شد که در خانه خود مقیم نباشد به عنوان
 محافظت تصرف می شد که تعداد زیادی از خانه های شخصی
 در اختیار این بنیاد قرار دارد و اکنون که افراد در صدد پس گرفتن آن
 هستند مطالبه (خمس و دو خمس و سالی ۵ درصد بابت حفاظت و
 مقداری مالیات) می شود که در نتیجه صاحبان خانه ها نیز باید
 مبلغی هم از جیب بپردازند که بیش از بهای خانه می شود. در نتیجه
 (عطای آن را به لقایش می بخشند) و به اصطلاح اموال مردم به این
 صورت (ملاخور) شده است و این (ملاخوری) ادامه دارد و در نتیجه
 وضع کشور بصورتی درآمده که امروز همه از نابسامانی آن مطلع

هستیم و ادامه این وضع معلوم نیست کشور و ملت ما را به کجا می کشد؟

فرارپزشکان از کشور

موج فرار از کشور بصورتی بود که هر روز گروه تازه ای مورد فشار و آزار قرار گرفته و چاره ای جز ترك کشور نداشتند. خمینی می گفت (بگذارید بروند، گمشوند. ما پزشك میخواهیم چه کنیم، طلبه های قم راشش ماهه آماده می کنیم که طبابت کنند) بدنبال این قبیل گفته ها دادگاه انقلاب هم فشار و مزاحمت را افزایش می داد چنانچه این احضاریه از طرف دادگاه انقلاب انتشار یافت:

طبق حکم دادگاه انقلاب این پزشکان باید تا ۲۰ روز دیگر در مقابل بازپرس حاضر شوند و در مورد تأسیس بیمارستان پارس و هزینه ها و کلیه امور مالی پاسخ بدهند:

دکتر همایون احمدی - دکتر سعید ثابتی - دکتر هادی رهنمون -
دکتر جواد رازانی - دکتر ضیاء امامی - دکتر رضا شایسته - دکتر
حسنعلی محقق - دکتر محمد مسعود - دکتر حسن فاتح - دکتر
تقی مسعودیان - دکتر سیروس شقاقی - دکتر علی اکبر کاشانی -
دکتر فریدون علاء - دکتر حسین وهاب زاده - دکتر کیومرث پورمند -
دکتر ناصر برادران - دکتر قاسم شفیع زاده - دکتر تقی تیرگری و
دکتر اسدالله اسدنیا.

همچنین سازمان نظام پزشکی که مرکز پزشکان کشور بود مورد حمله مأمورین رژیم قرار گرفت و دکتر حفیظی دبیر کل سازمان که محبوبیت زیادی بین پزشکان داشت برکنار گردید. چندتن از پزشکان نیز به بازداشتگاه رفته و گروهی مرکز کارشان تعطیل شد. ولی پس از گذشت ایام چون دیدند که بدون وجود پزشکان نمی توانند کارهای درمانی و معالجاتی را انجام دهند در گفته های خود تجدید نظر کرده

و تسهیلاتی نسبت به آنان فراهم ساختند که گروهی هم از خارج به کشور بازگشتند و به طبابت پرداختند و درحقیقت ناچار شدند احترام خاصی را نسبت به اطباء رعایت کنند.

آدمکشان رژیم

تدریجا دامنه وحشت و اضطراب و ارباب درکشور ترسعه یافت و قصابان خون آشامی چون شیخ صادق خلخالی و هادی غفاری و اسدالله لاجوردی و موسوی تبریزی و قدوسی و حکام شرع در نقاط مختلف کشور به جان مردم افتادند و هر روز عده ای را اعدام کرده یا اموالشان را مصادره می نمودند. خلخالی از شهری به شهر دیگر می رفت و تعدادی را از زندان ها بیرون می آورد و درحالی که نه با آنها آشنائی داشت و نه از هویت و اتهامات آنها آگاه بود همه را به جوخه اعدام می سپرد و پس از اعدام آنها با سرعت به شهر دیگر می رفت و همین کار را تکرار می کرد.

کار به جائی رسید که بنی صدرو بازرگان دست به دامن خمینی شدند تا مردم را از شر خلخالی خلاص کند که بی جهت مردم را به گلوله می بندد و از این کار خودم ابراز شادمانی می کند.

وقتی سیل مهاجرت از کشور افزایش یافت گروه های مخالف در خارج از کشور علیه رژیم جمهوری اسلامی و کارهایش به تظاهرات پرداختند. رژیم به فکرافتاد که به ترور مخالفین در خارج از کشور پردازد و با استفاده از پوشش دیپلماتیک گروهی تروریست را به خارج اعزام داشت و حدود ۶۰ تن از ایرانیان مبارز و سرشناس را که تعدادی از آنان رهبری گروههای مخالف رژیم را برعهده داشته اند به قتل رساندند که اکنون پرونده های مهمی از این ترورها درباره قتل دکتر شاپور بختیار در پاریس و ترور سران کرد در برلن و همچنین دکتر کاظم رجوی در سویس مطرح می باشد. اینها همه و همه

موجب شد که ازکشورتاریخی ما که شهرت صلح خواهی و بشردوستی درجهان داشت به نام يك کشور تروریست و يك ملت بربر نام برده شود که بطورمسلم ازاین طریق زبان فراوانی متوجه ملت شریف ایران شد که به این زودیها جبران نخواهد شد. اسامی تعدادی از ترورشدگان درخارج ازکشور چنین است:

علی اکبر طباطبائی در آمریکا - شهریار شفیق و ارتشبد غلامعلی اویسی و برادرش غلامحسین اویسی و دکتر سیروس الهی و دکتر عبدالرحمن برومند و دکتر شاپور بختیار و سروش کتیبه در پاریس - سرهنگ هادی عزیزمرادی و سرهنگ بهروز شاهرودی لو و سرهنگ احمد حامد منفرد در ترکیه - دکتر کاظم رجوی و سرهنگ خلبان احمد طالبی در ژنو - سرهنگ خلبان اکبر محمدی در هامبورگ - بیژن فاضلی و محمدعلی و نادر توکلی در لندن - دکتر عبدالرحمن قاسملو در وین - سرهنگ عطاء الله بای احمدی در امارات متحده - فریدن فرخ زاد در آلمان - دکتر صادق شرافکنندی و همایون اردلان و فتاح عبدلی و نورالله محمدنوری دهکردی در برلن - محمد حسین نقدی در ایتالیا - بهرام آذرفر در آنکارا - حمیدرضا چیتگر بهمینی در اتریش - بهمن جوادی (کشاورز) در قبرس - عبدالله قادری در وین - علی کاشف پور در قونیه ترکیه - خانم عفت قاضی (دختر قاضی محمد) در سوئد - حاج بلوچ شه بخش در پاکستان - شاهرخ میثاقی - شهرام میرانی - احمد ذوالانوار - عبدالامیر راهدار - اسفندیار رحیمی - سعید پزدان پناه - شاپور فیروزی - کامران منصور مقدم - علی اکبر قربانی - عباس قلی زاده - والی محمدوان - علی اکبر محمدی - فرامرز آقائی - علیرضا پور شفیع زاده - محمدحسن منصوری - احمد مرادی - احمد طالبی - ابوالحسن مجتهدزاده - فاضل رسول - غلام کشاورز - صدیق کمانگر - حسین کشاورز - حسین میرعابدینی و چندتن دیگر در کشورهای مختلف جهان.

تنهاروزنامه نگار ایرانی که درعراق به دستورصدام حسین اعدام گردید (فرزاد بازفت) می باشد که خبرنگاریارزش وپرتلاشی بود.

وضع مالی مقامات درخارج ازکشور وخودکشی ها با انتشارلیست ارز با ارقام نجومی دربحران سال ۵۷ که سراسرجعلی بود خیلی ها مقامات سابق را صاحب ثروت فراوانی درخارج ازکشور می دانستند درحالی که باگذشت ایام روشن شد غیرازتعدادمحدودی که درمعاملات مخصوصی دخالت داشته و یا کسانی که ازراه تجارت توانسته بودند اندوخته ارزی داشته باشند اکثراً ازوضع مالی رضایت بخشی برخوردار نبوده اند. برخی به کارهای کوچک برای امرار معاش پرداخته و بعضی ازتسهیلات پناهندگی استفاده کرده و گروهی نیز به مؤسسات خارجی برای کارجلب شدند. بعضی ها حتی ازنظر مالی وروحي دروضعی بودند که دست به خودکشی زدند که نمونه آن دکترناصریگانه رئیس سابق دیوانعالی کشور می باشد که نام او جزوخارج کنندگان ارز ازکشور نوشته شده بود. چندتن ازدولتمردان سابق وایرانیان سرشناس ازقبیل ارتشبدآریانا - دکترعزت الله یزدان پناه - منوچهر پرتو- مهندس ناصرگلسرخی - فتح الله فرود - مصطفی تجدد- امام جمعه تهران - دکتر رکن الدین آشتیانی - مهندس طالقانی - سپهبدامیرعزیزی - مرتضی سرمد - دکترمحمدعلی هدایتی - سرلشگر رزم آراء - سپهبدصمدیانپور - سپهبدروحانی - سپهبد دکتر ایادی - پرویز خونساری - دکترشمس الدین جزایری - سرتیپ نصرالله زاهدی - دکترولیان - اسمعیل سمیعی - دکتردیبا - سرلشگرفرهنگ خسروپناه - سپهبدبهاروند - محمدعلی مسعودی-سیدجلال تهرانی- استادمشکوة - اسدالله رشیدیان - هاید (خواننده محبوب) - سپهبد حاجیعلی کیا- دکترمحمدعلی مسعودانصاری - دکترمهدی آذر - منوچهرمحبوبی - عزیزالله قوامی - دکترپرویزاوصیاء - محموداسفندیاری - محمدصادق تهرانیان - دکتر غلامحسین ساعدی

مجید دیبا در سال های اخیر در خارج از کشور درگذشته اند. از خانواده پهلوی تاج الملوك پهلوی (ملکه مادر) و شاپور محمودرضا و فاطمه پهلوی و ملکه توران در خارج از کشور و حمیدرضا پهلوی در تهران (درزندان) فوت کرده اند.

تنها وزیری که در اتومبیلش بمب گذاشتند و منفجر شد مهندس امیر پرویز وزیر سابق کشاورزی بود که خوشبختانه این دولتمرد درستکار از این حادثه جان به سلامت برد و اکنون در لندن دور از سیاست به مطالعه و تحقیق مشغول است.

دکتر ناصر یگانه - دکتر عبدالحسین اعتبار (گفته می شود که در آشپزخانه منزل دچار آتش سوزی شده است) - دکتر علی اکبر اخوی از وزرای سابق و جهانگیر آهی در خارج از کشور خودکشی کرده اند که در جلد قبلی کتاب به آن اشاره شد. اخیراً نیز محمود رضائی و کیل سابق مجلس و مدیر چند شرکت بزرگ صنعتی و معدنی در ایران که تأسیساتش توسط جمهوری اسلامی مصادره شده بود در آمریکا خودکشی کرد.

با محمود رضائی که مردی پرکار و سازنده بود دوستی نزدیک داشتم. شب و روز در ایران می کوشید که در کارهای تولیدی و صنعتی موفقیت داشته باشد. با رنج و کوشش فراوان توانست سنگ های کرومیت را از معادن اسفندقه از طریق بندر عباس به بازارهای جهان برساند که همین امر مقدمه توسعه کارهای عمرانی و ساختن تأسیسات بندری و اسکله بندر عباس شد. در کرمان معدن بزرگ مس سرچشمه با کوشش او به ثمر رسید که توانست مؤسسات خارجی را شریک کرده و کاربره برداری آن را به انجام برساند که دولت هویدا معادن مس را از او گرفت و مبلغی هم به او پرداخت کرد. سپس به کار تأسیس شرکت هپکو پرداخت که در اراک ماشینهای راه سازی و صنعتی می ساخت. ولی با فرار رسیدن انقلاب به زندان افتاد و بعداً

از کشور متواری شد. در آمریکا و آمریکای مرکزی دست به فعالیت های ساختمانی و تولیدی زد که کارش ثمربخش نبود. سرانجام در بهمن ماه سال ۱۳۷۲ دست به خودکشی زد و دوستان فراوانی که در میان بخشهای دولتی و خصوصی داشت و او را انسانی لایق می شناسند متأثر و متأسف ساخت. روزنامه نیمروز درباره او نوشت «سلطان معادن ایران خودکشی کرد». او در حقیقت از فعالین رشته معدن و صنعت بود.

هدایت اسلامی نیا از نمایندگان سابق مجلس در آمریکا توسط گروهی با همدستی پسرش ر بوده شد که در صندوق اتومبیل جان داد و فرزندش در آمریکا محاکمه و به زندان محکوم گردید. پسرش عضو باشگاه پسران میلیاردها شده بود که از این طریق می خواست ثروت پدر را به چنگ آورد که هم او را کشت و هم خود به زندان افتاد.

يك ایرانی بانام حمید دزفولیان که از انگلستان تقاضای پناهندگی کرده بود ولی چون قبول نشد و می خواستند او را به ایران برگردانند خودکشی کرد. يك ایرانی دیگر همسرش را در جامه دان گذاشت تا بطور قاچاق به آمریکا برود که همسرش در هواپیمادر گذشت. نیوشا فرهی فرزند نویسنده سرشناس ایرانی فرهنگ فرهی در آمریکا خودسوزی کرد که موجب تأسف فراوان شد. يك ایرانی دیگر به نام افشین ابریشمی فرزند سینوا ابریشمی هنرپیشه فیلم سریال «دائی جان ناپلئون» به علت این که برای بازگشت به ایران احساس دلتنگی می کرد و به اصطلاح (هوم سیک) شده بود با گلوله خود را کشت.

دکتر علی خلیلی پزشک متخصص توان بخشی به علت ابتلا به بیماری سرطان استخوان با استنشاق گاز در سن ۶۱ سالگی در آمریکا خودکشی کرد.

ارزش مغزهای فراری

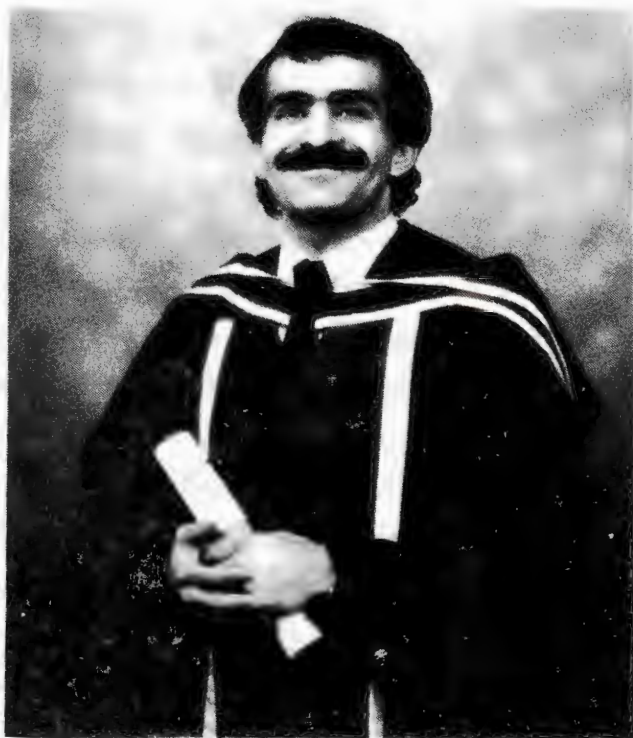
درسالهای نخستین انقلاب که گروه پزشك و مهندس و كارشناس ازایران به خارج می آمدند بعضی ازكشورها ازقبیل آمریکا وکانادا و استرالیا که به این گروه احتیاج داشتند تسهیلاتی برای آنها فراهم می ساختند. یکی ازوزرای دولت کانادا گفته بود ما از انقلاب ایران استفاده فراوانی برده ایم زیرا هزاران كارشناس با ارزش را که باید میلیونها دلارخرج می کردیم تا پس ازچندسال از وجودشان استفاده کنیم ناگهان به دست آورده ایم و ازاین حیث خیلی ازمغزهای فراری ایران را ما جلب کرده ایم که انسانهای با ارزشی هستند.

درخشش جوانهای ایرانی

درحالیکه خانواده های ایرانی طی سال های اخیر دركشورهای مختلف اقامت گزیدندنسل جوان ماکه دردانشگاهها موفقیت سرشاری داشته اند توانستند درمحافل علمی وپزشکی وتجاری وهنری وورزش هوش سرشاروشایستگی خودرا آشکارسازند. روزنامه ها دراین باره چنین نوشته اند:

براساس آمارهای منتشره ازسوی جامعه پزشكان آمریکا بیش ازده درصد ازجراحان آمریکائی به ویژه دررشته قلب وعروق وجراحی پلاستیک ورشته زنان وهمچنین ۵۰درصدازبهترین مهندسين، (ایرانی) هستند. درآلمان نیز وضع ایرانیها به همین صورت است و پزشكان و متخصصین باارزشی ازایرانیها درآنجا حضور دارند. اطلاعات به دست آمده حاکی است که جوانان ایرانی دررشته های مختلف زیر درخشندگی داشته اند:

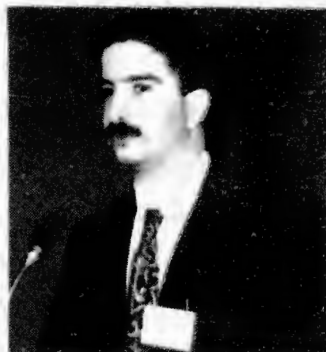
۱- دکترکاوه المـوتی با سابقه تدریس دردانشگاه لندن طبق



دکتر کاوه الموتی ستاره بورس اروپا



خانم پوران اسرافیلی برنده
جایزه فستیوال کن



دکتر نامدار بقائی یزدی برنده جایزه علمی
غلات اروپا

- نوشته مطبوعات انگلیس در رشته بورس و سرمایه گذاری بین المللی آن چنان موفقیت داشته که او را «ستاره بورس اروپا» نامیده اند.
- ۲- پروفسور علی قبادیان در رشته دانشگاهی مورد تجلیل خاص مقامات دانشگاهی انگلستان قرار گرفته است.
- ۳- دکتر حبیبی در رشته پزشکی جزو چند پزشک نمونه در انگلستان شناخته شده است.
- ۴- مهدی ورزی کارشناس برجسته نفت کرار ادر مطبوعات نام او برده شده و در رادیو و تلویزیونها با او گفتگو شده است.
- ۵- عزیزخواجه نوری قهرمان رقص های دونفری که سال قبل قهرمان آماتوری اروپا شد.
- ۶- شهریار افشار که مشغول بررسی نظریه نسبیت انشتین می باشد و بهره هوش او را تا ۲۰۰ نامیده اند، در حالی که میانگین هوش در افراد با استعداد در انگلستان کمتر می باشد.
- ۷- مهندس علی موسوی نسل که برنده جایزه بهترین مهندس در سال ۱۹۹۳ از جامعه مهندسی حرفه ای میشیگان شده است.
- ۸- دکتر کاوه موسوی با داشتن درجه دکترا از دانشگاه آکسفورد که در معاملات کامپیوتری در انگلستان و کشورهای خارج موفقیت قابل توجهی داشته است.
- ۹- امیر حسین پور در رشته های طراحی رقص توفیق زیادی داشته و طرح تازه اپرای ژولیوس سزاریه عهده او واگذار گردیده که در محافل هنری جهان اهمیت فراوان دارد.
- ۱۰- دکتر آناهید انواری به عنوان بهترین نویسنده مقاله تحقیقی پزشکی در رشته رماتیسم برای سال ۱۹۹۳ در اتریش معرفی گردیده است. او در بخش قلب دانشگاه وین کار می کند.
- ۱۱- دکتر علی جوان فیزیکدان جوان و استاد دانشگاه (ام - آبی - تی) که موفق به دریافت جایزه جهانی انشتین در سال ۱۹۹۳

گردیده است. شورای فرهنگی جهانی که از ۶۰ دانشمند تشکیل می گردد او را انتخاب کرده است. تاکنون چندکشف جدید به نام دکتر جوان ثبت شده است.

۱۲ - دکترنامداریقائی یزدی که درامپریال کالج لندن بر روی تولید الکل از محصولات کشاورزی به منظور سوخت و انرژی تحقیق می کند در سال ۱۹۹۳ برنده جایزه علمی غلات اروپا شد. این جایزه همه ساله از طرف بازارمشترک اروپا، پارلمان اروپائی و سازمان غلات و کشاورزی فرانسه به بهترین تحقیق در امر مصارف غیرغذائی محصولات کشاورزی داده می شود.

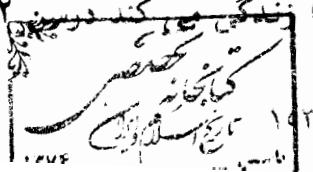
این محقق ایرانی از میان ۲۰ محقق اروپائی شرکت کننده در این مسابقه توانست جایزه اول را به دست آورد.

۱۳ - دکترپیروز مجتهدزاده که در دانشگاه لندن به علت مطالعات و تحقیقاتش درخشندگی داشته و مورد تقدیر دانشگاهیان قرار گرفته است.

۱۴ - مجله اشترن چاپ آلمان می نویسد: ایرج حسابی مخترع ایرانی تاکنون ۳۸۶ اختراع به ثبت رسانیده بزرگترین مخترع جهان شناخته شده است. ایرج حسابی و یک مخترع آمریکائی و انگلیسی سه تن از موفقترین مخترعین دنیا هستند.

او دستگاه تصفیه هوا بدون موتور برق و بدون صدا و حشره کش بدون ضرر برای بشر را اختراع کرده است. اشترن می نویسد این مخترع ایرانی آرشیتکت است و در رشته فیزیک تحصیل می کند و نقاش خوبی است و ویلون هم می نوازد.

۱۵ - مسعود کرخه آبادی نوجوان ایرانی که شش دائی او پزشک هستند در آمریکا دانشجوی بسیار برجسته ای شناخته شده زیرا بهره هوشی او را حدود دویست دانسته اند که خیلی بالاست. مسعود که در (اورنج کانتی) زندگی می کند در سن ۱۲ سالگی



ازدانشگاه هاروارد تقاضای پذیرش کرده و می خواهد جراح مغز و اعصاب پلاستیک شود.

۱۶ - خانم کریستیان امان پور (دختر محمدامان پور) نماینده (سی - ان - ان) از خبرنگاران معروف و زبردستی است که در مشکل ترین مناطق جهان به تهیه گزارش مشغول می گردد بهمین جهت خبرنگار برجسته ای شناخته شده است.

۱۷ - در سال ۱۹۹۳ مهندس سیامک غفرانیان که دستگاه الحاق سفینه فضائی (اتلانتیس) آمریکا را به ایستگاه فضائی (میر) شوروی طراحی کرده و به عنوان مهندس سال شناخته شد.

شرکت (راکول اینترنشنال) از همکاری این مهندس ایرانی با سازمان فضانوردی آمریکا (ناسا) قدردانی کرد. در سال ۱۹۹۵ قرار است این دستگاه به فضا پرتاب شود. سیامک غفرانیان ۳۶ سال دارد و در آمریکا زندگی می کند.

۱۸ - خانم پوران اسرافیلی هنرپیشه جوان ایرانی در فیلمی به نام (خواستگاران) برنده جایزه فستیوال کان شد. او در رشته معماری و هنرپیشگی استعداد خاصی از خود نشان داده است.

۱۹ - دکتر محمد نقی زاده که بعنوان نخستین ایرانی دکترای خود را در رشته علوم اجتماعی اقتصادی از يك دانشگاه ژاپن دریافت کرده است بعنوان رئیس مؤسسه تحقیقات بین المللی دانشگاه میجی در ایالت یوکوهامای ژاپن منصوب شد.

این اولین بار در تاریخ دانشگاه و مؤسسات تحقیقاتی ژاپنی است که يك محقق غیر ژاپنی در شورای استادان به این سمت برگزیده می شود. دکتر نقی زاده لیسانس خود را از دانشکده کشاورزی در ایران و فوق لیسانس و دکترای خود را از دانشگاه های (هوکیدو) و (کیوتو)ی ژاپن دریافت کرده است. وی نخستین ایرانی است که موفق به دریافت درجه دکترای علوم اجتماعی - اقتصادی از يك

دانشگاه ژاپن می گردد.

دکتر نقی زاده ۲۰ سال است که در ژاپن زندگی می کند و آثار متعددی از جمله کتاب «ژاپن و سیاست های اقتصاد جنگ و بازسازی» که آخرین اثر این استاد محقق بشمار می رود به زبان ژاپنی منتشر کرده است. ترجمه کتاب اخیر وی به تازگی در تهران انتشار یافته است.

۲۰ - آندره آغاسی که چندسال پی در پی قهرمان تنیس جهان شده و با اینکه خیلی از ایرانیها بوجود او افتخار می کنند سعی دارد بیشتر خود را آمریکائی بداند چون از کودکی در آمریکا بزرگ شده است.

۲۱ - دکتر پرویز قدیریان که در کانادا به تحقیق پیرامون بیماری (ایدز) اشتغال دارد در وی موثری برای بیماری (ایدز) کشف کرده است. دکتر قدیریان ۲۰ سال است که مشاور سازمان بهداشت جهانی می باشد و تاکنون ۲۰۰ مقاله تحقیقی به زبان های فارسی و فرانسه و انگلیسی نوشته است.

تعداد دیگری از جوانان مخصوصا در رشته های پزشکی موفقیت درخشانی داشته اند که متأسفانه اسامی آنها را بخاطر ندارم و ایکاش می توانستم نام همه را در این جلد از کتاب منتشر سازم تا بار دیگر ثابت گردد ایرانی دارای چه هوش سرشاری است و چگونه توانسته در جهان امروز با آن همه رقابت در رشته های مختلف از خود چنین نبوغ و استعدادی نشان بدهد. بهمه آنها و خانواده ها و بستگانشان از صمیم قلب تبریک و شادباش می گویم و بیش از پیش برای همه آنها آرزوی موفقیت دارم.

مقامات سابق چه می کنند؟

با تغییر رژیم و تضییقاتی که برای مقامات رژیم سابق و ثروتمندان

ومتصدیان و کارکنان بخش خصوصی فراهم شد آنهایی که درکشور ماندند اکثرا از نظر زندگی دروضع بسیارسختی قرارگرفته و تعدادی هم بافروش اموال خود روزهای سختی را می گذرانند. حقوق بازنشستگی که ذخیره ایام کهولت دولتمردان بود قطع گردید و بیش از پیش مقامات سابق رادرمضیقه قرارداداند.

درخارج ازکشور بعضی هاچنان درفشارمالی قرارگرفتند که با وجود داشتن مقامات مهم در رژیم سابق به رانندگی تاکسی و کارهای کوچک برای امرارمعاش پرداخته ویا ازتسهیلات مالی پناهندگی برخوردارشده ویا ازکمک های فرزندان خود که وارد بازارکارشده اند بهره مند گردیده اند.

مجله ارتباط چاپ لندن درباره وضع مقامات سابق درخارج از کشور چنین نوشته است:

دکترامینی با تأسیس «جبهه نجات ایران» به مبارزه با رژیم اسلامی پرداخت وسرانجام سازمان خودرا جمع کرد و متهم شد که مبالغی ازسیا پول گرفته است. او درپاریس درگذشت.

دکترشاپوربختیار که به شدت با رژیم اسلامی می جنگید در داخل خانه خود کشته شد واتهام این قتل متوجه جمهوری اسلامی گردید و نهضت مقاومت ملی دیگر فعالیت زمان بختیار راندارد.

مهندس شریف امامی درنیویورک زندگی می کند وخاطرات ایام قدرت را روی کاغذ می آورد. ارتشبدازهای هیچگونه فعالیتی ندارد. وی مدتی باهژبیزدانی دربانکی که درکستاریکاتأسیس کرده بود همکاری می کرد و اکنون می گویند حتی نام خودرا عوض کرده وخاطرات خودرا آماده می سازد. دکترجمشیدآموزگار که در واشنگتن اقامت دارداخیرا درمجله ره آورد نامه هائی از او منتشر شده است. اردشیرزاهدی درسویس بسر می برد ومشغول تنظیم خاطرات خود می باشد.

ازوزرای سابق فعلا بیش ازهرکس دکترمونوچهر گنجی فعالیت دارد. وی باتأسیس سازمان درفش کاویانی درداخل وخارج اقداماتی علیه جمهوری اسلامی انجام می دهد.

هلاکورامبد که مدتی رئیس دفتر رضاپهلوی بود بین آمریکا و جنوب فرانسه زندگی آرام خودرا می گذراند.

مهندس امیرقاسم معینی وزیرسابق کاروکشوردردکالیفرنیا سوپر مارکت دارد وازاین طریق زندگی خودرا می گذراند و بعدازانقلاب وارد هیچگونه فعالیت سیاسی نشده است.

داریوش همایون چندکتاب وتعدادزیادی مقاله نوشته است. اوچند سال قبل فعالیت مطبوعاتی خود را ازسرگرفت اما فقط توانست چند شماره روزنامه آیندگان رامنتشر سازد. اما بانوشتن مقاله در مطبوعات وایرادسخرانی با رژیم اسلامی مبارزه می کند.

دکترمصطفی الموتی پس ازخروج ازکشورفعالیت سیاسی را کنارگذاشته وبه تهیه آرشیوی بزرگ درباره ایران پرداخت. وی علاوه برایجاداین آرشیوتاکنون ۱۵جلدکتاب باعنوان«ایران درعصرپهلوی» منتشر ساخته که با استقبال بسیار زیاد مردم روبروشده است.

درمیان مقامات سابق کاروبارهوشنگ انصاری ازهمه آنها روبه راه تر است وی باتأسیس هتل ومؤسساتی دریکی ازمناطق جزایرکارائیب زندگی مجلل خودرا می گذراند.

حسنعلی مهران مدتی مشاور دولت(یوریا) درجزایرکارائیب بود که حقوق خوبی هم دریافت می کرد ولی باردیگر دریانك بین الملل به کارپرداخته است.

دکترمحمدیگانه نیز که دریانکهای جهانی کارمی کرد و حقوقی دریافت می داشت اکنون بازنشسته شده و برای مؤسسات خصوصی طرح و برنامه تهیه می کند.

دکترمجیدرهنما ازطرف مؤسسات بین المللی درآفریقامأموریت

هائی دارد و حقوقی مناسب دریافت می کند. دکترنهاوندی در اروپا در دانشگاه درس می دهد و تاکنون چندجلد کتاب به فرانسه نوشته است.

دکتر عبدالمجید مجیدی يك مؤسسه مشاوره در فرانسه تأسیس کرده و با دریافت وجوهی از این طریق زندگی خود را می گذراند. همسر او منیر مجیدی که خواننده معروف اپرا بود پس از انقلاب در حادثه اتومبیل به قتل رسید.

احمد قریشی رئیس دانشگاه ملی نیز که مدتی رئیس دفتر رضا پهلوی بود پس از استعفا دیگر فعالیت سیاسی ندارد. قریشی با آیت الله طیبی که خراسان را در تیول خود گرفته است نسبت فامیلی دارد.

کارهای تحقیقی و مطالعاتی و نشر کتاب

با انتشار کتاب (پاسخ به تاریخ) که از طرف محمدرضا شاه پهلوی نوشته شد و همچنین خاطرات اشرف پهلوی تحت عنوان (چهره هائی در آینه) و انتشار کتاب یک رنگی از طرف دکتر شاپور بختیار و خاطرات ارتشبد قره باغی و خاطرات ارتشبد فردوست و مطالبی که امیر علی انصاری منتشر ساخته می توان گفت درباره عصر پهلوی مطالب زیادی به تاریخ سپرده شده است.

شجاع الدین شفا بانوشتن چند کتاب از جمله (از کلینی تا خمینی - توضیح المسائل - جنایات و مکافات) و انتشار مقالات پی در پی از جمله کسانیکست که در سالهای اخیر نقش مهمی در رسانه های گروهی خارج از کشور داشته است. او همچنین با انتشار روزنامه ایران شهر عقاید و نظریات خود را منتشر می ساخت که آن هم فعلا تعطیل شده است.

دکتر یارشاطر استاد دانشگاه (دائرة المعارف ایرانیکا) را به زبان انگلیسی در دست تهیه دارد که تاکنون چند جلد آن منتشر شده است. سیروس غنی خاطرات و یادداشتهای پدرش دکتر قاسم غنی را منتشر کرده است. منصور رفیع زاده رئیس ساواک ایران شعبه آمریکا مطالبی تحت عنوان شاهد نشر داده، ثریا بختیاری همسر سابق شاه مطالبی در رابطه با دربار ایران و زندگی خود منتشر نموده است. ایرج اسکندری و دکتر فریدون کشاورز اسراری از حزب توده را فاش ساخته اند. طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی نیز مطالب مفصلی درباره روش سیاسی خود انتشار داده اند. آنها با انتشارات مختلف به زبانهای فارسی و انگلیسی از اندیشه های مصدق دفاع کرده اند. دکتر همایون کاتوزیان قسمتی از خاطرات دکتر مصدق را به زبان انگلیسی منتشر ساخته و زندگی خلیل ملکی و خاطرات او را هم منتشر ساخته است.

مهین دولت‌شاه فیروز همسر مظفر فیروز خاطرات او را منتشر نموده است. سرهنگ عیسی پژمان چند جلد کتاب در رابطه با مأموریت‌های سیاسی خود نشر داده است و روزنامه (نیما) ارکان مقامات نظامی را منتشر می‌سازد. احسان نراقی تحت عنوان (از کاخ شاه تا زندان انقلاب) مطالبی به زبان فرانسه منتشر کرده است.

دکتر کورش آریامنش با انتشار کتابی با عنوان سنگسار و نشریه (پیام ما آزادگان) دکانداران دین را مورد حمله شدید قرار داده و می‌دهد.

انتشار روزنامه و مجله و تأسیس رادیو و تلویزیون در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکا و انگلستان بصورتی است که همه روزه نام ایران در همه جای جهان به گوش می‌خورد و ایرانیان توانسته‌اند نام کشور را بیش از پیش بلند آوازه سازند. نویسندگان و گویندگان و هنرمندان وظایف ملی و میهنی خود را صمیمانه انجام می‌دهند.

دکتر مصباح زاده روزنامه کیهان را در لندن منتشر ساخته که توانسته نام کیهان را که از او در ایران گرفته اند در خارج از کشور زنده نگهدارد.

پرویز اصفهانی با سابقه کار روزنامه نگاری در ایران روزنامه (نیمروز) را در لندن منتشر می سازد که خوانندگان زیادی دارد. دکتر قاسمی سفیر سابق ایران در کویت کانون ایران را در لندن اداره می کند و کلاس زبان فارسی برای فرزندان ایرانیان دایر کرده است و با برگزاری مجالس سخنرانی نام ایران و سنت ایرانی را گرامی می دارد.

جعفر رائد که مدتی با همکاری اسماعیل پوروالی مجله روزگار نورا منتشر می ساخت اکنون در دفتر خود در لندن فعالیت دارد. مدتی نشریه عربی الموجز را منتشر می ساخت که در کشورهای عرب زبان مخصوصا عربستان سعودی علاقمندان زیادی داشت ولی فعلا تعطیل شده است. رائد یکی از نویسندگان بزرگ دنیای عرب نیز محسوب می شود.

دکتر عالیخانی که انجمنی مرکب از ایرانیها و انگلیسها را در دانشگاه لندن اداره می کرد اخیرا به چاپ یادداشتهای علم پرداخته و با انتشار آن تولید سروصدای فراوان کرده است.

دکتر عزت الله همایونفر علاوه بر نوشتن مقالاتی در روزنامه ها، سازمانی به نام جنبش بوجود آورده که خیلی زود سروصدای آن خوابید. او به زندگی درسویس ادامه می دهد و با سخنرانی و نوشتن مقاله های تحقیقی در حفظ سنن ایرانی می کوشد.

هادی خرسندی طنزنویس معروف معاصر در لندن روزنامه (اصغراقا) را منتشر می سازد و گاهگاهی هم در نشریات مختلف مقالاتی می نویسد. کتاب اشعار او با عنوان (آیه های ایرانی) دست بدست می گردد.

در آمریکا خصوصا در منطقه کالیفرنیا تعداد قابل توجهی روزنامه و مجله انتشار یافته و برخی نیز تعطیل شده و رادیوها و تلویزیونهای زیادی تأسیس شده که یکی از آن رادیوها ۲۴ ساعته می باشد. اداره کننده آن اسدالله مروتی نماینده سابق مجلس می باشد که گفته می شود يك ميليون شنونده دارد.

دریادار مدنی که بین فرانسه و آمریکا زندگی می کند با جمهوری اسلامی در مبارزه است. وی با گروههای مختلف مخصوصا اعضای جبهه ملی در اروپا همکاری دارد.

دکتر سنجابی که از کوه های کردستان گریخته اکنون در آمریکا به سر می برد و خاطرات خود را منتشر ساخته است. اما ظاهرا هیچگونه فعالیت سیاسی ندارد.

از سفرای سابق دکتر جلال عبده - فریدون هویدا - پرویز راجی خاطراتی نوشته اند. همچنین سید حسین دها سناتور سابق خاطرات خود را در چهار جلد و دکتر ابراهیم همایونفر معاون سابق نخست وزیر کتابی به فرانسه تدوین نموده و مصطفی علم سفیر سابق کتابی درباره نفت نوشته و دکتر جهانگیر آموزگار نیز چند جلد کتاب منتشر کرده که آخرین کتاب او درباره انقلاب ایران به انگلیسی می باشد و ترجمه قسمتی از آن در روزنامه (ایران خبر) چاپ واشنگتن انتشار یافته است.

دکتر علی اکبر سیاسی - ابوالحسن ابتهاج - دکتر سیف پور فاطمی - عبدالحسین مفتاح و فتح الله معتمدی خاطرات خود را منتشر ساخته اند.

سیاوش بشیری نویسنده پرتلاش چند جلد کتاب با اسناد و مدارک انتشار داده است.

از روزنامه نگاران نیز اسماعیل پوروالی خاطرات خود را تحت عنوان (قصه پرغصه من) در مجله روزگارانو منتشر می سازد.

احمدشکرنیا با سابقه ممتد روزنامه نگاری که سالها روزنامه (ایران پست) را در لندن منتشر می ساخت اکنون چندسالی است که مجله (ارتباط) و (نیازمندیها) را منتشر می سازد.

از خانواده پهلوی آزاده شفیق چندسال روزنامه ایران آزاد را در پاریس منتشر ساخت. از افسران ارتش سر تیپ جواد معین زاده سالها روزنامه آرا (ارکان ارتش رهایی بخش ایران) را در لندن منتشر نمود. از سفرای سابق ایرج پزشک‌زاد علاوه بر تجدید چاپ کتاب (دائی جان ناپلئون) و کتابهای دیگر سالها اداره روزنامه قیام ایران ارکان سازمان نهضت مقاومت ملی را عهده داری بود.

منصورانوری در لوس آنجلس روزنامه پیام ایران را منتشر می ساخت که با دکتربختیار همکاری نزدیک داشت و اخیراً در آن شهر فوت کرد.

حسین سرفراز که سالها سردبیری روزنامه ها را در تهران بر عهده داشت اکنون روزنامه ایران خبر را درواشنگتن منتشر می کند.

احمد انصاری در هلند با فعالیت شبانه روزی مجله پژواک ایران را منتشر می سازد.

روزنامه (گام) در استرالیا با همت انوشیروان مدنی از افسران سابق و روزنامه (سزا) ارکان زنان ایران در آمریکا و نشریات دیگری هستند که با هزینه های شخصی انتشار یافته و برای خیلی از ایرانیها فرستاده می شوند که اکثراً طرفدار مشروطه سلطنتی هستند. روزنامه مشروطیت با همت برادران پیرنیا در لندن گاهگاهی منتشر می شود. همچنین مشروطه خواهان در کشورهای مختلف سازمانهایی دارند.

گروه مجاهدین خلق با اعلام تشکیل شورای مقاومت ملی دارای تشکیلات فعالی در خارج از کشور هستند و روزنامه ایران زمین

را به سردبیری دکتر منوچهر هزارخوانی منتشر می سازند که مریم رجوی رابعنوان رئیس جمهوری موقت معرفی و برای خود يك هيئت دولت هم تعیین کرده اند و در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۷۳ در سراسر دنیا تظاهرات دامنه داری داشتند که بین آنها و مخالفین درگیرهای زیادی درهمه جا وجود دارد.

فعالیت سیاسی و اجتماعی و مطبوعاتی و رادیویی و تلویزیونی در سراسر جهان از طرف سایر ایرانیها و هموطنان گرامی ما وجود دارد که چون اطلاعاتی در دسترس نیست بهمین مقدار بعنوان نمونه اشاره شد و لازم است در این باره نشریه مستقلى با اطلاعات دقیق تر منتشر گردد که در تاریخ ایران از این مهاجرت بزرگ تاریخی به یادگار بماند.

در داخل کشور نیز کتابهای زیادی منتشر شده که پرسرو صدا ترین آن کتابهای ارتشبدفردوست و دکتر کیانوری و سلیمان بهبودی و اسناد منتشره سفارت آمریکا با عنوان (اسنادلانه جاسوسی) می باشد. همچنین ترجمه خاطرات مقامات سیاسی که در خارج به زبان های انگلیسی و فرانسه انتشار یافته است.

امیر طاهری نیز چند جلد کتاب منتشر ساخته و مرتبا مقالاتی به زبان انگلیسی در نشریات خارجی می نویسد.

مشفق همدانی مدیر مجله کاویان که اکنون در سن ۸۰ سالگی در آمریکا بسر می برد تحت عنوان «خاطرات نیم قرن روزنامه نگاری» مطالبی را در چهار صد صفحه منتشر ساخته است.

یوسف مازندی نماینده یونایتد پرس در ایران نیز تحت عنوان «ایران - ابر قدرت قرن» خاطراتی را انتشار داده است.

جواد جعفری (آذر مهر) چند جلد کتاب نوشته که با همکاری فرزند پزشکش دکتر نرسی جعفری در آمریکا نشر یافته است.

از طرف بی بی سی هم خاطرات گروهی از مقامات ایرانی به

صورت نوارهایی تهیه گردیده و باتوجه به جمع آوری خاطرات مقامات ایرانی در دانشگاه هاروارد توسط دکتر حبیب لاجوردی و چند مؤسسه دیگر خاطرات خیلی از مقامات جمع آوری شده است. ایرانیها در سراسر جهان فعالیت فرهنگی و اجتماعی و مطبوعاتی زیادی دارند که اطلاعات کافی در دسترس نیست ولی در لندن با همت دکتر آجودانی کتابخانه معتبری دایر شده به نام (مرکز مطالعات ایرانی) که توسط هیئت امنا اداره می شود و امور مالی آن زیر نظر خلیل محلوچی می باشد که اینها توانسته اند کتابخانه ای در لندن تأسیس کنند که متأسفانه در رژیم سابق و رژیم فعلی چنین کاری با بودجه هنگفت و اعتبارات مالی دولت صورت نگرفته است.

آنهائی که مانده اند و آنهائی که رفته اند

روزنامه ایران خبر چاپ و اشنگتن اسامی تعدادی از افراد نظام پیشین را که در واشنگتن اقامت دارند چنین منتشر ساخته است:

رضاپهلوی و لبعهد پیشین - جمشید آموزگار و ارتشبداز هاری از نخست وزیران پیشین - دکتر محمد باهری - دکتر جهانگیر آموزگار - دکتر کورس آموزگار - دکتر پرویز حکمت - دکتر علینقی عالیخانی - دکتر احمد احمدی - حسنعلی مهران - مهندس همایون جابر انصاری - دکتر فرخ نجم آبادی - دکتر محمدیگانه - دکتر رضا امین - دکتر مرتضی صالحی - دکتر کاظمی - منوچهر گودرزی - محمد درخشش - خانم مهناز افخمی (از وزیران پیشین) - شعاع الدین شفا - امیر فرهنگ ممتاز - نصیر عصار - سرتیپ فرزندگان - دکتر رضاتاج بخش - سرتیپ قدر و صدیق اسفندیاری (از سفرای پیشین).

تیمساران رسایی - طوفانیان - هاشمی نژاد - ورهرام -

جهانبانی - محققى - دانشور - فرزانه - حبيب اللهى - خسروداد
 (برادر سرلشکر منوچهر خسروداد) - بهارمست - رفيعى - عسكرى
 - توکلى و ارم از امرا و افسران پيشين ارتش.
 دکتر سيدحسن نصر - دکتر جلال متينى و دکتر ضيائى از رؤسای
 پيشين دانشگاه ها. دکتر امير حسين پرتو اعظم - جهانگير ميرعلاء -
 مهدى احمد - دکتر فريرور - دکتر محمدعلى رشتى از وکلای پيشين
 مجلس شوراى مى.

حال به اسامى قلم به دستان کالیفرنیا توجه فرمائيد:

حسن شهباز - دکتر محمود عنایت - ایرج گرگين - دکتر
 صدرالدين اللهى - هماسرشار - پرى اباصلتى - فرهنگ فرهى -
 هوشنگ ميرهاشم - حسين مهرى - عليرضا ميبدى - پرويز قاضى
 سعيد - ناصر رنجبين - هوشنگ پورنگ - همایون هوشيارنژاد
 - داریوس اميراحمدى - سیاوش آذرى - مهدى ذکايى - مرتضى
 فرزانه - سيدحسينى - نصرت الله نوح - شهرام همایون - هما
 احسان - بيژن خرسند - مرتضى قمصرى - عباس حاجيان - على
 مرتضوى - مانوك خدا بخشيان و فرخ جاويد.

روزنامه نگاران ايرانى که در پاریس هستند و بعضى ها هم
 قلم بدست دارند و گاهگاهى در کافه هاى پاریس دیده مى شوند
 عبارتند از: دکتر مهدى سمسار - احمد احرار - سيروس آموزگار -
 مجيد دوامى - دکتر منوچهر کيمرام - اسماعيل پوروالى - سیاوش
 بشيرى - صفاحائرى - پرى سکندرى - بهروز صوراسرافيل -
 هوشنگ وزيرى - محمدرضا عسگرى - فريرز برزگر.

از چهره هاى سرشناسى که طى سال هاى اخيره ايران بازگشته
 اند مى توان اين ها را نام برد:

دکتر منوچهر شاهقلى - دکتر تقى توکلى - دکتر مصطفى پايدار

- دکتر منوچهر کلالی - امیر متقی - دکتر علینقی کنی - دکتر هوشنگ رام - حاج محمدتقی برخوردار - محمدتقی ایروانی - محمدحسین قشقائی - دکتر ذبیح قربان و گروهی دیگر که تدریجا به کشور ایران بازگشته اند و گاهگاهی هم برای سفر به خارج می آیند. از کسانی که در رژیم سابق صاحب مقاماتی بوده و اکنون به کار در ایران اشتغال دارند پزشکان هستند که به کارهای پزشکی ادامه داده اند و بعضی از قبیل دکتر شیخ الاسلام زاده کارویارش از سابق بهتر می باشد ولی پروفیسور یحیی عدل و دکتر مژدهی و دکتر موثقی و دکتر مرشد نیز کم و بیش به امور پزشکی می پردازند و گاهگاهی نیز در خارج از کشور دیده می شوند.

تعدادی از وزرای سابق از قبیل قوام صدوری - دکتر کاظم زاده - مهندس اصفیا - توکلیان - مهندس کریم معتمدی و دکتر نجفی و دکتر باقر عاملی که در ایران مانده اند با مطالعه و تحقیق در ایران ایام را می گذرانند.

همچنین از مقامات سابق تعدادی در کشورهای مختلف اقامت دارند که اطلاعی از آنها در دست نیست. بهمین جهت به این مختصر اکتفا شد.

اعدام - اعدام - اعدام

این همه ازکشته ها شد پشته وزسرها منار
تو نگفتی کاین شهیدان را کجا ملجاستی

وقتی صادق سرمد شاعرگرا نمایه معاصر این شعرا سرود هرگز
باور نمی کرد وضع درکشورما بصورتی درآید که فرزند شایسته و
تحصیل کرده او هم درتهران به جوخه اعدام سپرده می شود.

با اعلام حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هنگامی که در پشت
بام مدرسه رفاه ارتشید نصیری - سپهبد مهدی رحیمی - سرلشگر
خسروداد - سرلشگر ناجی به جوخه اعدام سپرده شدند وحشت و
ارعاب سراسر کشور را فراگرفت.

ابوالحسن بنی صدردرکتاب (خیانت به امید) چنین می نویسد:
وقتی این چهارنفر را با محاکمه برق آسا یا بهتربگویم بی
محاکمه اعدام کردند سخت برآشفته نزدخمینی رفتم و گفتم شما
دیشب مارا به نزد زندانیان فرستادید تا به آنها دلداری بدهیم ولی
امشب بدون محاکمه چهارتن را اعدام کردید. خمینی گفت
ضدانقلاب شروع به کار کرده اگر شدت عمل نشان ندهید فساد در
کارها بالامی گیرد. برای این که نصیری درمصاحبه تلویزیونی با
حرکات دست و سر به ساواکی ها علامت می داده است.

به خمینی گفتم به دودلیل این کار نادرست بود یکی اینکه نسل جوان بر اثر سانسور در رژیم پیشین از مداخله آمریکا در کارایران آگاه نیست و این محاکمات بهترین فرصت برای آگاهی نسل جوان می باشد و افکار عمومی مردم آمریکا نیز از فساد می که محافل حاکم آمریکا در ایران ببار آورده آگاه می گردید. دوم اینکه ما رژیم شاه نیستیم شما در پاریس گفتید که در اسلام فقط قانون حکومت می کند پس باید درباره متهمین قانون اجرا می شد. اگر اینطور شدت عمل به خرج داده شود فردا هرگونه مخالفتی از طریق همین محاکمات سریع بدون توجه به قانون حل و فصل می شود.

خمینی گفت مردم عصبانی هستند و صبر نمی کنند. چپی ها از فرصت برای سم پاشی استفاده خواهند کرد. بهر حال این حرفها اثر نکرد و عاملان آمریکا بدون اینکه مردم بدانند اعدام شدند.

به اتفاق دکتر مبهشری و وزیر دادگستری بازرگان نزد خمینی رفتیم. او گفت هویدا به او نامه نوشته و آماده است همه چیز را بگوید. از قرار همین نامه کار او را ساخت. یکروز خبر شدیم که خلخال و هادی غفاری به زندان رفته درهارا بسته و هویدارا برده و کشته و بعد او را محکوم ساخته اند. سروصدا کرده گفتم دست آمریکادر کار می باشد. بسیاری از این کارها را به بهشتی نسبت می دادند.

کاری که بر سر اسناد دوران شاه آوردند بدتر از محاکمات محرمانه و برق آسا بود. سرهنگی را دستگیر کرده بودند که مقداری از اسناد محرمانه شاه را در اختیار داشت ولی او را آزاد کردند. وقتی وزیر دارائی بودم از وجود این سرهنگ و اسناد آگاه شدم. سرهنگ را دوباره توقیف کردند. او ادعا کرد که همه اسناد را سوزانده است.

اسناد و مدارک زیر کلید خامنه ای بود. نویری می خواست اسناد را برای نگهداری به بانک مرکزی ببرد ولی بهشتی و خامنه ای مانع شدند. از قرار چند سندهم در بین اسناد بود که یکی سند پرداخت

ماه‌یانه به بهشتی بود.

دادگاه‌های انقلاب از همان روزهای اول از اختیار بازرگان خارج شدند. چندبار به قم رفتیم و از خمینی کتبا و شفاهاً قول گرفتیم و آئین نامه هم تهیه شد که متهمین حق تعیین وکیل داشته باشند که آئین نامه هرگز اجرا نگردید. برای جلوگیری از شکنجه و اعدام برق آسا همراه طالقانی و مهندس سبحانی به زندان رفتیم. با قضات و بازپرسان مذاکره کردیم. به زواره ای که همه کاره آنجا بود گفتم که شما زندانیان را شکنجه می کنید و قضات را باجوسازی و ادار می کنید که حکم اعدام صادر کنند. محمدی گیلانی گفت شما افترا زده اید و باید (حد) بخورید. طالقانی و سبحانی و من به او تندی کرده گفتیم شما حق قضاوت ندارید. وقتی با اعضای شورای انقلاب که برای رسیدگی آمده اند، اینطور عمل می کنید بامتهمین معلوم است چگونه عمل خواهید کرد؟ سرانجام خلخالی را که افراد باگناه و بیگناه را برق آسا اعدام می کرد کنار گذاشتیم.

حتی آیه الله منتظری در مقام قائم مقامی ولایت فقیه به آیه الله خمینی چنین نوشت: «اعدام ها بی اعتنائی به موازین قضائی است. اگر به دستور خودتان اصرار دارید اقلاً دستور دهید زنان استثنا شوند. مخصوصاً زنهای بچه دار و بالاخره اعدام چند هزار نفر در ظرف چند روز هم عکس العمل خوبی ندارد و هم خالی از خطا نخواهد بود.»

از مخالفین سرسخت این اعدام ها و مصادره ها آیه الله شریعتمداری و آیه الله قمی و مهندس مهدی بازرگان و ابوالحسن بنی صدر و دکتر مدنی و عده ای دیگر از مقامات رژیم و روحانیون بودند ولی خمینی و دستیارانش به کار خود ادامه می دادند.

تعداد اعدام شدگان در جمهوری اسلامی هنوز مشخص نیست و هم اکنون نیز روزانه تعدادی با اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام می گردند که طبق گزارش نماینده حقوق بشر موارد اتهام غیر از این است

و فعالین سیاسی و مخالفین را به اتهام قاچاقچی نابود می کنند.
جریان اعدام و مصادره ها وسیل فرار هموطنان از ایران فصل
مهمی از تاریخ ایران است که احتیاج به مطالعه و بررسی فراوان با
شناسائی دقیق اعدام شدگان دارد که قطعا در این باره مطالعات و
بررسی از طرف گروه های مختلف ادامه دارد و تاکنون چند نشریه هم
در خارج از کشور باذکر نام گروهی از اعدام شدگان انتشار یافته است
ولی در این جلد کتاب اسامی تعدادی از آنها منتشر می گردد که نمونه
تأسف آوری از وضع بعد از انقلاب در کشور مامی باشد.

امیرعباس هویدا - ارتشبدنعمت نصیری - سپهبد مهدی
رحیمی - مهندس منصور روحانی - یوسف خوشکیش - دکتر
منوچهر آزمون - دکتر عباسعلی خلعت بری - مهندس عبدالله
ریاضی - دکتر جواد سعید - سرلشکر منوچهر خسرو داد - سرلشکر
رضانا جی - سپهبد فخر مدرس - دکتر محمد بقائی یزدی - سالار جاف
- سپهبد جعفر قلی صدری - سپهبد نادر جهانبانی - غلامحسین
دانشی (معمم) - محمود جعفریان - پرویز نیکخواه - ابوالحسن
عمیدی نوری - علی اصغر امیرانی - دکتر غلامرضا نیک پی -
دکتر غلامرضا کیانپور - سپهبد ناصر مقدم - سرلشکر حسن
پاکروان - سپهبد فضل الله جعفری - پرفسور جمشید اعلم -
سرلشگر ایرج مطبوعی - سرتیپ حسنعلی بیات - سرتیپ حسین
همدانیان - سپهبد بیوک امین افشار - سرلشکر پرویز امین افشار -
سرتیپ ایرج امین افشار - سرتیپ نعمت الله معتمد کردستانی -
سرتیپ منوچهر ملک - سرلشکر عبدالله خواجه نوری - سرلشکر
ولی الله زند کریمی - سرتیپ اکبر غفاریان - سرلشکر جواد مولوی
طالقانی - سپهبد امیر حسین ربیعی - سپهبد علی خواجه نوری -
سپهبد هوشنگ حاتم - سپهبد محمد تقی مجیدی - سرلشکر علی
نشاط - سرتیپ عباس کحالی - سید مهدی میراشرافی - سرتیپ

جهانگیر اسفندیاری - سپهبد هاشم برنجیان - سرتیپ فضل الله
 ناظمی - سرهنگ جواد مخفی - سرتیپ علی فتحی امین - دکتر
 محمدرضا عاملی تهرانی - سپهبد ابوالحسن سعادت‌مند - رحیم علی
 خرم - حبیب القانیان - سرلشکر غلامحسین شمس تبریزی - سپهبد
 حجت کاشانی - دکتر اکبر بهادری - سرتیپ وثیق - خانم دکتر
 فرخ رو پارسای - سرلشکر احمد بیدآبادی - سرهنگ منصور
 زمانی - سرلشکر عبدالله منوچهر قشقائی - سرتیپ اکبر غفاریان -
 سرهنگ ماشاء الله افتخارمنش - سرهنگ عزیرالله رحمانی -
 سرهنگ هوشنگ توانا - سرهنگ انصاری - سرهنگ پرویز غمائی -
 سرهنگ ابوالفضائل احمدی - سرتیپ احمد حمیدی آشتیانی -
 سرهنگ پرویز شمیرانی - سرلشکر محمد ایرانی فر - سرهنگ
 حسین فردوس مکان - سرهنگ محمد باقر لطیفی مقدم تهرانی -
 سرهنگ حسین خاوری - سرهنگ برهان فریدنی - سرتیپ هاشمی
 هوشمندهمدانی - سرهنگ مقدم حسینی - سرهنگ حسین کاوه ای -
 سرهنگ داود صارمی - سرهنگ معصوم نجفی نژاد - سرهنگ جلیل
 پورطوسی - سرتیپ مرتضی شیرانی - سرهنگ محمدعلی احمدی -
 سرهنگ محمود کاشی - سرهنگ یحیی لیتقوانی - سرهنگ
 محمدهادی احمدی - سرتیپ عباس شفاعت - سرهنگ غلامعلی
 ایوبی - سرهنگ احمد سالاری - محسن خواجه نوری - حبیب الله
 اشراقی - سید محمود شمس نیا (روحانی) - سرهنگ هوشنگ
 سلیمی تهرانی - سرهنگ شاپور رنجبران - سرلشکر اسماعیل
 سپهرم - دکتر منوچهر سلیمی - سرلشکر ریاحی - سرهنگ
 گلستانه - سرهنگ هوشنگ توانا - سرتیپ احمد آشتیانی -
 سرهنگ نخعی - سرتیپ هوشمند - سرتیپ غلامحسن علائی -
 سرهنگ افراسیابی - سرلشکر ده پناه - فتح الله فردوسی -
 یوسف قدیمی - سرتیپ عطاء الله مقربی - دکتر کامبیز صادق زاده -

دکتر حشمت الله روحانی - دکتر یوسف عبائیان - دکتر عزت الله
 فرنوش - دکتر قدرت الله روحانی - ژینوس محمودی - مهدی
 امین امین - عبدالحسین تسلیمی - دکتر فرامرز سمندری - سروان
 منیر طاهری - سروان غلامعلی الیاسی - اسماعیل خداترس
 (کیجا) - ستوان یکم احمد بهادری - سروان حیدر جعفرنیا -
 ستوان یکم عباسقلی داودی - سرهنگ هوشنگ طوطیان - سرگرد
 علی مهرکار - محمد تقی جوان - سرگرد محمد مهدی اشراقی -
 بهمن سمندری - بهار وجدانی - دکتر ضیاء مدرس - سرهنگ
 مجتبی شفیعی خزانہ - سرهنگ غلام آریں - دکتر حشمت الله
 مقصودی - مهندس فرخ سرمد - حسین سلیمی - بهروز خسروی -
 خسرو قشقائی - صادق قطب زاده - مهدی هاشمی - سرهنگ غلام
 محمد مظاهری - سرهنگ حمید حسینی - سروان احمد شریفی -
 علی اصغر اسفندیاری - ناصر لك - ایران خالقی - ناخدا تورج
 ریاحی - ناخدا کیانوش حکیمی - سپهبد سعید مهدیون - سرهنگ
 هادی ایزدی - ذبیح الله مؤمنی - ایرج درخشنده - سرتیپ آیت
 محقق - سرخلبان ناصر رکنی - خلبان فرخزاد جهانگیری -
 سرهنگ خلبان داریوش جلالی - سرگرد کورش آذرتاش - سرهنگ
 محمدرضا زاد نادری - سروان خلبان ناصر زرنندی - سرهنگ
 غلامعلی وارسته پور - سرهنگ خسرو زرینه - سرهنگ خلیفه
 سلطانی - سرهنگ منوچهر صادقی - سرهنگ خلبان علی شفیق -
 سرهنگ سعید امیری - سرهنگ حسین مصطفوی قزوینی - سرهنگ
 علی فاریا - سرهنگ احمد آزموده - سرهنگ نادر وحدتی پور -
 سروان هوئی بیژن ایران نژاد - ناخدا یکم قهرمان ملک زاده -
 منصور ساجدی - ناصر ساجدی - مهندس رضا کمپانی - دکتر
 فیروز صارمی - دکتر طبیبی نژاد - دکتر میثاقیه - دکتر دارابی -
 سرتیپ هوشنگ گیلانشاه - سروان یدالله نوری فر - سروان فرج

الله آق بگلو - دكتر حسين جودت - منوچهر بهزادی - اسماعیل
 ذوالقدر - فرج الله میزانی - امیر نیک آئین - مهرداد فرجاد -
 دكتر احمد دانش شریعت - دكتر برزو بقائی - محمدبیکدلی -
 رفعت محمدزاده - امیر هوشنگ ناظمی - هدایت الله حاتمى - دكتر
 گرجانی - سرهنگ سیف الله جاسوند - دریادار بهرام افضلی -
 سرهنگ حسن آذر فر - سرهنگ هوشنگ عطاریان - سرهنگ بیژن
 کبیری - محمد بهرامی نژاد - ابوالفضل بهرامی نژاد - شاهرخ
 جهانگیری - غلامرضا خاضعی - خسرو لطفی - سرهنگ شیرازی
 - محمد علی نقشبندی - حامد امینی - محمد جیدری - عماد الدین
 ناصری - عبدالکریم کریمی - عزیز مرادی - ستوان تاج الدینی -
 علی امیرشکاری - مصطفی پهلوان - ستوان غلامرضا پروانه -
 سرتیپ مظفر نیازمند - سیروس منوچهری - ناصر سلیمی -
 عبدالله فولادی - مظفر رحیمی - ستوان احمد سعیدی - ستوان
 قادر بهار - ستوان خاطر خطیبی - عبدالله بهرامی - عباس بهرامی
 کمانگر - مصطفی حامدی - علی پیشنماز یزدی - کاظم توکلی -
 سرهنگ غلامحسین ایوبی - عباس صعودی - مصطفی داداشی
 زاده - سرهنگ احمد سالاری - قاسم احمد نژاد - امان الله ریگی
 (دراواز) - ستوان یعقوب افراشته - ربانی بجنورد - ابراهیم
 رفیعی - شیخ حامد زویدات - ناجی اسدی راشدی - احمد کمالی -
 ابوالقاسم افتخاری - غلامرضا ضرغامی - عین الله گرجی - تیمور
 تیمورشاهی - یعقوب یقینی - ستوان جواد رضائی - علیمحمد
 شیخی - علیشاه نظری - سروان قدرت الله بقائی - طاهر زرمجو -
 اسفندیار و ساتیا و منصور شفیعی - سرهنگ عظمت الله فهندژ -
 ستوان اسدالله یداللهی - عبدالحسین عسگری - احمد علی عسگری
 (دانشجو) - هدایت موسوی زاده - سرهنگ معینی طباطبائی -
 علی اکبر مهری - سرهنگ فرخی سرابی - عربعلی فرزین نیا -

حسن گلبادی نژاد - غلامرضا نشاط - سرلشکر بازنشسته حسین
 بهزادی - سرهنگ بازنشسته هوشنگ کاویانی - تیمورایروانی -
 محمدبصیری (به اتهام قتل مطهری) - حمیدنیکنام (به اتهام قتل
 سرلشکرقرنی) - سرلشکر هوائی میرحیدر مخبر - ستوان الله
 وردی اسفندیاری - استوارمهدی بابائی - گروهبان سیروس پذیره -
 مرتضی لطیفیان - سیدسادات مظلوم حسینی - سرگرد بهمن نسیم
 - محمدتقی آزادی منفرد - فریدون ناجی - حسین جعفرزاده -
 عباس افخمی - هوشنگ مداحی - سروان اصغر فاضلی -
 محمدعلی نیاکی - منوچهر بحری اصفهانی - رقیه نصر اصفهانی
 - سیدمحمدعلی موسوی - عباس فروزانفر - سرگرد محمدتقی
 صدیقی تنکابنی - ستوان احمد خلجی - ستوان محمدآریامنش -
 سرتیپ مجتبی عمید - عباس پازوکی - اسماعیل زرافشین -
 سرلشکر کمال نظامی - محمدتقی بزرگ منش - سرهنگ مهدی
 نوربخش - سید حسین طالقانی - رضا عبدی زاده - اکبر گودرزی
 (رهبرگروه فرقان) - ابوالفضل تقوی - آلبرت دانیال پور - یحیی
 ستاری - محمدرضا فتاحی - هوشنگ منوچهری - کیومرث
 میرخائف - هدایت ایمانی - سرهنگ اصغر یوسفی - سهراب جابری
 - سرهنگ غضنفر بهمن پور - داریوش بیضائی - سرگرد منوچهر
 ادیب پور - عباس حکمت جو - علی دانشخواه - مراد رفیع زاده
 - هوشنگ افشارنیا - احسان شهبازی - قدرت الله جمشیدی -
 حاج بابا سلیمانی (به اتهام کشتن دو پاسدار) - شیخ حسن شیخ
 عبدالله (روحانی) - دکتر مجید وصالی - منوچهرکریمی - اصغر
 الله وردی - سلیمان خان بلوکی - سرلشکر فرامرز نوذری بقاء -
 سرهنگ حسن شاه بیگی - کیهان کیوانفر - فرشته و زهرا کعبی
 (به اتهام قیام مسلحانه) - سرتیپ جهانگیر اسفندیاری - سرگرد
 علی مهرکار - سرگردمحمدعلی شریفی راد - سرگردسیدعباس

هاشمی - سرگردبازنشسته امیر فتحی - سروان غلامرضا جوادی
 پروانه - پاسبان احمدتقی زاده - ستوان عبدالله حاج عباس -
 ستوان مصطفی رخشان - ستوان حسین شکری - احمدعالم زاده
 (معمم) - محمدرضا سعادت - ستوان عباس رهبر تبریزی -
 سرلشکر محمدعلی ایمانی فر - سروان علی اکبر آتشی - سیدمحمد
 فخرالاسلام (معمم) - هدایت الله غصفوری - احمدمسلمی -
 ستوان علیرضا حق پرست - پاسبان رضا قاسمی - حمیدرضانداغ
 - سرهنگ حسین واعظی - سرگردکیومرث سلیمی زاده - اسماعیل
 پورقلی (راننده) - سرگردحسین اصفهانیان - سرگردعبدالله نوروزی
 - سرگرداحمد رستمخانی - سرگردعبدالله بختیاری - سروان
 محمدقنادزاده - سروان حسین قلمکاری - علی اصغر ایرانلو -
 محمدمهدی میدانی - فریدون شاداافزا - محمدفلاح - جعفر
 شکروی - سروان کمال عرفانیان - پرویزترابی مرعشی - سیف الله
 نوربخش - مسعود شفیع - ستوان داریوش جاوید - سرگرد
 رمضانعلی فرمانی - سرگرد محسن رحیمی - سرگردنصرت الله
 طوافی - کامران مافی - داود صمدی بخش - استوارفرمایشی -
 ستوان فریدون فارسی - موسی اشرفی - اسماعیل نیازی - ستوان
 محمدحسین روحانی - ستوان حسین غلامی - سربازوظیفه علیرضا
 محمدی - سرهنگ برهان فریدونی - سروان علی حمزه لوثیان -
 سرگرد محمد بندار - سرگرد مقصود حق شناس - محمدکریم
 باصری نیا - ولی الله غیاثی - سرگرد عبدالحسین سروش - ستوان
 ناصرجزایری - سرگرد مظفرضرغام - ستوان عبدالله قزلباش - روح
 الله معبر - سرگرد هرمز جباری - انوشیروان عسگری - عبدالرضا
 آل کثیر - محمدامین مهربانی - منصور باقریان - سکینه قاسمی
 (پری بلند) - صاحب افشاری (ثریا ترکه) - زهرامافیها (اشرف
 چهارچشم) - سرگردعلی آرین فر - برات تیمور زاده - پاسبان

حسین فربودی - منوچهر شفیعی - حسین طاهری - صفدر مظفرزاده
 - سروان عباس سلطان زاده - سروان مازیار حقوقی - سروان رضا
 کرمی - غلامعلی بهرامیان - عبدالزهرا و عبدالجلیل دریس -
 حسین و غلامرضا رزمخواه - عبدالحسین راشدی - احمد خداپرست -
 کریم رهروی - سرهنگ ابراهیم هوشنگی - استوار علی اسکندری -
 سرپاسبان فیض الله فلاح مقدم - خلف کعب خیری - جعفر رستگار
 - پرویز صاحب رأفت - سیدامین مظاهری - گروهبان احمدی
 - بختیاری - ستوان عباس ابوالفضل دلاوری - احمد ذبیحی -
 سرهنگ رحمت خلیفه بیگی - سرگرد خلبان ایرج سلطانی - سرگرد
 حسن گوهری - سرگرد کاوس علیزاده - سرگرد کورش آذرتاش -
 سرگرد سیروس ستوده - سرگرد ایرج خلف بیگی - سرگرد محمد
 حسین عزیزیان - سرگرد اسماعیل نوری مقدم - سرگرد بهمن پرتوی
 - سروان خلبان محمد ملک - سروان خلبان محمد بهروز فرد - سروان
 خلبان کریم افروز - سروان خلبان علی اصغر سلیمانی - سروان
 خلبان امید علیبویری - سروان خلبان ناصر زرندی - سروان هوائی
 هرمز مانپور - سروان سیروس دهقان - ستوان محمد براتی -
 سروان نورالله نجف نژاد - سروان خلبان محمد مهدی عظیمی فرد -
 ستوان خلبان نجات یحیی - سروان خلبان حسین شکری - ستوان
 ابراهیم استاد محمد نظری - ستوان محمد تقی تاجداری - ستوان
 ناصر مروتی - ستوان ایوب حبیبی - ستوان منوچهر رهبری نژاد -
 ستوان شکرالله احمدی - ستوان چترباز فیروز آذریان - ستوان
 چترباز محمد رضا قربان نجف آبادی - ستوان سیاوش پور فهمیده -
 ستوان رسول یحیی پسند کوجانی - ستوان سیاوش پور فهمیده -
 سید عبدالرضا حجازی (روحانی) - منوچهر مسعودی - مهندس
 رزاقی - کاظم بدخشان نیا - سرگرد قدرت الله ترکمن - علی
 اکبر ترک - کبری داج گل - گلناز نقیب محسن - رضا حاج مرزبان

- هوشنگ صفائی - جمال باقرزاده - مهندس سیاوش توکلی -
 سرهنگ امیر عبدالملک پور - سرهنگ جمشید فروغی - سرهنگ
 محمود صباح - سرهنگ غلامعلی دیده ور - سرهنگ ابراهیم
 صیرفی - سید محمد علی شه بخاری - ابراهیم مشتاقی -
 نادر گلچین (هنرمند) - بهروز خسروی - مقبلی (فرزند مقبلی
 هنرمند) - سرتیپ صیاد شیرازی - سرتیپ سعدی حسنی -
 سرهنگ عباس نادریان - سرهنگ جواد کفائی - سرهنگ ذبیح الله
 امیر ابراهیمی - سرهنگ حبیب الله جلیلی - سرهنگ علیرضا
 یعقوبی - سروان علیجانی قادی کلاهی - ستوان جعفر سالاری -
 ستوان محمد جواد گودرزی - سروان یدالله نوری - محمد هراتی -
 دکتر علی مظفریان - سرگرد مسعود حق شناس - محمد علی کلانتر -
 دیانت آقاییک ناروی - حاج رسول نارویی - مجید خواجوی -
 علی آقا بیگی - سپهبد همدانیان - سرلشگر بدیع - سرتیپ تابعی
 - سرگرد فاضلی - ستوان محرمعلی زاهدی - استوار محسن
 عسگریان - گروهبان علی مرواریدی - ستوان خلبان محمد علی
 ثقفی - سرهنگ زمانی - جواد عاملی - سرگرد شعله ور - حسین
 فرزین - بشردوست - جوکار - ژیان پناه - رحمن الیاسی - توفیق
 الیاسی - حسن مولودی - ستوان غلامعلی الیاسی - سرپاسبان
 جهانگیر ذاکری و سرپاسبان حسین تاجیک در آبادان - گروهبان
 کربلایی محمد درقزوین - استوار یکم علی رنجبر در رفسنجان -
 جهانگیر طارق - سرگرد ناصر قوامی - سروان قاسم ژیان پناه -
 سلطان رضائی - ستوان احمد بهاری - ستوان منوچهر وثوقی -
 ستوان حسین شه کمان - محمدنوید - میر احمد معصومی
 کوچصفهانی - سرتیپ اکبر غفاریان - ستوان علی راهداری -
 سروان حیدر جعفری - سرپاسبان علی اصغر حدادی در قم - رضا
 رضوانی - محمود شهیدی - کمال ادیب - پاسبان محمود عسگری

- ستوان بهادر بهادری - سربازوظیفه مصطفی صدری - ستوان
 حسین مختاری اردکانی - سرهنگ ناصرقلی هوشمند - ستوان
 عباسقلی داودی - پاسبان سیدهاشم موسوی - تراب حاج علیلو -
 محمود معینی - شایع و حمیدمزرعه - علیرضا شجاعی - سرگرد
 هوشنگ طوطیان - سرگرد حسین تربتیان - ستوان مهدی ساعت
 پور - گروهبان حسن کرمی - سرباسبان لطف الله خادمی - حسین
 تکبعلی زاده - سرهنگ سیاوش امینی آل آقا - ستوان منوچهر
 بهمینی - فرج الله مجتهدی - اسفندیاررمضانی - علی نادری -
 محمدکعب - نورالله اختر خاوری - عزیزالله ذبیحیان - فریدون
 فریدنی - عبدالوهاب کاظمی - جلال مستقیم - علی مطهری -
 محمودحسن زاده شفائی - سرتیپ محمد انصاری - سرهنگ ناصر
 مافی - سرهنگ کاظم خاتمی - سروان نادرمحمدنادری - سروان
 باقر نیک زاد - سروان کریم فیض بخش - ستوان یدالله همت زاده
 - قربانعلی فخری - غلامحسین توانا - عبدالعزیز راشدی - فرج
 آل ناصر - محمدعلی کیا - رضا فیروزی - حسن عیاشی -
 علیرضا همایون پریزاده - منصور و نظرعلی گودرزی -
 دکترسیروس فرزاسی - سرتیپ عینی زالتاش - روح الله قدمی -
 رحمان هاتفی - دکترمسیح فرهنگی - حسین مطلق - فرهنگ
 مودت - کاتب پورشهیدی - عزیزالله گلشنی - حاج محمدعزیزی -
 حسین شکوری - علی اکبر خورسندی - بهاروجدانی - علی
 ستارزاده - محمدحسن زاده - عبدالوهاب کاظمی - جلال مستقیم
 - محمدحسین معصومی - بهروزسنائی - دکترمهدی انوری -
 هدایت الله دهقانی - خانم نورانیه یارشاطر - ستارخوشخو -
 احسان الله مهدیزاده - یدالله وحدت - نعمت الله کاتب پور -
 عبدالعلی آزادیاری - حسین اسدالله زاده - مهدی باهری -
 دکترمسرور دخیلی - دکتر پرویز فیروزی - دکتراسماعیل زهتاب -

ژنرال حسین رستگار نامدار - حبیب اللہ عزیزى - يدالله سپهر ارفع
 - جلال عزیزى - دکتري عزت اللہ فروہى - دکتري سيروس روشنائى -
 کامران صميمى - خانم شيوا محمودى اسدالله زاده -
 اسکندر عزیزى - کورش تجلى - عطاء اللہ ياورى - ابراهيم خيرخواه
 - حسين وحدت حق - احسان اللہ خيامى - عزيزالله گلستانى -
 بديع اللہ حق پيکر - خانم ايران رحيم پور - ناصرالله امينى -
 سعدالله بابازاده - عطاء اللہ حقانى - محمد منشور - منوچهر
 وفائى - سرهنگ عباسعلى صادقى پور - دکتري احرارى - رحمت
 اللہ وفائى - خانم طوبى ظهير پور - سهيل صفائى - دکتري ابراهيم
 افنان - کورش حق بين - عنايت اللہ اشراقى - جمشيد سياوشى -
 دکتري بهرام يلدائى - دوشيزه شهين دالوند - خانم عزت اشراقى -
 دوشيزه رؤيا اشراقى - دوشيزه زرينه مقيمى آبيانه - دوشيزه مهشيد
 نيرومند - دوشيزه سيمين صابرى - خانم طاهره ارجمندى - خانم
 نصرت غفرانى يلدانى - جلال پيروي - جهانگير هدايتى - على
 محمد زمانى - نصرت اللہ وحدت - دکتري منوچهر روحى - امان الہ
 قربانى پور - شاپور مرکزى - فيروز پردل - احمد بشيرى - يوسف
 نوروزى ايران زاد - دکتري فرهاد اضداقى - فيروز عطارد - عنايت
 اللہ حقيقى - غلامحسين فرهنگى - جمال کاشانى - دکتري روح اللہ
 تعليم - نصرت اللہ سبحانى - رحمت اللہ وجدانى - حبیب اللہ
 مهتدى - اردشير اخطارى - اميرحسين نادرى - جهانگير طارخ -
 عزت اللہ دشتى - سرگرد بيژن يحيائى - ستوان عبدالله حاج
 عباسى - ستوان مصطفى رخشان - ستوان محمدتقى نجفى -
 سرتيپ على فتحى امين - محمد ابراهيمى (پاسبان) - پرويز ترابى
 مرعشى - محمود شفيعى - ستوان داريوش جاويد - سرگرد
 رمضانعلى فرمانى - فيض على رش پرزاده (سربازوظيفه) -
 سرهنگ عزت اللہ خاورى - ستوان حافظ سرنوشت - بهادر

افراسیابی - منور باقریان - سرگرد علی آذین فر - محمددالوندپور
 - برات تیمورزاده - سروان عباس سلطان زاده - سروان مازیار
 حقوقی - سروان رضا کرمی - شهریار وحسین جمال پور - حاج
 پاشا و روح الله حسین لو - سرگرد ایرج ذوالفقاری - ستوان احمد
 حسین زاده - محمدرضا همایونفر - ستوان ابوالفضل دلاوری -
 سرهنگ غلامعلی ایوبی - علی دادفر - دکتر علی مظفریان -
 علیرضا حمیدآباد - غلامرضا سگوند - حمیدکرد - (ازایل برانی
 و براهوتی دریلوچستان ۴۵) نفر اعدام شده اند - ستوان یکم
 مصطفی کواکبی - علی اصغر اسفیداری - محمدرضا کاظمی -
 منوچهر غلامی - محمدرضا رضوانی - ناصرک - مهدی شفق
 خانم ایران خالقی - کامبیز بزرگی ناصری - منوچهر رشید -
 مصطفی حدیدی خوانساری - علی اصغر شکوری مقدم - فرشید
 روستاخراسانی - نعمت حدیدی

برای اطلاع دقیق تر از وضع اعدام شدگان به نشریات زیر
 مراجعه فرمائید:

الف - شورش ۵۷ در آئینه مطبوعات (دو جلد) - شهرام
 جاویدپور

ب - نشریه مجاهدین خلق

ج - نشریه حزب توده

د - نشریه راه کارگر

ه - نشریه بهائی های مقیم خارج کشور

عده ای از مقامات و وابستگان به رژیم جمهوری اسلامی از
 قبیل مطهری - بهستی - رجائی - باهنر - مفتاح - آیت و چندتن
 از امام جمعه های منتخب خمینی در ترورها و انفجارها ازین رفته
 اند که نامشان در این صورت نیامده و همچنین بعلت این که اسناد و
 مدارک کاملی در دسترس نیست، نام گروهی از افراد که که به عناوین

مختلف کشته شده اند در این صورت به چاپ نرسیده که لازم است پس از تحقیق و بررسی دقیق کتابی در شرح حال کسانی که بعلت تغییر رژیم ازین رفته اند نوشته شود تا روشن شود چه نیروی انسانی با ارزشی ازملت ایران تلف شده است. بهر صورت احتمال اشتباه و تشابه اسمی هم وجود دارد.

خودکشی - ترور - قطعه قطعه کردن شخصیت های نظامی و سیاسی و اقلیت های مذهبی

از اواسط سال ۱۳۵۷ شورشیان و انقلابیون تحت تأثیر مبلغین مذهبی برای سقوط رژیم به کشتار و قتل پرداخته و مقامات نظامی را ترور کردند که چند نمونه آن چنین است:

در مهرماه سال ۵۷ سرهنگ زمانی پور رئیس شهربانی مشهد ترور شد که سازمان چریکهای فدائی خلق مسئولیت آن را بعهده گرفت.

در آبان ماه ۱۳۵۷ سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی جهرم با گلوله کشته شد و سرهنگ نادور فرماندار نظامی مجروح شد.
در آبان ماه ۱۳۵۷ سپهبد خادمی رئیس شرکت هواپیمائی ملی هنگام دستگیری خودکشی کرد.

در بیمارستان شاهرضای مشهد بین پزشکان و پرستاران و نظامیان درگیری شد و چندین تن مقتول شدند.
کامران نجات اللهی استاد دانشگاه در تظاهرات با گلوله مأمورین کشته شدند.

در شیراز در حمله به ساختمان ساواک شش تن کشته شدند.
روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ سرگرد مجیدی رئیس کلانتری ۱ تبریز و رحیم محمدولی زاده راننده اش توسط چریکهای فدائی خلق ترور

شدند.

روز ۸ بهمن غلامحسین دانشی تنها نماینده معمم مجلس رستاخیز باشلیک گلوله ای ترورشده ولی جان سالم بدر برد و گفت تازنده هستم از نمایندگی مجلس استعفا نمی کنم. بعداً در جمهوری اسلامی بازداشت و اعدام گردید.

روز ۹ بهمن سرلشکر تقی لطیفی از افسران ژاندارمری از طرف تظاهرکنندگان مضروب گردید که بدن مجروح او به دانشگاه منتقل و در بیمارستان درگذشت.

روز ۱۳ بهمن ۵۷ گروهی مردمسلاح از اعضای (چریکهای توحیدی) ازدیوارخانه فریدون زندگی کارمندساواک بالا رفته و اورا دستگیر نموده و به داخل کوچه برده در مقابل زن و سه فرزند و پدر و مادرش با شلیک سه گلوله کشتند.

روز ۱۸ بهمن سرهنگ بهمن شکوری از افسران لشکر رضائیه توسط چند موتورسوار باشلیک گلوله از پای درآمد که بدن مجروح او به بیمارستان منتقل گردید.

روز ۲۴ بهمن در جریان تصرف شهرانی آذرشهر ۱۷ تن از مأمورین شهرانی به دست شورشیان به قتل رسیدند.

روز ۲۴ بهمن طرفداران جمهوری اسلامی در قروه به مرکز دراویش شیخ هادی هاشمی حمله کرده و ۳۸ تن از دراویش را به قتل رسانیده و خانقاه را تصرف کردند.

روز ۲۹ بهمن محمدعلی کاظمی مأمور اطلاعات شهرانی خمین توسط مجاهدین خلق به قتل رسید.

به دنبال آزادی سیدمهدی هاشمی قاتل آیه الله شمس آبادی روز ۳۰ بهمن استوارجمشیدی و پسرش و استوار جوادبدیعی و محمدعلی نجف آبادی و حبیب قصاب و احمد ظاهری مأمور شهرانی در نجف آباد به قتل رسیدند.

روزاول اسفند ماه ۱۳۵۷ گروهی از افسران اعدام شدند که از جمله سرتیپ نعمت الله معتمدی بود که قبل از اعدام چنین گفت «من همیشه آرزو داشتم که برای مملکت کشته شوم تا فرزندانم به من افتخار کنند. تقاضایم این است که در حفظ این ارتش که هزینه سنگین برای آن شده کوشش کنید زیرا برای دفاع از مملکت ساخته شده و هزینه های سنگین برای تربیت افسران و درجه داران و متخصصین آن شده است.»

سروان منیرطاهری معاون شهرداری رودسر روز ۴ اسفند ۵۷ به اتهام شرکت در آتش زدن سینما رکس آبادان اعدام شد که او ضمن تکذیب اتهام گفت چشم های او را نبیندند و اجازه دهند که خود فرمان شلیک را به افراد جوخه اعدام صادر کند.

حاج محمدجعفر کازرونی صاحب کارخانجات نساجی اصفهان در مقابل دانشگاه اصفهان روز ۱۴ مرداد ۱۳۵۸ ترور شد.

سپهبد بدره ای و سرلشکر بیگلری در روز ۲۳ بهمن توسط شورشیان ترور شدند که جریان آن در جلد چهاردهم چاپ شده است. سپهبد ایرج مقدم روز ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ با شلیک گلوله به شقیقه خود خودکشی کرد و علت را غیرقابل تحمل بودن اوضاع کشور ذکر کرد. او سال ها رئیس اداره مهمات ارتش و در کابینه از هاری وزیر نیرو بوده است.

دکتر سید محسن بهبهانی واعظ که به درستکاری و تقوی شهرت داشت و قبلا در رادیو موعظه می کرد بطور ناگهانی در مقابل خانه خود ترور شد.

در مشهد در روزهای انقلاب به دستور شیخ علی تهرانی چندتن به قتل رسیدند و حتی یک افسر ارتش را به درخت آویزان کرده و او را قطعه قطعه کردند.

روز ۲۲ بهمن ۱۳۷۵ شورشیان مسلح در رشت به ساختمان

ساواک حمله کرده و سرهنگ حسائی رئیس ساواک و ۱۰ نفر از مأمورین را دستگیر کرده و آنها را قطعه قطعه نموده جنازه های آنها را به درخت های پارک شهر آویزان کردند.

روز ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ سرهنگ سعید عین القضاتی معاون ساواک همدان ربوده شده به قتل رسید. گروه توحیدی مسئولیت این قتل را به عهده گرفت.

روز ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ شورشیان تویسرگان شهربانی را تصرف کرده و ده تن از مأمورین را به قتل رسانیده و سرهنگ احمد ضیائی کوهی سرخی رئیس شهربانی را دستگیر و سرش را از تن جدا کردند. روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ سپهبد بقراط جعفریان استاندار خوزستان به علت سقوط هلیکوپتر در منطقه دزفول کشته شد. شایع گردید که در هلیکوپتر خرابکاری شده است.

سپهبد چنگیزوشمگیر که مدتی در زندان اوین مورد فشار قرار گرفته بود با خوردن قرص لومینال در روز ۱۱ مهرماه ۱۳۵۸ دست به خودکشی زد و پس از انتقال به بیمارستان سعادت آباد درگذشت. سرلشکر حسن یزدی رئیس قبلی اداره ششم ستاد ارتش در روز ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ هنگامی که پاسداران برای دستگیری او به خانه اش رفته بودند به بهانه پوشیدن لباس به اتاق خواب رفت و خودکشی کرد. انتشار داشت که به سوی پاسداران هم شلیک کرده است.

تیمسار جمشید فتحی مقدم فرمانده سابق توپخانه گارد شاهنشاهی که محکوم به اعدام شده بود در داخل حمام زندان اوین با بریدن رگهای آرنج و میچ دست خودکشی کرد.

سروان فرامرز کاظمیان افسرگارد شهربانی هنگامی که در روز ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ افراد سپاه پاسداران او را دستگیر می کنند از چنگ آنها می گریزد. یک سال بعد محل اختفای او در شیراز کشف می گردد وقتی که برای دستگیری او می روند به سوی آنها شلیک

کرده و دوتن را مجروح می سازد وبا آخرین گلوله ای که باقی مانده بود خودکشی می کند.

خلخالی درباره اعدام سرتیپ علی اکبر یزدجردی فرماندار نظامی مشهد گفت او دردادگاه فریادزد که (من هیچیک از شماها را قبول ندارم) موقعی که او را برای صرف چای به اتاق انتظار دادگاه می بردند پس ازخلع سلاح یکی از پاسداران با اسلحه به دست آمده به جلسه دادگاه حمله کرد ولی قبل از اقدام او به تیراندازی با شلیک پاسداران مستقر دردادگاه کشته شد.

استواریکم مسعود حسام درجه دار نیروی هوائی پس ازکشف قیام (نوژه) درمنزل خود واقع در روستای سومر دریندر پهلوی در روز ۲۱ تیرماه ۱۳۵۹ خودکشی کرد.

سرپاسبان مجتبی یعقوبی مأمورشهریانی کاشمر بعلت احضار به دادگاه انقلاب اسلامی در روز ۶ خرداد ۱۳۵۸ درداخل منزل خود را حلق آویز کرد و درگذشت.

عطاء الله شهری مقدم ازاعضای سابق کمیته مشترک ضد خرابکاری که درزندان قصر بسر می برد در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ خودکشی کرد.

تقی روحانی گوینده معروف رادیو ایران به حکم دادگاه انقلاب اسلامی به ۵ سال زندان درایرانشهر محکوم گردید و هنگام انتقال به هواپیما ربهوده شد که پیکر نیمه جان او دربیابان های اطراف جاده آرامگاه پیدا شد. برائثصابات ضربات وارده مغزش ازکاسه بیرون آمده و درحال اغما بود که او را به بیمارستان بردند و به حال نیمه فلج درآمده است.

دکترابوالقاسم رشوندسرداری بعلت معالجه مجروحین کردستان که دربین آنها افراد مختلف بودند ازطرف خلخالی محکوم به اعدام شد وهرچه گفت وظیفه پزشک معالجه بیمار ازهرگروه و طبقه می باشد

توجهی نکرد و این پزشک انسان دوست را به جوخه اعدام سپرد.
ستوان دوم ناصر رکنی که علیه جمهوری اسلامی قیام کرده بود هنگام مراجعه پاسداران به خانه اش در روز ۲۱ تیرماه ۱۳۵۹ به سوی آنها تیراندازی کرد و یکی از آنها را به نام اسماعیل قربانی از پای درآورد. او قبل از خودکشی دستگیر و اعدام شد.
روز یکشنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۵۹ گروهی با نام (گروه توحیدی پیام مستضعف) به خانه سیدجواد ذبیحی (مداح) که تازه از زندان آزاد شده بود ریخته و اورادستگیر کرده به تپه های شمیران برده باشلیک گلوله به مغز و شکمش به قتل رساندند.

سرتیپ سیدحسین بدیعی رئیس سابق سازمان امنیت قم در روز ۲۹ آبان ۱۳۵۸ در زندان قم درگذشت. علت مرگ ناگهانی سرتیپ بدیعی که در شیراز دستگیر شده بود اعلام نگردید.
سروان محسن یارجانی هنگام حمله مهاجمین مسلح به شهربانی مهاباد کشته شد.

چون در خانه سرهنگ امیر هوشنگ نورمقداری اسلحه کشف شده بود او از متهمین واقعه کودتای نوژه شناخته شد به دستور مقامات جمهوری اسلامی پسر ۱۸ ساله اش شهریار نور دستگیر و زندانی و اعلام گردید که اگر پدر خود را معرفی نکند پسرش اعدام خواهد شد. سرانجام شهریار نور را روز جمعه ۷ شهریور ۱۳۵۹ به جای پدر اعدام کردند.

عباس شهرباری معروف به (مرد هزارچهره) که خود را به دکتر رادمنش دبیرکل حزب توده نزدیک ساخته و با ساواک و سپهبد تیمور بختیار ارتباط نزدیک یافته و گروهی از توده ایها و مجاهدین را لو داده بود در تهران توسط مجاهدین خلق ترور شد.

سرتیپ عباس شفاعت فرمانده سابق تیپ هوابرد شیراز را هنگام دستگیری آنقدر مضروب ساخته بودند که کور شده و بلافاصله

اورا اعدام کردند.

دکترهما دارایی در اعتراض به اقدامات جمهوری اسلامی در تهران (خودسوزی) کرد.

تعدادی از نظامی های بازداشت شده پس از شکنجه با محاکمه سریع اعدام شده اند. از جمله انتشار یافته سروان جمشید خسروی و سرگرد مهدی محبی در زندان زیر شکنجه مرده اند.

سیداسدالله موسوی سناتور و نماینده سابق خوزستان هنگامی که توسط دادگاه انقلاب در بهبهان بازداشت شده بود و حکم آزادی او از تهران صادر گردیده در بازداشتگاه بهبهان ترورشده.

پروفسور منوچهر حکیم که از پزشکان معروف کشور بود بعلت بهائی بودن در تهران ترورشده.

حاج ماشاء الله همائی روحانی ۴۳ ساله که در تأیید نظام شاهنشاهی سخنرانی کرده بود روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۸ در مشهد ترورشده.

گروه بان محمدعلی شعبانی روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ هنگام دستگیری توسط پاسداران در تهران با گلوله به حیات خود پایان داد.

روز ششم دیماه ۱۳۵۸ عبدالرضا خان ابراهیمی پیشوای فرقه شیخیه ایران به ضرب گلوله موتورسواری در کرمان ترور و در بیمارستان فیروز کرمان درگذشت. نامبرده ۶۰ سال داشت و پنجمین پیشوای فرقه شیخیه بود که بعد از او پسرش زین العابدین خان ابراهیمی پیشوای شیخیه خواهد شد.

محمد صالح ضیائی امام جمعه موقت اهل سنت بندرعباس را ربوده و او را قطعه قطعه کردند.

بطوری که نشریات بهائی ها در خارج از کشور اعلام داشته تا کنون ۲۱۵ نفر بهائی توسط جمهوری اسلامی کشته شده اند و اموال عده زیادی از آنها مصادره گردیده است.

از مسیحی هاتاکنون اسقف هوسپیان مهر - اسقف میکائیلیان به قتل رسیده و اسقف مهدی دیباج که محکوم به اعدام شده و ۹۰ سال در زندان بوده پس از رهایی از زندان به قتل رسید. اسقف دهقان تفتی به حال تبعید به انگلستان آمده است و پسرش بهرام دهقان تفتی که بیش از ۲۴ سال نداشت و در دانشکده دماوند تدریس می کرد در تهران به قتل رسید.

از این قبیل وقایع زیاد اتفاق افتاد که اطلاعات دقیقی در دسترس نیست فقط چند نمونه آن مورد اشاره قرار گرفته است.



روزدکتر فرخ روی پارسا

مجمع عمومی شورای جهانی زنان در پاریس به پیشنهاد بانوان ایرانی عضو شرکت کننده در سازمان مزبور پذیرفته که روز ۲۳ سپتامبر (اول مهرماه) را به نام خانم دکتر فرخ روی پارسا وزیر سابق آموزش و پرورش و نماینده مجلس شورای ملی ایران در دستور کارشورا قرار دهد. با این اقدام يك کار جهانی درباره خانمی که توسط جلادان رژیم به جوخه اعدام سپرده شده صورت می گیرد.

اسناد و مدارك تاريخى

چون برای تکمیل تاریخ عصر پهلوی لازم به نظر رسید که هرگونه سند و مدرکی که در این دوره وجود دارد جمع آوری شود از این جهت در این جلد از کتاب چندسند دیگر منتشر می گردد که ضمیمه اسناد منتشره قبلی گردد.

قسم نامه سردار سپه با چندتن از رجال کشور امضاءکنندگان ذیل خداوند متعال را گواه گرفته و به کلام الله مجید قسم یاد می کنند و به ضمانت قول و شرافت و ناموس و وجدان خود بر طبق مواد آتیه، بایکدیگر معاهده نموده و پیمان می بندند و با اتحاد و اتفاق و صمیمیت کامل در حفظ استقلال و تمامیت ایران و اقدام فداکارانه در پیشرفت ترقیات قشونی و سیاسی و اداری و فلاحتی و تجارتی و صنعتی و علمی مملکت و نجات وطن از خرابیها و اوضاع ناگوار کنونی می کوشند.

۱- ریاست عالی نظام ایران کماکان باشخص حضرت اشرف آقای رضاخان سردار سپه و زیرجنگ خواهد بود و حضرت معظم له قوه مجریه این هیأت هستند.

۲- افراد این هیأت هر جا و در هر حال باشند و به هر مقام نائل شوند از صمیم قلب بایکدیگر دوست صمیمی بوده و با جان و مال و تمام هستی خود از یکدیگر دفاع کرده و تا آخرین نقطه امکان با تمام قوای خود در حمایت جان و مال و حیثیت و عرض و ناموس یکدیگر ثبات و

- مقاومت خواهند نمود و نخواهند گذاشت هیچ قوه و هیچ وسیله باعث تفرقه آنان شده، آنها را از یکدیگر جدا کند.
- ۳- این هیأت در تشکیل دولت و کلیه امور مملکتی غیر از نظام که (اداره آن با شخص سردار سپه است) بایکدیگر مشورت و اتخاذ تصمیم نموده و به موقع اجرا خواهند گذارد.
- ۴- هیچ يك از اعضای این هیأت نمی تواند از مواد این تعهد نامه تخلف ورزد و همچنین این هیأت حق ندارد به مجرد حرف و سوء ظن عضوی از اعضای خود را تخلف کننده از مواد مزبور بداند، مگر آن که حقیقت امر مکشوف و ثابت شده باشد و این در صورتی است که مسئله قبلا در هیأت مطرح و معلوم شود و در آن صورت مجازات مقصر به نظر هیأت تعیین خواهد شد.
- ۵- این هیأت با مشورت و صلاح دید همدیگر، سعی خواهد کرد که اشخاص خوش سابقه را که بهیچوجه آلوده خیانت و ارتشاء نباشند جمع آوری نموده و در اطراف این هیأت تمرکز دهد که بعداً در انجام مقصود مقدس این هیأت کار کند.
- ۶- این هیأت اقدام خواهد نمود که دولتی قادر و لایق تشکیل داده، به دست آن دولت از ریشه و اساس به اصلاح امور مملکت اقدام کنند و تمام همت خود را متوجه خواهند نمود که دولت مذکور مدتی کافی که لااقل کمتر از ۳ سال نباشد قائم و باقی باشد.
- ۷- امضاء کنندگان این ورقه حق ندارند که با احدی خارج از این هیأت تعهداتی داشته باشند که نساخ با مواد این تعهد باشد.
- ۸- هرگاه یکی از اعضای این هیأت در نزد هیأت محکوم به اشتباه گردیده یا فوت نماید یا به مأموریتی منصوب شود که در ظرف شش ماه نتواند در جلسات هیأت حضور بهم رساند، این هیأت با مشورت یکدیگر يك نفر امین صالح به جای او انتخاب خواهد کرد.
- ۹- هیأت لااقل در هر ۱۵ روز يك جلسه خواهد داشت.

۱۰- موادفوق پنج سال حتمی الاجرا بوده و پس از آن به اتفاق آرای هیأت ممکن است تجدید شود و در عین حال صمیمیت و دوستی بین اعضای هیأت ثابت و باقی خواهد بود. قبل از خاتمه پنج سال مذکور، هیچ يك حق استعفاندارند مگر اینکه مبتلابه مرض مزمن شده یا قادر به تفکر و تعقل نباشند.

۱۱- این مواد سری بوده، افشای آن نزد هر کس باشد، ممنوع است.

۱۲- به حول و قوه و به فضل الهی و توجه اولیای اطهار سلام الله اجمعین عهد مقدس و میثاق مبارک و پیمان شکست ناپذیر فوق در تاریخ شب سه شنبه ۱۶ میزان ۱۳۰۲ هجری شمسی، مطابق ۲۷ صفر المظفر ۱۳۴۲ هجری قمری، در عمارت شهری حضرت اشرف آقای سردار سپه دامت شوکت با حضور حضرات آقایان امضاء کنندگان ذیل برقرار و منعقد و امضاء گردید.

رضا - سلیمان محسن - عبدالکریم - محمد صادق طباطبائی - خدایار.

اسامی ۵ نفر چنین است:

سردار سپه - سلیمان اسکندری - میرزا کریم خان رشتی - سید محمد صادق طباطبائی - سرلشکر خدایار خان.

سپرده رضاشاه در لندن

دفتر امور املاک شاهشاهی، تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۱۱

ریاست محترم بانک پهلوی ایران

در جواب مراسله مورخه ۳۰ مرداد ۱۳۱۱ حسب الامر جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه ابلاغاً اشعار می دارد که به بانک و ستمینستر لندن اجازه داده شود مبلغ یکصد و پنجاه هزار دلار امانت

ثابت بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی ارواحناده را به مدت شش ماه از ۲۵ اوت ۱۹۳۲ الی فوریه ۱۹۳۳ از قرار فرع يك و نیم در سال طبق تقاضائی که نموده اند به امانت ثابت قبول نمایند و در ضمن مقرر فرمودند که مبلغ چهار هزار و پانصد دلار فرع حساب يك ساله گذشته را به انضمام فرع شش روزه سابق دربانك فوق الذکر حسابی باز شود که هر وقت حواله فرمودند پرداخت گردد. البته جریان دو حساب مزبوره را مطابق معمول بانکی انجام خواهند داد.

رئیس دفتر امورا ملک شاهنشاهی
 نامه بانك و ستمینستر لندن:

لندن ۴ سپتامبر ۱۹۳۱ مطابق ۱۲ شهریور ۱۳۱۰

به شرف عرض خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت رضاشاه پهلوی اورا احناده بانهایت احترام به عرض ملوکانه می رساند به موجب دستور بانك پهلوی مبلغ یکصد و پنجاه هزار دلار دریافت نموده مبلغ مزبور را به حساب امانی اعلیحضرت همایونی وارد و قبض امانی به مدت يك سال با فرع سه درصد در سال صادر گردید قبض مزبور با مهر بانك و ستمینستر تلو تقدیم می دارد.

غلام مطیع رئیس بانك و ستمینستر - شعبه خارجه

امریه رضاشاه و محمدرضاشاه به تقی زاده در کتاب زندگی طوفانی و خاطرات تقی زاده که به کوشش ایرج افشار به چاپ رسیده، مطالب زیادی درباره زندگی سید حسن تقی زاده به چاپ رسیده که چند سند از آن نقل می گردد:

نمره ۵۰۵ - ۱۳۱۲/۳/۲۵ - محرمانه

جناب مستطاب اجل آقای تقی زاده وزیر محترم مالیه را پرتی که به نمره ۹۹۳۴ به شبسترا رسال شده بود به شرف خاکپای مبارک ملوکانه ارواحناده رسید. مقرر فرمودند در موضوع

واگذاری و فروش خالصجات به رعایای دانید اساسا مخالفتی ندارم ولی بطوریکه مسبوق هستید وقتی که بنای لایحه به مجلس دادن باشد باید قبلا خاطر ملوکانه از مورد آن مطلع گردیده و با اجازه اقدام شود. معلوم نیست در این مورد چرا تحصیل اجازه نشده است.

چون ذات اقدس شاهانه از لحاظ خیر و صلاح مملکت مایل هستند از کلیه امور مسبوق و مستحضر باشند و خود را مسئول مملکت می دانند نمی توانند این اقدامات را با لاقیدی تلقی بفرمایند و غفلت از مقررات را اجازه بدهند. اولیای امور باید خودشان از روی عقیده و ایمان مراقب حفظ سیره و ترتیب مقرر باشند. یا آنها را به اجرای مقررات مجبور و متوجه خواهند نمود.

لایحه راجع به شبستر چون بدون اجازه به مجلس داده شده بود میبایستی مسترد گردد. محض احترام جنابعالی این دفعه صرف نظر می شود ولی در صورت تکرار امر به استرداد لوایح صادر خواهد شد. ضمنا فرمودند خوب است همین طور که در مورد لایحه شبستر به سرعت اقدام شده در کلیه امور مالی از طرف وزارت مالیه تصمیمات مقتضیه اتخاذ شود.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی - حسین

امریه رضاشاه خطاب به تقی زاده

۱۳۱۲/۶/۲۰ - ۱۰۲۵

جناب مستطاب اجل آقای تقی زاده وزیر محترم مالیه
مراسله نمره ۲۰۵۶۹ از شرف عرض خاکپای مبارک ارواحنا فداه
گذشت مقرر فرمودند ابلاغ نمایم اینکه اظهار فرموده اید در هیئت وزراء
مطرح و تصویب شد که قسط آتیه نفت جنوب با اجازه ملوکانه در
موقع وصول به مصرف خریداری طلا برسد با اینکه اطلاع دارید که
اقساط نفت جنوب جزو وجوه ذخیره می شود و مذاکرات مربوط آن

منحصراً باید به عرض خاکپای مبارک برسد مذاکره مطلب مربوط به هیئت وزراء نبوده مثل این است که تصور شده باشد بدون اجازه هم ممکن است وزارت مالیه بتواند در این مورد اقدامی بنماید. مطالب به این طرز ترتیب نباید به عرض خاکپای مبارک برسد و جای تعجب است که چرا جنابعالی با مقررات و ترتیبات آشنا نمی شوید.

دیگر اینکه خاطر شریف مستحضراست که تمام قروض دولت از بابت مخارج طرق و مؤسسات از قبیل کارخانه سیمان و معدن شمشک و ساختمان بندر و پل ها و غیره از ذخیره لیره باید داده شود.

همچنین مقرر گردیده است دو میلیون لیره جهت بعضی مخارج قشونی کنار گذاشته شود. برای راه آهن هم ممکن است مخارج جدیدی پیش بیاید.

راست است که دولت وجوه ذخیره نموده ولی در مقابل آن این مخارج و شاید خرجهای غیر مترقبه دیگر هم در پیش است. بدیهی است باید پولی داشته باشیم که بتوانیم این مصارف را تأمین نمائیم. اگر پولها را شمش خریداری کردیم، شمش را هم که نمی خواهیم خرج کنیم پس مخارج مزبور از کجا و از کدام محل باید پرداخته شود.

آیا جنابعالی که عقیده خزانه دار کل را نقل می کنید مخارج دولت را هم در نظر گرفته اید؟ به علاوه به جنابعالی اجازه داده شده که معادل يك میلیون لیره به مصرف خرید طلا برسد. اگر باز هم لازم باشد امر مجدد صادر خواهد شد. دیگر تعقیب و تقاضا بدون اینکه سئوالی بشود خارج از دیسیپلین و برخلاف انتظار است. به علاوه مطلب بیشتر شباهت به حساب صرافی و معاملات بورس پیدا کرده است که البته در پیشگاه ملوکانه همچو ترتیبی مطلوب و پسندیده نخواهد بود.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی - حسین

جناب آقای تقی زاده وزیرمالیه
قلم طلای را که سرجان کدمن مدیرکل و نماینده شرکت نفت
انگلیس و ایران قرارداد امتیاز جدید نفت را با آن امضاء نموده و برحسب
تقاضای مشارالیه برای ما ارسال داشته بودید، به شما عظامی نمائیم.
۶ خرداد ۱۳۱۲ - شاه

شماره ۶۲۷ تاریخ ۱۳۴۰/۸/۱۰

محرمانه

جناب آقای تقی زاده

گزارش شماره ۱/۸۴۴۲/ط/۱/۲۶۰۱ م ر مورخ ۴/۸/۶
اداره کل انتشارات و رادیو متضمن شرح ملاقات و مصاحبه آقای
هاریسون سالیسبوری با جنابعالی به شرفعرش مبارک ملوکانه رسید.
شاهنشاه از بیانات جنابعالی نسبت به جبهه ملی اظهار تعجب
فرمودند. رونوشت گزارش مزبور به پیوست ارسال می گردد.
خواهشمند است آن را ملاحظه فرموده اعلام فرمائید آیا با اظهارات
جنابعالی کاملاً مطابق است یا نه؟

وزیردربار شاهنشاهی

(از قرار معلوم تقی زاده گفته بود جبهه ملی هاصددرصد ملی
هستند با تمایلات شدید ناسیونالیستی و به هیچ وجه باتوده ایها و
کمونیستهای روی خوشی ندارند.)

يك سند درباره ضرب سكه هاى زمان فتحعليشاه

توسط اميرھوشنگ دولو

ازجمله كسانى كه دررژيم سابق از نزديكى به شاه بهره فراوانى برد اميرھوشنگ دولو مى باشد كه علاوه برداشتن امتياز صدورخاويار ودخالت درانتصابات مهم و نقش اودرامر قاچاق تريك درسويس درجلدهاى قبلى مورد اشاره قرارگرفته و اکنون نيز يکى ازكارهاى خلاف او كه بافشار وزيرديار وقت هم به نتيجه نرسيد توسط حسين آذين فر ازكارکنان بانک مرکزی ايران درشماره ۳۵ مجله ره آورد انتشار یافته بنظر تان مى رسد:

درسال ۱۳۲۹ چندن ازدارندگان سكه هاى طلاى تاريخى ايران ازجمله على وثوق فرزند وثوق الدوله نامه شكوه آميزى به شاه مى نويسند كه ضرابخانه از روى سكه هاى اصلى فولادى موجود درضرابخانه تعداد ۱۰ سكه طلاى تاريخى با تصوير فتحعليشاه ضرب کرده و به يکى ازکلکسيونرهاى سكه تحويل داده است که آن را خلاف عرف بين المللى و بی اعتباری حیثیت دولت اعلام داشتند. شاه به رئيس شهربانى دستوررسيدگى مى دهد تادرسورت صحت امر سكه هاى طلا مجددا ذوب شده و متخلفان تحت تعقيب قرارگيرند. دوتن ازکارآگاهان مأموررسيدگى شده اند که روشن مى شود غلامحسين فروهر وزيردارائى وقت درمجلس ميهمانى به خواهش دوست ديرينه خوداميرھوشنگ دولو زيرنامه او به مدير کل ضرابخانه دستورمى دهد اقدام کنيد. کارآگاهان سكه هاى طلاى

ضرب شده را از امیر هوشنگ پس گرفته و در ضربخانه ذوب کرده و شمش طلا را به وی پس دادند. ضمناً بازخواست از وزیرداری با موافقت شاه مسکوت ماند.

در سال ۱۳۴۹ که ضربخانه زیر نظر بانک مرکزی اداره می شد علم وزیرداریار نامه ای به مهدی سمیعی رئیس بانک مرکزی می نویسد بدین مضمون:

« بنا به پیشنهاد هوشنگ دولو آجودان کشوری شاهنشاه و موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر سه سری کامل مدال و سکه های طلای قاجار از روی قالب های فولادی اصلی آن که در نزد آن بانک می باشد در ضربخانه ضرب شود و سری اول برای نگاهداری در مجموعه مدال و سکه ها به وزارت دارائی ارسال گردد، سری دوم در مجموعه بانک مرکزی نگاهداری شود، سری سوم به درخواست کننده که کلیه هزینه های طلای مصرفی و کارمزد ضرب را تعهد پرداخت کرده تحویل گردد.

متخصصین موانع کار را گزارش کردند و سمیعی نیز آنها را به اطلاع وزیرداریار رسانید اما تشبث های هوشنگ دولو و کوشش وزیرداریار برای تجدید ضرب سکه ها و مدالها پایان نگرفت. در سال ۱۳۵۵ وزیرداریار با حسنعلی مهران رئیس کل بانک مرکزی گفتگو کرد و بدنبال آن هوشنگ دولو در بانک مرکزی حضوریافت و به اتفاق از خزانه ای که قالب های فولادی مدالها و سکه ها در آن نگاهداری می شد بازدید کرد. سرانجام حسنعلی مهران با صدور نامه ای به وزیرداریار تجدید ضرب آن سکه ها و مدالها را از نظر فنی غیر عملی اعلام کرد و آن درخواست عملاً بایگانی شد.

رای دادگاه انقلاب درباره ارتشبدقره باغی

بعد از سقوط رژیم در ایران عده ای از مقامات سابق اعدام و تعدادی نیز اموالشان مصادره گردید که متن حکم صادره درباره ارتشبدقره باغی رئیس سابق ستاد بزرگ ارتشتاران به نظر تان می رسد.

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران - دادستان انقلاب اسلامی مرکز

دادنامه

تاریخ ۶۱/۹/۱۷

مرجع رسیدگی: دادگاه شعبه دهم انقلاب اسلامی مرکز واقع در

چهارراه شهید قدوسی

تاریخ رسیدگی: یکشنبه ۶۱/۹/۱۴

متهم: ارتشبدفراری، عباس کریم قره باغی، فرزند کریم: دارنده

شناسنامه شماره ۲۶۲۰۹ صادره از ارومیه، دارای عیال و اولاد، آخرین

رئیس ارتش شاه و عضو شورای ضد مردمی سلطنت، متسواری

در دیار کفر با همپالگی هایش بر علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش

مذبوحانه می نماید.

متهم است به وابستگی تام و تمام به دربار شاه و اقدامات مؤثر

در جهت تحکیم و تثبیت پایه های رژیم غیرقانونی و واژگون شده

پهلوی و سرسپردگی بیحد و وابستگی و روابط پنهان و آشکار با

ایادی شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و اقدامات مؤثر در جهت

استقرار و تحکیم وابستگی مملکت ایران و نیز قوای ارتش به غارتگران

جهانی و همچنین مقابله با اسلام و تلاش برای ایجاد انحراف در انقلاب اسلامی ایران و جهت گیری آن در جهت منافع چپا و لگران بیگانه و نیز آمرین و مشارکت مؤثر و تعیین کننده در سرکوب و کشتار وسیع مردم حق طلب آزادیخواه و مسلمان ایران از ابتدای اوجگیری حرکت اسلامی از سال ۴۲ تا پیروزی انقلاب و ضمناً نامبرده در اوج شکوفائی انقلاب اسلامی وزیر کشور دولت غیرقانونی شریف امامی پلید بوده است. متهم این پرونده از ژنرالهای شاخص طاغوت و از جمله افسرانی است که در ابتدای ورود به ارتش همدوش و همدوره شاه بوده و تا انقراض دودمان ننگین پهلوی همدست و همداستان وی بوده است. ارتشبد فراری عباس کریم قره باغی تا سال ۵۳ با اشتغال سمتهای که قابل توجه ترین آن جانشینی فرمانده نیروی زمینی و فرماندهی ارتش سوم، فرمانده لشکرگارد، فرمانده دانشگاه نظامی می باشد، به خوبی قابلیت خود را برای اهداف شومی که برای بیگانگان برای ایران در سر می پروراند نشان می دهد. سپس از سال ۵۳ در سمت فرماندهی ژندارمری کل کشور گمارده می شود و موقعی که او در ۵۶ و اوائل ۵۷ انقلاب چهره می نماید، متهم فوق، ژاندارمها و دیگر نیروهای سرکوبگر را به مقابله با انقلابیون گسیل می دارد. آنگاه از نیمه سال ۵۷ و ۱۷ شهریور خونین، و تعویض مهره هامتهم در ارتقاء درجه در نظامی گری وارد عرصه سیاست شد و در کابینه شریف امامی به وزارت کشور انتخاب و جمله نیروهای انتظامی اعم از شهربانی و ژندارمری و شورای تأمین را تحت تصدی می گیرد.

سپس بعد از نقش آفرینی و خیمه شب بازیهای ژنرالهای دیگر نظیر از هاری و اویسی و فرار آنها از کشور به بهانه بیماری قلبی، متهم در سمت رئیس ستاد ارتش از هم پاشیده شاه منصوب می گردد. آنگاه بعد از فرار شاه و تشکیل شورای سلطنت به عضویت شورای مزبور در می آید و تا روز ۲۲ بهمن که ارتش مجبوره تسلیم در مقابل خواست

های به حق مردم مسلمان می شود تمام تلاش خود را برای حفظ و نگهداری ارزشهای بریادرفته شاهنشاهی مصروف می داشته است. برابرشواهد متهم پس از فرار از کشور ورود خود را به جرگه ضدانقلابیون برای ادامه شرارت و توطئه اعلام داشته است.

باتوجه به مطالب فوق و دیگر محتویات پرونده مجرمیت متهم در سرسپردگی بی حد و وصف به رژیم منحوس پهلوی و نیز غارت بیت امال مسلمین در سایه این وابستگی شوم از طریق گرفتن حقوق نامشروع و زمینهای مردم مستضعف مسلمان ایران در گرگان و گنبد و بندرگر... محرز است. همچنین متهم ضامن کلیه، خساراتی است که در زمان تصدی او به سمت ریاست مشترک ارتش به مصرف نقل و انتقال و سوخت نیروهای ارتشی و نیز مهمات و سلاحها و... در سرکوب مردم مسلمان ایران در دوران حکومت نظامی و نیز گشت زنی شد و... ارتش به مدت طولانی در کوه های اطراف تهران که مخارج روزانه هر هلیکوپتر شد و صد ها هزار تومان بوده می باشد...

رأی دادگاه عالی انقلاب اسلامی

پرونده کلاسه ۵۸/ن/۳۳۴ دادسرای انقلاب مرکز، اتهامی ارتشبد عباس کریم قره باغی (فراری) فرزند کریم، آخرین رئیس ستاد ارتش طاغوت که در شعبه دهم دادگاه مرکز به مصادره کلیه اموال منقول و غیر منقول وی و مصادره تمام اموال اقارب درجه اول وی داده شده است. در دادگاه عالی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه پس از شور به شرح زیر اعلام می گردد:

حسب محتویات پرونده، وی یکی از سرسپردگان رژیم منحوس گذشته بوده که تا آخرین مرحله قدرت نسبت به آنان وفادار و در مقام وقت در خدمت به رژیم طاغوت و سرکوبی مردم انقلابی تا پایان از هم پاشیدن پایه های آنها و شکوفاشدن انقلاب اسلامی بوده است. در

نتیجه مشاغلی را که احراز نموده غصبی و حرام و کلیه حقوقی که در این رابطه دریافت نموده است، مخصوصا آن مبالغی را که جهت سرکوبی مردم انقلابی در سال ۵۷ تحصیل کرده بایداسترداد گردد و همچنین کلیه زمین هائی که توسط سرلشگر مزین ازاراضی دشت گرگان و گنبد به وی داده شده در صورتی که مدعی خصوصی پس از ابلاغیه نداشته باشد جزو اموال مجهول المالك می باشد و مستردمی گردد. ضمنا کلیه وامهائی که از دفتر بنیاد پهلوی، برای دخترش بابت هزینه تحصیل در خارج گرفته (ماهانه ۶۹۳ فرانک فرانسه حداقل و ۱۳۰۰ حداکثر) باید بازگردانده شود.

بنابراین در صورتیکه پس از رسیدگی مشخص شود که اموال باقیمانده از او بیش از مبالغ مذکور نیست حکم مصادره منطبق با موازین است و نسبت به اموال اقارب درجه اول وی مصادره آن مقداری قابل تأیید است که از اموال مذکور در فوق که به دست او رسیده به آنان واگذار نموده باشد.

دادگاه عالی انقلاب اسلامی

۶۲/۴/۸

در پائین این حکم این سطور اضافه شده است:

باتوجه به صورت اموالی که در پرونده آقای عباس کریم قره باغی که عمدتا اموالی است که از شاه و دارودسته اش به یغما برده است، به جز بعضی از اموال که در پرونده منعکس است مثل منزل که در نظر گرفته اید، اینکه کلیه حقوق و... که دریافت نموده بر او حرام است قطعا اموال موجود در پرونده کمتر از مبالغ حرامی است که او از بیت المال خورده است. لذا کلیه اموال شناخته شده متهم محکوم به مصادره است.

تلگراف چرچیل به فروغی

جناب آقای محمدعلی فروغی نخست وزیر ایران - تهران
از تلگراف شادباش جنابعالی به مناسبت امضای پیمان اتحاد
بی نهایت متشکریم. این نخستین مرتبه ایست که ایران و بریتانیای
کبیر و اتحاد جماهیر شوروی گردهم آمده و برای منظور مشترک و
منافع هم عهد گشته اند. مساعی جمیله، که جنابعالی در ایجاد
حسن تفاهم به کار برده اید فال نیکی است برای آینده

وینستون چرچیل
۱۳۲۰/۱۱/۱۲

سرقه شمشیر و نشانها از کنارجنازه رضاشاه

نامه های فوزیه به محمدرضاشاه
خسرو معتضد در کتابی که درباره فوزیه نوشته چنین اشاره کرده
است:

در ماجرای طلاق فوزیه شاه ایران به ملک فاروق پیغام داد که
طلاق مشروط به این است که شمشیری که در کنارجنازه پدرش بوده
همراه نشانها مسترد گردد که موضوع به درازا کشید و حتی شاه ایران
پیغام داد که این شمشیر و جواهرات را می خواهد زیرا متعلق به خزانه
کشور می باشد ولی حاضر است نشانها و شمشیر سلطنتی ایران را برای
ملک فاروق بفرستد که در این جریان مذاکرات و مکاتبات مفصلی شده
که به جایی نرسید و یکی از نامه ها که وزیر دربار ایران به سفیر مصر
در تهران نوشته چنین است:

جناب سفیر

از روی جسد شاه فقید ایران شمشیر و حمایل و نشانهای او
ناپدید شده است، دربار مصر مدعی است که این اشیاء جدا شده،
سر هنگ عصر فتوحی رئیس گارد سلطنتی مدعی شده که به سرقه

رفته است و بعد هم ادعای سوختن در حریق شده است. این حرف، حرف عاقلانه ای نیست، باید اشیائی که از جسد به سرقت رفته فوراً به تهران بازگردد. به همین دلیل ما می خواهیم که جناب عالی برای بازگشت این شمشیر و نشان ها به تهران اقدام لازم را به عمل آورید.

وزیر دربار - محمود جم

این شمشیر از طلای کاملاً خالص بوده و جواهرات آن از احجار کریمه و کمیاب به شمار می رفت. این شمشیر همان شمشیری است که در روز تاجگذاری رضاشاه آن را از کمر حایل کرده بود و به شاهان سابق ایران تعلق داشته و در موزه جواهرات اقبال السلطنه ماکوئی نگهداری می شده است.

چند نامه فوزیه به محمد رضاشاه پهلوی

اعلیحضرتا - من احساس جوانمردانه و عالی شمارا که موجب شد این انگشتری را به من بدهید کاملاً درک می کنم. زیرا از ارزش تاریخی و معنوی آن خبر دارم. به همین جهت علاقه دارم که اعلیحضرت آن را نزد خود حفظ کنید. زیرا این یادگار پدربزرگان است که من نیز به او علاقه مند بودم و محبت هایش رانسبت به خود هرگز از یاد نخواهم برد.

اعلیحضرتا

هیچ انسانی از یازی تقدیر خبر ندارد. مشیت الهی بر این قرار گرفته، من احساس می کنم سعادت شما و خوشبختی من جز با جدائی تحقق پذیر نیست. اطمینان دارم که در این احساس، شما هم شرکت دارید. اراده خداوندی چنین خواسته و باخواست خدا نمی توان جنگید، همه آرزوی من این است که خداوند شمارا از سعادت می که استحقاق آن را دارید و آرامشی که مایلید برخوردار سازد.

ولی ملک فاروق وقتی از متن نامه ها اطلاع حاصل کرد گفت

چرا اینقدر قملق آمیز است باید نامه تندی نوشت که در پایان این نامه نوشته شد.

محمدرضا - میل ندارم باتو ادامه زندگی بدهم. زندگی من و تو تلخ و غیرقابل تحمل است. مراطلاق بده و آسوده ام بگذار
من از آنچه پدر و خانواده ام برایم به ارث گذارده اند دارم که
نیازی به انگشترکذائی تو ندارم، انگشتر خودراپس بگیر. من مرده
آن نیستم.

سرانجام عبدالفتاح عسل بیک سفیرمصر درایران انگشتر را به
ایران آورد و تسلیم دربار ایران کرد.

خسرومعتضد باتوجه به اسنادومدارکی که به دست آمده بعداز
پناهنده شدن رشیدعالی گیلانی ازعراق به ایران پس ازسکست کودتا
بین اوورضاشاه مذاکرات محرمانه ای صورت می گیرد که فوزیه به
عنوان مترجم شرکت داشته است. چندروزبعد سرریدریولارد وزیر
مختارانگلیس درایران به نخست وزیرمراجعه وجزئیات مذاکرات را
به اطلاع می رساند و ازایران شکایت می کند. رضاشاه ازجریان
دچار تعجب می گردد ورضاشاه که فوزیه رامثل تخم چشمش دوست
داشته به کلی به او مشکوک می گردد.

ازقرارمعلوم فوزیه جریان را به میس لمپتون می گوید و اوهم
وزیرمختارا ازجریان آگاه می سازد.

بعدازجدائی فوزیه، صحبت از ازدواج محمدرضاشاه بادخترنظام
حیدرآباد، ثروتمندهندی بود که آن هم صورت نگرفت.

باقرکاظمی وزیرخارجه وقت به هندوستان سفرکرد تادراین باره
اقداماتی انجام دهد.

نامه های متبادله بین رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی (ولیعهد)

هنگامی که محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران در سوئیس تحصیل می کرد کراراً بین «پدر و پسر» نامه مبادله می شد که دو نمونه آن از مجله ره آوردنقل می گردد. نامه رضاشاه به تاریخ ۹ فروردین ۱۳۱۱ و نامه ولیعهد به تاریخ ۶ مرداد ۱۳۱۳ می باشد.

نورچشم ارجمند کامکار ولیعهد:

کاغذ مورخه ۲۱ اسفند واصل گردید و مژده سلامت شما موجب خوشوقتی و مسرت شد. دیکته ها و مشق هاراهم که حاکی از پیشرفت و ترقیات شما بود ملاحظه کردیم و بی نهایت خوشوقت شدیم. البته تا به حال امتحانات مدرسه خاتمه پیدا کرده و به خوبی ازامتحان گذشته اید. تصوری کنم کثرت مطالعه و کار باعث خستگی شده باشد ولی زحمت امتحانات در صورت موفقیت به زودی جبران می شود و در مقابل ازدیاد معلومات و کمالات اهمیتی ندارد خاصه در مورد شما که می دانیم برای کسب فضایل دارای شرایط لازم هستید و رنج و زحمت را بر آسایش و راحت ترجیح می دهید. منتظریم راپرت امتحان شما برسد و موجبات مسرت ما بیش از پیش فراهم گردد. ملکه و شاهدخت ها برای موقع تحویل به قصد تفرج و گردش به بندر پهلوی مسافرت کردند و هنوز مراجعت نکرده اند. به این جهت جواب کاغذهایی که به عنوان آنها ارسال داشته بودید با این پست نرسید و با پست آتیه فرستاده خواهد شد. حال همه ماها بحمدالله خوب است و سلامت و خوشی شما را خواهیم.

۹ فروردین - امضای رضاشاه پهلوی

پاسخ محمدرضا پهلوی (ولیعهد)

سلیسی ۶ مرداد ماه ۱۳۱۳

پدر عزیز و نازنینم راقریان و تصدق می روم. دستخط مبارک را که در ۲۳ تیر ماه تاریخ داشت زیارت کردم از سلامتی مزاج مبارکتان بی نهایت خوشحال شدم و از اینکه در غیاب آن پدری همتا و وطن پرست مملکت عزیزمان حالت منظم و عادی داشته و هیچگونه حادثه و اتفاق سوئی رخ نداده است بی نهایت شاد گردیدم. اشاره فرموده بودید که با وجود مسافت بالنسبه کمی که در میان اسلامبول و سویس است نظر به مصالح مملکتی بنده را به زیارت خودتان مسرور و سرافراز نمودید بلی پدرجان ملاحظات دقیقه ذات مقدستان همواره مشحون از تدابیر و حکم بوده و هست اما لازمست عرض کنم که چه اندازه عشق به زیارت جمال پدر امتنان داشته و دارم و امیدوارم به این نعمت بزرگ عنقریب نائل شوم. پدرجان نمی دانم به چه زبان شکر این را نمایم که در تولید روابط حسنه ایران با سایر ممالک و همسایگان که با اقدامات آن ذات بی همتا صورت گرفته به فکر موفقیت و فراغت خاطر آتیه بنده هستید. خداوند سایه این پدر نازنین را بر سرم مستدام بدارد.

بیست هزار فرانک وجه مرحمتی به مادر مهربان بوده، هزار فرانک به خواهران عزیزم که به وسیله دکتر نفیسی اعطا فرموده بودید رسید بی اندازه متشکریم. از تلگراف مبارک که در موضوع خرید اتومبیل فرموده بودید کمال امتنان را دارم و مطابق میل مبارکتان اتومبیل خوبی که از قبیل آن زیاد باشد وبی نظیر نبود و اسکندر بتواند آن را اداره نماید خریداری خواهم نمود. فرموده بودید که به واسطه گرفتاری و مشغله زیاد فرصت جواب دادن به عریضه مادر مهربان و خواهرانم نفرموده بودید و نباید دلتنگ شوند ایشان هم دلتنگی ابد ندارند و دعاگوی وجود مبارک هستند اما اگر مختصری به مادر عزیزم مرقوم فرمائید بی اندازه متشکر خواهند شد حال مزاجی مادر جانم و خواهرانم و برادرانم و خودم بحمدالله در کمال سلامتی است

محمدرضا پهلوی

هزینه سفر به مجامع بین المللی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۰/۴/۲۵۳۶ تصویب نمودند مبلغ سی و پنج میلیون و سیصد و هفتاد و پنج هزار ریال (۳۵۳۷۵۰۰۰) هم ارز ریالی (۵۰۰۰۰۰۰) دلار هزینه های مسافرت و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به کشورهای فرانسه و آمریکا جهت شرکت در یونسکو و سازمان ملل از محل اعتبارات سال جاری دولت تأمین و در اختیار امور مالی دربار شاهنشاهی گذارده شود.



نخست وزیر

تصویب نامه هیئت وزیران

تاریخ ۲۰/۴/۲۵۳۶
شماره ۴-۲۰۱
در راستای تصویب در دادگاه

سازمان امور مالی
با وکیل امیر باقر
در وزارت امور مالی
اداره امور مالی دربار شاهنشاهی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۰/۴/۲۵۳۶ تصویب نمود مبلغ سی و پنج میلیون و سیصد و هفتاد و پنج هزار

ریال (۳۵۳۷۵۰۰۰) هم ارز ریالی (۵۰۰۰۰۰۰) دلار هزینه های مسافرت و الاحضرت شاهدخت

اشرف پهلوی به کشورهای فرانسه و آمریکا جهت شرکت در یونسکو و سازمان ملل از محل اعتبارات سال جاری دولت

تأمین و در اختیار امور مالی دربار شاهنشاهی گذارده شود.

سرورگرام جناب آقای هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی
پیرو نامه شماره ۳۴۰۶ مورخ ۲۵۳۷/۴/۷ راجع به مسافرت
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به کشورهای مذکور در نامه مزبور
به استحضار عالی می رسد

معظم لها از تاریخ ۲۴ مرداد ۲۵۳۷ به فرانسه و از آنجا با
بیست نفر همراهان در تاریخ ۲۹ امرداد ماه الی ۷ شهریور ماه
برای شرکت در یازدهمین کنگره بین المللی تغذیه به برزیل تشریف
خواهند برد و از برزیل برای شرکت در ژوری جایزه محمدرضا شاه
و نادژدا کرویسکایا (یونسکو) از ۸ تا ۱۰ شهریور با همراهان به
پاریس مراجعت خواهند فرمود و از آنجا به شوروی (آلمان آتا)

از تاریخ ۱۲ لغایت ۲۱ شهریور ماه با همراهان مذکور در جهت شرکت در کنفرانس بین المللی در زمینه خدمات درمانی و بهداشتی عزیمت خواهند فرمود و با مراجعت به تهران از ۲۷ شهریور تا ۱۴ آذرماه با ۱۵ نفر همراهان جهت شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک تشریف فرما خواهند شد. مبلغ یک میلیون و دو بیست هزار دلار درخواستی شامل کلیه مخارج ازبلیط هواپیما - عوارض خروجی - میهمانیها - تهیه کادوهای مناسب برای هریک از کشورها می باشد. لذا استدعا دارد باکسب اجازه از پیشگاه مبارک اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر دستورپرداخت آن را به پیشکاری صادر فرمایند.

باتقدیم احترام

غلامرضا گلسرخی - پیشکار و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در کتاب (تاریخ معاصر ایران) اسامی همراهان و نامه ارسالی و چک مبلغ درخواستی از سوی علی فرشچی معاون نخست وزیر به گلسرخی و اسامی همراهان چاپ شده که چنین است:

آزاده شفیق - نیلوفر پهلوی نیا - ماریانوش انصاری -
مرسده ذوالفقاری - خانم ظفر - عبدالحسین سمیعی - هدایت الله
ذوالفقاری - غلامرضا گلسرخی - علی محمدشاپوریان - مهدی
احساسی - فرید سینمائی - روشنگ اعتماد - مجیدرهنما.

یک سند رسمی درباره دیدار هندرسن با دکتر مصدق در روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ هندرسن سفیر آمریکا با دکتر مصدق نخست وزیر وقت دیداری داشت که مطالب مختلفی در این باره انتشار یافته است ولی متن نامه هندرسن به وزارت خارجه آمریکا در مجموعه اسناد (روابط خارجی ایالات متحده آمریکا) چنین می باشد:

۱ - گفتگوی من با مصدق امروز عصر يك ساعت طول کشید. وقتی مرا پذیرفت کاملاً لباس پوشیده بود (نه با پیجامه) همانگونه که به هنگام تشریفات می پوشند. او مانند معمول مؤدب بود، اما در رفتارش قدری آزدگی پنهانی احساس کردم. پس از مبادله ی تعارف های معمولی تأسف خود را از سلسله حوادثی که پس از عزیمت در دوماه پیش روی داده است اظهار داشتم و افزودم، از اینکه ایران را ظاهراً از نظر سیاسی و اقتصادی بدتر از آن هنگام می بینم، متأسفم. او با لبخندی زنده اظهارات مرا پذیرفت و سکوتی درگفت و گو روی داد.

۲ - تذکره دادم که به ویژه نگران شمار روزافزون حملاتی که به شهروندان آمریکائی می شود هستم. پس از حادثه شیراز او دستورهایی به مأموران اجرای قانون داده بود تا از اتباع آمریکادا کثر محافظت رابه کار برند. بدبختانه به نظر می رسد که مأموران اجرای قانون دوباره سست شده اند. هر يك یاد ساعت یکبار گزارش تازه ای از حمله به شهروندان آمریکائی نه تنها در تهران بلکه در محل های دیگر نیز به من می رسد.

۳ - سپس مصدق به شرح کلی حوادثی که منجر به انحلال مجلس شد پرداخت. اظهارات او در خط کلی اطلاعاتی بود که سفارت قبلاً در اختیار وزارت خارجه گذاشته است. با وجود این تأکید می کرد که ۳۰ تن از نمایندگان مجلس را انگلیسی های کجا خریده بودند. فقط چهل رأی خریده نشده بود. ده تا از این چهل رأی به آسانی با پرداخت صد هزار تومان خریداری می شدند و هنگامی که او آگاه شد مذاکراتی برای چنین معامله ای نزدیک به تکمیل است تصمیم گرفت مجلسی که انگلیسی ها خریده اند به دردملت ایران نمی خورد و باید منحل شود و از من می پرسید چه تفسیری درباره انحلال مجلس دارم.

۴ - به او خاطر نشان کردم مراد عوت می کند درباره امور داخلی ایران اظهار نظر کنم. من احساس می کنم که اظهار چنین تفسیرهایی از جانب دیپلمات های خارجی معمول نیست. با وجود این او باید به یاد داشته باشد که در بعضی از گفت و گوهای گذشته مان بروسواس هائی در این زمینه فائق آمده ام. گفتم یگانه تفسیری که میل دارم در این باره بکنم این است که بنظر من اینکه دولت ایران نتواند ظاهرا بريك مجلسی مبتنی باشد، نه برای ایران سعادت است و نه جای تبریکی به ملت ایران دارد. ایران در خطرناکترین وضعیت بین المللی قرار دارد و من فکر می کنم اطمینان بخش این بود که همه ارگان هائی که قانون اساسی ایران ایجاب می کند می توانستند دست کم در يك حدی از هماهنگی با هم کار کنند.

۵ - به او گفتم مخصوصا در حوادث روزهای اخیر علاقمند و میل دارم درباره کوشش جهت انتصاب ژنرال زاهدی به جای او چیزهای بیشتری بدانم. او گفت که در شب ۱۵ (اوت) سرهنگ نصیری ظاهرا برای بازداشت وی به خانه اش نزدیک شده است. لیکن سرهنگ نصیری و چندتن دیگر بازداشت شده اند. او قسم خورده است که برای عزل شاه اقدام نکند. واگر شاه به جسارتی از این دست متوسل نشده بود سوگند خود را کاملا نگاه می داشت ولی واضح است که نصیری راشاه برای بازداشت او فرستاده بود و شاه را هم انگلیسی ها تحريك کرده اند.

۶ - از مصدق پرسیدم به چه دلیلی خبر مربوط به صدور فرمان و برکناری خود را از نخست وزیری توسط شاه درست می پندارد؟
مصدق گفت او هیچگاه چنین فرمانی را ندیده است و اگر هم دیده بود فرقی نمی کرد. موضع او از دیرگاه چنین بوده است که قدرت شاه تنها جنبه تشریفاتی دارد و شاه حق ندارد با مسئولیت شخصی اش فرمان تعویض حکومت را صادر کند. گفتم من بویژه به این

نکته علاقمندم و میل دارم آن را به دقت به دولت ایالات متحده گزارش دهم، آیا درست فهمیده ام که (الف) او هیچ اطلاع رسمی نداشته که شاه فرمان برکناری او را از نخست وزیری صادر کرده است، و (ب) حتی اگر می دانست که شاه چنین فرمانی را صادر کرده است در شرایط کنونی آن را بی اعتبار می شمرد؟ جواب داد: «دقیقا»

۷ - در عرض بیست و چهار ساعتی که از بازگشت من به تهران می گذرد، اعضای خانواده های مأموران آمریکائی از جانب مقامات گوناگون تهدیدهایی دریافت کرده اند که باعث این تصور در من شده است که گویا بعضی از مقامات ایران مزنوند که سفارت پناهندگان سیاسی ایران را در خود جای داده است. من میل دارم قطعاً بگویم چنین چیزی نادرست است. سیاست کنونی من در این باره این است که (الف) اگر پناهندگان سیاسی بکوشند وارد سفارت شوند آنان را متوقف سازد، (ب) اگر موفق شدند وارد محوطه ی سفارت شوند، کوشش هائی صورت خواهد گرفت تا قانع شوند و داوطلبانه آن راترك کنند. (ج) اگر حاضر نشوند داوطلبانه آن را ترك گویند، تصمیم من این است که به مقامات ایران اطلاع دهم که اشخاصی به سفارت پناهنده شده اند و من برای کسب تکلیف دستور به دولتم تلگراف می کنم.

۸ - مصدق هم به خاطر اظهاراتم از من تشکر کرد و گفت او میل دارد نظر خودش را بر آن بیفزاید. در صورتیکه پناهندگان سیاسی ایرانی به سفارت پناهنده شوند او میل است سفارت آنها را در آنجا نگاه دارد. پرسیدم در چنین حالتی آیا دولت ایران آماده است مخارج مسکن و غذای آنها را بپردازد یا اینکه مایل است از صندوق اصل ۴ برداشته شود. او گفت دولت ایران برغم بودجه محدودی که دارد خوشحال خواهد بود که مخارج این پناهندگان را بپردازد.

۹ - مصدق هنگامی که اوراترك می کردم، در وضع روحی

بسیار بهتری به نظر می رسید. با وجود این خویشتن داری فوق العاده او مرا به این پندارگرایش می دهد که او نسبت به دولت ایالات متحده یا دست کم مأموران ایالات متحده مظنون است که درماجرایی برکناری او دست داشته اند یا پیشاپیش با نظر موافق از این کوشش آگاه بوده اند. در ضمن مطالبش به من گوشه و کنایه هائی وجود داشت که گرچه جنبه ی شوخی به خود می گرفت، با وجود این نیشدار بود. این کنایه ها عموماً اشاره به این داشت که برای برکناری او از نخست وزیری ایالات متحده با انگلیس ها تبانی کرده است. مثلاً در یک مورد اظهار داشت که نهضت ملی مصمم است در ایران قدرت رانگه دارد و تا آخرین نفر به مقاومت ادامه خواهد داد، حتی اگر تانک های انگلیسی و آمریکائی از روی تمام افراد آن عبور کنند. هنگامی که من از این حرف ابروهایم را بالا کشیدم او از ته دل خندید.

۱۰ - امیدوارم مواظبت های ویژه ئی بعمل آید تا از درز کردن محتوای این نامه جلوگیری شود.

هندرسَن

ضمیمه کتاب

ارتشبد قره باغی از خود دفاع می کند

اعلیحضرت تصمیم خود را به سفر از ایران يك روز جلو
انداختند چون احتمال داده می شد که عده ای به فرودگاه
بریزند و مانع سفر شوند

جناب آقای دکتر مصطفی الموتی

بعد از سلام فراوان امیدوارم که در کمال صحت باشید. قبلاً لازم
است از این که نوشته ها و مصاحبه مرا که بیانگر حقایق و روشنگر
رویدادهای بحران ۵۷ ایران بود و در جلد چهاردهم درج نمودید تشکر
نمایم، خیلی از هموطنان که آنها را خوانده بودند از دستیابی به حقایق
وقایع بحران ۵۷ اظهار خوشوقتی می نمودند. من در دوباره خوانی کتاب
های «ایران در عصر پهلوی» به نکاتی برخورددم که از نظر روشن شدن
حوادث تاریخ بحران توضیح در باره آنها ضروری بود و به نظر من این
توضیحات روشنگر میبایستی در همان کتاب «ایران در عصر پهلوی» به
چاپ برسد. اکنون که با خوشوقتی بسیار اطلاع پیدا کردم، انتشار کتاب
ها ادامه دارد آنها را به خدمت شما می فرستم تا به اطلاع خوانندگان
و علاقمندان «ایران در عصر پهلوی» وهم میهنان برسانید.

ضمناً چون پاسخ صحیح اغلب روایات که از قول ویانوشته های
اشخاص در کتابهای «ایران در عصر پهلوی» آمده، در خود کتاب وجود

دارد، من فقط به چند نکته مهم تاریخی که درباره آنها در کتاب «ایران در عصر پهلوی» پاسخگویی نشده و روشن شدن آنها از لحاظ جلوگیری از تحریف تاریخ ضروری به نظرمی رسد اشاره می نمایم.

در صفحه ۳۷۱ جلد دهم کتاب «ایران در عصر پهلوی» از قول ارتشبد فردوست نوشته شده: «بعد از ظهر ۲۱ بهمن قره باغی با من تماس گرفت و گفت در لویزان در خانه ای هستم که دو شخصیت محترم (بازرگان و سنجابی) هم حضور دارند. آقایان از من خواسته اند که فردا صبح در کمیسیونی که در ستاد ارتش و با شرکت افسران عالی مقام تشکیل می شود اعلام گردد که ارتش از اختیار پشتیبانی نمی کند...»!! تمام این نوشته به دلایل زیر دروغ محض می باشد:

۱- من هرگز در خانه ای در لویزان نبودم و به فردوست هم تلفنی نکرده ام و جریان وقایع روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ که بطور مشروح در صفحه ۳۸۸ تا ۴۰۳ در کتاب «حقایق درباره بحران ایران» نگارش یافته، نشان می دهد که من از لحظه مراجعت با هلی کوپتر از بازدید تیپ ۳ لشکرگارد در پیادگان دوشان تپه تا ساعت یک ربع به ساعت ۶ بعد از ظهر آن روز که مجدداً با هلی کوپتر از ستاد برای شرکت در شورای امنیت به نخست وزیری رفتم، از ستاد بزرگ خارج نشده ام و تمام مدت در دفترم بوده ام و چون رفت و آمد رئیس ستاد بزرگ و فرماندهان نیروهای سه گانه آن روزها بعلت تظاهرات مداوم در خیابان های شهرها خود رو بسیار مشکل بود، و بنا به تأکید ضد اطلاعات ارتش از لحاظ امنیت، فقط با هلی کوپتر صورت می گرفت لذا کلیه افسران و پرسنل ستاد بزرگ همیشه از حضور من در ستاد اطلاع داشتند و همگی می دانند که من آن روز از ستاد خارج نشده ام.

۲- همانگونه که در صفحه ۴۴۰ کتاب «حقایق درباره بحران ایران» شرح داده ام، به علت اشغال کلاترینها از بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن به وسیله مخالفین مسلح و حملات شبانه تظاهر کنندگان به

پادگان ها و مراجعت شبانه عده ای مأمور به فرمانداری نظامی به سربازخانه ها در اجرای دستور صادره در اعلامیه شماره ۴۳ فرمانداری نظامی و شهید شدن سرلشگر ریاحی و ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در یگانها، من صبح روز ۲۲ بهمن ۵۷، سپهبد حاتم جانشین و سپهبد فیروزمند معاون ستاد بزرگ را خواسته دستور دادم که فوری يك جلسه شورای ستادی تشکیل دهند تا وضع نیروهای مسلح بررسی شود. ولی تیمساران نامبرده پس از بررسی بارؤسای ادارات گزارش دادند که بعلت نرسیدن گزارش ها به مرکز فرماندهی ستاد و نداشتن آخرین اطلاعات بدون حضور فرماندهان قادر به تشریح اوضاع یگانها نمی باشند و «پیشنهاد تشکیل شورای فرماندهان را به منظور بررسی وضعیت خصوصی نیروهای مسلح نمودند». پس روز ۲۱ بهمن ۵۷ کسی اطلاعی نداشت که شب چه اتفاقاتی خواهد افتاد و یا فردا یعنی روز ۲۲ بهمن چنین شورائی تشکیل خواهد شد تا چنان تقاضائی هم از کسی بنماید!! سپهبد ناصر فیروزمند معاون ستاد بزرگ که خوشبختانه در قید حیات می باشد در دادگاه این مورد را چنین گفته است: «قره باغی من و سپهبد حاتم را احضار کرد و نظر ما را در مورد اوضاع پرسید...» همچنین در زندان اوین نیز در مصاحبه خود با مخبر روزنامه اطلاعات اظهار داشته: «تیمسار قره باغی در مورد پیشنهاد ما موافقت کرد، شورای فرماندهان ۲۷ نفری تشکیل شود...» و اضافه می نماید: «بعد از ساعتها بحث تصمیم بر این شد که اعلام بیطرفی را بکنیم...» (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۹۹۱ و روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۶۹)

در صفحه ۳۲ جلد ۱۴ «ایران در عصر پهلوی» نقل از مجله امید ایران نوشته شده: «در جلسه ای که با حضور شاه و بختیار و ۲۴ تن از سران نظامی کشور تشکیل شد، شاه گفت: «بعلت وضعی که در گذشته بود سالیان دراز از وجود امثال دکتر بختیار استفاده نشد...»! و

سپس چنین ادامه یافته: «پس از خروج بختیار از کاخ فردوست به کاخ آمد و جلسه ای دیگری از شاه و فردوست و سران نظامی بدون حضور بختیار تشکیل شد. شاه گفت چون کاملاً از نیات بختیار آگاه نیستم خواستم از همه آقایان بخواهم که در غیاب من فردوست بر همه کارها نظارت خواهد داشت...»!! من از تاریخ ۱۴ دیماه ۵۷ و قبل از تشکیل دولت بختیار رئیس ستاد بزرگ بودم، لازم است بگویم، بطوری که اغلب سران نظامی هم که خوشبختانه در قید حیات هستند می دانند هیچوقت جلساتی با حضور ۲۴ تن از سران نظامی و بختیار در حضور اعلیحضرت تشکیل نشده و همچنین هرگز جلسه ای با شرکت ارتشبد فردوست وجود نداشته تا اعلیحضرت چنان دستوراتی داده باشند!!

در صفحه ۱۴۸ از قول یکی از دوستان فردوست نوشته شده: «بعد از اینکه بختیار نخست وزیر شد قره باغی بدیدنم آمد و گفت مطلب محرمانه ای دارم، بختیار در نظر دارد حکومت جمهوری اعلام کند و به من پیشنهاد کرده با حفظ سمت معاون رئیس جمهور بشوم...»!! این مطلب کاملاً نادرست می باشد، نه آقای بختیار چنین حرفی به من زده و نه من به فردوست چنین مطلبی گفته ام!

از صفحه ۲۷۷ تا ۲۸۳ جلد ۱۴ کتاب «ایران در عصر پهلوی» در نوشته دکتر منوچهر رزم آراد در کیهان چاپ لندن مطالبی آمده است لذا من فقط درباره چند مطلب مهم تاریخی که در کتاب به آنها اشاره ای نشده به اختصار توضیحات ضروری را می دهم.

در صفحه ۲۷۸ رزم آرا می نویسد: «داریوش فروهر گواهی می دهد حامل پیامی از خمینی به قره باغی بوده است»!! این مطلب کاملاً نادرست می باشد، زیرا آقای داریوش فروهر در مصاحبه خود با دکتر ضیاء صدرالاشرفی چنین می گوید:

«... نامه ای خطاب به امرای ارتش و نه بعنوان آقای قره باغی

وجود دارد. اما به سبب آنکه کوشش رابط ما با ارتش مبنی بر اعلان همبستگی ارتش با ملت به جایی نرسید، آن پیام منتشر نگردید... من و قره باغی هرگز همدیگر را ندیده و باهم تماسی نداشته ایم.» کیهان چاپ لندن شماره ۲۹۰ سوم اسفند ۱۳۶۸.

سپس رزم آرا چنین اضافه می کند: «بازرگان تأییدی کند که رئیس ستاد با انقلاب اسلامی کنار آمد»!! این مطلب کاملاً خلاف واقع و ناشی از اظهارات نادرستی می باشد که آقای بازرگان در شب ۲۳ بهمن ۵۷ در نطق تلویزیونی خود پس از پایان جلسه ملاقاتی که آقای بختیار در منزل آقای مهندس جفرودی ترتیب داده بود، ولی در آنجا حاضر نگردید، بدین صورت گفته است: «تیمسار ریاست ستاد ارتش در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمود.»!! در صورتی که آقای مهندس جفرودی در سال ۱۳۶۳ پس از انتشار کتاب من «حقایق درباره بحران ایران» ضمن مصاحبه خود با هفته نامه قیام ایران شماره ۸۲ درباره آن، علت و چگونگی اظهارات تلویزیونی بازرگان را فاش ساخته و چنین توضیح داده است: «آقای بازرگان از تشبید قره باغی خواست که ارتش طرفداری اش را از انقلاب از رادیو و تلویزیون اعلام کند، ارتش تشبید قره باغی از قبول این تقاضا امتناع کرد و گفت که ارتش اعلام بیطرفی کرده است... تیمسار مقدم پیشنهاد کرد که آقای بازرگان در صحبت تلویزیونی بگوید که ارتش پشتیبان انقلاب است، چون ارتش تشبید قره باغی دیگر دسترسی به رادیو و تلویزیون ندارد، مطلب خاتمه یافته تلقی می شود.»

رزم آرا در صفحه ۲۷۹ به شایعات خلاف واقع ذکر شده در کتاب «پاسخ به تاریخ» راجع به فرماندهان ارتش و من، اشاره می کند که چون دلایل و مدارک مسلم درباره نادرست بودن آن در صفحات ۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷ جلد چهاردهم «ایران در عصر پهلوی» ذکر گردیده

لذا لزوماً از نظر ثبت در تاریخ وقایع بحران ۵۷ نکات زیر نیز به اطلاع می رسد. نتیجه تحقیقات انجام شده در این مورد و بررسی واقعیتها و مدارک مربوط به رویدادهای بحران در این مدت به خوبی نشان می دهد که نه تنها شایعات ذکر شده در کتاب پاسخ به تاریخ راجع به فرماندهان ارتش و من به عللی که در صفحات مذکور بیان گردیده نادرست می باشد، بلکه اساساً نظر خود اعلیحضرت نیز غیر از این بوده است. برای روشن شدن این مطلب من فقط به ذکر سه مورد از اظهارات اشخاص موثق که خوشبختانه همگی در قید حیاتند و در فرانسه به سر می برند اکتفا می کنم:

در اواخر سال ۱۳۵۹ برای اولین بار ضمن عبور از کوچه پاسی Passy با آقای دکتر حبیب دادفر (نماینده سابق مجلس شورایی) ملاقاتی دست داد و ضمن ابراز خوشوقتی که از این دیدار حاصل شده بود، آقای دادفر پیشنهاد کرد که چون استودیوی من در همین چند قدمی است بهتر است به منزل ایشان برویم و بنشینیم و قدری صحبت کنیم. من با طیب خاطر از این پیشنهاد استقبال نمودم و در این جلسه بود که من بعد از ذکر مصیبتها و چگونگی نجات و خروج از ایران، این مطلب را بعنوان درد دل و گله از اعلیحضرت با ایشان در میان گذاشتم و گفتم اعلیحضرت در تمام طول مدت دولت های شریف امامی، از هاری و بختیار تا لحظه خروج از کشور در هر ملاقات و فرصتی مرتباً به من می فرمودند که مشکل مملکت سیاسی است نه نظامی و اضافه می کردند تلاش کنید تا خونریزی نشود و این مطلب را در کتابشان هم نوشته اند که روزهای آخر، وقت من پای تلفن می گذشت که مرتباً دستور می دادم مواظب باشید خونریزی نشود. در اولین جلسه شورای سلطنت که با حضور اعلیحضرت تشکیل گردید چون پیش بینی ها این بود که روز ۲۵ دی ماه مجلس سنا و روز ۲۶ دی ماه مجلس شورای ملی به دولت رأی اعتماد خواهند داد، بنابراین

مسافرت اعلیحضرت و همراهان به خارج از کشور در روز ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ صورت خواهد گرفت. اعلیحضرت در روز ۲۵ دی ماه به من فرمودند: نخست وزیر می گوید خبر کودتای ارتش که این روزها در اخبار خارجی و روزنامه ها تکرار می شود ایجاد وحشت کرده و لازمست ارتش آن را تکذیب کند که منم اطاعت کردم و همان روز طی مصاحبه ای، موضوع کودتای ارتش را تکذیب کردم (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۶۰) از آنجائی که گفته می شد در روز مسافرت اعلیحضرت ممکن است جماعتی به فرودگاه بریزند و مانع مسافرت بشوند ایشان به جای روز ۲۷ در روز ۲۶ دی ماه بطور غیرمنتظره از کشور خارج گردیدند و در فرودگاه مجددا فرمودند، مواظب باشید که فرماندهان يك وقت دیوانگی نکنند و به فکر کودتا نیفتند. حالا واقعا نمی فهمم که اعلیحضرت بعد از ۴۲ سال شناسائی من، با آن همه خدمات صادقانه لشگری و کشوری که از من دیده بودند و آن اندازه اطمینان و اعتمادی که به من ابراز می داشتند، و با وجود آنهمه اصرار من در موقوع رفتن که اجازه بدهید ارتباط با استاد بزرگ برقرار یماند تا بتوانم جریانات را مرتبا گزارش بدهم و قبول نکردند و یاد دولت هم ارتباط نداشتند و مدت يك ماه در جریان اوضاع و احوال کشور و ارتش نبودند، چگونه این مطالب نادرست را در کتابشان نوشته اند؟ آقای دکتر دادفر ابتدا شروع کرده استمالت من و این که، تیمسار راهمه می شناسند و در وطن پرستی، درستی، صداقت، خدمات و... شما کسی تردید ندارد، بعلاوه باید دانست که اعلیحضرت بیمار بودند و از نظر روحی ناراحت و قطعاً مانند همیشه اطرافیان اینهارا گفته اند... گفتم اطرافیان گفته باشند، ایشان چرا قبول کردند؟ بالاخره وقتی دید که من خیلی ناراحت هستم و گله را ادامه می دهم اظهار داشت برای اینکه خیال شما را کاملاً راحت کنم حاضرم مطلبی را به شما بگویم به شرطی که قول بدهید آن را به کسی

نگوئید. گفتم قول می‌دهم. گفت يك مقام مهم نظامی که به حضور اعلیحضرت رسیده است، چندی پیش به من اظهار داشت که در یکی از ملاقاتها از اعلیحضرت سؤال کردم که نظرشان درباره حرفهائی که در مورد ارتشبدفردوست و ارتشبدقره باغی می‌زنند چیست؟ و اعلیحضرت فرمودند: «در باره فردوست نمی‌توانم چیزی بگویم ولی در مورد قره باغی غیر ممکن است که او نسبت به ما مرتکب خیانتی شده باشد.» و اضافه کرد، بهمین دلیل بود که گفتم این نوشته‌ها نظر اعلیحضرت نیست. وقتی سؤال کردم این مقام نظامی کیست جواب داد این موضوع سری است و فعلا نمی‌توانم بگویم، ولی مطمئن باشید و قول می‌دهم عین حقیقت است...

بعدها روزی آقای دکتر دادفر پس از اصرار فوق العاده من درباره آن مقام نظامی اظهار کرد که این مقام سپهبد حاجیعلی کیا رئیس اسبق اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران می‌باشد. سؤال کردم شما مگر با تیمسار کیا آشنائی دارید؟ جواب داد بلی، در گذشته من وکیل مدافع ایشان بودم و حالا هم گاهی اورامی بینم. ضمنا تکرار نمود که این مطلب نزد خودتان باشد (ولی چون حالا بیش از ۱۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد من برای ثبت در تاریخ این مطلب را ذکر می‌کنم).

آشنائی من با آقای دکتر دادفر از زمانی که عهده دار فرماندهی ژاندارمری کشور بودم و آقای دادفر در مجلس شورایی ریاست کمیسیون بودجه را داشت و من در موقع بررسی بودجه ژاندارمری کشور در کمیسیونهای مربوطه شرکت می‌کردم، شروع شده بود... به هر حال بعد از ملاقاتهایی که ذکر آن رفت، يك روز آقای دادفر تلفن کرد که قرار است به قاهره بروم و به حضور شهبانوم خواهد رسید و از من پرسید آیا پیغامی برای ایشان دارم یا نه؟ گفتم بلی دارم و ضمن ملاقات حضوری گفتم گله‌هایم را قبلا باهم صحبت کرده‌ایم و دیگر تکرار نمی‌کنم. اما یادداشت مختصری هم از اوضاع و احوال کشور و

وضعیت عمومی ارتش و رویدادهای مهم در روزهای آخر تهیه کرده ام که خواهش می‌کنم به ایشان برسانید و یادآور شدم که وقتی در کتاب آقای دکتر نهاوندی خواندم که شهبانو طی یک مذاکره تلفنی، از حال و احوال همسرش استفسار نموده اند، برایم این سؤال پیش آمد که در قبال چهل سال خدمتگذاری چه شد که با یک تلفن از اوضاع و احوال خانواده من جویا نشدند؟

بعد از مراجعت از قاهره ابتدا دکتر دادفروسپس دکتر کاظم ودیعی (وزیر کار و امور اجتماعی سابق) چگونگی مذاکرات را به این صورت بیان نمودند: بعد از آنکه آقای دادفر مطالب تیمسار را به شهبانو بیان داشت، ایشان و الاحضرت ولیعهد را صدا کرده، اظهار نمودند:

«می‌خواهم پیامی برای ارتش بدو بفرستم می‌خواستم و الاحضرت هم آن را بشنوند» سپس چنین گفتند: «به ارتش بدو بگوئید نه اعلیحضرت و نه من در مورد او کوچکترین نظر نامساعدی نداشته ایم. در آن وقتها ما خودمان هم نمی‌دانستیم چه باید بکنیم تا چه رسد به فکر کردن به ایشان یا به خانواده ایشان.»

مورد سوم، اظهارات آقای هنری بونیه Henri Bonnier مدیر انتشارات آلبین میشل Albain Michel ناشر کتاب «پاسخ به تاریخ» می‌باشد. در سال ۱۳۶۰ در ملاقاتهایی که به منظور بررسی انتشار کتاب «حقایق درباره بحران ایران» به زبان فرانسه با وی داشتم و از ملاقاتهای مکرر خود با اعلیحضرت و روزهای زیادی که در زمان تدوین کتاب پاسخ به تاریخ به زبان فرانسه، حتی در طی مسافرت به کشورهای مختلف، در خدمت ایشان گذرانده برایم صحبت می‌کرد. روزی از او پرسیدم: آقای بونیه در این مدت که با اعلیحضرت درباره رویدادهای بحران در ایران صحبت می‌کردید، نظرشان درباره من چه بود؟ جواب داد: «شاه هیچگونه نظر نامساعدی درباره شما نداشت.» سؤال نمودم پس این شایعات چیست؟ که

در کتاب اونوخته شده ؟ اونگاه توأم با حیرتی به من انداخت وگفت: «ژنرال شما مگر نمی دانید آن روزها چه اشخاصی در اطراف اعلیحضرت بودند و در کربدورهای کاخ چه می گذشت؟» و اضافه کرد: «شما چطور این سؤال را از من می کنید؟...»

باتوجه به اظهارات اعلیحضرت به سپهبدکیا و اظهارات شهبانو به آقایان دکتر دادفر و دکتر ودیعی و بیانات صریح آقای بونیه ناشر کتاب اعلیحضرت و همچنین سایر تحقیقاتی که در این مدت بعمل آمده مسلم گردیده است که ذکر این شایعات نادرست در کتاب «پاسخ به تاریخ» در اثر تلقینات اشخاصی مثل ارتشبد اووسی و بستگانش مانند سرتیپ جوادمعین زاده و بخصوص شاپوریختیار که به منظور برائت خود و سرپوش گذاشتن به همکاریهای نزدیکش با مخالفین و ژنرال هایزر با استفاده از ۱۴ ماه غیبت من بعلت اختفا و عدم امکان خروج از ایران، با بهره گیری از بی اطلاعی اعلیحضرت در آن حالت روحی نامطلوب و بیماری سخت، صورت گرفته است و خوشبختانه امروز دیگر برملا شدن اسرار پشت پرده برای آنهایی که علاقمند به بررسی و تحقیق درباره رویدادهای بحران ۱۵۷ ایران می باشند، درک چگونگی امر بهیچوجه مشکل نیست.

در صفحه ۲۸۰ دکتر رزم آرا نوشته است: «قره باغی می گفت برای مسئله ایران راه حل نظامی وجود ندارد و راه حل سیاسی است. از طرف دیگر تجویز می کرد که ارتش در سیاست مداخله نکند. آیا راهی بهتر از این برای گیج کردن فرماندهان نظامی وجود داشت؟!! مغرضانه بودن ذکر مطلب به این صورت برای هر خواننده ای کاملاً روشن است زیرا: اولاً فرماندهان نظامی مانند هر نظامی دیگر اطلاع کامل داشتند که برابر مقررات نظامیان و ارتش حق مداخله در سیاست را ندارند. ثانیاً خیلی جلوتر از قره باغی اعلیحضرت فقید در موقع معرفی دولت بختیار چنین گفته بودند: «در ۱۵ آبانماه ۱۳۵۷ خطاب

به ملت ایران من يك تعهداتی کردم... یکی از آن تعهدات این بود که برای مشکلات ایران يك راه حل سیاسی پیداکنم... دولت جدید براساس همان پیمان پیدا کردن راه حل سیاسی تشکیل شده است...» (روزنامه کیهان هوایی شماره ۳۰۲ دی ماه ۱۳۵۷). بطوریکه در کتاب «حقایق درباره بحران ایران» مشروحا نوشته ام نه تنها شورای سلطنت و دولتهای شریف امامی و بختیار رسما دنبال راه حل سیاسی برای مسئله ایران بودند، بلکه دولت نظامی ارتشبدازهای هم در جستجوی راه حل سیاسی برای مشکل مملکت بود.

در همان صفحه رزم آرامی نویسد: «شاپوربختیارمسئله استعفای خودرادروغ بزرگی می داند که قره باغی شایع می کند... اگرقره باغی سندی دراین مورد دارد وقت ارائه دادن آن است.» جای نهایت شگفتی است که رزم آرا که خودپیشنهاددهنده و اصرار کننده استعفاء به آقای بختیار بوده، استعفای بختیارراشایعه ای ازطرف من وانمودمی کند!! درصورتیکه آقای مهندس بازرگان در صفحه ۷۴ کتاب خود «انقلاب ایران دردوحرکت» صراحتامی نویسد: «عده ای ازوزیران نیزازجمله آقای دکتررزم آرا وزیربهداری آماده عمل شده به نخست وزیرشاه پیشنهاد و اصراربه استعفا می کردند» همچنین آقای دکترابراهیم یزدی درصفحه ۱۶۹ کتابش «آخرین تلاشها درآخرین روزها» می نویسد: بختیار استعفای خودرا کتبانوشته و به اعضای شورای انقلاب درتهران داده بود» و چنین ادامه می دهد که: «آقای صدرحاج سیدجوادی توضیح دادند که متن استعفا را برایش فرستادیم، او پس از دستکاریهایی به خط خود که عین آن نزدمن است آن را فرستاد وموافق شد.» سپس متن نهائی استعفای بختیاررا عینادرصفحه ۱۷۰ کتابش به چاپ می رساند و خبرگزاری فرانسه نیزمصاحبه آقای بازرگان باصدای آمریکارا چنین گزارش می کند: «مهدی بازرگان گفته است که بین حضرت آیت الله خمینی و

بختیار توافق ضمنی صورت گرفته است و شاپوربختیار تقبل کرده است که به مجرد تشکیل شدن دولت موقت اسلامی از کارکناره گیری کند.» (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۶۵ یکم بهمن ۱۳۵۷). همچنین آقای مهندس امیرانتظام جریان قرارومداراستعفای آقای بختیار در بعداز ظهر روز ۲۲ بهمن ۵۷ را از قول خود نخست وزیر در روزنامه اطلاعات شماره ۱۶۰۶۹ پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۸، چنین شرح می دهد: «روزیکشنبه ۲۲ بهمن بختیار به دفتر مهندس بازرگان به من تلفن کرد و گفت امروز ساعت ۴ بعداز ظهر یعنی (یکشنبه ۲۲ بهمن) همان جلسه (جلسه منزل آقای مهندس جفرودی) تشکیل می شود و او خواهد آمد و استعفا خواهد داد.» بعداز ظهر روز ۲۲ بهمن وقتی که من بهمراه سپهبد مقدم به منزل آقای جفرودی برای ملاقات آقایان بختیار و بازرگان رسیدیم، ایشان اظهار داشت: «آقای بختیار استعفایش را نوشته و فرستاده ولی به علل امنیتی در جلسه حاضر نشده است.»!!

خبر استعفای بختیار بعداز ظهر روز ۲۲ بهمن از رادیو و تلویزیون کشور پخش و در مطبوعات اعلام گردید، آقای بازرگان نخست وزیر دولت موقت نیز آن را تأیید نمود (روزنامه های کیهان شماره ۱۰۶۳۶ و ۱۰۶۳۷ اطلاعات شماره ۱۵۷۸۳ دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و اطلاعات شماره سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۵۷).

پس بطوری که روشن شد، جریان استعفای آقای بختیار صراحتاً توسط آقایان: بازرگان، یزدی، صدر حاج سید جواد و امیرانتظام بیان گردیده و به وسیله رادیو و تلویزیون و مطبوعات کشور در روزهای ۲۳ و ۲۴ اعلان گردیده است. من هم به طوری که در کتاب «حقایق بحران ۵۷ در ایران» نوشته ام شاهد عینی استعفانامه آقای بختیار در منزل آقای مهندس جفرودی در دست آقای امیرانتظام بودم. پس اظهارات رزم آرا به این صورت که «استعفای شاپوربختیار را قره باغی شایع

می کند» دروغ محض می باشد.

در صفحه ۲۸۱ رزم آرا در نوشته اش دایه دلسوزتر از مادر شده
سئوالی رابه این صورت مطرح می کند! «آیا ارتش از بختیار پشתיبانی
کرد؟» به جای بختیار خودش چنین جواب می دهد: «پاسخ بختیار
چیست؟ می گوید برخی از سران ارتش مرتکب خیانت شدند.» سپس
از قول خودش اضافه می کند: «ارتش بدقره باغی در میان این (برخی
سران) است!!! در صورتیکه خبرگزاری فرانسه مصاحبه بختیار را
چنین گزارش می نماید: «نخست وزیر ایران درباره ارتش گفت از ۵۰
سال پیش سابقه نداشت که ارتش این چنین از یک نخست وزیر پیروی
کند...» (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۵۷).

سپس در همان صفحه رزم آرا چنین می نویسد: «قره باغی می
گوید، تمام وقایع بحران ۵۷ یعنی خروج اعلیحضرت از کشور، آمدن
خمینی به ایران، هرج و مرج در کشور و بالاخره سقوط رژیم، نتیجه
همکاری مخفیانه بختیار با مخالفین و ژنرال هایزروهکاری وی در
ایران است. در حالی که بختیار هایزر راحتی یک بار هم رؤیت نکرده
است.»! در صورتی که بعد از رفتن ژنرال هایزر از ایران مطبوعات
از جمله اطلاعات (شماره ۱۵۷۷۹ چهارشنبه ۱۸ بهمن ۵۷) اعلام
داشتند که هادینگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بعد از
مراجعت ژنرال هایزر از ایران به آمریکا رسماً اعلام نموده که:
«روز دوشنبه ۵ فوریه (۱۶ بهمن ۵۷) کارتر به اتفاق سایرونس وزیر
امور خارجه و هارولد براون وزیر دفاع با ژنرال رابرت هایزر که پس از یک
ماه اقامت در تهران به واشنگتن بازگشت گفتگو و تبادل نظر کردند،
ژنرال آمریکائی در این مدت با شاپور بختیار و فرماندهان نظامی ایران
دیدار و گفتگو کرده است.» با وجود این مدرک مسلم ملاقات بختیار
با هایزر، رزم آرا از بختیار دفاع کرده و ملاقات آنها را انکار می نماید.
۱- به منظور سرپوش گذاشتن به همکاریهای آشکار و پنهان

بختیار باژنرال هایزر که من بطور مشروح در کتاب «اسرار مأموریت ژنرال هایزر در بحران ایران» توضیح داده ام.

۲ - مخفی نگهداشتن لغو قراردادهای خرید اسلحه و تجهیزات ایران از آمریکا که به وسیله بختیار صورت گرفته است، در این مورد ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت بازرگان در کتاب «بررسی سفرهایزر به ایران» در صفحه ۳۶ در بخش «سفرهایزر و لغو قراردادهای فروش اسلحه» چنین می نویسد: «همزمان با سفرهایزر به ایران یکی از نظامیان برجسته پنتاگون به نام اریک فن مارید به ایران فرستاده شد، هایزر و فن مارید تا آخرین روزهای حکومت بختیار در ایران ماندند و به کمک سولیوان و یاپیگیری اودر ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ تفاهم نامه ای مبنی بر لغو این قراردادها توسط بختیار امضا کردند... لغو این قراردادها به دست دولت بختیار در آن شرایط به دولت آمریکا امکان داد که نه تنها آن تجهیزات و سلاح های سفارش شده را به دولت ایران تحویل ندهد، بلکه میلیونها دلار از بابت جریمه لغو این قراردادها توسط دولت ایران، از حساب تنخواه گردان ایران برداشت نماید.» و اضافه می کند: «سالیوان سپس برای نشان دادن خدمتی که به آمریکا کرده است می نویسد که امضای این تفاهم نامه حداقل ۴ میلیارد دلار به نفع دولت آمریکا تمام شد.» سالیوان نیز ضمن تشریح و تأیید این موضوع در صفحه ۲۴۷ کتابش «مأموریت در ایران» این اقدام را یکی از خدمات بزرگ خود به آمریکا در مدت سفارتش در ایران ذکر می نماید.

بنابراین با توجه به اظهارات صریح هادینک کارتر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، ابراهیم یزدی و سالیوان روشن می شود که برخلاف نوشته رزم آرا، نه تنها بختیار ژنرال هایزر را ملاقات کرده و با وی همکاری پنهانی داشته بلکه بدون اطلاع ستاد بزرگ قرارداد های خرید تجهیزات و اسلحه را نیز به شرح مذکور به ضرر دولت ایران

وبه نفع آمریکا لغو نموده است.

در صفحه ۲۸۲ رزم آرا منکر سازش بختیار با شورای انقلاب می شود، در صورتی که ابراهیم یزدی در صفحه ۱۳۷ کتاب خود «آخرین تلاشها در آخرین روزها» چنین می نویسد: «بختیار پس از انتخاب به (نخست وزیر) اقدام به تماس با شورای انقلاب نمود و برای این کار ابتدا با مهندس بازرگان تماس گرفت، در ۲۶ دیماه یعنی همان روز خروج شاه از ایران، مهندس بازرگان از تهران به نویسنده (یزدی) تلفن زدند و اطلاع دادند که «بختیار... پیغام داده است که آقاچه امری دارند بروم یا بمانم خدمتی که باید انجام بدهم دادم چه مصلحتی می دانید؟ مطلب رایا داشت کردم تا با امام مطرح ساخته و نظرشان را بپرسم...» آقای بازرگان نیز در نامه خود در روزنامه اطلاعات (شماره ۱۶۰۶۹ پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۸) می نویسد: «بختیار راضی به مسافرت پاریس برای رسیدن به خدمت امام و مذاکره حضوری و احیانا استعفا و دریافت مأموریت یا اجازه تشکیل کابینه مورد قبول وزیر نظر شورای انقلاب شد.»

در صفحه ۲۸۲ از قول رزم آرا نوشته شده: «از قره باغی باید سؤال کرد که اگر بختیار با خمینی و مخالفان زدوبندی داشت در سال ۱۹۸۰ خمینی تروریستهای خود را برای کشتن بختیار فرستاده بود یا قره باغی؟» دلیل قاطع بر این که بعد از وقایع ۲۲ بهمن ۵۷ خمینی بهیچوجه قصد مجازات بختیار را نداشت اینست که در روز ۲۴ بهمن ۵۷ خبرگزاری پارس و روزنامه اطلاعات (شماره ۱۵۷۸۴) اعلان نمودند: «دکتر شاپور بختیار نخست وزیر رژیم سابق دستگیر و به کمیته امام آورده شد» بعد از ظهر همان روز «دکتر صالح خو سخنگوی دولت موقت بازرگان ضمن اعلام اسامی وزراء درباره دستگیری دکتر بختیار توضیح داد که از نخست وزیر سابق بازجوئی خواهد شد و در صورت بیگناهی بلافاصله آزادی شود.» روزنامه اطلاعات (شماره

۱۵۷۸۵ چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه ۵۷) بختیار به پاس خدماتی که برای به قدرت رسیدن خمینی بعمل آورده بودیا به قول رزم آرا «زدبندی که داشته» بیگناه تشخیص داده شده و «بلافاصله» آزاد می گردد. سپس روزنامه ها نوشتند که شاپوربختیار باکمک بازرگان ازنندان نجات یافت! بعدا نیز معلوم گردید که وی با دادن وعده عدم مداخله در امور سیاسی ایران ازنندان خمینی مرخص شده است! این موضوع را خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۹ (۹ مردادماه ۱۳۵۸) چنین اعلام نمود: آقای بختیار در پاریس برای نخستین بار در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و شایعات دایر بر اینکه خود را برای ایفای یک نقش فعال در زندگی سیاسی کشورش آماده می کند تکذیب کرد... و اضافه نمود «من که یک ایرانی ساده هستم هیچگونه دولت موقت تبعیدی و یک حزب مخالف تشکیل نخواهم داد». خبرگزار اضافه می کند: «بختیار سپس این شایعه را که دستور داده بود محل اقامت امام خمینی در تهران بمباران شود تکذیب کرد.» (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۹۱۹ چهارشنبه دهم مرداد ۱۳۵۸) پس اگر بعدها به قول رزم آرا، خمینی قصد کشتن بختیار را می نماید، به احتمال قوی بعلت اقدامات برخلاف تعهدات بختیار و همکاریهای وی با مأمورین دولت عراق می باشد.

در پایان لازم است یادآوری بکنم که افراد کمیته همان صبح روز ۲۳ بهمن ۵۷ مسلحانه برای دستگیری من (قره باغی) به خانه ام حمله نموده، پس از شکستن در و پنجره و شیشه ها چون مرا پیدا نمی کنند، اسباب و اثاثیه را غارت می نمایند و سپس دادگاه انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۶۱ کلیه دارائی من و همسر و فرزندانم را مصادره نموده است...

با آرزوی سلامت و سعادت و موفقیت شما
پاریس ۱۳ بهمن ۱۳۷۲ - ارتشبدعباس قره باغی

اعلامیه بیطرفی ارتش واظهار نظر:

ارتشبدجم - ارتشبدقره باغی - سپهبدرضوانی و سپهبد پرویز خسروانی و چندتن دیگر از امرای ارتش و بستگان آنها

اعلامیه بیطرفی ارتش در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ از جمله مهمترین مسائلی است که هنوز بحث درباره آن در رسانه های گروهی ادامه دارد. ارتشبدقره باغی در نوشته های خود درباره این اعلامیه مطالبی بیان داشته و چندتن دیگر از امرای ارتش نیز اظهار نظرهایی کرده اند که از نظر ثبت در تاریخ لازم بنظر رسید خلاصه ای از آنها در کتابهای ایران در عصر پهلوی در کنار هم قرار گیرد.

ارتشبدفریدون جم که از سرشناس ترین امرای ارتش بوده و نه تنها مورد قبول خیلی از مقامات نظامی می باشد بلکه در محافل سیاسی و اجتماعی نیز از حسن شهرت کافی برخوردار می باشد در مصاحبه ای با علیرضا میبیدی در رادیو ۴ ساعتی ۲ ساعتی لوس آنجلس چنین گفتگو کرده است:

س - چندبار با ارتشبدقره باغی درباره اعلامیه بیطرفی ارتش صحبت کردم، اگر شما در راس ارتش بودید روزیست و دوم بهمن اعلامیه ای به نام اعلامیه بیطرفی را اجازه می دادید امضاء شود؟
ج - بگذارید عرض بکنم که من درست نمی دانم این کار (اعلام بی طرفی ارتش) در چه شرایطی انجام شد، می گویند که ارتش در آن تاریخ بکلی متلاشی شده بود و دیگر توانائی نداشت. البته از اول نباید می گذاشتند که ارتش متلاشی بشود. در کجای دنیا

دیده شده که يك ارتش ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار نفری در مقابل يك عده آخوند
يك عده ارادل و اوباش خیابان متلاشی بشود؟

در تاریخ دنیا این دفعه اولی است که ارتشی ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار
نفری، منظم، منسجم و... در مقابل يك جمعیت نامربوط متلاشی شده
است. این عمل برای من قابل بررسی است، البته نباید اجازه داده
می شد که این جریانات به اینجاها کشیده بشود ولی خوب اجازه
دادند و به اینجا هم کشیده شد و جلساتی هم تشکیل دادند.

ایرادی که دارم اینست: جلسه ای را که می گفتند شورای
فرماندهان معنی نداشت که يك عده از امرای غیر مسئول راجع بکنند
و بگویند شورای فرماندهان. شورای فرماندهان عبارت از کیست؟
این شورایی رئیس کل ستاد ارتش، فرمانده نیروی زمینی، فرمانده
نیروی دریائی، فرمانده نیروی هوائی، فرمانده ژاندارمری و قوام شد و
رفت و اشخاص غیر مسئول دیگر چه حقی داشتند که در آن جلسه
بنشینند و اظهار نظر بکنند. بالاخره آمدند و اظهار نظر کردند. این
اظهار نظر باید به تصویب نخست وزیر دولت می رسید، نه اینکه
ستاد آن را اعلام بکند و به مرحله اجرا بگذارد.

باید دولت آن را تصویب می کرد. بالاخره ارتش هر مملکتی تابع
دولت آن مملکت است. سر خود نمی تواند باشد. مخصوصاً اعلیحضرت
هم از ایران تشریف برده و فرموده بودند از دولت قانونی پشتیبانی
کنید. دولت قانونی هم بغیر دولت بختیار وجود نداشت.

نیروهای مسلح متلاشی شده بود

روزنامه نیمروز چاپ لندن، گفتگوی میبیدی با ارتشبد قره باغی
را چنین منتشر ساخته است:

ارتشبد قره باغی در پاسخ به این سؤال که چه شد و تحت چه
انگیزه ای ارتش در برابر انقلاب اعلام بی طرفی کرد، می گوید:
باید در همان شرایط انقلاب قرار گرفت تا مفهوم اعلام بیطرفی

ازسوی نیروهای مسلح رادریافت. وقتی ارتش اعلام بیطرفی کرد، چیززیادی ازنیروهای مسلح باقی نمانده بود، همافرها به دیدارخیمینی شتافته بودند، میان گاردوهمافرها درگیرهای مسلحانه رخ داده بود، انبارهای ارتش تاراج شده بودند وحتی درخیابان، دربرابر پوسی کولا میان مردم اسلحه توزیع می کردند، شاه ازایران رفته بود وبرخلاف دفعات قبل هیچگونه اختیاری به رئیس ستاد نداده بود. درگذشته، وقتی شاه به مسافرت می رفت و کشوررا ترك می کرد، اختیارات خودرا به رئیس ستاد واگذار می کرد، اما او درسفر آخر خودعلیرغم همه تلاشهایی که شدحاضر به دادن اختیارات خود به رئیس ستادنگردید. بنابراین بارفتن شاه ازایران ارتباط میان نیروهای مسلح و شخص اول مملکت بکلی پاره شد. فرماندهان ارتش، نه برای اعلام بیطرفی، بلکه برای چاره جوئی درباره اوضاع مملکت درروز ۲۲ بهمن گردهم آمدند.

پرسشگر ازقره باغی می پرسد: به این ترتیب که شما می گوئید فرماندهان به قصدتسلیم دربرابرانقلاب گردهم جمع نشدند و هدف چاره جوئی درباره اوضاع مملکت بود. قره باغی می گوید: درست است ما يك جلسه اضطراری تشکیل دادیم تاراه مقابله با اوضاع را بررسی کنیم.

پرسشگر می پرسد: پس این پیشنهاد بیطرفی ارتش ازجانب چه کسی مطرح شد، مگر شما رئیس جلسه نبودید؟

ارتشبدقره باغی می گوید: دراین جلسه پیشنهادات گوناگون ازسوی فرماندهان ارائه شد اما برای اولین بار سپهبدحاتم صلاح ارتش و مملکت را دراین دید که ارتش اعلام بیطرفی کند و ازهرگونه مداخله خودداری ورزد. پیشنهادحاتم ازسوی همگان پذیرفته شد و ما طی بیانیه ای اعلام بیطرفی کردیم.

پرسشگر می پرسد: آیا مذهبیون نیزدرپشت این پیشنهاد قرار

داشتند و شما با آنها ارتباط داشتید؟

قره باغی می گوید: نه من با روحانیون هیچگونه دیدار و ملاقاتی نداشتم.

پرسشگر می پرسد: شما وقتی رئیس ستاد شدید آیا هیچ به فکر کودتا افتادید؟

قره باغی جواب می دهد: يك بار اعلیحضرت قبل از رفتن به من گفتند مبادا کسی دست به این حماقت ها بزند مواظب باشید.

او می پرسد: و شما این حرف را پذیرفتید و فکر کودتا را از سر بیرون کردید؟

قره باغی می گوید: آری کسی که به مادستور داده بود شخص اول مملکت بود و ما باید طابق النعل بالنعل دستوراتش را اطاعت می کردیم.

میبدی می پرسد: حتی اگر مصالح مملکت کار و اقدام دیگری را ایجاب می کرد؟

قره باغی می گوید: بلی، ارتش تابع پادشاه بود.

میبدی می پرسد: شما و دکتر شاپور بختیار اختلافات و درگیری های بسیار داشتید، ریشه قضیه در کجا بود؟

ارتشبد قره باغی می گوید: من هیچ درگیری و اختلافی با بختیار نداشتم، در پاریس، پس از آن که انیس نقاش دست به يك اقدام تروریستی علیه بختیار زد، من و شاپور بختیار باهم ملاقات کردیم.

پس از پخش مصاحبه با ارتشبد قره باغی، شماری از فرماندهان ارتش ایران از نقاط مختلف آمریکا بارادیو تماس گرفتند و برخی اظهارات قره باغی را رد کردند. يك فرمانده ارتش که در دوره قبل از انقلاب فرماندهی لشکر کردستان را بعهدہ داشت می گوید، برخلاف آنچه که ارتشبد قره باغی می گوید، در زمانی که ارتش

اعلام بیطرفی کرد، صدمه چندانی به ارتش، وارد نیامده بود، مثلاً لشکر کردستان کماکان دست نخورده باقی مانده بود، وضع واحدهای ارتش در بسیاری از نقاط کشور به همین منوال بود، بنا براین تسلیم کردن ارتش به این بهانه که «چیز» زیادی از ارتش باقی نمانده بود کار مملکت را به پایان برد.

يك عضو موثر دربار شاهنشاهی که آگاهی‌ها و اطلاعات زیادی درباره اوضاع آن روز ایران داشت می‌گوید آنچه مورد حیرت می‌شود، اینست که آقای قره باغی در مصاحبه خود اغلب به افرادی حمله کرده‌اند و یا به افرادی استناد می‌کنند که هیچ‌کدام زنده نیستند. ارتشبد آریانا در گذشته است، شاپور بختیار دیگر در میان ما نیست، سپهبد حاتم حضور ندارد تا از خود دفاع کند و او ایسی که تا زنده بود ارتشبد قره باغی کتاب خود را منتشر نکرد.

يك مدیر کل ساواک که باشاه ایران و فردوست هم دوره بوده است می‌گوید: این که قره باغی گفته فقط يك بار فردوست را دیده است صحت ندارد. فردوست و قره باغی یاران نزدیک یکدیگر بوده‌اند. این (بیطرفی) نبود (سقوط ملی) بود

سپهبد سعید رضوانی در آستانه پانزدهمین سال تغییر رژیم در ایران طی مقاله‌ای در کیهان لندن درباره اعلامیه بیطرفی ارتش چنین نوشته است:

چهار ماه از آغاز بحران گذشت و روزی فرارسید که خود شاه در صدد ترك کشور برآمد در چنین مقطع زمانی غیر قابل پیش بینی در حیات کشوری که نزدیک سی و هفت سال به اداره امور از سوی شاه خو گرفته بود فرمانروائی ارتش برای نخستین بار از وی سلب و به عهده ارتشبد عباس قره باغی گذاشته شد. پذیرش مسئولیت در چنان حال و هوائی که بحران سیاسی به مراحل خطرناکی رسیده بود شایان تقدیر بوده و نباید آن را نادیده گرفت مشروط بر آنکه اقدامات بعدی پس

ازعهده داری مسئولیت نیز در جهت حفظ مصالح ارتش و ملت صورت پذیرد. اهم مسئولیت ارتشبد قره باغی در آن روز که رشته فرماندهی بر ارتشی با استعداد پانصد هزار نفری را در دست گرفت حفظ انسجام و تمامیت نیروهای مسلح بود و اگر این واقعیت را بپذیریم که نیروهای انتظامی (ژاندارمری - پلیس) نیز از ستاد بزرگ ارتشتاران تبعیت می نمود این رقم به قریب هفتصد هزار نفر بالغ می گردید.

با وجود آنکه ژنرال هایزر در خاطرات خود مدعی است که ارتش شاهنشاهی در هنگام اقامت وی در تهران (که همزمان با تصدی ارتشبد قره باغی است) هنوز دارای آن چنان قدرتی بود که هر تجاوز خارجی به جز شوروی را می توانست درهم شکنند، مع هذا رخنه بی نظمی و تزلزل روحیه و انضباط در چنان روزگاری رانباید از یاد برد بنا بر این حفظ انسجام و تمامیت ارتش به مراتب مهمتر از درگیر شدن با مسایل سیاسی بود که ارتشبد قره باغی خواه ناخواه به سوی آن کشانده شد. کسانی که فرصت یافته و مجموعه ای تحت عنوان «مانند برف ها آب می شویم» را خوانده اند اکثرا نتوانسته اند از گرفتن انگشت حیرت به دندان خودداری کرده و به این سناریوی تراژدی - کمیک گاهی اشگی از چشم نرانده و یال بخند تلخی بر لب نیاورند. معمولا جلسات با شرکت افرادی که حضور اکثر آنها ضرورت نداشت تشکیل می گردید و طبق رسوم به جروبحث های بیهوده منجر و گاهی نیز زمزمه ها به هممه هامبدل می شد. به عنوان نمونه در یکی از جلسات دستور کار مساله مهمی چون نحوه برخورد ارتش با ورود خمینی به تهران بود گواین که نباید چنین مساله سرنوشت سازی در چنان جلسه غیرمسئول مطرح گردد مع هذا دقت به روند مذاکرات شگفت انگیز است. اصل مساله به بوته فراموشی سپرده می شود و حاضرین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران را به سختی مورد عتاب و خطاب قرار می دهند که چرا در بیانیه ای که دیشب از تلویزیون انتشار یافت

از ذکر پسوند شاهنشاهی پس «ارتش» خودداری شده است.
از ذکر این نمونه ها کاملاً آشکار می گردد که بقیه فرصت برای
سروسامان دادن به اوضاع نابسامانی که ارتش تدریجاً در آن فروتر
می رفت دانسته و ندانسته به هدر رفته است.

در کشورهای دیگر رسم براینست که در صورت بروز حوادث
غیرمترقبه رئیس ستاد مشترک به اقتضای «مسئولیت ها و اختیارات»
فرماندهان نیروهای زمینی - هوایی - دریائی و فرماندهان نیروهای
انتظامی را به مشاوره و در یک جلسه سری دعوت می کند. بدیهی
است اعضای این نهاد که شورای فرماندهان نامیده می شود می
تواند هر کس دیگر را که لازم بدانند برای ادای توضیحات و کسب
اطلاعات بیشتر به جلسه دعوت کنند اما هرگز به آنان اجازه شرکت
دراخذرای را نمی دهند.

شورای فرماندهان پس از تکمیل اطلاعات جهت اتخاذ تصمیم
به مشاوره می پردازد و سپس تصمیم متخذه به وسیله ستاد مشترک
جهت اجرا به نیروهای تابعه ابلاغ می گردد. بنابراین منظور از دعوت
از ۲۷ نفر امرائی که حضور اکثر آنان ضروری به نظر نمی رسد و شرکت
دادن آنان در اخذرای بدون کسب اجازه از رئیس دولت چه معنائی می
تواند داشته باشد؟

نکته جالب توجه در متن اعلامیه واژه «بی طرفی» است
معمولاً بی طرف بدان معناست که در مناقشه یا اختلاف وجود سه
عنصر قابل رؤیت باشد که در آن دو طرف روبروی یکدیگر قرار گرفته و
طرف سوم اعلام می دارد که از هیچیک از آنها حمایت نکرده و در
موضع بیطرف خواهد ایستاد. طبیعی است ایستادن در چنین موضعی
مستلزم آنست که خود برخوردار از آزادی عمل باشد.

در روزهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ در پهنه مبارزه دو طرف
مشاهده می شود. در یک سو خمینی و سیل هوادارانش، در سوی

دیگر نیروهای مسلح و نیروهای انتظامی که به شدت بوسیله فتنه انگیزان و آشوبگران مسلح طرف مقابل موردتهاجم قرار گرفته اند مگر آنکه نخست وزیر را که تك وتنها و بی یاور تا آخرین لحظه در دفتر نخست وزیری نشسته و چشم امید به سوی ارتش دوخته طرف دیگر بپذیریم.

در این جلسه دولت دکتربختر غیرقانونی تلقی شده و منجر به اتخاذ تصمیم در سلب حمایت از دولت گردیده است آن هم در حالی که فرماندهان نیروسختن از عدم کارائی نیروهای مربوطه را به میان کشیده اند.

باید گفت امرائی که امضای خود را پای این سند گذاشته اند عملاً در يك نشست فوق العاده میان دوسوی متخاصم، یعنی خمینی و هواداران - ارتش و نیروهای انتظامی اعلام بیطرفی کرده و با صدور بیانیه خودشان را کنار کشیده و رهسپار خانه های خود شده اند. شگفت انگیز آنکه این بیانیه هنگامی صادر می شود که صدای رگبار مسلسل ها همه شهر را به لرزه در آورده و در سالن کنفرانس ستاد بزرگ ارتشتاران نیز شنیده می شد و صدور آن سبب گردید که مهاجمین بر تجمعی خود افزودند و فرماندهان پادگان ها و پایگاه های دورو نزدیک که در انتظار تصمیم قرارگاه کل نشسته بودند با توجه به آنکه در طول دهه ها حس ابتکار را از دست داده بودند به کلی فلج شده و از پای درآمدند.

حاصل کلام کسانی که در میان طوفان اسب عوض می نمودند همانگونه که انتظار می رفت برخی با سر بر زمین خوردند و بعضی دیگر خود را به ساحل عاقبت رسانیدند اما بهائی که ملت ایران بطور اعم و ارتش ایران بطور اخص در این ماجرا پرداخت در وصف نمی گنجد و آن را در جمله «سقوط ملی» خلاصه می کنم. نه با اطلاق عنوان شورای عالی ارتش و نه به استناد به تقلید از ارتش ترکیه و نه غیر

قانونی دانستن دولت دکتربختمیاری توان به چنین اقدام غیرمسئولانه مشروعیت بخشید و اصراردرآن درواقع نمک پاشیدن برزخم شمشیری است که تا دسته درقلب ملت ایران فرورفته است.

این (بیطرفی) نبود بلکه (تسلیم بلاشرط) بود

سپهبد پرویز خسروانی که علاوه برمشاغل نظامی باشگاه ورزشی تاج را درایران سرپرستی می کرد و دروقایع نهم اسفند و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیزنقش مهمی درحمایت ازشاه فقید داشت خطاب به ارتشبد قره باغی در روزنامه نیمروز چنین نوشته است:

طی چندسال اخیر گفته ها و نوشته شماراخواندم. بعنوان يك همقطار می خواهم بگویم: ارتشبدقره باغی بیش ازاین دست و پا نکنید و هرچه بگوئید و هرچه بنویسید اثری ندارد. شما ارتش را درست بعنوان «بیطرفی» تسلیم شورشیان یا بقول خودشان انقلابیون کردید، متأسفانه جان همکاران شریف و عزیزخود را ازقبیل تیمسار سپهبدحاتم و تیمسار سپهبدرحیمی و امثال آنها به خطر انداختید و آنها را به جوخه اعدام سپردید و درپاریس نزد همسر مهربان و فرزندان عزیزتان اقامت دارید و درآشپانه مرفه درقلب پاریس به همه آنهائی که درراه سوگند وفاداری خود درراه حراست ایران جان باخته اند اتهام زده و آنها را مقصر واقعی معرفی کرده اید که در خواب ابدی قادر به دفاع ازخوش نمی باشند.

تیمسارقره باغی، من منکر دانش و درستی و صداقت شما نیستم و همیشه درهمه حال برای جنابعالی احترام قائل بودم و شما را افسری شایسته می دانستم ولی دفاع از بیطرفی ارتش را که بنظر من سند بی لیاقتی و ترس از مرگ است، برای يك سرباز قبول ندارم. من و شما و کلیه افسران در هر درجه و مقام به خداوند بزرگ و قرآن مجید در برابر پرچم ایران زمین سوگند خورده ایم که برای حفظ مملکت

و موجودیت و استقلال و امنیت و آسایش مردم تا آخرین لحظه خدمت جان خود را فدا کنیم، چگونه ناگهان درست و بدون قید و شرط مملکت را به شورشیان تحویل دادید. حالا که گروهی از بهترین افسران توسط خرابکاران اعدام شده اند شما گناه این خبط و اشتباه بزرگ را که سمت فرماندهی داشته اید به گردن اعدام شدگان امثال سپهبد حاتم و سپهبد رحیمی و امثال او می اندازید. نه من بلکه اکثر افسران معتقدند سپهبد حاتم از بهترین و شریفترین افسران و از خانواده ای اصیل و یک افسر نمونه ارتش بود که بعلت اشتباه جنابعالی پیشنهاد بیطرفی را داد و در ایران ماند و جان خود را طبق سوگند سربازی از دست داد. ولی شما در پاریس در کنار خانواده خود بسر می برید و بجای آنکه از خانواده شهدای ارتش عذر بخواهید آنها را گناهکار معرفی می کنید و بر زخم آنها نمک می پاشید و غرور و افتخار فرزندان آنها را که بوجود پدران خود و شهادت آنها افتخار می کنند و قلب آنها را جریحه دار می کنید و این عمل قابل بخشش نخواهد بود.

تیمسار ارتش بدقره باغی، جنابعالی که می گوئید ارتش از هم پاشیده بود و افسران و سربازان فرار می کردند چرا شهامت نداشتید مثل ارتش بدجم با کمال صراحت و شهامت قبول مسئولیت نکنید و بگوئید در شرایط فعلی کاری از من ساخته نیست، شاید نخست وزیر و شورای سلطنت قبل از اینکه شاهنشاه فقید از ایران خارج شوند یک تصمیم قاطع می گرفتند و یا فکری دیگری می کردند؟ شما بامیل و استقبال مسئولیت قبول کردید و در روزهای واپسین با گفتگوهائی که با مهندس بازرگان و آیت الله شریعتمداری و دکتر بهشتی داشته اید اعلامیه بیطرفی ارتش را بدون اطلاع نخست وزیر و شورای عالی سلطنت به امضاء رساندید که عده ای از افسران اصولاً صلاحیت شرکت در جلسه را نداشته اند و بعد هم اعلامیه را شخصا برای پخش به رادیو و جراید فرستادید تا نخست وزیر و کلیه مسئولین

درمقابل کار انجام شده ای قرار بگیرند که حتی نخست وزیر تقاضا کند يك ساعت به او وقت داده شود که بتواند از نخست وزیری خارج گردد.

تیمسار معظم فرماندهی ستاد کل ارتش، من به همه گفته ها و نوشته های افراد و اشخاص درباره شما و اعلامیه بیطرفی ارتش اشاره نمی کنم چون مثنوی هفتادمن کاغذ می شود فقط به فرمایشات و نوشته شاهنشاه که معتقدم عاشق ایران و سربلندی و عظمت مملکت و آسایش و امنیت مردم بود در کتاب پاسخ به تاریخ استناد می کنم که چنین فرمودند:

«ژنرال هایزر ازقره باغی خواست که ملاقاتی بین او و مهندس بازرگان ترتیب بدهند. ارتشبدقره باغی به من گزارش داد ولی نمی دانم در این ملاقات چه گذشت، می دانم ارتشبدقره باغی از تمام قدرت خود استفاده کرد تا فرماندهان ارتش را از هرگونه اقدام و تصمیم قاطع باز دارد. او اکنون تنها کسی است که از جریان این مطالب اطلاع دارد، زیرا فرماندهان و امرای ارتش یکی پس از دیگری به قتل رسیده اند و تنها ارتشبد قره باغی به وسیله مهندس بازرگان از قتل نجات یافت.»

من اعتقاد داشتم و دارم که اعلیحضرت فقید انسانی شریف و وطن پرست و بشر دوست و بی غرض بود. ترقی و پیشرفت من و شما و خیلی ها بعلت عنایت و توجهات آن بزرگ مرد بوده است. مسلما گفته و نوشته آن مرد وطن پرست سندی است غیر قابل تفسیر و انکار، دیگر پادشاه عقده و حسادت یا غرضی ندارند که چنین باصراحت مرقوم فرموده اند.

تیمسارقره باغی عزیز، جنابعالی در هیچیک از گفته ها و نوشته های خود توضیح ندادید که چرا درباره بیطرفی ارتش و آن اعلامیه که موجب شرمساری ارتشیان می باشد با نخست وزیر و شورای

سلطنت مشورت نکرده اید؟

شاید بعلت تعهداتی بوده است که درمقابل شریعتمداری و بهشتی و مهندس بازرگان داشته اید. چون می دانستید که اگر با نخست وزیر و شورای سلطنت مذاکره نموده یا به آنها گزارش می دادید آنها مخالفت می کردند و شمارا از تعهدی که کرده اید منصرف می ساختند. کما اینکه نخست وزیر موقت آقای مهندس بازرگان چنین گفته است «خوشوقتم بدین وسیله به اطلاع ملت مبارز و مسلمان ایران برسانم که با شنیدن اعلامیه مورخ ۲۲ بهمن شورای عالی ارتش با کمال قدرت اعلام بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواسته‌های ملت کردند و تیمسار ریاست ارتش قره باغی در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت موقت این جانب اظهار نمودند...»

بازرگان صریحا از همکاری شخص شما یاد می کند. به این ترتیب این مسأله صراحت دارد که شما نه تنها اعلامیه بیطرفی را صادر کرده اید بلکه در ملاقات حضوری همکاری خود را اعلام داشته اید. ممکن است شما این مطلب را که در رادیو و جراید ایران پخش شده تکذیب کنید ولی نتیجه عملتان همان خواهد شد که مملکت به دست شورشیان افتاد. این که دیگر قابل انکار نیست.

در آن برهه حساس تاریخ بهتر آن دیدید که اعلامیه را شخصا منتشر سازید و فاتحه کشور را بدست شورشیان بخوانید و خود را به ساحل نجات برسانید.

تیمسار معظم، شما يك ارتشبد با اطلاعات وسیع نظامی و تحصیلات حقوقی هستید، حتما توجه دارید که مردم هر جامعه از افسران و مقامات ارتش متوقع هستند که در مواقع حساس کشور و مردم را یاری کنند نه آنکه آنها را به حوادث بسپارند و خود در مکان امنی بسر برند. کدام مقررات نظامی اجازه می دهد که شما بعنوان (بیطرفی) تمام سازمانهای نظامی و پایگاهها و سلاح هارا

دراختیار شورشیان بگذارید؟

در زمان جنگ، وقتی دو کشور با هم متارکه می کنند یکی از شرایط پس از تسلیم حفظ جان شکست خوردگان است. شما که می خواستید تمام پادگان هارا به مخالفین یا شورشیان یا کمونیستها یا مجاهدین و فلسطینی ها در لباس اسلامی بسپارید حداقل می خواستید این تعهد را از آنان بگیرید که جان همکاران و همقطاران شما را حفظ و تضمین کنند نه آنکه به خانه آنها بریزند و همه را دستگیر کرده و اموال آنها را غارت کنند و آنها را به دست جلادانی مثل خلخالی (ننگ اسلام) که با همکاری مجاهدین بود تحویل دهند و آنها در کشور جوی خون از افسرو نظامی راه بیاندازند. این (بیطرفی) بود یا تسلیم؟ یا فرار؟ تیمسار قره باغی. این بدترین نوع تسلیم بود یعنی (تسلیم بلا شرط)

مردم ایران حقایق را می دانند و این گفته ها و نوشته ها تأثیری در طرز تفکر آنها ندارد.

این ۳ یا ۵ میلیون هموطن ما که از کشور آواره شده اند و شصت میلیونی که در داخل با یأس و نومیدی زندگانی می کنند این وضع را از این اعلامیه بیطرفی و بی لیاقتی ارتش می دانند. آنها می گویند این همه بودجه خرج ارتش و نیروهای سه گانه کرده ایم و این همه ارتش بدو سپهد و نظامی و سلاح و تشکیلات داشته ایم و ارتش پنجم جهان بودیم لذا نمیباید کشور را به این صورت تحویل شورشیان می دادید.

انقلابیون در اعلامیه و برنامه انقلابی خود در مصاحبه ها و گفته ها یاد آور شدند که مافکر می کردیم با وجود این ارتش حداقل سه سال جنگ و مبارزه می کنیم تا در کشور حاکم شویم، در حالی که یک شبه دیدیم معجزه صورت گرفت و کشور تحویل ما شد، این چه معجزه ای بود جز اعلامیه بیطرفی ارتش!!

تیمسارقره باغی با این همه مصاحبه ها و نوشته ها و گفته ها که هرروز دررادیو وجراید ازسوی جنابعالی در رسانه های گروهی منتشر می گردد و هرنوشته و هرگفته و نظریه ای را رد می کنید، می ترسم کار بجائی بکشد و برسد تا این گفته رهبر و پیشوای میهن پرست ایران شاهنشاه را که درکتاب پاسخ به تاریخ درباره شما نوشته اند به صورتی ماهرانه ردکنید و بگوئید آن را دشمنان من دیکته و یا بدون اطلاع پادشاه درکتاب گذارده اند، ازجنابعالی بعید نیست!

تیمسارقره باغی عزیز، باورفرمائید هیچ خصومت و اختلافی با شما نداشته و ندارم لابد فراموش نکرده اید که سالها يك دوره خانوادگی با تیمسار ارتشبدجم افسری که به او احترام گذارده و دوست باارزش خانوادگی من است و ارتشبد فردوست که صرفنظر ازهرگونه مسائل سیاسی دوست قدیمی بود و من مدیون او هستم و در نجات من یار ومددکار صمیمی بوده و چند دوست دیگر دوره فامیلی داشتیم و صمیمانه برای شما وخانواده شما احترام داشته و دارم و شمارا افسری شایسته می دانم و نمی خواهم به جزئیات بپردازم. درعالم دوستی و ارادت می خواستم بگویم اینطور دررسانه های گروهی تبلیغات نکنید. این بمنزله دست وپازدن کسی است که درباتلاق افتاده وداردغرق می شود که هرچه بیشتر دست و پا بزند خطرزیادتر می گردد.

مردم ایران باید درباره کارهای افراد قضاوت کنند و تاریخ نویسان اصیل که عشق وطن دارند باید حقایق را بنویسند و الا گفته ها و نوشته ها اگر توأم با حقیقت و صداقت و شهادت اخلاقی نباشد اثری ندارد و ازقدیم گفته اند:

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را سندی و دفتری و دیوانیست.

چرا فقط مصادره اموال؟

در پاسخ به گفته های ارتشبد قره باغی مطالب زیادی انتشار یافته که چون صفحات کتاب زیر چاپ بوددیگر نقل آنها میسر ننگردید. سرتیپ معین زاده حتی نوشته که ارتشبد قره باغی بالباس مبدل به دیدار خمینی رفته است. ایرج پدره ای فرزندشادروان سپهبد بدره ای ضمن پاسخ مفصلی چنین یاد آور شده است:

اظهارات قره باغی بنا به کینه و حسادت دیرینه اش با ارتشبد اویسی می باشد. او نوشته است زمانی که خون سربازان وطن از ناودانهای مقر انقلابیون به جویهای شهرسرازی می شد و سرتیپ معین زاده هاوارتشبد اویسی هامیثاق انتقام می بستند قره باغی و فردوست کجا بودند؟ سؤال من از آقای قره باغی این است که چرا سپهبد بدره ای پس از ابراز نگرانی از وضعیت نیروی زمینی و اعلامیه بیطرفی ارتش بلافاصله (بعد از امضا) به فرمانده لشکر قزوین و چند واحد دیگر دستور حرکت به تهران راداده بود؟ چرا تیمسار ربیعی را که بقول خودش در ۱۹ بهمن با انقلابیون بیعت کرده بود تهدید می کردند؟ چرا بقول فردوست، قره نی از اقدامات سپهبد بدره ای و گارد شاهنشاهی ابراز نگرانی می کرد؟ آیا عملیات صاعقه و تندرو نجات نیز زائیده خیال تیمساران غرض ورز بود؟ با در نظر گرفتن اینکه منزل سازمانی خالی از سکنه و عاری از اموال شخصی آقای قره باغی مورد تجاوز قرار گرفته شده بود، تعجب در این است که در مدتی کمتر از یک ماه بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ صدهاتن پاسبان، سرباز، درجه دار، افسر جزاء، افسر ارشد، امیر و وزیر و کیل و نخست وزیر به جرم همکاری و خدمت به رژیم پهلوی تحت عناوین مفسد فی الارض و محارب با خدا محاکمه و اعدام و ترور و مصادره می شوند در صورتی که آقا چند سال بعد آن هم پس از خروج از ایران فقط مشمول مصادره اموال می شود؟ امیدوارم سوء تفاهم نشود که خدای نکرده از زنده بودن وی بیزارم بلکه خدا را هم شکر می کنم که آقا باقی است و درگیر ما. امیدوارم که بجای همه شهدای وطن همینطور باقی بماند و بجای هر گلوله که به سوی آن جان باختگان شلیک شد سالی به عمرش اضافه گردد.



ارتشبد قره باغی
وقتی فرماندهان ارتش اعلام (بیطرفی) کرده بودند
چیزی از ارتش باقی نمانده بود



ارتشبد جم
این اولین بار است که يك ارتش پانصد هزار نفری
در مقابل اوباش متلاشی می شود



سپهبد پرویز خسروانی
این (بیطرفی) نبود بلکه (تسلیم بلا شرط) بود



سپهبد سعید رضوانی
این (بیطرفی) نبود بلکه (سقوط ملی) بود

اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی و حوزه انتخابی آنان در ۲۴ دوره قانون گذاری

از بدو مشروطیت تا سال ۱۳۵۷ حدود سه هزار نفر از نقاط مختلف کشور به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده اند. افرادی فقط يك دوره و تعدادی تا ۱۲ دوره به مجلس راه یافته اند. از این نظر لازم بنظر رسید اسامی کلیه نمایندگان عصر مشروطیت در این جلد از کتاب منتشر گردد که با ذکر حوزه انتخابی به نظر تان می رسد.

آبادان:

حسام الدین رضوی - صالح شاه خوبی - شکرالله بختیاری پور
- بانومهر آفاق آصف پور - محمود شریفی - غلامرضا اخلاقپور
- غلامحسین دانشی.

آباده:

رضاحکمت (سردار فاخر) - میرزا اسماعیل خان نجومی -
ابوالحسن رضوی - محمدحسین صولت قشقایی - محمدرضا
امیدسالار - دکتر رضانجمی - عنایت الله قائمی .

آمل:

سرہنگ ملکزادہ آملی - علاء الدین زرین پور - سیدجلال
تقوی لاریجانی.

آستارا:

سرہنگ اسمعیل آزمین - سیدابوالفضل اقبالی - علی ماہیار
- اسمعیل اکبر - اشرف حریری.

ابہر:

منوچہر سعیدوزیری - سیدکریم کاظمی.

اراک:

میرزا اسماعیل خان ممتازالدولہ - عبدالرضا خان سالار فیروز،
(رکن الممالک) - عبدالحسین میرزا فرمانفرما - حاج عباسقلی سہم
الملک - حاج میرزا شمس الدین - لسان الملک - مرتضیٰ قلیخان بیات،
(سہام سلطان) - حاج اسماعیل اراکی (عراقی) - عمادالدین سزاوار -
عزت اللہ بیات - حسن خاکباز محسنی - حسین مکی - یوسف
شکرائی - مهندس ہرمز شاہرخشاہی - حسن سراج حجازی -
حسنعلی گرکانی - سیدفضل اللہ پروین - داکتر محمدخزایی -
اکبر مہاجرانی - بانوعصمت مشائی.

اردبیل:

میرزا آقاخان عصرانقلاب - سیدابوالفتح علوی خلخالی -
میرزا صادق خان طباطبائی وکیلی - حاج محمدتقی وہابزادہ -
میرزا جعفرخان پناہی - محمدرضا اردبیلی - شیخ حسین لنکرانی -
مہدی باتمانقلیچ - احد وہاب زادہ - فضلعلی ہدی - مهندس عدلی
- داود مؤیدامینی - داکتر احمدنایی - بانولطفیہ وحیدی.

اردستان:

سید محمدباقر نیری - امیرحسین عامری - سیدحسین مہدوی
اردستانی - جعفرقلی پیرزادہ منہوجی.

اردکان:

حاج محمدحسین حکمت یزدی - ایرج ملک افضلی - منوچهر یزدی.

اردل:

عبدالمجید بختیار بختیارها - جمشید بختیار بختیارها -
مجید بختیار - دکتر سید محمد جزایری.

اسدآباد:

مهندس علی برومند - اسماعیل بهره مند.

اصطهبانات و نیریز:

عباسقلی عرب شیبانی - غلامرضا ایلخان - محمدتقی معزی
- دکتر علی اصغر آزاد - محمدصادق کاظمی .

اسفراین - جوین:

محمد رضا ثامنی - دکتر مهرباب برزگر - دکتر غلامعلی
محمدی کوشکی.

اصفهان:

حاج میرزا علی ادیب التجار نقشینه - حاج سید اسماعیل دبیری
اصفهانی - میرزا هادی جواهری اصفهانی - مرتضی قلیخان نائینی
- مرتضی قلیخان صمصام بختیاری - میرزا ابراهیم منشی - حاج
میرزا احمد فاتح الملک - سید اسدالله چهارسوقی - شاهزاده سلیمان
میرزا - حاج میرزا حسین خان نائینی - حاج میرزا علی اکبر شیخ
الاسلام - میرزا مهدیخان عماد السلطنه (مشیر فاطمی) - حاج میرزا
حبیب الله امین التجار اصفهانی - دکتر میرزا احمد احتشام - حاج
میرزا یحیی دولت آبادی - میرزا حسین خان جلای - محمد باقر الفت
- امیر حسین ایلخان ظفر - حسین خان فاطمی - محمد علی اوحدی
- تقی فداکار - حیدر علی امامی - حسام الدین دولت آبادی -
عزیز الله اعزاز نیک پی - صفا امامی - ابوالفتح قهرمان - محمد

تقی برومند - مجتبی دولت آبادی - دکتر عبدالحسین مشیرفاطمی -
 محمدباقر برومند - دکتر عبدالباقی نواب - محسن صدری - حسین
 معتمدی - سیدعلی صایب - مانی - سرتیپ حسن وحدانیان -
 مهندس محمود پروشانی - حسین مظاهری - بانو فاطمه
 پیرنیا (پیرزاده) - دکتر محمدتوانا - ملک‌تاج برومند - عبدالحسین
 مانی - سیداسماعیل نواب صفوی - مصطفی طغیانی دولت آبادی.
 الیگودرز:

امیرحسین فولادوند - مهندس حسین خسروی - عبدالله توکلی.
 اهر:

میرزا سلیم ایزدی - میرزا ابراهیم امام جمعه - دکتر قاسم
 اهری - محمد بهادری - علی اکبر امامی اهری - دکتر سعید حکمت
 - کمال الدین عابدی.
 اهواز:

عبدالحمید بختیار - حاج احمد عامری - محسن موقر -
 سید محمدعلی مرتضوی - ناصر عجم - رضا ضیائی احمدی -
 موسی عباس عطایی - صدری کیوان - احمد کمیلی زاده -
 مهندس محمد حسین بدیعی - مجتبی رشیدی - عبدالعباس طرفی.
 ایذه:

ملکشاه ظفر - نورعلی شهابی.

ایران شهر:

سید حسین خان - میرزا آقاخان دیوان بیگی - ابراهیم قوام -
 جوادخان ابراهیمی ریگی - مراد ابراهیمی ریگی - مهدی اریاب -
 مراد ریگی - تیمسار روح الله کیکاوسی - عیسی مبارکی - حاج
 کریم بخش سعیدی - محمد میرلاشاری.
 بختیاری:

علیقلی خان بختیاری - امیرحسینخان ایلخان بختیاری.

ایلات خمسہ و فارس:

اورنگ وقار السلطنہ - شیخ محمد تقی امین الشریعہ فسائی -
ذوالقدر - سید یعقوب انوار - سید جواد محقق - حبیب اللہ مجد
ضیائی - میرزا علیقلی خان ہدایت.

ایلام:

مرتضی عرفانی - جواد موسوی کبیری - مرتضی ابوذر -
حسن ملکشاہی - عبدالعلی نیک روش.

ایوانکی:

میرزا علی اکبر خان داور - سید علاء الدین بہبہانی - میرزا
ابراہیم آشتیانی - سید ابوالحسن قاضی نوری - سید محمد محیط
لاریجانی - محمد رضا آشتیانی زادہ - عبدالرحمن فرامرزی -
سید شمس الدین قنات آبادی - منصور صادقی - محسن دولو -
اسماعیل رحیمی لاریجانی.

بابل «بارفروش»:

محمد حسن خان مفتخر الممالک: - محمد علی مازندرانی -
ابوالحسن شاہزادہ شیخ رئیس - میرزا احمد خان نیر السلطان -
میرزا حسین خان دادگر (عدل الملک) - میرزا اصلان خان نظام السلطان
- میرزا صادق خان منتصر السلطنہ - میرزا مہدی خان نصیر السلطنہ
- شیخ حسین نوری زادہ - میرزا اسماعیل خان مدبر الدولہ - میرزا
احمد خان شریعت زادہ - میرزا علی اکبر خان ملک زادہ آملی - میرزا
معصوم خان حمزہ تاش - محمد تقی اسفندیاری - اسد اللہ یمین
اسفندیاری - رحمانقلی خلعت بری - عباس اسلامی - موسی
گودرزی - دکتر علی جلالی - دکتر حمید آہی - ابوالحسن عمیدی
نوری - ارسلان خلعتبری - دکتر حسن متین - مهندس افراسیاب کیا
- امامعلی حبیبی - دکتر مہین صنیع - دکتر عبداللہ بہزادی -
دکتر قدرت اللہ واحدی - نظام الدین بزرگ زادہ .

بافت:

نزهت نفیسی - مهندس محمدباقر بهرام زاده - عاطفه
امیرابراهیمی - دکتر محمد فرزانه امیری.

بجنورد:

حاج محمدحسین بجنوردی - یارمحمدخان افشار (سردار سعید)
- میرزا محمدتقی بهار (ملک الشعراء) - حبیب الله، سردار منتصر
شادلو - حاج حسن آقاملک - علی بزرگ نیا (صدرالتجار) - مسعود
ثابتی - میرزا ابوالقاسم اعتصام زاده - داود طوسی - اردشیر شادلو
- نصرالله شادلو - یارمحمد شادلو ایلخانی - دکتر سیدعلی
پورهایمی - خانلر قراچورلو - رضا سجادی - هوشنگ شادلو.

برخوارومیمه:

علیرضا ریاحی - دکتر حیدرقلی برومند.

بروجرد:

میرزا جوادخان مؤتمن الملک همدانی - شاهزاده مبشرالسلطان -
سیدمحمد - سیدعبدالحسین - حاج علی اصغرسلطان العلماء - حاج
سیدحسن شریعتمدار - میرزا احمدخان مستشارالسلطنه - سیداحمد
خان اعتبارالدوله - یوسف خان مشاراعظم - سیدمحمدتقی طباطبائی
(سلطان العلماء) - میرزاتقی بروجری - جواد فخرطباطبائی -
اسماعیل یاراحمدی - دکترعبدالحسین اعتبار - امیرقاسم فولادوند
- علاء الدین فریداراکی - احمدمهران - غلامحسین فخرطباطبائی
- دکترعبدالحمیداعتبار - سرلشگر وجیه الله آزموده.

بروجن:

سلطان مرادبختیار - سیدحسین میرافضل - دکترسیدنورالله

ستوده.

بم:

حاج اسماعیل خان اعتبارالسلطنه - عبدالله عدل اسفندیاری

- میرزا محمد اسماعیل امیر احتشام و کیلی - میرزا حسن خان ابراهیمی
مختار الملک - دکتر مهدی خان ملک زاده - لطفعلی رفیعی - علی
اکبر سالار بهزادی - زین العابدین سالار بهزادی - امان الله اولیاء -
عیسی تدین.

بناب:

میرزا آختائی قلعه جوقی - مهندس غلامرضا زنجانچی - رحیم
زهتاب فرد - ایراهیم خلیل حیدرزاه امین.

بندر پهلوی:

اسماعیل مرزبان (دکتر مؤدب السلطنه) - حسن کی استوان -
حاج آقا رضا رفیع - میرزا کاظم مژدهی - حسن اکبر - ابوالکارم
معمدم ماوندی - محمود محمودی - احمد داراب - غلامحسین
ابتهاج - دکتر فریدون کشاورز - فریدون نعیمی اکبر - دکتر حنیفه
رمضانی - منصور انشاء - هرمز پیشوایی.

بندر عباس:

میرزا عبدالله خان منتصر السلطان مدحت - حاج سید محمد باقر
دستغیب - میرزا علی کازرونی - مشیردوانی - عبدالله گله داری
- دکتر مصطفی مصباح زاده - مهدی اریاب - میرهاشم شمس -
دکتر سیدیحیی بهبهانی - حبیب الله احمدی - احمد دانشمند -
سیدمسلم قریشی.

بندر لنگه:

محمدعلی، آموزگار.

بندر معشور (ماه شهر):

مهندس بهمن عطائی - عبدالعزیز راشدی.

بندر یوشهر:

حاج محمد معین التجاریوشهری - میرزا محمدعلیخان ملک
التجار - میرزا علی خان کازرونی - میرزا احمدخان اخگر - میرزا

محمدعلیخان نظام مافی - شیخ علی خان دشتی - میرزامحمد
رضایت اللہ زادہ شیرازی - حاج محمدرضا بہبہانی - شکراللہ
صفوی - محمود عزیز - خلیل دشتی - احمدفرامرزی - دکتر
حسن علوی - احمدآخگر - محمدباقر بوشہری - عبداللہ دشتی -
صمدنامور - دکترسیدحسین طبیب.

بوکان:

دکترسیدعلی مدنی - دکترسلیمان انوشیروانی - محمدنوری.
بویراحمد - یاسوج:

ناصرقلی فرہادپور - صدراللہ رئیسی اردکانی.
بہار:

اسماعیل جلالی - پرفسورجعفر مخبرفرہمند - روح اللہ
جعفری - عبداللہ قراگوزلو.

بہبہان:

سیدامان اللہ بہبہانی - محمدجوادخان سرداراقبال بختیاری
- سیدمحمدصادق طباطبائی - حبیب اللہ نوبخت - سلطانعلی
سلطانی شیخ الاسلام - مهندس سلطان محمد سلطانی - دکترمظفر
زعفرانلو - طاہرجوکار.

بوئین زہرا:

دکترخسرو مہدیزادہ - حسن ایمانی زہرائی - محمدرضا وکیل
گیلانی.

بہشہر:

ابوالقاسم پاک ذات - ابوالفضل بریمانی - موسی اشرفی -
ہوشنگ شریفیہا.

بیجار «گروس»:

شیخ محمدحسین مجتہد - میرزاعلی اکبرخان دبیرسہرابی -
سیداسماعیل شیخ الاسلام ملایری - عبدالحسین اورنگ - مصطفی

ذوالفقاری - بهمن شاهنده - علی اوسط یگانه.

بیرجند:

شیخ اسماعیل - میرزا محمدنجات - محمدتقی منتصرالملک -
عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) - سید محمدتدین
- میرزا علی خان اقبال - محمدتقی معتضدی - محمد علی منصف -
امیر حسین خزیمه علم - دکتر محمد حسن اعتمادی - ابوالفضل سلیمانی
کاشانی - امیر علم خزیمه .

پاوه:

حبیب الله امام مردوخ - سالار جاف.

تاکستان «ضیاء آباد»:

ناصرقلی فرهادپور - رضا کمالاتی - سیدباقر شادمان ولوی.

تبریز:

حاج میرزا فضلعلی - حاج میرزا ابراهیم شهید تبریزی - سید
حسن تقی زاده - میرزا ابراهیم شرف الدوله کلانتر - میرزا احسنخان
احسن الدوله - میرهاشم تبریزی - حاج محمد آقا حریری - حاج
میرزا آقا فرشی تبریزی - هدایت الله میرزا - میرزا آقا اصفهانی -
حاج میرزا یحیی امام جمعه - میرزا احسن معتمدالتجار - میرزا ابراهیم
حکیم الملک - سید محمد رضا مساوات - میرزا عبدالله معین الرعایا
صادقی - شیخ محمد آقا خامنه ای - سیدجلیل اردبیلی - حاج میرزا
رضا خان وکیلی - میرزا اسماعیل خان نوبری - محمدعلیخان تربیت
- شیخ اسماعیل هشترودی - شیخ رضا دهخوارقانی - میرزا احمد
آقا قزوینی - میرزا محمدنجات - صادق خان منتصرالسلطان - شیخ
محمد خیابانی - شیخ محمدعلی تهرانی - سیف الله اسکندری -
میرزا باقرخان عظیمی - میرزا فرج الله دبیراعظم - یوسف خان عدل
- محمدولی میرزا فرمانفرمایان - لطف الله لیقوانی (صدق السلطنه)
- میرزا ربیع مصدق الملک - میرزا محمودخان وحیدالدوله - حاج

میرزا عبدالعلی دیباشاھسون - زین العابدین رھنما - امیر نصرت
 اسکندری - دکتر امین رفیع - والی زادہ جوان شیری - میرزا ابوالحسن
 ثقہ الاسلامی - حاج میرزا علی نقی گنجہ ای - میرزا موسی فتوحی
 - حاج رحیم قزوینی - میرزا علی چایچی - میرزا عیسی لیقوانی -
 رضاقلی باستانی - میرزا جواد خان امامی خوئی - محمد تقی خان
 رفیعی - مرتضی امین - میرزا جعفر اصفہانی - غلام حسین فرشی -
 محمد ابراھیم اصفہانیان - محمد خسرو شاھی - فتح علی ایپکچیان
 - مهندس اصغر پناھی - اصغر سرتیپ زادہ - ابوالحسن صادقی -
 دکتر یوسف مجتہدی - زین العابدین رحیم زادہ - محمد تقی خوئیلر
 - جواد گنجہ ای - ابوالقاسم لیقوانی - شیخ اسد اللہ مقانی - علی
 اکبر ملکی - ناصر الدین ناصری - حبیب اللہ پناھی - موسی ثقہ
 الاسلامی - دکتر احمد سید امامی - ناصر صدیقی - عبدالحسین
 مجتہدی - دکتر ابوالحسن ملکی - علی اصغر مدرس - سید
 محمد علی انگجی - احمد بہادری - سید جواد خلخالی - سید مرتضی
 شبستری - سید ابراھیم میلانی - بزرگ ابراھیمی - مهندس بیوک
 اردبیلی - رضا افشار - دکتر علی اکبر بینا - دکتر غلامرضا عدل -
 محمد دیہیم - دکتر محمد شفیع امین - دکتر محمد حسین موسوی -
 مہدی ابراھیمی دریانی - حسن افتخار ہشترودی - منوچہر پزشکی
 - ابوالفتح جہان شاھی - احمد حق شناس - اصغر رائی باغمیشہ -
 رحیم زہتاب فرد - حسین شکیبا - سعید پدرامی - جعفر جوادی -
 کاظم صدقیانی زادہ - دکتر احمد ملکی - سرتیپ دکتر غلام علی
 خطیب شہیدی - احمد بنی احمد - محمد حسین اسحق نژاد - سعید
 جوادی - مصطفی رحیم زادہ خوئی - حسین میرزا لوی -
 فیروز لیقوانی .

تربت جام:

دکتر خلیل ضیائی - مهندس غلامرضا آصفی - دکتر فرہاد

قهرمان - میر محمد حسین سید کلال.

تریت حیدریه:

شیخ محمد کاظم مجتهد - شیخ حبیب افتخار الواعظین -
سید مهدی فرخ (معتصم السلطنه) - حاج میرزا محمد علی خان مؤمن
السلطنه - حاج علی اکبر امین التجار امین - میرزا آقاسیاء اطباء
- عماد تربتی - جعفر کفایی - ابراهیم کسرائی - دکتر ابراهیم
مدرسی - دکتر سید حسین مرتضوی - میرزا محمد صادق طباطبائی -
حاج محمد اسماعیل کاشف کاشانی - سید حسین اردبیلی - هادی
تربتی.

تفت:

مهدی لاری - دکتر محمد بقائی یزدی - محمد حسین حکمت
یزدی - حسن صدر.

تفرش:

سید محمد میرهادی - مهندس فیروز فروهر - دکتر محمد حسین
منصور.

تویسرگان:

علی اکبر جلیلود رضائی - حاج مسعود جهانگیری -
مهندس حجت الله اردلان.

تهران:

مرتضی قلیخان صنیع الدوله - میرزا جواد خان سعد الدوله -
میرزا محمود علامیر (احتشام السلطنه) - میرزا حسن خان مشار الملک -
میرزا علی اکبر خان دبیر سهراب (دبیر السلطان) - علیخان نصرت
السلطان انصاری - حسن علیخان نصر الملک - میرزا محمد خان صدیق
حضرت - میرزا اسماعیل خان عزت الدوله - حاج سید باقر سادات
اخوی - سیدیحیی سیدالحکماء لاریجانی - حاج سید ابراهیم اخوی
تهرانی - میرزا محمود خان مشاور الممالک قمی - شاهزاده اسدالله

میرزا شهاب الدوله - شاهزاده یحیی میرزا ثقة السلطنه -
 امجدالسلطان - میرزا احمدخان معظم الملک - حاج میرزا مهدیخان
 مجدالسلطنه - حاج شیخ علی مدرس نوری - میرزا محسن صدرالعلماء
 اصفهانی - میرزا محمد طاهر تنکابنی - حاج سید نصرالله سادات اخوی
 - حاج سید احمد مرتضوی - حاج محمد حسین امین الضرب
 - میرزا حسن خان وثوق الدوله - محقق الدوله - حاج آقا محمد معین
 التجار بوشهری - حاج محمد اسماعیل تبریزی مغازه - محمد تقی
 شاهرودی - حاج محمد علی شالفروش - محمدقلیخان مخبرالملک -
 میرزا محمود اصفهانی - حاج سید محمد صراف فدایی - حاج
 سید آقا تیرفروش - حاج محمد ابراهیم وارث - دکتر سید ولیخان نصر
 - حاج محمد تقی شاهرودی «دهبند» - میرزا حسینعلی ماهرزاده
 - حاج حسینعلی واعظ - حاج محمد تقی بنکدار - حاج
 میرزا ابراهیم خیاط باشی - حاج شیخ اسماعیل بلورفروش -
 میر عبدالمطلب امین التجار کردستانی - شیخ حسینعلی - مشهدی
 باقر بقال - حاج شیخ حسنعلی - استاد حسن معمار باشی پنجه علی
 - حاج ملا حسن وارث - سید حسن چراغچی بروجردی، مدیرالاسلام -
 شیخ حسین تهرانی - حاج شیخ حسین دلال - حاج عبدالوهاب
 کلاهدوز - حاج عباسعلی نانوا - حاج علی اکبر پلونی - حاج
 سید محمد ساعتفروش - استاد کربلانی غلامرضا خندانساز - حاج
 محمد باقر صابونی - سید محمد تقی هراتی - میرزا محمود خوانساری
 کتابفروش - سید مصطفی سمسار - سید مهدی دلال - امیر غلیخان
 امیر سلیمانی - ارباب جمشید - میرزا حسینقلیخان سیگاری -
 میرزا حسن خان مستوفی الممالک - شیخ محمد حسین یزدی - میرزا
 ابراهیم خان حکیم الملک - امان الله میرزا - میرزا تقیخان مجدالملک
 - میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه پیرنیا - حسینقلیخان نواب -
 شیخ محمدعلی تهرانی - میرزا سلیمان خان - بیان السلطنه - میرزا

شکوه شاه فقید از یوفائی ها

۱۷ می ۱۹۴۴

دانشمند محترم جناب آقای الموتی

رونوشت نامه ای که چندی پیش برای روزنامه «نیمروز» فرستادم بدینوسیله خدمت تان تقدیم می کنم تا شاید برای مطالعات آینده آن نویسنده پرارزش مورد استفاده قرار گیرد.

فریبی که تا آخر زندگی شاه نیز ادامه یافت

در شماره های ۲۵۱ و ۲۵۲ (جمعه ۸ بهمن و جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۷۲) مصاحبه دکتر امیر اصلان امیر افشار آخرین رئیس شریفات سلطنتی بادکتر مصطفی الموتی منتشر شده بود که از هر جهت مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و امیدوارم که آقای افشار همانطوریکه وعده داده بودند خاطرات خود را که مسلماً بسیار جالب خواهد بود منتشر سازند.

ایشان تذکر داده بودند که شاه در آخرین روزهای زندگی خود با تلخی می پرسند «پس آنهمه کسانی که نسبت به او ابراز احساسات می کردند چه شده اند و دربارہ حسین صادق که در روزهای بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خود را نشان داده بود پرسیدند چه شده که در اینجا حضور نیافته و حتی یک تلفن نکرده و یک نامه هم ننوخته است» این تذکر شاه خاطرات چهل سال پیش و دوره خدمت در سفارت ایران در رم را به یادم آورد و از اینکه یک فریب بزرگ تا آخرین روزهای زندگی محمد رضا شاه نیز ادامه داشته است واقعاً متاثر شدم، زیرا این امر حاکی از آن است که شاه غالباً بر اساس اطلاعات غلطی که دریافت می کرده گمراه می شده است و همین گمراهی ها بود که

در مجموع منجر به سقوط او وقایع فاجعه انگیز بعدی شد.

روز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ که شاه به رم آمدن و سایر اعضای سفارت نهار را در رستورانی واقع در محله پاربولی رم صرف می کردیم و طبعاً موضوع صحبت چیز دیگری جز بحث درباره وقایع اضطراب آوران در ایران نبود. حسین صادق برای مدت کوتاهی به جمع ما پیوست و چون می خواست به اتفاق مرحوم زنوزی یکی از تجار فرش مقیم رم، به فرودگاه بروم از یکی از دوستان تقاضای کوپن بنزین کرد. در اینجا برای روشن شدن مطلب باید این نکته را تذکر دهیم که حسین صادق در پی شکست های مالی در کشورهای عربی خلیج فارس به رم نزد خانواده همسر ایتالیائی خود آمده بود و چون استطاعت پرداخت حقوق گمرکی چند عدد فرش شخصی خود را که از کویت به رم فرستاده بود نداشت آن فرش ها در انبار گمرک فرودگاه مانده بود. در حال حاضر در رم دو فرودگاه معتبر وجود دارد. یکی بنام (فیومیچینو Fumicino) که فرودگاه مسافری است و دیگری (چامپینو Ciampino) که به حمل بار و اموریازرگانی اختصاص دارد. ولی در آن زمان فقط یک فرودگاه در رم وجود داشت که در عین حال برای مسافرت و حمل کالاهای بازرگانی از آن استفاده می شد و طبعاً انبار گمرک نیز در آنجا قرار داشت.

در آن روز حسین صادق به اتفاق بازرگان ایرانی به فرودگاه می رفتند تا بازرگان فوق الذکر حقوق گمرکی قالی ها را بپردازد و پس از ترخیص ترتیب فروش و پرداخت پول حسین صادق را بدهد.

از قضای روزگار آن روز مصادف با ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ شد بنا بر این رفتن این دونفره فرودگاه مطلقاً ارتباطی با آمدن شاه نداشت. منتهی در همان وقت شاه نیز وارد رم شد و چون مرحوم زنوزی احساسات شدید ملی داشت دست به تظاهرات پرشوری به نفع شاه زد که حسین صادق نیز با او همصدا شد و این امر شاه را که به امید

استقبال پرشور مرحوم نظام سلطان خواجه نوری وزیرمختار آن روزی ایران درایتالیا به رم آمده بود جای او را خالی می دید سخت تحت تأثیر قرارداد.

من به وقایع عبرت انگیزی که در پی ورود شاه به رم صورت گرفت اشاره ای نمی کنم زیرا مطلب به درازا خواهد کشید فقط می خواهم این نکته را تذکر دهم که حسین صادق نهایت استفاده را از این موهبتی که بدون خواست او به سوش روی آورده بود کرد. وی نخست به وابستگی بازرگانی سپس به رایزنی بازرگانی و بعد به وزیر مختاری سفارت ایران در رم رسید و بالاخره نیز بعنوان سفیر ایران نزد یکی از سازمانهای بین المللی به ژنو واقع در سوئیس رفت تا سرنگونی سلطنت محمدرضا شاه همان مقام را برعهده داشت. همانطوری که فوقاً اشاره کردم مطالب مفصل تری در این زمینه وجود دارد که چون به لزوم کوتاهی نامه توجه دارم از ذکر آنها خودداری می کنم و فقط می خواستم این نکته را تذکر دهم که حضور حسین صادق و بازرگان ایرانی در فرودگاه و همزمانی آن با ورود شاه فقط بر اثر يك اتفاق بود و این که شاه تصور می کرد حسین صادق برای استقبال او به فرودگاه رفته بود و از آقای افشار می پرسید چرا وی نه خود را نشان می دهد و نه اظهار وجودی می کند بر مبنای يك تصور غلط بود. خدا می داند در مدت سلطنت محمدرضا شاه پهلوی چقدر از این مطالب غیر واقعی به اطلاع شاه رسیده و باعث گمراهی او شده بود و اصولاً از سیستمی که همه در خدمت يك فرد باشند و از گفتن مطالبی که باعث کدورت خاطر بشود اجتناب می کنند جز این چیز دیگری نمی توان انتظار داشت و مسلماً یکی از عوامل متعددی که باعث سقوط شاه و بروز فاجعه شد همین فریب کاری ها و بی اطلاع ماندن او از واقعیت ها بوده است.

واشنگتن - اول خرداد ۱۳۷۳ - م - م

وصیتنامه احمدشاه

آقای دکترالموتی

من از علاقمندان به کتاب های ایران در عصر پهلوی هستم. چون این رشته از انتشارات مجموعه ایست که تاریخ معاصر ایران را از هر جهت دربرمی گیرد لازم بنظرمی رسد که قسمتی از خاطرات دکترمتین دفتری رادرباره وصیتنامه احمدشاه که سند مهم تاریخی است برای شما بفرستم که در کتابها به چاپ برسد.

باتقدیم احترام - رضا نقوی

برلن - بیستم تیر ۱۳۷۳

وقتی احمدشاه قاجار در پاریس فوت کرد من آنجا بودم. حسین علاء وزیرمختار ایران در فرانسه به امر رضاشاه از من کمک خواست برای معتبرکردن وصیتنامه مرحوم احمدشاه که یکی از سردفتران اسناد رسمی پاریس به زبان فرانسه بخط خود موصی (به اصطلاح قانونی - وصیتنامه خودنوشت) ابراز کرده و مواجه با اشکالات قانونی شده بود. نماینده بانک آمریکائی گرانتی تراست کمپانی مقیم پاریس وصی احمد شاه شده بود و چندین جلسه برای توضیحات نزد من آمد. در این وصیتنامه موصی از ثلث مالش برای معاش برادرش محمدحسن میرزا و مخارج تحصیل فرزندان او مقرر می نماید و برای مرحوم لقمان ادهم (حشمت السلطنه) رئیس دفترش پاداشی و برای نگاهداری مقبره خود و پدرش در عتبات اعتباری پیش بینی کرده که خیرات و میرات او منحصر بهمین چند فقره بود و بانک نامبرده را مأمور کرده بود که ماترک اورانگاهداری و از منافع آن مخارج زندگی اولادانش را تا بلوغ به سن ۲۱ سالگی تأمین نماید. بانک مأمور اجرای وصیتنامه به استناد گواهینامه قانونی که از من گرفت توانست سپرده ها، پولها و جواهرات موصی را بوسیله محاکم صلاحیتدار از بانک های سویس بگیرد و ضمیمه سپرده های نزد خود بکند. نکته جالبی که بخاطر من مانده این است که مرحوم احمد شاه پاکت حاوی وصیتنامه رالاک و مهر کرده و سجع مهر او (عبدالراجی احمد بن محمد علی) بود.



محمدرضا شاه پهلوی به تقسیم اراضی بین زارعین علاقه زیادی داشت. قبل از اصلاحات ارضی مقداری از زمین های سلطنتی را بین دهقان ها تقسیم می کرد که اسناد آن در کاخ مرمر توزیع می شد. در این مراسم نویسنده کتاب و چند تن از روزنامه نگاران حضور دارند.



در تیرماه سال ۱۳۳۱ که مجلس شورایی بعد از استعفای دکتر مصدق به نخست وزیری قوام السلطنه ابراز تمایل کرد دیداری با روزنامه نگاران داشت که این عکس در خانه قوام در خیابان کاخ گرفته شده است.

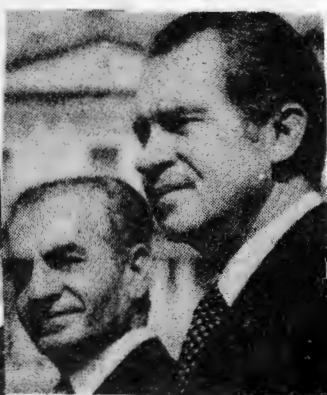
عمیدی نوری - هاشمی حائری - پیراسته - بازارگاد - سرهنگ یمنی - ابوالقاسم پاینده
- یزدان بخش - بیوک صابر - اعتضادی - حسن فرامرزی - حسین آموزگار و نویسنده
کتاب و چندتن دیگر در این عکس دیده می شوند.

چند عکس تاریخی از دکتر مصدق



از تظاهرات و تحصن در دربار که نویسنده نیز با عنوان روزنامه نگار در آن شرکت داشته است.

فرازونشیب



آنچه که گفته و نوشته می شود این است که ریچارد نیکسون و هنری کسینجر در تحکیم رژیم سلطنت ایران و پایه های قدرت محمدرضا شاه و کارتر و همکارانش در تضعیف و سقوط رژیم ایران نقش مؤثری داشته اند.



وقتی محمدرضا شاه پهلوی قدرت داشت صدام حسین با کمال افتخار قرارداد ۱۹۷۵ را امضا کرد. هنگامی که ایران ضعیف شد و رژیم جمهوری اسلامی کشور را دچار هرج و مرج ساخت صدام حسین با کمال وقاحت قرارداد ۱۹۷۵ را پاره کرد و دنبال آن به ایران حمله نظامی نمود.



شاه و شهبانو و ولیعهد در تبعید



دکتر احسان یارشاطر

با پایه گذاری (انسیکلوپدی ایرانیکا) با همکاری دانشگاه کلمبیا يك کار فرهنگی را پیگیری می کند



سردار اودیانس که در عنفوان جوانی هادست خالی از تهران به لندن آمده در سایه لیاقت و کاردانی اکنون سلطان نساجی اروپا گردیده و به دریافت لقب (سر) نائل شده و نام او با ۱۸۰ میلیون پوند ثروت جزوی کسودتن از ثروتمندان انگلستان درآمده است.



شجاع الدین شفا
با انتشار کتابهای ارزنده و نوشتن مقالات
کوینده و تحقیقی وظیفه میهنی خود را
صمیمانه انجام می دهد.



دکتر منوچهر گنجی
با تأسیس سازمان درفش کابویانی و (حقوق بشر)
با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کند.



مجاهدین خلق با تأسیس سازمان شورای مقاومت ملی و اعلام مریم رجوی بعنوان رئیس
جمهور موقت در سال ۱۳۷۳ دامنه فعالیت خود را توسعه داده و علیه جمهوری اسلامی
مبارزه می کنند. گروهی از هنرمندان با این سازمان شروع به همکاری کرده و از جمله مرضیه
خواننده معروف از تهران به پاریس آمده و به این سازمان پیوسته است.

بازگشت به ایران نزدیک است



رضا پهلوی «رضاشاه دوم» با سفر به انگلستان و فرانسه در شهریورماه ۱۳۷۳ به روزنامه نگاران گفت: «این سفر مرحله تازه ای از مبارزه برای رهائی ایران می باشد. تفاهم میان گروههای سیاسی به هم بستگی و وحدت نزدیک شده است ولی هیچگاه پارهبری مجاهدین خلق دیدار و گفتگو نداشته است.

اوبه نماینده روزنامه (ایندی پندنت) گفت مردم ایران صبرشان به آخر رسیده بهمین جهت نا آرامی ها رویه گسترش است. امروز جهان هم تحمل خود را در برابر گروه حاکم در صدور انقلاب از دست می دهد.

رضا پهلوی ۳۴ ساله گفت ارتش آماده است و نیروهای مسلح بیش از هر کس نسبت به من تمایل دارند، من با آنها در تماس هستم و آمادگی دارند تا با دریافت اشاره وارد عمل شوند. رضا پهلوی گفت بازگشت به ایران خیلی نزدیک است.

باتغییر رژیم در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷
رژیم تازه عده زیادی را در تهران و شهرستان ها به جوخه اعدام سپرد





چهره ایران
بعد از انقلاب



لَا شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

مجلس جدید اسلامی

حسنخان ساعدالوزاره - میرزا محمد علی خان فروغی (ذکاء الملک) -
 شاهزاده یحیی میرزاالسان الحکماء - دکترا میرخان امیراعلم -
 حاج میرزا عبدالحسین خان وحیدالملک شیبانی - میرزادادوخان علی
 آبادی - سلیمان میرزا اسکندری - سید حسن مدرس - میرزا محمد
 صادق طباطبائی - حاج میرزایحیی امام جمعه خوئی - میرزا حسین
 خان مؤتمن الملک پیرنیا - میرزا حسن خان مشیرالدوله پیرنیا - حاج
 میرزا هاشم آشتیانی - شیخ رضا دهخوارقانی - سید محمد رضا
 مساوات - میرزا اسدالله خان مشاور السلطنه نوایی - نصرت الدوله
 فیروز - میرزا ظاهر تنکابنی - سید محمدتدین - نجفقلیخان
 صمصام بختیاری - مهدیقلی هدایت، مخبر السلطنه - دکترا محمد
 مصدق (مصدق السلطنه) - سید احمد بهبهانی - میرزا حسین خان
 علاء - سید حسن تقی زاده - حاج سید رضا فیروز آبادی - میرزا نصرت
 الله بیات - محمد تقی بهار، ملک الشعراء - میرزا سید علی رضا احتشام
 زاده - میرزا جوادخان، امیرهما یون بوشهری - ضیاءالدین کیانوری -
 سید عبدالرحیم کاشانی - سید حبیب الله لاریجانی - شیخ علی
 مدرس - رضا بوشهری - محمد رضا تهرانیچی - میرزا مهدیخان
 وثوق السلطنه دادور - حسین دادگر (عدل الملک) - حسن اسفندیاری
 (محتشم السلطنه) - دکترا محمد حسن لقمان ادهم - عبدالحسین
 نیکپور - علی وکیللی - غلامحسین کاشف - عبدالرحیم شباہنگ -
 عباس مسعودی - ابوالقاسم فروهر - حسنعلی مستشار - دکترا
 عباس مؤدب نفیسی - دکترا صادق رضا زاده شفق - دکترا جلال عبده
 - علی دشتی - مهندس غلامعلی فریور - مهندس خسرو هدایت
 - دکترا جواد آشتیانی - سیدعلی بهبهانی - دکترا علی امینی - دکترا
 مظفریقائی کرمانی - سیدحسین مکی - سید ابوالحسن حائری زاده -
 عبدالقدیر آزاد - دکترا سیدعلی شایگان - محمود نریمان - جواد
 مسعودی - دکترا شمس الدین جزایری - فتح الله فرود - سیدجعفر

بهبهانی - رضا کی نژاد - دکتر موسی عمید - احمد اخوان - حسن
 کاشانیان - محمدرضا خرازی - یوسف مشار قائم مقامی -
 حاج سید ابوالقاسم کاشانی - مهندس احمد زیرک زاده - علی زهری
 - حسینعلی راشد - مهندس کاظم حسینی - دکتر محمد شاهکار -
 محمد درخشش - دکتر حسن افشار - حسن کورس - دکتر غلامحسین
 جهانشاهی - دکتر احمد امامی - محمد عبدالله گرجی - محمد علی
 مسعودی - اسدالله رشیدیان - مهندس سعید هدایت - کاظم کورس
 - محمود باقرزاده - دکتر محسن مظاهر - اکبر امیراحمدی - رضا
 معرفت - سرلشگر فضل الله همایونی - بانو هاجر تربیت - بانو
 شوکت ملک جهانبانی - عباس روستا - مهندس عبدالله ریاضی -
 عزت الله اوزار - بانو دکتر فرخ رو پارسا - امیرعلی سیفی -
 حیدر صائبی - محمدولی قره چورلو - مهندس مهدی مالک - بیات
 - دکتر قدرت الله موثقی - محسن خواجه نوری - دکتر ابوالقاسم
 پورساطع - علی اکبر دانشمند - دکتر محمد حسن رهنوردی - بانو
 نیره سعیدی - امیرحسین شیخ بهائی - عباس فروتن - ابوالقاسم
 قاضی زاده - علیمحمد مبارکی - حسین معیری - دکتر وحید مهدوی
 - دکتر جهانگیر میرعلا - دکتر امیرحسین پرتو اعظم - عبدالله جوانشیر
 - صادق ناصرزاده - بانو دکتر پریش سرخوش - محمدرضا سعادت
 فرد - مهندس عنایت الله بهبهانی - دکتر رضا علومی -
 ناصر اولیاء شیرازی - سرتیپ نصرالله حکیمی - بانو دکتر ملکه
 طالقانی - محمد بهنیا - رحیم پورپردباری - محمود بوداغ زاده
 - دکتر منوچهر آزمون - دکتر محمدرضا عاملی تهرانی - بانو پری
 اباصلتی - خلیل الداعی - داود فلاح مقدم - محمد حسین عباس
 میرزائی - حسین قربانی نسب - فتح الله حاتمی - بانو قدس ایران
 عدیلی - منصور یاسینی - بانو فاطمه نجیمی نائینی - دکتر محمد
 بقائی یزدی - دکتر داریوش شیروانی - محمد علی ادیب مجلسی -

احمد جلالیان - سیدحسن صحرائی - محمدعلی باقرزاده - دکترعلی
محمدبنکدارپور - رحیم پورپردباری - بانودرخشنده کمالی آزاد -
بانودکتر ویداد اودی (گروسیان) - جعفر منصوریان.

جہرم:

لسان الملك - اسماعیل خان قشقایی - علی زارع - میرزا
علیخان شہداد - لطفعلی معدل شیرازی - ابوالفضل حاذقی -
حسام الدین وکیل پور - غلامحسین صادقی - عبدالکریم جاماسبی
- جعفر پیمان - ایرج قادری.

جیرفت:

رستم خان رفعت الدولہ - میرزا حسین خان سردار نصرت
اسفندیاری - عطاء اللہ روحی - سلیمان ضیاء ابراہیمی - صدر
میرحسینی - محمد ابراہیم شاپوری - سیدجلال الدین شادمان -
مهندس سید عبدالوہاب عترت - سیدضیاء رضوی - محمدباقر
سعیدی.

چاراویماق:

رضا کورانلو - صمد مجتہدی.

چاہ بہار:

عبدالمہدی کشفی - کریم بخش سعیدی.

خدا بندہ:

رضا ذوالفقاری - جہانشاہ افشار.

خرم آباد:

اسد اللہ میرزا مشیر السلطان - میرزا حبیب اللہ خان کمالوند
(ین الملك) - عبدالحسین رکن الملك صدری - حاج میرزا علی محمد
دولت آبادی - شیخ عبدالرحمن صالحی - یحیی خان زنگنه -
عزیز اللہ فولادوند - فتح اللہ پورسرتیپ - دکتر حسین خان بہرامی -
جواد شجاع چاغروند - فتح اللہ خان گودرز نیا - اسماعیل نجومی -

علی محمد غضنفری - سید محمد علی کشاورز صدر - دکترو سید عبدالکریم فقیہی شیرازی - امیر حسین فولادوند - سرلشگر سید محمود نکوزاد - روح اللہ قاضی زادہ - غلامرضا غضنفری - یحییٰ معینی چاغروند - محمد حسین غضنفری.

خرمشہر:

میرزا محمد علی صدرالتجار - شکر اللہ خان قوام الدولہ صدری - میرزا حسن خان موقر - میرزا حسین خان موقر - سید ضیاء الدین نقابت - دکترو عبدالحسین راجی - محسن موقر - مکی فیصلی - محسن پزشکیپور.

خلخال:

میرزا ابوالحسن ناصر سیف - جعفر پناہی - سید حمد اللہ ذکایی - احمد دہقان - حبیب پناہی - مهندس عبداللہ والا - سید محمود امامی رضوی - جمشید فریدونفر - محمد قلی بسیج خلخال.

خواف:

سید محمد قریشی - دکترو غلامرضا مبین - بانو صدر الملوک بزرگ نیا - حسن قرائی.

خوی:

میرزا باقر خان عظیمی - میرزا جواد خان امامی خوئی - عبداللہ بیات ماکو - عبدالحسین دیبا - حمد اللہ بیات ماکو - حاج محمد رضا اصغرزادہ پارسا - کامل ماکوئی - جمال امامی خوئی - عباس تیموری - نورالدین امامی خوئی - میر مجید موسوی - اصغر پارسا - احمد بیات ماکو - شجاع بیات ماکو - قلی امیر لک - دکترو عبدالعلی امامی خوئی - حسن وزیر.

داراب:

غلامرضا ایلخان - مهندس حیدر علی ارفع - منوچہر بہارلو.

دامغان:

دکتر جواد صفایی - مجتبی عالی.

دره گز:

میرزا محمد تقی بهار (ملک الشعراء) - میرزا عبدالله خان
معتد السلطنه وثوق - میرزا حسن خان مسعودی خراسانی -
میرزا علی اقبال السلطان، اقبال - حسن کفائی - عبدالله شه دوست
- حبیب الله دری - حسن مکرم - صادق سرمد - دکتر محمد حسین
اسدی - طلعت اسدی «خزیمه».

دزفول:

سید علاء الدین - شیخ محمد علی بهجت دزفولی - غلامرضا خان
وقار الملک - سید جواد محقق العلماء - امان الله اردلان (حاج
عز الممالک) - محمد تقی خان اسعدبختیاری - میرزا علینقی خان
مصباح فاطمی - مجید موقر - امیر حسین ظفر بختیاری - دکتر سید
حسین فرهودی - محمد صادق بوشهری - کریم طهماسبی -
عطاء الله اخلاقی - کریم آصف.

دشت گرگان:

حسن افغان قاضی - آدینه جان آخوند جعفریای - محمد
آخوند گرگانی - یار علی آدینه جان آخوند - عبدالله توماج - محمد
شرعی - رحمت الله فهیمی - دکتر امیر حسین زهرانی - رحمانقلی
سیدی - قوشان آلتی جعفریای.

دشت میشان:

میرزا محمد علی خان منتصر الملک - شیخ عبدالحمید خان سردار
اجل - عبدالامیر نگهبان - حاج شیخ محمد جواد بهبهانی ارگانی
- دکتر حسین فرهودی - سید اسدالله موسوی - عبدالحمید موقر -
محمد علی معین زاده موسوی - صدری کیوان - عبدالعلی طرفی .

دشتستان:

رسول پرویزی - ابراهیم ماخوزی.

دماوند:

میرزاسیدعلینقی مرانکی، مطهری - شیخ حسین آقازاده -
میرزاحمدحسین صدرائی - میرزاصادق خان خواجه نوری - علی
دشتی - جواد مسعودی - محمدعلی مسعودی - سیدباقرجلالی
موسوی - قاسم مسعودی - سیدمجیدمحسنی مهر - ناصرنوریخس
دماوندی.

دهلران و مهران:

محمدتقی حیدری - رستم رفعتی.

دورود:

دکترمحمدحسن رازانی - بانوپروین دخت سلیلی.

رامهرمز:

محمدصمیمی - محمدعلی کلاتر هرمزی - منوچهردهقان.

رزن:

مهندس اسماعیل معینی زند - محمدحسین معینی قراگوزلو.

رشت:

حاج آقامیر بحرالعلوم رشتی - شیخ حسن حسام الاسلام -
میرزاحمدعلیخان رحمت آبادی - شیخ حسین ملک المعالی - محمد
وکیل التجاریزدی - سیدیحیی ناصرالاسلام ندامانی - ابوالحسن خان
معاذالسلطنه پیرنیا - دکتراسماعیل خان امین الملك مرزبان - میرزا
علیمحمدخان وزیر زاده - میرزاحسین خان ادیب السلطنه سمیعی -
صادق خان سردارمعتد اکبر - میرزافتح الله خان سردارمنصور
(سپهداراعظم) - محدودلیخان خلعت بری (سپهسالارتنکابنی) -
طالب خان رحمت سمیعی - غلامرضارحمت سمیعی - ابراهیم

سمیعی - حاج سید محمود حسن - میرزا علی آقاچایچی - ابوالقاسم
 امینی - میر صالح مظفرزاده - حسن اکبر - مهندس کاظم جفرودی
 - محسن اکبر - اسماعیل اکبر - بانو نیره ابتهاج سمیعی -
 جهانگیر سرتیپ پور - مهدی احمد - دکتر یوسف صمدزاده -
 محمود تقی زاده منظری - دکتر محمد ستاری.

رضائیه «ارومیه»:

میرزا رضا خان افشار - میرزا حسین خان افشار استاجلو -
 محسن افشار صادقی - محمد ساعد مراغه ای - دکتر فریدون افشار
 - دکتر تقی صاحب قلم - دکتر اسماعیل فریور - دکتر علی مدنی -
 دکتر کاظم وزیری - دکتر مصطفی راد - علی نظمی - غلامعلی
 قاسمی - یدالله توتونچی افشار.

رفسنجان:

عبدالوهاب مؤید الاسلام - محمد شریعتمدار کرمانی -
 میرزا شهاب الدین بقائی - میرزا حسن خان مرآت اسفندیاری -
 میرزا محمدعلی خان نصرت الممالک امیر ابراهیمی - مهدی معین
 زاده باقری - محمود بهمینیار - حسین شفیعی پور کرمانی - دکتر
 احمد رفیعی - دکتر حسین تجدد.

رودسر:

سید مرتضی طالب زاده - هوشنگ طالع - نصرت الله اسدی
 لنگرودی - جعفر قاسم زاده.

رودبار:

سید محمود توسلی - دکتر منوچهر سلیمی.

شهری:

سید مهدی معتمدالتولیه - حاج سید رضا فیروزآبادی - میرزا
 مهدی زاهدی مقوم الملك - زین العابدین رهنما - دکتر موسی جوان
 - محمدعلی اعتمادی، اعتمادالتولیه - مهدی مشایخی -

دکتر سید محمد علی هدایتی - مهندس فضل الله معتمدی - هدایت
اسلامی نیا - دکتر قاسم مشایخی - دکتر سید علی اکبر فیروز آبادی
- محمد دهقان نژاد.

رودبار و الموت:

دکتر مصطفی الموتی.

زابل «سیستان»

منصور خان معدل الدوله - میرزا سعید خان معدل الدوله -
معظم السلطنه - محمد ولیخان مصباح دیوان، اسدی - سلیمان خان
اسدی - میرزا علی اکبر خان اسدی - عیسی مشارقائم مقامی -
سید مهدی فرخ - عبدالله معتمد وثوق - سردار علی پردلی - امیر
حسین خزیمه علم - جهانگیر تفضلی - ابراهیم پردلی - محمد حسین
ناروئی - اسماعیل خزیمه - محمد حسین رهبر.

زاهدان:

تیمسار روح الله کیکاوسی - امان الله ریگی - محمد حسین
نارویی - خداداد ریگی - بهمن بارک زهی.

زنجان:

شیخ ابراهیم زنجانی - میرزا بزرگ مقبل لشکر همدانی - حاج
شیخ علی صدرالاسلام - محمد ولیخان خلعت بری (سپهسالار) -
میرزا هادی خان بیان الدوله - دکتر احمداحیاء السلطه بهرامی -
میرزا محمد نجات - سلطان ابراهیم افخمی - حاج حسین رهبری -
حبیب الله مجدضیائی - محمد ذوالفقاری - ناصر ذوالفقاری -
مصطفی ذوالفقاری - احمد افخمی - محمود ذوالفقاری - مهندس
سعید هدایت - دکتر عبدالمجید موسوی - سرتیپ حسین علی بیات.

ساری:

محمد حسن خان شهریار پور مفتخر الممالک - محمد علی مازندرانی
- شیخ جعفر - سید عباس شریف العلماء - اسماعیل امیر مؤید

سوادکوهی - محمدرضا تجدد - میرزامحمدنجات - دکتراسماعیل سنگ - میرزااعلی عمادی - میرزاحسینخان معتصم الملك - ایرج اسکندری - مرتضی شریف زاده خاوری - منوچهر گلبادی - عبدالصاحب صفایی حایری - دکترنصرت الله کاسمی - مصطفی تجدد - محمدفضایلی - دکترعیسی سنگ - غلامرضا اسپهبدی - دکترمحمدحسن رهنوردی - دکترجوادسعید - فضل الله کاسمی.

ساوجبلاغ مرکز:

میرزا قاسم خان صوراسرافیل تبریزی - میرزاسیدمحمدصادق خان طباطبائی - محمدرضامساوات - علیخان حیدری - میرزایدالله دهستانی - دکترسیدجواد حمزوی - مهندس عبدالعلی دهستانی.

ساوجبلاغ کردان فکری:

میرزایدالله نظامی - میرزااعلی خان حیدری - بهاء الدین کهبید.

ساوه:

میرزاعیسی خان - امیرناصر - علی دشتی - محمدتقی خان اسعد بختیاری - میرزاحسن خان وزیری - سیدعلیرضا احتشام زاده گنج بخش - سیدمحمدطباطبائی - سیدفتح الله فرود - عماد الدین سزاوار - دکترسیدمهدی پیراسته - مهندس ناصر بهبودی - مهندس احمد احتشام شهیدی - سیف الله افشار.

سبزوار:

حاج میرزااعلی سبزواری - محمدهاشم میرزا، شاهزاده افسر - حاج آقارضا رئیس التجار - حاج میرزاهاشم شریعتمدار آشتیانی - حسن آقازاده سبزواری - محمدتقی معتضدی - احمدفریدونی - سیدمحمدطباطبائی (تجدد) - محمدپروین گنابادی - عبدالقدیرآزاد - ابوالحسن حائری زاده - دکتراحمدنبوی - علی بزرگ نیا - محمود رضائی - دکترقاسم رضائی - دکترامین غنی - دکترضیاء

الحق ناوی - حسن متولی - کاظم اسکوئی.

سراب:

فتح الله میرزا هرمزی - میرزامحمدعلی مولوی - محمدولی
فرمانفرمائیان - احمدبھادری - حسین فاخر - حیدرشفیعی -
اسفندیاردیبا - یوسف هاشمی - دکتر عبدالرضا عدل طباطبائی -
دکتر سعیدبھادری - بانوفریده هاشمی.

سردشت و پیرانشهر:

مهندس عبدالعلی نظمی - علی امیرعشایری.

سقزیوانہ:

اقبال السلطان - سید عبدالعزیز صدرالعلماء مفتی - قادرخان
انوشیروانی - عبداللہ ناہید - حبیب اللہ محیط - محمدعباسی - عزیز
اعظم زنگنه - عبداللہ بدر صالحیان - محمد رحیم شیخ الاسلامی
بانہ.

سمنان و دامغان:

میرزا سید ابراہیم عمیدالحکماء - محمدتقی خان ضیاء الملک -
دکتر حسینقلیخان قزل ایاغ - میرزامحمدخان عمیدالممالک - میرزا
عبداللہ خان یاسائی - جواد عامری - عنایت اللہ نصیری - دکتر
جواد صفائی - دکتر عزت اللہ نصیری.

سمیرم:

اکبر مسعودی - امیرامان اللہ سترک درہ شوری.

سنقر کلیائی:

صادق احمدی - حسین یوسفی - مهندس علی اشرف فرخ -
پرویز فرهنگ بیگوند.

سنندج:

میرزا اسد اللہ خان کردستانی - آقاخان اعزاز السلطنہ - میرزا
فرج اللہ خان آصف - حاج محمدخان حبیبی - میرزامحمدخان وکیل،

وکیل الممالک - اسماعیل خان رحیم زادہ - نصرت اللہ اعزاز الممالک
 صادق وزیری - عبدالحمید سنندجی - ناصر قلی اردلان - حسین وکیل
 - محمد رضا آصف - امان اللہ اردلان (حاج عز الممالک) - دکتور
 محمد ہاشم وکیل - دکتور عباس قلی اردلان - مہدی شیخ الاسلامی -
 مہندس ہوشنگ کمانگر - دکتور محمد اصولی - دکتور محمد عابد سراج
 الدینی - بانو فرخ لقابابان.

سیرجان:

شیخ محمد حسن خان شیخ الممالک سیرجانی - میرزا احسن خان
 مشار الممالک - عطاء اللہ روحی - میرزا احمد خان بدر - حسن مرآت
 اسفندیاری - دکتور محمد شیخ (احیاء الممالک) - عبداللہ عدل اسفندیاری
 - محسن مرآت اسفندیاری - محمد علی نوربخش - دکتور ملک
 منصور اسفندیاری - دکتور نصر اللہ منتظری.

شاہ آباد غرب:

حاج قاسم مرادی - حسن مریدی - دکتور احمد برادر - فتاح
 تولائی زادہ.

شاهپور:

سلطان علی ذبیحی سلطان احمدی - دکتور تقی صاحب قلم - علی
 بہنیا.

شاہ زند:

مہندس بہمن آراستہ - اکبر مہاجرانی - عبداللہ بیگلری -
 مجتبیٰ نوری.

شاہسون «ایل»:

حسن طباطبائی دیبا - سید عبدالعلی طباطبائی دیبا - میر آقا
 صادق.

شاهرود:

حاج سید ابراہیم عمید السلطنہ - شیخ غلام حسین ناظر زادہ -

سیدفاضل کاشانی - حاج میرزارضا دامغانی - حسین آقایان -
دکتر امیرخان امیراعلم - علی اکبر صدیق - دکتر محمدتقی تاجبخش
- سید عبدالکریم صدریه - غلامرضا فولادوند - سید شمس الدین
قنات آبادی - دکتر علی امیرحکمت - علی وثوق - مهندس امیر
قاسم معینی - عبدالهادی آقایان.

شاهی:

صفر لفظی - موسی صالحی - محمد فضائلی - محمد حسین
اخوی - دکتر فتح الله سلیمانی سوادکوهی - ناصرالدین باقری.
شمیرانات:

دکتر قاسم طاهباز - محسن خواجه نوری - بانو مهروش صفی
نیا (مستوفی) - دکتر طهمورث فروزین - دکتر علی صدیق اسفندیاری.
شوشتر:

سید علاء الدین شوشتری - شیخ محمد علی بهجت دزفولی -
میرزاد اودخان سعیدالملک - میرزا سیدحسن خان زعیم - میرزا مهدی
خان بنی سلیمان - محمودخان مصدق الدوله ناصری - محمد صادق
بوشهری - ابوالقاسم بهبهانی - محمدابریشم کار - عبدالحمید بختیار
- ابدال بختیار - دکتر علی اکبر حکیم شوشتری - دکتر نعمت الله
جزایری - سید عبدالله صدیق زاده.

شوش و اندیشک:

محمد اسماعیل انصاری - محسن موقر - سیدرضا حجتی.

شهرکرد:

سیدشفیع صدرالملک قزوینی - حسن سردار جنگ - جعفرقلی
خان سردار اسعد - فتحعلیخان بختیار - عبدالوهاب مؤید احمدی -
احمدقلی صمصام بختیاری - آقاخان بختیار - رستم امیربختیار -
مهندس علیرضاریاحی - عبدالسمیع لیوانی - دکتر لطف الله رئیس.

شهرضا:

مهدیقلیخان سدیدالملک - میرزا ابوطالب شیروانی - میرزا احسین
خان جلائی - میرزا احسن خان فاطمی - محسن مهدوی - دکتر غلامرضا
کیان - ابوالفتح قهرمان - دکتر مرتضی قلی کیان.
شہسوار:

ارسلان خلعتبری - دکتر عزت اللہ یزدان پناہ - دکتر منصور
خلعت بری - محمد رضا کبیری:
شیروان:

محمد علی مهدوی - سید کاظم مسعودی - محمود محمودیان.
شیراز:

حاج سید محسن ثقہ الاسلام - سید جعفر - سید فخر الدین
فخرالسادات - حاج حبیب اللہ قوام دیوان - حاج میرزا محمد علی
خان شیرازی - حاج شیخ یوسف حدائق - میرزا ابوالحسن خان
شیرازی - حاج آقا مجتہد شیرازی - شیخ مهدی معتمد خاقان،
عمید الحکماء - شیخ علی مجتہد ابوالوردی - سید ابراہیم مدرس
شیرازی - سید محمد رضوی - میرزا فتح علی خان باباخان -
میرزا نظام الدین مشارالدولہ - حاج میرزا سید محمد مہذب الدولہ -
ضیاء الادب - سید جواد محقق العلماء - سید یعقوب انوار - علی
زارع - سید محی الدین مزارعی - محمد تقی امین الشریعہ ذوالقدر
- سید عبدالحسین صدر - حسن صدر الاسلام - حاج سید محمد سلطانی
- میرزا علی رضا ضیاء - شیخ محمد علی امام جمعہ شیراز - میرزا
محمد علی خان بامداد - میرزا ابراہیم خان قوام، قوام الملک - حاج
غلامحسین ملک - رضا حکمت (سردار فاخر) - حسینقلی خان نواب
- میرزا محمد تقی شانگھایی شیرازی - احمد مہذب - مهدی نمازی
- سید ابوطالب کازرونیان - احمدخان مؤید قوامی - لطفعلی معدل
شیرازی - علی محمد دھقان - جواد ملکپور - محمد قلی قوامی -

مهدی صدرزاده - ابوالحسن رضوی - احمددهقان - محمدحسین
استخر - سیداسماعیل قوامی - الیاس زندی کشکولی - علی قوام
- دکترمحمدعلی معدل شیرازی - غلامرضا حکیمی - هاشم جاوید
- ایرج مهرزاد - مهندس جواداریابی - سیدمحمد رضا زاده -
حسام الدین رضوی - مهندس غلامعلی سهم الدینی -
دکترعبدالرسول عظیمی - بانوقدس منیرجهانبانی - دکترهمايون
فریود - ضیاء ابطحی فهلیانی - سرلشگر اسدالله ایلخانی - نورالله
جهانشاهی - ایرج عطارد - عزیزالله قوامی.

صومعه سرا:

محمود محمودی - عین الله پورادبی - فضل الله صادق سمیعی
- دکترقاسم صوفی - میرابوطالب رضوی نژادصومعه سرایی.
طارم علیا:

امیرهوشنگ مقدم - مهندس تقی زند - دکترحسین وفا -
رضاذوالفقاری.

طوالش «گرگانرود»:

میرزافتح الله خان سردارمنصور - حاج آقارضارفع (قائم مقام
الملك) - محسن همراز - سیدحسن معینی - حسین معینی - حاج
سیدمصطفی مصطفوی - هلاکوراامبد.

فردوس «تون و طیس»:

میرزامحمودخان منتصرالملك - سالارمعظم - مشیرمعظم -
میرزاحسن خان مسعودی خراسانی - سیدولی الله شهاب فردوس -
محسن گنابادی - سیدمحمد نجفی - محمدابراهیم امیرتیمورکلالی
- محمدعلی اقبال - کاظم مسعودی - محمودروحانی - علینقی
نجد شبیانی - فریدون سعادت قدس نیا.

فریدن:

دکترمحسن صالحی چادکانی - محمدحسین خسروی دارانی.

فسا:

سید محمود صدر الملک - حاج آقا شیرازی - حاج میرزا احمد
اتابکی - شیخ محمد تقی ذوالقدر - حبیب الله نوبخت - علیقلیخان
هدایت - عباسقلی خان عرب شیبانی - مرتضی حکمت -
غلامحسین صاحب دیوانی - دکتر سید جواد مہذب - مہیندخت مزارعی
- دکتر سید مرتضی مشیر.

فومن:

شیخ حسن حسام الاسلام - دبیر رسایل لاهیجی - سیدیحیی
ناصر الاسلام ندامانی - شریف الدولہ - میرزا ابوالحسن معاضد السلطنہ
- دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملک) - میرزا علیمحمدخان وزیرزادہ
- سیدزین العابدین فومنی - عبدالحسین اورنگ، شیخ الملک - دکتر
عطاء اللہ سمیعی - حسن اکبر - محمدعلی دادور - نعمت اللہ خان
اکبر - محمدعلی نصرتیان - محمود محمودی - سیاوش داودزادہ -
مهندس عباس اسدی سمیع - علیقلی سمیعی - محمدحسن دلخوش
فومنی.

فیروزآباد:

حاج محمد کریم خان کشکولی قشقائی - امین الواعظین ناظم
دفتر - عماد الملک بصیری - سید ابراهیم ضیاء الواعظین - محمد ناصر
قشقائی - جعفر خان خواجہ نوری - حبیب اللہ پور رضا - خسرو قشقائی
- الیاس کشکولی زند - زیار سترک درہ شوری - محمد حسین زرآور
- عبدالحسین دشتی - شہباز شہبازی.

قاین:

دکتر محمد حسین اعتمادی.

قروه:

دکتر میروجیہ اللہ صدر - احمد دولتی.

قزوین:

شیخ میرزا حسین شهیدی - میرزا حسین طبیب - میرزا محمد ادیب التجار - خلیل فهیمی - میرزا علی رضا مجتهد - شیخ فضلعلی مجتهد - حاج سید اسدالله مجتهد خرقانی - شاهزاده اکبر میرزا سردار مفخم - شیخ محمدعلی ثابت الموتی - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - سید مرتضی وثوق، وثوق الاسلام - میرزا باقر خان شاهرودی - میرزا حسن خان گروسی - هدایت الله میرزا مکرم افشار - عبدالصمد کامبخش - محمدعلی مجد (ظن السلطنه) - عسگر صاحب جمع - نصرالله لاهوتی طالقانی - ابوالقاسم فقیه زاده - سید ضیاء الدین حاج سید جوادی - حاج سید احمد صفایی - پرویز یار افشار - پروفیسور جمشید اعلم - رضا جعفری - دکتر ناصر یگانه - دکتر سید محمد رضا تنکابنی - دکتر موسی درودی.

قصر شیرین:

دکتر عباس حاتم - محمد فضائلی - غلامرضا اعظمی باوندپور.

قم:

شیخ محمود واعظ قمی - فتح الله خان بیگدلی - حاج میرزا ابراهیم قمی - شاهزاده دکتر حیدر میرزا - حاج میرزا علی رضا قمی - میرزا علی حق نویس - حاج میرزا علی اصغر دربانی، حاجب التولیه - ابوالفضل تولیت، مصباح الدوله - سید احمد طباطبائی قمی - دکتر محمد قراگوزلو - دکتر فضل الله صدر - دکتر سید شفیع شکرانی - دکتر محمد رضوانی.

قوچان:

حاج میرزا آقا بابا قوام السادات - عبدالحسین خان تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) - میرزا خلیل خان فهیم الملک - سید مصطفی بهبهانی - میرزا علی اکبر خان دبیر سهرابی - محمود فرخ - غلامحسین رحیمیان - منوچهر تیمورتاش - حسین عاملی - سعید

مهدوی - غلامرضا بهادری - رضا پیرزاده - حسن خلیل زاده
شیرازی - دکتر کاظم رحمانی.

کازرون:

سید عبدالحسین طباطبائی - سرلشگر عباس جباری.

کاشان:

میرزا سید حسن خان - میرزا نظام الدین - احمد علی خان غفاری،
فخر الممالک - میرزا احمد خان شیبانی - میرزا نصرالله خان جلیل الملك
- احمد مدیر نراقی - میرزا سید حسن خان زعیم - میرزا اسدالله خان
عامری - میرزا ابراهیم خان شریفی - علی محمد خان محلوجی - سید
محمد علی علوی - سلیم ایزدی - ابوالقاسم نراقی - سید یعقوب
انوار - احمد اخوان - عباس نراقی - اللهیار صالح - سرتیپ محمد
کاظم شیبانی - حسین صدقی - مهندس مهدی شیبانی - دکتر محمد
رضوانی - بانو ژاله ضرابی (صفاری).

کاشمر:

سید هاشم احتشام الاطباء - میرزا ابوتراب اقبال التولیه -
میرزا محمد تقی ملک الشعراء بهار - حاج اسدالله زوار - میرزا آقا
ضیاء الاطباء - میرزا علی خان اقبال - محمد ابراهیم امیر تیمور کلالی
- منوچهر تیمورتاش - عبدالوهاب اقبال - مهدی شوکتی - دکتر
ابوالقاسم تفضلی - مهندس فضل الله جلالی نوری - محمد صادق
فرمان.

کرج:

زین العابدین ارسنجانی - مهندس عباس زاهدی - امیر عباس
جهانی - محمد بدرخانی - عباس اخباری - محمد کاظم جزایری -
نورالله قدمی.

کرمان:

شیخ مهدی بحر العلوم کرمانی - میرزا هدایت الله شمس

الحکماء - شیخ محسن خان قاجار - نصرالله معاون التجار - میرزا حسن وکیل کرمانی - محمدعلی کرمانی - حاج میرزایحیی دولت آبادی - علی اکبردهخدا - شیخ مهدی نجم آبادی - میرزامحمدحسین خان آصف الممالک ابراهیمی - شیخ یحیی احمدی کرمانی - حاج میرزا مرتضی مجتهد - شیخ فرج الله - میرزا عبدالحسین مجتهد هوشمند - میرزا عبدالوهاب مؤیداحمدی - میرزامحمود دبستانی - حسن تواناقزوینی - سیدمحمد هاشمی - سیدمصطفی کاظمی - دکتر مظفریقائی کرمانی - مهندس سیداحمد رضوی - علی روحی - یدالله ابراهیمی - مجید ابراهیمی - امان الله عامری - صدرمیرحسینی - دکتر ملک منصور اسفندیاری - محمدعلی محدث زاده - دکتر غلامرضا خیراندیش - علی اصغر مظهری - مظفر جندقی.

کردکوی:

رستم امیربختیار - سرهنگ سیدحسن حسینی - مهندس علیرضا ریاحی - دکتر پرویز سنگ - عبدالسمیع لیوانی.

کرمانشاه:

حاج محمدصالح خان مؤید الوزاره کلهر - محمدملک کرمانشاهی - میرزا اسماعیل خان معاضدالممالک - شاهزاده ابوالقاسم خان - سیدحسن کزازی «اجاق» - حاج میرزا حسنخان کرمانشاهی - امان الله اردلان (عزالممالک) - علی خان اعظمی زنگنه (امیرکل) - محمد مهدی میرزا شاهزاده مرآت السلطان - میرزا فتح الله خان نصیردیوان - احمدخان معتضدالسلطنه - نصرت الدوله فیروز - میرزایحیی خان زنگنه - سالار اشرف - سلطان العلماء - محمد علیمیرزا دولتشاهی - عطاءالله پالیزی - ملک ایرج میرزادولتشاهی - موسی خان مرآت - هدایت الله پالیزی - محمدعلی نصرتیان - دکتر حسین معاون - عباس قبادیان - دکتر عبدالحمید زنگنه - ساسان خواجه نصیری - ابوالفتح دولتشاهی - عزیز اعظم زنگنه -

نادعلی کریمی - دکتر کریم سنجابی - محمدرضا اقبال - سید
فخرالدین فرزانه - عبدالحسین امیر احتشامی - محمدعلی علامه
وحیدی - خسرو قبادیان - محمدجواد حریری - بانو دکتر مهرانگیز
دولت‌شاهی - حسین غلام نیاکان - دکتر هوشنگ رشید یاسمی -
عبدالرحیم چنگیزی - علی اکبر معتضدی - محسن اجاق.

کوه‌دشت طرحان:

سرلشگر فضل الله همایونی - غلامرضا غضنفری لرستانی.
کهک:

دکتر فضل الله صدر - کیومرث وشمگیر.
کهکیلویه:

سرلشگر سیدحسین هاشمی حائری - مسیب حکیمیان -
مهندس حبیب الله نصر - ابوالحسن عاملی.
کلبیر:

کریم اهری - اسدالله محمدخانلو عشایری.
کنکا اور و صحنه:

دکتر محمد دفتری - مهندس عبدالعظیم صدقیانی - عزت الله
ایلخانی پور - محمد اسماعیل ساری اصلانی.
گرگان «استرآباد»:

محمد تقی استرآبادی - حاج غلامحسین استرآبادی - میرزا
حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله) - حاج شیخ محمدحسین استرآبادی
- سید محمدعلی شوشتری - سیدحسین معتضدالاسلام عقیلی -
علیقلی خان هزارجریبی - محسن خان همراز، فاضل الملك - دکتر
خلیل فلسفی - رحیم دادگر - دکتر حسین فلسفی - علی اکبر رهبر
- مهندس محمد حسین قادرپناه - دکتر سید محمدعلی عسگری -
نعمت الله قاضی - نصرت الله معززی.

گرسار:

مظفر امیری - علی اصغر شیخ رضایی - منصور صادقی.

گلپایگان:

میرزا محمد باقر ادیب گلپایگانی - شیخ اسدالله محلاتی -
حاج بیوک خان لواء الدوله - شیخ محمد سعید مجتهد - غضنفرخان
- میرزا محمد خان معظمی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - دکتر
عبدالله معظمی - مهندس کیقباد ظفر - اسدالله معظمی - دکتر ولی
الله معظمی - دکتر مجتبی جعفری.

کتاباد:

ناصرکنگرو - دکتر باقر شریعت - بانو ایران اقبال - محمد تقی
شریعت.

لار

شیخ محمد حسین سعادت - میرزا علی اکبر داور - دکتر محمد
خان شیخ - میرزا اجواد خان آزادی - عبدالرحمن فرامرزی - مهندس
منوچهر ایرانی - کاظم پزشکی - دکتر حسین خطیبی - محمد علی
پوریابائی - محمد صادق افتخار.

لاهیجان:

دبیر رسایل لاهیجی - حاج شیخ اسماعیل - سید کاظم اتحادیه
- محمد رضا طلوع - میرزا احمد خان صفاری - دکتر رضا رادمش
- غلامحسین ابتهاج - مهندس شمس الدین علمی غروی - سرتیپ
محمد علی صفاری - باقر پژند - علی اصغر فیاض فاضلی -
نادر ادیب سمیعی - مهدی آستانه ای - جعفر عادل رانکوهی.

لنجان:

دکتر موسی اصفهانی، آیت الله زاده - دکتر سیف الله وحیدنیا
- محمد ابراهیم نیک پور (جهانگیر) - دکتر سید ابراهیم چهارزی
- منوچهر سرهنگ زاده.

لنگرود:

نادرادیب سمیعی - دکتر شمس الدین ابوالهدی لنگرودی.

مارین «همایونشهر»:

مهندس محمود پروشانی - حسن اوحدی.

ماکو:

میراسدالله موسوی ماکوئی.

ماه نشان:

فتح الله مافی.

محلات:

حاج شیخ اسدالله محلاتی - حیدرقلی میرزا حشمتی - امین

پورمحسنی عراقی - میرزا احمدخان شریعت زاده - نصرالله هدایت

- محسن صدر، صدراالاشراف - عباس میرزا حشمتی - شهاب الدین

خسروانی - دکتر محسن سیاح - رضا مجد - ناصر مجتبائی.

مراغه:

شاهزاده عباس میرزا فرمانفرمائیان - میرزا ابراهیم سهراب

زاده - اسکندر مقدم - میرزا موسی فتوحی - دکتر ابوالحسن ملکی -

فتحعلی افشار - احمد حمیدیه - محمود افشار - دکتر حبیب دادفر

- دکتر امیر اصلان افشار قاسملو - دکتر ولی الله پیر.

مرند:

علی مرندی - حسن هرزندی.

مریوان:

دکتر فریدون معتمدوزیری - دکتر محمد مهدی خسروی

کردستانی - معتمدوزیری - سید عبداللطیف شیخ الاسلامی.

مسجد سلیمان:

کهزاد البرزی - اسدالله سلیمانی - دکتریحیی شمس - محمد

اسحق کاهکش.

مشهد:

حاج میرزا علی نقی ناظم الاملاک - رضا رئیس التجار مهدوی
- سید عبداللہ شہشہانی - حاج میرزا علی آقا مجتہد - یحیی
میرزا شاہزادہ، لسان الحکماء - سید یعقوب انوار، صدرالعلماء -
عبدالحسین تیمورتاش - عبدالحمید خان متین السلطنہ - سید حسین
اردبیلی - میرزا طاہر متولی - میرزا حسن علی خان عماد السلطنہ
صنعی - شیخ محمد جواد بلوری - محمد ہاشم افسر - میرزا احمد
قوام، قوام السلطنہ - یوسف ہزارہ - دکترا میرزا امیر علم - حاج
حسن آقا ملک - میرزا عبدالعلی میرزائی - حسن کفای - ملک
ایرج میرزا پور تیمور - میرزا سید حسین خان میر ممتاز - ابراہیم
امیر تیمور کلالی - یونس و ہاب زادہ - علی مؤید ثابتی - دکترا
قاسم غنی - علی اقبال - حاج علی اکبر مجید فیاض - مسعود ثابتی
- سلمان اسدی - سعید مهدوی - سید محمد قریشی - صمد سود آور
- محسن طاہری - دکترا منوچہر اقبال - حسن مکرم - رضا کدیور -
علی قریشی - عیسی قائمقامی - دکترا محمود ضیائی - احمد یغمائی
- مهندس عباس اخوان - دکترا حسین سامی راد - دکترا منوچہر کلالی
- محمد شہرستانی - دکترا حمید کفای - مهندس علی اکبر
یار محمدی - دکترا عظیم اسکوئیان - کرامت اللہ فرنود - علی
اصغر قدردان - عبدالحسین آموزگار - حبیب بہار - علی
اکبر توتونچیان - بانو مہین افشار جعفری «سہامی» - احمد صبوری
یزدی - دکترا مسعود یغمائی.

مشگین شہر:

عبدالعلی طباطبائی دیبا - حاج خلیل خان حریری طلوع -
سید مهدی عدل - دکترا احمد متین دفتری - ابوالحسن حکیمی -
سید مهدی میراشرافی - میراشراف متولی باشی - مهندس فیروز عدل
- پرویز ربابی اناری -

مغان:

محمداسدی - نجفقلی پسیان.

ملاوی «پل دختر»:

عزت الله سردارپورگودرزی - علی کمالوند - محمدپارسا.

مهآباد:

علی حیدری - ابوالقاسم صدرقاضی - دکترسیدحسن امامی

- عبدالله ایلخانی زاده - بزرگ ابراهیمی - امیرعشایری - علی

- مرادی - دکتر محمدرضا عاملی تهرانی - رحیم عزیزمرادی -

جعفر حیدری.

میاندوآب:

حاج حسن تبریزی - حبیب خانقاهی - حسین اسکندری -

غلامرضا هاشمی میاندوآب.

ملایر:

میرزاحمد ناظم الاطباء - حاج آقا محسن مصدق الممالک -

شیخ ابراهیم زنجانی - شیخ محمد نخبی - شاهزاده نجفقلی میرزا

آقاسردار - اسماعیل شیخ الاسلام - شیخ جلال الدین - هاشم ملک

مدنی - اسماعیل ظفری - میرزا حسنخان مخبرفرهمند - هادی

مصدقی - علی اکبر جلیلود رضائی - غلامحسین بوریور - محمد

کشاورزیان - مهندس حسن صائبی - هوشنگ ناظمی.

مسنی «نورآباد»:

عبدالحسین نژده.

میانه:

مهندس پرویز بهبودی - محمود طلوعی - دکترحمید پناهی

شریعت - حسینعلی سلیمانی - دکترجوادافتخاری.

میناب:

عبدالوهاب امینی خراجی - مهندس عبدالحمید معینی - دکتر

عبدالصمد رفعت.

مینودشت:

مهدی یعقوب تهرانی - یحیی دارویی - مسیب میرعرب

رضی.

نائین:

مرتضی قلیخان صنیع الدوله - میرزا سلیمان خان میکده -
حاجی میرزا محمد تقی خان - میرزا ابوالحسنخان معاضد السلطنه
پیرنیا - سلطان محمدخان عامری - میرزا علی تقی خان مصباح
الدوله فاطمی - خانبا با طباطبائی معصومخانی - سید مهدی فاطمی
- دکتر عبدالحسین طباطبائی - دکتر حسین پیرنیا - حسن مصطفوی نائینی
- بانو فاطمه متعالیه نائینی طباطبائی.

نصف آباد:

شکرالله قوام الدوله - فتح الدوله - غلامحسین میرزا مسعود
- امیر محمد حسین خان ایلخان، سردار ظفر - دکتر عیسی قلی امیر
نیرومند - حیدر علی امامی - دکتر نصرالله سیف پور فاطمی -
محمود محمود - حسن شهیدی - هوشنگ صمصام بختیاری -
ابوالقاسم پاینده - مهندس ابراهیم کسرائی.

نطنز:

حسن ضابطی طرقی - دکتر حسنعلی محقق.

نقده:

حسنعلی زرگزاده حاج باغلو - یحیی فتوحی.

نور:

دکتر محسن شریف امامی - علی پاشا نوری اسفندیاری.

نوشهر:

حسنعلی هیراد - مهندس عبدالوهاب کیا - رضی چلاجور.

نہاوند:

علی اکبر صفی پور - اسد اللہ مروتی - مهندس اسماعیل جلالی - پرویز ظفری.

نیر:

منوچہر طباطبائی دیبا - نوذر صادق.

نیشابور:

قوام الاسلام شریعتمدار - میرزا باقر حسام الذاکرین - محمد ہاشم میرزا (شاہزادہ افسر) - میرزا سید ابراہیم خان عمید السلطنہ - میرزا محمد دانش - عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) - میرزا حیدر علی کمالی - محمد تقی ذوالقدر - حسن نبوی - عبداللہ سعیدی - مهندس یحییٰ مجتہدی - دکتر عبدالعظیم حبیب الہی - علی احمد خورشید - محمد حسین کاشفی.

ورزقان:

دکتر علیقلی لقمان ادہم - سیف الدین اہری.

ہشتروڈ:

دکتر محمد حسین موسوی.

ہمدان:

شیخ محمد تقی وکیل الرعایا - حاج عبداللہ خان امیر نظام - میرزا محمد علی خان فرزین - بہاء الملک قراگزلو - میرزا عبدالوہاب رضوی - میرزا حسن علی فرمند (ضیاء الملک) - میرزا حسن خان مخبر فرہمند - محسن خان قراگزلو - عبدالحسین اورنگ - منصور علی قراگزلو - اسد اللہ کیوان - محسن منشور - عباس اسکندری - تقی برزین - غلامحسین امیری قراگزلو - صادق نراقی - مهندس اسکندر فیروز - منوچہر قراگزلو - حسین یوسفی - امیر نصرت بالاخانلو - ہمازاہدی - علی طباطبائی.

یزد:

شیخ عبدالکریم - عمادالاسلام - سیدعلی یزدی -
میرزارضاخان نائینی - میرزاعباس - حسینقلی خان نواب - وکیل
التولیه - سیدابوالحسن حائری زاده - سیدکاظم جلیلی - سیدضیاء
الدین طباطبائی - دکترهادی طاهری - میرزامحمدفرخی -
محمدحسین نواب - محمدهراتی - سیدعباس فاضلی - حسین
کوراوغلی - رضا صراف زاده - سیدمحمود جلیلی - مهدی لاری
- دکترضیاء الدین طاهری - دکترمحمدعلی رشتی - عباسعلی
نصیری زاده.

اقلیت های مذهبی

ارامنه جنوب:

یوسف میرزایانس - دکترالکساندر آقایان - آوانس مساعد
- جبرائیل بوداغیان - پطروس آبکار - بهرام سهرابیان - فلیکس
آقایان - سواک ساگینیان.

ارامنه شمال: سهراب ساگینیان - آرداشس آوانسیان - آرام
بوداغیان - دکترگاگیگ هواکیمیان - خانم اما آقایان، اردوخانیان.
کلیمیان:

حایم ساموبیل - مراد اریه - دکتر موسی برال - جمشید
کشفی - لطف الله حی - یوسف کهن.
زردشتیان:

ارباب جمشید - ارباب کیخسرو شاهرخ - رستم گیو - دکتر
اسفندیار یگانگی - دکتربوذرجمهر مهر.
آشوریان:

دکتریت منصور - هومرآشوریان - ویلهلم ابراهیمی.

برای اطلاع بیشتر از وضع نمایندگان مجلس شوراییلی به جلد
چهارم (نخبگان سیاسی) تألیف بانوزهراشجیعی مراجعه شود.

اسامی سناتورها در ۷ دوره قانونگذاری

از روزیستم بهمن ماه ۱۳۲۸ که مجلس سنا افتتاح شد هفت دوره داشتیم که بعضی از دوره ها ۶ ساله و دوره های آخر ۴ ساله بود. در این مدت ۱۹۸ نفر با سمت سناتورهای انتخابی و انتصابی به مجلس سناراه یافته اند که اسامی آنها به ترتیب حروف الفبا چنین است:

عباس آرام، - دکتر جواد آشتیانی - فرج الله خان آصف -
فلیکس آقایان - حبیب الله آموزگار - اشرف احمدی - امان الله
اردلان - مهندس حیدر علی ارفع - سلمان اسدی - محمد تقی
اسعد - دکتر حسین علی اسفندیاری - عزیز الله اعزاز نیک پی -
دکتر امیر علم - پروفیسور جمشید اعلم - حسن افتخار هشترودی -
ابراهیم افخمی - دکتر جمال افشار - دکتر منوچهر اقبال مرخسن
اکبر - جمال امامی خوئی - دکتر سید حسن امامی (امام جمعه
تهران) - سید جواد امامی (ظهیر الاسلام) - جواد امامی خوئی -
سپهداد احمد آقا امیر احمدی - دکتر علی امیر حکمت - حاج مصطفی

امیر سلیمانی - دکتر قاسم اهری - امیر حسین ایلخان ظفر بختیار -
 تیمسار سرلشگر حسن بقائی - مهندس احمد بلوری آزاد - محمد علی
 بوذری - باقر بوشهری - جواد بوشهری - رضا بوشهری - احمد بهادری -
 میر سید علی بهبهانی - مرتضی قلی بیات (سهام سلطان) - دکتر
 خانبابا بیانی - دکتر علی اکبر بینا - مهندس ابراهیم پارسا -
 سپهبد عزیز الله پالیزبان - هدایت الله پالیزی - منوچهر پرتو -
 رسول پرویزی - مصطفی تجدد - سید محمدتدین - عمادالدین
 تربتی - بانو هاجر تربیت - سید حسن تقی زاده - سید جلال الدین
 تهرانی - رضا جعفری - مهندس کاظم جفرودی -
 سید محمد رضا جلالی نائینی - علی اکبر جلیوند - سید کاظم جلیلی -
 محمود جم - سپهبد امان الله جهانبانی - بانو شوکت ملک
 جهانبانی - سرلشگر منصور جهانبانی - محمد حجازی - دکتر محسن
 حجازی - دکتر محمود حسابی - علی حق نویس - ابراهیم حکیمی
 (حکیم الملك) - امیر حسین خزیمه علم - نصر الله خلعت بری - محسن
 خواجه نوری - دکتر غلامحسین خوشبین - حسین دادگر (عدل
 الملك) - علی دشتی - رضا علی دیوان بیگی - سید حسین دها -
 یدالله دهستانی - سرلشگر غلامحسین دیلمی - محمد ذوالفقاری -
 محسن رئیس - سلطان احمدراد - مصطفی قلی رام - دریا دار فرج
 الله رسائی - علی رضائی - دکتر صادق رضا زاده شفق -
 دکتر غلامعلی رعدی آذر خشی - رضا رفیع (قائم مقام الملك) - عطاء
 الله روحی - سپهبد فضل الله زاهدی - دکتر حسن زاهدی -
 محمد ساعد مرآغه ای - انوشیروان سپهبدی - دکتر سید محمد سجادی -
 حسن سراج حجازی - محمد سروری - عیسی سرور - عمادالدین
 سزاوار - محمد سعیدی - حسین سمیعی - دکتر اسماعیل سنگ -
 دکتر احمد سید امامی - سرتیپ علی اکبر سیف افشار - سید جلال
 الدین شادمان - سپهبد محمد شاه بختی - باقر شاهرودی - مهندس

جعفر شریف امامی - اسد اللہ شمس ملک آراء - دکترو نصر اللہ صبا -
 صادق صادق (مستشار الدولہ) - مهندس علی صادق - دکترو جهان شاہ
 صالح - محسن صدر (صدر الاشراف) - دکترو عیسیٰ صدیق اعلم -
 سرتیپ محمد علی صفاری - شکر اللہ صفوی - جهان شاہ صمصام -
 سر لشکر عزیز اللہ ضرغامی - ارتشبد عزت اللہ ضرغامی -
 دکترو طاہر رضیائی - سید عبدالمہدی طباطبائی - سید محمد صادق
 طباطبائی - محمد عباسی - مصطفیٰ عدل - پروفیسور یحییٰ عدل -
 ابوالفضل عضد (عضد السلطان) - حسین علاء - محمد علی علامہ
 وحیدی - دکترو عماد حکمت - وجیہ اللہ فاضل سرجوئی -
 سید مہدی فرخ - فتح اللہ فرود - دکترو بدیع الزمان فروزانفر -
 مهندس محسن فروغی - ابوالقاسم فروہر - سر لشکر مجید فیروز -
 دکترو قاسم قاسم زادہ - محمد مہدی محوی - محمد ناصر قشقائی -
 محمد علی مقدم - ابراہیم قوام (قوام الملک) - دکترو پرویز کاظمی -
 سید باقر کاظمی - حسن کفائی - حسن علی کمال ہدایت - کاظم
 کورس - عباسقلی گلشائیان - جمال گنجی - رستم گیو - قاسم
 لاجوردی - ابوالفضل لسانی - دکترو عباس لقمان ادہم -
 دکترو سعید مالک (لقمان الملک) - اسد اللہ مامقانی - دکترو احمد متین
 دفتری - محمد علی مجد (ظن السلطنہ) - دکترو محمد حسن مرشد -
 دکترو نصر اللہ مژدہی - عباس مسعودی - محمد علی مسعودی -
 حسن مسعودی خراسانی - مہدی مشیر فاطمی (عماد السلطنہ) -
 بانو دکترو شمس الملوک صاحب - دکترو مصطفیٰ مصباح زادہ -
 سر لشکر ایرج مطبوعی - دکترو مہدی ملک زادہ - محمد علی ممتاز -
 بانو دکترو مہرانگیز منوچہریان - سید علی مؤید ثابتی - سید اسد اللہ
 موسوی - دکترو محمد حسین موسوی - دکترو حبیب اللہ مجیر مولوی -
 محمد علی مہدوی - محسن مہدوی - سر لشکر سید محمود میر جلالی -
 دکترو پرویز ناتل خانلری - محمود ناصری - بانو زہرا نبیل - ابراہیم

نبیل سمیعی - ابوالقاسم نجم (نجم الملك) - سپهبد محمد
 نخجوان (امیر موثق) - عنایت الله نصیری - محمد علی نظام مافی -
 دکتر عباس نفیسی - حسین نقوی - محمد مهدی نمازی -
 دکتر عبدالباقی نواب - موسی نوری اسفندیاری - عبدالحسین
 نیکپور - محمد ابراهیم نیکپور - محمد علی وارسته - ابوالفتح
 والاتبار (حشمت الدوله) - سپهبد کریم ورهرام - علی وکیلی -
 سلیمان وهاب زاده - علیقلی هدایت - ارتشبد عبدالله هدایت -
 علی هیئت - پرویز یار افشار - دکتر عزت الله یزدان پناه -
 سپهبد مرتضی یزدان پناه - دکتر ناصر یگانه - اسدالله یمین
 اسفندیاری.

اسامی رؤسای مجلس سنا

در ۷ دوره مجلس سنا پنج تن برآن ریاست کرده اند که عبارتند از:

- ۱- سیدحسن تقی زاده
- ۲- ابراهیم حکیمی (حکیم الملك)
- ۳- محسن صدر (صدرالاشراف)
- ۴- مهندس جعفر شریف امامی
- ۵- دکتر محمد سجادی.

فهرست اسامی
از جلد اول تا جلد چهاردهم

فهرست اسامی جلد پانزدهم قبلا به چاپ رسیده و فهرست
اسامی جلد شانزدهم نیز در صفحات آخرین جلد آمده است

فهرست اسامی جلد اول

الف

آ

- آتاتورک، غازی مصطفی کمال پاشا: ۴-۱۵۴ - ۱۶۵ - ۲۶۱ - ۲۹۵ تا ۲۹۷ - ۴۲۹
- آخوند ملا محمد خراسانی: ۴۰۴
- آرامش، احمد: ۳۵
- آریا، عباس: ۳۸۸
- آشتیانی، میرزا هاشم: ۷۳
- آقابیک اوف: ۳۵۱
- آقا خان محلاتی: ۱۴۵ - ۱۸۷
- آقاضیاء: ۷۳
- آقایان (دکتر): ۳۷۳
- آق اولی، (سپهبد) فرج الله خان: ۸۴
- آق اولی، کلنل فضل الله خان: ۸۴
- آهی، میرزا مجیدخان: ۱۵۵ - ۳۰۷
- آیت الله حاج آقا حسین قمی: ۴۰۵
- آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری: ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۹
- آیت الله روح الله خمینی: ۱۷۲
- آیت الله زنجانی: ۱۷۰
- آیت الله سید ابوالحسن موسوی اصفهانی: ۱۷۰ تا ۱۷۲ - ۱۷۹
- آیت الله، سید ابوالقاسم کاشانی: ۴۴۴
- آیت الله سید محمد بهبهانی: ۱۸۴-۲۴۳
- آیت الله شیرازی: ۲۵۲
- آیت الله محمد حسین غروی نائینی: ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۹
- آیت الله یونس اردبیلی: ۴۰۵
- آیرم، (سرلشکر) محمد حسین: ۵ - ۳۲۱ - ۳۳۲
- ۳۳۲ - ۳۶۵ - ۳۷۷ - ۳۷۹ - ۳۹۳
- تا ۴۰۰ - ۴۳۵
- آیرون ساید، (سر) ادموند (ژنرال): ۳۵ تا ۵۴ - ۲۲۶
- آیرون ساید، (لرد): ۴۴
- ابوالقاسم بیگ (دائی رضاشاه): ۱۹
- اتابک، اتابک اعظم، (امین السلطان)، میرزا علی اصغر خان: ۲۴۱
- اجاق، سید: ۱۹۳
- احتشام السلطنه محمود (علامیردولو): ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷
- احرار، احمد: ۱۳۵
- احسان الله خان: ۱۸ - ۲۵۳ - ۴۱۶
- احمدزاده: ۴۴۴
- احیاء الملک شیخ، (دکتر): ۳۶۶
- اخگر (نماینده مجلس): ۱۷۳
- ادیب السلطنه سمیعی، حسین: ۱۲ - ۳۳ - ۱۱۵ - ۱۵۵ - ۳۵۳
- ارانی، (دکتر) تقی: ۴۳۸ - ۴۴۳
- اریاب علی آقا یزدی: ۳۱۰
- اردبیلی، سید حسین: ۱۳۵
- اردوبادی، صمد (گروهیان): ۴۰۱
- ارفع (پرنس): ۱۹۴
- استاروسیلسکی (ژنرال): ۳۷
- استالین: ۳۴۹ - ۴۲۵
- استرآبادی، شیخ محمد حسین: ۷۳
- اسدآبادی، سید جمال الدین: ۲۴۰
- اسدی (مهندس): ۴۰۷
- اسدی، امین: ۴۲۶
- اسدی، محمد ولیخان، مصباح السلطنه: ۱۵۶ - ۲۶۶ - ۴۰۳ تا ۴۰۹ - ۴۳۲
- اسدی، علی اکبر: ۴۰۵
- اسعد بختیاری، خانیپا: ۳۶۵ - ۳۷۷
- اسعد، محمد تقی: ۳۶۵ - ۳۶۷
- اسفندیاری، حسن، محتشم السلطنه: ۳۰ - ۳۵ - ۷۳ - ۱۵۵
- اسفندیاری، خلیل خان: ۳۶۶

- اسفندیاری، (سرتیپ): ۳۰
اسکات (مستشار آلمانی): ۱۳۴
اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۵۶ -
۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۲۰۱ -
۲۶۲
اسکندری، عباس: ۳۲۳ - ۳۶۵
اسلامبولچی، سید محمد: ۷۳
اسمارت (عضو سفارت انگلیس): ۲۶ - ۲۷
- ۸۱ - ۱۱۳ - ۱۱۶
اسمایس (سرهنگ انگلیسی): ۳۹ - ۴۰ -
۵۴ - ۱۰۷
اسمیت (کلنل)، آرمیتاز: ۵۱ - ۱۱۱
اسمیت (ژنرال): ۴۷ - ۴۸ - ۴۹
اعتضاد السلطنه: ۲۰۸ - ۲۲۵
اعتماد السلطنه: ۲۳۷ -
اعلم الدوله ثقفی: ۲۲۷ - ۳۹۶
اعلم الملك (دکتر): ۲۰۹
افشار، میرزا رضا: ۳۶۸
اقبال السلطنه ماکوتی: ۱۳۹
اقتدارالدوله: ۱۵۵
اقتدارالسلطان: ۶۷
اقتداری (افسرشهربانی): ۲۶۷
اقتداری، خدیجه: ۲۶۷
الیزابت دوم (ملکه انگلیس): ۴۴ - ۲۳۲
امام جمعه خوئی: ۲۵۹ - ۳۵۴
امامی، ابراهیم: ۳۵۴
امامی، جمال: ۱۱۸-۴۴۴
امامی، حسن (دکتر): ۴۴۴
امیر احمدی، احمد آقا (سپهبد): ۱۷-۱۸-
۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۱۱۱ - ۱۱۵ - ۱۷۸-
۲۵۱ - ۲۸۹ - ۳۷۷ - ۳۸۰
امیراعلم (دکتر): ۱۲ - ۳۶۸
امیر اقتدار: (سرلشکر) ۱۷۴ - ۱۷۸
- امیرافشار، جهانشاه خان: ۹۵
امیرجنگ اسعد: ۳۶۶
امیر خسروی، (سرتیپ) رضاقلی خان: ۳۱ -
۳۲ - ۳۳ - ۱۱۱ - ۱۱۵ - ۲۹۹
امیرطهماسبی (امیر تومان)، (سرلشکر)
عبدالله خان: ۹۲ - ۲۰۵ - ۲۰۷ - ۲۰۹
- ۲۱۶ - ۲۲۲ - ۳۷۷ تا ۳۸۲ - ۳۹۴ -
۴۱۴
امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۲۴۶ - ۴۴۴
امیر علائی (خاندان): ۴۳۰
امیر کبیر، میرزا تقی خان: ۱۲۸ - ۱۸۱ -
۱۹۱ - ۲۲۸ - ۲۳۶ - - ۳۷ - ۳۰۸
امیر مجاهد لر: ۲۶۹ - ۴۳۸
امیرمفخم: ۱۵۵ - ۲۷۱
امیر موید سواد کوهی، اسمعیل خان: ۱۵ -
۱۶ - ۱۷ - ۱۸
امیرنظام گروسی: ۱۲-۶۴
امیر نظام همدانی: ۷۳
امین التجار اصفهانی: ۳۴۲
امین الدوله (حاجی): ۱۵۵
امینی، (دکتر) علی: ۳۰۰
انصاری، مسعود (مهندس): ۲۸ - ۴۳۵
انصاری، محمود آقا (سرتیپ): ۴۱۱
انوار، سید یعقوب: ۱۷۴ - ۱۹۸ - ۱۹۹
اوحدی، محمدعلی: ۸۰
اورنگ، (شیخ الملك): ۹ - ۱۲
ایدن، آنتونی: ۵۲
ایرج میرزا (جلال الملك): ۱۷۹ - ۱۹۵
ایلخان، امیرحسین خان: ۳۶۶
ایلخانی، حسینقلی خان: ۳۶۵
ایمبری (ماژور آمریکائی): ۱۵۱ - ۱۵۲ -
۱۵۳ - ۱۹۳
ایوانف، میخائیل سرگه بویچ: ۱۳۶

ایوب خان (سرتیپ): ۳۲۳

ب

باب، میرزا علیمحمد: ۴۲۲

بازائف، بوریس: ۳۴۸

باستانی پاریزی: ۳۴ - ۷۶ - ۲۲۷

بامداد، مهدی: ۴۳۵

بাহری، محمد (دکتر): ۳۳۳

بختیار، تیمور (سپهبد): ۴۴۴

بختیاری، علیمردان خان: ۴۳۷

بختیاری، یوسف خان: ۲۶۹

بدر، محمود: ۳۰۲

بدرالملوک والا (مسر احمد شاه قاجار): ۲۳۴

برخوردار (سرهنگ): ۴۴۴

بریجمن (کاردار انگلیس): ۴۲۰

بلات، لیندن، آلمانی (رئیس بانک ملی): ۳۴۸

بلوشر (سفیر آلمان): ۳۴۴ - ۱۹۹

بنجامین (وزیر مختار آمریکا): ۲۴۱

بنکدار، حاج محمد تقی: ۱۲۹

بوذرجمهری، (سرلشگر) کریم آقا خان: ۷۴

- ۲۰۹ - ۳۶۹ - ۴۱۵ - ۴۲۷

بولارد (سر) ریتر: ۵۲

بهار، محمد تقی (ملك الشعراء): ج - ۱۹ -

۵۳ - ۵۴ - ۶۳ - ۷۱ - ۷۳ - ۸۵ - ۹۳

- ۱۳۶ - ۱۶۱ - ۱۶۳ - ۱۶۸ - ۱۷۳

- ۱۷۴ - ۲۰۲ - ۲۰۸ - ۲۱۰ - ۲۳۷

- ۲۵۵ - ۳۲۴ - ۴۲۴ - ۴۳۰

بهارمست (سرلشگر): ۴۴۴

بهبودی، سلیمان: ۳۰۶ - ۱۵۵

بهبهانی - میرسیدعلی: ۱۸۴

بهبهانی - میرسیدمصطفی: ۱۸۴

بهرامی (دکتر)، احیاء السلطنه: ۱۶۸ -

۲۶۲ - ۴۴۳

بهلول، محمد تقی نیشابوری: ۴۰۳ - ۴۰۶

بیات، (سرهنگ) حسینقلی: ۴۰۶

پ

پاکروان: ۳۲۴

پاکروان، حسن (سرلشگر): ۴۰۸

پاکروان، فتح الله: ۴۰۶ - ۴۰۸

پاولکونوف: ۳۳۴

پرنو (قرانسوی): ۱۴۴

پرون، ارنست: ۴۶ - ۲۵۰

پسیان، (کلنل) محمدتقی خان: ۲۰ - ۱۲۳

- ۱۳۷ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۴۱۲ - ۴۴۲

پشتکوهی، غلامرضا خان: ۲۶۹

پناهی، حاج ابراهیم: ۳۷۱

پولادین، (سرهنگ) احمد: ۴۲۷

پهلوی، اشرف: ۲۴

پهلوی (اسفندیاری بختیاری)، ثریا: ۳۶۵

پهلوی، غلامرضا: ۲۶

پیاتاکوف: ۳۵۰

پیرنیا، حسین، مؤمن الملك: ۷۴ - ۷۵ - ۱۵۸

- ۱۶۱ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۸ - ۱۷۶ -

۱۸۱ - ۱۸۶ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۲۰۰ -

۲۰۱ - ۲۴۳ - ۲۶۲ - ۳۱۹ - ۴۱۳

پیشه وری، جعفر: ۳۶۱ - ۴۳۷

ت

تجدد (شیخ العراقین زاده): ۱۵۶

تدین، سید محمد: ۷۳ - ۱۵۶ - ۱۵۹ -

۱۶۳ تا ۱۶۶ - ۱۸۱ - ۱۹۷ - ۲۰۱ -

۲۵۷ - ۴۴۳

تقی زاده، سید حسن: ر - ۳۰ - ۹۱ -

۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۴۴ - ۲۰۰ - ۲۳۵ -

۳۲۶ - ۳۳۰ - ۳۴۸ - ۳۵۹ - ۳۷۲ -

تنکابنی، میرزا طاهر: ۳۴۰

تومانیانس: ۳۶۰

تورج میرزا (سرهننگ): ۴۲۴

تهرانی، شیخ حسین: ۳۲۴

تیمورتاش (سردار معظم خراسانی)،

عبدالحسین: ۷۳ - ۸۵ - ۱۱۰ - ۱۶۲ -

۱۶۵ - ۱۹۷ - ۲۰۱ - ۲۲۱ - ۲۷۱ -

۲۲۸ - ۲۴۵ - ۲۵۳ - ۲۶۵ - ۳۰۹ -

۳۱۶-۳۶۳-۳۶۹-۴۴۳

(فرزندان): ۳۴۰ - ۳۵۵ - ۳۶۱ - ۳۶۹ -

۳۸۶ - ۳۵۷ - ۳۹۲ - ۴۳۱ - ۴۳۴ -

۴۳۸-۴۴۴-

حاج آقا نورالله: ۷۹

حاج امین اصفهانی: ۳۲۰ - ۳۳۰ - ۳۵۹ -

حائری زاده یزدی، سیدابوالحسن: ۱۵۸ -

۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۸۴ -

حائری مازندرانی، حاج شیخ عبدالله: ۱۴ -

حبیب خلیج معروف به (شمر): ۲۶۷ -

حجازی، عبدالحسین (ارتشبد): ۴۴۴ -

حسام الدوله: ۸۵ -

حسام الملك: ۱۰۴ -

حشمت (دکتر): ۳۱۸ - ۳۶۱ -

حشمت الدوله: ۷۳ - ۱۵۵ - ۳۶۲ -

حکمی، علینقی (دکتر): ۴۴۳ -

حکیمی، ابراهیم (حکیم الملك): ۶۵ - ۱۳۵ -

۱۵۵ -

حیدرعمواوغلی: ۲۵۳ - ۲۸۰ - ۲۸۳ -

۳۴۰ -

حیدری، علیخان: ۴۴۳ -

ث

ثقة الاسلام (ازروحانیون مبارز): ۴۴۳ -

ج

جان محمد خان (امیرلشکر): ۸۰ - ۴۳۰ -

تا ۴۳۴

جم، محمود: ۹۲ - ۲۱۷ - ۳۵۳ - ۳۸۴ -

۴۰۳ - ۴۳۹ -

جمال زاده، سید محمد علی: ۱۰۲ - ۱۰۳ -

۱۰۴ - ۱۱۳ - ۱۱۶ -

جورج (ژرژ) پنجم: ۲۲۲ - ۳۰۸ -

جهانیانی، امان الله میرزا (سپهبد): ۳۴ -

۱۶۷ - ۳۴۹ - ۴۳۱ -

جهانسوزی، محسن: ۴۰۱ -

جهانسوزی، محمد کاظم میرزا: ۲۶۶ - ۳۶۲ -

چ

چپرین (کمیسر شوروی): ۸۹ -

چمبرلن: ۲۲۲ - ۳۳۴ -

ح

خ

خازن خلوت (پدر داور): ۳۷۵ -

خالصی زاده: ۱۰۶ - ۱۵۹ - ۲۶۲ - ۴۴۳ -

خبیرالملک: ۲۴۱ -

خدایارخان، (سرلشکر): ۱۲ - ۲۹۲ -

خرازی، حاج عبدالحسین: ۱۵۹ -

خراسانی، مهدی: ۱۷۰ -

خسروداد: ۳۹۳ -

خشنود، علی اکبر: ۴۴۴ -

خلخالی، شیخ صادق: ۲ -

خلخالی، میرزاعبدالرحیم: ۳۳۲ -

خلعتبری، امیر نصرت: ۱۰۲ -

خلعتبری (سپهسالار اعظم تنکابنی)، محمد

۱۲۹-۱۴۴-۱۵۸-۱۶۲-۱۸۳-
۱۹۶-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۳-۲۲۹-
دبیا، عبدالحسین خان: ۳۶۳ تا ۳۶۱-۳۴۵
دبیا، سیدالمحققین: ۱۸۱
دیکسن (ژنرال انگلیسی): ۳۳-۸۴
دیوسالار: ۴۳۵

ر

رافت، عباس خان: ۷۳
رام، مصطفی قلی: ۳۰۳
راولینسون، (سر) هنری: ۱۲۵
رایت، (سر) دنیس: ۴۶-۱۲۵-۱۸۹-
۲۲۹-۳۰۹
رحیم زاده صفوی: ۱۸۹-۱۹۴-۱۹۵-
۳۰۸
رزم آرا، (سپهبد) حاجیعلی: ۱۰۳-۱۱۸
رضاقلیخان: ۳۰۵
رشیدیان (برادران): ۴۶-۱۰۶
رشیدیان، جلیل الله: ۳۵
رضوی، احمد (مهندس): ۴۴۴
رفیع، رضا، قائم مقام الملك: ۲۲
روتشتاین (سفیر شوروی): ۹۰-۱۲۱-
۱۳۷-۳۱۴
روزبری (لرد): ۲۳۱
روشنک (دختر دارا، پادشاه ایران): ۱۵
رهنما، زین العابدین: ۷۳-۱۶۶
ریپورتر، اردشیر (اردشیر جی): ۴۵-۱۲۹
ریپورتر، (سر) شاپور: ۴۴-۴۵-۴۶
ریحان (مدیر گل زرد): ۷۳-۱۱۸
رئیس التجار خراسانی: ۱۵۶

ز

زاویه (سرهننگ): ۴۲۷

ولی خان: ۶۴-۷۳-۷۶-۸۰-۱۰۲-
۱۵۵-۲۲۴-۳۶۴-
خلیلی (شاعر افغانی): ج
خواجه نوری، ابراهیم: ۳۱-۲۵۴-۳۰۲-
۳۱۶-
خواجه نوری، رضا: ۴۴۴
خورشید خانم (خواهر ناتنی رضا شاه): ۲۰-
۲۱-

خوشتاریا (مقاطعه کار روس): ۳۴۹

د

داداش بیگ، عباسقلی خان (یاور) (پدر
رضاشاه): ۱-۸-۱۵-۱۶-۱۹-
۲۰-۲۱-۲۲
دادور، محمد: ۴۰۷-۴۳۱
داور، علی اکبر: ۱۴۴-۱۶۲-۱۶۵-
۱۶۶-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۰-۲۰۲-
۲۲۸-۳۰۱-۳۰۹-۳۱۰-۳۲۰-
۳۳۳-۳۴۵-۳۵۶-۳۶۶-۳۷۰ تا
۳۷۶-۳۸۵
داور، (فرزندان): ۳۷۵
داووتا (وزیر مختار شوروی): ۱۳۶
دبیر اعظم، فرج الله بهرامی: ۱۶۶-۱۷۰-
۲۶۸-۲۹۰-۳۱۸-۳۷۹-۳۹۰ تا
۳۹۲-۴۳۸
درد خانم (خواهر ناتنی رضاشاه): ۲۰
درگاهی، (سرتیپ) محمد (محمد چاقو): ۵
-۱۶۳-۲۶۶-۳۱۰-۳۲۴-۳۹۳-
۴۳۴-۴۴۳-
دشتی، علی: ۷۱-۷۳-۷۵-۱۴۴-
۱۷۶-۲۹۱-۳۲۸-۳۹۲
دواتگر، کریم: ۲۵۳
دوست محمد خان بلوچ: ۱۳۹-۱۴۰-
دولت آبادی، حاجی میرزا یحیی: ۲۷-۷۷

- زاهدی، فضل الله (سپهبد) بصیردیوان: ۲۸۹
 ۲۹۴-۴۲۵-۴۴۴
 زعیم، سید حسن: ۱۷۳ - ۱۷۴
 زمان خان: ۱۱۰ - ۱۱۳
 زنجانی، (آیت الله): ۱۷۰
 زنگنه، یحیی: ۱۵۶
 زومر (زمر)، (وزیر مختار آلمان): ۱۳۲ -
 ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵
 زهتاب فرد، رحیم: ۱۱۹
 زینر، رابین: ۴۶
- س**
- ساعدالدوله تنکابنی: ۱۸
 سالار جنگ، (سروان لهاک خان): ۳۱ -
 ۲۵۵ - ۴۳۲
 سالار لشکر: ۷۳
 سالار منصور قزوینی (یگانه): ۹۵
 سایکس (ژنرال انگلیسی): ۱۳۵ - ۱۳۶ -
 ۲۲۴
 سپهدار اکبر (رشتی)، فتح الله: ۲۸ - ۳۳ -
 ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۶۳ - ۷۴ -
 ۸۱ - ۸۵ - ۸۶ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۳ -
 ۱۳۶ - ۲۲۶ - ۳۶۲
 سردار اسعد بختیاری، جعفرقلیخان: ۳۱ -
 ۲۶۴ - ۳۲۷ - ۳۳۱ - ۳۴۲ - ۳۵۵ -
 ۳۶۹ تا ۳۶۴
 سردار اسعد بختیاری، علیقلیخان: ۲۲۴ - ۳۴۶
 سردار اعظم: ۳۴۳
 سردار اقبال: ۳۶۵
 سردار انتصار: ۴۱۶
 سردار یجنوردی: ۵۵
 سردار رشید کردستانی: ۷۳ - ۲۸۹ - ۴۳۸
- سردار کبیر: ۱۵۵
 سردار مخصوص: ۳۶۰
 سردار محتشم: ۱۵۶
 سردار معتضد: ۷۳
 سردار معزز: ۴۳۰
 سردار موثق: ۲۹
 سردار همایون: ۳۲ - ۳۹ - ۴۷ - ۵۴ -
 ۱۱۳ تا ۱۱۵
 سرداری (سریاس): ۳۲۱
 سرشار (کفیل شهداری): ۴۳۴
 سرکشیک زاده (اتحاد): ۱۵۶ - ۱۸۰ -
 ۳۷۱
 سرگین، سراج الدین: ۲۲۳
 سعادت، حاج ساعد سلطان: ۲۲
 سعدالدوله، میرزا جواد: ۷۲ - ۱۵۵
 سلطان زاده: ۴۲۶
 سمیتقو، اسماعیل خان: ۱۲۳ - ۱۳۹ -
 ۳۷۸
 سهام الدوله: ۷۲
 سهراب زاده: ۷۳
 سهم الدوله: ۲۰۹
 سهم الممالک، عباس خان: ۱۷
 سهیلی (سرهنگ): ۳۶۶
 سهیلی علی: ۳۳۲
 سیاح، (کلنل) کاظم خان: ۳۱ - ۳۴ - ۳۶ -
 ۳۸ تا ۵۷ - ۱۱۰ تا ۱۱۶ - ۳۴۳ - ۴۱۲
 سید جلال جنگلی: ۱۳۹
 سید جمال الدین واعظ اصفهانی: ۱۰۳ -
 ۱۰۴ - ۱۶۴
 سید محمد سلطان: ۱۵۶
 سیروس (پادشاه ایران): ۶۷
 سیف آزاد، شیخ عبدالرحمن: ۱۳۳ - ۱۳۴
 سیف پور فاطمی (دکتر): ۱۰۹ - ۱۱۱ -

- صاحب جواهر، جواد: ۱۷۰
- صادق، صادق مستشارالدوله: ح - ۶۴ - ۱۵۵
- ۲۲۲-۳۷۳
- صارم الدوله، مسعود (اکبرمیرزا): ۷۳ - ۸۳
- ۸۵ - ۸۶ - ۱۲۸ - ۲۲۹ - ۳۱۱
- صالح، اللہیار: ۷۴ - ۲۹۹ - ۳۰۷
- صالح، جهانشاه (دکتر): ۳۰۲
- صالح، علی پاشا: ۳۰۷
- صبا، میرزا حسن خان: ۱۳۷ - ۲۷۱
- صحت (دکتر): ۲۰۹ - ۲۱۱
- صحت السلطنه: ۱۵۸ - ۲۱۰
- صدر، محسن، (صدر الاشراف): ۵۴ - ۳۲۱
- ۳۸۴ - ۳۸۹ - ۴۰۳ - ۴۳۹
- صدر العلماء: ۱۵۶
- صدراتی، حسن: ۱۵۶
- صدیق اعلم (دکتر): ۳۷۵
- صدیق السلطنه: ۶۶
- صدیق حضرت: ۱۵۵
- صدیق همایون: ۲۰۷
- صراف زاده، رضا: ۱۰۶
- صفاری محمدعلی (سرتیپ): ۳۶۴
- صمصام السلطنه بختیاری: ۷۴ - ۱۵۵ -
- ۱۹۴ - ۲۲۵ - ۲۷۱ - ۳۶۵
- صولت الدوله قشقائی: ۱۲۳ - ۱۳۶ - ۱۸۶
- صهبا، میرزا هاشم خان: ۳۰۴
- ۱۵۳ - ۱۶۴
- سیمور، بالوین: ۱۵۱
- سیمون (وزیر خارجه انگلیس): ۳۲۵ - ۳۵۹
- ش
- شاه بختی، (سپهبد) محمد زکریا خان: ۳۲
- ۵۷ - ۳۷۷
- شاهرخ، ارباب کیخسرو: ۲۰۲ - ۲۷۷ - ۴۱۳
- شاهرخ، بهرام: ۴۳۶
- شاهزاده خاقانی: ۴۳۷
- شریعت زاده، احمد: ۱۵۶
- شرفی (یاور): ۲۴۸
- شعاع السلطنه: ۲۰۹
- شقائی، (سرلشگر) اسماعیل خان: ۲۶
- شکوه الملک: ۳۲۷ - ۳۸۸ - ۴۱۹
- شولنبرک (کنت): ۳۹۷ - ۴۰۰
- شهاب (سرهنگ): ۴۲۴
- شهاب الدوله ملک آراء: ۶۷ - ۹۸ - ۴۱۲
- شهرستانی، آیت الله: ۱۸۳
- شهریور، احمد: ۹۴
- شیبانی، (سرلشگر) حبیب الله خان: ۵۸ -
- ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۲۴۳ - ۳۹۸
- شیخ الاسلام ملایری: ۲۵۷ - ۴۲۲
- شیخ الاسلامی (دکتر) جواد: ۶۵ - ۳۱۱ - ۳۳۰
- شیخ خزعل: ۱ - ۸۷ - ۹۴ - ۹۵ - ۱۲۳
- ۱۲۴ - ۱۲۷ - ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۹۳
- ۲۶۴ - ۲۶۸ - ۲۹۵ - ۳۳۵ - ۳۸۵
- شیخ مهدی سلطان (حاج): ۱۶۱ - ۱۶۴ - ۲۶۲
- شیرازی، عبدالحسین: ۱۷۰
- شیروانی، ابوطالب: ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۳۳۳
- شیروانی، سعید: ۱۶۶
- شیل (کنترل): ۱۲۸

ض

ضرغام، (سرلشگر) علی اکبر: ۳۶۸

ضیاء، سید ابراهیم: ۱۵۶

ص

علاء، حسين: ر - ۱۱۸ - ۱۳۴ - ۱۳۵ -
 ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۹۸ - ۲۰۰ تا ۲۰۴
 علاء الدوله دولو: ۴۳۰
 علوی، بزرگ: ۴۳۵
 عليخان (خواهرزاده رضاشاه): ۲۱
 عليشاه (دوست جوانی رضاشاه): ۲۳
 علم، شوکت الملک: ۱۲-۴۰۸
 عليم الدوله (دکتر): ۳۱۱-۳۲۱
 عمر خان شکاک: ۳۸۱
 عميدالشعراء، محمدرضا (عمیدی نوری):
 ۱۳۱

عمیدی نوری، ابوالحسن: ۴۴۴
 عين الدوله: ۷۲ - ۹۳ - ۱۰۰ - ۱۵۶
 عين السلطان: ۲۰۷

غ

غروی نائینی (آیت الله): ۱۶۶
 غفاری، معاون الدوله: ۳۲۷
 غفورأوف: ۴۲۵
 غنی، قاسم (دکتر): ۵۶ - ۳۷۴

ف

فاتح، مصطفی: ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۳۲۶ - ۳۳۱
 فاطمی، حسین (دکتر): ۴۴۴
 فدائی: ۷۳
 فرات، عباس: ۹۷
 فرامرزی، عبدالرحمن: ۴۴۴
 فرح الدوله: ۲۰۸

ضیاء الاطباء (دکتر): ۱۵۶
 ضیاء الملك فرمند: ۱۷۹
 ضیاء الواعظین: ۱۵۸
 ضیاء همایون: ۵۵ - ۵۶
 ط

طباطبائی، حسن: ۱۷۰ -
 طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۲۶ تا ۳۶ -
 ۴۰ - ۴۸ تا ۵۸ - ۶۲ تا ۱۱۹ - ۱۲۸
 - ۱۴۰ - ۱۴۳ - ۱۹۹ - ۲۲۸ - ۳۰۸ -
 ۳۱۱ - ۴۱۰ - ۴۳۹ - ۴۴۲
 طباطبائی، سید محمد صادق: ۴۲۰
 طباطبائی یزدی، حاج سید علی: ۶۲ - ۱۰۳
 طبری، احسان: ۴۲۵ - ۴۴۳
 طبسی، شیخ غلامرضا: ۴۰۵
 ظ

ظ

ظهیرالاسلام، جواد: ۴۱۱

ع

عارف، شاعر ملی: ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۶۵ -
 ۱۹۵
 عامری، سلطان محمدخان: ۷۶
 عبدالعزيز بن سعود: ۲۰۳ - ۴۲۹
 عیده، (دکتر) جلال: ۲۶۷
 عدل، سید مصطفی: ۸۰
 عدل السلطنه: ۲۰۷
 عدل الملك دادگر، حسین: ۱۵۶ - ۳۹۸ - ۴۰۰
 عراقی (نماینده مجلس): ۱۷۳ - ۱۸۴
 عزت اردبیلی: ۴۳۸
 عضد السلطان: ۱۸۷ - ۱۸۸
 عضد السلطنه: ۲۰۸
 عضد الملك (نایب السلطنه): ۲۲۴
 عطاء الله خان: ۴۱۶
 عظمی (بانو): ۱۱۰ - ۲۵۵

فرخ، سید مهدی، معتصم السلطنه: ۲۶-۸۳-
 ۴۱۲-۳۲۵
 فرخ خراسانی: ۷۳
 فرخی یزدی، محمد: ۷۳-۱۳۷-۱۳۸-
 ۴۴۳-۲۵۷
 فرزین، محمد علی: ۳۰۰
 فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۲۰-۳۳-
 ۳۶-۵۶-۷۲-۷۴-۷۶-۷۶-۸۰-
 ۹۹-۱۱۱ تا ۱۱۶-۱۱۳۴ تا ۱۴۰-
 ۱۵۵-۲۲۱-۳۰۸
 فرود، فتح الله: ۳۸۱-۱۲۷
 فروغی، (مهندس) محسن: ۴۰۷-۴۳۹
 فروغی، محمد علی (ذکاء الملك): ۵۳-۱۶۵-
 ۱۶۶-۱۸۸-۲۰۱-۲۰۵-۲۱۷-
 ۳۲۶-۳۳۰-۳۳۴-۳۴۸-۴۰۵-۴۲۰
 فروغی، محمود: ۴۰۷
 فریزر (کلنل): ۷۹-۱۰۷
 فلاتی، علی اکبر: ۳۷۳
 فلسفی، سید میرزا آقا: ۱۳۸-۴۴۳
 فن پاپن: ۴۰۰
 فوکل: ۳۴۸
 فولادی (سرهنگ): ۴۲۴
 فهیم الدوله: ۱۶۶
 فیروز، ناصر الدوله: ۲۳۵
 فیروز، نصرت الدوله: ۳۰-۳۱-۳۵-۳۶-۴۲-
 ۴۸-۵۶-۷۲-۷۴-۷۶-۷۹-۸۰-۸۳ تا
 ۸۷-۱۰۸-۱۱۴-۱۲۸-۱۵۶-۱۶۲-
 ۱۶۵ تا ۱۶۷-۱۸۷-۱۸۸-۵۲۴-۲۶۵-
 ۳۰۸ تا ۳۱۵-۳۱۹-۳۳۳-۳۶۶-۳۸۶-
 ۳۹۲
 فیروز، مریم: ۳۰
 فیروز، مظفر: ۳۰-۸۴-۱۰۵-۳۱۱-۴۴۴
 فیروز آبادی، سید: ۱۵۲

فیض، میرزا عیسی خان: ۳۵۷
 ق
 قاجار، آقا محمد خان: ۱۹-۲۴۲
 قاجار، احمد شاه: اکثر صفحات
 قاجار، ایراندخت: ۲۳۴
 قاجار، بهمین میرزا: ۱۲۶
 قاجار، جلال الدوله: ۲۲۵
 قاجار، فتحعلیشاه: ۲۳۶
 قاجار، فرهاد میرزا: ۱۲۵
 قاجار، سالار الدوله: ۱۳۰-۲۳۴-۴۲۹
 قاجار، سیف الدوله: ۱۲۶
 قاجار، ظل السلطان: ۶۱-۲۲۵-۲۴۱
 قاجار، عباس میرزا (ملك آرا): ۶۳-۱۲۶-
 ۲۳۸-۳۰۸
 قاجار، فریدون: ۲۳۴
 قاجار، کامران میرزا: ۲۲۷
 قاجار، گیتی افروز (دختر محمد حسن میرزا):
 ۲۰۹
 قاجار، محمد شاه: ۱۲۶
 قاجار، محمد علی شاه: ۵۳-۶۲-۱۰۳-
 ۱۳۰-۱۶۰-۲۲۴-۲۵۵
 قاجار، محمد حسن میرزا (ولیعهد): اکثر
 صفحات
 قاجار، مریم: ۲۳۴
 قاجار، مسعود میرزا (ظل السلطان): ۱۲۶
 قاجار، مظفرالدین شاه: ۲۰-۱۲۷-
 ۱۲۹-۱۳۰-۱۹۰-۲۲۵-۴۲۹
 قاجار، ملکه جهان (مادر احمد شاه): ۲۲۴
 قاجار، مهین بانو (همسر محمد حسن میرزا):
 ۲۰۹
 قاجار، ناصرالدین شاه: ۱۵-۲۰-۲۱-
 ۲۲-۷۶-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۰-۱۵۷
 ۱۸۱-۱۹۱-۲۹۱-

۶۱ - ۶۷ - ۲۲۴
 کحال زاده (منشی سفارت آلمان): ۸۶ -
 ۱۳۲ - ۱۳۴
 کدمن (سر) جان: ۳۲۸ - ۳۵۶
 کریمپورشیرازی: ۴۴۴
 کرزن (لرد): ۴۸ - ۶۵ - ۷۲ - ۷۴ - ۸۵ -
 ۸۶ - ۱۰۸ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۳ -
 ۱۴۷ - ۱۶۱ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۲۲۶ -
 ۲۲۹ - ۳۰۹
 کلایو، (سر) راهرت: ۳۳۴
 کلهر: ۷۳
 کویال، (سرلشکر): ۲۲۴ - ۲۹۶ - ۴۴۴
 کیانوری، نورالدین (دکتر): ۳۰
 کیکو (سرهنک): ۷۳

گی

گلشائیان، اسدالله (سرتیب): ۴۴۴
 گلشائیان، عباسقلی: ۲۲۸ - ۲۹۹ - ۳۰۴
 ۳۲۱ - ۳۷۳
 گورکی: ۴۲۵

قاجار، ناصرالدین میرزا ناصری: ۲۲۵
 قاجار، همایوندخت: ۲۳۴
 قاجار، یمین الدوله: ۱۵۷ - ۱۵۸
 قاسمی، ابوالفضل: ۳۰
 قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم خان: ۲۳۶
 قدس جورابچی (سرهنک): ۴۳۳
 قراقرزو، حسینعلی فتح السلطنه: ۳۴۰ - ۴۳۶
 قربانی (سرهنک): ۴۴۴
 قریب (سرتیب): ۴۰۱
 قزل ایباغ (دکتر): ۳۲۱
 قزوینی، (علامه) محمد: ۲۸۹
 قشقانی، محمد حسین: ۴۲۳
 قمشه ای، سید حسن: ۲۵۹
 قوام، احمد (قوام السلطنه): ۱۷ - ۳۰ -
 ۷۳ - ۷۹ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۹ - ۹۳ -
 ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۱۲ - ۱۴۰ -
 ۱۴۳ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۲۲۸ - ۲۴۲ - ۲۵۶
 ۳۹۷ - ۴۱۰ - ۴۱۲ - ۴۱۵ - ۴۳۹ -
 قوام الدوله: ۷۳ - ۱۵۶ - ۱۸۴ - ۲۵۴ - ۵۰ -
 قوام الدوله اصفهانی: ۱۷۹ - ۱۸۰
 قوام الملک شیرازی: ۱۰۷ - ۱۲۳ - ۱۳۰ -
 ۲۲۸ - ۳۶۶

ل

لاجوردی، حبیب (دکتر): ت
 لاهوتی، (یاور) ابوالقاسم: ۱۳ - ۲۹ -
 ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۴۲۴
 لپیگ، برایان: ۵۲
 لرزه (ژنرال): ۲۴
 لرن، (سر) پرسی: ۵۰ - ۸۶ - ۱۲۰ -
 ۱۲۱ - ۲۲۰ - ۳۱۲
 لسان السلطنه: ۷۳

ک

کاراخان (کفیل وزارت خارجه شوروی): ۴۳ -
 ۳۲۲ - ۳۲۹ - ۳۵۲
 کازرونی، میرزا علی: ۱۷۳ - ۱۷۴
 کاساکوفسکی: ۲۴۱
 کاشف السلطنه: ۲۴۶
 کاکس، (سر) پرسی: ۸۱ - ۸۴ - ۸۵ -
 ۲۲۹ کامران میرزا (نایب السلطنه): ۲۰ -

- لسان الملك: ۷۳
لطفي، عبدالعلي: ۳۳۹ - ۴۰۵
لنكراني، شيخ حسين: ۱۵۹
لنين: ۱۳۹
لورين (ليدي): ۲۲۱
- م
- ماژور مسعود خان كيهان: ۲۸ - ۳۱ - ۳۴
- ۵۷ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۲ - ۹۴ - ۹۶ -
۱۱۰ - ۱۱۳ تا ۱۱۵
مافي، نظام السلطنة: ۲۵۳
ماكسيموف: ۳۴۹
متين الملك (سرهنگ): ۴۲۵
متين دفترى، احمد (دكتور): ۲۴۳ - ۴۳۹
مجد الدوله (حاج): ۷۳
محاسب المالك: ۱۵۵
محلثى، حاج سباح: ۲۴۱
محمدخان (سرتيپ): ۲۰۶
محمود، پرويز: ۲۱۶
محمود، محمود (پهلوى): ۱۹ - ۲۱۶ -
۲۴۱ - ۲۸۰ - ۲۸۵
محي الدين، سيد: ۴۴۳
مختارى، ركن الدين (سرياس): ۵ - ۲۴۸ -
۲۶۷ - ۳۰۹ - ۳۶۳ - ۳۸۴ - ۳۹۳ -
۴۰۳ - ۴۳۵
مختارى، حبيب الله: ۲۴ - ۲۸۹
مدرس، سيدحسن: ر - ۷۳ - ۷۴ - ۸۱ -
۸۴ - ۱۱۰ - ۱۳۷ - ۱۵۶ - ۱۵۸ -
۱۶۴ - ۱۶۷ تا ۱۶۹ - ۱۷۱ - ۱۷۲ -
۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۹ - ۱۸۱ - ۱۸۴ -
۱۸۹ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۸ - ۲۰۰ تا
۲۰۳ - ۲۳۵ - ۲۵۲ - ۴۲۲ - ۴۴۳
مراد عليخان الشتى (جد رضاشاه): ۸ - ۲۲
- مریم (همسر اول رضا شاه): ۱۹
مستوفى، عبدالله: ۱۸ - ۲۱ - ۲۳ - ۹۴
- ۱۳۸ - ۲۳۲
مستوفى الممالك، ميرزا حسن خان: ۳۰ -
۶۴ - ۷۴ - ۷۵ - ۸۲ - ۸۷ - ۱۴۰ -
۱۴۳ - ۱۵۸ - ۱۶۱ تا ۱۶۳ - ۱۶۹ -
۱۷۶ - ۱۸۱ - ۱۸۸ - ۱۹۶ - ۱۹۷ -
۲۰۰ - ۲۰۲ - ۲۲۷ - ۲۴۳ - ۲۵۴ -
۳۱۹ - ۳۷۱ - ۴۱۷ - ۴۳۹
مسعودى، عباس: ۴۴۳
مشار، يوسف: ۴۴۴
مشار السلطنة: ۷۳ - ۹۰ - ۱۵۵
مشار الملك (ميرزا حسن خان مشار): ۱۵۴ -
۱۵۵ - ۲۲۹ - ۴۱۱
مشاور الملك، انصارى، علينقى: ۸۹ - ۹۹
مشاور المالك: ۱۵۵
مشايخى، مهدي: ۴۴۴
مشكوة الدوله: ۲۰۵
مشير الدوله پيرنيا، حسن: ۲۵ - ۳۰ - ۶۳ -
۶۸ - ۷۴ - ۷۵ - ۸۲ - ۱۰۸ - ۱۴۹ -
۱۴۳ - ۱۵۸ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۷ -
۱۶۹ - ۱۷۶ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ -
۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۲۶ - ۲۶۱ - ۳۱۹ -
۳۲۳ - ۳۷۳ - ۴۱۲ - ۴۱۷ - ۴۳۹
مشيرى يزدى، على: ۳۵۴
مصدق، احمد (مهندس): ۲۱
مصدق، خديجه (دختر دكتور مصدق): ۲۵۱
مصدق، (دكتور) غلامحسين: ۲۴۹
مصدق (مصدق السلطنة)، محمد (دكتور): ر -
۳۰ - ۷۳ - ۷۵ - ۷۹ - ۱۰۵ تا ۱۰۹ -
۱۱۲ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۸۱ -
۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۹۸ تا ۲۰۴ -
۲۲۶ - ۲۴۲ تا ۲۵۱ - ۲۵۶ - ۳۱۹ - ۴۴۴

- مصطفوی، (دکتر) رحمت: ۱۱۹
 مطبوعی، ایرج (سرلشگر): ۳۱
 مطبوعی، حسن آقا: ۳۱
 معارن الدوله غفاری: ۳۲۷
 معظم السلطان: ۷۹
 معظمی، (خاندان): ۷۹
 معین الدوله: ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷
 معین الملک: ۳۳ - ۶۵
 مغرور میرزا: ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۷۵ - ۲۰۷
 مفتی فلسطین: ۱۰۳
 مفخرالملک: ۲۱۷
 مقدم، (سرتیپ) حسن: ۱۱۷ - ۴۰۸
 مقدم مراغه ای (سرلشگر): ۲۲۱ - ۲۲۲
 مکرم الدوله: ۳۸۶
 مکرم السلطان: ۴۱۶
 مکی، حسین: ۲۰ - ۳۶ - ۷۲ - ۱۵۷ -
 ۱۷۴ - ۲۳۳ - ۴۱۹ - ۴۴۴
 ملک حسین: ۲۲
 ملکزاده (دکتر) مهدیخان: ۱۵۵ - ۲۲۷
 ملکی، (دکتر) مسعود: ۲۳۵
 ملکی، شیخ رضا: ۳۸۶
 ممتاز الدوله: ۷۳ - ۱۵۵
 ممتازالملک: ۷۳ - ۱۵۵
 منتخب السلطان: ۴۱۶
 منشورگرگانی: ۴۱۸
 منشی زاده (دکتر): ۳۹۹
 منصور، حسنعلی: ۳۸۳
 منصورالسلطنه عدل: ۱۵۵
 منصور، رجبعلی، منصورالملک: ۱۵۵ - ۱۸۱ -
 ۲۲۸ - ۳۰۷ - ۳۸۳ - ۳۸۹ - ۴۳۹
 منیرالسلطنه: ۱۵۵
 موثق الدوله: ۶۳ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۲۴
 مودب همایون: ۷۳
- مورخ الدوله سپهر، احمدعلی: ۷۵ - ۲۵۳
 موری، والیس (آمریکائی): ۱۵۲
 موسوی، کاوه: ت
 موسوی، محمد حسین (دکتر): ت
 مولوتف: ۴۲۵ - ۴۳۷
 مویدالمالک (سرهنگ): ۴۳۳
 مهدوی، حاج امین الضرب: ۳۱۰
 مهدوی، حسن آقا: ۳۱۰
 مهذب الدوله: ۶۴
 میراشراقی، سیدمهدی: ۴۴۴
 میربنج محمدقلیخان: ۳۷
 میربنجه، غلامرضا: ۲۰ - ۳۰
 میرزا آقاخان نوری: ۲۳۷
 میرزابهاشی: ۷۳
 میرزارضا کرمانی: ۲۰ - ۲۱ - ۲۳۹
 میرزاعلی اکبر (سلطان): ۴۲۴
 میرزااقوام (وکیل عدلیه): ۷۳
 میرزاکریم خان رشتی: ۱۶۱ - ۴۴۳
 میرزاکوچک خان جنگلی: ۲۷ - ۳۵ - ۱۱۳
 - ۱۲۳ - ۱۳۷ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۴۴۳
 میرزیانوس، یوسف (وکیل ارامنه): ۷۳
 میرفندرسکی، احمد: ۸۹ - ۵۰
 میلیسپو: ۲۹۸
 میری، جمال: ۳۳۹
- ن
- نادر شاه افشار: ۱۲۲ - ۱۵۸ - ۱۷۷ -
 ۲۲۲
 ناصرالملک قراقرزو (نایب السلطنه): ۱۴۵ -
 ۱۹۰ - ۲۲۵ - ۳۰۸ - ۳۳۶ - ۴۰۰
 نامور، میرزا احمد خان: ۱۵۵
 نایب چلوئی: ۱۷۴
 نائینی، میرزا رضاخان: ۱۵۵ - ۳۱۰
 نبات خانم (خواهر ناتنی رضاشاه): ۲۰ - ۲۱

- و
- وارسته (پروفیسور): ۵۵
- واسموس (جاسوس آلمانی): ۷۹
- والی (سرگرد): ۴۰۱
- وثوق، ابوالقاسم: ۳۸۴
- وثوق، حسن، وثوق الدولہ: ج - ۱۷ - ۳۵
- ۵۴ - ۵۵ - ۶۳ - ۷۲ - ۸۳ تا ۸۷ -
- ۱۱۰ - ۱۱۳ - ۱۲۸ - ۱۳۶ - ۱۵۹ -
- ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۲۲۸ -
- ۲۳۵ - ۲۵۳ - ۳۲۲
- وثوق السلطنہ: ۷۳ - ۱۵۵ - ۴۳۱ - ۴۳۴
- وحید الملک: ۶۳ - ۱۵۵
- وزیر خلوت: ۱۵۶
- وستداهل (افسر سوئدی): ۳۹۷
- وقار (سرہنگ): ۲۶۷ - ۲۴۹
- وکیل الملک دیبا، فضل اللہ خان: ۳۱۹ -
- ۳۲۶ - ۳۶۲
- وکیلی، علی: ۳۰۲
- وودھاووس، سی.ام.: ۴۶
- ویلہ، ژرار : ۱۴۳
- ویکتوریا (ملکہ انگلیس): ۲۳۱
- ویلسن (رئیس جمہور امریکا): ۳۰۸
- ویلسن، (سر) آرنولد: ۱۸۶
- ہ
- ہاروی (منشی ایدن): ۵۶ - ۵۸
- ہاشمی حائری، فریدون: ۳۹۷
- ہالڈین (ژنرال): ۴۴
- ہاوارد (انگلیسی): ۲۸ - ۷۲ - ۸۴ - ۸۵
- ۱۶۴ - ۲۵۹ - ۳۳۴
- ہدایت، رضاقلیخان: ۳۸۹
- ہدایت، مخبر السلطنہ: ۳۰ - ۱۵۵ تا ۱۵۷ -
- ۱۷۶ - ۱۸۲ - ۲۰۱ - ۳۰۹ - ۳۲۴
- نہوی، حسن: ۱۱۹
- نبیل الدولہ کاشانی: ۳۰۸
- نجفی، ناصر: ۱۰۶
- نخجوان، (سپہبد) امیرموتق: ۲۹ - ۱۱۱ -
- ۱۱۳ - ۴۴۴
- ندامانی، ناصر: ۱۵۶
- ندیم السلطان (دکتر) جلیل خان: ۲۱۱
- نصر، تقی (دکتر): ۲۹۹
- نصر الملک ہدایت: ۱۵۵ - ۲۵۹
- نصرت السلطنہ: ۲۰۸
- نصیر الدولہ: ۱۵۵ - ۲۲۶
- نصیر السلطنہ (حاج): ۷۳
- نصیری، (دکتر) قوام: ۲۴۹
- نصیری، نعمت (ارتشبد): ۴۴۴
- نفیسی، (دکتر) مودب الدولہ): ۱۶۶ - ۲۵۱
- ۲۶۱
- نقدی، سرلشکر (سردار رفعت): ۱۲ - ۲۸۹
- ۳۶۹
- نقرہ خان (قاتل میرزا کوچک خان
- جنگلی): ۲۷
- نواب، حسین: ۳۰۷
- نواب احتشام رضوی: ۴۰۵
- نوائی (سرہنگ): ۲۶۶ - ۴۰۴
- نورمن (یا نورمان) (وزیر مختار انگلیس): ۴۰
- ۴۳ - ۴۴ - ۴۹ - ۶۳ - ۷۲ - ۷۴ -
- ۷۹ - ۸۵ - ۹۷ - ۱۰۹ - ۱۴۵ - ۲۲۶
- نوش آفرین (مادر رضاشاہ): ۸ - ۱۶ - ۲۲
- نیر الدولہ: ۲۲۷
- نیر الملک ہدایت: ۳۰۹ - ۳۸۸
- نیشاپوری، شیخ شمس: ۴۰۵
- نیک اندیش، (سرہنگ) باقرخان (بمبئی): ۳۲
- ۶۵ - ۶۶ - ۶۷
- نیکسون، ہارولد: ۲۲۳

۳۳ - ۳۳۴ - ۳۴۸ - ۳۵۹ - ۳۷۵ -

۴۲۲ - ۴۲۴ - ۴۳۹ -

هراتی (نماینده مجلس): ۱۷۳

هژیرالسلطان، اسدالله خان: ۱۷

هژیر، عبدالحسین: ۴۲۰ - ۲۵۵

همایون، (سرگرد) احمد: ۴۲۶

همایونی، فضل الله (سرلشکر): ۳۸۲

هنتینک، فون: ۴۳۶

هوور (وزیر مختار انگلیس): ۳۵۹

هویدا، امیرعباس: ۳۸۳

هیتلر، آدولف: ۳۹۷ - ۴۰۲

هیگ (کلنل انگلیسی): ۳۳

ی

یاور احمد خان: ۲۱۰ - ۲۱۱

یاور اکبر خان: ۷۳

یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۲۶ -

۳۲ - ۵۶ - ۵۷ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۷۰ -

۱۷۸ - ۲۰۶ - ۲۰۸ - ۲۱۰ - ۳۲۷ -

۳۷۷ - ۳۹۱ -

یزدی، شیخ حسین: ۷۳

یزدی، شیخ محمد: ۷۳

یفرم خان: ۴۴۳

یمین الدوله: ۲۰۸ -

یمین الملک (حاجی): ۷۳ - ۱۵۵

یادآوری: نام رضاشاه و محمدرضاشاه در اکثر صفحات جلدهای مختلف کتاب چاپ شده است. برای اطلاع از اسامی نمایندگان موافق و مخالف مجلس شورایی، هنگام خلع قاجار از سلطنت، به صفحات ۲۰۳ و ۲۰۴ و اسامی وزراء از کوردتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۲۰ به صفحات ۴۴۰ و ۴۴۱ این جلد مراجعه شود. در صفحات اول و آخر کتاب عکس گروهی از مقامات باذکر اسامی به چاپ رسیده است.

فهرست اسامی جلد دوم

- آ
آتابای، سرلشگر (دکتر): ۲۴۵-۴۲۳
آتابوک، غازی مصطفی کمال پاشا: ز «عکس»
- ۵۲ - ۱۴۶ - ۱۸۴ - ۲۰۳ - ۲۲۱ -
۲۲۳ - ۳۸۸ - ۴۱۰ - ۴۱۱
آبریم، اسحق (دکتر): ۳۳۹
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی: ۲۸۳
آدمیت، فریدون (دکتر): ۲۸۵
آذر، مهدی (دکتر): ۱۵۸
آریانا، بهرام (ارتشید): ۲۰۶
آق اولی، (دکتر) امان الله خان: ۳۹۰
آق اولی، (سپهبد) فرج الله خان: ۱۲۸-۲۱۶
- ۳۹۰
آق اولی، کنل فضل الله خان: ۳۹۰
آموزگار، (دکتر) جمشید: ۲۴۱
آموزگار، حبیب الله: ۳۲۷
آوانسیان، آرداشس: ۳۴۰
آیت الله اصفهانی، سید ابوالحسن: ۱۷۱
آیت الله بروجردی، حاج آقا حسین: ۲۳۸
آیت الله بهبهانی، سید عبدالله: ۲۷۷-۲۸۰
- ۲۸۳
آیت الله بهبهانی، سید محمد: ۲۵۰-۲۹۰
آیت الله حائری: ۱۷۱
آیت الله بهشتی، محمد: ۸۳
آیت الله، خمینی، روح الله: ۲۴۴-۲۴۸-۲۶۵
- ۳۹۴
آیت الله سنگلجی: ۳۸۸
آیت الله شیرازی: ۲۵۹
آیت الله کاشانی، سید ابوالقاسم: ۲۴۳-۳۹۳
آیت الله مازندرانی: ۲۸۳
آیت الله میرزا نائینی: ۱۷۱
آیرم، (سرلشگر) محمد حسین: ۱۰۵-۱۰۶ -
۱۷۹-۲۱۷-۳۱۴ - ۳۶۹-۳۹۲ - ۴۰۶
آیرم، (امیرلشگر) محمود خان: ۳۶۹
آیرملو، (میربنج) تیمورخان: ۲۴۵
الف
ابراهیمی، آقا بزرگ (ستوان یکم): ۳۸۳
اتابک، اتابک اعظم، (امین السلطان)، میرزا
- علی اصغر خان: ۲۸۰
اتحادیه، حاج رحیم: ۲۱۲
احسان الله خان: ۲۲۰
احمدی (پزشک): ۳۰۲-۳۵۸-۳۶۴-۳۹۳
احمدی، حبیب الله: ۸۳
ادیب السلطنه سمعی، حسین: ۱۲۱-۱۸۱
- ۲۱۲ - ۲۲۴ - ۲۳۸ - ۳۶۱ - ۴۰۶
ارانی، تقی (دکتر): ۲۰۵-۳۵۹ تا ۳۳۰
اریاب کیخسرو شاهرخ: ۱۳۴ -
اریاب گوردزی: ۳۰۴ -
ارجمند (تاجر کرمانی): ۸۱ -
اردلان، حاج عزالمالك: ۱۵۷
ارسنجان، (دکتر) حسن: ۲۶۰
ارغندی، (دکتر) علیرضا: ۱۹۹
ارفع، حسن (سرلشگر): ۱۶۱-۱۶۲-۱۷۶-۲۲۲
ارفع، پرنس: ۲۲۵
ارفع (سرهنگ): ۲۰۰
ارفع (مادام): ۱۸۷
ازهار، غلامرضا (ارتشید): ۲۴۲ - ۳۸۴
اژدری، محمد حسین: ۷۸
استاروسلسکی (ژنرال): ۳۶۹-۳۷۷
استالین: ۵۱ - ۵۸ - ۳۴۰
استوکس (ماژور): ۲۸۰
اسداوف (داراب): ۳۴۰
اسدی، ابوالقاسم: ۳۴۰
اسدی محمدولیخان: ۳۴ - ۶۹ - ۱۲۶ -
۱۳۴ - ۱۷۱ - ۳۶۰
اسفندیاری، حاج محتشم السلطنه: ۳۳-۳۷-
۱۰۰-۲۱۴-۳۲۹-۳۸۰
اسفندیاری، عباس خان: ۳۵۱
اسعد، خانباها: ۱۵۷
اسعد، جعفرقلی: ۱۰۲
اسکراین، (سر) کلارمونت: ۸۵ - ۹۱ -
اسکندری، امیر نصرت: ۷۳
اسکندری، ایرج: ۱۳۷-۳۳۳-۳۳۷-۳۵۳
اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۵۷ -
- ۲۰۴ - ۳۳۳
اسمارت (عضو سفارت انگلیس): ۴۲-۱۷۷

اسمیرتوف: ۱۱ - ۲۹ - ۳۱ - ۵۹ - ۶۰
 اشرفی، میرزا آقا خان: ۱۷۲
 اصلاتی، محمود: ۲۴۵
 اعتصام الملك، میرزا یوسف خان: ۲۸۱
 اعتمادالدوله قراقرزلو: ۱۳۳
 اعلم، (مهندس) مجید: ۲۶۰
 افخمی، عبدالرضا (سرلشگر): ۱۷۶ - ۲۲۳ - ۲۲۴
 افشار، ایرج: ۲۸۲
 اقبال، (دکتر) منوچهر: ۶۱ - ۱۷۰ - ۲۴۷ - ۳۹۳
 اقبال آشتیانی، عباس: ۲۷۳ - ۳۰۵
 اقبال السلطنه ماکوئی: ۵۵
 البرز (سرتیپ): ۱۷۶ - ۲۲۲
 الموتی، ضیاء: ۳۵۳
 الموتی، عباس: ۵
 الموتی، نورالدین: ۳۵۳
 الموتی، میرعماد: ۳۵۴
 امام جمعه خوئی: ۲۵۰
 امامی، سیدحسین (دکتر) - امام جمعه تهران: ۲۴۲
 امیر احمدی، احمد آقا (سپهبد): ۱۱ - ۱۳ - ۴۷ - ۱۳۵ - ۲۳۸ - ۳۶۹ - ۳۷۲
 امیراعلم (دکتر): ۱۵۱
 امیراکرم: ۱۵۳
 امیرانتظامی (سرهنگ): ۱۶۰
 امیرتومان، اسمعیل: ۳۶۶
 امیرتومان، محمدباقرخان: ۳۷۰
 امیر تومان، محمد کاظم خان: ۳۸۵
 امیر پرویز، امیرحسین (مهندس): ۲۴۷
 امیرجنگ: ۱۵۷
 امیرخان سردار: ۳۶۶
 امیر خسروی، رضاقلی خان: ۱۳۰
 امیرزاده خانم (روسپی): ۱۷۶
 امیرفضلی، اسمعیل (سرلشگر): ۳۷۳
 امیرفیصل: ۲۳۷
 امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۲۳۸
 امیر کبیر، میرزا تقی خان: ۳۶۷
 امیر مرید سواد کوهی، اسمعیل خان: ۳۷۸

ب

باتمانقلیچ، نادر (سپهبد): ۳۸۶
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۳۹۵
 باستانی پاریزی (دکتر): ۶۲
 بامداد، مهدی: ۴۲۰
 بایندر (دریادار): ۵ - ۱۷۶
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۳۹۳
 بختیار، شاپور (دکتر): ۳۹۴
 بدر، محمود: ۱۰۱
 براون، ادوارد: ۲۸۴
 بریچمن (کاردار سفارت انگلیس): ۱۷۷
 بروخیم (دکتر): ۳۲۸
 بزرگمهری، منوچهر: ۳۲۷ - ۳۲۸
 بودینی (مارشال روس): ۴۳
 بوذرجمهری، (سرلشگر) کریم آقا خان: ۱۳
 - ۱۰۴ - ۱۰۶ - ۱۹۲ - ۲۳۶ - ۳۰۱ - ۳۸۸
 بوشهری، مهدی (دکتر): ۲۵۶
 بولارد (سر) ریلر: ۱۷ - ۲۹ - ۳۱ - ۳۸
 - ۵۲ - ۵۷ - ۵۹ تا ۶۱
 بهار، محمدتقی (ملك الشعراء): ۲۰۶ - ۲۹۵
 - ۲۹۷ - ۳۰۴ تا ۳۱۵
 بهاء الملك قراقرزلو: ۳۶۱
 بهرامی، احیاء السلطنه (دکتر): ۲۱۲
 بهرامی، دبیراعظم: ۳۹۲
 بهرامی، محمد: (دکتر): ۳۳۱ - ۳۴۶ - ۳۵۳
 بهمن، ابوالقاسم: ۲۹۸

پهلولا (مسبب واقعه خراسان): ۳۹۲
بهمن، میرزا علی اکبر: ۲۹۸
بیگلری (سرنگ): ۱۴
بیوراحمدی، شکرالله: ۴۰۷

پ

۲۴۶ - ۲۶۰ - ۴۲۳
پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۲۵۸-۲۴۶-۱۵۵
پهلوی، شهبانو فرح (دیبا): ۳۲۵ - ۲۴۱
پهلوی، فوزیه (ملکه): ۷۲-۷۶ تا
۷۸ - ۲۰۸ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۵۱ -
۳۲۸ - ۲۵۳

پهلوی، محمودرضا: ۱۵۵ - ۲۴۶
پهلوی، یاسمین (اعتماد امینی): ۲۶۸
پهلوی نیا، شهرام: ۲۵۱ - ۷۶ - ۲۵۷
پهلوی، همدان السلطنه: ۱۸۵-۲۴۵-۴۲۳
پیرنیا، حسین، موذن الملك: ۵۸-۵۹-۱۲۷
- ۳۲۰ - ۴۱۲
پیرنیا، معاضدالولہ: ۲۱۱
پیرنیا، میرزا حسن خان مشیرالدوله: ۱۲۹
پیرنیا، هرمز: ۳۳۴
پیشه روی، میرجعفر: ۳۰۳ - ۳۴۰ - ۳۹۳

ت

تجدد رضا: ۱۲۱ - ۱۵۶ - ۲۱۲-۳۹۲
تدین، سید محمد: ۱۵۷
تربیت، محمدعلیخان: ۲۸۱
تربیت، هاجر: ۱۴۱ - ۲۱۳
تقوی، حاج سید نصرالله: ۳۳ - ۵۵
تقی زاده، سید حسن: ۴۵ - ۱۲۲ - ۱۲۶
- ۱۲۹ - ۲۶۷ تا ۲۹۴
تنکین (پروفیسور): ۲۳۱
تهرانی، شیخ علی: ۳۹۵
تهرانیان، محمدصادق: ۲۶۲ - ۴۲۰
تیمورتاش، عبدالحسین (سردار معظم خراسانی)
: ۴۳ - ۵۰ - ۱۲۱ - ۱۲۳ - ۱۲۵ -
- ۱۳۳ - ۱۷۹ - ۱۹۲ - ۱۹۶ - ۲۱۷ -
- ۲۷۹ - ۲۸۷ - ۲۹۹ - ۳۰۱ - ۳۳۶ -
۳۵۹ - ۳۷۵ - ۴۰۶
تیمورتاش، مهرپور: ۱۸۷ - ۲۵۲
تیمورتاش، هوشنگ: ۲۵۲

ث

ثابتی، مسعود (مزید): ۳۱۵

پاکروان، امینہ: ۱۵۳
پرئی (مسیو): ۲۱۱
پروس (دکتر):
پرون، ارنست: ۱۸۸-۲۳۰-۲۵۲
پسیان، نجفقلی: ۱۵۷
پسیان، محمدتقی خان (کنزل): ۱۳۵-۳۱۳
پناهی، هامیوندخت: ۶۳
پور داود (استاد): ۲۷۳
پوررضا، حبیب الله: ۳۶۱
پوریا، محمدعلیخان: ۳۸۲
پهلوان یزدی: ۳۰۶
پهلبد (مین باشیان) مهرداد: ۲۵۷-۴۲۳
پهلوی، احمدرضا: ۱۵۵-۲۴۶
پهلوی، اشرف وفرزندان: ۳۴ - ۷۵ - ۷۸ -
۱۴۳ - ۱۸۳ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۳۶ - ۲۴۶ -
- ۲۵۰ - ۳۹۳-۴۲۳
پهلوی، تاج الملوك (آیرملو) (ملکه مادر یا
ملکه پهلوی): ۴۴ - ۶۹ - ۷۲ - ۸۱ -
- ۱۴۱ - ۱۵۵ - ۱۸۵ - ۲۰۸ - ۲۴۶ - ۲۵۷
پهلوی، توران (ملکه): ۱۵۵ - ۲۴۶ - ۲۶۰
پهلوی، ثریا (اسفندیاری بختیاری): ۲۰۹-۴۲۲
پهلوی، شمس وفرزندان: ۷۸-۸۷-۸۸-۹۰-
- ۱۸۶ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۵۰ - ۲۵۷ -
۲۵۸ - ۴۲۳
پهلوی، شهناز: ۷۶ - ۲۵۳
پهلوی، عبدالرضا: ۱۵۵-۲۳۱-۲۴۶-۲۵۸
پهلوی، عصمت (ملکه دولتشاهی): ۸۶-
- ۱۵۵ - ۲۵۹ - ۲۶۰
پهلوی، علی (اسلامی): ۲۶۵-۳۹۴-۴۲۳
پهلوی، علیرضا: ۸۸ - ۱۸۶ - ۲۴۵ - ۲۴۶ -
- ۲۵۳ - ۲۶۱ - ۳۹۴ - ۴۱۸ - ۴۲۳ -
پهلوی، غلامرضا وفرزندان: ۱۵۵ - ۲۳۱ -

حائری زاده یزدی، ابوالحسن: ۱۵۲ - ۴۰۳

حجازی: ۳۵۱

حسام (ویلن نواز): ۳۵۹

حشمت (دکتر): ۲۲۰

حقنویس، میرزا علی: ۲۱۱

حکمت، علی اصغر: ۱۲۱ - ۲۱۲ - ۳۵۴

حکمی، علینقی (دکتر): ۳۴۳ - ۳۵۳

حکیمی، ابراهیم، حکیم الملک: ۵۵ - ۲۹۱

ج

جاوید، سلام الله (دکتر): ۳۴۰

جلالی، علی: ۵۰

جلوه، (سرهنک دکتر): ۷۴ - ۷۹ - ۸۳

جلیلی، جهانگیر: ۳۲۷

جم، فریدون (ارتشبد): ۸۷ - ۲۵۰ - ۲۵۷

۴۲۳ -

جم، محمود: ۴۴ - ۷۲ - ۷۸ - ۸۲ تا

۸۴ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۲۳۴ - ۲۵۰ -

۲۵۴ - ۴۱۶

جمال زاده، سید محمد علی: ۲۷۳ - ۲۸۴

جمشیدی: ۳۵۹

جناب زاده، محمد: ۱۵۲

جوانشیر: ۳۵۱

جوهری: ۳۵۹

جهانبانی، امان الله میرزا (سپهبد): ۱۳۶ -

۱۴۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۴ - ۳۷۰ -

۳۷۱ - ۳۷۴

جهانسوزی، (یاور): ۳۵۹

جهانسوز، محسن: ۱۵۷

جهانشاهی، (سروان) محمد حسین: ۳۸۵

جهانگیر، میرزا نصرالله خان: ۱۵۸

جهانگیری، جهانگیر: ۲۵۵

چ

چرچیل، وینستون: ۱۱ - ۲۳ - ۲۶ -

۲۷ - ۴۵ - ۵۱ - ۵۶ - ۶۵

چویک، صادق: ۳۳۹

ح

حاج آقا جمال اصفهانی: ۱۷۷

حاج آقا نورالله: ۲۱۷

حاجب الدوله: ۳۶۶

حاج میرزا شفیق: ۲۱۷

حاج میرزا محمد علیخان: ۲۱۷

حاجی مشیر: ۴۰۴

حائری، (دکتر) عبدالهادی: ۱۷۱

خ

خاباروف (کلنل): ۳۶۹

خاتم (ارتشبد): ۲۵۹

خادم، فریدون: ۱۰

خازن همایون، میرزا حسن خان: ۶۳

خامنه ای، سید علی: ۳۹۵

خانلری، (سروان) محمد علی: ۳۸۵

خان طالش: ۳۶۷

خالوقربان: ۲۲۰

خبیرالملک: ۲۴۱

خدا یارخان، (سرلشگر): ۱۰۸ - ۱۲۵ - ۱۵۷

خزاعی، (سرلشگر) حسین خان: ۳۶۹ - ۳۸۲

خسروانی: ۳۵۱

خسروانی (فرمانده نیروی هوایی): ۱۲ -

۱۶ - ۴۷

خلخالی، شیخ صادق: ۲۴۴ - ۴۱۸

خلعتبری (ساعد الدوله): ۴۱۷

خلعتبری، غوغا: ۳۲۲

خلعتبری (سپهسالار اعظم تنکابنی)، محمد

ولی خان: ۱۰۶ - ۳۹۱ - ۴۱۷

خلیلی، عباس: ۲۱۴

خمارلو، میرزا احمد خان: ۱۸۱

خواجه نوری، ابراهیم: ۴۶ - ۳۱۶ - ۳۷۷

خیابانی، شیخ محمد: ۳۱۳

خیرخواه، حسین: ۳۳۹

د

داراب، احمد: ۳۳۶

داور، علی اکبر: ۴۵ - ۱۲۲ - ۱۲۷ -

۱۵۸ - ۱۹۲ - ۱۹۶ - ۲۱۲

ریاضی، مهدی: (ناویان یکم): ۵:
ربین تروپ: ۵۱

ز
زاهدی، اردشیر: ۲۴۴
زاهدی (سپهبد) فضل الله (بصیر دیوان):
۱۸۱ - ۳۳۶ - ۳۷۰ - ۳۷۲ - ۳۷۶ -
۳۸۴ - ۳۸۷ - ۳۹۲ - ۴۰۵
زاهدی، (سرتیپ) نصرالله: ۳۶۷ - ۳۸۱ -
۳۸۵
زند، (سرتیپ) ابراهیم: ۲۱۸
زیدان، جرجی: ۲۸۱

س

ساعدمراغه ای، محمد: ۴۶ - ۵۸ تا ۶۲ -
۴۱۵
سالار (مدیر شفق): ۳۲۰
سالارالدوله: ۴۰۰
سالار جنگ، (سروان لہاک خان): ۲۰۵ -
سالیسبوری: ۲۹۴
سپهر، مورخ الدوله: ۳۹۳
سپهری، ابراهیم: ۳۲۸
سپهبدی عیسی (دکتر): ۳۲۸
سپهبدی، انوشیروان: ۲۳۶
سجادی، محمد (دکتر): ۱۱ - ۴۰ - ۴۳ - ۷۷ -
۱۳۰ - ۱۵۵ -
سردار اسعدبختیاری، جعفر قلیخان: ۱۲۳ -
۱۲۷ - ۱۳۴ - ۱۸۱ - ۱۹۹ - ۲۰۶ - ۲۵۰ -
۳۵۹ - ۳۷۵ - ۴۰۶ -
سردار اقبال: ۴۰۷
سردار اکرم همدانی: ۲۹۸
سردار انتصار: ۱۲۶
سردار بجنوردی: ۵۵
سردار دفاع: ۴۰۷
سردار ظفر: ۴۰۷
سردار عظیم (سرلشگر): ۳۷۲
سردار مدحت: ۲۱۴
سردار معتمد: ۱۸۱
سردار همایون: ۳۷۱

دبیر اعظم، فرج الله بهرامی: ۱۲۱ - ۱۲۶ -
۱۵۶ - ۱۵۷
درگاهی، محمد (سرتیپ) (محمد چاقو): ۲۹۸ -
۳۸۷ -
دشتی، علی: ۴۵ - ۹۷ - ۹۸ - ۱۲۱ -
۱۲۵ - ۱۵۶ - ۱۶۹ - ۲۳۶ - ۳۱۶ -
۳۳۳ - ۳۹۲
دوست محمد خان بلوچ: ۲۲۲ - ۳۹۲
دها، سید حسین: ۱۷
دهخدا، خاناباخان: ۲۷۲
دهخدا، (علامه) (دخو): ۲۷۲ - ۴۱۹ -
دهستانی، یدالله: ۱۱۲
دهش (تاجر اصفهانی): ۷۳ - ۷۴
دهش (ستوان): ۱۴
دهقان، احمد: ۲۳۶
ر
رادمنش، رضا (دکتر): ۳۳۵ - ۳۴۲
راسخ (سرهنک) مصطفی: ۳۵۸ - ۳۶۰
رایت، (سر) دنیس: ۵۶
راتین، اسماعیل: ۲۸۳
رجوی، مسعود: ۳۹۴ - ۳۹۵
رحیم زاده صفوی: ۲۹۵
رزم آرا، (سپهبد) حاجعلی: ۴۱ - ۲۳۷ -
۲۳۹ - ۳۷۶ - ۳۸۶
رشدی آراس: ۲۲۳
رشید عالی گیلانی: ۲۲ - ۲۷
رفیع زاده، منصور: ۲۴۴ - ۲۶۳
روحانی، فواد (دکتر): ۱۲۵
روزولت (رئیس جمهور آمریکا): ۱۹
روسل (ژنرال): ۲۲
رهنما، حمید: ۳۳۹
رهنما، زین العابدین: ۱۲۱ - ۱۵۶ - ۱۵۷ -
۳۹۲ -
رهنما، مجید (دکتر): ۳۳۹
ریاضی، (سرلشگر) علی: ۱۶ - ۳۷
ریاضی، (مهندس) عبدالله: ۲۴۲ - ۳۳۴ -
۳۹۴ -
ریاضی اصفهانی: ۳۳۹

۳۸۵ - ۳۷۱ - ۳۷۰ - ۲۲۰ - ۲۱۶ - ۱۹۲ -
 شیبانی، عنایت اللہ: ۱۳۶
 شیخ (دکتر): ۱۵۰
 شیخ اہرار: ۳۹۸
 شیخ الاسلامی (دکتر) جواد: ۱۲۴
 شیخ خزل: ۱۷۲ - ۲۱۸ - ۳۵۹ - ۳۷۰ -
 ۳۹۲ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۶
 شیخ غلامحسین بروجردی: ۲۷۲
 شیخ محمد تقی ہافقی: ۱۷۶
 شیخ مرتضیٰ انصاری: ۲۸۰

ص

صاحب اختیار: ۲۵۰
 صادق، صادق، مستشار الدولہ: ۱۲۷ - ۱۵۶
 صادق خان (رانندہ رضاشاہ): ۷۴ - ۱۴۰
 صارم الدولہ، مسعود میرزا، اکبر: ۱۲۲ - ۱۲۳ -
 ۲۱۷
 صالح، اللہیار: ۱۵۸
 صبوری کاشانی، محمد کاظم: ۳۰۴
 صدر، محسن، صدرا لاشراف: ۴۴ - ۱۶۷ -
 ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۲۳۶
 صدیقیانی، رضا (مهندس): ۳۹۴
 صدیق اعلم (دکتر): ۲۱۰ - ۲۳۲ - ۲۴۱ - ۲۸۲
 صفاری (سرتیپ): ۱۰۴ - ۱۴۸ - ۱۵۰ -
 صفائی، ابراہیم: ۲۳ - ۸۰ - ۲۱۰
 صمصام الملک بیات: ۱۸۰
 صولت الدولہ قشقائی: ۱۲۳ - ۲۰۶

ض

ضرغامی، (سرلشگر): ۷ - ۱۶ - ۳۶ - ۱۶۱
 ضرغامی، سرہنگ عزیز اللہ خان: ۳۷۱
 ضیاء السلطان: ۲۹۸
 ضیاء الواعظین: ۲۷۱
 ضیائی، (دکتر) طاہر: ۱۷۰
 ضیغم الدولہ قشقائی: ۲۹۹

ط

طالقانی، سید محمود (آیت اللہ): ۲۴۳ -
 طاہری راد: ۳۲۶ - ۳۲۷

سرکار آقا (ابراہیمی): ۸۰
 سلطان زادہ: ۳۳۱ - ۳۶۰
 سلیمی، علی اکبر: ۲۹۷
 سمیتقو، اسماعیل خان: ۲۲۱ - ۳۷۰ - ۴۰۷
 سنجابی، کریم (دکتر): ۳۹۴
 سہیلی (سرہنگ): ۲۹۸
 سہیلی، علی: ۹ - ۱۲ - ۲۹ تا ۴۲ - ۴۶
 - ۶۲ - ۱۹۸ - ۲۱۳ - ۲۸۰ - ۳۵۸
 سیاسی (سرتیپ): ۱۳۱
 سیاح، ہمایون: ۷۳
 سیامک (سرہنگ): ۳۳۸
 سیاہ پوش (سرتیپ): ۸۰ - ۹۹
 سید محمد (پیشخدمت رضاشاہ): ۲۳۰
 سیف الدولہ: ۲۱۹
 سیمور، ہالوین: ۵۷

ش

شاخت (دکتر): ۲۰۱
 شادمان، جلال: ۱۶۰
 شاهرخ (فرماندار کرمان): ۸۰
 شاہزادہ افسر: ۱۷۰
 شاہکار، محمد (دکتر): ۳۶۱
 شایستہ: ۴۱۴
 شایگان، سید علی (دکتر): ۲۳۸
 شریف امامی، (مهندس) جعفر: ۲۴۲
 شریف امامی (ہمسر): ۳۹۵
 شوشتری (استوار): ۱۲
 شغانی، (سرلشگر) اسماعیل خان: ۲۰۱ -
 ۲۶۲ - ۳۸۵

شفیع زادہ (سرہنگ دکتر): ۳۸۵
 شفیق، آزادہ: ۲۵۵ - ۲۵۷
 شفیق، احمد: ۲۵۳
 شفیق، اشرف: ۳۹۳
 شفیق، شہریار: ۲۵۵ - ۲۵۷ - ۳۹۴
 شورشیان: ۳۳۸
 شکوہ الملک: ۳۵ - ۱۲۱ - ۱۲۶ - ۱۳۳
 شولنبرک (کنت): ۱۹۳ - ۱۹۶ - ۲۰۰ -
 شہیدی، (دکتر) جعفر: ۲۷۳
 شیبانی، حبیب اللہ (سرلشگر): ۱۰۶ - ۱۲۳

طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۵۵ - ۱۳۷ -
 ۲۱۱ - ۳۱۷ - ۳۹۱ - ۴۰۰ - ۴۲۰ -
 طباطبائی، سید محمد صادق: ۱۵۷
 طبری، احسان: ۳۴۵
 طلوع، محمود رضا: ۳۰۱ - ۳۰۳ -
 طوقانیان (ارتشید): ۳۹۴
 طهماسبی (سرلشگر): ۱۴۰

۳۴۳ - ۳۶۱
 غ
 غلامحسین خان (پیشخدمت ناصرالدین
 شاه): ۳۶۵
 غلامحسین خان میرنچ: ۳۶۶
 غنی، قاسم (دکتر): ۳۹ - ۲۵۴ - ۲۷۳

ف
 فاتح، مصطفی: ۱۰۳ - ۲۸۶ - ۳۴۵
 فاروق (پادشاه مصر): ۲۰۷ - ۲۳۵ -
 ۲۵۲
 فاطمی، (دکتر) حسین: ۶۰
 فتاحی، فتح الدین: ۳۳۵
 فتوحی: ۳۵۱
 فخرائی، ابراهیم: ۳۰۳
 فرخ، مهدی: ۸۱ - ۱۳۲ - ۱۳۴
 فرخ خراسانی، محمود: ۲۱۴
 فرخی یزدی، محمد: ۲۰۶ - ۲۹۶ - ۲۹۹ تا
 ۳۰۳ - ۳۱۷ - ۳۲۳ - ۳۲۶ - ۳۴۳ - ۳۵۹
 فردوست، حسین (ارتشید): ۵۹ - ۶۰ - ۱۵۳
 تا ۱۵۵ - ۱۸۷ - ۱۹۲ - ۲۶۱ - ۳۸۹
 فرزاسی (دکتر): ۳۲۸
 فرزین (ستوان یکم): ۳۸۵
 فرزین (سفیر): ۳۳۶
 فرشچی: ۳۵۹
 فرشچی، محمد اسماعیل: ۳۲۶
 فرود (سرهنک): ۳۸۵
 فروزانفر، (دکتر): ۲۷۳
 فروغی، ابوالحسن: ۱۳۱
 فروغی، محسن (مهندس): ۶۱
 فروغی، محمد علی (ذکاء الملک): ۸ - ۱۱ -
 ۲۶ - ۲۸ - ۴۳ تا ۴۵ - ۵۴ - ۵۷ تا ۶۱
 - ۶۷ تا ۶۹ - ۷۷ - ۹۷ - ۱۰۰ - ۱۰۹ -
 - ۱۲۴ - ۱۲۶ - ۱۳۳ - ۱۹۴ تا ۱۹۶ -
 - ۲۰۴ - ۲۲۳ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۸ -
 ۲۸۰ - ۳۲۸ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۴۲۶
 فروهر، غلامحسین: ۳۳۶
 فرهی، محمود: ۱۶۷

ظ
 ظل السلطان: ۱۲۴
 ظهیرالاسلام: ۳۹ - ۳۲۰ - ۴۰۴
 ع
 عابدینی، (سروان) رضا: ۳۸۵
 عامری، جواد: ۵ - ۲۸ - ۳۱ - ۴۱۳ - ۴۱۵
 عباس بختیار (شش انگشتی): ۳۵۹
 عبدالملکی، قاسم (هنرالدوله): ۱۰۴
 عبده، (دکتر) جلال: ۳۵۹ - ۳۶۲
 عبده، محمد (مفتی مصر): ۲۸۱
 عدالت، سیدحسین خان: ۲۸۱
 عدل، پرویز (دکتر): ۴۰۹
 عرشاهی: ۳۶۰
 عزیز کاشی (خواننده): ۱۷۷
 عزیزی (سرهنک): ۸۰
 عطاپور (سرلشگر) حسین: ۱۲۹ - ۱۲۰ -
 عقیلی پور: ۳۵۹
 علا، حسین: ۵۵ - ۱۲۲ - ۱۲۹ - ۲۳۲
 - ۲۷۸ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۹۲
 علاء الدوله دولو: ۲۸۰
 علم، شوکت الملک: ۳۴ - ۴۵ - ۴۶
 علوی (سرهنک): ۲۳۹
 علوی، بزرگ: ۳۳۷ - ۳۴۱ - ۳۴۵
 علوی، مرتضی: ۳۳۳ - ۳۳۵ - ۳۳۶ -
 ۳۳۹ - ۳۴۰
 علوی طالقانی، نورالدین: ۲۴۳
 علوی مقدم، (سرهنک) محمدولیخان:
 ۳۸۲
 علی پاشا (ارتشید ترکیه): ۲۲۴
 عمیدی نوری، ابوالحسن: ۱۰۰ - ۱۰۱ -

۶۶ - ۱۳۲ - ۲۱۴ - ۲۳۸ - ۳۰۵ -
 ۳۲۴ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۵۸ - ۳۹۲ -
 ۳۹۳ - ۴۰۰
 قوام، علی: ۳۴ - ۲۵۰
 قوام الملک شیرازی: ۳۴ - ۷۸ - ۲۵۰
 قوامی (سرتیپ): ۸۰
 قوچ بیگی، ناصر محمد: ۲۴۴

ک

کارناریس (دریاسالار آلمانی): ۲۰۶
 کازرونی، نماینده مجلس: ۴۰۳
 کازرونی (تاجر اصفهانی): ۷۳ - ۷۴ -
 ۷۷
 کاساکوفسکی: ۳۶۵
 کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۷۸
 کاظم (پیشخدمت رضاشاه): ۱۹۷
 کاظمی، سیدهاقر: ۲۲۴
 کامبخش، عبدالصمد: ۱۳۷ - ۳۳۰ - ۳۳۸
 - ۳۴۰ - ۳۴۵ -
 کامرانی اصلاتی، نصرالله: ۳۳۱ - ۳۳۸ -
 کتابچی، حاج رضا: ۳۲۷
 کدمن (سر) جان: ۵۱
 کریم خان زند: ۱۷۴
 کسروی، احمد: ۲۷۳
 کسمانی (همرمز میرزا کوچک خان): ۲۲۰
 کشاورز صدر، سید محمد علی: ۳۶۰
 کشورپاد (سرگرد): ۱۶۴ - ۱۵۴
 کلیفورده، (سر) بید: ۸۹
 کندی، رئیس جمهور آمریکا: ۲۵۶
 کندی، ژاکلین: ۲۵۶
 کویال (سرلشگر): ۲۲۳ - ۳۸۸
 کودات (کنت): ۱۹۴
 کوهی کرمانی: ۷۴
 کیان، غلامرضا (دکتر): ۳۳۴
 کیانوری، نورالدین (دکتر): ۱۳۶

گ

گریک، (سر) ادوارد: ۲۷
 گلشائیان، عباسقلی: ۱۱ - ۳۰ - ۳۸ - ۱۳۰

فطن الملک (حاج): ۱۵۲
 فن بلوشر، وپرت: ۱۹۲
 فن هینتسه: ۱۹۵
 فولادی (رسدبان): ۳۵۹
 فیتزیاتریک: ۳۹۹
 فیروز، مظفر: ۲۶۰
 فیروز، ناصرالدوله (سرلشگر): ۱۶
 فیروز، نصرت الدوله: ۱۲۴ - ۱۲۷ - ۱۸۱ -
 ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۳۵۹ - ۳۶۶ - ۳۷۷ - ۳۹۲

ق

قاجار، آقا محمدخان: ۱۷۴
 قاجار، احمدشاه: ۱۶ - ۵۶ - ۶۲ - ۶۳ -
 (همسران و فرزندان): ۶۳ و ۶۴ - ۱۰۷ -
 ۱۱۹ - ۱۲۵ - ۱۶۱ - ۱۷۱ - ۲۱۵ -
 ۲۲۵ - ۳۶۹ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۴۰۰ -
 ۴۲۰ - ۴۰۴
 قاجار، حشمت السلطنه: ۶۲ -
 قاجار، حمید میرزا (دیوید دراموند): ۵۷
 - ۶۳ تا ۶۶
 قاجار، فتحعلیشاه: ۱۸۵ - ۱۹۴
 قاجار، کامران میرزا: ۳۷۴
 قاجار، محمد علیشاه: (فرزندان): ۶۳ -
 ۶۴ - ۲۷۷ - ۲۸۰ - ۲۸۳ - ۳۰۵ -
 ۳۱۷
 قاجار، محمد حسن میرزا ۵۶ - ۵۸ - ۶۳ -
 - (فرزندان): ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۲۹۴ - ۳۹۲ -
 ۴۰۰
 قاجار، مظفرالدین شاه: ۶۳ - ۳۰۴ - ۳۶۶
 قاجار، ناصرالدین شاه: ۲۱۵ - ۲۵۰ -
 ۳۰۴ - ۳۶۵ - ۳۶۸ - ۳۷۰
 قاجار، ملکه جهان (مادرا احمدشاه): ۶۳
 قاجار، نصرت السلطنه: ۶۴
 قائم مقام الملک رفیع: ۱۵۴
 قره باغی، عباس (ارتشید): ۳۹۴
 قزوینی، (علامه) ۲۷۳
 قشقانی، خسرو: ۳۹۲
 قشقانی، ناصر: ۳۹۲
 قوام، احمد (قوام السلطنه): ۱۶ - ۶۵ -

مدنی، احمد (دکتر، دریادار): ۳۹۵
 مدنی، سید محمود: ۱۸۱
 مرآت اسفندیاری: ۱۳۲
 مزین الدوله: ۲۱۵
 مزین، (سرلشگر) منصور: ۲۱۴
 مستوفی، عبدالله: ۱۳۲ - ۱۴۰ - ۱۷۷
 مستوفی الممالک، میرزا حسن خان: ۱۲۳ -
 ۱۲۷ - ۱۲۹ - ۱۹۶ - ۲۱۵ - ۲۷۷ - ۴۱۲
 مسعودی، حاجی محمدعلی (پدر): ۳۲۶
 مسعودی، جواد: ۳۲۸
 مسعودی، عباس: ۱۳۸ - ۳۲۴
 مسعودی، فرهاد: ۴۸ - ۳۲۶
 مسعودی، محمدعلی: ۶۱ - ۲۴۴ - ۳۲۷
 مسعودی، میرزا حسن خان: ۳۲۸
 مسنق (دکتر): ۱۳۷
 مشارالدوله: ۲۱۷
 مشارالملک (میرزا حسن خان مشار): ۱۳۲
 مشاورالملک، انصاری، علینقی: ۱۳۳
 مصباح زاده، مصطفی (دکتر): ۳۳۰
 مصدق (مصدق السلطنه)، محمد (دکتر):
 ۶۰ - ۶۵ - ۶۶ - ۹۸ - ۱۰۱ - ۱۰۴ -
 ۱۱۳ - ۱۲۹ - ۲۰۴ - ۲۶۱ - ۲۷۳ -
 ۲۸۰ - ۲۸۵ - ۳۷۱ - ۳۸۳ - ۳۹۲ -
 ۳۹۳-۴۱۹
 معاصر، (دکتر) یحیی: ۶۲
 معزی، خلیبان: ۳۹۴
 معین، (دکتر) محمد: ۲۷۳
 معین التجار بوشهری: ۲۱۹
 معین السادات: ۲۱۱
 معینیان، نصرت الله: ۳۲۱
 مفتاح، عبدالحسین: ۵۹ - ۶۰ - ۱۷۵
 مفخرالملک: ۲۱۷
 مقدادی: ۳۶۰
 مقدم مراغه ای (سرلشگر): ۲۲۱ - ۲۲۲
 مکی، حسین: ۱۰۸ - ۱۳۵ - ۲۹۱ -
 ۳۰۰ - ۳۶۰
 ملک، حاج حسین آقا: ۶۳
 ملکپور (همسر بعدی ملکه توران): ۲۴۶
 ملکزاده (سرهنک): ۲۲۱

- ۲۱۰ - ۳۵۹
 کله داری، شیخ عبدالله: ۱۰۳
 گیکو (سرهنک ارمنی): ۳۷۵
 ل
 لاهوتی، شاعر: ۳۹۱
 لرن، (سر) پرسی: ۳۹۷
 لسانی، ابوالفضل: ۲۷۹ - ۲۹۰
 لطفی، عبدالعلی: ۲۱۱
 لطیفی، مجدالسلطان: ۱۰۵
 لقمان الدوله (دکتر): ۳۱۵
 لمبتون، (میس): ۵۳ - ۱۱۰ - ۳۴۵
 لنین: ۳۰۳
 لیقوانی (نماینده مجلس): ۹۹
 م
 مافی، میرزا هاشم خان: ۲۷۱
 مافی، نظام السلطنه: ۳۹۱
 ماهر، علی: ۲۰۷
 متین دفتری، احمد (دکتر): ۱۳۰ - ۱۸۱ -
 ۱۸۲ - ۲۹۱ - ۳۷۱
 مجاب، (سرهنک) سید عبدالله: ۲۱۸
 مجلل الدوله دولتشاهی: ۳۹ - ۲۱۶ -
 ۲۴۶
 مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۳۹۴
 محاسب الدوله: ۲۱۷
 محرمعلیخان: ۳۳۷
 محسنی، امامقلی: ۴۰۷
 محلاتی، آقاخان: ۲۵۹
 مخبرالدوله: ۲۹۸
 مختاری (سرباس): ۱۱ - ۱۲۶ - ۱۵۷ -
 ۱۵۸ - ۱۷۹ - ۱۸۱ - ۳۱۴ - ۳۲۰ -
 ۳۳۷ - ۳۴۰ - ۳۵۴ - ۳۵۸ - ۳۶۸ - ۳۹۳
 مختاری، حبیب الله: ۱۷۳
 مدحت، (سرلشگر) جلایر: ۱۷۳
 مدرس، سیدحسن (آیت الله): ۱۰۸ - ۱۲۶ -
 ۱۸۱ - ۲۹۶ - ۳۱۸ - ۳۵۸ -
 ۳۶۲ - ۳۹۲ - ۴۰۰ - ۴۰۲

مینوی، مجتبی (دکتر): ۲۷۳

ملك فيصل: ۱۹۷

ملك مرزبان، لطفعلیخان سالار: ۱۰۲

ملك مدنی، هاشم: ۲۱۸

ملکی، احمد: ۱۰۰ - ۳۲۶

ملکی، خلیل: ۳۴۲ - ۳۴۴

ملکی، مهدی (دکتر): ۳۶۱ - ۳۶۲

ملکه فریده (همسر ملك فاروق): ۲۵۲ - ۲۵۳

ملکه نازلی: ۲۰۸

ممتاز الدوله: ۲۱۰

منزوی، (دکتر) علینقی: ۳۲۲

منصور، رجبعلی (منصور الملك): ۲۳-۲۶-۸

۴۵ - ۵۴ - ۷۵ - ۱۳۱ - ۱۸۲

موسوی، ابوالقاسم: ۱۳۷

موسوی زاده یزدی، علی اکبر: ۳۶۲

موقر، مجید: ۱۵۶

مولوتف: ۵۱

مولوی (سرگرد): ۸۰

مومنی، بهرام: ۲۶۵

موید احمدی: ۹۸ - ۱۰۸

مهتدی (دکتر): ۳۲۲

مهتدی سرخی (سرکرده شورشیان جنوب): ۲۰۵

مهران، محمد: ۲۲۰

مهندس المالك: ۵۶

میر (دکتر): ۱۵۹

میر پنج محمد ابراهیم خان: ۳۶۶

میر پنجه، غلامرضا: ۳۷۷

میر جهانگیری (تیمسار): ۱۶۱

میرزا اسماعیل خان (طبيب احمد شاه): ۶۳

میرزا کریم خان رشتی: ۱۵۷

میرزا کوچک خان جنگلی: ۲۲۰ - ۳۶۳

۳۷۷ - ۳۷۰

میرزاده عشقی: ۲۰۶ - ۲۹۴

میرفندرسکی، احمد: ۵۰

میری، جمال: ۳۳۹

میکنده، عبدالحسین: ۳۲۹

مینا، پرویز (دکتر): ۴۱۷

مینا، حشمت: ۴۱۶

مینا، عزیزالله: ۴۱۶

مین پاشیان، (ارتشبد) فتح الله: ۴۲۲

ن

نادر شاه افشار: ۱۷۴

نایب محمد شیرازی: ۱۴۷

نیل الدوله کاشانی: ۱۳۳

نجم آبادی، عبدالحسین: ۱۰۵

نخجوان، (سرلشگر) احمد: ۱۰-۱۵-۳۷-۳۸۷

نخجوان (سپهبد) محمد (امیر موثق): ۱۵ -

۳۸ - ۳۸ - ۱۴۸ - ۱۵۰ - ۲۲۰ - ۳۷۰

ندامانی، ناصر: ۱۵۷

نراقی، عباس: ۳۴۵

نراقی، (حاج) محمد: ۳۷۱

نراقی، میرزا ابوالقاسم: ۳۳۹

نرمان (وزیر مختار انگلیس): ۴۲۰

نزیه، حسن: ۳۹۵

نصر الملك هدایت: ۵۵ -

نفیسی، سعید (دکتر): ۲۳۴ - ۲۷۳

نقدی (سرلشگر، سردار رفعت): ۱۴ - ۱۳۴

۱۶۳ - ۱۷۲

نقدی، (سرهنگ) غلامحسین: ۳۷۱

نواب، حسینقلی: ۲۸۵

نواب رضوی: ۲۴۳

نواب صفوی، مجتبی: ۲۴۳

نوائی، محمود: ۳۳۹

نوشین، عبدالحسین: ۳۳۵ - ۳۳۹

نهادندی، هوشنگ (دکتر): ۳۹۴

نیرومند (سرهنگ): ۳۴۰ - ۳۵۸

نیک انجام، باقر: ۳۲۸

نیک پی، منوچهر: ۱۴

نیکسون، هارولد: ۵۷ - ۵۸

و

واعظ قزوینی: ۳۰۶

والیس (کپیتان): ۳۹۹

وثوق، حسن (وثوق الدوله): ۳۰ - ۷۹ -

۱۲۴ - ۲۲۴ - ۲۹۵ - ۲۹۹ - ۳۱۷ -

۴۰۰

وثیق (خلبان): ۱۲

دورهام (سپهبد) کریم: ۱۶۰ - ۳۸۴
وستداهل (افسر سوئدی): ۲۱۲
وقار (سرهنگ): ۳۵۸
ولیان، عبدالعظیم (دکتر): ۳۹۴
ویلیه، ژراردو: ۲۶۱
ویلسن، (سر) آرنولد: ۵۳

ی
یاور روح الله خان (آجودان رضاشاه): ۲۱۱
یدالله خان (اسلحه دار رضاشاه): ۲۱۹
یغماتی، حبیب: ۲۷۳
یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۱۶ -
۲۳۶ - ۳۶۹ - ۳۷۶ - ۳۸۲ - ۳۸۳ -
۳۸۷ - ۳۸۹
یزدی، (دکتر) مرتضی: ۲۳۹ - ۳۴۵

ه
هاروی (منشی ایدن): ۵۶ - ۵۸
هازه (سرهنگ آلمانی): ۲۰۰
هاشمی حائری، سیدعلی: ۳۲۷
هاوارد (انگلیسی): ۱۰۷ - ۳۲۰ - ۳۷۶
هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۴۱ - ۳۷۶
مخبرالسلطنه هدایت ۱۱۹ - ۱۲۴ - ۱۲۹ -
۱۹۵ - ۱۹۶ - ۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۱۷ - ۲۴۹
هرتسفلد (پروفسور): ۱۹۸
هرسینی، محمد خان: ۲۹۸
هرندی، حاج ابوالقاسم: ۷۸ - ۸۰
هلمز، ریچارد: ۱۸۸
همایون، داریوش: ۳۹۴
همایون (سروان) نبی الله: ۳۸۵ -
همایونفر، (دکتر) عزت الله: ۱۵۹ - ۱۶۰
همایونی، فضل الله (سرلشکر): ۲۶۲ - ۳۸۴
هماتی (استاد): ۲۷۳
همدانی، سید ابوالقاسم: ۲۹۴
هویدا، امیرعباس: ۲۴۲ - ۳۳۹
هیتلر، آدولف: : ۲۰ - ۵۰ - ۵۱ - ۷۵ -
۱۹۸ - ۲۰۱ - ۲۸۹
هیکل، حسنین: ۲۰۷ - ۲۳۵
هیگ (کلنل انگلیسی): ۲۵۸

یادآوری:

درصفحات نخستین و آخر کتاب عکس بعضی از مقامات با ذکر اسامی به چاب رسیده که در فهرست به آن اشاره نشده است.

فهرست اسامی جلد سوم

آ

- ۱۱۴-۱۵۵-۱۱۶-۱۱۹-۳۶۴
 آوانسیان، آرداشس: ۲۷۶
 آهی، مجید: ۳۸۳
 آیت الله زاده اصفهانی (دکتر): ۳۵۶-۳۵۷
 آیت الله زاده خراسانی: ۴۲۹
 آیرم، محمدحسین (سرلشگر): ۷۸-۷۹-۳۱۶
 آیرن ساید (ژنرال): ۲۶۷
 آیزنهاور: ۱۲۴-۴۸۵
- آباهی، مظفر: ۲۰
 آبتین، علی: ۴۰۷
 آتاتورک، مصطفی کمال: ۶۷
 آجودانباشی: ۲۹۹
 آخوند، محمد: ۳۲۱
 آدمیت، فریدون (دکتر): ۲۵-۲۹۹
 آذر، مهدی (دکتر): ۱۲۱-۱۲۹
 آذری قمی: ۲۱۴
 آرام، عباس: ۹۶
 آریا، عباس: ۱۲۱
 آزاد، افراسیاب: ۶۰
 آزاد، عبدالقدیر: ۲۷۰-۲۸۶-۲۸۸-۳۶۳-۳۶۵
 آشتیانی، جواد (دکتر): ۴۲۵-۴۴۴
 آشتیانی، میرزا ابراهیم: ۳۲۰
 آشتیانی، میرزا مصطفی: ۲۲۰-۲۲۱
 آشتیانی، هاشم: ۴۲۷
 آشتیانی زاده، رضا: ۲۷۰-۲۹۱
 آصف، فرج الله: ۴۲۹
 آصف الدوله: ۲۳۱-۲۶۲
 آصفی، غلامرضا (مهندس): ۴۸۷
 آقا بالاجان سردار: ۱۸۰
 آقا جان (قاتل پسر شیخ فضل الله): ۲۲۶
 آقا جان، آخوند: ۴۲۸
 آقاچایچی، میرزا علی: ۴۲۹
 آقاخان، محلاتی: ۳۹
 آقا زاده، علی اکبر: ۴۲۸
 آقایان: ۴۲۷-۴۲۸
 آلارتان (روسی): ۲۹۷
 آلب ارسلان: ۱۳
 آملی، ملامحمد علی: ۲۱۶
 آموزگار، جمشید (دکتر): ص-۲-۵-۹-۱۰

الف

- ابتهاج، ابوالحسن: ۹۱-۹۶
 ابتهاج، غلامحسین: ۲۷۴
 ابراهیمی، آقا بزرگ: ۴۴۳
 ابراهیمی، یدالله: ۳۷۱
 ابریشکار، محمد: ۴۲۸
 ابوالفتح زاده: ۲۲۱
 اتابک، علی اصغر، امین السلطان: ۱-۳-۲۰ تا ۲۶-۷۶
 احتشام السلطنه، علامیر: ۲۴۲۳-۱۴۸-
 ۱۴۹-۱۶۰-۱۶۶-۱۶۷-۲۹۳-۲۹۴-
 ۲۹۹ تا ۳۰۵-۳۰۳-۵۰۴
 احتشام زاده: ۴۲۷
 احرار، احمد: ۵۰۰
 احمدراد، سلطان: ۴۲۷
 احمدی، اشرف: ۴۰۲-۴۰۴
 احمدی، پزیشک: ۲۶۷
 احیاء السلطنه (دکتر): ۳۴۴
 اخباری، عباس: ۳۶۴
 اخترا الدوله: ۱۶۳
 اخوان، احمد: ۴۴۴
 اخوی، جمال: ۱۲۶
 ادیب التجار: ۲۳۴

ادیب السلطنه، محمد: ۴۳۰

ادیب السلطنه، سمیعی: ۷۹

ادیب، پرومند: پ- ۱۲۷

اراکی، علی: ۳۵۷

ارباب جمشید: ۲۲۸

ارجمند، سیدمحمدخان: ۴۲۹

اردبیلی، محمدعلی خان وکیل: ۴۲۸

اردلان، حاج عزالمالک: ۴۰-۴۰.۴-۴۴۴

اردلان، عباسقلی (دکتر): ۳۶۳

اردلان، علیقلی (دکتر): ۴۷۸

اردلان، ناصرقلی: ۲۷۰-۳۶۵

ارسنجانی، حسن (دکتر): ۳۴۵-۳۷۱

ارشدالدوله: ۱۷۵-۲۰۸-۲۱۹-۲۳۱-۳۰۳

ارفع، حسن (سرلشکر): ۲۶۴-۵۲۰

ارفع، حمیدعلی (مهندس): ۳۸۱-۴۸۷

ارفع (سرهنگ): ۵۱۹-۵۲۰

ارفع، مرضیه: ۲۱۴

ارفع الدوله، رضاخان: ۷۶

اریه، مراد: ۳۷۱

ازهارى، غلامرضا (ارتشبد): ج-۲-۵-۱۴-

۱۱۱-۱۲۸-۴۰۸-۴۴۷

اژدری، محمدحسین: ۷۳

استالین، ژوزف: ج-۷۷-۹۰-۴۲۵

استانبولی، جعفرقلیخان: ۲۲۲

استرآبادی: ۴۲۸

اسدی، محمدولی: ۴۲۷

اسدآبادی، سیدجمال الدین: ۱۶۸

اسفندیاری، حسن (محتشم السلطنه): ۱۲-

۵۴-۶۰-۶۵-۱۵۶-۱۵۷-۲۵۲-۲۵۶-

۲۹۳-۳۱۵-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۵۲-۲

۳۶-۴۱۵-۵۲۳

اسفندیاری، حسینعلی (دکتر): ۴۰۳-۴۱۰-

۴۱۵-۴۱۶-۵۲۲

اسفندیاری، عباسقلی (سرتیپ): ۵۲۲

اسفندیاری، محمدهادی (سپهبد): ۵۲۴

اسکندانی، آقاگل: ۵۱

اسکندانی، حاج حسین: ۵۱

اسکندری، امیرنصرت: ۳۲۰

اسکندری، ایرج: ۱۰۰-۱۸۱-۱۸۲-۲۷۲-

۲۷۴

اسکندری، سیف الله خان: ۴۲۸

اسکندری، عباس: ۲۶۶-۲۷۰-۲۹۲-۳۲۳-

۳۶۳-

اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۸۱-

۱۸۲-۳۴۸-۳۶۱-۳۶۹-۴۲۷-۴۳۱-

۴۳۶

اسکندری، یحیی میرزا: ۱۰۰-۱۸۱

اسلامبولچی: ۴۲۹

اسلامی، عباس: ۲۸۶-۲۸۸-۳۶۵

اسلامیه، ابوطالب: ۴۲۸

اسماعیل زاده: ۴۲۹

اسمایس (کلنل): ۲۶۷

اشراقی، حبیب: ۴۴۴

اشراقی، دامادخمینی: ۳۴۲

اصفهانى، حاج آقانورالله (آیت الله): ۱۵۴

اصفهانى، سیدابوالحسن (آیت الله): ۱۵۴-۱۵۵

اصفهانى، میرزا ابوطالب، معتمد الشریعه: ۱۰۳

اصفیا، میرزا سلیم خان: ۱۵۲

اعتبار، احمد: ۲۶۴-۴۲۷

اعتبار السلطنه: ۳۷۱

اعتصام زاده: ۳۷۰

اعتصامی، پروین: ج

اعتضاد لشکر: ۷۵

اعتلاء الملك: ۲۲۲

اعتماد، میرزا حسن: ۴۲۹

اعتماد السلطنه: ۱۶۳-۱۶۴

- اعتماد قاجار: ۹۷
- اعتمادی، محمدحسین (دکتر): ۴۹۵
- اعظمی، سلیمان: ۴۳۰
- اعظمی، علی خان: ۴۳۰
- اعظمی، فضل الله: ۴۲۹
- اعظمی، یحیی: ۴۲۸
- اعلم، جمشید، (پرفسور): ۳۹۷-۴۰۲-۴۰۳
- ۴۱۰ تا ۴۲۱-۴۴۴
- اعلم، محمود: ۴۱۱
- اعلم الملك (دکتر): ۱۰۴
- افتخار الواعظین: ۲۳۴
- افجه ای: سیدجمال: ۱۷۵
- افخمی، ابراهیم: ۴۴۳
- افخمی، خانواده: ۲۵۶
- افخمی، سلطانعلی خان: ۱-۱۲
- افسر، محمد هاشم: ۴۲۷
- افشار، اصلان (دکتر): ۸۹
- افشار، ایرج: ۱۲۱-۱۲۸-۴۳۷
- افشار، رضا: ۷۸-۳۷۱-۴۲۷
- افشار طوس، محمود (سرلشکر): ۳۴۶-۳۷۲
- افلاطون، ارباب: ۴۲۸
- اقبال، خسرو: ۴۶۸
- اقبال، عباس: ۱۸۲
- اقبال، عبدالوهاب: ۴۴۴
- اقبال، منوچهر (دکتر): ۲-۴-۱۵-۷۱-۱۱۴
- ۱۳۴-۱۳۶-۲۴۲-۲۵۶-۲۷۸-۲۸۱ تا
- ۲۸۵-۲۹۱-۳۴۶-۴۰۴-۴۳۹-۴۴۱-
- ۴۸۴
- اکبر، حسن: ۳-۴۰۳-۴۰۴
- اکبر، فتح الله (سپهبدار رشتی): ۱-۳۸-۳۹-
- ۲۵۶
- الطافی: ۴۱۶
- الکساندرخان: ۴۳۰
- الموتی، مصطفی: د - ذ - ز - ۴۲ - ۲۴۹ -
- ۲۹۳ - ۳۲۹ - ۳۴۰ - ۴۷۵ - ۴۸۹
- امامزاده، میرزا سید محمد: ۹-۱۹۸-۲۲۲
- امامی، امام جمعه خوئی، (آیت الله): ۱۵۴-۱۸۰
- ۱۶-۱۷۶-۱۸۰-۲۶۲-۳۵۵
- امامی، سیدحسن، امام جمعه تهران (دکتر):
- ۲۹۳-۳۲۷ تا ۳۳۰-۳۵۵-۳۵۶-۴۰۵-
- ۴۴۴
- امامی، جمال: ۸۹-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۴-۲۷۳
- ۲۸۹ تا ۲۹۹-۳۵۶
- امامی، جواد: ۳۷۰-۳۸۰-۴۲۷-
- امامی، نظام: ۴۶۸
- امامی، نورالدین: ۱۶۸-۲۸۴-۳۶۵-۴۴۴
- امیر احتشامی: ۴۴۴
- امیر احمدی، احمد آقا: (سپهبد): ۲۶۵-۳۸۰
- امیر اسعد، خلعت پری: ۷۵
- امیر بهادر: ۴۹-۱۰۱-۱۴۸-۱۴۹-۱۷۴-
- ۱۷۵-۱۷۷-۲۰۵-۲۰۸-۲۱۹-۴۸۳
- امیر تومان: ۱۷۹
- امیر خیزی: ۱۶۹
- امیر دیوان: ۱۶۴
- امیر علائی، شمس الدین (دکتر): ۱۲۹-۲۵۲
- امیر کل: ۳۶۸
- امیر کبیر، میرزا تقی خان: ۳-۵-۲۹۵
- امیر کلال، محمد ابراهیم: ۴۲۹
- امیر مکرم: ۱۸۵
- امین اصفهانی، میرزا حبیب: ۳۷۰-۴۲۷
- امین، حاج میرزا ابوالقاسم: ۴۳۰
- امین التجار: ۴۲۷
- امین الدوله، محسن: ۵۰۹
- امین الدوله، میرزا علی اصفرخان: ۱۲-۲۰-
- ۵۰۸-۹۶

بارون استوك، مصباح السلطان: ۲۰۸
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۱۵-۱۱۱-۱۱۲
 ۱۳۵-۳۴۲-۳۹۸-۴۲۰
 بازيل (چاپخانه دار): ۲۹۷
 باستانی پاریزی (دکتر): ۲۲۴
 باقرخان (سالار ملی): ۵۱-۵۳-۱۶۰-۱۸۴
 ۱۹۰-۲۲۸-۳۴۵-۳۴۸
 باقری: ۴۱۶
 بالاخانلو، نصرت الله: ۲۹۹
 بامداد، مهدی: ۳۹-۶۴-۷۲-۷۵-۷۶-۸۲
 ۳۰۷-۳۵۲-۵۰۹
 بانگی: ۲۴۸
 بحرینی، سید: ۱۵۲-۵۰۴
 بخارائی، محمد: ۳۴۷
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۳۰
 بختیار، شاپور (دکتر): ج-۲-۴-۵-۱۱-۱۵
 ۱۰۷-۱۹۹-۱۳۱-۲۴۳-۲۴۷-۳۳۸
 ۳۴۷-۴۴۷-۴۷۸
 بختیاری، امیر جنگ: ۳۷۰
 بختیاری، امیر حسین خان، ایلخان: ۲۸۲-۳۶۲
 ۳۷۰-۴۴۴
 بختیاری، غلامحسین: ۴۲۷-۴۲۸
 بختیاری، نجفقلی خان، مصمصام السلطنه: ۱-۸
 ۹-۱۵
 برال، موسی: ۴۴۴
 براون، ادوارد: ۲۰۹
 برخوردار، سرهنگ: ۲۷۶-۳۴۵
 برژنف: ۴۸۵
 برقی: ۴۴۴
 بروجردی، حاج علی اکبر: ۲۱۶-۳۵۶-۴۴۱
 بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۴۴۰-۴۴۱
 بروجردی، میرزا حسن: ۸۳

امین الضرب: ۱۶۰-۲۹۳-۴۲۷-۵۰۶
 امینی، ابوالقاسم: ۲۶۶
 امینی، علی (دکتر): ۲-۵-۱۲-۱۶-۱۱۴
 ۱۲۰-۱۳۱-۱۴۵-۲۴۳-۲۵۴-۳۴۷
 ۳۸۵-۴۰۴-۴۴۴-۴۴۷-۵۰۸
 امینه اقدس: ۱۶۲
 انجری، ابوالحسن (آیت الله): ۱۵۴
 انتظام، عبدالله: ۱۱۰-۱۱۸-۱۳۱ تا ۱۳۹
 انتظام، نصرالله: ۹۶
 انشائی، میرزا محمد: ۴۲۸
 انوار، سید یعقوب: ۵۱-۱۰۰-۳۶۲-۳۶۹
 ۴۲۷-۴۳۱-۴۳۴
 انور سادات: ۲۲۴
 انیس الدوله (عمیدی نوری): ۵۵
 انیس الدوله (همسر ناصرالدین شاه): ۱۶۳
 اورنگ، شیخ الملك: ۱۲۷
 اهری، احمد آقا: ۴۲۸
 اهری، قاسم (دکتر): ۳۷۱
 ایادی، عبدالکریم (سپهبد، دکتر): ۱۰۸
 ایپکچیان: ۳۲۱
 ایدن: ۷۹-۸۱-۲۷۳
 ایرالون (روسی): ۲۹۵
 ایزدی، سلیم: ۵۱۴
 ایلخانی، حسینقلی: ۲۰۹-۳۷۰
 ایوان، ایوانف: ۲۹۵-۲۹۷
 ایلیف: ۹۱

ب

باتمانقلیچ، مهدی: ۲۶۸-۲۷۵-۲۷۶-۱۸۱
 بادامچی: ۴۲۹
 بارانفسکی: ۲۹۸
 بارکلی: ۲۰۴

- ۴۲۷
 بهزاد، حسین: ۴۱۶
 بهزادی، عیسی: ۴۴۴
 بیات، عزت الله: ۳۲۱-۴۲۷
 بیات، مرتضی قلی خان، سهام السلطان: ۲-۱۵
 -۲۷۳-۳۶۳-۴۰۴-۴۲۷-۴۳۰-۴۴۳
 بیان الملك: ۳۴۸
 بیسمارك: ۷۶
 بینا، علی اکبر (دکتر): ۴۰۳-۴۰۴-۴۴۴
- ب**
 پارسا، فرخ دین: ۲۲۵
 پاکروان، حسن (سرلشکر): ۱۲۸
 پالیزبان (سپهبد): ۴۰۳-۴۰۵
 پالیزی، هدایت الله: ۴۲۷-۴۴۳
 پاینده، ابوالقاسم: ۴۴۴
 پتن، مارشال: ۲۶۶
 پرویزی، رسول: ۴۰۳
 پزشکپور، محسن: ۳۶۴
 پلوپز، حاج علی اکبر: ۲۳۱
 پناه، ایزدی، حسین: ۴۴۳
 پناهی، حبیب: ۳۲۱-۳۶۵
 پورداد، ابراهیم-خ: ۴۸۶-۴۹۶
 پهلوان، رضا: ۵۹
 پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۴۱۴-۴۴۸-۵۱۰
 -۵۱۱-۵۱۲
 پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۴۶۱-۵۱۱
 ۵۱۲
 پهلوی، رضاشاه (سردار سپه) ومحمد رضاشاه: در
 اکثر صفحات
 پهلوی، شمس (شاهدخت): ۳۹۲-۵۱۰ تا ۵۱۲
 پهلوی، عبدالرضا (شاهپور): ۸۷-۸۸۴
 پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۸۸۴
- بزرگ امید: ۵۶-۲۹۵
 بزرگ نیا، میرزا علی: ۴۲۹-۴۴۴
 برزین، تقی: ۲۶۷-۲۶۸
 بصیرالدوله، هروی: ۹۷
 بقاشی کرمانی، مظفر (دکتر): از ۲۷۰ تا ۳۷۲
 بنکدار، محمد تقی: ۴۲۸
 بلوچ، حیدر قلی: ۴۲۹
 بلوچ، علی خان: ۴۲۹
 بنی احمد، احمد: ۳۶۴
 بوذرجمهری، کریم آقا (سرلشکر): ۵۱۱
 بوذری، محمد علی: ۴۹۵
 بوشهری، امیر همایون: ۳۸۴-۴۲۷
 بوشهری، باقر: ۴۰۳
 بوشهری، رضا: ۴۰۲
 بوشهری، معین التجار: ۶۰-۱۶۰-۳۸۴
 بولارد (سر) ریدر: ۹۰-۵۲۱
 بهادری، احمد: ۳۲۱-۴۰۳-۴۰۴
 بهار، محمد تقی، ملك الشعراء: ۸-۳۴۴-۳۶۲
 بهار مست، (سرلشکر): ۳۴۶
 بهاء الواعظین: ۱۷۶
 بهبهانی، آقا جعفر: ۳۵۶
 بهبهانی، آقا سید محمد (آیه الله): ۲۰۶-۳۵۱
 -۴۲۵-۴۳۰
 بهبهانی، سید حسین: ۴۲۹
 بهبهانی، سید عبدالله (آیه الله): ۱۵-۲۱-۲۲-
 ۳۶-۱۴۳-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۳-۱۶۰
 -۱۷۰-۱۷۵-۱۸۰-۱۹۸-۲۱۲-۲۱۶-
 ۲۲۴-۲۲۸-۲۵۰-۲۶۳-۳۰۳-۳۰۴
 ۵۰۶
 بهبهانی، میر سید علی: ۳۵۶-۳۶۵-۴۴۴
 بهرامی، حسین خان: ۴۲۸
 بهرامی، عبدالله: ۱۷۷-۲۲۶
 بهرامی، فرج الله، دبیر اعظم: ۲۶۵-۳۱۳-

پهلوی، غلامرضا (شاهپور): ۳۴۴-۴۸۴

پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۹۷

پهلوی، فرح (شهبانو): ۱۴۲-۲۴۵-۲۴۷-
۴۷۳ تا ۴۷۹

پهلوی، فوزیه: ۷۲-۳۷۵-۳۷۶-۵۱۲

پهلوی نیا، شهرام: ۵۱۲

پیراسته، سیدمهدی (دکتر): ۴۴۴

پیرزاده، خانواده: ۳۱۱

پیرناتین (جد پیرنیاها): ۳۳۱

پیرنیا، حسن، مشیرالدوله: ۱-۷-۱۱-۱۵

۳۳-۳۴-۶۶-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۶-۱۵۷

۳۰۹-۳۲۵-۳۶۹

پیرنیا، حسین، مؤمن الملك: ۱۰-۲۸-۳۰-۳۳

۳۴-۵۳-۶۳-۶۵-۱۰۱-۱۵۶-۱۵۷

۲۴۰-۲۵۱-۲۹۳-۲۹۹-۳۰۸ تا ۳۱۲

۳۲۲-۳۴۴-۳۴۶-۳۶۲-۴۳۶

پیرنیا، داود: ۳۳

پیرنیا، میرزا نصرالله (مشیرالدوله نائینی): ۱-

۱۱-۱۲-۳۴-۱۴۹-۱۵۷-۳۰۸

پیشه وری، جعفر: ۱۲۲-۱۴۴-۳۴۵-۳۷۱

ت

تاج بخش: ۳۹۶

تاجر، سیدمحمد: ۱۹۸

تهریزی، حسین بیگ: ۱۷۸

تهریزی، صمدصراف (پدر بزرگ ممتازالدوله):

۳۰۷

تهریزی، قهرمان خان نیرالسلطان: ۱۸۱

تهریزی، محمدخان (پدر بزرگ علاء): ۹۶

تهریزی، میرزا جواد (پدر مستشارالدوله): ۴۳۷

تهریزی، میرزا غلامعلی (پدر سهیلی): ۸۲

تجدد، رضا: ۴۲۷

تجدد، مصطفی: ۴۰۳-۴۸۹

تجدیدی (مینیا توربست): ۴۱۶

تدین، سیدمحمد: ۲۹۳-۳۰۹-۳۱۲-۳۱۳

۴۰۵-۴۲۷-۴۳۱-۴۳۶

تریتی، عماد: ۴۰۲

تریت، محمدعلیخان: ۵۱-۱۶۰

تریت، هاجر: ۴۰۲

ترقی، لطف الله: ۴۴۴

تزار: ۵۰

تفضلی، صادق: ۴۴۴

تقوی، حاج سید نصرالله: ۱۶۰-۱۹۸

تقی زاده، سیدحسن: ۲۲-۲۳-۵۹-۶۶-۷۸

۸۰-۹۰-۱۰۹-۱۷۷-۲۳۱-۲۴۸

۲۵۱-۲۶۲-۲۶۶-۳۰۶-۳۴۵-۳۸۰

۳۸۸-۳۸۹-۳۹۱-۴۲۳-۴۳۶-۴۴۴

۵۰۶-۵۱۵-۵۱۷ تا ۵۱۹

تقیل موریس، پیتر: ۴۹۶

تنکا بنی، حاج سید حسین: ۴۷۵

تولیت، ابو الفضل: ۴۴۴

تهرانچی، محمد رضا: ۲۶۴-۲۶۵-۳۲۱

۳۸۸

تهرانی، سید جلال: ۴۷۸-۴۸۴

تهرانی، شیخ علی: ۳۵۸-۴۲۸

تهرانی، محمد: ۴۳۰

تیمورتاش، عبدالحسین، سردار معظم خراسانی:

۳۱-۳۲-۶۶-۷۱-۷۸-۲۴۰-۳۱۳

۳۲۵-۳۴۵-۳۶۲-۳۷۱۳۷۰-۴۲۷

۴۳۱-۴۳۳-۵۱۵-۵۱۷

تیمورتاش، منوچهر: ۲۸۸-۳۲۱

ث

ثابت الموتی، محمد علی: ۴۲۷

ثابت، حبیب: ۹۷

تفة الاسلامی: ۳۶۵

تقنی، اعلم الدوله (دکتر): ۲۰۸

چرچیل، جورج: ۲۶

چرچیل وزیر مختار انگلیس: ۴۸۲-۴۸۳

چرچیل، وینستون: ۷۷

چوبین، عبدالحسین (دکتر): ۴۶۸

چوئن لای: ۴۹۷

ج

جبار، علی اصغر: ۴۲۹

جعفر آقا شکاک: ۶۳ -

جعفر قلیخان: ۲۱۰

جعفری، رضا: ۳۲۳-۴۰۳

جعفری، روح الله: ۴۸۸

جلالی (دکتر): ۳۶۵

جلالی نائینی، محمد رضا: ۴۰۳-۴۱۷

جلوه، میرزا ابوالحسن: ۱۶۷

جلیلونند، علی اکبر: ۴۰۳-۴۱۷-۴۷۲

جلیلی، سید کاظم: ۳۸۰-۴۰۳-۴۴۵

جلیلی، محمود: ۴۰۴-۴۰۸

جمال الدین، واعظ اصفهانی (پدر جمال زاده):

۱۶۰-۱۷۸-۹

جم، فریدون (ارتشید): ۵۱۰-۵۱۳

جم، محمود، مدیر الملک: ۲-۱۴ تا ۱۶ تا ۷۱ تا ۷۳

۷۵-۲۵۱-۲۶۷-۲۶۸-۴۰۴

جمال زاده، سید محمد علی: ذ-ر-ز-س -

ش-۱۷۸-۱۷۹

جناب، میرزا محمد: (پدر جناب زاده ها): ۱۶۶

جهانبانی، امان الله میرزا (سپهبد): ۲۳۷-

۳۸۰-۴۰۲-۴۰۳

جهانبانی، سردار (پدر امان الله میرزا): ۲۳۷

جهانگیر خان: ۱۸۰

جهانبانی، منصور (سر لشکر): ۴۰۳

جهانبانی، شوکت ملک: ۴۸۸-۴۸۹

جهانشاه، صالح (دکتر): ۴۹۵

جی رستم مدی، هرمز: ۱۶۸

چ

حسینی، میرزا ابوالقاسم خان: ۱۰۳

حسینی، سید اشرف: ۲۲۶

حسین زاده تبریزی: ۴۲۹

حسین زاده پهلوی، جبار: ۴۲۸

حسام الدین: ۳۲۴

حسام السلطنه: ۶۳

حسابی، میر محمد حسین خان: ۴۲۸

۴۲۲

حسابی، محمود (دکتر): ۱۰۲-۴۲۰-۴۲۱-

حریری، رضا: ۴۳۰

حرمت الدوله: ۳۵۹

حجت کاشانی (سپهبد): ۴۱۸

حجت کاشانی، بهمن: ۴۱۷-۴۱۸

حجازی، محمد، مطیع الدوله: ۴۷۲

حجازی، عبدالحسین: (ارتشید): ۳۴۵

حجازی، محسن (دکتر): ۴۰۳

۳۶۲-۳۶۴-۳۶۵-۳۸۸-۴۲۷

حاتری زاده، سید ابوالحسن: ۲۷۰-۲۷۲ تا ۲۹۲

حاتری، مرتضی: ۴۴۰

۴۴۴

حاذقی، ابوالفضل: ۲۶۸-۲۷۵ تا ۲۸۲ تا ۳۶۵

حاج سید جوادی، حاج آقا ضیاء: ۳۵۰-۳۵۶

۱۸۶-۴۸۳

حاجب الدوله، ۱۰۰-۱۰۱-۱۴۹-۱۷۶-۱۸۰-

حاج میرزا ابراهیم: ۱۷۶-۲۸۰

حاج آقا محسن: ۲۳۱

ح

- حشمت الدوله: ۱۸۰-۳۷۰
حشمت الملك: ۲۳۱
حشمتی، حیدرقلی: ۴۲۸-۴۴۴
حشمتناس، جهانگیر (مهندس): ۱۲۵-۱۲۷-۱۲۹
- حکمت، رضا، سردارفاخر: ۱۶-۳۰-۳۱-۱۱۸
-۱۱۹-۱۲۶ تا ۳۲۱-۲۹۳-۲۴۶-۲۴۵-۳۴۹-۴۴۴
حکمت، علی اصغر: ۳۹۶-۴۲۷
حکمت، نظام الدین: ۴۲۹
حکیمی، ابراهیم، حکیم الملك: ۲-۱۵-۸۳-۱۰۱-۱۰۴-۱۵۲-۱۶۳-۱۷۶-۱۸۰-۲۶۵-۲۷۱-۲۷۶-۳۲۴-۳۶۳-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۸-۳۸۹-۴۰۴-۴۲۳-۴۳۹-۴۴۳-۴۵۳-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۴-۴۶۸
حی، لطف الله: ۴۱۶
حیدرخان، صراف تبریزی: ۲۱
حیدری، علیخان: ۴۲۹
- خ
خالداسلامبولی: ۲۲۴
خالصی زاده، ۲۴۸-۲۸۵
خانعلی، ابوالحسن (دکتر): ۳۴۷
خانلری، پرویز (دکتر): ۳-۴۰
خویر، جمشید: ۳۴۲-۳۴۳
خویر الملك، میرزا حسن خان: ۱۹۴-۱۹۵
خدایو، اسماعیل: ۶۱
خرازی: ۴۲۹-۴۴۴
خراسانی (آیت الله): ۴۲۹
خراسانی، تقی: ۴۳۰
خراسانی، سید کاظم (آیت الله): ۱۵۴-۱۶۰-۱۸۴-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۹
خراسانی، میرزا محمد: ۱۹۸
- خرم آبادی، روح الله: ۴۴۰
خروشچف: ۹۰
خزغلی (شیخ): ۶۴-۹۲-۲۰۸-
خزیه علم، امیر حسین خان: ۳۹۵-۳۹۶-۳۹۵-۴۹۶-
خسروانی، شهاب: ۴۴۴
خطیبی، حسین (دکتر): ۲۴۹-۲۹۳-۴۷۵
خطیبی، میرزا علیخان: ۴۲۸-۴۸۷
خلخالی، شیخ صادق: ۴۰۶-۴۰۸
خلعت بری، ارسلان: ۵۷-۵۰۲
خلعت بری، ساعد الدوله: ۵۵-۵۶
خلعت بری (سرتیپ): ۲۷۶
خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۱۳۹-۳۴۰
خلعت بری، عبدالصمد: ۵۰
خلعت بری، محمدولی (سپهسالار تنکابنی): ۱-
-۳-۱۲-۲۴-۳۷-۴۷ تا ۵۷-۶۸-۱۶۰-
-۱۸۲-۱۸۴-۱۹۷ تا ۲۲۸-۲۳۲-۲۳۵-
-۲۹۸-۳۶۹-۴۰۴-۴۳۰-۵۰۱ تا ۵۰۳
خلعت بری، نصرالله: ۲۲۲-۳۸۰
خلیل بغدادی: ۲۳۱
خلیلی، محمود (مهندس): ۳۳۵
خمسه، علی: ۴۲۸-۴۲۹
خمینی، روح الله (آیت الله): ۱۰۷-۱۶۷-
-۲۲۳-۲۵۵-۳۴۷-۳۵۷-۳۵۸-۴۱۰-
۴۱۱-۴۱۷-۴۱۹
خمینی، مصطفی: ۳۵۸
خنجی، صفرعلی: ۴۱۷
خواجه نظام الملك: ۱۳
خواجه نوری، آقا صدری: ۴۱۳
خواجه نوری، ابراهیم: ۷۷-۳۸۸-۴۱۳
خواجه نوری، افسانه: ۴۱۳
خواجه نوری، خانواده: ۲۵۶-۴۱۴
خواجه نوری، رضا: ۳۴۵-۳۵۱



دولت آبادی، یحیی: ۱۴۸-۵۰۵
 دولتشاهی، ابوالفتح: ۲۷۹-۴۴۴
 دولتشاهی، غلامعلی: ۴۳۰
 دولتشاهی، محمدعلی میرزا: ۴۲۹
 دولو، محمودخان علامیر: ۹۹
 دها، سیدحسین: ۲۵۸-۴۰۳
 دهدشتی، جواد: ۴۲۹
 دهش: ۵۱۲
 دهقان، احمد: ۲۶۹ تا ۲۸۴-۴۳
 دهقان، محمدعلیخان: ۴۲۹
 دیبا، خانواده: ۲۵۹-۴۷۶
 دیبا، وکیل الملک: ۳۷۰-۴۲۷
 دیلمی، غلامحسین (سرلشکر): ۴۰۳
 دیوان بیگی، رضاعلی: ۱۰۲-۱۲۸-۳۸۰
 ۴۲۱-۴۲۹-۵۲۰
 دیوسالار، میرزا علیخان: ۲۲۱

ذ

ذوالفقاری، محمد: ۳۶۵-۴۰۳-۴۰۴-۴۴۴
 ذوالفقاری، ناصر: ۲۸۸-۴۴۴
 ذوالقدر: ۹۵-۹۸-۲۷۱-۲۷۲-۴۲۹
 ر
 راجی، عبدالحسین (دکتر): ۴۴۴
 رادمنش، رضا (دکتر): ۲۷۱ تا ۲۷۴
 راشد، حسنعلی: ۳۵۶
 رامید، هلاکو: ۱۶۸-۲۴۹-۲۹۹-۴۸۶
 ۴۸۹
 رائد، جعفر: ۱۳۹
 رحمانی: ۴۱۷
 رحیمی لاریجانی (سپهبد): ۴۰۷
 رحیمیان، غلامحسین: ۲۷۷-۲۸۲-۳۲۱
 ۳۹۳
 رزم آرا، حاجیعلی (سپهبد): ج-۲-۳-۱۰

خواجه نوری، عبدالله: ۴۱۴
 خواجه نوری، فروغ: ۴۱۴
 خواجه نوری، محسن: ۳۸۱-۴۱۰-۴۱۳-
 ۴۱۴-۴۸۸
 خواجه نوری، میرزازکیخان: ۴۱۴
 خواجه نوری، نظام السلطان: ۴۱۳
 خونی، باقر: ۴۲۸
 خیابانی، شیخ محمد: ۶۶-۷-۱۸۴-۲۳۳-
 ۲۳۴-۲۳۶-۳۶۹

د

دادگر، حسین، عدل الملک: ۲۴۰-۲۹۳-۳۱۳ تا
 ۳۱۵-۳۱۶-۳۶۲-۳۶۸-۳۸۰-۴۰۵-
 ۴۲۷
 دانش، میرزامحمد: ۴۲۹
 دانشی، غلامحسین: ۳۵۶
 داور، علی اکبر: ۷۵-۱۳۱-۳۸۳-۴۲۷-
 ۴۳۱ تا ۴۳۳-۵۱۸
 دبیرسلطان: ۲۵-۲۶
 درگاهی، محمد (سرتیپ): ۶۷
 درودی، موسی (دکتر): ۴۷۵
 دری، حبیب الله: ۳۲۱
 دری، ضیاء الدین: ۲۲۴
 دستغیب، باقر: ۴۲۸-۴۳۰
 دوگل (ژنرال): ۴۸۵-۴۸۶
 دشتی، علی: ۶۰-۱۲۴-۲۵۲-۳۷۱-۳۸۵
 ۳۹۴-۴۰۲-۴۰۳-۴۱۰
 دعائی: ۳۵۷
 دنیس رایت: ۱۳۵
 دونی، علی: ۲۲۵
 دواتگر، کریم: ۲۲۵
 دولت آبادی، حسام: ۴۴۴
 دولت آبادی، سیدعلی محمد: ۵۳-۲۳۳-
 ۲۹۶-۴۸۰

- ۱۴-۸۶-۹۵-۱۱۷-۱۱۹-۲۸۲ تا ۲۷۵- ریپرتر، شاپور: ۱۳۸-
 ۳۶۴-۴۴۸-۴۷۵- ریگی، مراد: ۳۹۷-
 رزم آرا، حمید: ۴۷۵- رئیس التجار، آقارضا: ۲۴۸-
 رسائی، دریادار: ۴۰۱-۴۰۳- رئیس العلماء: ۴۲۸-
 رسول زاده، محمد امین: ۲۹۷- رئیس، محسن: ۲۶۵-۴۰۴-
 رشتی، بهاء الدین: ۴۲۹- رئیس، شیخ اسماعیل: ۴۲۹-
 رشتی، عبدالوهاب: ۴۲۸- رشتی، محمد علی (دکتر): ۴۹۵-
 رشتی، معزالسلطان: ۱۹۸-۲۲۰-۳۴۴- رشديه، میرزا حسن: ۵۱-
 رضائی، علی: ۴۰۳-۴۰۴-۴۰۷- رضوی، احمد (مهندس): ۲۵۲-۲۷۵-۲۷۶-
 ۲۸۳-۳۴۵-۳۴۸-۳۴۹- رفعت (امیر ارتش): ۳۹۶-
 رفیع، رضا، قائم مقام الملك: ۳۲۱-۳۵۶-۳۶۲- زارح، علی: ۴۳۰-
 ۴۴۱-۴۴۴- زنجانی، سید ابوطالب: ۱۷۴- زنگنه، خان احمد (مهندس): ۱۲۵-
 ۲۲۲-۲۲۰-۲۱۷- زنگنه، عزیز: ۴۴۴- زردشتی، رستم: ۲۸۵-
 زرین نعل (سرگرد): ۳۷۲- زنجانی، سید ابوطالب: ۱۷۴-
 زنگنه، خان احمد (مهندس): ۱۲۵- زنگنه، عزیز: ۴۴۴-
 س
 سابلین، شارژد: ۲۰۰-۲۰۲-۲۰۴-۲۱۰- ساعد السلطنه: ۷۰-
 ساعد، محمد، ساعد الوزاره: ۲-۱۰-۱۵-۱۸۴- ساعد، محمد: ۲۸۴-۲۸۲-۲۸۱-۲۷۸-۲۷۵-۲۶۵-۹۰-
 ۲۸۴-۲۸۲-۲۸۱-۲۷۸-۲۷۵-۲۶۵-۹۰- ساهین، سهراب: ۴۳۰-
 سالار الدوله: ۲۰۳-۲۰۸-۲۳۲-۲۳۳-۳۰۳- سالار حشمت: ۱۹۸-
 ۵۰۷- سالار فاتح: ۲۲۲-
 روحانی، مفزاد (دکتر): ۱۳۶- روحانی، منصور (مهندس): ۳۳۴-۳۴۰-
 وحی، احمد: ۱۹۴-۴۲۷- زه، خسرو: ۲۸۷-
 روغنی: ۴۱۰- رهنما، حمید: ۳۴۰-
 رهنما، زین العابدین: ۴۲۷- رهی معیری: ۱۶۸-
 ریاحی، حبیب الله: ۴۴۴- ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۶۷-۱۶۹-
 ۲۴۵-۲۴۶-۲۴۹-۲۵۵-۲۹۳ تا ۳۳۹- ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۶۷-۱۶۹-
 ۳۴۳-۴۸۵-۴۸۷- رکن الدوله: ۲۶۱-
 رمضان علی: ۱۷۹- روزولت: ۷۷-
 روحانی، مفزاد (دکتر): ۱۳۶- روحانی، منصور (مهندس): ۳۳۴-۳۴۰-
 وحی، احمد: ۱۹۴-۴۲۷- زه، خسرو: ۲۸۷-
 روغنی: ۴۱۰- رهنما، حمید: ۳۴۰-
 رهنما، زین العابدین: ۴۲۷- رهی معیری: ۱۶۸-
 ریاحی، حبیب الله: ۴۴۴- ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۶۷-۱۶۹-
 ۲۴۵-۲۴۶-۲۴۹-۲۵۵-۲۹۳ تا ۳۳۹- ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۶۷-۱۶۹-
 ۳۴۳-۴۸۵-۴۸۷-

- سبزواری، آقا زاده: ۴۲۹
- سپهر، مورخ الدوله: ۶۲-۸۷-۳۸۶-۴۲۳
- سپهسالار، میرزا حسین خان: ۵۰-۱۱۴-۱۵۰
- ستارخان: ۱۶۲-۱۶۴-۱۶۵-۲۵۹
- ۳۴۸-۱۹۰-۲۲۸-۳۴۵-۱۶۰-۱۸۴
- ستاریان، ابوالقاسم: ۵۲۱-۴۱۵-۴۱۴
- سجادی، محمد (دکتر): ۱۰۵-۱۰۶-۱۳۱
- ۴۰۲-۴۰۳-۴۰۷-۴۱۷-۴۲۳ تا ۴۲۵
- ۴۷۸
- سرایبی، اسماعیل خان: ۲۲۱
- سرخابی، کریم خان: ۲۳۷
- سردار اسعد، جعفرقلی: ۱۶۰-۱۹۸-۲۲۲
- ۲۰۹-۳۶۲-۵۲۲-۵۲۳
- سردار اسعد، علیقلی خان: ۱۶۰-۱۸۲-۱۹۷
- تا ۲۰۰-۲۰۶ تا ۲۱۱ تا ۲۲۸-۲۲۷-۵۰۱ تا ۵۰۳
- ۵۰۰
- سردار یحیی: ۵۰۰
- سرمد، صادق: ۳۸۸
- سروری، محمد: ۱۱۸-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۹
- ۳۸۸-۳۸۲-۳۸۱
- سروش، عیسی (سناتور): ۳۸۰
- سزاوار، عمادالدین: ۴۴۴-۲۶۷
- سعدالملک: ۶۳
- سعدالدوله، جواد: ث-۱-۲۲ تا ۲۴-۳۵ تا ۳۷-۴۸
- ۱۶۰-۲۰۱-۲۰۴-۲۲۱-۲۲۶ تا ۲۶۲
- ۳۰۴-۴۳۰-۵۰۵
- سعدی: ۴۶۲
- سعید، جواد (دکتر): ۲۴۷-۲۹۳-۳۴۱ تا ۳۴۳
- ۴۷۵-۴۷۸-۴۸۹
- سعیدی، ابراهیم: ۴۴۴
- سعیدی، عبدالله: ۴۷۲
- سعیدی، محمد: ۴۰۲-۴۸۶
- سعیدی، نیره: ۴۰۲
- سفیدگر، اسماعیل: ۲۳۷
- سمیعی، ابراهیم (نویسنده): ۴۷۲
- سمیعی، حسین، ادیب السلطنه: ۴۰-۳۱۶-۴۳
- سنجابی، کریم (دکتر): ۱۱۰ تا ۱۱۲-۱۱۸
- ۱۲۵-۱۳۱-۳۴۲
- سنگ، اسماعیل (دکتر): ۳۸۰-۴۴۴
- سنگ، علی (دکتر): ۳۴۱
- سنندجی، سالار سعید: ۲۹۱-۴۲۸
- سهام الدوله: ۴۹
- سهیلی، علی: ۲-۴-۱۵-۷۷ تا ۹۱-۲۶۵-۳۶۶-۳۶۵
- سیاسی، علی (دکتر): ۱۲۱-۲۱۲-۳۸۱
- ۳۸۵
- سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۱۲۹-۲۶۵-۲۶۸-۲۹۰-
- سیاهپوش (سرتیپ): ۵۱۳
- سیحون، هوشنگ (مهندس): ۳۹۲
- سیدامامی، احمد (دکتر): ۳۶۵-۴۰۲-۴۴۳
- سیدمحمد (فرزند عبدالله انتظام): ۱۳۹
- سیف آزاد، عبدالرحمن: ۱۹۴
- سینا، بوعلی: ۴۷
- ش
- شاپشال، یهودی: ۲۱۸
- شادمان، سیدجلال الدین: ۴۰۳-۴۸۷
- شادمان، فخرالدین (دکتر): ۲۷۰
- شالفروش: ۴۱۳
- شاهرخ، ارباب کیخسرو: ۱۶۶ تا ۱۶۸-۲۴۴-۲۶۹-۳۰۸-۳۲۱-۳۵۲
- شاهرخ، بهرام: ۲۸۷

- شاهرودی، باقر: ۴۲۷-۴۳۰-۴۴۴
شاهرودی، مرتضی: ۴۳۰
شاهکار، محمد (دکتر): ۳۲۳
شایگان، سیدعلی (دکتر): ۲۵۲-۳۲۷-
۳۲۸-۳۶۴-۳۶۵-۳۸۵-۳۸۷-۳۹۰
شوستری، ابوضیاء: ۲۹۷
شریعت زاده، احمد: ۲۶۸-۴۲۷
شریعتمداری، سیدکاظم (آیت الله): ۱۱۴-
۳۳۰
شریعتمداری، نیشابوری: ۴۳۰
شریف امامی، جعفر (مهندس): ج-۲-۴-۵-
۱۶-۷۳-۰۲ تا ۱۱۱ تا ۱۲۵-۱۳۶-۱۴۲
-۲۵۴-۳۲۳-۳۲۴-۳۳۴-۳۴۷-۳۶۴-
۳۹۳-۳۹۵-۴۰۰ تا ۴۰۷-۴۲۰ تا ۴۲۶-
۴۷۵-۴۸۵-۴۸۷-۴۸۹-۴۹۰ تا ۴۹۳
شریف امامی، محسن (دکتر): ۱۰۳
شریف خان قزوینی: ۶۳
شعاع السلطنه: ۲۰۸
شعبانی، علی: ۴۱۳
شعری (سرتیپ): ۵۱۲
شفق رضازاده (دکتر): ۳۳۴-۳۸۰-۴۰۲-
۴۴۴-۴۸۶-۴۹۶
شفیعی، فرهنگ (دکتر): ۳۴۲
شقایق، ممتحن الدوله: ۳۶
شکاک، جعفر: ۶۳
شکسپیر، ویلیام: ۴۸۲
شوستر، آمریکائی: ۲۳۱ تا ۲۳۶
شوشتری، سیدمحمدعلی: ۴۲۷-۴۴۴
شوکت (سرتیپ): ۵۱۹
شوکت الدوله (مادر امید): ۲۹۹
شهبازی (افسر ارتش): ۲۷۶
شهرستانی، محمد: ۴۸۸
شهشانی، حسین: ۱۲۱
- شیبانی، حبیب الله (سر لشکر): ز
شیبانی، وحیدالملک: ۲۲۲-
شیخ رئیس، ابوالحسن: ۱۹-۱۷۶-۱۸۰
شیخ جعفر: ۴۲۹-۴۳۰
شیخ حسن، کتابفروش: ۲۱
شیخ عبدالرحیم: ۴۳۰
شیخ محمدحسین: ۳۶۸
شیرازی، آصف الدوله: ۱۹
شیرازی، (آیت الله): ۱۰۴
شیرازی، ابوالحسن خان: ۲۶۲
شیرازی، مشاور الدوله (پدر سردار فاخر): ۳۲۴
شیرازی، ملک التجار: ۴۲۹
شیروانی، ابوطالب: ۴۲۷-۴۲۸-۴۳۰-۴۳۳-
شیل، کلنل: ۶
شیل، لیدی: ۶
- ص**
- صاحب اختیار: ۳۱
صاحبجمع، عسگر: ۴۴۴
صادق، صادق، مستشار الدوله: ۲۴-۵۳-۵۹-
۶۰-۱۶۰-۱۷۸-۱۷۹-۱۹۶-۱۹۸-
۲۰۵-۲۴۸-۲۵۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۹۳-
۳۸۰-۴۳۰-۴۰۵-۴۱۹-۴۲۶-۴۳۰-
۴۳۴-۴۳۶-۴۰۳
صادق، علی: ۴۱۹
صادق الملک، محمدابراهیم: ۲۳۸
صادقی (نایبده مجلس): ۳۲۱
صادقی، افشار: ۳۲۱
صارم الدوله، مسعود: ۶۸-۳۷۱
صالح، اللهیاری: ۱۱۸-۱۲۱ تا ۱۳۳-۲۵۳-
۲۶۵-۳۶۴-۳۶۵
صالح، جهانشاه (دکتر): ۱۲۶-۴۰۲-۴۰۳-

- صالح، علی پاشا: ۱۲۶
صالح، نادر: ۱۲۶
صبا، مختار الملک: ۳۸۰
صدر، جواد (دکتر): ۹۹
صدر، سید عبدالحسین: ۴۲۳-۴۲۹
صدر، محسن، صدراالاشرف: ۲-۱۵-۶۵-۷۵
-۹۹-۱۰۱-۲۵۱-۳۶۱-۳۶۶-۴۰۴-
۴۲۳-۴۷۰-۴۷۲-۵۱۹
صدر، میرزا علیرضا: ۴۲۹
صدرالتجار: ۴۳۰
صدرالعلماء: ۱۹۸
صدرقاسمی: ۳۲۱
صدرائی: ۴۲۹
صدرالمعالی، اصغر: ۴۲۸
صدیق اعلم (دکتر): ۲۵۸-۴۷۵-۴۸۹
صدیق الملک: ۳۱۸
صدیق حضرت: ۵۹-۱۶۰-۲۴۸
صدیقی، غلامحسین (دکتر): ۱۱۲-۱۱۸-
۱۲۵-۱۳۱-۱۳۲
صراف، باقر: ۲۰۶
صراف تبریزی، عباس (قاتل اتابک): ۲۱
صراف تبریزی، حیدر: ۲۱
صراف، میرزا علی: ۴۲۹
صفاری، کاظم: ۴۴۴
صفاری، محمد علی (سرتیب): ۴۰۲-۴۰۴-
صفائی، ابراهیم: ۲۷-۳۳-۴۷-۵۹-۲۰۹-
۲۹۴-۳۱۴-۳۲۰-۳۲۴-۳۲۶-۴۸۱
صفائی، حاج سید احمد: ۳۵۶
صفائی، عبدالصاحب: ۲۸۹
صفوی، شکر الله: ۲۸۷
صمدیانپور (سپهبد): ۴۹۳
صمصام السلطنه: ۵۲-۶۲-۹۴-۲۱۰-۲۶۴
- صمصام بختیاری، احمدقلی: ۴۴۴
صنیع، مهین: ۴۸۹
صنیع الدوله، هدایت: ۲۲-۲۳-۲۵-۲۸-۳۵
-۳۶-۴۹-۶۳-۶۵-۱۶۰-۱۷۰-۱۹۸-
-۲۶۰-۲۹۴-۲۹۶-۲۹۷-۵۰۶-۵۰۵-
صنیع حضرت: ۱۷۲-۱۹۹-۲۰۳-۲۱۶ تا
۲۱۸-۲۲۱
صوراسرافیل، جهانگیر: ۱۶۰-۱۷۵ تا ۱۸۰
۲۰۶
صوراسرافیل، قاسم: ۴۰-۶۶-
صورتگر، لطفعلی (دکتر): ۴۸۶
صوفی، پروین: ۱۳۴
صهبا، ابراهیم: ج-۴۸۷
- ض
ضیاء، ابراهیم: ۴۲۸
ضیاء العلماء: ۲۳۸
ضیاء الواعظین: ۶۰-۲۴۰
ضیائی، طاهر (دکتر): ۴۰۲-۴۰۳-۴۸۸
ضیائی، محمود (دکتر): ۴۹۵
ضرغامفر، برادران: ۴۱۳
ضرغامی (سرلشکر): ۳۸۰-۳۸۵
- ط
طالقانی، آخوند: ۲۶
طاهری، هادی (دکتر): ۳۷۷-۴۲۷-۴۴۵
طبا، عبدالحسین (دکتر): ۲۹۰-۲۹۲-۳۶۵-
۴۴۴
طباطبائی، جواد: ۴۲۸
طباطبائی، سیدضیاء الدین: ۱-۳-۹-۱۴-
۵۸-۶۱-۷۲-۱۱۹-۱۴۴-۲۴۰-۲۶۱-
۲۶۲-۲۷۰ تا ۲۷۲-۳۱۴-۳۲۶-۳۴۵

- عدل، غلامرضا (دکتر): ۳۲۱
عدل، کاترین: ۴۱۷-۴۱۸
عدل، یحیی (پرفسور): ۱۲۵-۴۱۷-۴۱۸
عراقی، اسماعیل: ۳۷۰-۴۲۸
عراقی، میرزا محمود: ۴۳۰
عرب شیبانی، عباسقلی: ۴۴۴
عزیز السلطان، غلامعلی (ملیجک): ۱۶۲ تا
۱۶۵-۱۷۵
عشقی، میرزاده: ۶۰-۳۶۲
عصر انقلاب: ۴۲۸
عضدالملک (نایب السلطنه): ۱۴۹-۱۵۰-
۱۹۸ تا ۲۰۰-۳۴۴-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۳
عضدی، امیر مؤید: ۴۴۵
عظیمی، باقرخان: ۴۲۸
علاء، ایران: ۹۴-۹۷ تا
علاء، حسین: ۲-۴-۱۱-۱۵-۷۶-۹۳ تا ۹۸
-۱۱۹-۱۲۴-۱۳۳-۱۳۶-۳۸۵-۴۰۴-
۴۳۸-۴۸۲
علاء، فریدون (دکتر): ۹۴
علاء، میرزا محمد، علاء السلطنه: ۱-۱۱-۱۵-
۷۶-۹۸
علاء الدوله: ۷-۲۴-۴۸۳
علامه وحیدی: ۴۰۰-۴۰۲-۴۰۴-۴۱۰-
۴۷۶-۴۸۹
علم، امیر اسدالله: ۲-۱۵-۸۵-۱۲۰ تا ۱۲۲-
۱۲۶-۱۳۴-۱۳۶-۳۸۴-۴۴۳-۴۴۷-
۴۹۵
علم، شوکت الملک: ۸۵
علی آبادی، ذبیح الله: ۴۲۹
علی آبادی، عبدالحسین (دکتر): ۱۲۹-۴۷۸
علوی، سید ابوالحسن: ۳۵-۵۵
علوی، سید ابوانفتح: ۴۲۸
علوی کیا، حسن (سرلشکر): ۱۲۵
۳۶۸-۳۶۸-۳۷۱-۳۸۵-۴۰۴-۴۲۸
طباطبائی، سید محمد (آیت الله): ۱۸۰ تا ۱۴۲-
۲۰۶-۲۱۲-
طباطبائی، سید محمد صادق: ۱۶۸-۲۹۳-
۳۱۸ تا ۳۲۱-۳۵۶-۴۰۵-۴۲۶-۴۴۳
طباطبائی، علاء الدین: ۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-
طباطبائی، فخر: ۴۸۸
طباطبائی، میرزا ابوالقاسم: ۲۱۶
طباطبائی، مهدی: ۳۸۰-۴۴۴
طوسی: ۳۲۱-۴۲۷
طومانیانس: ۴۲۸
طهماسبی (سرلشکر): ۳۱۳
طهماسبی، خلیل: ۳۴۶
ظ
ظفری، اسماعیل: ۴۲۹
ظل السلطان: ۵۵-۹۵-۱۶۱-۱۶۴-۲۰۸-
۲۰۹-۲۳۱-۲۶۲-۲۶۳-۳۰۳-۴۰۸
ظهیر الملک: ۲۳۱
ظهیر الدین، سید صدر الدین: ۴۲۹
ع
عارف قزوینی: ۴۴-۴۶ تا ۴۹-۵۵-۱۴۱-
۱۸۲-۲۰۱-۲۳۹-۴۸۳
عامری، احمد: ۴۲۸
عامری، جواد: ۲۶۵-۳۲۱
عامری، سلطان محمد: ۲۴۰-۳۶۸-۴۲۹
عالی، شمس الدین (دکتر): ۱۲۵
عباس میرزا، نایب السلطنه: ۶۳-۶۹-۱۸۲
عباسی، محمد: ۲۷۸
عبدالرزاق: ۱۵۱
عبدالرضا خان: ۱۶۶
عبده، جلال (دکتر): ۴۴۴

علوی مقدم، مهدیقلی (سپهبد): ۳۲۳
علوی، مهدی: ۴۲۹
عنایت: ۱۹۵

عمادی، میرزا علی: ۴۲۸

عمارلو، احمدخان: ۴۲۸

عمواغلی (تاجر قالی): ۲۴۴

عمیدالحکماء: ۱۹۸

عمیدالسلطان: ۱۹۸-۲۲۲

عمیدالشعراء (عمیدی نوری): ۱۴۳

عمیدی نوری، ابوالحسن: ۵۵-۵۷-۱۲۱-

۳۷۹ تا ۳۸۹

عین الله: ۴۱۸

عین الدوله: ۳۵-۳۷-۱۸۴-۲۶۲-۳۶۱

عین الملک (پدر دو دکتر متین دفتری): ۷۵

غ

غضنفری، نظر علیخان: ۴۳

غضنفری، محمدعلی: ۲۵۷

غفار میرزا: ۱۹۸

غفاری، صاحب اختیار: ۵۰۲

غفاری، فخر الممالک: ۳۶۸

غفاری، هادی: ۴۰۶

غنی، قاسم (دکتر): ۷۲-۹۶-۱۱۸-۱۶۶

غیائی، حیدر (مهندس): ۳۹۲-۳۹۳

ف

فاتح، صادق: ۴۲۸

فاروق (پادشاه سابق مصر): ۳۷۶

فاضل سر جوئی، وجیه الله: ۴۴۰

فاطمی، حسین (دکتر): ۳۱۵

فاطمی، محمدعلی: ۴۲۹

فامیلی، میرزا آقا: ۴۲۸

فتحی، نصرت الله: ۲۳۸

فخرانی، ابراهیم: ۴۹

فخرالدوله، اشرف الملوک: ۵۰۹

فداکار، تقی: ۲۷۱-۲۷۳-۲۷۴

فراشباشی: ۱۹۵

فرامرزی، عبدالرحمن: ۸۹-۴۴۴ تا ۴۴۸

فرانکو: ۷۶

فرخ، مهدی، معتمد السلطنه: ۶۲-۲۶۵-

۳۵۱-۳۶۵-۳۸۰-۳۹۵-۳۹۷-۴۰۲

فرخی یزدی: ج - ۶۰

فردوسی، ابوالقاسم: الف - ۲۹۸

فرزانه، اسمعیل: ۶۴

فرزین، محمدعلی: ۴۰

فرشچی، رضا: ۴۲۹

فرشی، حاج میرزا آقا: ۲۴۸

فرمانفرما، عبدالحمین: ۲۰-۲۴-۹۴-۳۶۱

-۴۳۰-۵۰۰

فرمانفرماتیان، محمدولی میرزا: ۳۲۱

فرمند، ضیاء الملک: ۳۸۰-۴۸۲

فروزانفر (دکتر): ۳۸۰-۴۴۴

فروغی، محسن (مهندس): ۳۹۲-۳۹۳

فروغی، محمدعلی (ذکاء الملک): ث - ج - ۲-

۵-۲۸-۶۶-۶۸-۷۷-۷۹ تا ۸۲-۹۴-

۱۴۴-۲۴۲-۳۱۴-۳۱۶ تا ۳۴۵-۳۷۲-

۴۲۹-۵۱۸

فروهر، غلامحسین: ۲۸۵-۳۶۵

فرویدی، حسین (دکتر): ۲۷۱-۴۴۴

فریدونی: ۲۵۲

فریدی، هدایت الله: ۴۲۹

فریور، غلامعلی (مهندس): ۳۶۳

فقیه زاده، ابوالقاسم: ۴۴۴

فلیچر (کلنل): ۲۷۲

فولادوند، امیر قاسم: ۳۸۲-۳۸۴-۳۸۷-۳۸۸

-۴۴۳

- فولادوند، غلامرضا: ۱۳۰-۲۷۹-۲۸۰-
 ۲۸۷-۲۸۸-۴۴۴-
 فهیمی، فهیم الملك: ۱۱۷-۱۱۹-
 فیروز، اسکندر (مهندس): ۹۴-۵-
 فیروز، مجید، ناصرالدوله: ۱۶۹-
 فیروزآبادی، حاج سیدرضا (آیت الله): ۲۷۳-
 ۳۵۹
 فیروز، مظفر: ۳۴۵-
 فیروز، نصرت الدوله: ۳۲-۶۸-۲۳۱-۳۱۳-
 فیض: عیسی: ۵۱۵-
 فتودور: ۲۹۶-
 قشقائی، اسماعیل خان: ۳۲-
 قشقائی، خسرو: ۳۷۱-
 قشقائی، صولت الدوله: ۳۱-۳۲-۳۷۰-
 قشقائی، محمدحسین: ۲۷۰-۴۴۲-
 قشقائی، ناصرخان: ۳۲-۳۷۰-
 قطب الدوله: ۴۸۲-
 قفقازی، نوروزاف: ۱۵۱-
 قمر السلطنه: ۱۶۴-
 قمشه ای، حسن: ۱۵۵-
 قمی، علیرضا: ۴۲۹-
 قمی، میرزازین العابدین: ۱۵۴-
 قنات آبادی، سیدشمس الدین: ۳۵۰-
 قوام، ابراهیم: ۴۴۴-
 قوام، احمد (قوام السلطنه): ث-ج-۲-۳-۷-
 ۱۰-۱۲-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹-۲۸-۳۳-
 ۵۸-۶۲-۶۵-۷۲-۷۶-۹۱-۹۴-۱۹۹-
 ۱۲۱-۱۴۴-۱۹۸-۲۳۳-۲۵۳-۲۶۴-
 ۲۶۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۹-۳۴۶-۳۵۳-
 ۳۵۴-۳۶۲-۳۷۹-۴۳۸ تا ۵۲۰
 قوام الدوله: ۵۰-
 قوام الملك: ۲۳۱-۲۶۱-
 قوام، علی: ۵۱۱-۵۱۲-
 قوامی، محمدعلی خان: ۴۲۹-
 قهرمان، سردار اعظم: ۲۴۶-
 قیصریه، میرزا علی: ۴۲۷-
 ق ق
 قاجار، عباس میرزا: ۶۳-
 قاجار محمدحسن میرزا: ۲۰۵-
 قاجار (محمدشاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین
 شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه): در اکثر صفحات
 قاسم زاده (دکتر): ۳۸۰-
 قاسمی، ابوالفضل: ۳۱۸-۳۲۹-
 قاضی ارداقی (قزوینی): ۱۷۶-۱۸۰-
 قاضی محمد: ۱۴۴-
 قائم مقام التولیه، محمدعلی: ۴۳۰-
 قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم خان: ۳-۶-
 قبادیان، عباس: ۴۴۴-
 قدوسی، فردین (مهندس): ۳۹۷-
 قراگزلو، حسینعلی: ۹۷-۴۸۲-
 قراگزلو، محسن: ۴۸۲-
 قربانی (سرهنگ): ۳۵۰-
 قرنی، ولی (سرلشگر): ۴۲۰-
 قره باغی، عباس (ارتشبد): ۴۷۸-
 قزوینی، رحیم: ۴۲۷-
 قزوینی، فتح الله: ۴۲۹-
 ک
 کاتوزیان، همایون (دکتر): ۱۲۰-
 کارلوس (تروویست): ۱۱۶-
 کازرونی، جعفر: ۵۱۲-
 کاساکوفسکی: ۶۴-
 کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۲۸۶-۴۴۴-
 کاشانچی: ۴۲۹-

- ۴۴۴- کاشانی، حسن: ۴۳۰
 کاشانی، حمید: ۳۳۷
 کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۱۱۸-۲۹۳-
 -۳۲۷-۳۳۲-۳۵۵-۳۵۶-۳۸۸-
 ۴۲۷-۴۳۳-۴۶۶-۴۶۹
 کاشانی، عبدالرحیم: ۴۲۹
 کاشانی، مصطفی: ۳۵۶
 کاشف: ۳۱۳
 کاشی، ماشاء الله خان: ۵۹-۳۸۵
 کاشی، نایب حسین: ۵۹-۳۱۴-۳۶۲
 کاظمی، باقر، مهذب الدوله: ۷۷-۷۸-۱۱۷-
 ۲۹۰-۲۹۱-۵۱۸
 کافتارادزه: ۸۵
 کامبخش، عبدالصمد: ۷-۲۷۳-۲۷۴-۳۶۶
 کامران میرزا: ۱۹-۲۵-۲۲۱-۲۳۱-۲۶۳-
 کحال زاده: ۶۸-۲۰۶
 کدمن (انگلیسی): ۵۱۷
 کردستانی، اسدالله: ۴۲۸
 کرمانی، میرزا آقاخان: ۱۹۴-۱۹۵
 کرمانی، ناظم السلطان: ۱۶۴-۱۶۶-۱۷۱-
 ۱۸۶-۲۰۰-۴۲۷
 کریمی، محمد: ۴۱۶
 کریمی، نادعلی: ۳۵۰
 کرزن (وزیر خارجه انگلیس): ۴۸۱
 کسروی، احمد: ۲۳۶
 کسمانی، میرزا حسین خان: ۵۱-۱۹۸
 کشاوری، فریدون (دکتر): ۲۷۰-۲۷۱-۲۷۴ تا
 -۳۷۲
 کشاوری صدر، سید محمد علی: ۲۷۰-۲۷۶-
 ۲۷۷-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۸-۳۶۴-۳۶۵
 کشوری، مرتضی خان: ۴۲۸
 کفانی، حمید (دکتر): ۳۵۶
 کلای، امیر تیمور: ۲۶۵-۲۶۷-۳۲۳-۳۷۲
- گ**
 گرجی: ۵۱
 گروسی، محمد خان: ۱۶۲
 گری، ادوارد: ۴۸۱
 گلپایگانی، سید محمد رضا (آیت الله): ۴۴۰-
 ۴۹۱-۴۹۲
 گلشانیان، اسدالله (سرتیپ): ۳۴۵-۳۵۰
 گلشانیان، عباسقلی: ۳۸۲
 گنجی، جمال (مهندس): ۴۰۳
 گودرزی (دیپلمات): ۹۶
- ل**
 لاجوردی، قاسم: ۴۰۳-۴۰۴
 لاری، احمد: ۴۲۸
 لاهوتی، شاعر: ۶۶
 لاهیجی، محمد: ۲۱۷

- لسانی، ابوالفضل: ۱۰۲-۱۲۱-۳۸۱-۳۸۴
- ۳۸۵-۳۸۸-۴۲۱
- لطفی، عبدالعلی: ۳۷۵
- لقمان الملك (دکتر): ۳۸۷-۳۸۸
- لیاخروف: ۴۸-۵۱-۱۶۵-۱۷۴-۱۷۵-
- ۱۷۹-۲۰۲-۲۰۶-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۹-
- ۳۴۴
- لیقوانی، لطف الله: ۴۳۰
- لیندلی (دکتر انگلیسی): ۱۷۴
- م**
- مارشال، پتن: ۲۶۶
- مارلینگ (وزیر مختار): ۳۴-۶۸-۳۰۰-
- مازندرانی، شیخ عبدالله (آیت الله): ۱۵۴-
- ۱۶۰-۱۸۴-۲۱۶-۲۱۹
- مازندرانی، شیخ مهدی: ۱۵۴
- ماشاء الله خان: ۳۶۲
- مافی، میرزا حسین خان: ۴۲۹
- مافی، محمد علی خان: ۴۲۸
- مالت: ۵۱۸
- مبین، غلامرضا (دکتر): ۴۷۶
- متولی، طاهر: ۴۲۸
- متولی باشی: ۲۳۱
- متین الدوله: ۷۵
- متین دفتری، احمد (دکتر): ۲-۳-۱۲-۱۵-
- ۱۶-۷۴-۷۵-۹۱-۱۶۸-۳۸۳-۳۸۸-
- ۴۰۴-۴۹۴
- مجاهد، احمد: ۲۲۲
- مجاهد، میرزا محمد: ۲۲۲
- مجتهد، علاء الدین: ۴۳۰
- مجتهد، مهدی: ۴۲۹
- مجتهدی، یوسف (دکتر): ۲۷۴-۲۷۵-۲۶۵
- مجدالدوله: ۲۱۸-۲۱۹
- مجد، فطن السلطنه: ۳۲۶-۴۲۸
- مجلل السلطنه: ۲۵-۲۰۸-۲۲۱
- مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۱۱۸-۴۴۳
- محترم السلطنه (مادار ارسلان خلعت بری):
- ۵۰۳
- محتشم الدوله: ۳۱
- محسن زاده، فرخ: ۵۲۰
- محقق، جواد: ۴۲۸
- محقق الدرله: ۱۶۰
- محمد ابراهیم، صادق الملك:
- محمود، محمود: ۲۶
- محموی، ابتهاج السلطان: ۳۸۰
- محیط، حبیب الله: ۳۷۱
- محبی، سردار منصور: ۱۶۰-۲۳۱-۲۹۸-
- مخبر فرهمند: ۳۲۵-۳۶۵
- مختار السلطنه: ۵۰۴
- مختاری، سرباس: ۲۶۸
- مدرس، سید حسن (آیت الله): ۲۷-۲۸-۴۰-
- ۱۵۴-۲۴۰-۲۵۱-۲۶۷-۳۲۷-۳۴۴-
- ۳۴۵-۳۴۸-۳۵۵-۳۵۶-۳۶۱-۳۶۲-
- ۳۷۰-۴۳۶
- مدنی، حسین: ۴۲۹-۵۲۲
- مراد، اریه: ۳۶۶
- مردوخ، امام: ۳۵۶
- مرشد (دکتر): ۴۰۳-۴۰۵-۴۹۵-
- مرناد، بلژیکی: ۴۸۲
- مرندی، علی: ۱۳۵
- مژدهی، نصرالله (دکتر): ۴۰۳-۴۰۵
- مساوات، محمد رضا: ۱۶۰
- مستوفی، حسین: ۳۱
- مستوفی، شفیق: ۳۱۴
- مستوفی، عبدالله: ۱۵۲
- مستوفی، یوسف: ۱۱

- مستوفى المالك: ث-١-٥-٧-١٣ تا ١٥-٢٥
تا ٤٠-٦٠-٩٣-٢٥١-٢٩٣-٣٠٩-٣١٢
-٣٦١ تا ٣٦٣-٤٣٠-٤٣٦-٤٨٠-٥٠٢-٥٠٣
٥٠٣
مستوفى، نظام: ٤٢٩
مسعود، محمد: ٣٤٩
مسعود انصاري، عبدالحسين: ٨٦-١١٩
مسعود، صارم الدوله: ٤٢٧
مسعودى، عباس: ٨٩-١٢٨-٢٦٦-٣٨٠-
٣٨٨-٣٩٤-٤٠٢-٤٢٠-٤٤٤-٤٨٦
مسعودى، كاظم: ٤٠٨-٤٠٩
مسعودى، محمد على: ٢٦٩-٤٠٣-٤١٩-
٤٢٠
مسعودى، ميرزا حسن خان: ٤٢٠
مشار، يوسف: ٤٢٧
مشاور، محمود (دكتور): ٤٤٤
مشاور المالك: ٧٨-٩٤-٣٧١
مشايخي، محمد خان: ٤٢٩
مشهدى باقر يقال: ١٦٠-١٧٨-٢٣١-٢٥٠
مشير، مرتضى (دكتور): ١٢٧-١٢٨
مشير الدوله: ٥٠٨-٥٠٩
مشير السلطنه، ميرزا احمد خان: ١-٢٤-٢٥-
١٠٠-١٨٤-٣٥١-٣٥٢
مشير الملك: ٢٣١
مشير معظم: ٣٦٨
مشيرى، على: ٥١٥-٥١٩
مصاحب، شمس الملوك (دكتور): ٣٨١-٤٠٢-
٤٨٨-٤٠٣
مصباح زاده، مصطفى (دكتور): ٤٠٢-٤٠٣
مصدق، محمد (دكتور): ج-٢-٣-٤-١٠-
١٢-١٤-٢٩-٦٥-٧٤-٧٧-١١٧ تا
١٤٤-١٤٤٢-٢٥١-٢٥٢-٢٥٤-٢٦٦-
٢٧٠-٢٨٥-٢٨٩ تا ٢٩٠-٣١٣-٣١٥-
- ٣٢٠-٣٢٤ تا ٤٤٧-٤٤٨-٤٤٨-٥٠٩-
مصطفى خان، ياور: ٥١٩
مطبوعى، ايرج (سر لشكر): ٤٠٢-٤٠٣-
٤١٠
مظفرزاده، مير صالح: ٣٢١
مظلوم (مهندس): ٤٠٨
معاصر، حسن: ٤٤٤
معتمد، ميرزا عبد الله خان: ٤٣٠
معتمد ماورندى، ابوالكارم: ٢٦٦
معتمدى، على: ٢٦٥
معتمدى، منير اعظم: ٤١٤
معدل، لطف على: ٣٦٥-٤٤٤
معدل السلطنه: ٥١٩
معز السلطان: ٥١
معظمى، عبد الله (دكتور): ١٠٧-٢٧٠-٢٨٨-
٢٩٠-٢٩٢-٢٩٣-٣١٠-٣٢٢ تا ٣٦٥
٣٦٥
معير المالك: ١٦
معينى، قاسم (مهندس): ٣٤٠
معينيان، نصرت الله: ٤٠١
مغازه، اسماعيل: ١٦٠-٢١٨
مفاخر الملك: ١٩٩-٢٢١
مفخم الدوله: ٧٦
مقتدر نظام: ١٧٢
مقدم، اسكندر خان: ٤٢٩
مقدم، ناصر (سپهبد): ١٠٩-١١٣
مكرم، حسن: ٣٦٥-٤٤٤
مكرى (سر هنگ): ٣٩٦
مكى، حسين: ٥٦-٢٣٩-٢٦٨-٢٩٢ تا ٢٧٠-
٣٠٩-٣٢٧-٣٤٥-٣٥٠-٣٦٣-٣٦٤ تا
٣٦٦-٣٧٩-٣٣٥
مكى، فيصل: ٣٤١

- ملك آراء، عباس ميرزا: ۲۹۴
 ملك المتكلمين: ۱۰۰-۱۰۱-۱۰-۱۶۰-
 ۱۷۵ تا ۱۸۰-۲۰۶-۳۰۳-۵۰۵
 ملك، حسين: ۴۲۷
 ملك، خان: ۴۳۰
 ملك، عبدالوهاب: ۴۲۹
 ملك، يوسف: ۴۲۹
 ملكزاده، مهدي (دكتور): ۲۵-۳۰-۳۸-
 ۳۸۸-۴۲۷-۴۴۴
 ملكشاه، سلجوقی: ۱۳
 ملك مدنی، هاشم: ۳۰-۲۷۱-۲۹۰-۳۲۵-
 ۴۴۴
 ملكی، محمد علی (دكتور): ۱۲۵
 ملیسپو (دكتور): ۵۶-۲۶۴-۳۴۵
 ممتاز، حسن: ۴۳۰
 ممتاز، مرتضی: ۳۰۷
 ممتاز، میرزا اسماعیل، ممتاز الدوله: ۱۷۶-۱۸۰-
 ۲۹۳-۲۹۹-۳۰۷ تا ۳۰۵
 ممتاز الملك: ۶۰
 مغانی، شیخ اسدالله: ۲۰۰-۲۷۷
 منتصر، میرزا محمد خان: ۴۲۱
 منتصر الدوله: ۱۸۶-۲۲۱-۲۲۲
 منتظری، حسین علی (آیت الله): ۴۲۰
 منشور، حسین خان: ۴۲۹
 منشی زاده، میرزا ابراهیم: ۲۱
 منصور، حسن علی: ۲-۴-۱۱-۱۱۸-۳۴۷-
 ۴۰۸-۴۰۴
 منصور، رجبعلی، منصور الملك: ۲-۴-۱۰-
 ۱۱-۳۸۵
 منوچهریان، مهرانگیز (دكتور): ۳۹۸-۴۰۰-
 ۴۰۱
 میراشرافی، سید مهدی: ۳۴۹
 میرجلالی (سرلشکر): ۳۵۰-۳۵۱
- میرزا ابوالقاسم (امام جمعه تهران): ۳۲۹
 میرزا خلیل: ۱۶۰-۱۸۵-۲۱۷
 میرزا سید احمد: ۴۳۰
 میرزا شهاب کرمانی: ۲۸۰-۳۸۳
 میرزا طاهر: ۱۹۸
 میرزا کوچک خان جنگلی: ۳۲۵
 میرزا غلام حسین: ۲۲۰
 میرزا محسن: ۳۰۳
 میرزا محمد: ۲۲۲
 میرزا محمد حسین: ۲۱۷
 میرزا یانوس: ۱۹۸
 میر مظهری: ۴۰۳-۴۰۵
 میناچی، ناصر (دكتور): ۴۲۰
 موری، سفیر آمریکا: ۴۳۸
 موسوی، سید اسدالله: رئیس التجار: ۴۰۳-
 ۴۱۰-۴۱۴-۴۱۷-۵۲۲ تا ۵۲۰
 موسوی، محمد حسین (دكتور): ۴۰۴
 موسوی، محمد مهدی: ۵۰۳
 موسوی، مهین (دولت آبادی): ۵۰۳
 موقر، حسین خان: ۴۲۸
 موقر الدوله: ۴۱۴
 موقر السلطنه: ۳۵-۲۰۸
 مولوی مجیر، حبیب الله (دكتور): ۴۰۳
 مؤید الدوله: ۱۹۵-۲۶۱
 مؤید ثباتی، علی: ۳۸۰-۴۴۴
 مهتدی (سرهنک، دكتور): ۲۷۵-۲۷۶
 مهدوی، محمد علی: ۴۰۴
 مهذب، احمد: ۴۲۷-۴۴۴-۴۴۵
 مهذب الدوله، میرزا سید علی: ۳۲۴
 مهران، رسول: ۱۳۱
 مهندس المالك: ۵۶

- نادرشاه: ۱۸۳
- ناصرالملک قراقرلو، میرزا ابوالقاسم خان (نایب السلطنه): ۱-۳-۷-۱۵-۲۵-۲۸-۳۷-۵۲-۵۳-۵۴-۶۳-۹۴-۹۷-۱۴۳-۱۵۷-۱۷۵-۲۰۹-۲۲۸-۲۳۱-۲۳۶-۲۹۸-۴۷۹ تا ۴۸۳-۵۰۱-۵۰۷
- ناصرالسلطنه: ۳۱
- ناصری: ۳۸۰-۵۲۱
- ناظرزاده کرمانی (دکتر): ۳۶۵
- ناظم الدوله (میرزا ملکم خان): ۷۶
- ناظم الاسلام: ۳۴-۲۱۶
- ناظم المهام: ۳۵
- ناظمیان: ۳۳۸
- نامجو، محمود (قهرمان وزنه برداری جهان): ۸۷-۸۸
- نامی: ۳۹۵
- نائینی، عارف: ۳۱۱
- نائینی، محمدحسین (آیت الله): ۲۱۳ تا ۲۱۵-
- ۲۴۸-۳۰۸-۴۱۷
- نهی اکبری: ۳۲۹
- نہوی، حسن: ۴۴۴
- نہوی، محیی الدین، دکتر: ۱۳۷-۱۳۸
- نبیل، زهرا: ۳۸۱-۴۷۵
- نجم، ابوالقاسم، نجم الملک: ۱۲۰-۱۲۹-۱۳۰-۳۸۸
- نجم آبادی، حاج شیخ هادی: ۲۱
- نجم آبادی، محسن: ۴۲۸
- نجم الدوله اصفهانی، عبدالغفار: ۱۶۸
- نجم السلطنه (مادر دکترمصدق): ۵۰۹
- نجفی، حاج آقا نورالله (آیت الله): ۱۵۵
- نجومی، اسماعیل: ۴۲۷
- نجومی، پرویز: ۹۷
- نخجوان، امیر موثق (سپهبد): ۳۸۰
- نراقی، ۲۶۴-۴۲۹-۴۴۴
- نریان، محمود: ۱۲۵-۳۶۵
- نصر، ولی الله خان (دکتر): ۲۹۴
- نصیری، عنایت الله: ۴۰۳-۴۱۷
- نصیری، محمد (دکتر): ۱۲۵
- نظام السلطان: ۱۹۸-۲۲۱-۲۲۲
- نظام الاسلام (پدر شریف امامی): ۱۰۲ تا ۱۰۵
- نظام مافی، حسینقلیخان، نظام السلطنه: ۱-۱۵-۲۰-۲۰-۴۲-۶۳-۶۴
- نظام السلطنه مافی، رضاقلیخان: ۱۵-۴۰ تا ۴۴-۶۳-۲۲۹
- نظام مافی، بتول: ۶۴
- نظام مافی، میرزا حسین خان: ۶۴
- نظام مافی، محمد علی: ۳۸۰-۳۹۱
- نفیسی، سعید (دکتر): ۱۸۲-
- نفیسی، عباس (دکتر): ۴۰۲
- نفیسی، لقمان: ۴۴۴
- نفیسی، مشرف (دکتر): ۳۷۲
- نقیب زاده: ۴۳۰
- نقیب سادات شیرازی: ۱۹۶
- نقوی، حسین: ۳۸۰
- نمازی، مهدی: ۳۷۱-۴۰۳-۴۴۴
- نواب، حسینقلی: ۲۱-۵۹-۷۲-۱۹۸
- نواب صفوی، مجتبی: ۲۲۴
- نواب، عبدالباقی (دکتر): ۴۰۳
- نواب، محمدحسین: ۲۸۵-۳۸۸
- نواب یزدی: ۱۶۶-۴۴۵
- نوائی: ۲۰۱-۳۷۱
- نوری زاده: ۳۷۱
- نوری، شیخ فضل الله (آیت الله): ۱۰۱-۱۰۵-۱۵۳-۱۵۶-۱۶۶-۱۷۲-۱۷۳-۱۸۳-۱۸۵-۱۸۶-۱۹۹-۲۰۳-۲۱۲ تا ۲۲۶

- ۳۵۵-۳۰۴-۲۶۳-
نوری، ضیاء الدین: ۴۲۹
نوری، میرزا آقاخان: ۶
نوری، شیخ مهدی: ۲۲۳-۲۲۵-۲۲۷-۳۱۸
نوری اسفندیاری، فرج الله (سرهنگ): ۵۲۲
نوز، بلژیکی: ۲۶۱-۲۶۳
نهاوندی، جلال الدین: ۴۲۸
نیرالسلطان: ۵۳
نیریزی، احمد: ۱۶۶
نیکپور، بهانگیر (ابراهیم): ۴۰۳-۴۰۴
نیکپور، عبدالحسین: ۳۸۱-۳۸۸-۳۸۹
۴۲۷-۴۴۴
نیک پی اعزاز: ۴۰۸
نیک پی، غلامرضا (دکتر): ۴۰۴-۴۰۷ تا
۴۱۰
نیک نژاد، کارمند مجلس: ۳۴۳
نیک نژاد، محمدتقی (دکتر): ۹۵
- و
وارسته، محمدعلی: ۵۷-۱۲۹-۱۳۶-۴۷۸
وارطان: ۴۲۹
واعظ قزوینی: ۳۴۴
والاتبار، ابوالفتح: ۲۸۰
والمونت: ۱۷۶
وثوق، حسن، وثوق الدوله: ث-۱-۷-۸-۹
۱۲-۱۷-۵۸ تا ۶۲-۷۲-۸۰-۱۲۲-۱۹۸
۲۳۳-۲۳۵-۲۳۹-۲۴۸-۲۹۳-۲۹۴
۳۲۵-۳۶۹-۴۰۴-۴۳۷
وحدانی (اسم مستعار): ۴۱۶
وحیدالملک: ۱۹۸-۳۶۱
وحیدصدر، محمردخان: ۴۲۸
وحیدنیا، سیف الله (دکتر): ۴۱۶
ورهرام، کریم (سپهبد): ۴۰۳-۴۰۵
- وکیل، محمدخان: ۴۲۷
وکیل کردستانی، میرزا محمدخان: ۴۳۰
وکیلی، علی: ۳۷۰-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۹
۴۳۰-۴۴۴
ولیکف گرجی: ۵۱
ویلسون، رئیس جمهور آمریکا: ۴۴
ویلیامز، سرتوماس: ۴۹۵
- ه
هارتویک، روسی: ۳۰۴
هاردینگ: ۲۶
هاشمی، سیدمحمد: ۳۲۵
هانس هواخیم، آلمانی: ۱۱۶
هایم: ۳۲۹
هراتی، محمد: ۳۶۶-۴۴۵
هژیر، عبدالحسین: ث-۲-۳-۱۵-۸۸-۲۶۵-
۲۶۸ تا ۲۷۰-۳۲۱-۳۶۳-۳۹۷-۴۴۴
هدایت، حسنعلی: ۴۴۴
هدایت، خسرو (مهندس): ۲۸۰-۴۴۴
هدایت، رضاقلی خان: ۴۲۸
هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۳۵۱-۳۵۰
هدایت، علیخان، مخبرالدوله: ۳۶-۶۵-۲۹۴-
۵۰۵
هدایت، علیقلی: ۴۴۴
هدایت، مخبرالملک: ۱۵۶-۱۶۰-۱۶۰-۲۴۸-۳۷۰
هدایت، مرتضی قلی، صنایع الدوله: ۲۹۳ تا
۲۹۸
هدایت، مهدیقلی، مخبرالسلطنه: ۲-۱۳-۱۵-
۱۷-۱۸-۲۶-۳۰-۳۲-۶۳-۶۵ تا ۷۰-
۱۵۲-۱۵۶-۲۹۸-۳۰۹-۳۱۳-۳۲۵
۳۷۰-۴۸۳-۵۱۸
هدایتی، محمدعلی (دکتر): ۴۴۴
هدایتی، میرزا حسین: ۴۲۹

- هشترودی، اسماعیل: ۲۳۶
 هندرسن: ۱۲۷-۱۲۸
 همایون، مؤید: ۴۱۳
 همایونفر، عزت الله (دکتر): ج
 همدانی، باقر: ۱۵۴-۳۶۹
 هومن، احمد (دکتر): ۴۴۴
 هویدا، امیرعباس: ج ۲-۴-۱۳ تا ۱۵-۱۰۹
 -۱۱۱-۱۱۸-۱۳۳-۱۳۸-۳۴۰-۳۶۴-
 ۴۰۵ تا ۴۰۸-۴۸۹
 هیتلر: خ
 هیوم، هوران (انتظام): ۱۳۹
 هیشت، علی: ۳۸۸
- یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۱۳۶-۴۰۲
 یزدی، تقیخان: ۱۶۶
 یزدی، علی: ۳۵۶
 یزدی، کاظم: ۴۲۷
 یزدی، محمدحسین: ۴۳۶
 یزدی، محمدحسین: ۴۲۸-۴۴۰
 یغمائی، حبیب: ۱۲۳
 یفرم خان ارمنی: ۵۱-۵۳-۱۶۰-۲۰۲-
 ۲۰۳-۲۳۲
 یگانگی، اسفندیار (دکتر): ۴۴۴
 یگانه، ناصر (دکتر): ۴۰۵-۶۰۶-۴۷۳-
 ۴۸۸
 یانی، زکی: ۱۱۶
 یمین نظام: ۲۲۲
 یمین اسفندیاری، اسدالله: ۲۷۳-۳۸۰-۳۸۸
 یوسفی: ۴۱۶
- ی
 یارافشار، پرویز: ۴۰۲-۴۰۳
 یاسائی: ۴۲۷
 یحیی میرزا: ۱۰۰-۱۸۱-۴۲۴
 یزدان پناه، عزت الله (دکتر): ۴۰۳-۴۰۵-
 ۴۰۶-۴۷۵-۴۹۵

یادآوری:

اسامی اعضای نخستین مجلس مؤسسان در صفحات ۴۲۷ تا ۴۳۰ و اسامی اعضای دومین مجلس مؤسسان در صفحات ۴۴۳ تا ۴۴۵ و اسامی تعدادی از خانواده های سرشناس در صفحه ۲۵۶ و عکس بعضی از نخست وزیران و مقامات در صفحات آخر کتاب به چاپ رسیده است.

فهرست اسامی جلد چهارم

- آوانسیان، آرداشس: ۲۷۲-۲۷۳-۳۲۳-۳۲۷
- آبکشی اوف: ۳۳۸
- آچسن: ۳۱۸
- آذرتکین، علی: ۲۳۵
- آراسته، نادر: ۱۳۲
- آرامش، احمد: ۴۷۵-۴۷۶-۵۱۳
- آرسن: ۳۶۳ و ۳۶۴
- آریانا، بهرام (ارتشبد): ۲۳۶
- آریان تاش، (ستوان دوم): ۳۲۶
- آزاد، امین، (سرتیپ): ۳۲۸
- آزاد، عبدالقدیر: ۱۲۴-۳۰۱-۳۰۹-۳۱۰
- ۵۱۳-۵۳۳
- آذر، (سرهنگ): ۲۷۲ تا ۲۷۵-۲۷۸-۴۶۵
- ۴۶۸-۵۰۰-۵۴۳
- آذری، میرآقا: ۵۴۷
- آسکونتو: ۹۳
- آشتیانی، جواد (دکتر): ۵۰۵
- آشتیانی، مهدی: ۲۴۵
- آشتیانی زاده، رضا: ۱۲۴
- آشوراوف: ۳۸۰
- آقاخان، صدرالدین: ۸۷ و ۸۸
- آقاخان، علی: ۸۷
- آقاخان محلاتی: ۷۸
- آقامیر، (مهندس): ۳۰۹
- آقایف، بهرام و محرم: ۳۳۰
- آن اولی، (سپهبد): ۲۳۳-۲۴۳-۴۶۱-۴۶۲
- ۵۲۲-۵۲۳
- آگاهی، (افسر توده ای): ۲۷۸-۵۶۴
- آل اسحق، سیخ محمد: ۴۲۸
- آل بویه، شیخ ابوالفضل: ۲۴۱-۳۰۸
- آلنده: ۱۷۸
- آنتونی، ایلدن: ۱۹۳
- آندره فونتن: ۴۵۲
- ابراهیم اوف: ۴۵۲-۴۶۵-۵۴۲-۵۴۷
- ابراهیم زاده (سروان - افسر فراری): ۴۶۸
- ابراهیمی، فریدون: ۳۲۵-۳۲۹-۳۳۴-۳۴۰
- ۳۸۷-۳۹۴-۵۰۱
- ابطحی، (سرهنگ - دکتر): ۲۳۳
- اتحادیه، مریم: ۱۵۰ تا ۱۵۲
- اتل (سفیر آلمان): ۲۳۱
- احتسابیان (سرهنگ): ۲۶۳
- احسانی، اصغر (افسر فراری): ۲۷۷ و ۲۷۸
- احمدی، اکبر (افسر فراری): ۴۶۷
- احمدی، هرمز: ۴۰۹-۴۱۱-۴۱۳
- احمدیان، کریم: ۴۸۴
- اخگر، احمد (سرهنگ): ۲۳۳
- اخوان، جواد: ۲۳۴
- اخوی، حسن (سرلشگر): ۴۵۵
- ادوارد (مارشال - درویش مراغه ای): ۳۹۰
- ادوارد هشتم: ۲۲۹
- ادوان پارو، ۹۶
- ارانی، تقی (دکتر): ۱۲۷-۱۳۱-۱۳۵-
- ۳۳۶-۳۳۹-۳۴۰
- ارباب محمد مهدی (جدّ فروغی): ۱۸۷
- ارباب مهدی یزدی: ۳۲۹
- اردبیلی، (ستوان): ۳۲۷
- اردلان، سیف الله: ۲۳۴
- اردویادی، محمدسعید: ۴۶۵
- ارسنجان، حسن (دکتر): ۳۱۸-۳۳۳-۳۷۰
- ۵۰۶-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۷ تا ۵۲۰
- ارفع، ابراهیم (سرتیپ): ۳۰۰

- ارفع، حسن (سر لشکر): ۱۳۲-۱۳۴-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۳-۳۲۰-۳۲۸-۳۲۹-۳۴۱-۳۹۵-۳۹۶-۴۰۰-۴۰۶-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۵-۴۶۶
- ارکانی، عبدالله: ۱۲۲-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۸-۱۳۵-۱۳۸-۱۳۷
- ارکانی، محمد جواد: ۱۳۷
- ارنست، بیرون: ۶۲-۶۷ تا ۶۹-۷۴-۱۱۴ تا ۱۱۷-۱۱۷-۳۵۵
- ارنست کینگ: ۲۲۳
- ازهارى، غلامرضا (ارتشبد): ۹
- استافورد، کریتس (سر): ۱۹۶
- استالین، ژوزف (مارشال): ۳۹-۲۱۸ تا ۲۲۹-۲۷۸-۲۸۰-۳۱۷-۳۳۳-۳۷۸ تا ۳۸۱-۴۱۷ تا ۴۹۹-۵۲۷-۵۲۸-۵۴۲-۵۴۵
- اسداللهی، رضا: ۲۷۹
- اسداللهی، محمد قاضی: ۲۷۹
- اسداللهی، محمود: ۴۶۷
- اسدی، سلمان: ۳۱۲-۳۴۶-۵۰۵-۵۲۲
- اسدی، محمدولی: ۱۸۶-۱۸۹-۱۹۴-۲۱۱
- اسعد، سهراب: ۱۹۴
- اسعد، منوچهر: ۴۱۳
- اسفندیاری، ثریا (ملکه سابق): ۲-۵-۷۴ تا ۱۷۴
- اسفندیاری، حسن (محتشم السلطنه): ۱۹۳-۲۴۵-۲۸۱-۳۰۰
- اسفندیاری، خلیل خان (بختیاری): ۷۴
- اسکندانی، (سرگرد): ۲۶۹-۲۷۲ تا ۲۷۸-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۷
- اسکندری، ایرج: ۲۷۲-۲۷۴-۳۲۳-۳۷۲-۳۷۶ تا ۳۷۸-۳۸۰-۳۸۴-۳۹۵-۴۰۰-۴۱۴-۴۷۲-۵۰۶
- اسکندری، امیر نصرت: ۳۲۲-۳۲۴
- اسکندری، عباس: ۵۱۰-۵۱۷-۵۳۶
- اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۹۰-۱۹۱-۱۹۳-۲۴۰-۳۷۸
- اسکورسینی (ناجی موسولینی): ۲۲۶ و ۲۲۷
- اسکوئی، حسین: ۲۳۴
- اسلامی، (دکتر): ۲۳۳
- اسلامی، مهین: ۱۲۴ تا ۱۲۶-۱۳۵
- اسمیرنوف: ۱۹۸-۱۹۹
- اشتری، حسین: ۱۳۵-۱۳۷
- اشرف (مهندس): ۲۳۴
- اشرفی، عبدالله (پاسیار): ۲۳۳
- اصغر زاده، بهلول (هماقر): ۱۵۷
- اصفهانى، سیدابوالحسن (آیه الله): ۲۴۴ تا ۲۴۷-۲۴۸
- اصلان، راننده شاه: ۱۳۱
- اعتماد الدوله: ۴۰۱
- اعتماد مقدم (سر تپ): ۲۶۳-۳۴۱
- اعتمادی (نصر الدوله): ۵۰۵
- اعتمادی (سرهنگ): ۲۶۳
- اعتمادیان، امیر: ۱۵۹
- اعلم، منصور: ۲۳۴
- افشار: ۵۳۶
- افشار قاسملو، حسین: ۵۰۵
- افطسی (تیمسار): ۲۳۳
- اقبال، خسرو: ۲۳۳-۳۰۹-۳۱۰
- اقبال، عبدالوهاب: ۲۳۴
- اقبال، علی: ۵۱۳
- اقبال، مریم: ۱۶۴
- اقبال، منوچهر (دکتر): ۱۱-۸۵-۸۹-۹۱-۱۲۰ تا ۱۲۲-۱۳۲-۱۶۴-۲۱۳-۲۸۱
- ۳۱۰-۳۱۷-۳۷۲-۳۷۹-۳۸۱-۴۹۷-۵۰۶-۵۰۸-۵۲۲-۵۲۴
- اکبر، حسن: ۵۳۳
- اکبر، میرزا کریم خان رشتی: ۳۲۰-۳۵۳ تا

۴۹۹-۳۵۶	اکبر، نعمت الله خان: ۳۵۴
۴۹۹-۳۵۶	اکبری، احمد: ۲۳۵
۴۹۹-۳۵۶	اکبریان، داود (هافر): ۱۵۸
۴۹۹-۳۵۶	القانیان، برادران: ۳۵۸
۴۹۹-۳۵۶	الموتی، مصطفی (دکتر): ت
۴۹۹-۳۵۶	الموتی، نورالدین: ۲۷۲-۳۷۲-۳۸۴-۳۹۸-
۵۰۶	۵۰۶
۵۰۶	الهی، احمد: ۴۸۳
۵۰۶	الهی، همایون (دکتر): ۲۰۲
۵۰۶	الهی، صمد: ۲۳۴
۵۰۶	الهامی، غلامرضا: ۳۲۵-۵۴۱
۵۰۶	الیاس بازن: ۲۲۸
۵۰۶	الیزابت (ملکه انگلیس): ۸۶-۱۷۵
۵۰۶	امامی اهری، علی اکبر: ۵۳۶
۵۰۶	امامی، (برادران): ۱۲۲
۵۰۶	امامی، تقی: ۶۲-۶۸-۶۹
۵۰۶	امامی، جمال: ۳۵۳-۳۵۶-۴۱۱-۵۳۵
۵۰۶	امان الله خان (پادشاه افغانستان): ۱۹۱
۵۰۶	امشه ای، علی اصغر خان: ۳۵۵
۵۰۶	امیدی، عابدی: ۱۵۸
۵۰۶	امیرانی، علی اصغر: ۳۴-۳۰۹
۵۰۶	امیراحمدی، احمد آقا خان (سپهد): ۱۹۱-۱۹۶
۵۰۶	-۲۶۰-۳۰۱-۳۰۳-۳۱۲-۳۱۳-۳۸۰-
۵۰۶	۴۱۵-۴۲۵-۴۶۱-۴۶۵-۵۰۶-۵۲۱ تا
۵۲۳	۵۲۳
۵۲۳	امیرخیزی، علی: ۵۴۲
۵۲۳	امیرسیف الدین: ۶۳
۵۲۳	امیر شرفی بدر، محمد حسین: ۲۳۴
۵۲۳	امیرصادقی، اصغر (راننده شاه): ۱۳۹
۵۲۳	امیرطهماسبی، عبدالله خان (سرلشکر): ۳۴۲-
۵۲۳	۱۹۱
۵۲۳	امیرعلایی، شمس الدین (دکتر): ۷۲-۱۶۳-
۵۰۶-۴۱۴	۵۰۶-۴۱۴
۵۰۶-۴۱۴	امیرعلایی، فتح اله: ۶۹
۵۰۶-۴۱۴	امیرکبیر: ۲۹۲
۵۰۶-۴۱۴	امیری: ۱۵۸
۵۰۶-۴۱۴	امین خونساری، جواد: ۲۳۴
۵۰۶-۴۱۴	امینی، ابوالقاسم: ۳۱۹
۵۰۶-۴۱۴	امینی ادیب (انسر ارتش): ۳۲۸
۵۰۶-۴۱۴	امینی (خانم سرهنگ): ۵۴
۵۰۶-۴۱۴	امینی، داود: ۲۳۶-۳۲۸
۵۰۶-۴۱۴	امینی، علی: ۱۴-۲۵۴-۳۱۷
۵۰۶-۴۱۴	امینی، محمود: ۲۲
۵۰۶-۴۱۴	انتظام، عبدالله: ۲۱۳
۵۰۶-۴۱۴	انتظام، نصرالله: ۱۹۳-۳۱۳
۵۰۶-۴۱۴	انتظام وزیر، علی (مهندس): ۲۳۴
۵۰۶-۴۱۴	اندرزگو، سید علی: ۱۵۷-۱۵۸
۵۰۶-۴۱۴	اندرو: ۹۸
۵۰۶-۴۱۴	انگس وارد (آمریکائی): ۴۵۱
۵۰۶-۴۱۴	انصاری (سرتیپ): ۲۶۳
۵۰۶-۴۱۴	انصاری (سرهنگ): ۲۳۳
۵۰۶-۴۱۴	انصاری، ولی الله (امیر ارتش): ۲۳۳
۵۰۶-۴۱۴	اورسلاندرس: ۱۱۰
۵۰۶-۴۱۴	اورنگی (دکتر): ۳۲۵-۳۴۴-۵۴۱
۵۰۶-۴۱۴	اوریانافالاچی: ۱۶۸-۱۷۲ تا ۱۷۷-۱۷۹-
۵۰۶-۴۱۴	۱۸۱
۵۰۶-۴۱۴	اهری، قاسم (دکتر): ۲۰۰
۵۰۶-۴۱۴	ایادی (دکتر): ۲۲-۷۷-۷۸-۸۰ تا ۸۳-۸۵-
۵۰۶-۴۱۴	۹۱
۵۰۶-۴۱۴	ایپکچیان: ۳۸۷
۵۰۶-۴۱۴	ایدن: ۲۰۶-۲۲۴-۲۲۵
۵۰۶-۴۱۴	ایلخان ظفریختیاری، امیر حسین خان: ۴۱۳
۵۰۶-۴۱۴	ایلخانی زاده، اسمعیل: ۴۸۳
۵۰۶-۴۱۴	ایلخانی زاده، عبدالرحمن: ۴۸۳
۵۰۶-۴۱۴	ایوان دوکارلو: ۱۱۰

ایوانف (مورخ روسی): ۲۳۵-۴۵۰

ایوبیان، سید محمد: ۴۸۳

ب

باہایان، (دکتر): ۲۳۳

باہاتیان، محمد علی: ۱۴۰

باقتانقلیچ، نادر (سپہبد): ۲۳۳

باربارا والترز (خبرنگار): ۳۰

باخ: ۱۷۵

بارون ادوارد تارا (عاشق ثریا): ۹۶

بارونیان، (پروفیسور روسی): ۵۰۹

باری روبین (نویسنده): ۲۲۰-۴۳۶-۴۵۲

بارزانی، (ملا مصطفی): ۴۶-۳۲۵-

۴۲۶-۴۶۴-۴۸۴ تا ۴۸۶-۴۸۸-۴۹۰

بازرگان، مہدی (مهندس): ۲۱۵

باستانی پاریزی: ب- ۱۴۷-۱۴۸-۲۱۰

باستانی، علی (مهندس): ۲۳۴

باغچہ بان: ۱۲۳

باقراوف، میرجعفر: ۳۲۵-۳۳۳-۳۳۸-۳۸۹

۴۳۸-۴۶۵-۴۹۸-۴۹۹-۵۴۲-۵۴۶

باقرخان: ۲۸۲-۳۳۶

بامداد، مہدی: ۳۱۸

باوانس، گرینفلد: ۲۳۴

باوند، شروین: ۳۶۸

بایندر (سرہنگ): ۲۶۳

بجنوردی (سردار معزز): ۱۹۴-۲۹۱-۲۹۴

بختیار، تیمور (سپہبد): ۳۶۱-۳۶۴-۳۶۵-

۴۶۴-۴۶۷

بختیار، جمشید: ۸۶

بختیار، شاپور (دکتر): ۱۰۶-۳۱۷

بختیار، مجید: ۸۶

بختیاری، اسعد: ۹۱

بختیاری، ابوالقاسم خان: ۴۰۹ تا ۴۱۴-۵۰۸

بختیاری، امیر بہمن: ۴۱۲-۴۱۵-۵۰۸

بختیاری، امیر قلی صمصام: ۴۱۵

بختیاری، جہان شاہ خان صمصام: ۴۰۸ تا ۴۱۵

۵۰۸-

بختیاری، مرتضی قلیخان: ۴۰۸ تا ۴۱۱-

۵۰۸-۴۱۵

بدرہ ای، (سپہبد): ۱۵۸

بروجردی، حسین (آیة اللہ): ۲۴۴ تا ۲۴۶

برقعی، سید عبداللہ (قاتل شہر یار شفیق): ۱۶۳

برہان الدولہ: ۲۹۰

بریہا (ہمکار استالین): ۳۳۶-۴۳۸-۵۴۵

بشیری، سیاوش: ۳۶۳

بصری، علی: ۲۸۵

بطحائی، طیفور: ۱۵۰ تا ۱۵۳

بقائی، حسن (سرلشکر): ۱۲۳-۲۳۳

بقائی، مظفر (دکتر): ۱۲۴-۱۳۴-۵۱۱-

۵۱۳-۵۲۵

بقراطی، ۱۲۷ تا ۱۲۹-۱۳۸-۳۶۷

بلوچ، حسین خان: ۱۴۷

بنوعزیزی، حسین (مهندس): ۲۳۴

بو اسحقی (سرہنگ): ۴۲۸-۴۲۹

بوتو، ذوالفقار علی: ۱۶۹

بوشہری، امیر ہمایون: ۲۳۳-۴۰۵ تا ۴۰۷-

۵۲۴

بونر، جیمز (وزیر خارجہ آمریکا): ۴۱۸

بورین (وزیر خارجہ انگلیس): ۲۲۸-۳۳۷-

۳۳۸-۴۱۹-۴۴۸

بہا عالمک قراگوزلو: ۱۹۳-۳۷۲

بہادر ماژور اسماعیل خان: ۲۹۱-۲۹۴

بہادری، احمد: ۵۳۶

بہار، ملک الشعرا: ۱۹۳-۲۹۱-۵۲۵

بہار مست، (سرلشکر): ۸۵-۲۶۳

بہبودی، سلیمان: ۶۵: ۱۲۹-۱۳۰

- بهبهانی، سیداحمد: ۳۰۶-۳۰۷-۳۴۸
 بهبهانی، سیدمحمد (آیه الله): ۸۵
 بهرامی، محمد (دکتر): ۲۷۲-۳۶۶
 بهرامی (سرهنگ): ۲۳۳
 بهرامی، فرج الله (دبیراعظم): ۱۹۳-۳۱۳-۳۱۴
 بهرامی، یوسف: ۷۲-۷۳
 بهزادی، ابوالقاسم: ۲۳۵
 بهلول، سرچوخه: ۲۷۸
 بهنام، علی: ۵۳۵
 بهنود، مسعود: ۱۹۰-۲۳۱-۲۸۶-۳۷۱-۴۲۹-۳۸۸
 بهیه (نلیبه فوزیه): ۶۵
 بیات، سهام السلطان: ۳۰۰-۳۱۶-۳۷۳
 بیریا، محمد: ۳۲۵-۳۲۶-۳۳۶-۳۳۷
 ۴۳۵-۴۳۹-۴۸۲-۵۴۱-۵۴۷
 پ
 پاتریک، هوزلی: ۲۲۰-۲۲۳
 پادگان، صادق: ۳۲۹-۳۴۰-۳۸۷-۴۶۹-۴۸۲-۵۴۴-۵۴۵
 پارسی نیا (سرهنگ): ۴۹۱
 پاکروان (مادام): ۲۰
 پاینده، ابوالقاسم: ۵۳۴
 پرنس محمدعلی پاشا: ۵۴-۵۹
 پزشکیان: ۲۷۸
 پل آرم: ۱۷۰
 پناهی، اصغر: ۷۷
 پناهیان، (ژنرال فرقه دموکرات): ۳۲۹-۳۹۴-۳۹۹-۴۶۲-۴۶۷-۴۷۹-۵۴۳-۵۴۴
 پورزند (سرلشگر): ۲۳۳
 پورکاشانی، منصور: ۱۴۳
 پوروالی، اسمعیل: ۴۳۹-۴۸۴-۵۱۸
 پورهرمزان: ۲۷۸
- پهلید، مهرداد: ۷۵-۷۶
 پهلوی، اشرف: ۶۱-۶۶-۶۹-۷۸-۸۲-۸۵-۸۸-۹۱ تا ۹۳-۱۰۵-۱۰۷-۱۱۰-۱۱۶-۱۵۹ تا ۱۶۵-۳۱۴-۳۶۷-۴۵۳-۵۲۷
 پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۷۲-۷۶-۸۲-۸۵-۱۶۴-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۶
 پهلوی، حمیدرضا: ۸۳-۱۳۰
 پهلوی، رضا (رضاشاه دوم): ۲-۳-۳۱-۱۰۲-۱۰۳
 پهلوی، شمس: ۶۹-۷۵-۷۷-۸۲-۸۸-۱۰۰-۱۱۶-۱۰۷
 پهلوی، شهناز: ۱-۷۱-۷۲-۸۴-۸۷ تا ۸۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۴
 پهلوی، عبدالرضا: ۹۰-۱۰۷
 پهلوی، علیرضا: ۸۲-۸۹-۱۰۵-۱۲۰-۱۳۹-۱۶۶
 پهلوی، غلامرضا: ۶۲-۸۳-۹۰-۳۵۵-۳۹۶
 پهلوی، فاطمه: ۷۶-۸۵-۱۵۱-۱۶۱
 پهلوی، فرحناز: ۱۰۳
 پهلوی، لیلا: ۱۰۳
 پهلوی، مهناز: ۱۰۰-۱۵۱
 پهلوی نیا (علی پاتریک): ۸۹
 پهلوی نیا، شهرام: ۱۶۴
 پیرایش، خانم: ۲۳۵
 پیرزاده (افسرقراری): ۲۷۷-۲۷۹-۲۷۹-۴۶۵
 پیرنظر: ۳۴۶
 پیرنیا، حسن (مشیرالدوله): ۱۹۰-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۹-۳۵۰
 پیرنیا، حسین (مؤتمن الملك): ۱۸۶-۱۹۰-۱۹۳-۳۱۸ تا ۳۲۰-۳۷۳-۴۴۶
 پیرنیا، حسین (دکتر): ۳۹۸
 پیشموری، جعفر: ۲۶۷-۲۷۴-۳۲۱ تا ۳۴۵-۳۶۱-۳۸۷ تا ۳۹۲-۴۰۰-۴۷۷

جاوید، سلام الله (دکتر): ۳۲۵-۳۲۹-۳۳۰-
 ۳۲۸-۳۷۸-۳۹۸-۳۹۹-۴۲۹ تا ۴۳۱-
 ۴۳۵-۴۶۶-۴۷۰-۴۷۷-۴۷۸-۴۸۲-
 ۵۰۱-۵۰۷-۵۰۹-۵۰۴-۵۴۳-۵۴۴
 جاویدنسب (سروان): ۱۵۴
 جرج آلن: ۴۴۳-۴۴۸-۴۵۳-۴۷۵-۵۱۸
 تا ۵۲۰
 جردن (دکتر): ۴۰۰-۴۰۱
 جزایری، ماه منیر (نقیسی - دکتر): ۲۰
 جعفریان، محمود: ۱۴۶
 جلال باپار: ۸۶
 جم، محمود: ۵۴-۵۵-۵۷-۶۳-۱۹۲-
 ۲۸۱-۵۲۴
 جمشیدی، رحمت الله: ۲۵۰-۱۵۲-۱۵۳
 جمشیدی فرد، ایرج: ۱۵۰
 جوادی (دکتر): ۱۵۷
 جوان (دکتر): ۲۰۰
 جوانشیر، لطیف (مهندس): ۲۳۴
 جودت، دکتر: ۱۲۲-۱۲۷-۱۳۸-۳۳۶-
 ۳۶۳-۳۶۶-۳۶۶-۵۰۷-۵۴۲-
 جودت (سروان): ۳۲۶
 جهانبانی، مسعود (همسرشهناز پهلوی): ۷۱
 جهاننگلو (سرگرد): ۲۳۳
 جهاننگلو (سرهنگ): ۲۳۳
 جهانشاهلو (دکتر): ۳۴۰-۳۴۲-۳۸۷-۴۶۷-
 ۵۰۰-۵۳۹-۵۴۵
 جهانشاهی، شفیع: ۴۱۱
 جین ترنر: ۱۱۰

ج

چارلز ابرهلمن: ۲۲۳
 چائوشسکو: ۱۲

تاج بخش: ۳۰۹

تالبرک، فرید (مهندس): ۲۳۴

تجدد رضا: ۱۹۳

تدین، محمد: ۲۳۹-۳۱۵

ترات: ۴۰۹-۴۷۹-۵۰۸

ترقی، لطف الله: ۵۳۴

تزاروس: ۸۷-۱۰۴-۲۱۹-۲۲۹

تفرشیان: ۲۷۶-۲۷۷-۳۲۶-۴۶۶

تفضلی، جهانگیر: ۲۳۳-۳۰۹-۳۱۰-۳۴۶

-۴۸۴

تقوی، حاج سید نصر الله: ۲۴۵

تقی زاده، سید حسن: ۱۹۳-۲۸۱-۴۶۰ -

۵۱۰

ترومن: ۴۲۳-۴۳۷-۴۳۸-۴۴۴-۴۵۲ تا

۴۵۴-۴۶۳-۴۷۵

تهرانچی، محمدرضا: ۳۰۶

تیتو (مارشال): ۱۲-۱۳

تیمور، موسی: ۲۳۴

تیمورتاش، عبدالحسین: ۲۰-۲۱-۷۸-۱۹۱

-۱۹۲-۲۵۲-۲۹۳

تیمورتاش (فرزندان): ۱۹۴-۵۰۵

ث

ثابتی، مسعود (مؤید): ۵۰۴-۵۰۵-۵۳۶

ثقة الاسلامی: ۳۲۴

ثقفی (تیمسار): ۱۳۵

ج

جان پاتیکر (سرگرد): ۲۲۳

حمزای (دیپلمات): ۱۴-۱۵

چرچیل، وینستون: ۸۶-۱۱۲-۲۰۲-۲۰۴

۲۰۵-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۲ تا ۲۲۸-۳۸۱-

۵۱۸-۴۱۸

چهاردهی، قنبر: ۵۳۷

چیانکاپشک: ۲۲۲

خ

خاتم، محمد (ارتشبد): ۱۶۴

خامه ای، انور: ۱۳۳-۲۷۱-۳۳۴-۳۳۸-

۳۶۲

خراسانی، رشید: ۱۵۷

خردمند، احمد رضا: ۱۵۵

خروشچف: ۸۶-۴۳۸-۴۳۹-۴۹۹

خزاعی (سرلشگر): ۲۹۲

خزعل (شیخ): ۱۹۴-۴۶۱-۵۰۷

خزعل، جاسب: ۴۶۱

خزعل، شیخ احمد: ۵۰۷

خسروانی، پرویز (سپهبد): ۲۹-۱۵۳

خسروانی، شهاب: ۵۲۶

خسروانی، مرتضی (سپهبد): ۱۲۲

خسروی، خلیل: ۴۸۳

خضری اشنوبه، قاضی محمد: ۴۸۲

خلخال، صادق: ۱۶۱-۱۶۳

خلعت بری، رحمانقلی: ۳۳۴

خلعت بری، محمدرضا: ۲۳۴

خلعت بری (سپهسالار تنکابنی): ۱۹۲-۳۵۴

خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۱۲-۳۲۶-

۴۶۵

خلیلی، سید اسماعیل: ۳۰۱

خلیلی، عباس: ۱۱-۲۹۶-۳۲۱

خینی، سید روح الله: ۲۹-۴۲-۴۵-۱۶۲

-۲۱۴-۲۴۶-۴۰۱

خواجه نوری، ابراهیم: ۱۸۸

خواجه نوری، فروغ: ۱۵۹

خوان کارلوس (پادشاه اسپانیا): ۴۷

خوشتاریا: ۳۵۰

ح

حاتمی، هدایت الله: ۲۷۹-۴۶۵-۴۶۶

حاتری زاده، سید ابوالحسن: ۱۲۳-۵۰۶

۵۱۳-

حاتری، شاه باغ: ۷۲

حبيب الهی، دریا سالار: ۱۶۵

حجازی، حشمت الله: ۲۳۴

حجازی (دکتر): ۱۲۲

حجازی، عبدالحسین (ارتشبد): ۴۱۱-۴۱۴

-۴۱۵-۵۰۸

حجازی (سید محمد باقر): ۱۲۲

حداد: ۱۲۴

حداد، حاج حسن: ۱۳۵

حسام وزیری، محمد حسین: ۱۲۴

حسن زاده، (سروان): ۱۵۴

حسین پاشا: ۵۵-۵۶

حسینی، حیدر: ۲۶۸

حشمت الدوله والاتبار: ۸۵

حقتناس، جهانگیر (مهندس): ۳۹۸-۵۰۹

حکمت، علی اصغر: ۳۰۴-۵۲۲-۵۲۴

حکمت، رضا (سردار فاخر): ۴۰۵-۴۰۴ تا

۵۰۶-۵۱۰-۵۱۷-۵۲۵

حکمی (دکتر): ۵۰۱

حکیم الملك (ابراهیم): ۸۹-۱۹۳-۲۸۱-

-۲۸۳ تا ۳۱۶ تا ۳۷۲-۳۹۱-۴۲۱-

۴۴۳-۴۵۸-۴۶۰-۴۶۱-۴۷۰

حمیدی، مصطفی: ۲۳۴

خوشنود، علی اکبر: ۵۱۳
خونساری، پرویز: ۱۴۳
خونی (امام جمعه): ۲۴۵
خیابانی: ۳۳۶
خیرخواه، حسین: ۱۹۲
خیلتاش، حبیب: ۲۳۴

د

داراب، خانم: ۲۳۵
داراب، اسداف: ۳۳۰
داریا (دکتر): ۵۱۹
داریوش: ۱۷۰
دادمرز، ابراهیم: ۵۴
دانش، بهرام: ۲۷۴ تا ۲۷۷
دانشیان، غلام یحیی: ۳۳۸-۳۴۰-۳۹۲-
۳۹۵ تا ۴۶۶ تا ۴۶۷-۴۷۹-۴۹۵-۴۹۹ تا
۵۰۱-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۴-۵۴۶-۵۴۷

دانشیان، کرامت الله: ۱۵۰

داور، علی اکبر: ۱۹۲
دبیرنیا (ستوان یکم): ۳۲۶
دریاباری (استوار): ۱۵۷
درخشانی، سرتیپ: ۳۲۴-۳۲۸-۳۲۹-
۴۲۴-۴۵۸-۴۵۹
درگاهی (سرتیپ): ۱۹۱
دریفوس: ۲۳۹

دشتی، علی: ۶۱-۲۸۵-۳۵۳-۳۵۶

دشتی، محمدحسین: ۲۳۴
دفتری، محمد (سرلشگر): ۱۲۰-۱۳۲-۳۶۰-
۴۹۱

دوک ویندسور: ۹۰

دوگل ژنرال: ۱۵۰
دولت آبادی، حسام: ۳۵۳-۴۱۱
دولت آبادی، میرزایحیی: ۱۹۱

دولو، اشرف الملوك: ۲۹۶

دولو، محمود (امیر ارتش): ۲۳۳

دولوهی، کارل: ۲۳۴

دومینگوین: ۹۳

دهقان، احمد: ۳۰۹-۳۱۰-۵۳۳

دیانت، افسر فرقه دموکرات: ۳۲۶

دیبا، اسفندیار (دکتر): ۱۰۶

دیبا، عبدالحسین: ۱۹۴

دیبا طباطبائی: ۱۰۵

دیبا، فرح (شهبانو): ۲-۳۵-۳۶-۴۰-۵۰-

۷۲-۹۳-۹۴-۹۸ تا ۱۱۳-۱۴۸-۱۵۰-

۱۵۱-۱۷۴-۱۷۵

دیبا، منوچهر: ۱۰۵

دیلمقانی، صادق: ۳۸۷

دیوسالار، خانم: ۶۸

ذ

ذوالفقاریاشا: ۵۹-۶۱-۱۱۲

ذوالفقاری، برادران: ۳۲۲-۴۷۶-۵۰۲

ر

راجی، پرویز: ۱۹۴

راجی، عبدالحسین (دکتر): ۵۲۵

رادمنش (دکتر): ۱۲۷-۱۳۹-۲۷۱-۳۷۸-

۳۸۰-۳۹۸-۴۷۲

رازی، ابراهیم: ۱۵۱

رازی، فرهنگ: ۱۵۲

راسپوتین: ۱۹۱

راشد (واعظ): ۴۴

رائین، اسماعیل: ۴۷۶

رجائی، محمدعلی: ۱۵۷

رجبی، داوود (مهندس): ۲۳۳

رحیم، اسماعیل: ۱۲۳

رحیمیان، غلامحسین: ۵۳۶

رزم آرا (سپهبد حاجی علی) از ۱ تا ۴۷۶ در بیشتر صفحات.

رزم آور ۲۷۹

رسولی، حسن: ۱۴۲

رسولی، رضا: ۳۲۵-۵۴۱

رشاد، محمد: ۳۰۴-۳۱۱

رشدی ارس (سفیر ترکیه): ۵۳

رشدیه: ۳۴۴

رشیدیاسمی (دکتر): ۵۴

رشیدیان، اسدالله: ۴۱۴-۴۵۱-۵۰۸

رشیدیان، حبیب الله: ۴۱۱-۴۱۳-۴۱۵

۵۰۸-۴۵۱

رصدی: ۲۷۲-۲۷۸-۲۷۹

رضائی، رضا: ۱۶۰

رضائی، علی: ۱۶۳

رضانور، رضی (دکتر): ۲۳۳

رضوی احمد (مهندس): ۵۲۵-۵۲۶

رضوی، حمید: ۳۴۶

رئیس التجار: ۲۹۳

رئیس دانا: ۲۷۷

رفعت، نصرالله: ۲۳۴

رفعتیان (سرهنگ): ۶۸

رفیع، حاج آقارضا: ۱۹۱-۱۹۲

رفیعی: ۲۷۸

رمضانی (دکتر): ۲۳۴

رنجبر، (ستوان): ۴۶۶

روحانی، فؤاد (دکتر): ۴۷۲

روزبه، خسرو: ۱۳۳-۲۷۲-۲۷۳-۳۴۰

۳۶۰-۳۶۱-۳۶۳-۳۶۴

روزولت: ۲۱۸ تا ۲۲۸-۲۸۱-۴۱۸-۴۳۸-۹

۴۶۳-۴۵

روزولت (سرهنگ): ۲۲۳

روزنبرک: ۸۳

روت استیونس: ۷۴

رودکی، حسین (مهندس): ۲۳۴

روستا، رضا: ۱۲۲-۲۷۲-۳۳۲-۴۰۰

۵۰۷-۵۰۹

روشن، محمدعلی: ۲۰۰-۲۰۱

رومل، (ژنرال انگلیسی): ۲۰۴

رومیوریاشی: ۹۶

رهنما، زین العابدین: ۱۹۳

ریاضی (سرلشگر): ۴۳۹-۴۴۸-۴۵۸

ریشارد، عباس: ۲۳۴

ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۰۰-۱۴

ز

زاهدی، اردشیر: ۷۱-۸۸-۸۹-۱۰۴-۱۰۶

زاهدی، رضا: ۱۲۵-۱۳۴

زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۸۵-۱۵۶-۲۱۶

۲۳۲-۲۳۳-۲۳۷ تا ۲۳۹-۲۴۲-۲۴۳

۲۴۳-۳۳۰-۳۳۱-۴۰۴ تا ۴۰۸

۴۶۲

زاهدی، لطف الله (سروان): ۲۳۳

زاهدی، رضا (مهندس): ۲۳۴

زاید شیخ: ۴۴

زومهر (مهندس): ۳۰۹

زعیمی، حسین: ۵۳۳

زند، ابراهیم: ۳۰۹

زند، پری سیما: ۸۳-۱۰۷

زنده دل، سرهنگ: ۲۳۳

زنگنه (سرلشگر): ۴۵۹

زنگنه، عزیز: ۲۳۴

زیرک زاده، احمد (مهندس): ۵۰۹

ژ

ژاکوب، ویکتور: ۲۳۴

ژرارد و ویلیه: ۳۵-۷۴-۱۳۰
ژرژت (مارشال) ۲۲۳
ژوتل گریون: ۳۶

س

سادات، انور: ۴۷

سادچیکف (سفیر شوروی): ۳۴۹-۳۵۰ تا ۵۲
۳-۳۷۴-۳۸۰-۳۸۱-۳۹۱-۴۰۳-۴۱۲

۴۱۶-۴۱۹-۴۲۰-۴۴۰-۴۴۶-۴۴۷-

۵۱۷ تا ۵۲۰-۵۲۸-۵۴۴-۵۴۵

ساری، عباسعلی (استوار): ۱۴۶

ساعده، محمد: ۲۱-۱۳۳-۱۹۶-۱۹۷-۲۲۰

- ۲۸۱-۳۰۰-۳۱۶-۳۵۷

ساغری، حسن: ۱۳۵

سالار، یحیی: ۳۲۸

سالاری (سرلشکر): ۱۲۰

سپهبدی، انوشیروان: ۲۱-۳۸۰-۵۰۶

سپهر، مورخ الدوله: ۳۱۷-۳۱۸-۳۵۳-

۳۵۵-۳۵۶-۳۶۹-۳۷۲ تا ۳۸۷-۳۹۱-

۳۹۸

سپهری، ابراهیم: ۲۳۳

سپیده: ۱۱۰-۱۱۱

ستارخان: ۲۸۲-۳۲۴-۳۳۶-۳۴۱

سجادی، محمد (دکتر): ۲۳۳-۲۸۱-۵۲۴-

سخانی: ۱۳۴

سرایبی، اسکند: ۱۲۷-۳۶۳

سرتیپ زاده (کارگشا): ۷۹-۲۳۳

سریدر یولارد: ۱۹۸-۱۹۹-۲۲۸-۲۳۹-

۲۳۹-۳۱۶-۳۱۸-۳۷۳-۴۵۹-۴۷۲

سرهبو سیسرون: ۲۲۸

سرور السلطنه: ۱۹۲

سعیدی فیروزآبادی، جواد: ۵۳۴

سلامت بخش، اسماعیل: ۱۵۸

سلجوقی، عباس (مهندس): ۲۳۴

سلحشور: ۳۱۰

سلطان قابوس: ۴۷

سلطانی، جعفر: ۳۲۶

سلطانعلی، کدخدای: ۲۳۴

سلیمی (افسر فراری): ۲۷۷-۲۷۷-۴۶۵

سلیمی، عزت الله: ۲۳۴

سماکار، عباسعلی: ۱۵۰-۱۵۲-۱۵۳

سمرول (ژنرال): ۲۲۳

سمیتقو، اسماعیل: ۲۸۶

سمیعی، احمد: ۱۴۱-۳۵۵

سمیعی، هوشنگ (مهندس): ۲۳۴

سنجایی، دکتر کریم: ۲۱۵

سنندجی سالار، سعید: ۳۵۳

سیاح، حمید: ۳۴۵

سیاح (دکتر): ۵۰۵

سیادتی، محمد: ۲۳۴

سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۱-۲۰۷

سیامک (سرهنگ): ۱۳۵-۳۴۰-۴۲۹

سیاهپوش، مرتضی: ۱۵۰-۱۵۲

سیف قاضی: ۳۲۵-۳۸۷-۳۹۲-۴۷۱-

۴۸۲ تا ۴۹۳

سیلوانا مانگانو: ۱۱۰

سهیلی، علی: ۱۹۳-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۹-

۲۱۸-۲۲۰-۲۲۳-۲۳۰-۲۳۲-۲۴۰-

۲۴۴-۲۴۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۹-۲۶۰-

۲۶۲-۲۶۴-۲۶۷-۲۹۸-۳۰۸-۳۱۵-

۳۱۶-۳۵۷-۳۷۳-۳۷۸-۴۷۰

ش

شاپورزاده، رضا: ۱۵۷

شادمان، جلال: ۳۰۹

شادمان، ضیاالدین (دکتر): ۳۱۰

شواتسکف: ۴۵۰-۵۱۱	شائومیان: ۲۲۹
شوسترمورگان: ۲۸۶-۳۵۰	شاه بختی (سپهبد): ۱۹۱-۲۵۲-۲۵۵
شوشین صدراعظم: ۲۲۶	شاهقلی, (سرگرد): ۱۲۶
شولتسه هولتوس: ۲۲۷-۲۳۱-۲۳۷-۲۳۸	نوری, حسین: ۲۳۴
شهاب بختیاری, سلطانعلی: ۲۳۴	شاهنده, عباس: ۳۸۹
شهاب فردوس, سیدولی الله: ۳۸۰	شاهید, جعفر: ۵۳۴
شهبازی, افسر فراری: ۲۷۷-۲۷۸	شاهین (ناخدا دوم): ۲۶۳
شهراسبی, حرمت الله: ۲۳۴	شایگان (دکتر): ۳۸۳
شهرستانی (آیه الله): ۱۲۴	شبهستری, علی: ۳۲۵-۳۹۸-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۵
شهرزاد, رضا کمال: ۱۹۲	۴۳۵-۴۶۹-۴۷۷-۴۷۸-۴۸۲-۵۰۱
شهبواران, رجبعلی: ۲۳۴	۵۴۴
شهیدی (افسر فراری): ۴۷۹	شجاعی (سرگرد): ۴۲۹
شیردل, اسماعیل: ۲۳۴	شجره, حسین: ۳۱۰
شیروانی, ابوطالب: ۴۱۰ تا ۴۱۵-۵۰۸	شریعت زاده, احمد: ۲۴۰
شیرین بیگ, اسماعیل: ۶۵-۷۱	شریف امامی, مهندس جعفر: ۲۱۴-۲۳۳
شیخ المغربي: ۵۲-۵۳	شریفی, (افسر ارتش): ۲۷۷-۲۷۸
شیخ حاج بابا: ۳۲۵-۴۸۳-۴۸۷ تا ۴۸۹	شروین, محمود (دکتر): ۲۳۴
	شغاتی, احمد, پروفیسور: ۲۷۵-۲۷۷-۴۶۵-۴۸۰
ص	
صادق خان, راننده شاه: ۲۴	شغاتی (سر لشکر): ۲۱-۸۵-۱۹۶-۵۲۷
صادق, صادق, مستشار الدوله: ۱۹۳-۲۸۱-	شفق, دکتر رضازاده: ۳۴۶-۳۴۷-۵۱۶-
۳۸۷-۳۷۲	۵۱۸
صادقی, ابوالحسن: ۳۱۹-۵۰۶-۵۳۳	شفقت, جعفر (ارتشبد): ۱۲۱
صادقی متقی: ۱۵۴	شفیق, آزاده: ۱۶۲-۱۶۶-۲۱۴
صالح, اللهبیار: ۳۰۴-۳۱۳-۳۷۶-۳۹۸-	شفیق, احمد: ۱۶۴-۳۵۵
۴۱۱-۴۱۴-۵۰۴-۵۰۶	شفیق, شهریار: ۱۶۱ تا ۱۶۷
صدر, سیدرضا: ۱۹۲-۲۴۵	شقایق, ثریا والا: ۲۵۳
صدر محسن (صدر الاشراف): ۲۶۸-۲۷۰-	شقایق, (سرهنگ): ۲۵۳-۲۶۲-۴۲۸
۳۰۱-۳۱۶-۳۲۸-۳۴۱-۴۲۱	شکاک, عمر خان: ۳۲۵-۴۸۲
صدر قاضی, ابوالقاسم: ۴۸۶-۴۸۹ تا ۴۹۱-	شکرانی: ۳۲۸
۴۹۳-۵۰۹	شمسانی, احمد: ۲۳۴
صدوقی (مهندس): ۳۰۹	شمس آبادی: ۱۱۹-۱۴۰-۱۴۲-۱۴۴ تا
صدیق اعلم (دکتر): ۲۱۳-۲۴۵	۱۴۶

۲۸-۲۸۵-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۵ تا ۲۹۷-

۳۱۸-۳۲۱-۳۲۳-۳۴۳-۳۴۶-۳۵۳-

۳۵۶-۳۵۷-۳۷۴-۳۸۸-۳۹۰-۴۰۷-

۴۱۱

طباطبائی، سید محمد صادق: ۱۲۴-۲۶۴-

۲۶۵-۲۶۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۵۵

طباطبائی مجتبی: ۱۹۲

طبری، احسان: ۱۲۲-۱۲۷-۱۲۹-۱۳۵-

۱۳۶-۱۳۸-۲۷۹-۳۳۲-۳۷۶-۵۴۳

طوفانیان: اسدالله: ۳۰۹-۳۱۰-

ظ

ظفر، فروغ: ۷۶-۸۰-۸۳-۸۶-

ظفر، قباد: ۸۶

ظهیر الاسلام: ۲۹۳

ع

عارف، قزوینی: ۲۹۵

عالمپور، علی: ۲۳۴

عالیشوندی، غلامرضا: ۲۳۴

عامری، جواد: ۳۵۴ تا ۳۴۷-۳۸۵

عامری، مهدی (پاسیار): ۲۳۳

عاملی، باقر (دکتر): ۲۷۶

عباسی، ابوالحسن (سروان فراری): ۲۷۲-

۳۶۰-۳۶۳ تا ۳۶۵-۳۶۷

عباسی، محمد: ۵۳۶

عبدالرسول (سریاسیان): ۱۳۴

عبدالله زاده (دکتر): ۴۶۸

عبدالناصر: ۴۷

عدل (دیپلمات): ۲۱

عدل یحیی، پروفیسور: ۸۶

عدل، احمد حسین: ۵۲۲-۵۲۴

صدیق، محمد علی: ۲۳۳

صدیقی، عبدالله: ۲۳۵

صفاری، محمد علی (سرتیپ): ۱۲۰-۱۲۱-

۱۲۸-۳۵۵-۳۵۶-۴۰۵-۴۱۲-۴۱۵-

۵۲۹

صفاری، رحیم: ۵۳۴

صفاری (مهندس): ۲۳۳

صفائی، ابراهیم: ۱۹۶-۲۸۵

صفرزاده، حسن: ۱۳۵

صفوت (سرگرد): ۳۲۶

صفوی، حسن (دکتر): ۱۴۲

صفوی، شکرالله: ۵۳۳

صلح جو (سروان): ۴۲۹

صمصام السلطنه: ۲۹۰

صوفی، نصرت الله: ۲۳۳

صولتی، سرهنگ: ۲۳۳

ض

ضرابی، ابراهیم (سرلشکر): ۲۷۰-۴۶۳-

۴۶۴-۴۷۹

ضرغامپور: ۲۶۲

ضیاء پور: ۵۳۵

ضیاء مهر (ستوان یکم): ۳۲۷

ط

طالب یزدی: ۲۴۸

طاهری، امیر: ۱۴۲

طاهری، محمد: ۱۵۷

طاهری، هادی (دکتر): ۳۱۸-۳۲۲-۳۵۳-

۳۵۶-۳۷۴-۴۱۱

طبا، عبدالحسین (دکتر): ۵۱۷-۵۲۵

طباطبائی، احمد: ۳۰۹

طباطبائی، سیدضیاءالدین: ۱۳۳-۲۶۷-

غ

- عدل، غلامرضا (دکتر): ۵۴۰-
 عدل، منصور السلطنه: ۵۲۲
 عدل منوچهر: ۲۳۴
 عسل بیگ: ۶۲
 عطاء (سرهنگ): ۴۹۲
 عظیم، یوسف: ۳۰۴-۳۰۵-۳۱۱-۳۲۵-
 ۳۴۴-۵۴۱
 عظیم خان (برادرستارخان): ۳۲۴-۳۴۲
 عظیمی، (افسرقراری): ۴۶۵-۵۴۳
 علاء - حسین: ۵۵-۵۶-۶۱-۷۲-۸۳-۹۲-
 ۱۸۹-۲۸۶-۳۱۸-۴۱۶-۴۱۷-۴۲۱ تا
 -۴۲۴-۴۴۲-۴۴۶-۴۵۴-۴۷۱-۴۷۴-
 علاء (سرهنگ): ۳۴۰
 علاء، ایران: ۷۴
 علامه زاده، محمدرضا: ۱۵۰ تا ۱۵۳
 علم، امیراسدالله: ۷۹-۸۵-۸۷
 علم (شوکت الملک): ۲۹۱-۲۹۴
 علوی، ابوالحسن: ۲۳۴
 علوی، بزرگ: ۳۳۷-۴۸۴
 علوی، علی: ۱۲۷-۱۲۸-۱۳۰-۲۷۹
 علوی (مهندس): ۳۶۶
 علوی مقدم، محمدعلی (سرلشکر): ۳۹۲-
 ۴۶۳
 علی آبادی، جواد: ۲۳۴
 علی اوف: ۸۷-۹۱-۳۱۷-۳۱۸
 علیزاده: ۳۴۰
 علیزاده، صالح ستوان: ۲۳۳
 عمیدی نوری، ابوالحسن: ۳۰۴-۳۲۲-۳۴۰-
 -۳۴۱-۳۴۶-۳۴۷-۳۵۷-۵۰۶-۵۱۰-
 ۵۳۳-۵۳۴
 عنایت، حمید (دکتر): ۱۴۲
- غروی، (مهندس): ۱۲۴
 غفاری، علی: ۳۰۹
 غفاری، علیقلی: ۲۳۴
 غنی، امین: ۶۵
 غنی، قاسم (دکتر): ۵۳-۵۷-۶۱-۶۳-۶۵
 - ۶۶-۲۱۲-۲۲۰
- ف
- فاتح، مصطفی: ۳۵۴-۳۵۹
 فاروق، پادشاه مصر: ۴۷-۵۰ تا ۷۰ تا ۱۱۱ تا
 ۱۱۳
 فاضلی، حسین: ۲۷۶-۲۷۷
 فاطمی، حسین (دکتر): ۲۹-۲۷۶-۲۷۶-۵۳۶
 فاطمی، عماد السلطنه: ۳۳۲-۴۰۴
 فانتل، مادام: ۷۸
 فائزه: ۴۸-۶۲
 فایقه، خواهر فوزیه: ۶۲
 فتحی، بیوک: ۲۳۴
 فتحی، (سروان): ۲۳۳
 فتحی (مهندس): ۲۳۴
 فخرآرائی، ناصر: ۱۱۹ تا ۱۳۹
 فرازیان: ۱۶۳
 فراهرزی، احمد: ۵۳۳
 فراهرزی، عبدالرحمن: ۴۰۷-۵۳۳
 فرانس، ویلهلم: ۲۳۴
 فرانکو: ۴۷
 فرانکو آندونیا: ۹۶
 فردوسی: الف
- فرخ، مهدی (معتصم السلطنه): ۲۶۲-۲۸۹-
 ۲۹۲-۲۹۴-۳۱۱-۳۱۵-۳۲۷-۳۹۱-
 ۳۹۹-۴۰۰-۵۱۲-۵۳۷

- فرخو، جواد: ۲۳۴
- فردوست، حسین: ۱۷-۲۲ تا ۲۴-۶۲-
- ۶۷-۶۹-۷۰-۸۶-۱۰۷-۱۴۴-۱۱۶-
- ۱۴۴-۱۶۲-۱۶۳-۳۵۵-۳۶۵-۴۷۸
- فرزانه پور، اسدالله (دکتر): ۲۳۴
- فرزانگان، صادق: ۲۳۴
- فرزین، منوچهر: ۲۳۴
- فرمانفرما، ناصرالدوله: ۱۴۷
- فرمانفرمائیان، محمدولی میرزا: ۳۸۷-۳۹۱-
- ۳۹۸-۵۰۶
- فروتن (دکتر): ۱۳۵-۳۶۶
- فرزانفر، بدیع الزمان (دکتر): ۲۴۵
- فروزش، زین العابدین: ۵۰۶-۵۰۹-۵۱۰
- فروغی، محمدحسین: ۱۸۵-۱۸۷
- فروغی، محمدعلی (ذکاء الملك): ۲۴-۸۶-۱۱۸-
- ۱۸۵ تا ۲۳۲-۳۱۶-۳۴۱-۳۴۲-۴۵۵-
- ۵۴۲
- فروغی، محمود: ۲۱۴
- فروغی، مسعود: ۲۱۳
- فروغیان: ۲۷۹
- فروهر (سرهنگ): ۲۳۳
- فروهر، غلامحسین: ۳۹۸-۵۰۵-۵۲۲-۵۲۴
- فرهنگ، ابراهیم: ۱۵۱
- فرهنگ (دکتر): ۴۷۷
- فرهنگ، شکوه (میرزادگی): ۱۵۰ تا ۱۵۲
- فرهی، فرهنگ: ۳۹۰
- فریال: ۱۵
- فریده، ملکه مصر: ۵۴-۶۱-۱۱۲
- فریور (سرگرد): ۴۲۹
- فریور، غلامعلی (مهندس): ۵۰۴-۵۰۶
- فقیه، عبدالصمد: ۲۳۴
- فقیهی شیرازی، سید عبدالکریم (دکتر): ۱۲۳
- ۱۲۵-۱۲۶-۱۳۴-۱۳۷-
- فلاح، ابراهیم (دکتر): ۳۸۲
- فلاح، فاطمه (دکتر): ۳۸۲
- فواد، احمد: ۴۷-۶۳
- فورتولان، ازدر: ۲۳۵
- فوزیه (ملکه سابق): ۱-۲-۴-۵۱-۵۳-۵۵
- ۵۸ تا ۶۱ تا ۶۳-۶۶-۷۶-۸۱-۸۲-۹۹
- ۱۰۰-۱۰۷-۱۰۹-۱۱۳-۱۷۴-۲۵۲-
- فیتروی مک لین: ۲۴۳
- فیروز (سرلشکر): ۲۵۵-۳۹۱
- فیروز، مریم: ۳۶۰-۳۶۱-۳۶۴-۳۹۷
- فیروز، مظفر: ۱۹۴-۳۱۸-۳۲۰-۳۲۱-
- ۳۲۹-۳۵۸-۳۵۹-۳۷۰ تا ۴۶۳-۴۷۴
- ۵۰۹ تا ۵۱۳-۵۳۷
- فیروز، نصرت الدوله: ۱۹۴-۳۸۸-۴۰۰ تا
- ۴۰۲
- فیض، آیه الله: ۷۹
- فیض بخش، جعفر: ۲۳۵
- فیوضی (سرهنگ): ۴۹۱
- ق
- قآنی، حکیم: ۱۸
- قاجار، احمدشاه: ۵۳-۲۸۱-۲۸۸-۲۸۹-
- ۲۹۳
- قاجار، حمیدرضا: ۱۱۷
- قاجار، فتحعلیشاه: ۱۴۸
- قاجار، محمدعلیشاه: ۲۵۸
- قاجار، مظفرالدین شاه: ۱۸۸-۲۸۳
- قاجار، ناصرالدینشاه: ۲۸۳-۲۸۵
- قاسم زاده مهدی (مهندس): ۲۳۴
- قاسمی، احمد: ۱۲۲-۱۲۷ تا ۱۲۹-۱۳۵-۱۳۸-
- ۲۷۷-۲۷۸-۳۶۴-۳۶۶-۳۷۸-۴۸۰-
- قاسمی، شاه ولی: ۲۳۵
- قاضی، محمد: ۳۲۵-۳۹۸-۴۲۴ تا ۴۲۶-
- ۴۶۳ تا ۴۶۵-۴۸۱ تا ۴۹۱-۴۹۳

- قاضي، محمود: ۶۷
- قائم مقامی (سرہنگ) ۲۳۳
- قدسی، اعظام الوزارہ: ۲۴۱ تا ۲۳۹
- قدسی، جعفر (دکتر): ۲۴۲ تا ۲۳۹
- قراگزلو، حسین: ۲۳۵
- قراگزلو، غلامحسین: ۲۳۴
- قراگزلو، فتح السلطنہ: ۳۷۲
- قراگزلو، محسن: ۵۴-۶۱-۶۶-۷۹-۹۱
- قراگزلو، خانم، ۷۹
- قریب، میرزا عبدالعظیم خان: ۲۰
- قرزل ایاغ، علی اصغر: ۲۳۴
- قشقائی، امیر عبداللہ: ۲۵۵
- قشقائی، خسرو: ۲۵۱-۲۵۳-۲۵۵-۲۶۲
- ۲۶۳-۴۰۵-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۴
- قشقائی، صولت الدولہ: ۲۵۲
- قشقائی، محمدحسین: ۲۵۰-۴۰۵-۴۰۶
- ۴۰۸-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۴
- قشقائی، ملک منصور: ۴۰۵
- قشقائی، ناصر خان: ۲۵۷ تا ۲۵۰، ۴۲۳۸
- ۳۶۱-۴۰۵-۴۰۸-۴۶۲
- قصریان: ۴۶۵
- قطبی (خانوادہ): ۱۰۵
- قمصریان: ۲۷۷
- قنبری، عطاء اللہ: ۱۵۸
- قوام احمد (قوام السلطنہ) از صفحہ ۸۵ تا ۵۴۴
- دراکثر صفحات.
- قوام، محمد: ۲۸۲-۲۸۳-۴۱۰
- قوام، علی: ۱۶۴
- قوامی، رحمت: ۴۱۴
- قہرمان: ۴۶۵
- قیام فتوحی: ۳۹۹
- قیامی، زین العابدین: ۳۲۵-۵۴۲
- قیائی (سرگرد): ۱۵۴
- قبصری، فرہاد: ۱۵۱-۱۵۲
- ک
- کاترینا، مدیچی: ۱۷۵
- کاسترو: ۱۷۸
- کاشانی، سید ابوالقاسم (آیة اللہ): ۸۳-۱۱۵
- ۱۲۲ تا ۱۲۴-۱۳۳-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۹-۲۴۰
- ۲۴-۲۴۳-۳۷۳-۴۷۸
- کاشانی، علینقی: ۳۵۸
- کاظمی، باقر: ۸۴
- کاظمی، مشفق: ۵۳۷
- کاک، نیش: ۶۵
- کامبخش، عبدالصمد: ۱۳۵-۱۳۸-۲۴۰
- ۲۷۲-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۷-۲۷۸-۳۳۹
- ۳۴۰-۳۷۰-۴۳۸-۴۶۶-۴۹۷-۴۹۸
- ۵۳۹-۵۴۳
- کامرانی، احمد: ۱۴۲
- کانالی (ژنرال): ۲۳۹
- کاوہ (امیر ارتش): ۱۶۳
- کاوایان، جعفر: ۳۲۵-۳۲۶-۴۶۵-۴۶۶
- ۴۸۰-۵۴۱
- کاوایانی، محمود (دکتر): ۲۳۴
- کبیر، محمد علی: ۶۵
- کبیری (ہمکار پیشہ وری): ۳۲۵-۳۹۲
- ۴۸۴-۵۴۲
- کبیری، عدل الدولہ: ۳۲۸
- کرمانی، افضل الملک: ۱۴۷-۱۴۸
- کرمانشاہی، سیف الدین: ۱۹۲
- کریستیان شولوسکی: ۸۲
- کریمی، مناف: ۴۸۳
- کشاورز، فریدون (دکتر): ۱۲۲-۱۲۷-۱۳۲
- ۱۳۵-۱۳۶-۱۳۸-۱۳۹-۲۷۱-۳۶۱
- ۳۷۰-۳۸۳ تا ۳۹۷-۴۳۸-۴۹۷-۵۰۲
- ۵۰۶

گلشورزی، کریم: ۳۸۲-۴۹۹
 کفانی (آیه الله): ۱۲۴
 کلاهدوز (ستوان): ۱۴۴
 کلود کافزا: ۹۶
 کمال ساتی، عباس: ۲۳۴
 کمالوند، علی-ب
 کمیلی، علی اکبر: ۲۳۴
 کندی، ژاکلین: ۸۶
 کواستارک: ۹۸
 کوپال (ستوان دوم): ۳۲۶
 کوپال (سرلشگر): ۲۳۳
 کورش: ۴۳-۱۷۰
 کوزنتسف، (جاسوس شوروی): ۲۲۷
 کوهی کرمانی: ۵۳۴
 کیا، عماد: ۳۰۹
 کیانوری، نورالدین (دکتر): ۱۲۲-۱۲۷ تا
 ۱۳۷-۲۷۹، ۳۶۰ تا ۳۶۹، ۳۷۸-۴۳۸-
 ۴۶۶-۴۶۹
 کیانوش، محمود: ۲۳۴
 کیسینجر: ۱۲-۴۴-۴۵
 کیفچیان، عزت: ۱۳۵
 کیکاوسی، همایون: ۱۶۰-۳۲۹
 کیهان، مهدی: ۲۷۹ تا ۲۷۷
 کیهانی، حسین: ۲۳۵

ل

لارودی، نورالله: ۲۳۴
 لاناترتر (ستاره هالیوود): ۱۱۰
 لچمن، کلنل: ۳۹۰
 لسانی، ابرو الفضل: ۳۲۱-۳۲۲-۳۶۰
 لشگری (گروهان گارد): ۱۴۰
 لطفی، عبدالعلی: ۱۲۴
 لنکرانی، احمد: ۳۰۱-۳۰۷-۳۳۱-۳۵۳ تا
 ۳۶۴
 لنکرانی، حسام: ۱۲۲-۱۲۹-۳۰۱-۳۳۱-
 ۳۳۵ تا ۳۶۸
 لنکرانی، شیخ حسین: ۳۰۱ تا ۳۸۷
 لنکرانی، مرتضی: ۳۰۱-۳۰۷-۳۱۱-۳۳۱-
 ۳۵۳-۳۵۶ تا ۳۵۸-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۵-
 ۳۶۸
 لنکرانی، مصطفی: ۳۰۱-۳۰۷-۳۳۱-۳۵۳
 تا ۳۵۸
 لنین: ۲۹۹-۲۷۸-۵۲۸
 لورنس، کلنل: ۳۹۰
 لوکوس بورژیا: ۱۷۵

گ

گاندی، ایندیرا: ۱۷۵
 گاموتا: ۲۳۱
 گراسننیک (کارشناس شوروی): ۴۵۲
 گرگانی، حسین (مهندس): ۲۳۴
 گرگانی، منشور: ۳۳۰
 گرومیکو، ۴۴۲-۴۴۷
 گرینفلد: خانم (مهندس): ۲۳۵

- محمودزاده، محمود: ۵۰۶
 محمودخان (ماژور): ۲۹۱
 محمودی، (استوار): ۳۹۶
 مختاری (سریاس): ۱۹۴
 مددزاده: ۵۰۱
 مدرس (سپهبد): ۱۵۳
 مدرس، سیدحسن (آیت الله): ۲۸۴-۱۹۲
 مرادپاشا (مصری): ۵۷
 مرتضوی (سرهنگ): ۴۲۸
 مرتضوی، یوسف: ۴۶۵-۳۲۹-۲۷۹-۲۷۲
 مزدا، عباس (مهندس): ۲۳۴
 مستشاری، حسین: ۲۳۵
 مستعان، حسینقلی: ۳۰۱
 مستوفی، حسن. مستوفی المالك: ۱۸۹-۱۸۶
 تا ۲۸۵ تا ۲۸۳-۱۹۲
 مستوفی، ناصر: ۵۲۶-۳۵۴
 مسعود، محمد: ۳۶۵-۳۶۳-۳۵۸-۳۲۱
 ۵۲۱-۵۱۳-۳۶۸-۳۶۷
 مسعودانصاری: ۵۲۶-۳۵۴
 مسعودی، عباس: ۵۳۳-۳۱۰ تا ۳۰۱
 مسعودی، قاسم: ۳۴۶
 مسعودی، محمدعلی: ۵۲۵-۵۱۷-۳۰۸-۵۳۶
 مسعودی، میرزا حسن: ۳۱۰ تا ۳۰۸
 مشار، ایران: ۷۶
 مشاور، محمود (دکتر): ۲۴۰-۲۳۳
 مشارالملك: ۲۹۴-۲۹۳
 مشاورالمالك: ۱۸۹
 مشایخ، حسینعلی: ۲۳۳
 مشایخی، مهدی: ۵۱۳
 مشکل گشا، علی: ۲۳۴
 مشیرفاطمی، عبدالحسین (دکتر): ۳۸۹
 مصاحب، محمود (دکتر): ۳۱۰
- لوتی پانزدهم: ۳۹
 لیتوانی، حاج احتشام: ۴۵۸-۳۲۷
 لینکلن: ۳۹
 مادام کلود: ۱۱۱
 مارتین کارول: ۱۱۰
 مارکس، کارل: ۲۷۸
 مارلین دیتریش، (هنرپیشه سینما): ۹۵
 ماری لپی: ۱۰۱-۱۱۰
 مافی، نظام السلطنه: ۲۹۲
 ماکسیم گورگی (نویسنده روسی): ۲۲۹
 ماکسیموف: ۳۹۱-۲۷۲
 ماکوتی، اقبال السلطنه: ۳۴۲-۱۹۴
 مالکی، حسین (مهندس): ۲۳۴
 مالکوسیان، خاچیک: ۲۳۵
 مانوک مارتین: ۲۳۵
 ماهوتچی، حسین: ۲۳۴
 مایر: ۴۰۹-۲۳۸-۲۳۷-۲۳۱
 مبشری (سرهنگ): ۳۶۷-۳۶۴
 مبصر (سپهبد): ۳۶۴
 مبینی (مهندس): ۱۴۳
 متین دفتری، احمد (دکتر): ۲۹۲-۱۲۴-۸۵-۲۸۱-۲۳۳-
 متین دفتری، هدایت: ۳۹۰
 متینی (سروان): ۲۳۳
 مجتهدی، حمید: ۲۳۳
 مجد، فطن السلطنه: ۲۴۰
 مجدی، ملاحسین: ۴۸۴
 مجلسی (سرهنگ): ۲۵۴
 محبی، علی: ۱۳۵
 محمدزاده: ۲۷۶
 محمدعلی پاشا (مصری): ۴۸
 محمدی، حسین: ۲۳۴

- منصوری: ۱۴۲-۱۴۵-۱۴۶
- منوچهری، سرهنگ: ۲۳۳
- مورای (سفیر آمریکا): ۴۳۹-۴۴۴-۴۵۹
- موسی مجید (مترجم کتاب ثریا): ۷۵
- موسوی بهبهانی، سیداسدالله: ۱۲۴
- موسوی زاده، علی اکبر: ۲۳۳-۳۱۸-۳۸۵
- ۳۹۲-۴۱۱-۵۰۶-۵۱۱-۵۲۱-۵۲۲
- موسولینی: ۱۰۷-۲۲۶-۲۲۷
- مولوتوف: ۱۹۶-۱۹۷-۲۲۳-۲۲۸-۲۸۰
- ۳۳۸-۳۴۶-۳۴۹-۳۵۱-۳۵۲-۴۱۷
- ۴۴۴-۴۴۵-۴۷۰-۵۲۸-۵۴۵
- مهاجر، عبدالحمید: ۲۳۳
- مهام، فرشید: ۱۴۴
- مهتاش، (دکتر): ۳۲۵-۴۱
- مهددی، علی اکبر (دکتر): ۱۳۴
- مهدی نیا: ۲۸۷-۳۹۸
- مهین (سرهنگ): ۲۳۳
- میراسکندری: ۹۲
- میراشرافی، مهدی: ۵۱۳-۵۲۳
- میرزا کوچک خان: ۲۸۲
- میرزا اناصری، ناصرالدین میرزا: ۵۰۵
- میرهادی، فضل الله (مهندس): ۲۳۴
- میکده، حبیب: ۱۹۲-۲۸۶
- میکده، سلیمان: ۲۸۶
- میکل آنز: ۱۷۵
- میلانیان (ژنرال فرقه دموکرات): ۴۷۹
- میلیسپو (دکتر): ۲۸۶-۴۵۰-۴۵۱
- میناتی: ۲۷۷-۲۷۸
- مینو (همسر حمیدرضا پهلوی): ۸۳
- مینوچهر: عبدالمجید (شیخ): ۲۳۳
- مینوی، مجتبی (دکتر): ۲۱۳
- مصباح فاطمی: ۵۰۸
- مصدق، محمد (دکتر): ۲-۱۴-۲۲-۲۶-۲۸
- ۲۹-۴۲-۴۳-۴۵-۴۶-۷۹-۸۴-۸۵
- ۹۷-۱۰۱-۱۱۴-۱۱۵-۱۲۴-۱۳۰
- ۱۵۶-۱۷۲-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴-۲۵۱
- ۲۶۴-۲۸۱-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۳-۳۴۷
- ۳۵۱-۳۶۶-۳۸۲-۳۹۰-۴۰۲-۴۵۴
- مظاهری (سرگرد): ۲۳۳
- معاون (دکتر): ۵۰۴-۵۰۵
- معتضدی (سرلشگر): ۴۱۰
- معمدا السلطنه آشتیانی (پدر احمد قوام): ۲۸۲
- معینی، محمدامین: ۴۸۴
- مقبلی، (سرلشگر): ۴۶۴
- مقدم، ناصر (سپهبد): ۱۴۵
- مقدم سلیمی، منوچهر: ۱۵۰-۱۵۲-۱۵۳
- مقدم، ظفرالدوله: ۵۴۳
- مکرم، حسن: ۵۳۶
- مکی، حسین: ۱۲۳-۱۳۸۷-۵۰۹-۵۱۳
- ملك حسن: ۱۴ تا ۱۲
- ملك حسين: ۱۱۱
- ملك عبدالله: ۵۱
- ملك فيصل: ۸۷-۸۸
- ملك مدنی، هاشم: ۳۲۲
- ملکی، احمد: ۳۴۰-۳۹۸
- ملکی، خلیل: ۳۳۴-۳۳۶
- مقانی: ۳۴۰
- مقانی، ۴۱۱
- منتظم الدوله: ۲۳۹
- منتظمی، زین العابدین: ۲۳۴
- منتظمی (سرهنگ): ۲۳۳
- منشی، ناصر (دکتر): ۲۳۴
- منصور، رجبعلی (منصور الملك): ۲۳-۲۴
- ۴۳-۱۹۳-۴۵۶-۵۱۱-۵۱۲

- نقیب زاده مشایخ: ۲۴۳
 نکوزاد (سرلشگر): ۴۹۲
 نمازی، شفیق: ۸۶
 نمازی، ویدا: ۸۶
 نواب صفوی: ۲۹
 نوائی، عابدین (سرهنک): ۲۶۸-۲۷۶-۴۶۵
 نویخت، حبیب الله: ۲۳۲-۲۳۳-۲۳۷-۲۴۲
 -۲۵۲-۲۵۳-۲۵۶-۲۵۷
 نوذری، فربرز (پرفسور): ۴۰۱
 نوری اسفندیاری، موسی: ۵۲۴
 نوری، حسین (استوار): ۲۳۳
 نوری، سپهر (سروان): ۲۳۳
 نوری سعید: ۴۸۴-۴۸۶
 نوری، غلامرضا: ۵۳۵
 نوری، قلی اوف: ۴۶۷
 نوروزی، ۱۵۷-۱۵۸
 نوشین، عبدالحسین: ۱۲۷-۲۷۲-۳۳۵
 نهاوندی (پدر دکتر نهاوندی): ۱۲۸
 نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۲۱۳
 نهر و پان دیت: ۸۶
 نهرودی، حیدر قلی: ۲۳۴
 نیری (عضو حزب توده): ۲۷۶
 نیک پی، اعزاز الدوله: ۴۰۵-۴۰۸-۵۱۱
 نیکپور، عبدالحسین: ۳۱۵-۳۴۶-۵۰۴-۵۰۵
 نیکخواه، پروانه همسر مهندس سیف: ۱۴۵
 نیکخواه، پرویز (مهندس): ۱۱۹-۱۴۱ تا ۱۵۱
 نیکسن: ۴۴-۴۵-۱۸۰
 نینا: ۷
 نیوندی، حسین: ۲۳۴-۲۴۳
 و
 واتسون (سرگرد): ۲۲۳
 والاس موری: ۴۲۴
- ناپلئون: ۱۹۲
 نازلی، ملکه: ۵۱-۵۶-۶۲-۶۳
 ناصر الدوله: ۱۴۸
 ناطق، ناصح: ۲۳۴
 نامدار، احمد: ۲۳۳-۲۴۳
 نبوی (سروان): ۴۹۲
 نبی فیض، علی: ۲۳۵
 نبی کجوری زویانی، ۲۳۴
 نیپیل (دیپلمات): ۴۷۰
 نجاتی (سرهنک): ۱۱۵
 نجف السلطنه: ۲۸۹
 نجفی (افسر فراری): ۲۷۷-۲۷۸
 نجفی، محمد حسین: ۲۳۴
 نجف زاده، (سرتیپ دکتر): ۱۲۰
 نجفی (افسر فراری): ۲۷۷-۲۷۸
 نجمی، علی (رسدبان): ۲۳۳
 نخجوان: ۲۴
 ندیمی، (افسر فراری): ۲۷۷
 نراقی، علی اکبر: ۲۳۵
 نردینی خراسانی (پدر تیمورتاش): ۱۹۱
 نریمان، محمود: ۱۱۲
 نصر، سعید علی (دکتر): ۵۲۲
 نصیری، نعمت (ارتشبد): ۴۶
 نصیری (سروان): ۳۲۶
 نظام، ابوالقاسم (سرگرد): ۴۴۶
 نظریور، غلامرضا: ۲۳۴
 نظری، حسن: ۲۷۹
 نفیسی، سعید (دکتر): ۲۰۹
 نفیسی، (دکتر مشرف الدوله): ۲۰۶ تا ۲۰۸
 نفیسی، (دکتر مؤدب الدوله): ۲۰-۲۱-۵۴-۵۵
 ۸۸
 نقرشی پاشا (نخست وزیر مصر): ۵۷

- والانزاد، محمود: ۳۰۱
والنتین، برژکف: ۲۲۶-۲۲۸-۲۲۹
وثوق الدوله: ۱۹۳-۲۸۳-۵۳۷
وثوق (سپهبد): ۴۵۶
ورزی، ابوالحسن: ۳۴۱
ورشلیف (مارشال شوروی): ۲۲۵
ورهام، کریم (سپهبد): ۴۵۸
وزیر نظامی، خلیل: ۲۳۴
وطن پور: ۲۷۸
وکیل، سید هاشم: ۵۰۶-۵۳۳
وکیلی، علاء الدین (مهندس): ۲۳۴
ولی زاده، محمد: ۴۸۴
ویرا، یحیی: ۲۳۴
ویشینسکی: ۳۱۸-۴۷۰
ویلسون: ۳۹۰
ویلسون، براون: ۲۲۳
ویلیام داگلاس: ۴۴۰
ویلیام لیهی (وزیر دفاع انگلیس): ۲۲۳
ویول (ژنرال انگلیسی): ۲۰۵
- ه
هاشم اوف: ۴۸۲
هاشمی، احمد: ۱۲۴-۱۳۶
هاشمی، حمید: ۳۵۸
هاشمی (سرتیپ): ۴۲۸-۴۲۹
هاشمی، سید آقا: ۲۳۴
هاشمی، میر حسین: ۴۶۳-۴۷۹
هاشمی حائری، حسین (سرلشکر): ۴۶۲
هاشمی نژاد، حسین (مهندس): ۲۳۴
هانری: ۹۵
هانری آرنولد: ۲۲۳
هدایت، خسرو (مهندس): ۳۹۲-۳۹۸-۵۰۵
۵۱۲-۵۲۵
هدایت، شکرالله: ۱۳۴
- هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۴۶۷
هدایت، مخیر السلطنه: ۲۵۲-۳۹۹
هرکی، رشید بیگ: ۴۸۲
هرکی، زیرو بیگ: ۴۸۲
هرمز، محمود: ۴۸۴-۴۸۵
هژیر، عبدالحسین: ۸۷-۲۰۷-۲۸۱-۳۱۸-
۳۷۰-۳۷۳-۴۱۱-۵۰۶-۵۲۲-۵۲۴
هندرسن (سفیر آمریکا): ۱۶
هنری پرشت: ۲۱۴
هما، همسر سابق شاپور غلامرضا: ۸۳
همایون (سرگرد): ۲۳۳
همایونجاده: ۳۵۴-۵۲۲
همایونی، فضل الله (سرلشکر): ۴۲۴-۴۶۳-
۴۸۷-۴۸۹-۶۶۴
همت (سرتیپ): ۴۰۶
همدم السلطنه: ۱۹۰-۱۹۱
هویکینز: ۲۲۳
هوشمند افشار (سرتیپ): ۴۶۲
هویدا، امیر عباس: ۱۴-۱۵-۴۳-۲۱۵-
۳۱۷
هیتلر، آدولف: ۱۹۲-۲۱۸-۲۲۵-۲۲۸-
۲۳۱-۲۳۶-۲۳۷-۲۴۳-۴۵۲
هیکل، حسین: ۱۲-۴۲-۴۵-۴۷-۴۵۴
هیلر: ۷۶-۱۶۱
هیئت، علی: ۲۳۳
- ی
یاکوب جاویتس: ۴۵
یحیائی (ستوان): ۲۳۳
یزدان پناه، (سپهبد): ۵۴-۶۵-۹۱-۱۲۱-
۳۹۶-۳۱۱
یزدی، مرتضی (دکتر): ۱۲۲-۱۲۷-۱۳۸-
۲۴-
۲۷۱-۲۷۲-۳۶۶-۳۷۲-۳۷۸-
۳۸۴-۵۰۶-۵۰۳
یغمائی، حبیب: ۲۱۳ تا ۲۱۰
یکرنگیان (سرهنگ): ۲۷۶
یمین اسفندیاری، اسدالله: ۳۰۶
یورینف (مستشار سفارت شوروی): ۲۹۳

فهرست اسامی جلد پنجم

الف

- | | |
|--|--|
| <p>اباصلتی، پری: ۳۰۵
 ابتهاج، ابوالحسن: ۱۸۵-۲۱۴ تا ۲۱۶
 ابتهاج، غلامحسین: ۱۹-۹۸
 ابراهیم اوغلی: ۳۴۶
 ابراهیم الهادی: ۱۵۷
 ابراهیمی، فریدون: ۳۴۰-۳۴۱
 ابوالفتح زاده (سرهنگ): ۱۶۱
 احمدزاده، مسعود: ۳۶۲
 احمدی، پزشک: ۱۶۴-۴۴۶
 احمدی صادق: ۲۵۷
 اخوان توحیدی، حسین: ۳۷۰
 اخوان ثالث، مهدی: ۴۵۱
 اخروی، حسن (سرلشکر): ۱۲۷
 ادوارد براون: ۴۴۹
 ادوارد گلناتو: ۲
 ادوارد، مارشال (درویش مراغه ای و...): ۱۵۵
 - ۱۵۶
 ادیب پرومند: ج ۱۷۳
 ارانی، تقی (دکتر): ۴۱۷
 اریاب مهدی: ۲۶
 اردبیلی، میرخاص: ۳۳۷-۳۴۹
 اردلان، ناصرقلی: ۳۲
 اردلان، حاج عزالمالك: ۶۳-۶۸-۴۴۰
 ارسنجانی، حسن (دکتر): ۱۰-۸۹-۹۰-۱۲۶
 - ۱۳۳-۲۲۵-۲۸۰
 ارفع (سرلشکر): ۹-۱۰-۷۸-۸۷-۱۸۰
 - ۱۸۱-۱۹۷-۳۳۷-۳۴۰-۳۴۲-۳۴۳
 ۳۴۶ تا ۳۴۹
 ازهارى، غلامرضا (ارتشبد): ۲۶۴-۳۱۴-
 ۳۱۶ تا ۳۱۸-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۶
 استالین، ژوزف: ۱۱۲-۱۸۳
 اسدآبادی، سیدجمال الدین: ۱۵۶</p> | <p>آتاتورک: ۱۱۴-۴۳۹-۴۴۰
 آتاکیشی اوف: ۳۴۱-۳۴۲
 آتش نیا: ۱۳۹
 آچسن: ۱۲
 آذر (سرهنگ): ۳۳۹
 آذر، مهدی: (دکتر) ۶۸
 آذرنور، فریدون: ۲۱۱
 آزاد: ۲۵۸-۲۵۹
 آراش، احمد: ۱۸۸-۲۱۰ تا ۲۱۷-۲۱۹-
 ۲۲۱ تا ۲۲۷-۲۲۹-۲۳۰-۳۸۴
 آرتور، شوارتز: ۱۷۶
 آریامنش، کوش: (دکتر) ۱۴۰
 آریانا، بهرام (ارتشبد): ۳۲۹ تا ۳۳۵
 آزاد، عبدالقدیر: ۱۹-۲۲-۴۸-۱۳۰
 آزموده، مرتضی (دکتر): ۵۶-۵۷-۶۳-۲۱۲-
 ۲۱۳-۲۲۴
 آزموده، حسین (سپهبد): ۱۳۴-۱۴۹-۴۷۵
 آزمون، منوچهر (دکتر): ۳۱۷
 آشتیانی زاده، رضا: ۴۸-۴۹
 آصفی: ۴۷۰-۴۷۲
 آقایان (الکساندر): ۴۳۶
 آق اولی (سپهبد): ۹-۲۵۵
 آل آقا، نسترن: ۳۷۰
 آل بویه (دکتر): ۶۱
 آلپ (سرهنگ): ۴۲۷
 آلفونس سیزدهم: ۴۴۶
 آهی (قاضی): ۴۳۴
 آهنچیان، جلال: ۳۲۰
 آیرم، محمودخان (سرلشکر): ۴۳۵-۴۳۶-۴۵۰-
 ۴-۴۴۶-۴۴۷
 آیرملو، تیمورخان (پدرملکه مادر): ۴۳۸
 آیزنهاور (رئیس جمهور آمریکا): ۲۲۳-۲۷۹</p> |
|--|--|

- اسدبای: ۴۴۸
 اسدی، محدودلی: ۱۷۰-۴۴۷
 اسفندیاری، ثریا (ملکه سابق ایران) ۸۹-
 ۲۱۱-۳۱۵
 اسفندیاری حسینعلی (دکتر): ۴۳۱
 اسکندانی (سرگرد): ۳۴۰
 اسکندری، ایرج: ۱۰۸-۲۱۱-۲۱۳-۳۶۲
 ۴۵۱
 اسکندری، محسن: (سلیمان میرزا): ۸۳-
 ۴۴۰-۴۴۱
 اسکندری، عیسی خان: ۴۴۰
 اسلاتوف: (ژنرال روسی) ۳۳۹
 اسلامبولچی، خالد: ۱۵۹
 اسمعیل خان: ۱۶۰
 اشتری، هادی: ۳۵-۵۶-۱۶۲
 اشراقی، قاسم (مهندس): ۶۳
 اصفهانی، سیدابوالحسن (آیت الله) ۱۱۴-
 ۱۱۹
 اعتبار، عبدالحسین (دکتر): ۳۶۳
 اعتمادالدوله (وزیر معارف): ۴۳۷
 اعلم، جمشید (پرفسور): ۴۴۲
 اعلم، مظفر: ۴۶۱
 افتخارالاسلام: ۱۶۳
 افراسیابی، بهرام: ۱۴۹-۲۵۳-۴۶۶
 ۳۳۹
 افشار، حسین: ۴۲۰-۴۵۷
 افشار، رضا: ۴۵۹
 افشار محمود (دکتر): ۴۵۹
 افشار، منصور: ۲۰۵
 افشارطوس، اسدالله (سرهنگ) ۲۰۵
 اقبال علی: ۱۹۷-۴۷۱
 اقبال منوچهر (دکتر): ۳۵-۹۸-۱۵۴-۱۹۹
 ۲۲۳-۲۴۷-۳۰۱-۳۶۳-۳۵۰
 اکبرنیا: ۴۶۶
 البکر حسن (رئیس جمهور عراق) ۳۳۰-
 ۳۵۴-۳۵۷-۳۶۶-۳۶۹-۳۷۰
 الموتی، مصطفی (دکتر): ح
 الموتی، نورالدین: ۴۳۲
 النکتان: ۵۴
 الهامی (شاعر) ۴۴۹
 الهی، همایون، (دکتر) ۴۴۸
 امامی، تقی: ۲۶۶
 امامی، احمد (روضه خوان): ۱۴۰
 امامی حسن: (دکتر) ۱۱۴-۳۰۲
 امامی، جمال: ۳۶-۳۹-۴۷-۵۱-۵۳-۷۰
 ۹۹-۱۲۸-۱۵۰
 امامی، سیداحمد: ۳۴
 امامی، سیدحسین (قاتل کسروی و هژیر): ۱۰۸
 ۱۱۱-۱۳۶-۱۳۷-۱۴۰-۱۶۳-۱۷۱
 امامی، نورالدین: ۱۹-۴۸
 امامی، صادق: ۱۴۰-۱۴۱-۱۵۴
 املشی: ۱۴۰
 امیراحشامی، عبدالحسین: ۳۵۷
 امیراحمدی، احمد آقاخان (سپهبد): ۹۸-۱۸۶
 امیراعلم (دکتر): ۱۶۱
 امیرخسروی: ۴۳۶
 امیرخسروی، رضاقلی (سرتیپ): ۴۲۳-۴۳۶
 امیرسلیمانی (مجدالدوله): ۴۶۰
 امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۳۰-۳۲
 ۱۲۵-۱۲۹-۱۵۰-۱۵۱
 امیرفضلی نصرالله (سرلشکر) ۳۰۳-۳۰۴
 امیرکبیر: میرزا تقیخان: ۱۸۷
 امیرمجاهدختیاری: ۴۶۱
 امین، حسینقلیخان: ۱۶۹
 امینی، ابوالقاسم: ۴۱۶
 امینی، رضا: ۳۵۲
 امینی، علی (دکتر): ۳۷-۹۵-۱۳۵-۱۴۰

۲۶۴ - ۲۶۲ - ۱۳۳ - ۸: (دکتر): بختیارشاپور
 ۳۶۴ - ۳۶۳ - ۳۲۶ - ۲۷۳ تا
 بختیاری، ابوالقاسم خان: ۳۵۲
 بختیاری، کورش: ۳۷۳
 بدره ای سپهبد: ۲۶۵
 برتولدتولیس: ۱۱۸
 برناردجین: ۳۱۲
 برخوردار (سرهنگ): ۱۷۷
 بروجردی (آیت الله): ۱۹۹ - ۱۴۴ - ۵۹ -
 ۱۳۵ - ۱۳۴ - ۱۳۲
 برژینسکی: ۳۲۳ - ۳۲۲
 بشیری، سیاوش: ۳۷۱ - ۳۶۷ - ۱۵۸
 بقائی (سرلشگر): ۲۵۴ - ۲۵۵
 بقائی، مظفر (دکتر): ۱۸: ۲۴ تا ۲۶ - ۲۷ - ۲۸
 ۱۳۲ - ۱۳۰ - ۹۶ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۷ - ۵۲ - ۴۹ -
 ۴ - ۱۹۸ - ۱۸۰ - ۱۷۷ - ۱۴۶ - ۱۴۴ - ۱۳۴ -
 ۲۰ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۵۴ - ۴۷۴
 بقراطی، محمود: ۳۹
 بلر (دکتر آمریکائی): ۴۱۸
 بوذرجمهری، کریم آقا (سرلشگر): ۹
 بوذری، محمدعلی: ۳۷ - ۴۶ - ۶۳
 بوشهری امیرهمايون: ۱۰۱
 بهار، ملك الشعرا: ۴۲۶ - ۴۳۵ - ۴۴۰
 بهارمست، محمود (سرلشگر): ۷
 بهادرالسلطنه: ۱۶۲
 بهادر (سرهنگ): ۳۴۵
 بهاروند (سپهبد): ۳۴۰ - ۳۴۱
 بهبهانی، جعفر: ۱۱۴
 بهبهانی، میرسیدمحمد (آیت الله): ۷۵ - ۹۲
 ۱۸۷ - ۱۲۹ - ۱۲۰ - ۱۱۴ - ۱۱۳ - ۱۰۹ -
 بهبودی سلیمان: ۶۸
 بهشتی، (آیت الله): ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۳۲۷
 بهرامی، دبیراعظم: ۴۳۷ - ۴۴۰

۱۴۱ - ۱۵۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۲۳ - ۲۲۴ -
 ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۳۱۹ - ۳۲۶ -
 ۳۵۳ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۸ - ۳۶۷ - ۳۶۹ -
 ۴۳۱ - ۴۳۲
 امینی، علامه (صاحب الغدير): ۱۳۷
 امینی، نصرت الله: ۱۲۷
 اندرزگو، علی: ۱۳۷ - ۱۴۱ - ۱۵۳ - ۱۵۹
 انصاری، غلامعلی (سرتیپ): ۲۵ - ۶۲
 انواری (معاون وزارت دارائی): ۶۹
 انواری (دکتر، پزشک قانونی): ۲۰۹
 انورسادات (رئیس جمهور مصر): ۱۵۹
 اویسی (ارتشبد) ۳۱۶ تا ۳۲۸
 اهادی (دکتر) ۱۵۴ - ۳۱۰ تا ۳۱۵
 ایدن: (وزیر خارجه انگلیس) ۴۲۶
 ایکفا (جلیل) ۳۸۲
 ایلگون میناسوتیان: ۳۷۱
 ایانی (مدیرکل دارائی): ۶۵

ب

بابازاده: ۳۸۳
 باقانقلیچ، نادر: (سپهبد) ۸۷ - ۱۴۱
 باجول، خواجه مهدیقلی: ۲۴ - ۲۵
 باخدا: ۶۰ - ۶۱
 بارانی: ۴۶۹
 باری روپن: ۱۲ - ۳۵۶
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۲۸۲ - ۲۸۵
 باستان (دکتر): ۳۱۴
 باستانی پارزی: ۶ - ۴۳
 بال، جرج: ۳۱۹
 باهری، محمد (دکتر): ۳۱۳
 بایندر، (دریادار): ۴۲۵ - ۴۲۶
 بایندر، غلامعلی: ۷
 بخاراتی، محمد: ۴ - ۱۵۴
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۳۸ - ۱۵۰ - ۲۶۱ -
 ۲۷۶ - ۳۳۰ - ۳۵۰ تا ۳۷۵ - ۴۵۱
 بختیار، جمشید: ۳۴۶

۲۴۵-۲۴۴-۲۳۷-۲۳۵-۲۲۹-۲۲۸
-۳۲۶-۳۱۳-۳۰۴-۲۹۹-۲۸۹-۲۸۵
-۴۴۴-۴۴۳-۴۴۲-۳۷۵-۳۶۶-۳۳۰
۴۷۶-۴۶۲

پهلوی، رضاشاه دوم: ۳۲۸-۳۲۶
پهلوی (نبات خانم خواهر رضاشاه): ۴۵۸
پهلوی (خانواده)
والاحضرت اشرف: ۱۴-۸۰-۸۸-۹۱-۱۰۱
-۱۷۸-۱۷۶-۱۷۴-۱۱۰-۱۰۷-۱۰۲-
-۴۷۱-۴۴۲-۳۵۵-۳۵۳-۱۸۲-۱۷۹
۴۷۶

والاحضرت شمس: ۲۶۴
والاحضرت: فاطمه: ۸۸-۱-۳۰۶ تا ۳۳۳-
شاهپور حمیدرضا: ۴۵۸-۴۶۲
شاهپور عبدالرضا: ۱۰۲-۱۵۱-۲۷۷
شاهپور علیرضا: ۹۹-۱۷۴-۱۷۶-۴۳۱-
۴۶۶-۴۳۲
شهرام: ۲۹۲
کامبیز فرزند فاطمه: ۳۰۶
ملکه مادر: ۴۴۲

پیراسته، (دکتر) مهدی: ۱۹-۱۹۰-۱۹۲
-۱۹۳-۱۹۷-۴۷۰
پیرزاده: ۶۹
پیرزاده (سرگرد): ۳۴۰

پیرنیا، حسن، مشیرالدوله: ۱۶۱-۱۸۷-۴۵۰-
پیرنیا، حسین، مؤتمن الملک: ۴۴۲
پیرنیا، حسین (دکتر): ۶۵-۷۱-۷۲
پیشه رزی، سیدجعفر: ۱۰-۸۷-۱۰۲-۲۴۹-
-۴۵۴-۳۴۸ تا ۳۴۳-۳۴۱-۳۳۷-۲۸۴-

ت
تافته ای ا-ع: ۳۳۵
تجدد، خانواده: ۴۴۷

بهرامی (رئیس آگاهی): ۳۶۳
بهرز، ذبیح: ۲۲۳
بهنود، مسعود: ۲۷۸-۳۵۱-۴۴۶-۴۴۷

پ
پارسا، محمد علی: ۳۷۱
پارسونز (سفیر انگلیس): ۳۲۴
پازوکی (محافظ رزم آرا): ۸۹
پاکروان (سرلشکر): ۱۴۰-۳۶۵-۳۶۶
پالمستون: ۴۵۳

پایمن (نماینده انگلیس): ۹۷-۹۸
پرایس (ژنرال آمریکائی): ۳۸۲
برنس برنهارد: ۳۹۲
پرون، ارنست: ۹۶-۲۶۶
پژمان ابراهیم: ۱۷۸
پناهیان (ژنرال): ۳۶۱-۳۶۵-۳۷۲
پورکاشانی: ۴۶۶-۴۶۹

پوروالی، اسماعیل: ۸۹-۱۹۲-۲۰۷-۳۳۸
پورهمایون (دکتر): ۳۵۵
پوریا، ارسلان: ۲۰۳
پهلوی، بهزاد: ۴۵۸
پهلوی رضاشاه: ۲-۹-۱۱-۱۲-۱۴-۲۵-
-۴۹-۶۶-۸۱-۸۲-۸۳-۹۵-۱۰۴-
-۱۱۲ تا ۱۱۵-۱۳۵-۱۳۷-۱۴۳-۱۵۰-
-۱۵۳-۱۶۷-۱۶۸-۱۸۶-۲۰۲-۲۲۲-
-۲۲۳-۲۲۸-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۷-۲۴۴-
-۲۶۰-۲۶۴-۲۶۶-۲۶۸-۲۸۵-۴۲۰ تا
-۴۲۴-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۳ تا ۴۴۷-
-۴۵۱-۳۵۳-۴۵۷-۴۵۸-۴۶۱-۴۶۲-

۴۷۱

پهلوی محمدرضاشاه: ۳-۷۰-۷۱-۷۴-۷۷
-۸۶-۹۶-۹۷-۱۰۱-۱۰۴-۱۳۲-۱۵۸-
-۱۹۰-۱۹۵-۲۰۳-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۷-

- تدین، سید محمد: ۴۴۰-۴۵۴
تدین (تیمسار): ۳۳۷
ترات (فاینده انگلیس) ۳۴۷
ترقی، لطف الله: ۱۹۵-۲۰۷
ترنر (رئیس سیا): ۳۷۸
تفضلی، جهانگیر: ۱۱۰
تفضلی، ابوالقاسم (دکتر): ۱۹۶-۲۰۶
تقی زاده، سید حسن: ۲-۶۵-۴۴۵
تقوی، حاج سید نصر الله: ۱۶۸
تهرانچی، محمد رضا: ۱۷۰
تهرانی: ۴۶۶
تهرانی، حاج میرزا خلیل: ۱۱۵
تهرانی، سید جلال: ۱۴۰-۴۳۴
تهرانی، شیخ عباس: ۱۵۳
تهرانی، شیخ محمد: ۱۴۰-۴۳۴
تیتو، مارشال: ۳۳۴
تیم روٹ: ۲۹۳
- ث
ثابت، حبیب: ۳۱۱
ثابتی، پرویز: ۳۸۱-۳۸۴
ثقفی، متین السلطنه: ۱۶۲
- ج
جان فاستردالس: ۲۷۹-۳۵۶
جاوید، ستوان دوم: ۳۸۲
جرارد دوویلپه (فرانسوی): ۱۱
جرج آلن: (سفیر آمریکا): ۲۲۴
جردن دکتر: ۴۱۸
جزایری، شمس الدین (دکتر): ۵۵-۶۱-۶۳
- ۶۷-۶۸-۹۵
جزنی، بیژن: ۱۲۱-۳۶۲-۳۸۱
جعفری، حسن: ۲۰۰-۲۰۶-۲۰۸-۲۰۹
- جعفری، جواد (آذر مهر) ۲۰۳-۲۰۶
جعفری، عبدالرحیم: ۲۳۱
جعفری، نرسی (دکتر): ۲۰۵
جلالی، علی (دکتر): ۱۲
جلالی، فتح الله (دکتر): ۴۲۵
جلیلود، الهیار (محافظ رزم آرا): ۸۹
جلیلود، سرهنگ: ۲۰۸
جم، محمود: ۴۳۶
جم، فریدون (ارتشبد): ۲۶۰-۲۶۹-۲۷۲
- ۲۷۵-۳۳۱-۳۳۲
جمالزاده، محمد علی: ۱۷۳-۴۵۵-۴۵۶
جنیلاط: ۳۷۷
جوادی (مدیر کل ثبت): ۴۷۱
جهان، جعفر (دکتر): ۴۴۷
جهانبانی، امان الله میرزا (سپهبد) ۴۲۷-
۴۳۵-۴۴۵
جهانشاه خان: ۱۶۶
جهانشاهلو (دکتر): ۳۴۱
جهانگیری (سرهنگ): ۳۲۰
جودت (دکتر): ۳۹
جودت سونای (رئیس جمهور ترکیه): ۲۴۴
- چ
چاوشی ستوان: ۳۸۳
چرچیل وینستون: ۲
چه گوارا: ۴۶۸
- ح
حاتمی، صفیه (صفا خانم): ۱۷۸
حاج آقا میرزا بزرگ: ۳۷۰
حاج حاذقی، ابوالفضل: ۱۹۹
حاج رضائی، طیب: ۲۲۸-۳۱۹-۳۵۵
حاج سید جواد، احمد: ۲۱۶

خ
خاتم (ارتشبد): ۲۴۷-۲۶۶-۲۹۲-۳۰۱ تا
۳۰۷-۳۰۹
خادمی، علیمحمد (سپهبد): ۳۰۳-۳۰۷ تا
۳۰۹
خاقانی: (شاعر) ۴۵۰
خالصی زاده: ۱۶۹-۱۷۰
خامه ای، انور: ۸۱-۱۷۹-۲۰۲
خاوری: ۳۶۲
خاورپرزد کوئینار: ۳۷۲
خدایارخان (سرلشگر): ۱۶۸-۴۴۰
خراسانی، آخوند ملاکامظ: ۱۱۵
خراسانی سید ابراهیم: ۱۶۶
خرمی: ۲۳۱
خزعل، پسران: ۳۳۰
خزعل، شیخ: ۱۶۳-۱۶۷-۱۶۸
خسروانی، مرتضی (سپهبد): ۲۴۷
خسروشاهی: ۱۸۶-۲۱۱
خطیبی (جگرفروش): ۱۱۱-۱۴۰
خلخال، صادق: ۱۳۷
خلعت بری، ارسلان: ۲۱۴
خلیلی عراقی، محمدرضا: ۶-۲۷
خمینی، روح الله: (آیت الله) ۱۱۱-۱۳۱-
۱۳۲-۱۴۱-۱۴۶-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۸-
۱۷۲-۲۰۰-۲۲۸-۲۶۲-۲۸۱-۲۸۵-
۳۰۳-۳۲۶-۳۲۸-۳۳۰-۳۵۳-۳۵۷-
۳۵۸-۳۶۵-۳۶۸ تا ۳۷۱-۳۷۴-۴۶۲
خمینی، مصطفی: ۳۴۶-۳۷۱-۳۷۱
خواجه نوری، ابراهیم: ۴۳۷
خوانساری پرویز: ۶۳
خوشنویسان، سرتیپ: ۲۰۵
خیابانی، شیخ محمد: ۱۶۳-۱۶۵

حاج شیخ احمد: ۱۳۴-۱۳۵
حاج محمدتقی، محمد: ۱۳۸
حاج محمود آقا: ۱۵۱
حاج میرزا مجتهد: ۱۶۶
حافظی، علی: ۲۲۳
حامی، مهندس: ۲۲۳-۴۳۸
حایری، طوسی خانم: ۴۴۷
حایری، سید عبدالکریم (آیت الله): ۱۱۴
حایری زاده یزدی: ۱۹-۲۷-۳۲-۴۶-۴۹-
۷۴-۱۰۱-۱۱۹-۱۳۰-۱۷۶
حایری مازندرانی (آیت الله): ۴۴۷
حجازی، عبدالحسین (ارتشبد): ۲۴۸-۲۵۲ تا
۲۵۵-۳۳۳
حجازی، منیره: ۲۵۲-۲۵۵-۲۵۶ تا ۲۵۹
حدادزاده: ۱۳۱-۱۶۳-۱۶۴
حسام وزیری، محمدحسین: ۱۱۷
حسنان، حسن: ۳۸۵
حسن البنا: ۱۵۷
حسن الهضیبی: ۱۵۷
حسنى، سیدهاشم: ۷۶
حسیبی، کاظم (مهندس): ۶۴-۱۳۷
حق پناه: (نوحه خوان) ۱۴۰
حکمت، حسنعلى: ۱
حکمت، رضا (سردار فاخر): ۱۹-۲۱-۲۲-
۳۵-۶۷-۷۰-۹۷
حکمت، علی اصغر: ۱۷۴-۱۹۵-۴۵۰
حکمت جو: ۳۶۲
حکیم الملک: ۴-۹۸-۱۸۶-۱۸۹
حکیمی (توده ای): ۳۹
حکیمی، محمود: ۴۳۳
حیات داودی: ۱۰۰

ذ

ذوالفقاری، سعدالدوله: ۱۶۶
ذوالقدر، مظفر: ۱۳۷-۱۴۰-۱۴۸-۱۴۹-
۱۵۰-۱۵۴

ر

راجی، پرویز: ۲۶۰
رازانی، حسین: ۲۸۳
رادمنش، رضا (دکتر): ۲۶۲-۲۶۳-۳۵۳
راستگار، عزت الله: ۱۸۱
راسخ، شاپور (دکتر): ۳۱۴
رامبد، هلاکو: ۲۷۹
رائین، اسماعیل: ۲۲۰-۲۲۴-۲۲۶-۲۳۰-
۲۳۱

ربانی علینقی: ۳۷۶-۳۷۷

ریعی: (سپهبد): ۳۱۸-۳۲۱-۳۲۵

رحمانی سبزواری: ۱۷۷

رحیمی، مصطفی: ۱۹۷

رحیمی لاریجانی: (سپهبد): ۳۲۰-۴۲۷

رخشا: ۲۸۱

رزاق منش، انوشیران: ۲۵۵ تا ۲۵۹

رزم آرا، حاجیعلی: ۴-۶ تا ۱۷-۱۹-۲۲-۲۳

۲۵-۲۶-۲۷-۲۹-۳۰-۳۱-۳۳-۳۴

۳۵-۳۸ تا ۴۲-۴۴ تا ۵۷-۵۹-۶۱ تا ۷۰

۷۲ تا ۱۰۶-۱۱۱-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۹

۱۲۱-۱۲۲-۱۲۵-۱۳۴-۱۳۷-۱۳۸

۱۳۹-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۷۸

۱۸۰ تا ۱۸۳-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۷ تا ۲۰۰

۲۰۲ تا ۲۱۳-۲۲۳-۲۳۲-۲۴۹

۲۵۳-۲۵۴-۲۶۶-۲۷۱-۲۷۵-۲۷۶

رزم آرا، حسن (سرلشگر): ۸

رزم آرا، (سرتیپ): ۸۰

رزم آرا، مهندس رضا: ۸

د

دادفر، غلامرضا (سرهنگ): ۳۸۵

دادستان، شاپور: ۸

دانش بهزادی، عباس: ۲۱۸

دانشپور (سرتیپ): ۹۲

داور، علی اکبر: ۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۴

۱۹۵-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۳۶-۴۴۶

۴۵۱

دایان ژنرال: ۲۹۵

درچه ای، سیدباقر (آیت الله): ۱۳۷

درخشانی، احترام: ۳۴۷

درخشانی (سرتیپ): ۳۳۶ تا ۳۴۱ تا ۳۴۴

۳۴۸

درگاهی: ۴۳۴-۴۳۵

درودی (کنلن آمریکائی): ۱۰۰

دریغوس: ۳۶۷

دفتری، عبدالله (دکتر): ۵۵-۶۳

دفتری، محمد (سرلشگر): ۳۹-۴۰-۶۸-۷۶

۸۸-۸۹-۹۶-۱۸۱-۲۵۳-۴۶۳

دشتی، علی: ۴۴۰-۴۵۷

دعایی: ۳۷۱

دماوندی، ابوالمکارم: ۱۷۵

دن کلنل (انگلیسی): ۱۰۰

دوگل، ژنرال: ۳۳۴

دواتگر، کریم: ۱۶۲

دولو، امیر هوشنگ: ۴۴۲

دوهر (عضو سفارت آمریکا): ۱۳-۹۷-۲۲۳

دها، سید حسین: ۷۱

دهقان، احمد: ۲۴-۱۰۱-۱۸۲-۱۹۰-۱۹۸

۲۰۰ تا ۲۰۷-۲۰۹-۴۵۴

دیداری، محمود: ۲۰۵

دیهبی، حبیب الله: ۸۷-۲۵۴

رزم آرا، منوچهر (دکتر): ۸:

رزم خواه، منوچهر: ۱۷۸:

رشتی، میرزا کریم خان: ۴۴۰-۴۴۲

رشید عالی گیلانی: ۱۱۷-۱۱۸

رشیدیان، برادران: ۲۱۴

رصدی (سرگرد): ۳۴۱

رضائی (سرهنگ): ۳۸۴

رضائی، عباس: ۲۵۷-۲۵۸

رضوانی، سعید (سپهبد): ۳۳۱-۳۳۳

رضوی مقدم: ۴۶۶

رضوی، احمد (مهندس): ۱۷۷

رفعت، علی اصغر (سرلشکر): ۳۰۱-۳۰۸

رفیع زاده، منصور: ۳۲۱-۳۲۶-۳۲۷-۳۶۵

رفیع، قائم مقام: ۵۰-۶۲

رفیعی، ابوالقاسم: ۷۶-۱۳۷-۱۵۲

رکن الملک: ۱۶۵

رواسانی، شاپور: ۴۴۱

روزبه، خسرو: ۱۰-۳۹-۸۳-۱۷۷ تا ۱۸۳

۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۷-۱۹۸-۳۶۳-

۴۷۳-۴۷۵-۴۷۶

روزولت، کرومیت: ۲۱۴-۲۹۲-۳۵۶

روحانی، حمید: ۳۶۴

روحانی، سید مهدی (آیت الله): ۳۷۱

روحانی، منصور (مهندس): ۳۱۱

روستا، رضا: ۱۹۳

روشنیان، کریم: ۲۰۷

رهنما، زین العابدین: ۴۴۰

رهنما (خانواده): ۴۴۷

رئیس، محسن: ۵۸

ریاحی (سرتیپ): ۲۸۰

ریاضی (سرلشکر): ۹

ریاضی (ناویان یکم): ۴۲۶

ریگان، رونالد: ۲۳۶-۳۲۷

ز

زاهد، اسماعیل: ۲۵۸

زاهدی، اردشیر: ۲۵۸-۲۶۱-۳۲۲-۳۲۳-

۳۶۶-۴۴۲-۴۴۳

زاهدی، حسن: ۴۵-۶۴

زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۹-۹۸-۱۱۸

۱۳-۱۳۱-۱۴۱-۱۴۷-۱۵۰-۲۰۰-

۲۰۶-۲۵۵-۳۱۹-۳۶۴-۳۶۸-

زاهدی، نصرالله (سرتیپ): ۸-۹۶

زاواک: ۲۵۸

زنجانی (آیت الله): ۱۱۴

زین، اکبرین: ۴۶۶

زند، ابراهیم: ۴۵

زند، پری سیما: ۲۷۷

زندنیا، شاپور: ۳۶۵

زندئ پور (سرتیپ): ۳۸۰

زنگنه، عبد الحمید (دکتر): ۷۷-۱۰۵-۱۰۶

۱۱۱-

زنگنه، احمد (سرلشکر): ۲۲۳-۳۳۶-۳۳۸-

۳۴۷-۴۴۱-

زیبایی (سرهنگ): ۲۸۳

زیدی دوست: ۳۸۳

ژ

ژوزف گودرین: ۲۱۹

ژیدل (پرفسور): ۱۴۴

س

ساتیز (ژنرال): ۲۶۱

سادچیکف (سفیر شوروی): ۸۰-۸۹

ساسانی، خان ملک: ۲۲۳

ساعدمراغه ای، محمد: ۴-۴۸-۶۹-۹۶-

- ش
- شارپ فیلیپ: ۲۹۳
- شاطر حبیب: ۱۷۰
- شارل حلو: ۳۵۷
- شاندر منی، اکبر: ۳۹
- شاه آبادی، محمد حسین: ۱۷۱
- شاه بختی (سپهبد): ۹-۳۵-۳۶-۱۸۷-
- ۴۲۵-۴۲۷
- شاه بداعلو، احمد: ۱۴۰
- شاهرخ، بهرام: ۱۲-۳۵-۵۰
- شاهرخ شاهی (سرتیپ): ۲۵۵-۴۳۰-
- شاهرودی، باقر: ۳۴
- شاهکار، محمد (دکتر): ۲۰۶
- شاهنده (سرلشگر): ۳۴۵
- شایگان، علی (دکتر): ۱۸ تا ۲۱۶-۲۷-۵۰-
- ۱۴۶-۲۰۶-۴۷۴
- شریف (متهم در واقعه کاخ مرمر): ۴۶۸
- شریف العلماء: ۱۴۰
- شریفی، اقدس: ۴۷۳
- شریف امامی، جعفر (مهندس): ۵۵-۶۳-
- ۱۱۴-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۲۴-۲۲۷-
- ۲۲۸-۳۰۳-۳۱۴-۳۱۸-۳۲۶
- شریفی، مهدی: ۱۸۱
- شریعت زاده، احمد: ۲۰۶
- شروین (دکتر): ۱۴۶
- شعاع السلطنه: ۱۶۱
- شعاعی، عبدالباقی: ۶۴
- شعبانی: ۲۸۲
- شفا الملك: ۱۶۲
- شفایی (سرگرد): ۳۴۰
- شفق، رضا زاده (دکتر): ۹۹-۴۵۰-
- شفقت (ارتشبد): ۳۲۰-۴۶۲
- شفیق، احمد: ۸۸
- ۲۴۵-۱۸۷-۶۶-۱۱۸
- سالاری (سرلشگر): ۴۶۵
- سالاری، احمد (سرهنگ): ۱۵۲
- سامی، حسن آقا: ۱۹۸
- سرتیپ زاده: ۴۱-۷۳-۱۹۰-
- سپهر، علی: ۲۲۳
- سپهر، مورخ الدوله: ۱۱-۱۲-۳۵-۶۶-۱۶۲
- سجادی، محمد (دکتر): ۳۴-۳۵-۴۳۹
- سجادیان: ۱۹۸
- سردار اسعد، جعفر قلی: ۴۴۲-۴۴۷
- سریدر یولارد (وزیر مختار انگلیس): ۱۱۶-
- ۲۲۳
- سرمدی: ۲۰۸
- سروری، محمد: ۳۴-۳۵
- سعادت مند، ابوالحسن (سپهبد): ۳۱۷
- سعد الدوله: ۱۶۷
- سلام، عزام: ۱۵۸
- سلدن چین: (سفیر آمریکا) ۲۲۳
- سنجایی، کریم (دکتر): ۱۰۶-۱۱۲-۱۲۸-
- ۳۶۳
- سنگلجی، شریعت: ۴۱۵
- سوادکوهی (سرهنگ): ۲۸۱
- سوادکوهی، عباس قلی: ۴۳۸
- سولیوان (سفیر آمریکا): ۳۱۸-۳۲۳-۲۳۴
- سهیلی، علی: ۸۰-۹۸-۱۰۳-۱۸۸-۱۸۹
- ۴۵۴
- سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۵۷-۴۶۴
- سید باقری، سید محسن: ۲۱۷-۲۱۸
- سید حبیب الله (مدعی العموم): ۱۶۸
- سید قطب: ۱۱۱-۱۵۸:
- سیف (سرهنگ): ۴۲۶

صالح، اللہیار: ۲۷-۲۸-۴۶-۱۰۸-۱۰۹-۱۰۹
 ۱۲۵-۱۶۹-۴۲۳
 صالح، جہانشاہ (دکتر): ۲۷-۵۵-۶۱-۶۲-۶۴
 صبا (مختار الملک): ۳۴-۳۵
 صباح، حسن: ۱۶۰
 صبحی مہتدی: ۱۶۵
 صدام، حسین: ۳۲۴-۳۳۰-۳۳۱-۳۵۴
 ۳۶۲-۳۶۵-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱
 صدر (آیت اللہ): ۱۳۸
 صدر، حسن: ۲۰۶
 صدر، محسن (صدر الاشراف): ۵۹-۱۶۸
 ۱۸۰-۱۸۹-۳۴۲
 صدر، سید موسیٰ: ۳۵۷
 صدر، میرزا کاظم: ۱۶۹
 صدوری (سرگرد): ۳۴۰
 صدوری (قوام الدولہ): ۱۶۱
 صدیق اعلم (دکتر): ۴۳۵-۴۳۷
 صفار، میرزا احمد خان: ۱۶۲
 صفار ہرندی: ۱۵۴
 صفاری، رحیم: ۲۷۷
 صفاری، سرتیپ: ۴۶۳-۴۶۴
 صفایی، رحمت (مهندس): ۴۳۲
 صفویان (پروفیسور): ۳۱۲-۳۱۳
 صفی پور، علی اکبر: ۱۹۹-۲۰۳-۲۰۸
 صلاح السلطنہ: ۶۲-۶۳
 صمدیانپور (سپہبد): ۳۱۸
 صمصام السلطنہ: ۱۶۲
 صنیع الدولہ: ۴۲۱
 صنیعی (سپہبد): ۳۱۱
 صورا سراقیل، جہانگیر خان: ۲۲۲-۴۴۰
 صورتگر، لطفعلی (دکتر): ۴۳۸
 صوفی، سید جواد خان: ۴۳۵

شفیق، شہریار: ۳۲۷-۳۳۲
 شقاقی، حسین (مهندس): ۲۲۳
 شقاقی، عباس (سر لشکر): ۳۲۰
 شقاقی، ہادی (سر لشکر): ۳۶۳
 شکرانی (رئیس دفتر مخصوص): ۱۸۳
 شکیب پور (مهندس): ۳۱۸
 شمس آبادی (آیت اللہ): ۱۳۷-۳۸۵
 شمس آبادی، رضا: ۴۶۶ تا ۴۶۹
 شمس الافاضل: ۴۳۷
 شمیرانی، محسن (سرهنگ): ۴۶۰
 شوستر (مشتسار مالی): ۴۱۸
 شوکراس ویلیام: ۳۱۳-۳۵۶
 شوقی افندی: ۵۹-۶۰
 شومیاتسکی (سفیر شوروی): ۱۲۲
 شہرستانی (آیت اللہ): ۱۱۹
 شہریاری، عباس: ۳۶۲-۳۶۳-۳۶۸-۳۶۹-۳۸۵
 شہیدی، حسین: ۲۰۶
 شیبانی: ۴۴۰
 شیخ، ابوالحسن: ۴۳۸
 شیخ (دکتر): ۱۳۸
 شیرازی (آیت اللہ): ۱۱۳-۱۱۵-۱۳۷
 شیرازی، سید حسین: ۳۷۰
 شیروانلو (دکتر): ۴۶۶
 شیشکلی، ادیب: ۱۴۷
 شیفتہ، نصر اللہ (دکتر): ۱۳۷-۱۸۵-۱۹۱-۲۱۹
 شیفر (سفیر انگلیس): ۹۴
 ص
 صادق، امام: ۱۷۱
 صادق، صادق مستشار الدولہ: ۱۶۰
 صارمی، ناصر: ۱۸۷

ع

ض

- ضرابی (سرلشگر): ۱۹۰
 ضرغام علی اکبر (سرلشگر): ۲۷۹ - ۳۱۰
 ضرغام (سپهبد): ۳۲۰
 ضرغامی (سرلشگر): ۳۲۱ - ۴۳۲
 عباسی، علینقی (دکتر): ۳۱۲ - ۳۱۳
 عامری، جواد: ۷۴
 عامری (کلنل): ۱۱۷
 عباسی تهرانی، احمد: ۱۵۲
 عباسی: ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹

ط

- طالقانی، سید محمود: (آیت الله) ۱۴۹ - ۱۵۶
 طالقانی، شیخ محمد حسن: ۱۷۱
 طاهری، دکتر: ۶۸ - ۷۰
 طاهری، سرتیب: ۳۸۰ - ۳۸۳
 طبا، عبدالحسین (دکتر): ۲۰
 طباطبائی (آیت الله): ۱۱۳ - ۱۸۷ -
 طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۷۰ - ۷۴ - ۹۱ -
 ۱۹۷ - ۳۳۸ - ۴۱۸ - ۴۴۴
 طباطبائی، سید محمد صادق: ۴۴۰
 طباطبائی قمی (آیت الله): ۳۵۵
 طبری، احسان: ۱۹۸
 طلال، عبدالستار الحاج: ۳۷۱
 طلائی: ۴۶۷ - ۴۶۸
 طوفانیان (ارتشبد): ۲۸۸ - ۲۹۰ - ۲۹۱ -
 ۲۹۴ تا ۲۹۸
 طه حسین: ۵۷
 طهماسبی یا طهماسبیان، خلیل: ۵۴ - ۷۵ تا ۸۱
 - ۸۵ تا ۸۷ - ۹۰ - ۹۳ - ۹۵ - ۱۰۲ - ۱۰۳ -
 ۱۰۶ - ۱۱۱ - ۱۲۲ - ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۲ -
 ۱۴۷ - ۱۴۹ - ۱۵۰ تا ۱۵۲ - ۱۵۴
 عبد الرحمن: ۱۵۸
 عبدالناصر: ۸۳ - ۱۱۱ - ۱۵۸ - ۲۷۹ - ۳۶۵
 عبدخدائی: ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۵۲
 عبده، شیخ محمد: ۴۷۵
 عدل، یحیی (پروفیسور): ۳۰۲
 عراقی، حاج مهدی: ۱۱۱ - ۱۳۷ - ۱۴۰ -
 ۱۴۱ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۹
 عراقی حسام: ۱۵۳
 عراقی، منوچهر: ۱۵۴
 عزیزگارچی: ۴۵۶
 عسکراولادی، حبیب الله: ۱۳۷ - ۱۴۱ - ۱۵۴
 عسگری، نور محمد: ۱۳۸
 عشقی (شاعر): ۴۷۱
 عظیمیا (قاضی): ۳۴۰
 عظیم زاده: ۱۶۷
 عظیمی، فخرالدین (دکتر): ۹۴ - ۲۱۳
 علاء، حسین: ۴ - ۷ - ۷۰ - ۸۸ - ۹۰ - ۱۰۱ -
 ۱۰۳ - ۱۰۵ - ۱۱۱ - ۱۱۴ - ۱۲۶ - ۱۳۷ -
 ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۴ - ۱۴۸ - ۱۵۰ تا ۱۵۲
 ۲۲۶ - ۲۴۷ - ۴۱۸ - ۴۵۲
 علاء السلطنه: ۱۶۱
 علم، امیر اسد الله: ۷۰ - ۷۳ - ۷۴ - ۸۰ - ۸۶ -
 ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۵ - ۱۴۱ - ۲۵۸ - ۲۶۱ -
 ۳۱۹ - ۳۵۵ - ۴۴۲ - ۴۴۴
 علمی، علی: ۲۳۱

ظ

- ظفر، سردار: ۴۶۱
 ظہیری (مهندس): ۳۱۰

- علمیه: ۴۳۲
- علوی (مهندس): ۳۷-۳۹
- علوی (دکتر): ۴۶
- علوی مقدم، مهدیقلی (سپهبد): ۲۷۶
- علی هوتو، ذوالفقار: ۲۴۴
- عمیدی نوری، ابوالحسن: ۵۴
- غ
- غزال (خواننده): ۱۲۰
- غضنفری (سرهنگ): ۴۱-۹۲-۲۰۴
- غلام یحیی، دانشیان: ۲۸۴
- غنی، قاسم (دکتر): ۱۱-۱۰۹-۴۳۹
- غیائی: (مهندس): ۴۳۱
- ف
- فاتح، محمدصادق: ۳۸۵
- فاتح، مصطفی: ۵۴-۶۵
- فاطمی، حسین (دکتر): ۶۴-۶۵-۱۱۴-۱۲۱
- ۱۳۷-۱۴۱-۱۴۴-۱۴۶-۱۵۱-۲۲۸-
- ۲۳۵-۳۵۱
- فتاحی، فتح الدین: ۴۳۷
- فتوحی، دکتر: ۴۵۱
- فخرآرانی، ناصر: ۱۴-۲۹-۱۷۸-۴۶۴-
- ۴۶۵-۴۶۶
- فرامرزی، حسین: ۱۹۸
- فرامرزی، عبدالرحمن: ۱۲۸-۱۹۵-۲۱۰-
- ۲۱۹
- فرانس، مایرآلمانی: ۱۱۷-۱۱۸
- فرانسیس، شپرد: ۵۳
- فرانکو، (ژنرال): ۳۳۴
- فرح وشی: ۴۶۶-۴۴۸
- فرخ، الف: ۴۳
- فرخ مبین: ۴۲
- فرخ، مهدی: ۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۷-۴۳۲
- ۴۴۴-
- فرخ نیا (سپهبد): ۳۲۰
- فرخی یزدی: ج - ۱۹۷
- فردوست، حسین (ارتشبد): ۹۵-۲۶۶-۲۶۹-
- ۲۸۵-۳۰۳-۳۰۶-۳۱۹-۳۲۰-۳۵۵-
- ۳۵۶-۳۷۵
- فرزاد، مسعود: ۴۳۸
- فرزانه (مهندس): ۲۰۵
- فرسیو (سپهبد): ۳۸۰-۳۸۱
- فرگوسن، هربرت: ۳۰۹
- فرمانفرماتیان، منوچهر: ۲۸-۶۵-۷۱
- فروتن: ۴۲
- فروزش، زین العابدین: ۴۷۲
- فروغی، محمدعلی: ۴۴۱-۴۴۲-۴۴۷
- فروغی، محسن: ۴۳۱-۴۳۲
- فروهر، داریوش: ۱۳۱
- فروهر، غلامحسین: ۴۶-۴۷-۵۵-۵۸-۶۳
- ۶۴-۶۶-۶۷-۶۸-۷۲-۹۵
- فرهادپور، ناصرقلی: ۱۹۹
- فری پور، محمدحسین: ۱۸۳
- فقیه زاده، ابوالقاسم: ۱۹
- فقیهی شیرازی (دکتر): ۲۹
- فلاندرین، جرج (دکتر): ۳۱۲
- فؤاد، روحانی (دکتر): ۳-۱۴۶
- فهییم الملک: ۶۸-۱۰۳-۴۲۰-
- فهییم کرمانی: ۱۴۰
- فیروز، مریم: ۴۲-۴۴۹
- فیروز، نصرت الدوله: ۴۳۳-۴۳۴-۴۳۶-
- ۴۴۲-۴۴۶
- فیض (آیت الله): ۷۳-۹۰-۹۱
- فیلی، فطن الدوله: ۱۷۴-۱۸۸
- فیوضات: ۶۱

۱۲۹-۲۲۳-۳۴-۳۴۸-۴۱۸-۴۱۹-

۴۵۲-۴۵۴-۴۶۱-۴۷۱

قوام الملک: ۱۸۷

قاجار، احمدشاه: ۱۱-۸۱-۱۰۴-۱۶۱-۴۱۸

-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۷-۴۴۸-۴۶۱-۴۶۲-

قاجار، ایراندخت: ۴۴۸

قاجار محمدحسن میرزا: ۴۴۷

قاجار، ناصرالدین شاه: ۱۱۳

قاسم، عبدالکریم: ۲۷۹

قاسمی، ابوالفضل: ۲۸-۱۵۴-۲۸۶

قاسمی، احمد: ۳۹

قائم مقام (صدر اعظم ایران): ۲۲۲

قاضی اسداللهی (سرگرد): ۳۴۰

قبادی: (ستوان یکم): ۳۸-۴۰-۴۲-۴۳-

۲۰۱-۲۰۲

قدر (سرتیپ): ۳۵۷

قرنی، محمدولی (سرلشکر): ۲۷۶ تا ۲۸۲-

۲۸۷-۲۸۶

قره باغی (ارتشبد): ۲۶۵-۲۶۹-۳۰۳-

۳۲۰-۳۲۱-۳۲۶

قریب، محسن: ۳۴

قشقائی، خسرو: ۷۴-۱۰۱

قشقائی، سهراب: ۴۴۴

قشقائی، محمدحسین: ۱۰۰

قشقائی، ناصرخان: ۳۹-۹۷-۹۸-۱۳۰-

۴۴۴

قطبی، لوتیز: ۳۱۲

قصی، نصرت الله: ۷۷-۱۰۵-۱۰۶-۱۱۱

قنات آبادی، سیدشمس الدین: ۱۰۶-۱۴۴-

۱۴۶

قوام، احمد (قوام السلطنه): ۴-۱۰-۱۳-۱۴-

-۲۸-۳۵-۴۷-۷۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۸-

-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۳۰-۱۳۳-۱۵۰-

-۱۵۱-۱۶۶-۱۶۹-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۷-

-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۵ تا ۱۹۱-۲۱۰ تا ۲۱۳-

ک

کاتوزیان (سپهبد): ۴۵۱

کاتوزیان، محمدعلی همایون (دکتر): ۸۲

کاراخان: ۴۴۶

کارتز: ۱۵۸-۳۲۶-۳۷۸-۴۴۲-۴۴۳

کارگشا (سرتیپ زاده): ۴۱

کاره (دکتر- جراح انگلیسی): ۳۸۱

کازرونی: ۱۳۸

کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۷۴

کاشانی، ابوالمعالی: ۱۲۴-۱۲۹

کاشانی، حاج علینقی: ۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-

۱۹۱-۴۷۱

کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۵-۱۲-۱۵-

-۱۷-۱۹-۳۲-۶۵-۷۴-۷۷ تا ۷۹-۸۱-۳-

-۸-۸۵-۸۶-۸۸-۹۰-۹۱-۹۷-۹۸-

۱۰۱ تا ۱۰۶-۱۱۰-۱۱۳ تا ۱۲۱-

۱۲۳ تا ۱۲۷-۱۳۰ تا ۱۳۶-۱۴۰-۱۴۱-

-۱۴۳ تا ۱۴۵-۱۴۷-۱۵۳-۱۵۶-۱۹۶-

۲۱۴-۴۴۲

کاشانی، محمد: ۱۲۰

کاشانی، مصطفی: ۱۱۵-۱۲۱-۱۲۴-۱۲۹

-۱۳۰-۱۴۸-۱۹۶-

کاظمی، سیدباقر: ۵۷-۱۰۳-۱۲۵

کاظمیه، اسلام: ۱۴۰

کامبخش، عبدالصمد: ۴۲-۸۳-۱۷۸-۱۷۹-

۱۹۲-۴۵۱

کامران میرزا نایب السلطنه: ۴۶۰

کامرانی، احمد: ۴۶۶-۴۶۷

- معقول، احمد: ۲۰۶
- معین زاده، جواد (سرتیپ): ۲۶۹
- معینی، رحیم: ۴۷۳
- معینی (سرلشگر): ۹
- معینیان، نصرت الله: ۲۶۱-۲۶۲-۲۶۷
- ۲۷۱-
- مستوفی، حسین: ۴۲۶
- مستوفی المالک: ۱۸۷-۴۳۴-۴۴۱-۴۴۶
- مستوفی، منوچهر: ۲۰۵
- مسعود، محمد: پ ۱۴-۱۳۷-۱۷۳ تا ۱۹۹
- ۲۰۲-۲۰۳-۲۰۶-۲۰۹-۲۱۳-۲۱۷ تا ۲۶۷
- ۴۷
- مسعود، ژنیت: ۱۹-۱۶۹
- مسعودی، عباس: ۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱
- مسعودی، محمد علی: ۴۴۳
- مشارعظم: ۶۵
- مشایخی، مهدی: ۱۷۵
- مشفق کاظمی: ۱۴۷
- مصدق، محمد (دکتر): ۳-۵-۱۵ تا ۱۷-۱۹
- ۲۴ تا ۲۶-۲۸ تا ۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۷
- ۴۶-۴۷-۴۹-۵۰-۵۳-۶۴-۶۶ تا ۷۰-۷۱
- ۷-۷۵-۷۷-۸۲-۸۳-۸۵-۹۸-۱۰۲-۱۰۳
- ۱-۱۰۶-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۵
- ۱۲۰-۱۲۵-۱۲۷ تا ۱۳۵ تا ۱۴۳ تا ۱۴۶
- ۱۵۱-۱۵۲-۱۸۷-۱۹۰-۲۰۰-۲۰۲
- ۲۱۴-۲۱۹-۲۲۸-۲۳۹-۲۵۳ تا ۲۵۵
- ۲۸۰-۲۸۲ تا ۲۸۴-۳۵۱-۳۵۲-۳۶۴
- ۳۶۸-۴۲۱-۴۲۸-۴۳۲-۴۴۵-۴۷۳
- ۴۷۴
- مصور رحمانی (سرهنک): ۸۵-۲۵۵-۳۰۴
- مصطفوی نسب (دکتر): ۲۵۶
- مفتاح، عبدالحسین: ۱۱۶-۱۴۷
- مارپروفیسور: ۴۵۰-۴۵۱
- ماژور استوار، احمدخان: ۱۶۲
- ماکدونالد (دکتر): ۴۱۸
- مبشری، محمد علی (سرهنک): ۲۰۶
- متین دفتری، احمد (دکتر): ۲۷-۴۷۳
- مجلد ضیائی: ۱۶۶
- مجلسی رحمت: ۳۲۷
- مجیدی (سرلشگر): ۱۴۹
- محتشمی، علی اکبر: ۳۷۰
- محتشمی (سرلشگر): ۹
- محمدخان، (سرهنک): ۷-۸
- محمدزاده، محمدی رفعت (ستوان یکم): ۳۸-۳۹-۴۰-۴۳-۴۴-۲۰۶
- محرری، ابوالفتح: ۲۹۳-۴۴۲
- مختاری: ۱۶۴
- مدبر (سرهنک): ۳۴۵
- مدرس، سیدحسن: ۱۱۳-۱۸۷-۴۳۴-۴۳۵
- ۴۴۱-۴۶۲
- مدرس، عبدالباقی: ۴۳۵
- مدنی (آیت الله): ۱۴۱
- مدنی، پاسبان: ۳۸۴
- مدنی، احمد (دکتر-دریاسالار): ۲۶۶-۲۷۳
- ۲۷۵-۳۲۶
- مرتضی (سیدحسین زغالی اصفهانی): ۴۵۶
- مرشد، پرویز: ۱۷۷
- مرزبان (دکتر): ۳۴۳
- مزین، منصور (سرلشگر): ۱۲۵
- مطوبوعی (سرلشگر): ۹
- معتضدی (سرلشگر): ۹۹-۱۰۰-۱۰۱
- معدل شیرازی، لطفعلی: ۶۶
- معصومی (سرهنک): ۴۲۷
- معظمی، عبدالله (دکتر): ۱۲۹

- مقبول، میرزا احمد: ۱۶۹
- مقتدر، غلامحسین (سرتیپ): ۲۴
- مقدم، ناصر (سپهبد): ۲۶۱-۳۰۳-۳۱۸
- مقدم، خلیل الله: ۷۴
- مقرئ (سرلشگر): ۳۷۶-۳۷۸-۳۷۹
- مکی، حسین: ۱۹ تا ۲۵-۲۷-۳۲-۴۶-۴۷-۴۸
- ۴۸-۷۴-۸۷-۹۶-۱۱۹-۱۵۱-۲۰۴
- ملاقریب انعلی: ۱۶۷
- ملك حسين: ۱۳۹-۱۴۵-۳۰۶
- ملك زاده: ۶۱
- ملك فاروق: ۱۵۷
- ملك المتكلمين: ۲۲۲
- ملك مدني: ۷۰-۲۰۰
- ملك منصور: ۱۰۰
- ملكي، خليل (دكتور): ۸۲-۲۷۸-۲۷۹-۴۳۸
- ملكي، مسعود (دكتور): ۲۷۷
- مليسيو (دكتور): ۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰
- ممتاز (سرتيپ): ۲۸۴
- مقاني: ۳۴-۴۳
- منتخب الدوله: ۱۶۱-۱۶۲
- منشي زاده: ۲۷۷
- منصور، حسنعلی: ۱۱۴-۱۳۷-۱۴۱-۱۵۲
- ۱۵۳-۱۵۴-۲۲۸-۴۶۹
- منصور، رجبعلی، منصور الملك: ۴-۱۲-۱۳
- ۱۵-۱۷-۳۳-۶۲-۷۹-۹۵-۱۰۱
- منصوري، احمد: ۴۶۶-۴۶۸
- منصوري، (سرهنگ): ۳۵
- منظوريان، احمد: ۲۳۰
- موتقي (سرهنگ): ۳۴۵
- موشه دايدان: ۲۹۴
- موسوي، محمد: ۲۳۱
- موسوي، سيدباقر: ۳۷۰
- موسوي زاده: ۱۰۸-۱۷۵-۱۹۰
- مولوتف: ۳۴۳
- مؤيد احمدی: ۴۴۱
- مؤيد ثابتي: ۳۴۵
- مهران (دكتور): ۳۴
- مهدی، سليمانی: ۱۶۱
- مهام، فرشيد: ۳۶۱
- مهتدی، علی اکبر (دكتور - سرهنگ): ۱۰-۹۱
- ۹۶-۳۵۴-۴۳۰-۴۶۵
- مهدوی، ابراهيم (مهندس): ۵۵-۵۶-۶۲-۹۵
- مهدوی کنی، محمدرضا: ۱۴۰
- مهدی نیا: ۱۰
- ميتران، فرانسوا (رئيس جمهور فرانس): ۳۲۸
- ميرجلالی، محمود (سرلشگر): ۷
- ميرزا ابوالحسن خان: ۱۶۰
- ميرزا کوچك خان (جنگلی): ۲۴۹
- ميرزا محسن: ۱۶۱
- ميرزا محمد حسين (مجتهد): ۱۶۲
- ميلانی (آيت الله): ۲۷۷-۲۸۴
- ميلاتی (سرهنگ): ۳۴۰
- ميلاتيان (ناويان): ۴۲۶
- ميرعمادی: ۲۱۸-۲۲۲-۲۲۵
- ن**
- نادرشاه: ۲۲۲
- نارتگرافت: ۵۴
- ناصر الملك: ۴۲۱-۴۴۲
- ناطق نوری: ۱۴۱
- ناظم (سرلشگر): ۲۶۷-۲۷۱
- نامدار، احمد: ۱۱۷
- نامدار، مهدی (دكتور): ۶۶
- نامور، صمد: ۱۹۹

- نائبینی (آیت الله): ۱۱۹
 نائینی، میرزارضا: ۴۳۴
 نجفاتی (سرهنګ): ۸۴
 نجفدری: (سرهنګ): ۴۶۵
 نجم الملك: ۳۵
 نحاس پاشا: ۱۵۷
 نخجوان (سرهنګ): ۴۲۷
 نخعی (دکتر): ۲۷
 نخعی (سرتیپ): ۱۹۰
 ندامانی، ناصر: ۴۴۰-۴۴۱
 نریمان، محمود: ۱۹-۲۷-۱۰۳-۱۳۴
 نزیه، حسن: ۲۷۳-۲۷۵
 نشید، احمدعلی: ۳۸۲
 نصر، تقی (دکتر): ۴۵-۴۶-۵۰-۵۵-۶۳-
 ۶۴-۶۸-۹۵
 نصر، محسن (دکتر): ۶۳-۶۴-۶۸
 نصرالدوله: ۱۶۱
 نصرتیان: ۲۰
 نصیری (ارتشبد): ۱۵۴-۳۱۹-۳۶۶-۴۵۸
 نظری، شیخ عبدالله: ۲۸۱
 تقدی (ناخدا): ۴۲۶
 نقراشی پاشا (نخست وزیر مصر): ۱۵۷
 نقشینه (سروان): ۲۰۴
 نقیب زاده مشایخ: ۱۱۷
 نمازی، مهدی: ۹۸
 نواب احتشام رضوی: ۱۴۹
 نواب صفوی، (میرلوحی): ۷۵-۷۷-۷۹ -
 ۹۰-۱۰۳-۱۱۱-۱۳۴-۱۳۶ تا
 ۱۵۶-۱۵۹-۱۶۳-۱۷۱-۳۵۱
 نوایی (سرهنګ): ۳۴۰
 نوپخت، حبیب الله: ۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸
 نوت گرافت: ۱۲
 نوربخش (سرهنګ): ۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱
- نوری اسفندیاری، فتح الله: ۴۳۸
 نوری، شیخ بهاء الدین: ۷۵
 نوری، شیخ فضل الله: ۱۱۳-۱۶۲
 نوروزی (سروان): ۳۸۴
 نوشین، عبدالحسین: ۳۹
 نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۳۵۷
 نیکخواه، پرویز: ۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸
 نیکسون: ۲۹۲-۳۸۲
 نیک طبع: ۳۸۴
 نیک نواد، مرتضی: ۱۵۴
 نیاورانی (قاضی عسکر): ۲۰۹
 نیرالملک: ۴۳۴
 نیره، اعظم (همسرنواب صفوی): ۱۴۹
 نیو، (سرگرد): ۳۷۶
 نیوندی، حسین: ۱۱۷
- و
 والا، عبدالله: (مهندس): ۲۰۰
 والاتواد، محمود: ۱۹۷
 وایزمن (ژنرال): ۲۹۵
 واحدی، حسن: ۱۴۰
 واحدی سید عبدالحسین: ۷۶-۱۱۱-۱۳۷ تا
 ۱۴۰-۱۵۰-۱۵۴-۱۵۶-۳۵۱
 واحدی، سید محمود: ۷۶
 واحدی، سید محمد: ۱۰۳-۱۴۸-۱۴۹
 واعظ اصفهانی، سید جمال: ۴۴۵-۴۵۶
 واعظ، حاج میرزا عبدالله: ۱۳۹
 واعظ طبسی: ۱۵۳
 وثوق زمانی: ۲۸۲
 وثوق الدوله: ۱۶۰-۱۶۲
 وثوق (سپهبد): ۱۲۷
 وثوقی، ناصر (دکتر): ۷۴
 وهرام (سپهبد): ۳۴۲-۳۴۵

هیگل، حسنین: ۱۰۱-۱۲۱-۱۵۶-۳۵۱-
هیگر، علی: ۸۸-۳۰۳
هیئت، علی: ۶۲

ی

یاسر عرفات: ۱۱۱-۱۳۹
یزدان پناه (سپهبد): ۹-۱۱-۹۶-۳۴۳-
۴۶۴-۳۷۴

یزدانی، هژیر: ۳۱۱

یزدی مرتضی (دکتر): ۳۹-۱۹۶
یزدی (نماینده دادستانی) ۲۳۱
یکانی، اسماعیل: ۳۵-۴۴۰
یغمائی، حبیب: ۴۵۰
یمنی، اسماعیل: ۳۵۱-۳۷۴

وزیری، شاهرخ: ۴۲-۲۰۱
وستنداهل (کلنل): ۱۶۲
وهاب زاده: ۶۹
ویلیام دوگلاس: ۲۸
ویلیام وارن: ۲۱۴
ویلی (سفیر آمریکا): ۹۴

ه

هانری گریدی: ۱۳
هاوارد، پیچ: ۱۳
هاو کینز: ۳۸۳
هدایت، عبداللہ (ارتشید): ۷-۶۳-۲۴۵-۲۴۷
- ۲۴۸ - ۲۴۹-۲۷۹
هدایت، خسرو (مهندس): ۳۵
هدایت، محمود: ۵۸-۵۹-۹۲
هدایت مخبر السلطنه: ۲۴۵-۲۴۹-۴۵۰
هدایتی، محمد علی (دکتر): ۴۶
هرازی، حبیب: ۲۴۹
هرمز، محمود: ۱۹۷-۴۷۳
هریسچی (ناویان): ۴۲۶
هرین، اورل: ۲۲۴-۲۵۵
هژیر، عبدالحسین: ۴-۲۹-۳۵-۴۸-۶۵-۷۱
- ۱۰۷ تا ۱۱۲-۱۱۴-۱۱۸-۱۳۶-۱۴۴-
۱۵۲-۱۵۳-۲۵۴
هژیر، وثوق همایون: ۱۱۱
همایون فرخ، سیف اللہ: ۱۷۷-۱۷۸
همایونی (سرلشکر): ۴۰
همراز فاضل الملك: ۱۶۹-۱۷۰
هندی زاده: ۱۳۸
هریدا، امیر عباس: ۳۳۱-۳۳۲-۴۲۳
هرمن، احمد (دکتر): ۳۵-۹۵-۲۰۳
هیتلر، آدولف: ۱۸۶-۱۸۸

فهرست اسامی جلد ششم

- آ
- احمدزاده، طاهر: ۴۶۱
- احمدی (پزشک): ۱۳۹
- اخوی، حسن (سرلشکر): ۲۴۴
- اخوی، علی اکبر (دکتر): ۳۴۱-۳۸۶
- ارانی، تقی (دکتر): ۱۳۹
- اریاب، حمید: ۳۷۵-۳۷۶
- اریاب، مهدی یزدی: ۱۳۸
- اردلان، ناصرقلی: ۱۰۴-۱۰۶
- اردلان، امان الله، حاج عزالمالك: ۶-۱۱-۷۴
- ۱۴۹ -
- اردلان، علیقلی (دکتر): ۱۱۹-۱۲۸
- ارسنجانی، حسن (دکتر): ۱۹۵-۱۹۸-۲۰۲
- ۲۱۳-۲۲۴-۲۲۹-۲۵۶-۲۵۷-۲۶۱
- ارفع (سرلشکر): ۲۸۱-۳۵۷-۴۷۹
- استاکیل: ۱۱۱
- استالین: ۲۵۹-۲۷۳-۲۷۴-۴۰۴-۴۵۶
- ۴۴۸
- استالین، علی: ۴۵۹
- استوکس: ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۵-۱۵۶-۴۱۰
- اسدی، محمودلی: ۱۴۵
- اسدی، محسن: ۱۱۳-۱۱۹-۱۲۲
- اسکندری، امیرنصرت: ۲۷۰-۲۷۲
- اسکندری، ایرج: ۳۸-۴۱-۴۵۰
- اسکندری، عباس: ۱۶-۸۰-۱۱۵-۱۶۶
- ۱۹۸- ۲۰۲ تا ۲۰۹-۲۲۵-۲۲۹-۲۵۴
- ۲۵۵-۲۹۹-۳۰۳
- اسلامی، عباس: ۸۴-۱۵۰-۱۶۲
- اشتری، میرزاهادی: ۱۹
- آبتین، علی: ۳۲۸
- آچسن: ۱۰۸-۱۲۶-۱۴۷-۴۲۵-۴۵۶
- آدمیت، تهمورس: ۲۷۲
- آذر، مهدی (دکتر): ۲۱-۲۹-۴۲۱
- آذرنور، فریدون: ۳۸
- آرامش، احمد: ۲۷۲-۳۱۰
- آزاد، عبدالقدیر: ۱۶-۲۱-۵۶-۵۹-۷۱
- ۸۴ - ۹۵-۱۱۳-۱۳۸-۱۴۰-۱۶۵-۱۶۹
- ۱۷۱ تا ۳۹۳-۳۹۵
- آزموده، حسین (سپهبد): ۲۲۰
- آشتیانی، (دکتر): ۲۳۵-۳۱۶
- آشتیانی زاده، رضا: ۶۶-۹۰-۹۴-۹۵
- ۱۳۷-۱۶۴-۱۶۵-۱۷۷-۲۰۵-۲۳۵
- آغاسی: ۱۲۸
- آقاخان محلاتی: ۱۴۵
- آیزنهاور (رئیس جمهور آمریکا): ۲۱۴-۲۵۸
- ۳۱۹-۳۸۳-۳۹۱-۳۹۶-۳۹۷-۴۱۸
- ۴۲۸-۴۴۰-۴۴۴-۴۴۵
- الف
- ابتهاج، ابوالحسن: ۳۹۷
- المحدادیه (مهندس): ۴۲۷
- اتلی: ۱۰۵
- احمد (گماشته دکتر مظفریقانی): ۳۵۰-۳۵۵
- ۳۶۰ تا ۳۶۲ -

- اشرف سمنانی: ۱۳۴
- اشرفی (سرهنگ): ۲۱۵-۳۸۹-۳۵۱
- اعتضادی، ملکه: ۳۲۵
- افتخار خراسانی: ۲۵۵
- افشار، ایرج: ۲۶۰
- افشار طوس، محمود (سر لشکر): ۳۴۴ تا ۴۷۰
- افشار طوس (مادر): ۳۴۶
- افشار طوس (همسر): ۳۴۶
- افشار قاسملو، هادی: ۳۴۷-۳۶۰ تا ۶۲۲
- اقبال، احمد: ۲۹
- اقبال، ایران: ۲۵۵
- اقبال، خسرو: ۲۰-۱۴۲
- اقبال، عبدالوهاب: ۲۵۵
- اقبال، علی: ۲۱۳-۲۲۹
- اقبال، منوچهر (دکتر): ۷۸-۲۰۸-۲۱۳
- اقدام دوست، تقی: ۴۵۹
- اکبر، حسن: ۲۷۲
- اکبرخان (پیشخدمت قوام السلطنه): ۱۹۸-
- ۲۰۹-۲۵۵
- اکرمی، (مترجم): ۱۳۳
- الموتی، مصطفی (دکتر): ۴-۶۰-۶۱
- الوال ساتن (انگلیسی): ۳۸۵
- امامی اهری، علی اکبر: ۱۵۴
- امامی، جمال: ۸۴-۱۵۹ تا ۱۸۱-۱۹۲-۲۰۷
- ۲۲۲-۲۴۵-۲۷۸-۳۹۳-۳۹۶-۴۱۴
- ۴۵۵-۴۱۵
- امامی، سید حسین (قاتل هزیر): ۱۴۹
- امیراحمدی، احمد آقاخان (سپهبد): ۳۷-۳۲۵
- امیر خسروی، بابک: ۳۸
- امیر رستمی، پهلوان: ۳۶۰
- امیر صادقی، اصغر: ۳۲۳ تا ۳۲۵
- امیرعلایی (از متهمین قتل افشار طوس): ۳۴۷-
- ۳۶۳-۳۶۴
- امیرعلایی، شمس الدین (دکتر): ۱۸-۳۳-
- ۵۸-۵۹-۶۷-۱۰۷-۱۰۸-۱۳۰-۱۵۷
- ۳۳-۴۳۴
- امیرعلایی، فتح الله: ۳۲۵
- امین، علی اصغر: ۱۸۴
- امینی، ابوالقاسم: ۳۶-۳۱۱-۳۲۷-۳۲۹-
- ۳۵۱-۳۸۱-۳۸۲-۳۹۷-۴۱۷-۴۷۲
- امینی، بتول: ۲۲۹
- امینی، علی (دکتر): ۲۰۲-۲۰۳-۲۱۳-
- ۲۵۵ تا ۲۵۷-۲۵۵-۴۳۸-۴۳۹
- انتظام، عبدالله: ۱۷
- انتظام، نصرالله: ۳۳-۱۳۲
- انجری شیرازی، ابوالقاسم: ۲۹
- انگجی، سید محمد علی: ۲۳۹
- انوشیروان (پادشاه ایران): ۱۶۲
- ایدن: ۱۰۸-۱۰۸-۳۹۱-۴۱۸-۴۲۴-۴۲۵-
- ۴۲۸-۴۳۹
- ب
- باتمانلیج نادر، (سپهبد): ۲۴۴-۳۲۴
- بازرگان، مهدی (مهندس): ۲۷-۱۰۶-۱۵۲
- ۲۲۰-۴۵۱-

بهبهانی آقا جعفر: ۳۱۳

بامداد، مهدی: ۳۷۸

بهبهانی، آیت الله: ۸-۲۰۳-۲۴۸-۳۱۲ تا

بایندر (سرتیپ): ۳۶۰-۳۶۳-۳۵۸-۳۴۷

۳۱۴ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۲ - ۳۲۴ - ۳۹۸

بختیار، تیمور (سپهبد): ۳۰۶-۴۷۱

- ۴۰۳ - ۴۵۱

بختیار، شاپور (دکتر): ۲۶-۱۹۰-۴۰۳

بهبهانی، میرسید احمد: ۳۰۵

بختیاری، ابوالقاسم: ۳۱۱-۳۹۶-۴۰۱

بهبهانی، میرسید علی: ۸۴-۲۱۳۱۴۹

بختیاری، امیرمفخم: ۳۲

بهرامی، محمد (دکتر): ۴۴۸

بدر، محمود: ۱۹

بهمنش، سروان: ۴۵۹

برقی، سید علی اکبر: ۲۴۸

بهنود، مسعود: ۸۷-۲۱۳

بروردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۳۹۸-

بیات (شیخ العراقین): ۳۶۷

۴۰۳-۴۱۷-۴۲۳-۴۵۶-۴۸۳

بیات، عزت الله (مهندس): ۳۱-۱۰۶

بریمانی، لطفعلی (دکتر): ۳۷۴-۳۷۶

بیات، مرتضی قلیخان، سهام سلطان: ۴۷-

بزرگمهر، اسفندیار: ۲۸۱

- ۸۷-۱۰۴-۱۱۶-۱۲۵-۳۵۵-۴۰۹

بشارت، سید علی: ۱۰۱-۱۱۳

۴۲۷

بشیری، سیاوش: ۲۷۹-۳۷۰

بیانی، علیقلی (مهندس): ۱۸-۲۵-۲۸

بقائی، حسن (سرلشکر): ۱۳۷

بقائی، مظفر (دکتر): از ۸۳ تا ۴۸۳ در اکثر

صفحات

پ

پارسا، اصغر: ۲۳۷-۳۰۷-۳۴۱-۴۲۲

بقراطی، محمود: ۴۴۸

پارساتویسرگانی: ۲۷۸

بلوچ، شهریار: ۳۴۷

پاکروان، امیر: ۱۰۱ تا ۱۱۳

بنی فضل: ۲۸۰

پالیزی، عطاء الله: ۱۸۰

بوشهری، جواد، امیرهمايون: ۱۱۹-۱۲۵-

۴۳۹

پر خیده، مهندس: ۴۲۷

بوشهری پور، بهرام: ۲۷۸

پرون ارنست: ۷۵-۳۴۲

بوین (وزیر خارجه انگلیس): ۸۰

پزشکزاد، ایرج: ۴۸۱

بهار، محمد تقی، ملك الشعراء: ۲۶-۱۳۹-

پسنديده، سيد مرتضی: ۴۵۰

۲۷۶

پناهی، اصغر (مهندس): ۱۴۹

بهار مست، محمود (سرلشکر): ۲۸۰-۳۲۳-

پیرنیا، حسین (دکتر): ۱۰۱
 پیرنیا، حسن (مشیرالدوله): ۳۱-۳۳-۲۷۵
 پیرنیا، حسین (مؤتمن الملك): ۳۳-۳۸-۷۲-
 ۷۵-۲۳۶-۲۷۲-۲۷۵-۳۰۵
 پیرنیا، میرزا نصرالله خان: ۲۷۵
 پیرنیا، هرمز: ۱۸۸-۳۲۲-۳۲۵
 پیشه وری، میرجعفر: ۱۸-۲۸-۸۹
 پیمان، حبیب الله: ۲۶

ت

تامارا: ۳۵۴
 تبریزی، جواد (مهندس): ۲۸
 تختی، غلامرضا (جهان پهلوان): ۳۰۶
 تدین، محمد: ۴۹-۵۰
 ترکمان، محمد: ۳۵۷
 ترومن، هاری (رئیس جمهور آمریکا): ۷-۱۱۷
 - ۱۲۴-۱۵۲-۱۷۵-۳۸۳-۴۰۱-۴۰۲-
 ۴۱۸-۴۲۶
 تفرشی، علی اکبر: ۱۴۵-۱۴۶
 تفضلی، ابوالقاسم (دکتر): ۱۱۲
 تفضلی، جهانگیر: ۲۰
 تقی زاده، سیدحسن: ۱۶-۹۵-۱۲۴-۱۵۶
 - ۱۶۵-۱۶۶-۱۷۸-۲۷۶-۳۹۱
 توللی، فریدون: ۴۸۵
 تهرانچی، محمدرضا: ۳۰۵
 تهرانس، شیخ حسین: ۳۰۵
 تیمورتاش، عبدالحسین: ۱۴۴-۱۵۴-۱۵۵
 - ۱۶۱-۱۶۸-۳۶۸

پورسرتیپ، محمد: ۲۱-۲۶ تا ۲۹
 پورسرتیپ، فتح الله: ۱۹۲
 پهلوان، امیر: ۳۶۰-۳۶۱
 پهلوان، عباس: ۳۶۹
 پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۷۸-۹۷-۹۸-
 ۲۰۵-۲۱۳-۲۲۱-۲۲۲-۲۳۴-۲۳۶-
 ۲۳۸-۲۴۵-۳۱۱-۳۲۰-۳۳۷-۳۴۳-
 ۳۸۲-۳۹۲-۳۹۳-۴۳۲-۴۳۵ تا ۴۳۷-
 ۴۴۷
 پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۹۷-۹۸-
 ۱۸۸-۲۲۱-۲۲۲-۲۳۴-۲۳۸-۲۴۱-
 ۲۴۳-۳۱۱-۳۳۷-۳۹۲-۳۹۳-۴۳۲-
 ۴۳۵
 پهلوی، ثریا (ملکه): ۲۱۳-۳۱۵ تا ۳۱۷-
 ۴۳۵
 پهلوی، حمیدرضا (شاهپور): ۳۲۳
 پهلوی، رضاشاه: ۲-۳۰-۳۳ تا ۳۵-۸۱-۸۵-
 ۸۶-۹۷-۱۱۵-۱۲۴-۱۶۷-۱۷۱-
 ۲۴۲-۲۴۶-۲۶۶-۲۸۶-۳۴۴-۳۶۷-
 ۳۷۶-۳۷۷-۴۰۳-۴۰۵-۴۱۴
 پهلوی، شمس (شاهدخت): ۷۷-۳۲۰-۳۲۳-
 ۳۲۴-
 پهلوی، شهناز (شاهدخت): ۳۱۹
 پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۲۱۳-۲۳۹
 پهلوی، فوزیه (ملکه): ۳۱۹-۳۲۰
 پهلوی، محمدرضا شاه: در اکثر صفحات
 پیراسته، سید مهدی (دکتر): ۱۴۳-۱۴۴-
 ۱۵۶-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۹

تیمورتاش، منوچهر: ۱۸۰

چرچیل، وینستون: ۷۶-۱۰۱-۱۰۵-۱۷۹-
۲۵۹-۳۷۳-۳۱۹-۳۸۳-۳۹۶-۳۹۷-
۴۱۸-۴۲۶-۴۳۹

ج

جاوید، سلام الله (دکتر): ۲۵-۲۸
جرج آلن: ۲۳۵
جرج بال: ۱۵

چهاردهی، اسماعیل: ۲۶۹-۴۰۷

ح

جرج، میدلتون: ۴۳۷

حاتم: ۱۹

جرجانی، نماینده مجلس: ۱۴۲

حاج رضائی، طیب: ۲۴۸-۲۴۹

جزایری، شمس الدین (دکتر): ۱۱-۱۲-۱۸-

حاج سیدجوادی، ضیاء: ۲۱۲-۲۴۵

۱۹-۲۳-۲۴-۲۶-۲۷-۳۹۳-۴۰۶

حاج سیدجوادی، علی اصغر (دکتر): ۴۰۳

جعفری، بلوچ: ۳۴۷

حاجیان، اسماعیل: ۲۶۹

جعفری، شبان: ۱۴۳-۱۴۸-۱۵۲-۱۵۳-

حاذقی، ابوالفضل: ۱۵۶-۱۶۱

۲۴۸-۲۵۰-۲۹۸-۳۲۴-۳۸۸

حالت، ابوالقاسم: ۱۰۶

جلالی، علی: ۲۱-۲۸-۲۹

حائری زاده، ابوالحسن: ۱۶-۵۱-۵۹-۶۰

جلالی نائینی، محمدرضا: ۵۲-۵۹-۲۰۹

۶۶-۶۸-۷۰-۸۴-۱۰۱-۱۲۷-۱۳۹

جلیلی، محمود: ۱۸۴

۱۵۴-۱۴۶-۱۸۸-۲۴۵-۲۸۸-۲۹۱

جم، فریدون (ارتشبد): ۴۸۵

۲۹۸-۳۲۴-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۸-۳۶۸

جم، کامران (پسر ارتشبد جم): ۴۸۵

۳۷۴-۳۸۱-۳۹۳-۳۹۵-۳۹۷-۴۰۹

جناب (دکتر): ۲۷

۴۳۴-۴۶۰-۴۶۵-۴۶۶-۴۷۰-۴۷۷

جوانشیر: ۴۵۴

۴۸۳-

جوهر کلام، علی: ۱۰۱-۱۱۱

حائری شاه باغ: ۱۱۱-۱۱۲

جودت (دکتر): ۴۴۸

حائری نیا: ۳۹۹-۴۰۰

جولین امری: ۱۹۵

حجازی (ارتشبد): ۱۸۸-۲۴۴-۲۸۱-۲۸۲

جهانبگلو، منوچهر: ۴۵۹

۴۱۰-

جهانشاهی، یحیی: ۴۰۵

حجازی، سید محمد باقر: ۵۶

جیمی کارتر (رئیس جمهور آمریکا): ۱۵

حداد، ابوالقاسم: ۱۰۱-۱۱۱

حداد زاده: ۴۰۷

چ

- حسابی، محمود (دکتر): ۱۱۱-۱۰۶-۱
 حسینی، کاظم (مهندس): ۶۹-۲۵-۲۳-۱۸-۸۱-۱۰۴-۱۶۳-۲۳۶-۲۳۷-۲۵۲-۳۱۷-۴۲۸-۳۴۰-۳۱۷
 حشمت‌ناش (مهندس): ۲۷-۲۵-۲۳-۱۸-۲۳۶-۲۱۹
 حکمت، رضا، سردارفاخر: ۱۴۷-۹۲-۸۸-۸۶-۱۸۴ تا ۱۸۶-۱۸۸-۲۰۸-۲۱۳-۲۶۶-۲۷۶-۲۷۵
 حکمت، علی اصغر: ۳۰۵
 حکیمی، ابراهیم (حکیم الملك): ۱۵۶-۸۸-۳۹۱-۲۴۲
 حکیمی، برادر حکیم الملك: ۱۵۶
 حیدرقلی: ۳۷۵
 خ
 خانباها تهرانی، مهدی: ۴۵۸
 خان ملک ساسانی، احمد: ۲۹
 خامه ای انور (دکتر): ۱۱۵-۹۳
 خداپنده، یحیی: ۴۱۰
 خدیوکیهان (سرهنگ): ۲۲۰
 خسروانی، پرویز (سپهبد): ۳۳۱-۳۲۷-۳۲۵
 خسروانی، شهاب: ۱۸۴
 خطیبی، حسین: ۳۷۳ تا ۳۴۵
 خلخالی، امیرعشایر: ۴۵۴
 خلخالی، شیخ صادق: ۲۴۹
 خلخالی، کاظم: ۴۶۱
 خلعتبری، ارسلان: ۵۹-۲۷ تا ۲۵-۲۳-۱۸-۱۱۱-۱۰۶-۱
- ۶۸-۷۰-۴۰۵-۴۰۶
 خلیلی، عباس: ۶۹-۵۹-۵۲-۵۱
 خمینی، روح الله، آیت الله: ۳۷۴-۱۶-۱۵
 ۴۵۰-۴۱۶
 خواجوی، نصیرالدین: ۱۳۴
 خواجه نوری، محسن: ۲۷
 خوشنویسان (سرتیپ): ۲۱۵
 خونی، آیت الله: ۴۱۵-۴۱۴-۱۶۷
 خونی‌ها: ۲۴۹
- د
 داداش زاده، اسماعیل: ۲۶۹
 دادخواه، (سرهنگ): ۱۱۰
 دادستان، فرهاد (سرلشکر): ۳۲۵
 دادگر، عدل الملك ۱۱۱
 دالس، برادران: جان فوستر: ۴۵۷-۴۴۳-۳۶۶
 دانشپور، عبدالحسین (دکتر): ۲۰۶
 دانشور، محمد: ۲۶۹
 داورپناه، (سروان): ۳۲۴
 دبیرسهرابی، علی اکبر: ۱۴۵
 دبیرسیاقتی: ۲۱۵
 دری، حبیب: ۲۷۳
 دریفوس: ۱۸۷
 دشتی، علی: ۳۰۵-۲۲
 دفتری، محمد (سرلشکر): ۳۸۱-۲۲۰-۲۰۷
 ۴۱۲-
 دن کنل (انگلیسی): ۱۷۸

۱۸۶-۱۷۶ تا ۱۷۰-۱۶۴-۱۵۹-۱۵۶	دوگل، ژنرال: ۸۲
-۲۴۵-۲۲۲-۲۲۱-۲۰۸ تا ۲۰۳-۱۸۸	دولت آبادی، حاج میرزا یحیی: ۳۱
-۳۹۹-۳۹۲-۳۹۱-۳۸۹-۳۵۳-۳۳۹	دولت‌شاهی، ابوالفتح: ۹۷-۱۸۰
-۴۲۵ تا ۴۲۳-۴۱۲-۴۰۸-۴۰۵-۴۰۰	دولت‌شاهی، پری: ۴۵
۴۶۶	دولو، امیر هوشنگ: ۳۱۷
رستمی، امیر: ۳۴۷	دولو (سرلشکر): ۳۵۵
رشاد، محمد: ۱۶۷	دومیلر ژنرال: ۳۶۸
رشوند، جعفر: ۳۶۰	دها، سید حسین: ۳۰۵
رشوند، خانی‌بها: ۳۶۰	دهخدا، علی اکبر: ۳۱
رشیدیان، برادران: ۲۴۴-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳	دیوان بیگی: ۱۱۱
۴۲۸-۴۰۲-۴۰۱-	دیوشلی، عباس: ۳۶۹
رضازاده، شفق (دکتر): ۲۲-۱۰۴-۱۱۶-	دیشر (آمریکائی): ۴۵۵
۳۰۵	
رضوی، احمد (مهندس): ۱۶۳-۲۰۹-۲۲۳	
۷-۲۹۷-۲۷۲-۲۷۰-۲۳۷-۲۳۶-۲۲۷-	ذوالفقاری، ناصر: ۸۴-۲۰۶
۴۵۴-۴۲۷-۴۲۳-۴۲۲-۴۱۱-۳۳	ذوالقدر، حبیب الله: ۴۶۱
۳۳۲-۱۵۴-۱۷۵: رضای، قائم مقام الملك:	
۳۳۳-	
رمضان یخی، حسین: ۲۴۸	
روحانی، فزاد (دکتر): ۸۲-۱۳۴-۴۰۰-	رادمنش، (دکتر): ۳۵-۴۱۸-۴۴۶
۴۶۵-۴۲۸-۴۲۶	راشد، حسینعلی: ۱۹۳-۲۳۶-۴۲۳
روحانی، منصور (مهندس): ۲۷	راضی، حسین: ۲۶
روزولت تشودور: ۴۵۷	رائین، اسماعیل: ۱۱۰-۱۱۴
روزولت، کیم: ۲۲۰-۲۵۹-۴۰۲-۴۲۴-	رحیمی، عزیزالله (سرتیپ): ۳۲۴-۳۲۵
۴۵۷-۴۵۶-۴۴۰-۴۳۵-۴۳۰	رحیمی‌ان، غلامحسین: ۴۴ تا ۸۱-۱۶۶
رولن هانری: ۱۲۰-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۹	رزاز، شیخ محمد: ۱۴۵
روی، م. ملبورن: (آمریکائی) ۳۵۵	رزق آرا، حاجیعلی (سپهبد): ۸۴-۸۸-۹۲-
رهنما، شیخ مصطفی: ۲۴۸-۲۴۹	۱۲۴-۱۳۸-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۸-۱۵۰-

ریاحی، تقی (سرتیپ): ۲۱۹-۲۲-۳۲۳-
 ۴۱۳-۳۸۱-۳۵۳-۳۴۷-۳۲۵
 ریاضی، عبدالله (مهندس): ۳۷۳
 ریاضی یزدی، سید محمد علی: ۲۹۸

ژ
 ژاردو ویلیه: ۴۳۵
 ژوروردو: ۴۸۳
 ژورسک کی: ۱۲۵-۱۲۶

س

سادچیکف (سفیر شوروی): ۲۳۵-۳۸۶-۳۹۹
 ساعد، محمد: ۴۱-۴۶-۴۷-۵۵-۶۶-۸۷-
 ۱۳۸-۱۵۰-۲۲۱-۲۷۶
 ساعدی، (سروان): ۳۲۵
 سالار رشید: ۴۵۴
 سالی: ۴۶۱
 سامی، کاظم (دکتر): ۲۶
 سپهبدی، انوشیروان: ۴۲۴
 سپهبدی، عیسی (دکتر): ۱۱-۱۱۹-۲۰۹
 سپهر، ذبیح (دکتر): ۹۱-۲۲۶-۲۲۷-۳۸۷
 ۴۵۱-۴۶۹
 سپهر، مورخ الدوله: ۱۹۹
 سپهر، هادی: ۳۲۵
 سجادی، رضا: ۱۹۹
 سدان: ۱۱۰ تا ۱۱۴-۱۲۵-۱۲۹-۱۳۳-
 ۴۰۶
 سرآرنا ردمک نر (قاضی انگلیسی): ۲۳۲
 سراپندی: ۱۸۴
 سرتیپ زاده، اصغر: ۸۴-۱۵۶
 سرتیپ زاده (کارگشا): ۴۰۰
 سرگلا دوین جت: ۱۲۱

ز

زاخاریان: ۴۴۷
 زاهدی، اردشیر: ۳۴۳-۳۴۷-۳۵۱-۳۵۵-
 ۳۵۸
 زاهدی، (مهندس): ۲۲۵
 زاهدی، فضل الله، (سپهبد): ۹-۴۴-۶۶-۷۴-
 ۷۸-۷۹-۱۱۰-۱۱۲-۱۳۷-۲۲۰-
 ۲۲۱-۲۴۴-۲۸۱-۲۸۲-۳۲۷ تا ۴۸۳
 زاهدی، نصر الله (سرتیپ): ۳۴۷
 زایری، رضا: ۱۴۰
 زعیم، سید حسن: ۱۹-۴۰۶
 زنجانی، (ستوان): ۴۵۹
 زند، ابراهیم: ۷۴
 زنگنه، احمد (مهندس): ۲۳
 زنگنه، عبد الحمید (دکتر): ۴۰۰
 زنگنه، مسعود (دکتر): ۲۷-۲۹
 زهری، علی: ۳۴۰-۳۵۱-۳۵۴-۳۵۵-۳۶۹
 ۳۹۹-۴۶۵-۴۶۷-۴۷۴-۴۷۵
 زیرک زاده، احمد (مهندس): ۱۸-۲۳-۲۵ تا
 ۲۷-۵۲-۵۹-۲۱۹-۲۳۷-۳۴۷

۴۲۳- ۴۲۴- ۴۲۸- ۴۳۴- ۴۳۵- ۴۵۰-
 ۴۵۴- ۴۶۴- ۴۶۷- ۴۷۸-
 شبستری (همکارپیشه وری): ۲۵-۲۸-۲۳۹
 شبستری، سیدمرتضی: ۲۳۹
 شریف امامی، مهدی (دکتر): ۲۷
 شروین (دکتر): ۱۴۲-۲۰۲
 شعبانی، علی: ۲۷۵
 شعری (سرتیپ): ۳۶۰
 شفا، شجاع الدین: ۲۱-۲۸-۲۹-۱۲۰
 شفقت، جعفر (ارتشبد): ۵۶-۶۰
 شفق (سرهنگ): ۳۶۰-۳۶۲
 شفیق، احمد: ۲۳۵
 شقایق، سروان: ۳۲۵
 شمشیری، حسن: ۶۰-۱۳۰-۱۵۶-۳۰۴ تا
 ۳۰۷-۳۱۲-۴۵۶
 شوارتز: ۱۲۸
 شوارتسکف: ۲۴۴
 شوشتری، سیدمحمدعلی: ۷۶-۷۷-۱۴۳-
 ۱۴۴-۱۵۱-۱۵۵-۱۶۰-۱۶۳-۱۶۶-
 ۱۶۷-۱۷۰-۱۷۱-۲۴۵
 شهناز: ۳۳۰
 شهیدی، جعفر: ۲۷
 شبیبانی حبیب الله (سرلشگر): ۸۵-۲۵۷
 شبیبانی، کاظم (سرتیپ): ۳۲-۹۶
 شیرازی، حاج آقا: ۳۱-۱۸۸
 شیلاتی، امیر (دکتر): ۲۲۰

سروری، محمد: ۱۰۵-۱۱۶-۲۴۵-۴۷۵
 سل، پروفیسورفرانسوی: ۱۲۹
 سلطانی (نماینده مجلس): ۱۴۲
 سلیم اللوزی: ۳۸۲
 سمیع، حسین (ادیب السلطنه): ۱۳
 سنجابی، کریم (دکتر): ۸۱ تا ۸۱-۶۷-۸۱-
 ۱۱۹-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۹-۲۸۸-۲۸۷-
 ۳۰۷-۳۱۰-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۷-۳۴۰-
 ۳۶۹-۳۹۳-۴۰۳-۴۰۶-۴۰۹-۴۵۶-
 ۴۷۶-
 سنندجی، سالار سعید: ۱۱-۱۶۳-۱۶۴
 سهیلی، علی: ۲۲-۴۹-۵۰-۴۲۵
 سیاح، کاظم خان (کلنل): ۳۷
 سیاسی، (سرهنگ): ۵۶-۵۸
ش
 ساخت، (دکتر): ۲۴۵-۳۴۱-۳۹۵
 شاه بختی، زکریا (سپهبد): ۱۷۵-۳۲۵
 شاهرخ، بهرام: ۱۰۰-۱۱۱-۱۵۵-۱۷۶-
 ۴۳۴-۴۳۲
 شاهنده، عباس: ۲۸۱
 شاهین (دریادار): ۱۰۸
 شایگان، سیدعلی (دکتر): ۱۲-۱۵-۲۴-۵۹
 ۶۶-۶۷-۶۹-۷۰-۸۴-۱۰۴-۱۱۶-
 ۱۱۹-۱۲۷-۱۵۶-۱۶۰-۱۶۹-۱۸۸-
 ۱۹۲-۲۲۳-۲۳۴-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۹-
 ۲۴۹-۲۵۳-۲۸۷-۲۹۶-۳۰۷-۳۰۷-
 ۳۱۰-۳۳۷-۳۴۷-۳۹۳-۴۰۶-۴۲۱-

ص

صاحب الدوله: ۲۶۸

صاحب، علیرضا (دکتر): ۱۸-۲۶-۲۷

صادق، صادق، مستشار الدوله: ۱۴۰

صادقی، ابوالحسن: ۲۶-۲۷-۲۷۲

صالح، اللهیاری: ۱۸-۱۹-۲۳ تا ۲۵-۲۷-۲۸

۱۲۱-۱۱۹-۱۱۶ - ۱۰۴-۸۴-۶۹-۶۶-

۱۹۴-۱۸۲-۱۶۴-۱۲۹ - ۱۲۷-۱۲۴-

۴۳۳- ۴۲۱-۳۹۳-۳۱۷-۲۴۹-۲۴۵-

۴۶۰-۴۳۴-

صدر (آیت الله): ۴۳۵

صدر (دکتر): ۴۵۱

صدراصفهانی: ۲۷۵

صدراصفهانی، معین الدوله: ۲۷۵

صدر، حسن: ۵۹

صدر، محسن، صدرا لاشراف: ۱۳۸-۱۶۷-

۲۲۲

صدر کاشانی، رضا: ۴۵۰

صدیقی، غلامحسین (دکتر): ۲۸۰-۲۸۲-

۳۰۹-۳۵۷-۴۰۶-۴۱۹-۴۵۳-۴۶۴

صراف زاده، رضا: ۱۸۴

صفاری، رحیم: ۳۶۷-۴۰۳-

صفاری، محمد علی (سرتیپ): ۶۰-۲۰۷-

۳۷۶

صفائی، ابراهیم: ۱۳۹-۱۴۳-۱۵۵-۱۷۰-

۱۸۳

ض

ضرابی: ۲۷

ظ

ظلی، منوچهر: ۲۸

ط

طاهری، هادی (دکتر): ۱۱۱-۱۴۲-۱۸۴-

۱۸۶

طبا، عبدالحسین (دکتر): ۱۳۸-۱۴۴-۱۵۳-

۱۵۶-۱۶۳-۱۷۱

طباطبائی، سیدضیاء الدین: ۱-۶-۲۲-۲۶-

۳۱-۳۲-۳۴-۳۷-۳۸-۸۸-۹۶ تا ۱۷۵-

۱۷۶-۱۷۸-۱۸۸-۴۰۱-

طباطبائی، سید محمد صادق: ۱۱-۱۹-۲۴-

۳۱-۸۷-۲۰۷-۲۰۸-۲۱۳-۳۰۵-

طبری، احسان: ۴۱

طهماسبی، خلیل: ۱۴۲

ع

عاصمی (سرهنگ): ۱۱۰

عالی، شمس الدین (دکتر): ۱۸-۲۶-۲۷-

۱۳۴-۳۴۲

عامری، جواد: ۸۴

عبدالکریم قاسم: ۴۴۷

عبدالناصر (سرهنگ): ۳۷۱-۳۹۷

غنی، قاسم (دکتر): ۱۱۸-۴۳۲

عبده، جلال (دکتر): ۱۲۸-۱۲۹-۳۰۵-۴۶

۴۶۹-۴

عبده، علی: ۲۱۳

عرب شیبانی، عباسقلی: ۱۸۴-۱۸۵

عظیمی، فخرالدین (دکتر): ۳۸۹

علاء، حسین: ۸۵-۸۸ تا ۹۳-۹۸-۱۵۷-

۱۸۷-۱۸۸-۱۹۳-۲۰۲-۲۱۳-۲۲۵-

۲۳۴-۲۳۷-۳۱۰ تا ۳۰۷-۲۷۵-

۳۳۶-۳۴۲-۳۸۱-۳۸۲-۳۹۱-۳۹۷-

۴۲۳-۴۳۲

علاء السلطنه: ۲۷۵

علم، امیراسدالله: ۱۸۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۸۱-

۳۱۷-۳۱۹

علوی (دکتر): ۸۴

علوی مقدم (سپهبد): ۲۰۶-۲۱۳-۲۲۵-

۲۳۴-۲۴۴

علی آبادی، محمدحسین (دکتر): ۲۱-۱۰۶

علی اوف: ۳۹

عمادی، کاظم: ۲۸-۲۹-

عمیدی نوری، ابوالحسن: ۳-۴۳-۵۲-۵۸-

۵۹-۶۹-۱۳۷-۱۶۱-۲۷۹-۴۱۴

غ

غروی (آیت الله): ۵۹-۶۹-۷۱-۲۴۵

غضنفری، علیمحمد: ۱۸۰

غفاری، ذکاء الدوله: ۱۹

غفاری، علی: ۲۹

ف

فاتح، مصطفی: ۲۲-۱۰۱-۱۱۴-۳۹۴

فاخرالملک: ۳۸

فاروق (پادشاه مصر): ۲۳۵-۲۴۰ تا ۲۴۴-

۳۹۷-۴۳۷

فاطمی، حسین (دکتر): ۵۲-۷۱-۷۲-۸۳-

۹۷-۱۱۹-۱۳۰-۱۴۰-۱۴۱-۱۵۵-۱۵۶

۱۵۸-۱۷۶-۱۸۶-۱۹۲-۲۰۹-۲۵۳-

۲۵۶-۲۵۷-۲۷۹-۲۸۱-۲۸۲-۳۱۲-

۳۱۵-۳۱۶-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۷-۳۴۷-

۳۵۱-۳۸۳-۳۸۹-۳۹۱-۳۹۶-۳۹۹-

۴۰۳-۴۱۰ تا ۴۱۲-۴۱۸-۴۲۱ تا ۴۲۳-

۴۳۲ تا ۴۳۴-۴۵۱-۴۵۶-۴۶۱

فاطمی، سعید (دکتر): ۶۰-۶۲-۶۹-۴۲۲-

فاطمی، سیف پور (دکتر): ۱۲۰

فاطمی، مصباح: ۲۰۹

فخرالدوله، خانم: ۲۵۷

فرامرزی، عبدالرحمن: ۷۶-۸۱-۸۴-۹۶-

۱۵۱-۱۵۳-۱۶۰-۱۶۲-۱۹۲-۲۷۸-

۲۸۸-۳۰۸-۳۹۲

فرخ، مهدی، معتصم السلطنه: ۱۲-۷۴-۲۶۰-

فرخی یزدی: ۱۳۹-۳۶۸

فردوست، حسین (ارتشبد): ۲۱-۲۲-۲۹-

۵۴-۳۷۷

- فرمانفرما، عبدالحسین: ۳۰-۱۴۵-۲۲۵
 فروتن، عباس: ۲۷۸-۴۴۷-۴۴۸
 فروغی، ذکاء الملک: ۸۵
 فروهر، داریوش: ۴۰۳-۴۶۷
 فرهودی، حسین (دکتر): ۱۵۶
 فیروز، غلامعلی (مهندس): ۱۸: ۲۷ تا ۳۰-۲۷
 فشارکی (سروان): ۳۲۵
 فقیه زاده: ۸۴
 فلاح رستگار: ۲۵۵
 فلاح، رضا (دکتر): ۴۰۶-۴۱۱-۴۸۰
 فلسفی (دکتر): ۲۹۷
 فلسفی، محمدتقی (واعظ): ۴۰۲-۴۰۳
 فولادوند، غلامرضا: ۱۶۳
 فولادوند، قاسم: ۸۷-۹۷-۱۵۵-۱۸۰
 فیروز، مریم: ۳۶۸-۴۴۷-۴۴۸-۴۵۹
 فیروز، مظفر: ۲۳-۲۴-۱۵۸
 فیروزآبادی، سیدرضا (آیت الله): ۳۰۵
- ق
 قاجار، احمدشاه: ۳۰-۳۱-۳۳-۳۵-۳۸
 قاجار، محمدعلیشاه: ۳۰-۳۳-۲۹۷
 قاجار، مظفرالدین شاه: ۳۰-۱۴۶-۴۳۱
 قاجار، ناصرالدین شاه: ۳۰-۲۱۶-۲۵۸-۲۶۸
 قاسمی، ابوالفضل: ۲۸
 قاسمی، احمد: ۲۲-۴۴۷-۴۴۸
 قدسی، اعظام: ۳۴۴
- قراگوزلو، بهاء الملک: ۳۹۷
 قراگوزلو، علیرضا: ۳۴۷
 قراگوزلو، منوچهر: ۲۱۳
 قرائی، بلوچ: ۳۵۱ تا ۳۸۰
 قرائی، ژیلدا: ۳۷۲
 قریانی (سرهنگ): ۲۳۴-۳۶۶
 قریشی، امان الله: ۴۴۸
 قشقائی، خسرو: ۲۷-۸۴-۱۷۶-۱۷۷-۱۸۷
 ۱۸۸-۲۲۴-۲۳۳-۳۲۴-۴۳۳
 قشقائی، محمدحسین خان: ۱۸۸
 قشقائی، ناصر: ۱۷۵-۱۸۴-۱۸۸-۲۱۳-
 ۳۱۱-۴۱۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۵۴
 قضائی، حشمت الله: ۳۴۲
 قمی، نصرت الله: ۴۰۰
 قنات آبادی، شمس: ۲۵۴-۲۵۷-۲۶۶-۳۵۳-
 ۳۵۵-۳۹۷-۴۰۳-۴۳۴-۴۵۵-۴۶۵-
 ۴۶۶-۴۸۳
 قوام، احمد، قوام السلطنه: ۳۲ تا ۳۶-۸۹-۹۰-
 ۱۲۸-۱۵۰ تا ۱۵۹-۱۷۱ تا ۲۹۷-۳۱۸
 ۳۶۸-۳۷۳-۳۷۴-۴۰۱-۴۱۲-۴۴۷-
 ۴۴۸-۴۶۱
 قوام، اشرف الملوک (همسر قوام): ۲۵۷-
 ۲۶۶-۲۶۷
 قوام، حسین: ۲۲-۲۶۶ تا ۲۶۸
 قوام شیرازی، قوام الملک: ۱۸۵
 قوام، علی: ۱۸۵
 قوام، محمد: ۲۰۵-۲۲۹-۲۵۵
 قهرمانی، شاهزاده: ۴۱۱

ك

كلالی (سروان): ۴۵۹

کلی (آمریکائی): ۱۸۷

کمال (سپهبد): ۲۵۶-۲۵۷-۲۷۹

کمره ای، محمدباقر: ۲۴۸

کنت دولازنکا: ۱۰۹

کنت راس: ۱۰۵-۴۲۹-۴۳۰

کوپال (سرلشگر): ۲۰۴-۲۰۶-۲۲۲-۲۳۳

کهید، بهاء الدین: ۳۴۰-۳۴۲

کیان، غلامرضا (دکتر): ۱۵۶

کیانوری، نورالدین (دکتر): ۳۶۸-۴۴۷-۴۴۸

کیهان، (سرتیپ): ۳۹۹

کاتوزیان، همايون (دکتر): ۴۶۷

کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۸۴-۱۳۸

کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۸-۶۹

۷۱-۷۲-۸۱-۱۳۵-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۵

۱۶۷-۱۸۱-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۸-۱۹۵

۴۸۳ تا ۲۰۰

کاشانی، سید محمد: ۱۴۶-۲۲۵

کاشانی، سید مصطفی: ۶۵-۳۱۸

کاظمی، باقر، مهذب الدوله: ۱۳۰-۱۵۵-۱۵۶

۱۸۰-۲۰۹-۲۶۱-۲۹۶-۳۴۲-۴۱۸

۴۲۱-۴۲۳-۴۳۴-۴۶۴

کافتارادزه: ۳۹-۴۱-۴۴-۴۶

کامبخش، عبدالصمد: ۴۴۸

کامران میرزا: ۲۱۶

کاویانی (دکتر): ۵۹

کرهاسچیان: ۴۳۴

کردون متیسون (کاردار آمریکا): ۴۴۲

کرمانی، میرزارضا: ۲۱۶

کرنسکی: ۱۵۶-۲۴۲

کریمپور شیرازی: ۱۴۴-۳۹۳

کشاوری صدر: ۸۴-۹۶-۱۴۳-۱۵۰-۱۶۲

۱۶۴-۲۰۲-۴۰۳-۴۵۱

کشاوری صدر (مهندس): ۴۵۱

کشاوری، فریدون (دکتر): ۱۵۰-۱۵۶-۴۴۷

کفائی (آیت الله): ۲۷۹

کلالی، امیر تیمور: ۶۹-۱۴۱-۱۶۵-۲۴۶

گ

گرامی، حسن: ۲۰۲

گرنی، (دکتر): ۴۵۵

گریدی (دکتر): ۱۸۷-۴۳۲-۴۵۶

گرنز، (سرلشگر): ۲۰۶-۲۳۴-۲۴۴

گزیده پور، (مهندس): ۱۸

گلهادی، منوچهر: ۱۶

گلیایگانی (آیت الله): ۴۵۰

گلشائیان، عباسقلی: ۱۶-۴۳-۴۴-۶۰-۶۷

۷۴-۱۵۶

گنجه ای، جواد: ۸۴-۱۴۴-۱۵۶-۳۳۲

۳۳۳

گنجه ای، رضا (مهندس): ۳۰۵

گوت (آلمانی): ۳۴۱-۳۴۲

گیتی بین، اصغر: ۲۸

گیلاشاه، هدایت (سپهبد): ۲۴۴-۴۱۳

مدبر (سرتیپ): ۲۷۹

مدحت لارودی: ۵۸

مدرس، سیدحسن (آیت الله): ۳۱-۱۳۹-

۱۴۶-۱۶۲-۲۰۳

مرزبان: ۲۹

مزمین (سرلشکر): ۱۳۱-۳۷۷-۳۹۹-

مزمینی (سرتیپ): ۱۳۸-۱۸۸-۳۴۷-۳۵۵

تا ۳۹۹-

مستوفی، حسن، مستوفی الممالک: ۳۸-۸۵-

۲۷۵

مستوفی، میرزا یوسف: ۲۷۵

مسعودخان، مازور: ۳۷

مسعود، صارم الدوله: ۱۱۳

مسعودی، جواد: ۲۶۸

مسعودی، عباس: ۱۱۹-۱۲۵-۳۰۵

مسعودی، محمدعلی: ۱۶۰

مشار، یوسف (مشاراعظم): ۵۹-۶۷-۶۸-

۲۲۳-۲۳۶ تا ۲۳۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۶-

۳۳۲-۳۹۲

مشایخی، مهدی: ۳۱۳

مشایخی، مهندس: ۳۷۳

مشیر، مرتضی (دکتر): ۲۵

مصباح زاده، مصطفی (دکتر): ۲۹-۱۱۹-

۳۰۸-۳۱۰

مصدق، احمد (مهندس): ۳۱-۲۷۹-۳۲۳

مصدق ضیاء، اشرف: ۳۱-۱۲۰

مصدق، (ضیاء السلطنه ظهیر همسر مصدق):

۳۱-۲۵۷

ل

لاورنیتوف: ۴۱۶-۴۱۷

لسانی، ابرالفضل: ۲۷۹-۳۹۵

لطفی، عبدالعلی: ۲۵۶-۲۶۱-۲۸۰-۳۵۲

-۳۹۵

لنکرانی، حسام: ۴۴۷

لنین: ۱۵۱-۴۴۸

لیاخوف: ۱۴۰

لیانازوف: ۳۸۷

لئونارد ماسلی: ۱۰۸-۴۷۸

م

مارک گاز بوروسکی: ۴۰۰

ماکسیموف: ۴۵-۲۷۳

ماکنتر (قاضی انگلیسی): ۱۲۹

مانیان، حاجی: ۲۰۲

ماتو: ۴۴۸

مبشری (سرهنگ): ۴۵۹

متین دفتری، احمد (دکتر): ۱۱-۳۱-۸۷-

۱۰۴-۱۱۶-۱۱۹-۱۰۷-۱۲۴ تا ۱۲۷-

۲۷۶-۲۹۸

مجدالعلی: ۱۸۴

مجدزاده: ۳۳۲-۳۳۳

محر معلی خان: ۴۰۸

مخبر فرمند: ۱۱۱-۱۴۲

مفتاح، عبدالحسين: ۳۱۵-۴۱۶-۴۱۸ تا ۴۲۰
مقدم، محمد علی: ۴۰۴-۴۰۵
مکری، محمد (دکتر): ۲۳
مک کلور: ۲۴۴
مک گی: ۱۷۴

مکی، حسین: ۸-۱۶-۲۷-۲۸-۵۱-۵۲-
۵۹-۶۰-۶۲-۶۶-۸۱-۸۴-۹۰-۹۶-
۱۰۴-۱۰۶-۱۱۶-۱۲۹ تا ۱۳۲-۱۴۲
تا ۲۳۶-۲۴۵-۲۵۴-۲۸۶-۲۷۰-۲۷۲-
۲۷۹-۲۸۰-۲۹۰-۲۹۶-۳۲۴-۳۳۲-
۳۳۴-۳۳۶-۳۴۰-۳۴۱-۳۶۸-۳۸۱-
۳۸۹-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۷-۴۰۲-۴۰۹-
۴۱۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۹-۴۵۸-۴۶۰-
۴۶۶-۴۷۰-۴۸۳

ملک مدنی، هاشم: ۱۴۱-۱۵۲-۱۵۴-۲۹۶-
۳۳۵
ممتاز (سرهنگ): ۴۵۹
ملکی، احمد: ۵۲-۵۹-۶۹-۴۵۴-
ملکی، خلیل (دکتر): ۱۰۰-۱۰۱-۴۴۹-
۴۵۱ تا ۴۵۳-۴۵۶-۴۶۷-۴۷۰-
ملکی، مسعود (دکتر): ۱۸-۱۲-
منزه (سرتیپ): ۳۴۷-۳۵۵-۳۵۹ تا ۳۶۱-
۳۶۳-۳۷۷
منشی زاده: ۳۹۶

منصور، حسینی: ۲۷۵
منصور، رجبعلی، منصور الملک: ۶۹-۷۴-۷۵-
۲۷۹-۲۵۵-۲۷۵-۳۶۴
منوچهری (شاعر): ۲۱۳

مصطفی، خدیجه (دختر مصدق): ۳۱
مصطفی، غلامحسین (دکتر): ۳۱-۱۲۰-۲۸۲-
۳۲۴-۳۲۹-۳۵۲-۴۳۴-
مصطفی، محمد (دکتر، مصدق السلطنه) در اکثر
صفحات

مصطفی، منصوره (دختر مصدق): ۳۱
مصطفی، نجم السلطنه، مادر محمد مصدق: ۵-
۳۰

مصطفی، هدایت (پدر دکتر مصدق): ۵-۳۰
مصور رحمانی (سرهنگ): ۲۱۵-۲۰۰-۳۶۶-
۴۲۰-

مصور رحمانی، مرتضی: ۸۱-۲۶
مظفری، (سرلشکر): ۴۰۴-۴۰۵-
معاش: ۲۴۵-۳۲۵

معتمد السلطنه: ۲۰۷-۲۱۳-۲۳۷-۲۵۵-
معتمد ماوندی، ابوالکارم: ۱۶
معتمد، ناصر (مهندس): ۱۸-۲۷
معتمدی، علی: ۳۹۸

معدل شیرازی، لطفعلی: ۹۶-۱۴۱-
معظمی، عبدالله (دکتر): ۸-۹-۱۰۴-۱۱۶-
۱۷۲-۱۷۳-۲۲۳-۲۲۶-۲۴۰-۲۹۶-

۲۹۷-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۷-۳۰۸-۳۱۰-
۳۱۷-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۴-۳۳۲-۳۳۳-
۳۳۵-۳۴۷-۳۹۷-۴۲۱-۴۳۴-۴۵۰-

۴۵۱-۴۶۸-۴۶۹-
معینیان، نصرت الله: ۲۷۸
مغروری، حسینعلی (سرتیپ): ۴۰۳-

ناصری، قلی: ۳۱۷	مورگان: ۲۴۲
نائینی، مهدی: ۲۸	موریس (وزیر خارجه انگلیس): ۱۶۱
نجاتی (سرهنگ): ۲۱۵-۲۴۳-۴۵۳	موزه، میرزا علی اکبرخان: ۳۰
نجم، ابوالقاسم (نجم الملک): ۱۰۵-۱۱۶-۲۴۵	موسوی، سیداسدالله: ۳۲۶-۳۴۲
نجفی، ناصر: ۱۷-۶۰	مولوتف: ۲۷۳-۲۷۴
نجیب (ژنرال): ۳۵۳-۳۷۱-۳۹۷	موسولینی: ۱۷۸
نخشب، محمد: ۲۸ تا ۲۶	مهید: ۲۰۵-۲۵۴
نریمان، محمود: ۵۹-۶۷-۸۳-۸۴-۱۴۷-	مهتدی، دکتر: ۲۶۵-۳۹۵-۳۹۹-۴۱۰
۱۵۹-۱۶۴-۱۶۶	مهدی نیا، جعفر: ۲۶۵-۲۷۶
نصرتیان: ۱۶۳-۱۶۸-۱۷۰-۳۹۳	مهران، مجید: ۴۳
نصیری، محمد (دکتر): ۳۴۱	مهریان، رسول: ۲۶-۴۰۳
نصیری، نعمت الله (ارتشبد): ۳۱۵	مهنا (سرلشکر): ۳۴۷-۳۸۱-۳۹۸
نقدی (سرهنگ): ۳۲۴	میدلتن: ۱۸۴-۲۳۴-۲۳۵
نواب، حسین: ۱۱۹-۱۲۷-۱۲۸-۲۴۰-	میراشراقی، سید مهدی: ۱۸۲-۱۸۴-۱۹۲-
نواب صفوی: ۴۰۰-۴۰۳-۴۳۳-۴۳۴	۱۹۳-۲۰۶
نویخت، حبیب الله: ۲۰-۱۴۲	۲۲۲-۳۱۷-۳۳۴-۳۵۳-۴۵۵-۴۶۱-
نورکرافت: ۱۱۱	میرزاشهاب (پدر دکتر بقائی): ۱۵۵
نورنبرک: ۴۲۴	میرسپاهی، اسدالله: ۳۶۵
نوری اسفندیاری: ۲۶۷	میلاتی، (آیت الله): ۲۴۵
نوری، آقا شیخ بهاء الدین (آیت الله): ۱۸۶-	میلاتی، سید ابراهیم: ۲۳۹-۳۶۸-۳۶۹
۲۷۹-۳۲۳-۴۰۳-۴۱۲-	میلیسپو (دکتر): ۲۸۴-۴۳۳
نوری شاد (سرهنگ): ۱۳۴-۱۶۵	میمندی نژاد (دکتر): ۱۸-۲۹
نیکپور، عبدالحسین: ۳۰۵	مین هاشیان، فتح الله (ارتشبد): ۲۱۳

و

وارسته، محمد علی: ۱۰۴-۱۱۶	نادرشاه: ۴۸۰
وارن: ۴۱۲-۴۱۳	نادری (سرهنگ): ۳۵۱-۳۵۸-۳۶۸-۳۶۹
والاتبار، حشمت الدوله: ۳۰۷-۳۱۱-۳۱۷-	ناصری، فرج الله: ۱۸

هدایتی، محمدعلی (دکتر): ۸۴	۳۱۸-۳۲۰-۳۳۶
هرین: ۱۳۱-۱۳۴-۱۶۰-۲۴۶-۳۹۲-	والانژاد، محمود: ۵۶
۴۳۱-۴۴۷	والی، علی (سرتیپ): ۳۳۶
هژیر، عبدالحسین: ۷-۵۴-۵۸-۵۹-۶۲-۶۳-	واعظ، حاج میرزا عبدالله: ۱۸۶
۶۶-۶۸-۸۰-۸۱-۱۴۸ تا ۱۵۰-۱۶۷-	وثوق، احمد (سپهبد): ۲۰۶-۲۲۲-۲۲۳-
۱۷۶	۲۲۹-۲۵۵
هلن: ۲۴۶	وثوق، حسن (وثوق الدوله): ۳۱-۴۲-۸۵-
همایونی، فضل الله (سرلشکر): ۲۰۷	۲۶۱-۲۷۵
همایونی (مهندس): ۲۸	وثوق الدوله، (ورثه): ۲۷۵
هندرسن: ۲۰۹-۲۱۳-۲۳۵-۳۹۰-۳۹۶-	وثوقی، ناصر (دکتر): ۱۱۰-۱۱۲
۴۲۲-۴۲۵-۴۲۹-۴۳۹-۴۴۳	وخشوری، حمید: ۶۰
هندی، نورالدین: ۴۵۰	وکیل، سیدهاشم: ۲۷۰-۲۷۲
هرمن، احمد: ۲۳۶	وکیل الملک: ۱۴۵
هیلتز: ۳۱۱-۱۷۸-۴۸۰	ویلز: ۴۵۵
هیشت، علی: ۴۴۱	

هـ

ی

یادآوری: عکس و اسامی اعضای دولت مصدق و همکارانش در صفحات ۵۰-۱۰۲-۲۵۱-۲۵۲	هاشم میرزا: ۲۷۹
اسامی فامیل‌هایی که در شرکت نفت جنوب سهم داشته‌اند- در صفحه ۱۱۵- اسامی نمایندگان مجلس و روزنامه نگاران متحصن در مجلس در صفحه ۱۳۷- اسامی نمایندگان مجلس عضو نهضت ملی در صفحه ۲۰۰- اسامی افسران سازمان گروه ملی در صفحه ۲۱۷- اسامی نمایندگان مستعفی مجلس دوره هفدهم در صفحات ۴۶۸ و ۴۶۹ به چاپ رسیده است.	هاشمی، حایری، سیدعلی: ۲۷۸
یاوری، (سرهنک): ۲۱۵-۳۲۵	هایزر (ژنرال آمریکائی): ۳۰۹
یزدان پناه (سپهبد): ۹۸-۱۴۴-۱۵۵-۱۸۵-	هدایت، صادق: ۱۱۲-۳۴۹
۱۸۷-۱۹۳-۲۲۲-۲۲۵	هدایت، کمال: ۱۴۰
یزدی، مرتضی (دکتر): ۴۰-۴۴۸-۴۵۸	هدایت، مخبرالسلطنه: ۸۵
یکتائی، مجید: ۱۸-۲۱-۲۸-۲۹	
یگانه، محمد (دکتر): ۱۲۸	

فهرست اسامی جلد هفتم

- آ
- آبیتن، علی: ۱۰۰-۱۹۵-۴۵۴
- آتابهای، ابوالفتح: ۱۱-۶۲-۶۳-۱۴۲
- آخوی، حسن (سرلشگر): ۴۲-۴۴-۴۷-۴۸
- آخوی، علی اکبر (دکتر): ۴۰۰
- آجودانی، احمد (سرتیپ): ۳-۴۰
- آچسن: ۳۰-۳۵-۷۷-۱۷۳
- ادوارد سابلیه: ۱۲-۱۹۷
- ادوارد دونالی: ۸۱-۳۱۶-۴۱۰
- آذرباب مهدی یزدی: ۱۶۲
- آذر، مهدی (دکتر): ۵۵
- ارباب مهدی یزدی: ۱۶۲
- آرامش، احمد: ۱۸-۳۸
- آرمیتاز: ۲۸۴
- ارفع (سرلشگر): ۱۹۴-۴۵۳
- آزاد، عبدالقدیر: ۲۱۳-۴۱۹
- ارفع، مرضیه: ۴۵۳
- آزاده، اسکندر (سپهبد): ۲-۴۵-۴۹-۵۰
- ارفع، میرزارضاخان: ۴۵۳
- آزموده، حسین (سپهبد): ۶۱-۱۵۷-۱۶۸-
- ارفع، یوسف خان: ۴۵۳
- آرنست پرون: ۹-۱۴-۳۰-۳۲-۴۱-۴۳-
- ۶۹-۱۰۴-۱۱۳-۲۸۸-۴۴۱
- آرمن (سرهنگ): ۳۱-۳۳-۴۰۲
- استالین: ۸۶-۸۸-۱۰۸-۱۱۵
- آشیل (پدرارنست پرون): ۱۴
- استراوسکی: ۱۹۲
- آصفی، غلامرضا (مهندس): ۲۶۸
- استوکس: ۳۵-۲۵۰
- آقاخان کرمانی: ز
- اسدی، سلمان: ۴۵۱
- آقایان، نبی نبی: ۴۶۰
- آقایان، زاره: ۴۶۰
- اسفندیاری، محتشم السلطنه: ۴۴۶-۴۴۹
- آنتونی کومو: ۱۰۴
- اسکندری، (ستوان): ۴۷
- آندره تالی: ۱۲۶
- اسکندری، عباس: ۴۵۳
- آیرم (سرلشگر): ظ
- اسمیرنوف: ۴۴۷ تا ۴۴۹
- آیرونی ساید: (ژنرال): ۲۹
- اسنو: ۲۳۷
- آیزنهاور: ۱۸-۱۹-۲۱-۳۳-۳۴-۳۹-۴۰-
- ۴۷-۵۵-۷۵-۸۳-۱۱۰-۱۱۵-۱۲۰-
- ۱۲۲-۱۲۶-۱۵۰-۲۱۳-۲۳۷-۲۸۷-
- ۳۱۵
- الف
- اشتری، میرزا احمدخان: ۴۵۰
- آتابکی، رحمت: ۲۷۹
- اشرفی، (سرهنگ): ۸-۹-۱۵-۱۷-۴۲-۴۷
- ۹۰-۱۰۷-۴۹ تا ۵۱
- آحمی (سرلشگر): ۳۴۸
- اعتضاد السلطنه: ۴۲۹
- اعلم، رشید: ۷۲
- اعلم، مظفر: ۶۰ تا ۶۸-۷۱-۷۲-۱۴۱-۱۴۳
- افشار، ایرج: ۲۸۱-۴۵۴
- احتشام الدوله: ۲۰۳

۴۴۹-۴۴۸ افشارپور، محمود (سرتیپ): ۳۲۸
 انصاری (قاضی): ۴۰۳-۴۰۴ - افشارطوس (سرلشکر): ۳۸-۱۷۹-۱۹۷
 انصاری، علیقلی خان: ۴۳۷ - ۳۶۷-۳۶۹-۳۷۵
 انگجی، سیدمحمدعلی: ۳۷۲ - اقبال، منوچهر (دکتر): ش-ط-۲۶۴-۲۶۶
 انوار، سید یعقوب: ۴۴۹ - اکبری، نبی الله: ۱۵۷-۲۵۸
 انوری، منصور: ر-ع- - البرز، عباس (سرتیپ): ۴۲۶-۴۵۰
 ایادی، عبدالکریم (سپهبد): ۴۳۶ - اللهیاری (سرهنگ دوم): ۳۲۸
 ایدن: ۳۰-۳۳-۲۲۸-۴۶۳ - الموتی، مصطفی (دکتر): د-ر-ز-س-ش-
 ایروانی (سرتیپ): ۲۷۷ - ص-ط-ظ-ح-۷۸-۴۶۹
 امامی، احمد (دکتر): ۴۰۴
 امامی، جمال: ۸۵-۲۱۴-۲۳۰-۲۴۲ تا ۲۴۴

ب

باقماقلیچ، نادر (سپهبد): ۲۰-۴۲-۴۳-۴۷ - امامی سیدحسین، (دکتر- امام جمعه تهران):
 ۴۸-۵۰-۸۰-۸۱-۹۵-۱۰۶-۱۳۶-۲۰۰ - ۱۵۷-۵۵
 ۲۱۲-۲۶۹ - امیرانی، علی اصغر: ۲۷۹
 باراتوف: ۱۹۲ - امیراحمدی (سپهبد): ۱۹۴
 بارنز: ۱۴۳ - امیرافضلی، اسماعیل خان (سرلشکر): ۱۹۳
 باری روپین: ۱۳۱ - امیرخیزی: ۴۵۶
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۸۲-۲۶۳-۲۶۴ - امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۱۴۵-۱۴۶
 ۴۷۰ - امیرعلاتی، فتح الله: ۸۱
 باعر، فائق (عراقی): ۶۴ - امیرقهاری، هوشنگ: ۸۸
 باهری، محمد (دکتر): ۲۶۸-۲۴۶ - امیرکبیر، میرزاتقی خان: ۴۳۷
 بایرود: ۴۶۲ - امین الدوله: ۲۰۹-۲۱۰
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۲۰-۲۲-۳۶-۷۷ - امینی، ابوالقاسم: ۱۲ تا ۱۴-۱۹-۲۶-۲۷-
 ۱۰۲-۱۳۵-۲۱۲-۲۱۳-۲۷۲-۳۲۸ - ۲۰۸-۴۳
 ۴۰۶ - امینی، علی (دکتر): ۱۸-۲۷-۲۷ تا ۱۲۴-۱۲۴
 بختیار، شاپور (دکتر): ۱۴۳-۱۵۵ - ۱۷۹-۱۹۶-۲۰۷ تا ۲۴۷-۲۵۰-۲۵۳
 ۲۵۶-۳۷۳
 بختیاری، ابوالقاسم: ۳۸ - امینی، محمود: ۲۱۰
 بختیاری، سردار اسعد: ظ - امینی، نصرت الله: ۱۶۶-۳۳۰
 بختیاری، عباس: ۴۴۲ - انتظام، عبدالله: ۵۵-۷۲-۱۴۶-۱۹۶-۲۲۸
 برابان پینگ: ۷۵-۱۷۲ - ۲۴۸-۲۴۶
 بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۱۲۲ تا - انتظام، نصرالله: ۳۹-۲۲۸-۲۴۶-۴۴۶-۴۴۷

بیدل، اسمیت: ۷۱-۷۷-۶۲-۶۸

بیکدلی (سروان): ۴۲۷-۴۲۸

برومند، ادیب: ۴۱۳

بریگیته (تروریست): ۴۳۵

بزرگمهر، اسفندیار: ۲۰۵

بزرگمهر، جلیل (سرهنگ): ۴۰۲ تا ۴۲۱

بزرگ نیا: ۲۱۳-۲۲۴

بشیرفره مند، علی اصغر: ۶-۹۳-۱۸۷-

۱۸۸

بصیردیوان، ابوالحسن خان: ۱۹۱-۱۹۲

بقائی، مظفر (دکتر): ۱۰۰-۱۷-۵۱-۸۵-

-۱۱۷-۱۲۲-۱۹۵-۱۹۹-۲۰۷-۲۱۲-

-۲۱۳-۲۲۸-۲۶۶-۲۷۷-۲۷۸-۳۰۰-

۳۶۹

بلازی (سروان): ۴۹

بن بلا: ۱۶۹

بنی احمد، احمد: ۴۷۰

بنی صدر، ابوالحسن: ۲۰

بوذرجمهری (سرلشکر): ۹۹

بوشهری، مهدی: ۲۵

بولارد: ۴۴۷ تا ۴۹۴

بهار، ملک الشعرا: ۱۵۲-۴۵

بهبودی، سلیمان: ۱۲-۱۳-۴۳-۸۵-۴۴۶

بهبهانی، سیدمحمد (آیت الله): ۷۸-۱۰۳

-۱۲۲-۱۴۰-۲۰۲-۲۵۶

بهبهانی، جعفر: ۲۵۶

بهرامی، دبیر اعظم: ۴۴۲

بهرامی، عبدالله: ط

بهزادی، سیاوش (سپهبد): ۴۱-۴۳

بهمنش (سرگرد): ۴۳

بهنود، مسعود: ۷۸-۱۰۷-۱۶۵-۲۱۱-

۲۴۵

بیات، مرتضی قلی خان، سهام سلطان: ۲۱۴-

۲۳۰-۲۳۱-۲۴۴-۲۵۱

پ

پاکروان (استاندار خراسان): ۴۴۵-۴۵۰-

۴۵۱

پایپوس، کلنل انگلیسی: ۱۹۴

پتراکراوزه (تروریست): ۴۳۵

پرسی لرن، سر: ۲۸۲-۲۹۲

پناهی، ابوالقاسم: ۱۴۶

پورسرتیپ، فتح الله: ۲۰۲

پورشریف (سرهنگ): ۲۷۷

پهلید، مهرداد: ۴۵۸ تا ۴۶۰

پهلوان، همت (سرتیپ): ۱۰۶

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۱۰۰-۱۹-۲۲-۲۵

-۲۷-۳۳-۳۷-۴۳-۵۶-۷۹-۱۱۲-۱۷۲-

-۱۷۴-۱۸۳-۲۱۷-۲۷۱-۲۸۴-۳۱۶-

۴۲۷-۴۵۷-۴۶۰-۴۶۲

پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۱۰۰-۱۹-

-۶۹-۱۹۶-۲۸۴-۲۸۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۵۷

پهلوی، رضاشاه ح- ش- ۶-۱۰-۳۵-۴۱

-۵۴-۵۸-۵۹-۱۳۵ تا ۱۹۷-۲۱۳-۲۸۲

-۲۹۳ تا ۳۱۳-۳۵۷-۳۷۳-۳۸۱-۳۹۳

-۴۱۷ تا ۴۳۹-۴۴۱ تا ۴۷۰-

پهلوی، رضاشاه دوم: ۱۷۷-۴۳۶

پهلوی، شمس (شاهدخت): ۵۸-۱۸۵-۴۵۷-

۴۵۸

پهلوی، شهناز (شاهدخت): ۱۹۶-۲۷۰-۲۷۱

پهلوی، عبدالرضا (شاهپور): ۱۴۸-۲۸۴-

۴۰۸

پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۵۴-۲۱۳-

۴۵۴

پهلوی، غلامرضا (شاهپور): ۴۲۵-۴۲۷

- پهلوی، فاطمه (۴۵۵-۴۵۹)
 پهلوی، فرح (شهبانو): ۴۳۳-۴۳۴-۱۰۴
 پهلوی، فوزیه (ملکه): ۳۴-۵۴-۲۶-۱۱-۹-۹
 ۶۲-۷۱-۷۲-۷۴-۱۰۴-۱۱۱-۲۶۷-۲۸۵
 پهلوی، محمدرضا شاه: اکثر صفحات
 پیام یار، میرزا عبدالرزاق: ۴۵۶
 پیچ: ۲۳۷
 پیراسته، مهدی (دکتر): ۲۰۵-۹۱
 پیریلانسه: ۲۷۲
 پیرنیا، حسن، مشیرالدوله: ۱۸۱-۱۵۲-۳۹-۲۷۹-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۴
 پیرنیا، حسین (دکتر): ۲۴۵-۲۳۱-۲۰۲-۲۷۹-۲۸۱-۲۸۲
 پرنیا، حسین، مؤمن الملک: ۲۸۲-۲۱۱-۳۹
 پیشه وری، میرجعفر: ۳۷۷-۳۷۶-۲۴۳-۲۴۵-۲۳۱-۲۰۲
- ت**
 تاراچند، (دکتر): ۲۲۷-۱۶۷
 تدین، سید محمد: ۴۵۰-۱۹
 ترومن: ۱۱۵-۷۷-۳۸-۳۵-۳۲-۲۱
 ۱۲۰-۱۲۷-۱۵۰-۱۶۶-۱۹۴
 تفرشی، علی اکبر: ۳۶۳-۱۵۷
 تفضلی، محمود: ۱۶۷-۱۰۳-۳۴
 تقی زاده، سید حسن: ۴۲۵-۴۲۳-۴۲۲-۴۴۰-۴۴۲-۴۵۴
 توکلی (سرهنگ): ۴۴
 تیمورتاش، عبدالحسین: ۲۸۳-۱۹۳-۱۵۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۳-۴۵۰-۴۵۱
 تیموری: ۴۲۷
- جاویدپور: ۸۹
 جرج، کارول (سرهنگ): ۱۹
 جرنگان: ۳۸۵-۳۵۷-۳۰۰-۱۶۷-۱۶۶
 جزایری، شمس الدین (دکتر): ۲۴۶
 جعفریای (سرتیپ): ۴۳۵-۴۷
 جعفری، جواد: ۴۲۷
 جعفری، رضا: ۲۶۴-۲۶۳
 جعفری، شعبان: ۱۰۲-۸۳
 جعفریان، محمود: ۱۲۴
 جلالی (سرهنگ): ۱۲۴
 جلالی موسوی: ۲۸
 جلالی نائینی: ۲۷۸
 جم، فریدن (ارتشبد): ۴۷۰-۴۶۹
 جم، محمود: ۴۴۵
 جمال الدین واعظ: ز
 جمال زاده، محمدعلی: ر- ژ - ۴۲۳
 جمعه، حسام الدین (وزیر کشور عراق): ۶۶
 جم نژاد (سرگرد): ۴۱
 جوادی، سرلشکر: ۳۹۳-۳۹۱
 جوانشیر، م: ۳
 جواهر لعل نهرو: ۳۵۷-۳۰۰-۱۶۷-۱۶۶-۳۸۵
 جهانبانی، امان الله (سپهبد): ۱۹۴
 جهانبانی، حمید (سروان): ۸۸
 جهانبانی، محمد حسین: (سرتیپ): ۲۲۲
 جهان بین (ستوان): ۴۸
 جهانسوزی، محسن: ظ
 جهانگیر، نصرالله: ۲۴۵-۲۳۱
 جیمز برنر: ۱۲۷
 جیمز بیل: ۱۷۵

ج
 چارلی چاپلین: ۳۵۵-۴۱۹

ج
 جاوید، سلام الله (دکتر): ۴۵۶

چرچیل، وینستون: ۱۸-۱۹-۲۵-۳۲-۳۴-
۳۵-۳۹-۴۰-۷۷-۷۶-۸۰-۱۲۰-۱۲۲-
۱۷۲-۲۲۸-۲۳۷-۲۴۱-۳۳۵-

ح

حاج رضائی، طیب: ۱۰۲
حاج سیاح: ص
حاج عظیمی: ۲۷۶
حافظ: ت - ز
حائری: ۶۹

حائریزاده، سید ابوالحسن: ۱۲۲-۲۰۲-۲۰۷-
۲۱۲-۲۴۲-۲۴۵-۲۶۶-۲۷۷-۳۰۰-
حجازی (ارتشبد): ۱۸۴
حسابی، محمود (دکتر): ۲۴۴-۲۵۵-۲۶۴-
۳۷۳-

حسیبی، کاظم (مهندس): ۹۱-۹۲-۱۱۸-
۲۲۹-۲۴۵-۲۶۴-۲۷۴
حقشناس، جهانگیر (مهندس): ۱۷-۴۵-۴۷-
۵۳-۱۱۱-

حکمت، رضا، سردار فاخر: ۱۵۳-۴۵۲
حکمت، سعید (دکتر): ۲۰۱
حکمت، علی اصغر: ۲۲۷
حکیمی، ابراهیم، حکیم الملك: ۲۲۷-۴۵۴
حمیدی (سپهبد): ۴۷-۵۰

خ

خاتم، محمد (ارتشبد خاتمی): ۱۱-۳۷-۵۷-
۷۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶
خاتم، خانم: ۴۵۴-۴۵۶
خازنی: ۹۲
خانیا پاتهرانی، مهدی: ۴۳۳
خداداد، حاجی خان: ۳۰۲
خدایار خان (سرلشگر): ۳۱۳
خدیبوی (سرتیپ): ۱۳

خردمند (سرهنگ): ۴۳-۴۴-
خروشچف: ۱۲۴
خزاعی، محمد علی (سرتیپ): ۳۲۸
خزعل، شیخ: ظ

خسروانی، پرویز (سپهبد): ۸۳-۳۵۴-۳۵۷
خسروانی، شهاب: ۲۰۹-۳۵۷
خسروپناه، فرهنگ (سرلشگر): ۵۰ تا ۴۸
خسروی: ۷۱

خلعت بری، ارسلان: ۲۴۶-۲۴۷
خلعت بری (سرهنگ): ۲۰۳
خلیل (عراقی): ۶۴

خلیلی، شاعر افغانی: ج

خمینی، روح الله (آیت الله): ط - ۳۵-۱۴۸-
۱۸۵-۴۷

خواجه نوری، ابراهیم: ص - ۱۹
خواجه نوری (سرهنگ): ۲۰۰
خواجه نوری، غلامرضا: ۱۷۹

خواجه نوری، نظام السلطان: ۵۸-۶۳-۶۸-
۶۹-۷۱-۷۲-۸۳-۱۱۳-۱۴۶-۲۸۴

خیام: ث

خیرخواه (سرگرد): ۳-۴۷

د

دادستان (سرلشگر): ۵۰-۱۱۲

دادمرز (دکتر): ۱۱۲

دارا، عبدالاحد: ۶۳-۶۴-۶۷

داری، ویلیام: ۱۲۹

دالس، برادران: ۱۸-۱۹-۲۲-۲۵-۲۷-

۳۵-۷۶-۹۷-۱۰۴-۱۰۹-۱۱۵-۱۲۱-

۱۲۷-۲۰۶-۳۱۶

دانش (سرهنگ): ۴۵

دانشیان، غلام یحیی: ۳۷۶-۴۲۷

داور، علی اکبر: ظ - ۴۴۶-۴۲۳

- رحیمی، عزیزالله، (سرتیپ): ۸۲-۸۱-۴۲-
 رحیمی، مهدی (سپهبد): ۱۰۹-
 رختداری، حسن: ۴۴۱-
 رزم آرا، حاجیعلی (سپهبد): ۱۹۵-۱۹۴-۲۴-
 -۲۹۳-۲۷۷-۲۷۲-۲۴۷-۲۴۱-۲۱۱-
 ۴۳۰ تا ۴۲۷-۳۱۴-
 رستگار، نادر: ۱۱۷-
 رشتی، سردار منصور: ۲۸۲-
 رشیدیان، برادران: ۱۸-۲۱-۳۱-۳۲-۳۸ تا
 ۴۱-۴۷-۷۵-۷۶-۸۲-۸۳-۱۲۳-۴۶۰-
 رضازاده، قشقائی: ۲۱۶-
 رضوی، احمد (مهندس): ۱۷-۲۸-۸۸-۸۹-
 ۹۲-۹۳-۹۶-۱۰۷-۳۶۶-۳۷۶ تا ۳۷۲-
 رفیع زاده، منصور: ۴۳۶-
 رکنی (سرگرد): ۴۷-
 روحانی (سپهبد): ۷۹-۸۸-۳۲۶-
 روحانی، فواد (دکتر): ۱۶-۳۸-۱۷۵-۱۸۸-
 -۲۳۱-۲۴۴-۲۴۵-۳۲۰-
 رودکی: ۱۶۸-
 روزبه، خسرو: ۸۵-
 روزولت، کرومیت: ۱۹-۲۰-۲۲-۲۵-۳۱ تا
 ۴۱-۷۱-۷۶-۷۷-۸۰-۱۰۴-۱۲۵-
 ۲۰۵-
 رولن: ۲۳۷-۳۱۲-
 رباحی، تقی: (سرتیپ): ۸۱ تا ۱۶-۱۷-۴۱-
 تا ۵۶-۸۰-۸۴-۸۹ تا ۹۱-۱۱۸ تا ۱۰۲-
 ۱۲۶-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۰-۲۰۴-۲۹۸-
 ۳۳۱-۳۴۳-۳۵۷-۳۶۰-۳۶۶-۳۶۸-
 ۳۷۰-۳۷۹ تا ۳۸۱-۳۸۶ تا ۳۹۹-۴۰۲-
 ۴۱۶-
 ربیر: ۲۳۱-
 ریزو (سرهنگ آمریکائی): ۱۹-
 ریچارد هلمز: ۱۲۱-
- داوودپناه (سروان): ۳-۶-۷-۱۱-۸۷-۹۳-
 ۱۰۸-۱۴۹-۱۷۹-
 دبیران: ۹۲-۹۹-
 درخشش، محمد: ۲۴۰-۲۴۵-۲۵۶-
 درگاهی، ظ-
 دره شوری، ابراهیم: ۲۱۶-
 دشتی، علی: ۴۴۹-
 دفتری، عزت: ۹۳-
 دفتری، محمد (سرلشکر): ۳-۷-۸-۴۴ تا ۵۲-
 -۷۹ تا ۹۵-۱۰۰-۱۰۶-۱۰۷-۱۸۶-
 ۲۰۰-
 دلدم، اسکندر: ۱۲۷-
 دنیس، رایت: ۲۳۰-
 دون پروت: ۲۳۱-
 دهخدا، علی اکبر (علامه): ۱۶۳-۱۸۳-
 ۱۸۴-
 دها، حسین: ۲۷۱-
 دهستانی، یدالله: ۲۴۴-
 دهقان، احمد: ۴۵۳-
 دهقان، ج: ۴۵۷-
 دیوان بیگی: ۲۴۳-۲۴۴-۲۵۱-۲۵۳-
- ر
 رابین زاینر: ۳۲-
 رابین، زهنر: ۳۰-۳۱-
 راجراستیونس: ۲۳۰-
 راجر کوپر: ۱۰۹-
 راس: ۳۲۰-
 رائد، جعفر: ۶۸-
 رجیبی، داود (مهندس): ۳۶۶-۳۷۲-۳۷۳-
 ۴۱۶-۴۱۷-

سجادی، رضا: ۲۰۵
 سدان: ۲۳۰
 سرجان کدمن: ۴۲۳
 سرراهرت کلایو: ۴۳۹
 سررشته (سرهنگ): ۵۱
 سرمد، صادق: ۲۶۴
 سعدی: الف - ث - ۲۸۴
 سلجوقی، فضل الله: ۴۱۱
 سلیم اللوزی: ۱۷۰
 سلیمانی، ستار (ستوان): ۳۲۶
 سمیتقو: ظ - ۱۹۰
 سنجایی، کریم (دکتر): ۷-۴۳-۸۴-۹۱-
 ۱۶۲-۱۸۴-۲۲۷-۳۵۱-۳۷۲
 سوکارنو: ۱۶۱-۱۶۸
 سهرابی، تقی: ۲۰۲
 سهیلی، علی: ۴۷-۱۲۸-۲۴۶-۴۴۲-۴۴۷
 -۴۴۹-۴۵۱-۴۵۲
 سیار، غلامعلی (دکتر): ۱۸۷
 سیاسی (سرتیپ): ۵۰-۵۱-۱۳۶-
 سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۲۲۴-۲۶۳-
 ۴۱۴-
 سیامک (سرهنگ): ۴-۳۲۸
 سیاهپوش: (سرتیپ): ۴۴
 سی، ام-وودهاوس: ۲۹-۳۱-۳۸-۳۹-۷۶-
 ۱۷۸
 سیدامیر (نوکرارنست پرون): ۱۵
 سیف افشار: ۲۰۱-۲۰۲
 سیف پورقاسمی (دکتر): ۱۵۸
 سیکل (دکتر): ۲۴۷

ش

شاپور، ریپرتر: ۳۲-۱۰۴
 شادمان، فخرالدین: (دکتر): ۲۲۸-۲۴۶

ز
 زاهدی، ابوالقاسم: ۲۰۲
 زاهدی، اردشیر: ۲۹-۴۷-۵۶-۷۸-۱۰۱-
 ۱۰۲-۱۱۶ تا ۱۱۸-۱۹۱-۱۹۶-۱۹۹-
 ۲۰۲-۲۰۴-۲۰۷-۲۱۱-۲۶۵-۲۷۰ تا
 ۲۷۲-۲۷۹
 زاهدی، فضل الله، سپهبد (بصیردیوان): در
 اکثر صفحات
 زاهدی، نصرالله (سرتیپ): ۱۹۱-۱۹۶
 زندکریمی (سرلشگر): ۴۲ تا ۴۴-۴۷ تا ۴۹
 زنگنه، احمد (مهندس): ۲۴
 زنوزی، بهلول: ۱۷-۶۹
 زهری، علی: ۱۷-۳۶۹
 زیرک زاده، احمد (مهندس): ۱-۲-۱۷-۴۳-
 ۴۵-۴۷-۹۱-۹۲-۹۶-۱۱۸
 زیرمن: ۲۵-۲۰۵-۲۰۶

ژ
 ژرادوویلیه: ۲۲-۶۱-۸۱-۱۰۲-۱۱۳-
 ۴۱۴
 ژرژمک کی: ۱۶۲

س
 ساعد، محمد: ۴۳۱-۴۴۸
 سام، فال: ۷۶
 سپه پور (سرتیپ): ۱۱
 سپهدار: ۳۱۳-۱۸۱
 سپهر، ذبیح (دکتر): ۱۰۲-۱۰۵
 سپهر (سرگرد): ۴۹
 سپهر (سروان): ۴۹

شیبانی حبیب الله (سرلشگر): ۱۹۲-۲۸۲
شیخ الاسلامی، جواد (دکتر): ۴۲۲-۴۳۷
شیخ خزعل: ۱۹۲-۱۹۷
شیروانی، حمید (سرتیپ): ۳۲۸

شادمهر (سرگرد): ۴۳
شاه بختی، زکریا (سپهبد): ۲۷-۱۹۵
شاهرخ، بهرام: ۴۵۱
شاهرخشاہی (سرہنگ): ۲۰۳ تا ۲۰۰
شاه عباس: ز
شاہقلی (سرہنگ): ۳۳۱
شاہندہ (سرتیپ): ۸۹

ص

صادق، حسین: ۱۷-۶۹-۷۱
صادق، صادق، مستشارالدولہ: ص
صارم الدولہ: ۱۹۲-۴۴۰-۴۴۱
صالح، اللہیار: ۳۹-۶۹-۷۰-۹۷-۱۴۴
۱۴۴-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۹-۱۵۴-۱۶۰
۳۲-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۲۱-۴۶۲

شایانفر، (سرتیپ) دکتر: ۴۱ تا ۴۳
شایگان، علی (دکتر): ۱۷-۲۸-۵۳-۹۱ تا
۹۶-۱۰۱-۱۶۵-۱۸۰-۲۲۷-۲۴۸-
۳۱۵-۳۶۴-۳۶۶-۳۷۲-۳۷۵ تا ۲۷۷
شجاعیان (ستوان): ۳-۶-۸۸
شجیعی، مستشار: ۴۰۳
شرافتیان: ۱۶۹-۱۸۱

۴۶۹-۴۶۸

صالح، جهانشاہ (دکتر): ۲۶۴
صالح علی پاشا: ۲۳
صالح یار محمد: ۴۴-۸۹
صبیحی دفتری، محمود: ۶۶
صحت، توپچی (سرہنگ): ۴۳
صدر، حسن: ۲۱-۱۶۸-۱۸۰-۳۸۶-۳۸۹-
۳۹۱-۴۰۲-۴۰۳

شریعت رضوی: ۲۱۳-۲۲۴
شریف امامی، جعفر (مهندس): ۹۴ تا ۹۶-
۲۰۴-۲۴۴-۲۵۱-۲۵۴-۳۷۰

۴۶۹-۴۶۸

صدر، محسن، صدرالاشراف: ۶۸-۱۵۴
صدیقی، غلامحسن (دکتر): ۸-۵۵-۸۹-۹۴
۹۶-۹۷-۱۰۲-۳۶۶-۳۷۳-۳۷۴

شروین (دکتر): ۲۷۶
شعبانی، علی: ۱۸۶
شعری (سرتیپ): ۱۹۵
شفیق، بانو (اشرف پهلوی): ۲۷

۴۶۹-۴۶۸

صفائی (سرگرد): ۴۹
صفائی، عبدالصاحب: ۳۰۳-۳۰۴
صفی پور، علی اکبر: ۳۸۵
صولت الدولہ قشقائی: ۳۱۳

شکوه الملک: ۴۵۲
شقاقی، سروان: ۴۷-۱۰۹
شمشیری، حاج حسن: ۱۳۴
شوارتسکف (ژنرال آمریکائی): ۱۹-۲۰-۲۲-
۲۷-۳۴-۳۷-۵۶-۷۹-۱۱۱-۱۲۶-
۱۲۷-۲۲۴-۳۱۶-۳۱۷

ض
ضحاک، ض
ضرغام (سرلشگر): ۲۰-۳۶

شورمن: ۸
شوشتری، سید محمد علی: ۲۰۳-۳۵۲
شہیدزادہ، علی: ۳۸۶-۳۸۹-۳۹۱-۴۰۲-
۴۰۳
شہرستانی (آیت اللہ): ۱۱-۶۰-۶۸-۶۸

ضرغامی عزت الله (ارتشبد): ۴۰۳

علوی، علی: ۸۶

ط

طاووس (ازبستانگان ادعائی رضاشاه): ۴۲۶

طباطبائی، سیدضیاء الدین: ط-۳۶-۳۸-۸۵

۱۵۲-۱۵۶-۱۵۸-۱۸۱-۱۸۷-۲۰۸

۴۲۹-۳۱۴

طباطبائی، سیدمحمدصادق: ۳۰۶

علوی مقدم، مهدیقلی (سپهبد): ۲۱۲

عمر (نام مستعار یکی از مقامات): ۳۰-۳۲-

۳۳

عمیدی نوری، ابوالحسن: س-۲۳-۷۸-۷۹-

۲۷۰-۲۷۱-۲۷۰-۳۰۴-۳۱۱-۳۶۶-۳۶۷-

۳۶۹

علی آبادی، میرزادادوخان: ۴۵۰

ع

عاقلی، باقر (دکتر): ۴۴۳

عالی، شمس الدین (دکتر): ۷۹-۱۶۶-

عبدالنصر: ۱۶۰-۱۶۱-۱۶۷-۱۶۹-۱۷۵-

۲۶۷-۳۸۵

عبده، جلال (دکتر): ۱۴۵-۱۴۶-۱۶۶-

۲۲۷-۲۶۴-۴۲۹

عدل، یحیی (پروفسور): ۴۵۵

عرفانی، سیروس: ۱۲۴

عطائی (مهندس): ۴۱۶

عضدالسلطان: ۱۳۷-۱۵۷

عضد، ابونصر (مهندس): ۱۳۷

عظیمی، کارمند دربار: ۱۲

عقیلی (قاضی): ۴۰۳-۴۰۴

علاقیند، حسین: ۹۸-۱۰۰

علاء، حسین: ۳۶-۴۱-۱۹۵-۲۱۳-۲۲۵-

۲۶۷-۳۱۴-۳۱۵-۳۸۱-۴۱۱-۴۲۳-

۴۳۱-۴۳۹-۴۵۴

علم، امیراسدالله: ۵۴-۹۸-۲۶۷ تا ۲۶۹-

۴۱۷-۴۳۶-۴۶۰

علم، شوکت الملك: ۲۸۳

علمیه، اسماعیل (دکتر سرگرد): ۴۱-۴۵

علوی، (دکتر): ۱۷۸

علوی، (سرهننگ): ۳۲۵

غ

غنی، قاسم (دکتر): ص

ف

فاتح، مصطفی: ۴۲۳

فارسیمدان، زریبرخان: ۲۱۶

فاروق: ۲۸-۳۳-۳۷-۶۲-۱۶۰-۲۶۷-

فاطمی، حسین (دکتر): ۶-۷-۱۱-۱۲-۱۳-

۱۷-۲۴-۲۸-۲۹-۴۳-۴۵-۴۷-۵۱-

۵۳-۵۵-۵۸-۶۱-۶۳-۶۷-۷۱-۷۹-۸۵-

۸۶-۹۱-۹۷-۱۰۳ تا ۱۰۹-۱۲۶-۱۴۳-

۱۴۵-۱۶۰-۱۶۹-۱۷۰-۱۸۹-۲۰۵-

۲۰۷-۲۱۲-۲۷۸-۳۱۸-۳۵۵-۳۶۱ تا

۳۹۹-۴۰۵-۴۲۱

فاطمی، سعید (دکتر): ۱۲-۹۱

فاطمی، سیف پور (دکتر): ۴۲۵-۴۴۱

فاطمی، عمادالسلطنه: ۲۰۱-۲۰۸

فاطمی قمی، سیدمحمد: ۴۵۰

فخرمدرس (سپهبد): ۴۲۰

فرامرزی، احمد: ۹۱-۲۰۲

فرامرزی، عبدالرحمن: ۲۴۲

فرخ، سیدمهدی: ۲۴۴-۲۷۸

فرخ نیا (دکتر): ۲۸۵

فردوست، حسین (ارتشبد): ۴۷-۴۸-۸۳-

فیترجرالد: ۱۱۲-۳۶	۴۲۸-۱۳۹
فیروز، مریم: ۱-۱۰۸	فردوسی: ث
فیروز، مظفر: ۴۴۱	فرزانگان، عباس (سرهنگ): ۴۲-۴۸-۲۰۰-
فیروز میرزا: ۴۳۷-۴۳۹	۲۷۶-۲۱۳
فیروز، نصرت الدوله: ۴۳۷ تا ۴۴۲	فرزین، محمدعلی: ۴۵۰-۴۵۲
فیروز آبادی، سیدرضا: ۴۲۱	فرسیو (سپهبد): ۲۷۲
فیاض، اسماعیل: ۳	فرشچی: ۴۴۲
	فرعون: ض
ق	فرمانفرما، عبدالحسین: ۳۸۳-۴۳۷-۴۳۸-
قاجار، احمدشاه: ۲۰-۳۲۲-۴۲۹۵۷-۴۳۷-	۴۴۱
۴۴۴-	فرمانفرمائیان، منوچهر: ۲۳۱-۲۴۵
قاجار، حمید میرزا: ۴۴۸	فروزان، مسعود (دکتر): ۱-ع-ض-
قاجار، عباس میرزا: ۴۳۷	فروزین (سرگرد): ۴۵
قاجار، محمدحسن میرزا: ۴۲۹-۴۴۴	فروغی، فرشته: ۴۴۵
قاجار، محمدعلی شاه: ۱۵۵-۲۸۱-۲۹۶-	فروغی، محسن: ۴۴۳-۴۵۳
۳۰۵-۳۶-۴۴۴-۴۵۷	فروغی، محمدعلی، ذکاء الملک: ۲۸۱-۲۸۳-
قاجار، محمد میرزا- محمود میرزا: ۴۲۹	۴۲۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۲
قاجار، مظفرالدینشاه: ۱۵۲-۱۵۷-	فروغی، محمود: ۴۵۲
۲۱۰-۳۶۲-۴۳۷-۴۵۷	فرهاد (سرتیپ): ۹۵
قاجار، ملک جهان (مادر احمدشاه): ۴۴۴	فرهاد، سید: ۱۹۳
قاجار، ناصرالدین شاه: ۳۲۸-۳۴۲-۴۵۷	فرهت: ۴۰۳
قراگوزلو، محسن: ۵۵	فریزر (کلنل): ۳۱۳-۴۲۳-۴۲۴
قربانی نژاد (سرهنگ): ۸۸	فریور، عباس: ۴۴-۴۸
قرنی، ولی (سرلشکر): ۴۸-۵۰	فشارکی (سروان): ۳-۴۸-۴۹-۸۷-۱۷۹-
قره باغی، عباس (ارتشبد): ۴۲۰	فضل اللهی (سرهنگ): ۳۲۸
قشقائی، خسرو: ۲۱۵-۲۱۷	فلاح، رضا (دکتر): ۲۲۹-۲۳۱-۲۴۴
قشقائی، محمدحسین خان: ۱۸۳-۲۱۵	فلسفی، محمدتقی (واعظ): ۲۱۲
قشقائی، ملک منصور: ۲۱۵	فلیچر (کلنل): ۵۴
قشقائی، ناصر: ۱۵۶-۲۱۴ تا ۲۱۷-۴۳۲	فولاددژ (سرهنگ): ۱۲۵
قنات آبادی، شمس: ۷۹-۲۱۳-۲۳۹-۲۴۲	فولادوند، علی (سرلشکر): ۹۱-۹۲-۹۵-
قندچی: ۲۱۳-۲۲۴	۹۶-۲۰۴-۳۶۹
قوام، احمد، قوام السلطنه: ۳۱-۳۳-۳۶-۷۹	فولادوند، علی اصغر: ۴۴-۴۸
۱۶۰-۱۷۳-۱۷۵-۱۸۱-۲۴۳-۲۸۲-	فولادی: ۴۴۲

کیانوری، نورالدین: (دکتر): ۲-۳-۸۵-۸۶

۲۸۴-۳۲۸-۴۲۹-۴۴۳-۴۴۴-۴۵۱

۸۹-۱۰۸-۱۰۸-۴۲۷

۴۵۲

کی نواد، رضا: ۱۹-۲۰-۲۰۲-۲۰۶ تا

قوام الملک شیرازی: ۲۸۲-۲۸۳

۲۰۸-۲۱۱-۲۶۸ تا ۲۷۰

قوام نکرومه: ۱۶۰-۱۶۸

کیهان (دکتر): ۴۲۸

ک

کیهان (سرتیپ): ۱۳

کاتم، ریچارد: ۱۳۱-۱۳۱-۴۱۳

گ

کاسترو، فیدل: ۱۶۸

گاندی، مهاتما: ۱۶۰-۱۶۷-۱۸۹-۲۹۲-

کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۱۸-۱۹-

۳۸۵

۲۲-۳۲-۳۳-۳۸-۷۹-۸۳-۸۵-۱۰۳-

گریدی: ۳۲-۱۲۸

۱۰۹-۱۲۲-۱۲۴-۱۶۶-۱۶۹-۱۸۶-

گس- گلشانیان: ۳۴۹

۱۹۵-۱۹۹ تا ۲۱۲ تا ۲۱۴-۲۴۲-۲۶۶-

گلبنگیان، گالوست: ۱۲۹-۱۳۰

۲۷۶ تا ۲۷۸-۲۸۰-۲۹۴-۳۰۰-۳۲۷

گلبنگیان، نویر: ۱۳۰-۱۳۱

کاشانی، مصطفی: ۲۰۷-۲۱۳-۲۴۲-۲۴۵-

گودوین: ۱۹-۲۱۵

۲۷۸-

گیتی: ۱۲

کاشانیان، حسن: ۲۰۰-۲۶۹-۲۷۹

گیلاتشاه، هدایت (سپهبد): ۱۹-۲۲-۴۷-

کاشف: ۴۵۶

۴۸-۵۰-۱۸۰-۲۰۰-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۵-

کاظمی، باقر: مهذب الدوله: ۱۴۶-۱۶۵-۱۶۹

۲۰۶

۱۷۰-۴۵۲-

گیلانی، یوسف: ۶۴

کافتارادزه

ل

کرمانی، میرزا آقاخان: ز

لاورنتیف: ۳۵-۵۵-۱۱۳-۱۲۳

کرنسکی، پرنس: ۱۱۱-۱۲۴

لاهورتی، شاعر: ظ

کریمپور شیرازی: ۱۷-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۹

لرد کرزن: ۴۳۷ تا ۴۳۹

کریمی، نادعلی: ۲۴۵

لسان سپهر: ۱۵۷

کسرانی، هادی (سرهنگ): ۹

لسانی، ابوالفضل: ۲۳۱-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-

کشاورز، فریدون (دکتر): ۸۵

۲۵۰-۲۵۲ تا ۲۵۴-۲۵۵

کلالی، امیر تیمور: ۳۰۶-۲۴۶

لطفی، عبدالعلی: ۱۶۸-۳۶۶-۳۶۷-۴۰۵-

کلریر: ۲۷۲

۴۱۶

کمال (سپهبد): ۵۵-۲۷۲

لونی (آمریکائی): ۳۲۰

کنت لوو: ۸۶

لیتکوهی، فتح الله (سرهنگ): ۳۲۱

کندی، جان: ۲۴۷

کیان، مرتضی قلی (دکتر): ۲۱۵

کیانی، (تیمسار): ۲-۸۶

مشار، یوسف: ۲۱۳

مصلق، احمد: (مهندس): ۱۳۶-۱۳۷-۱۸۱

۲۸۵-۳۲۵

مصلق، غلامحسین (دکتر): ۲۴-۳۹-۵۴-

۱۶۲-۳۱۲-۳۲۵-۳۲۶-۴۱۱ تا ۴۱۳

۴۵۳-۴۵۰-۴۱۹

مصلق، محمد، مصلق السلطنه (دکتر) در اکثر صفحات

مصور رحمانی (سرهنک): ۶۰-۶۱

مطبوعی (سرلشکر): ۴۴۵-۴۵۱

معاون، حسین (دکتر): ۴۴۲

معظمی، حبیب الله (دکتر): ۴۳-۵۵

معظمی، عبدالله (دکتر): ۸۴-۸۸-۹۲-۹۴-

تا ۹۷۷-۹۹-۱۰۱-۱۴۹-۲۲۷-۲۶۴-۲۷۹

۳۱۵-۳۱۶-۳۳۰-۳۷۰

معظمی، مادر: ۳۷۰

معیری، رهی: ج

معین پور (سرهنک): ۳۳۱

معینی (سرهنک): ۴۵-۴۸-۵۰-۱۹۵

مفروزی، (سرلشکر): ۲۰

مفتاح، عبدالحسین: ۱۲۳-۱۴۵-۱۴۶-

۱۶۹-۴۲۹

مفخم، جمشید (دکتر): ۳۹

مقبلی، نصرالله (سرلشکر): ۳۲۸-۳۲۹-

۳۸۳

مقدم، مصطفی: ۱۹-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۷

مک کلو (ژنرال): ۱۰۶

مکی، حسین: ۱۲۲-۱۶۴-۱۶۷-۲۱۲-

۲۱۳-۲۶۶-۲۷۷ تا ۲۷۹-۳۰۰-۳۱۵-

۳۱۶-۳۲۶-۳۲۷-۴۱۸

ملک حسین: ۶۰-۶۲

ملک فیصل: ۱۲-۵۷-۵۸-۶۱-۶۲-۶۴-

۶۵

م

مادام تسو: ۱۴۸

مادام ماری: ۱۴-۱۵

مارشال پتن: ۳۴۸

مازندنی، یوسف: ۱۰-۷۲-۱۸۸-۴۱۸

ماژور مید: ۱۹-۳۱۳

ماژور ویر: ۳۱۳

ماسلی، لئونارد: ۱۲۸-۱۲۹

مانتاچوف، الکساندرا: ۱۲۹

ماتو: ۱۶۷

مبشر، کفیل دارائی: ۴۱۶

مبشری (سرهنک): ۲-۳-۳۲۸

مبشری، اسدالله (دکتر): ۴۷۰

مبصر، محسن (سپهبد): ۴۸-۵۰-۵۱

متین دفتری، احمد (دکتر): ۲۷۴-۳۲۵-

۳۳۰-۴۱۲

متین دفتری، هدایت: ۱۸۲

مجد، فطن السلطنه: ۲۴۴

مجدزاده، بهرام: ۳۸۶-۳۸۹-۳۹۱-۴۰۲

مجید، غلامرضا: ۹۵

محسن زاده، فرخ: ۴۵۳

مدیر (سرتیپ): ۰-۴۲-۴۷-۵۰-۵۱-۸۸-

۱۰۷

مدرس، سیدحسن (آیت الله): ظ-۲۸۲-۴۳۹

مستوفی المالك: ۲۸۱-۲۸۴-۴۴۰-۴۴۱-

۴۴۳-۴۴۴-۴۴۶

مستوفی، باقر (مهندس): ۴۲۸

مسعود انصاری: ص

مسعود، محمد: ژ

مسعودی، عباس: ۲۰۸

- ملکی، احمد: ۲۷۸
ملکی، خلیل (دکتر): ۲۴۵-۱۶۴-۸۴
ملکی یزدی (دکتر): ۴۱۶
ملکوتی، جمال: ۹۲
ممتاز (سرهنگ): ۸۸-۸۶-۵۲-۴۹-۴۸-۴-۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳-۳۱-۲۹-۲۷-۲۵-۲۳-۲۱-۱۹-۱۷-۱۵-۱۳-۱۱-۹-۷-۵-۳-۱-۰
- منصور، رجبعلی، منصور الملک: ظ-۴۵۰
موقر، مجید: ۲۰۸
مولوی، ش - ث
مومنی باقر: ۴۵۶
مهتدی (دکتر): ۲۴۷
مهدوی، محسن: ۲۴۴
مهران، حسنعلی: ۵۹
مهران، (سروان): ۱۰۸-۸۸-۶
مهران، مجید: ۲۶۸
مهربان، رسول: ۱۱-۹۷-۳۲۷
مهنا، (سرلشگر): ۱۱۸-۱۰۶
میدلتون: ۷۶
میراشراقی، مهدی: ۲۰۵-۱۹۹-۸۹-۷۹
میرجلالی (سرلشگر): ۳۷۹-۳۳۱
میرزا کرچک خان جنگلی: ۱۹۲
میرفخرانی (دکتر): ۴۱
میس لپتن: ۲۷
میلانی، سید ابراهیم: ۳۷۲
میلیسپو (دکتر): ۴۳۱-۳۶۴
مینوئی، علی: ۴۱۱
مینوی، مجتبی (دکتر): ۴۲۲
- نجاتی، (سرهنگ): ۱۰۵-۹۴-۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳-۳۱-۲۹-۲۷-۲۵-۲۳-۲۱-۱۹-۱۷-۱۵-۱۳-۱۱-۹-۷-۵-۳-۱-۰
نجفی، ناصر: ۲۷۶
نجیب پاشا: ۲۱۷
نخجوان، امیر موق (سپهبد): ۱۳۵
ندیمی: ۹۹-۹۶
نراقی (ستوان): ۴۷-۷
نراقی، صادق: ۱۹-۲۰۰-۲۰۲-۲۰۳-۲۷۹
نورمان، محمود: ۱۱-۸۷-۹۲-۹۶-۹۷-۹۸
۱۷۹-۲۷۷-۳۱۸-۳۷۱-۳۷۲-۴۰۵
نزهت الدوله: ۳۱۳
نزید، حسن: ۹۸
نصرتیان: ۴۶۰
نصیری، نعمت الله (ارتشبد): ۲۶-۱۶ تا ۲-۳۶-۴۱ تا ۵۲-۵۶-۸۰-۸۳-۹۵-۹۸
۱۰۷ تا ۱۰۹-۱۲۶-۱۳۹-۱۹۹-۲۰۰
۲۷-۲۹۸-۳۵۲-۳۹۵
نظام الملک، رئیس دارالشورا: ۲۸۱
نقیسی، فتح اله (مهندس): ۲۳۱-۲۴۴
نمازی، حاج محمد: ۲۴۶
نواب، حسین (دکتر): ۱۴۵
نواب صفوی، مجتبی: ۲۱۲
نوائی: (سرهنگ): ۲۰۰-۴۴۵-۴۵۱
نویخت، حبیب الله: ۴۳۲
نوری اسفندیاری، فتح الله: ۲۳۱-۲۴۴
نوری سعید: ۶۰-۶۱
نوکیانی، علی (سرتیپ): ۴۴
نویدی، کارمند دربار: ۱۳
نهر: ۱۶۰
نیکسون: ۲۱۳
- و
وارن، ویلیام: ۲۴-۲۷۸
- ن
نادری (سرهنگ): ۴۸
ناصری آملی: ۹۳
نبیل، دیپلمات: ۱۴۶
نبوی، محیی الدین: ۱۶۹

۲۶۶-۲۷۱-۲۷۲-۳۰۰-۳۱۷ تا ۳۱۵

۳۲۲-۴۱۹

هریدا، فریدون: ۲۷۲

هیتلر: ۸۰

هیراد: ۱۲-۱۳-۴۳-۴۷-۳۴۸

هیئت، علی: ۲۱۴-۲۱۵-۳۸۶

ی

یارافشار، پرویز: ۲۰۰-۲۰۲ تا ۲۰۴-۲۱۸

یانک، دکتر: ۴۲۳

یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۱۹۳-۱۹۴

یزدی، مرتضی (دکتر): ۱۰۸

یزدی، علی آقا: ۴۴۱

یکانی، میرزا اسماعیل: ۴۵۶

یگانه، محمد (دکتر): ۵۹-۲۴۸-۲۶۵

واسیلیف: ۲۴۸

وافی: ۴۵

والاتبار، حشمت الدوله: ۹۰

والتر، اسمیت: ۱۱۵

والرلوی: ۲۴۸

وثوق، حسن، وثوق الدوله: ۱۸۱-۲۸۳-

۲۸۹-۳۱۹-۴۳۷-۴۴۴-۴۴۶-۴۴۷

وحیدی، جمشید (دکتر): ۲۶۶

ورقا (دکتر): ۳۲۷

ورهام (سپهبد): ۴۰۶

وکیل الملک: ۳۱۳

وکیلی، علی: ۲۴۳

ویلبرایرلند: ۱۰۴

ویلیام دوگلاس: ۱۶۰

هـ

هدایت، حسنعلی، کمال: ۲۱۴

هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۵۴-۲۲۶-۲۶۹-

۴۲۱

هدایت، مخبر السلطنه: ص

هدایت، نصر الملک: ۲۳۰

هدایت، نیر الملک: ۴۴۱

هرمن (آمریکائی): ۴۰-۴۶

هروی، حسینعلی: ۴۴۲

هریسچیان: ۹۳-۹۹

هرین: ۳۶-۲۴۸-۳۲۰

هزیر، عبدالحسین: ۲۷۷-۳۴۹

هشیار، محمدعلی (سرهنگ): ۹۸-۱۵۷

هیگل، هستین: ۱۶۸

همایونفر، عزت الله (دکتر): ر- س

هندرسن (سفیر آمریکا): ۴-۱۸-۱۹-۲۲ تا

۲۷-۳۲-۷۰-۷۱-۱۰۲-۱۱۵-۱۲۱-

۱۲۶-۱۲۷-۱۳۱-۱۹۸-۲۰۷-۲۲۰-

فهرست اسامی جلد هشتم

<p>آیت الله زاده: ۳۱۰-۳۱۱</p> <p>آیتی، عبدالحسین: ۱۵۵</p> <p>آیرم، محمد (سرلشگر): ۳۸۳-۳۰۹</p> <p>آیرملو (سرلشگر): ۱۴۸</p> <p>آیزنهاور (ژنرال): ۱۱۳</p>	<p>آتابای، ابوالفتح: ۱۲۸</p> <p>آتاتورک، مصطفی کمال پاشا: ۳۳۶-۳۳۷</p> <p>۳۸۴-۳۸۳-۳۸۰</p> <p>آدام (نام مستعار): ۳۹۸</p> <p>آذر، مهدی (دکتر): ۵۲-۵۳-۵۷-۵۹-۶۱</p>
<h3>الف</h3>	<p>۶۶-۶۷-۲۹۱</p>
<p>ابوالحسن خان (سرتیپ): ۳۶۵</p> <p>ابوالفتح زاده: ۳۱۷</p> <p>اتابک: ب-۳۸۱</p> <p>اتابکی، رحمت: ۵۵-۲۲۹</p> <p>احرار، احمد: ۲۰۱-۳۹۷</p> <p>احسان الله خان: ۳۱۶</p> <p>اخگر: ۱۲۲</p> <p>اخوان ثالث، مهدی: ۱۵</p> <p>ادوارد، کینان: ۳۴۱</p> <p>ارانی، تقی (دکتر): ۲۰۶-۲۱۰</p> <p>اریاب مهدی یزدی: ۲۰۲</p> <p>اردشیرجی: ۳۳۹</p> <p>اردلان، امان الله: ۳۸۲</p> <p>اردلان، علی: ۲۹۴</p> <p>اردلان، علیقلی (دکتر): ۲۶۴</p> <p>اردلان، ناصرقلی: ۱۹۹-۲۶۴-۲۹۴</p> <p>ارسنجانی، حسن (دکتر): ۸-۷۳</p> <p>ارفع الدوله: ۴۰۳</p> <p>ارفع، حسن (سرلشگر): ۳۳۶</p> <p>ارنست پرون: ۲۲</p> <p>ارهارد (آلمانی): ۳۵۸</p> <p>استالین: ج-۲۰۶</p> <p>اسدی (دکتر) پزشک مجلس: ۹۹-۱۰۰</p> <p>اسدی، سلمان: ۳۱۱-۳۱۷-۳۱۸-۳۸۴</p> <p>اسدی، علی اکبر: ۳۸۴</p> <p>اسدی، محمودلی: ۳۰۸-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۸</p>	<p>آذری، علی: ۳۷۰</p> <p>آرام، عباس: ۳۹۵</p> <p>آرامش، احمد: ۱۳۶</p> <p>آرسن: ۳۷۴</p> <p>آریانا، بهرام (دکتر، ارتشبد) [حسین منوچهری]</p> <p>: ۳۰۲-۳۰۵-۳۱۴</p> <p>آریانزاد، سرلشگر ابوترابیان: ۳۱۴</p> <p>آریان: ۱۳۹</p> <p>آزاد، عبدالقدیر: ۱۳۷-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۵</p> <p>۱۴۹-۱۶۲-۱۶۹-۱۸۹-۱۹۱-۳۷۰</p> <p>۳۷۲</p> <p>آزموده، اسکندر (سپهبد): ۲۰</p> <p>آزموده، حسین (سپهبد): ۲۱-۲۶-۳۹-۱۰۲</p> <p>تا ۱۱۵-۱۲۳-۱۲۵-۱۳۰-۱۴۵-۳۵۹</p> <p>آشتیانی، جواد (دکتر): ۳۹۰</p> <p>آشتیانی (مهندس): ۲۷۶</p> <p>آشتیانی زاده، محمدرضا: ۳۱۵-۳۳۷</p> <p>آصف السلطان: ۳۶۳</p> <p>آقارضا: ۱۵۸</p> <p>آقائی، حاج محمود: ۱۴۵</p> <p>آق اولی، فرج الله (سپهبد): ۳۳۸</p> <p>آل احمد، جلال: ۱۸۴-۱۸۶</p> <p>آل بویه، ابوالفضل: ۱۴۲</p> <p>آل بویه (دکتر): ۴۵</p> <p>آلوانسیان، اردشیر: ۳۱۹</p> <p>آیت، حسن (دکتر): ۲۱</p>

- اسفندیاری، حاج محتشم السلطنه: ۳۲۸
 اسکندری، امیر نصرت: ۱۳۶
 اسکندری، ایرج: ۴۳-۲۱۰
 اسکندری، سلیمان میرزا: ۲۰۷
 اسکندری، عباس: ۱۶۱
 اسکندر میرزا: ۵۴-۵۵
 اسماعیلی، بهمن (دکتر): ۶-۱۸۷
 اسمیرنوف: ۳۲۳
 اشرفی، حسینقلی (سرهنگ): ۲۸۲-۲۸۵
 اعتصامی، پروین ز:
 اعزازی، شریف: ۳۰۹
 افخمی (سپهبد): ۳۶۰
 افخمی (سرهنگ): ۵۴
 افراسیاهی، بهرام: ۱۰۲-۲۵۵
 افشار، ایرج: ۳۳۸-۴۰۷
 افشارطوس: شهبالدوله: ۳۶۳
 افشارطوس: شهبالدوله: ۳۶۳
 افشارطوس، محمود (سرلشکر): ۱-۸۶-۱۶۲
 -۱۶۷ تا ۱۹۲-۲۰۰-۲۸۱ تا ۲۹۰-۳۵۷
 افشارقاسملو، اصلان (دکتر): ۴۰۲-۴۰۳-۴۰۶
 افشارقاسملو، هادی: ۲۸۹
 اقبال، منوچهر (دکتر): ف-۱۶-۴۶-۵۵
 -۷۴-۱۴۷-۱۶۵-۱۷۳-۱۹۴-۱۹۸
 -۳۴۷-۳۴۸-۳۵۹
 اکباتانی، مهدی: ۶۸-۷۲
 الموتی، مصطفی (دکتر): ز-۱۵۷-۳۴۳-۳۴۵
 -۳۵۶-۳۶۰
 امام حسن: ۱۳۴
 امام حسین: ۹۷-۱۶۹
 امام رضا: ۳۷۴
 امام، سید عبدالله: ۳۶۵
 امامی، جمال: ۲۲-۱۴۶-۲۴۹-۳۸۰-۳۹۱
 امامی، حسن (دکتر) امام جمعه تهران: ۱۶۹
 امامی، سید حسین (قاتل هژیر): پ-۹۴-۱۹۱
 امان الله خان (پادشاه افغانستان): ۳۶۳
 امید، مدیر هتل: ۲۵۸
 امیر احمدی، احمد آقا (سپهبد): ۳۲۹-۳۳۰
 -۳۶۴-۳۶۷
 امیرانتظام (مهندس): ۲۷۹
 امیر بهادر: ۳۳۹
 امیر خسروی (سرتیپ): ۳۰۷
 امیر خیزی (دکتر): ۲۳۳
 امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۶۶-۶۷
 -۷۶-۱۲۴-۱۳۸-۱۹۸-۱۹۹-۲۱۳-۲۹۱
 امیرعلاتی، جان محمدخان (سرلشکر): ۳۷۵
 امیرعلاتی (مالک عسکرده): ۲۸۸
 امیرکبیر: ب
 امین الدوله: ۳۸۲
 امین، سید حسن (دکتر): ۳۰۷
 امینی، امیرقلی: ۱۱۱
 امینی، (سرلشکر): ۸۳
 امینی، علی (دکتر): ۷۳-۷۴-۸۳-۸۶
 ۱۴۴-۱۴۵-۱۶۶-۲۱۴-۳۶۲
 امینی، غلامرضا (سرهنگ): ۲۸۶
 امینی، نصرت الله: ۷۶
 انتظام، عبدالله: ۲۱-۸۶-۲۶۴-۳۸۵
 انتظام، نصرالله: ۱۹-۲۶۴-۳۶۷
 انصاری: ۱۳۹
 انواری، احمد: ۳۴۷
 الهی (مهندس): ۷
 اوریانا فلاچی: ۲۷۸
 اویسی، غلامعلی (ارتشبد): ۳۰۳
 ایادی، عبدالکریم (دکتر): ۱۳-۱۰۱ تا ۱۰۷-۲۵۵-۲۹۸

بشیری، سیاوش: ۱۹۱-۲۶۹-۲۷۹

بطحانی، مهدی (دکتر): ۳۳۴

بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۱-۱۸-۱۹-

۲۱- ۷۵- ۷۶- ۹۵- ۱۱۲- ۱۱۳- ۱۲۷-

۱۳۷- ۱۴۲- ۱۴۵- ۱۴۶- ۱۴۹- تا ۱۶۱

۲۰۶-۲۹۰

بقائی کرمانی، ملکه: ۱۹۷

بقراطی: ۱۵۵

بلوچ: ۲۰۹

بلوچ، قرآنی، فریدون (سرگرد): ۲۸۹-۲۹۰-

بنی صدر، ابوالحسن: ۳-۴-۳۳-۳۴-

۵۰-۵۱-۸۳-۱۷۷-۲۳۶- تا ۲۳۹-۲۹۲

بنی گوین: ۳۹۴

بوذرجمهری، کریم آقا (سرلشکر): ۳۲۵-۳۶۴-

بوری لویرانی: ۳۹۶

بوشهری، امیرهما یون: ۱۹

بوین: ۳۲۱

بهادر، اسمعیل خان: ۳۷۱-۳۷۲-۳۷۴-

۳۷۶

بهار، ملک الشعراء: ۱۳۸

بهارمست، محمود (سرلشکر): ۱۵۲- تا ۲۸۱

۲۸۳

بهاءالواعظین: ۳۳۹-۳۴۰

بهبهانی، سیدعبدالله (آیه الله): ۳۱۵-۱۳۶-

بهبهانی، سیدمحمد (آیه الله): ۳۱۶-۳۸۰-

بهبهانیان، جعفر: ۷

بهرامی، فرج الله (دبیراعظم): ۳۲۰-

بهرامی، محمد (دکتر): ۴۳-۱۱۵-۱۵۴-

۲۰۸-۲۰۹

بهزادی پور: ۲۱۲

بهشتی، محمدحسین (آیه الله): ۲۷۹

بهلول: ۳۱۰

ب

باتقانقلیج، امین اسلحه (پدر باتقانقلیج): ۳۶۳

باتقانقلیج، نادر (سپهبد): ۳۶۳

بازرگان، مهدی (مهندس): ۴-۹- تا ۲۸-۳۴

۴۶-۴۸-۵۱-۵۶-۶۱-۶۳-۶۸-۷۶-

۷۸-۸۲-۸۳-۸۵-۱۳۹-۱۵۱-۱۸۰-

۱۸۲-۲۱۳-۲۳۷-۲۵۱- تا ۲۶۸-۲۸۰

باستانی پاریزی (دکتر): الف

بابا، امجدی (سپهبد): ۱۳۲

بابکی، سیداسدالله: ۳۱۱

باغچه بان: ۱۷۹

باهری، محمد (دکتر): ع

بایندر (سرتیپ): ۲۸۹-۲۹۰-۳۲۴-۳۲۶

بجنوردی، سردار معزز: ۳۷۳ تا ۳۷۵

بختیار، آقاخان: ۱۳۶-۱۴۵

بختیار، تیمور (سپهبد): ۲۶-۳۶-۴۵-۴۶-

۵۲- تا ۱۱۰-۱۲۳-۱۲۵-۱۳۲-

۱۳۳-۱۴۵-۱۴۶-۳۳۲

بختیار، شاپور (دکتر): پ-۴-۲۶-۴۶-۴۸-

-۵۷ تا ۸۵-۱۱۶-۱۲۲-۱۷۲-۱۷۷-

۱۸۰- تا ۲۳۸-۲۴۱-۲۹۲

بختیار، مجید: ۲۱

بختیاری، امیرمفخم: ۲۲۲-۲۴۸

بختیاری، سردار اسعد، جعفرقلی: ۳۸۳

بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۱۸۸

بروجردی، شیخ محمد: ۲۹۸

برومند، ادیب: ۳۸-۵۷-۶۰-۶۷-۶۸-۷۱-

۲۵۸

برومند، عبدالرحمن (دکتر): ۲۳۹

بزرگمهر (سرهنگ): ۷-۳۸۰

بهنام، علی اصغر: ۵۷
 بهنود، مسعود: ۲۴۷
 بیات، سهام سلطان: ۲۲
 بیات، ضیا عاشرف: ۲۵
 بیات، مجید: ۲۵
 بیات، محمد: ۲۳
 بیانی: ۱۵۲



پ

پارسا، اصغر: ۷۷
 پارسی، (دکتر): ۱۸۰
 پاکروان، فتح الله: ۳۱۱-۳۱۰
 پاکروان (سرلشکر): ۱۹۲-۱۸۹-۶۱-۵۲-۲۸۱

پالانچیان: ۲۱

پرتو، علوی: ۱۲۲

پرتوی (دکتر): ۱۲۷

پرنديان (سرهنگ): ۳۵۸

پرویز (سرتیپ): ۳۶۰

پرویزی، رسول: ۳۶۶

پریش، نادر (مهندس): ۱۹۵

پژشکپور، محسن: ۸۴

پسیان حسینیعلی: ۳۷۶

پسیان، کلنل محمدتقی خان: ۳۷۰ تا ۳۷۵

پکف (سفیرشوروی): ۱۶۶

پولاد، جهان: ۲۴۰

پولادین، محمدخان (سرهنگ): ۳۶۳-۳۶۷

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۲۳۴-۲۵۰-۲۵۱-۳۸۰-

۳۸۰-

پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۱۲-۱۹۷-

۳۸۸

پهلوی، حمیدرضا (شاهپور): ۱۲

پهلوی، رضا (رضاشاه دوم): ۳۳۲

پهلوی، شمس (شاهدخت): ۲۰

پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۱۲-۳۳۷

پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۶۳۱

پهلوی، فرح (شهبانو): ۱۹۴-۳۳۳

پهلوی، همدم السلطنه: ۳۳۷

پهلوی نیا، شهرام: ۱۸

پیامبر، سیف الله: ۳۷۳

پیراسته، سیدمهدی (دکتر): ۲۴۹

پیرنیا، حسن، مشیرالدوله: ۲۹۶-۳۳۵

پیرنیا، حسین، مؤتمن الملك: ۳۸۵

پیشه وری، میرجعفر: ۱۲۴-۲۹۹

پیمان (دکتر): ۲۷۷

ت

تامپسن: ۱۱۷

تختی، بابک: ۲۶۱

تختی، حاج قلی: ۲۵۹

تختی، رجب خان: ۲۵۹

تختی، غلامرضا: ۲۵۷ تا ۲۵۹

تدین (سرهنگ، دکتر): ۱۰۴-۱۰۷

ترات: ۳۷۷

تریت، میرزا محمدعلی خان: ۳۳۹-۳۴۰

تروتسکی، لئون: ۳۴۲

ترومن: ۱۹

تزار: ۳۲۴

تفرشی، حاجی خان: ۳۷۳

تقوی، حاج سیدنصرالله: ۲۹۷

تقی زاده، سیدحسن: ۴۷-۷-۸۵-۲۴۸-

۲۹۸-۲۹۹-۳۰۲-۳۰۷-۳۳۸-۳۷۹-

۳۸۵-۳۹۲-۴۰۶

تقی زاده، فریدون (دکتر): ۸۵

تنکابنی، میرزا طاهر: ۳۸۲

توانانیان فرد (دکتر): ۲۷۷

جلالی نائینی، سید محمد رضا: ۱۱۱-۱۱۴
 جلیلود (سرهنگ): ۱۰۰ تا ۱۰۲
 جم، فریدون (ارتشبد): ۲۴۰
 جم، محمود: ۳۸۲
 جمال زاده، محمد علی: س
 جوادی (سرلشگر): ۲۵۲-۳۵۸
 جواهر کلام، علی: ۱۴۳-۱۸۸-۱۸۹
 جودت، حسین (دکتر): ۹۹-۲۹۹
 جهانبانی، محمد حسین میرزا: ۳۷۱
 جهانبانی، منصورالدین: ۳۶۲
 جهانسوزی، محسن: ۳۱۸
 جهانشاهلو (دکتر): ۲۱۰
 جهانشاهی، محمد شفیع: ۳۸۹
 جهانقاه، نصرت: ۲۸۸
 جهدی بلاغ آبادی، حسینعلی: ۹۳

چ

چائوشسکو: خ

چرچیل، وینستون: ۱۱۳-۲۲۳-۳۰۸-۳۲۰
 ۳۹۲-
 چلیپا: ۲۳۴-
 چمران، مصطفی (دکتر): ۱۱۱-۲۷۰-۲۷۶

ح

حاج رضائی، طیب: ۱۰۱
 حاج سید جوادی، احمد: ۲۴۰
 حاج سید جوادی، علی اصغر (دکتر): ۵۰-۷۸
 حاج سید جوادی، آقاضیاء: ۲۱۳
 حاج مشیر: ۲۵۱
 حاج طرخانی، حاج تقی: ۲۷۷
 حامی، احمد (مهندس): ۱۹۹
 حائری زاده، سید ابوالحسن: ۹۵-۱۳۷-۱۴۲-
 ۱۴۳-۱۴۵-۱۴۹-۱۶۲-۱۶۹-۱۷۸ تا

توانگر: ۱۲۲

توسلی (دکتر): ۲۷۷
 توفیقی (سرلشگر): ۳۲۹
 توللی، فریدون: ح
 توماس: ۱۸۹-۱۹۴
 تهرانی، خانیاها: ۲۲۸-۲۳۲-۲۳۸
 تهرانی، سید جلال: ۴۰۰
 تهرانی، شیخ علی: ۲۷۷
 تهرانچی: ۲۷۷
 تیمورتاش، عبدالحسین: ۲۹۷-۳۰۵ تا ۳۰۷-۳
 ۳۳۳--۳۸۲-۳۸۳-۳۸۶
 تیمورتاش، منوچهر: ۲۵۰

ث

ثابت، حبیب: ۲۹۸
 ثابت قدم، حسن: ۲۸۶
 ثقفی، حاذق الدوله (دکتر): ۳۷۲

ج

جاپرانصاری، اقدس (مهندس): ۸۴
 جان مولم: ۴۰۵
 جان وایلی: ۳۳۱
 جاوید (نام مستعار): ۱۹۸
 جاوید، سلام الله (دکتر): غ-۱۲۲
 جاوید (مهندس): ۱۳۹
 جدلی، احمد: ۳۸۹
 جعفری، استوار: ۱۲۴
 جعفری (خانواده): ۱۹۸
 جعفری، جواد: ۱۹۷-۱۹۹
 جعفری، شعبان: ۱۰۱-۱۰۷
 جعفری، نرسی (دکتر): ۱۹۷
 جلال پایار: ۶۲-۳۳۶
 جلالی، (سرهنگ): ۱۲۳

- ۱۸۸-۱۸۰
 حجازی، سید محمد باقر: ۱۷-۱۹۱
 حجازی (دکتر): ۲۱۷-۴۶
 حجتی: ۲۷۷
 حدادزاده: ۱۹۰-۳۴۶
 حسینی، کاظم (مهندس): ۱۹-۲۰-۲۷ تا ۲۹
 ۴۶-۵۷-۵۹-۶۱-۶۲-۷۷-۱۲۷-۱۲۳
 حسین لله: ۳۱۵-۳۱۶
 حسین زاده (عظا پور): ۲۱۲
 حسینی، شیخ عزالدین: ۱۸۳
 حشمت (دکتر): ۳۱
 حقشناس، جهانگیر (مهندس): ۴۶-۸۲
 حکمت، رضا، سردار فاخر: ۶۸-۷۱-۷۲-۷۴-۱۴۴-۱۹۱-۲۲۵-۲۳۷
 حکمت، سعید (دکتر): ۲۸۹
 حکمت، علی اصغر: ۷۰-۳۸۲-۳۹۹-۴۰۰
 حکیم الهی (واعظ زاده): ۵۷
 حکیمی، ابراهیم، حکیم الملک: ۱۶۱-۱۶۲-۲۹۸-۳۰۲-۳۸۲
 حکیمی (افسر شهربانی): ۲۰۹
 حمزوی، آقامیر قفقازی، امیر منتظم: ۳۳۳-۳۶۷
 حمید، غلامرضا: ۲۵۴
 حیات داودی، فتح الله: ۶۰-۲۲۵
 خ
 خاتم، محمد (ارتشبد): ۱۸-۳۰۵
 خاجوی کرمانی (شاعر): ذ
 خاقانی (شاعر): ث
 خاقانی، شبیر: ۲۴۰
 خاکباز، حسن: ۱۳۵
 خان مرادی (سروان): ۶۲-۶۳
 خداداد (مدعی فرزندی رضاشاه): ۳۳۷
 خدایار خان (سرلشگر): ۳۶۴
 خدیوی (سرهنگ): ۱۰-۱۱
 خسرو، رضا: ۲۵۴
 خسروانی، احمد (سرلشگر): ۱۴۲-۳۵۹
 خطیبی، پرویز: ۱۲۲
 خطیبی، حسین: ۱۹۸-۱۹۹-۲۸۶ تا ۲۹۰
 خلخالی، سید عبدالرحیم: ۳۴۰
 خلخالی، شیخ صادق: ۱۶۳
 خلعت بری، ارسلان: ۷۱-۹۰
 خلعت بری، سپهسالار تنکابنی: ب
 خلعت بری (سر تیپ): ۳۰۸ تا ۳۱۳
 خلیلی، عباس: ۱۱۶
 خلیلی، عبدالحسین (مهندس): ۶۴-۶۶-۶۷
 خمینی، سید احمد: ۱۸۳
 خمینی، سید روح الله (آیت الله): ۲-۳۱-۴۵-۴۸-۵۰-۸۱-۸۷-۱۰۶-۱۱۵-۱۵۱-۱۶۳-۱۷۴ تا ۱۸۲-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴
 ۲۳۶ تا ۲۳۸-۲۴۳-۲۴۵-۲۷۰-۲۷۲-۲۷۶-۲۷۷-۳۳۲
 خنجی، محمد علی (دکتر): ۴۶-۷۷-۱۸۴-۲۱۷
 خواجوی (سروان): ۶۸
 خوانساری (آیت الله): ۳۲
 خورشید، یوسف: ۲۹۷
 خوشکیش، آقاخان: ۳۷۶
 خوشکیش، نامدار: ۳۷۶
 خوشنویسان (دکتر-سرلشگر): ۱۱-۱۰۴
 د
 دادستان (سرلشگر): ۲۱
 دادگر، حسین، عدل الملک: ب-۹۰-۱۲۶-۳۸۳
 داودی، حسین (دکتر): ۴۰۰

- داور، علی اکبر: ۳۰۷
 داورپناه: ۲۲۸
 درگاهی، داود: ۲۳۳
 درگاهی، محمد (سرتیپ): ۳۸۲-۳۶۷
 درگزی، فرج الله خان: ۳۷۴
 درویش، سعدالله خان: ۳۶۶
 دره شوری، بیژن: ۲۴۴
 دستجردی: ۱۱۵
 دستغیب (آیت الله): ۳۳۴-۲۴۰
 دشتی، علی: ۳۲۰-۲۶۴-۱۳۶-۹۰
 دفتری، جمشید: ۲۱
 دفتری، محمد (سرلشکر): ۳۶۰-۳۵۹-۱۹۹
 دلدن، اسکندر: ۳۹۶
 دوآتکر، کریم: ۳۱۷
 دوامی، مجید: ۲۶۷-۲۶۴
 دهخدا، علی اکبر (علامه): ۳۹-۳۸-۱۷
 ۳۴۰-۳۳۹
 دهقان، احمد: ۱۹۸-۱۹۷
 دیبا، ابوالحسن، ثقة الدوله: ۲۷-۱۳
 دیهیمی (سرتیپ): ۱۹۷
- ذ
 ذوالفقاری، ناصر: ۷۱
 ذوالقدر: ۳۳۲
 ذوقی، ایرج (دکتر): ۳۸۴-۳۷۷
- ر
 رادنیا: عباس: ۱۲۲-۲۸
 رامید، هلاکو: ظ
 رائین، اسماعیل: ۲۰۰-۱۱۵
 رجوی، مسعود: ۵۰
 رحیم زاده صفوی: ۳۶۶
 رحیمی لاریجانی، اسمعیل: ۳۵۵
- رحیمی، مهدی (سپهبد): ۱۰۶
 رحیمیان، غلامحسین: ۱۲۲-۱۴۴-۱۶۲
 ۱۶۹-۱۹۹
 رزم آرا، حاجیعلی (سپهبد): ب-۵۲-۹۴
 ۱۱-۱۱۶-۱۳۸-۱۴۳-۱۶۲-۱۶۵
 ۱۷۳-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۸-۱۹۱-۱۹۸
 ۲۰۱-۲۰۲-۲۵۵-۲۷۶-۳۲۷-۳۲۸
 ۳۳۱-۳۳۲-۳۴۶
 رزم آرا، پدرا (سرهنگ): ۳۲۷
 رستم (ازسران عشایر): ۶۰
 رستمی، امیر: ۲۹۰
 رشیده، حسن: ۱۵۷
 رشیدالسلطان: ۳۱۶-۳۱۷
 رشیدیان، برادران: ۴۰۵
 رضی خان: ۲۶۰
 رضوی (دکتر): ۱۲۲
 رضوی، احمد (مهندس): ۴۶-۵۶-۱۰۴ تا
 ۱۱۰-۱۲۲-۱۳۶-۱۴۳-۱۹۰-۲۱۳
 رفیع، رضا، قائم مقام الملك: ۳۴۰-۳۱۹-۳۹۵
 رفیع زاده، منصور: ۱۷۸-۱۸۹-۱۹۳
 رمزی، عطائی (دریابان): ۱۸-۳۰۵
 روزبه، خسرو: ۱۱۵
 روزولت، کرومیت: ۱۹-۲۲۳
 رولن (پروفیسور): ۲۰
 رهنما، غلامحسین: ۱۵۹-۳۲۷
 ریاحی، تقی (سرتیپ): ۸۲-۸۳-۱۱۹-۲۲۸
 ۲۸۱ تا ۲۸۸
 ریاحی، جهانگیر: ۳۶۸
 ریاحی، معین السلطنه: ۳۶۸
 ریاحی، منوچهر: ۳۶۸
 ریاحی، وحید الملك: ۳۶۸
 ریاضی (سرلشکر): ۳۲۵

- ریاضی، عبدالله (مهندس): پ
 ریاضی، محمد: ۱۷۷
 ریگی، خسرو: ۸۱
- ز
 زالتاش (سرگرد): ۱۰۳
 زاهدی، اردشیر: ۲۱-۱۹۳-۲۳۶-۲۹۰
 زاهدی، رضا، (سرهنگ): ۲۸۹-۲۹۰
 زاهدی، علی (مهندس): ۴۵
 زاهدی، فضل الله، بصیردیوان (سپهبد): ۱-۲
 ۳-۳۳-۳۶-۳۷-۴۴-۷۶-۱۰۷-۱۲۸
 ۱۳۹-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۱-
 ۱۵۳ تا ۱۷۱ تا ۱۷۳ تا ۱۷۸-۱۹۴
 ۲۲۸-۲۲۹-۲۳۷-۲۸۵-۲۸۷-۲۹۰
 ۲۸۹-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۵-۳۸۳-۴۰۷
 زکاکلین (روسی): ۳۳۳
 زنجانی، ابوالفضل (آیت اله): ۲۷۷
 زنجانی، رضا (آیت الله): ۲۸ تا ۳۰-۷۶-۱۱۸
 ۱۸۸-۲۶۸
 زنجانی، سعید: ۱۷۶
 زنگنه، احمد (مهندس): ۲۱-۲۳
 زهری، علی: ۱۴۵-۱۶۳-۱۷۲-۱۷۹ تا ۲۰۵
 زیرک زاده (مهندس): ۴۶-۷۷-۸۲-۲۸۵
- ژ
 ژرار دو ویلیه: ۱۰
- س
 سادچیکف (سفیر شوروی): ۱۲۴
 سارتر، ژان پل: ۲۱۱
 ساعد، کامیلا، دختر ساعد مراغه ای: ۴۰۲
 ساعد، گوهر (دکتر): ۴۰۳
 ساعد مراغه ای، محمد: ۹۱-۱۶۲-۱۶۹-
 ۳۹۳ تا ۴۰۶
- ساعدلو، هوشنگ: ۱۸۴
 ساقی (زندانیان): ۱۲۲
 سالار ظفر: ۵۱
 سالمی، حسن (دکتر): ۱۸۹-۱۹۰
 سامی (دکتر): ۲۱۲-۲۷۷
 ساوجی، سلمان: ۳۴۹
 سپهبدی، انوشیروان: ۱۲-۴۰۳
 سپهبدی، عیسی (دکتر): ۱۷۹-۱۸۶-۱۸۹
 سپهر، ذبیح (دکتر): ۱۱۱-۱۱۲
 سپهر، مورخ الدوله: ۳۶۳
 سپهر، مورخ السلطنه: ۳۶۳
 ستوده، علی اکبر: ۳۳۳
 سجادی، محمد (دکتر): پ
 سحابی، یدالله (دکتر): ۲۹-۳۰-۶۱-۶۳-
 ۶۸-۷۶-۹۴-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۷
 سخائی (سرهنگ): ۱۹۵
 سدان: ۹۱-۱۷۲-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۸-۲۰۰
 سرتیپ زاده کارگشا: ۹۰
 سردنیس رایت: ۱۲۵
 سر رشته، حسینقلی (سرهنگ): ۲۸۱-۲۹۰
 سریدر بولارد: ۳۲۳-۳۷۷-۳۷۸-۳۸۴-
 ۳۸۵
 سرشار، میر حسین: ۲۱۰
 سرگلاودین: ۳۰۲
 سرمد، صادق: ۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۹۸
 سروری، محمد: ۱۸۵
 سزوار، عمادالدین: ۱۴۵
 سطوتی (سرتیپ): ۱۰۶-۱۱۴-۱۲۷-۱۲۸
 سطوتی، منیژه: ۱۰۶
 سعدی، ش: ۱۵۸-۱۹۶
 سعید، جواد (دکتر): پ
 سقراط: ۱۶۹-۱۷۹
 سکندری، پروانه: ۸۵

- ۱۷۷-۵۰: سلامتیان (دکتر): ۱۲۳: سلطانی (ستوان): ۳۱۴: سمیتقو، اسمعیل: ۲۱: سمیعی، نصیر: ۱۷۶: سنجایی، سعید: ۱۷-۱۹-۴۵-۴۶- سنجایی، کریم (دکتر): ۴۸-۵۱-۵۲-۵۶-۵۷-۶۱-۷۸-۷۹- سلامتیان (دکتر): ۸۱-۸۲-۸۵-۸۷-۱۲۲-۱۲۷-۱۷۱- سنگلجی (آیت الله): ۷۳: سهیلی، علی: ۳۷۸-۳۸۹-۳۹۲-۴۰۵- ۴۰۶: سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۳۹۹: ش
- شانس، علیجان: ۲۱۰-۳۳۰: شانه چی، حاجی: ۵۰: شاهبختی، زکریا (سپهبد): ۲۸۲-۳۲۴ تا ۳۲۶: ۳۶۴-۳۶۵: شاهرخ، بهرام: ۸۰-۸۱-۱۷۸-۱۹۵: شاهنده، عباس: ۳۳۴: شایان، رضا: ۲۱۰: شایانفر (سرهنگ): ۲۹۰: شایگان، سیدعلی (دکتر): ۱۷-۱۹-۳۹ تا ۴۶- ۱۰۴-۱۰۵-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۵-۱۲۲- ۱۲۶-۱۴۳-۱۷۱-۱۷۲-۱۸۷-۱۸۸- ۱۹۰-۲۰۴-۲۳۳-۲۸۵-۲۹۱: شیستی: ۴: شریعت زاده، احمد: ۲۰: شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۱۸۲- ۲۴۰-۲۴۱: شریعتی، علی (دکتر): ۲۷۲ تا ۲۸۰: شریف امامی، جعفر (مهندس): ۶۹-
- ۱۵۷-۱۵۸-۱۶۵-۱۶۶-۱۷۳-۱۸۰- ۲۰۷-۳۵۲: شریف زاده، شهناز: ۳۸: شعبان، مستخدم خطیبی: ۲۸۶-۲۸۷: شعبانی، ابراهیم: ۳۳۳: شعری (سرتیپ): ۲۸۹: شفائی (سرلشکر): ۱۲۸: شفیق، شهریار: ۳۳۲: شقاقی (سرهنگ): ۲۲۷-۲۳۴: شقاقی، مهندس: ۱۹۹: شلتوت، شیخ محمد: ۳۹۵: شمالی، میرزاتقی: ۳۹: شمشکی، علی اصغر: ۱۲۷: شمشیری، حاج حسن: ۱۳-۱۴-۲۱-۲۷-۳۸- ۶۹-۷۰-۲۵۸: شهاب، پروفیسور: ۱۵۹: شهاب پور، عطاء الله (دکتر): ۲۷۶: شهبازی (ستوان): ۳۱۲ تا ۳۱۴: شهبلا (همسر غلامرضا تختی): ۲۶۱: شهنواز، غلامرضا: ۳۷-۳۸: شهیدزاده، علی: ۲۶: شهیدی، احمد: ۱۲۷: شبیبانی، احمد علی (مهندس): ۳۶۳-۳۶۶- ۳۶۷: شبیبانی، بدری: ۴۱-۴۳: شبیبانی، حبیب الله خان (سرلشکر): ۳۶۳: شبیبانی، حسنعلی (دکتر): ۳۶۸: شبیبانی (سرهنگ): ۱۰۵: شبیبانی، کاظم (سرتیپ): ۳۶۴: شبیبانی، مهدی (مهندس): ۱۹۹: شیخ الاسلامی، جواد (دکتر): ۳۰۶-۳۳۵- ۳۳۶-۳۸۷: شیخ الرئیس، ج:

۳۲۹

صنيع الدوله، هدايت: ب- ۳۵۷-

ض

ضيا، السلطنه (همسر دكتر محمد مصدق): ۱۴۶-

ضرغام پور، عبدالله: ۲۲۷-

ضرغامى، محمد: ۶۰-۲۲۵-۲۴۴-۳۱۲-

۳۱۳

ط

طالقانى، سيد محمود (آيت الله): ۳۱-۶۱-۶۸-

۷-۱۸۳-۱۹۳-۲۱۳-۲۶۸ تا ۲۸۰-

طاهباز، ميرزا على خان: ۳۷۰-

طاهرى، امير: ۲۶۴-

طاهرى، محمد حسين: ۲۲۷-

طاهرى، هادى (دكتور): ۳۹۹-

طباطبايى، سيد ضياء الدين: ب ۲۲-۹۰-۹۴-

۹۶-۱۱۴-۱۲۳-۱۲۹-۱۳۰-۱۵۶-

۱۵۷-۳۶۳-۳۷۱ تا ۳۹۱-۴۰۴-

طباطبايى، سيد محمد صادق: ۱۹۱-

طبرى، احسان: ۲۱۰-

طوسى، داود: ۳۷۵-

طهماسبى، خليل: ۹۴-۱۶۲-۱۸۸-۱۹۸-

۲۰۱-۲۷۶-۳۳۲-

ظ

ظروفچيان: ۶۴-

ظل السلطان: ۳۸۱-

ظهيرا الاسلام زاده، شامير: ۱۲۴-

ع

عاصمى، محمد (دكتور): ۲۳۳ تا ۲۳۵-

عاقلى، باقر (دكتور): ۳۸۱-

شيخ العراقين زاده: ۳۶۷-

شيخ خزعل: ۲۲۰-

شيخ زكريا: ۳۶۴-

شيفته، نصرالله (دكتور): ۹۰-۱۰۷-

ص

صاحديوانى: ۲۹۷-

صادقى، ابوالحسن: ۱۳۶-

صارم الدوله، مسعود: ۲۱-۳۶۵-

صالح، اللهياري: ۱۹-۲۰-۳۸-۴۶-۴۸-۵۶-

۵۷-۵۹-۶۰-۶۱-۶۳ تا ۶۷-۶۸ تا ۸۵-

۱۸۸-۲۱۳-۲۲۶-۲۵۵-۳۶۰-۳۶۱-

صالح، على پاشا: ۷۲-

صالح، نادر: ۶۱-

صباغيان: ۲۷۷-

صدارت، على (دكتور): ۱۸۸-

صدر، حسن: ۲۶-

صدر، محسن، صدر الاشراف: ۴۷-۷۰-۳۸۲-

صدرزاده، مهدي: ۲۲۵-

صديق حرم: ۳۴۰-

صديق اعلم (دكتور): ۳۸۲-

صديق حضرت: ۳۸۲-

صديقى، غلامحسين (دكتور): ۲۳-۲۷-۲۸-

۳۸-۴۶-۴۸-۵۳-۵۴-۶۱-۶۸-۷۰-

۸۵ تا ۸۷-۱۲۲-۲۱۷-۲۵۰-۲۸۵-۲۸۸-

۲۹۰-

صرافان، ابراهيم: ۹۴-

صراف زاده يزدي، رضا: ۳۸۶-

صفا، منوچهر: ۲۱۰-

صفارى، محمد على (سرتيپ): ۱۵۰-

صفائى، ابراهيم: ۲۵۵-۳۸۶-

صفائى: ۷-

صفائى، عبدالصاحب: ۹۰-

صمصامى، عبدالله (تيمسار): ۱۵۸-۳۲۷-

عاقلی زاده، عباس: ۲۱۰
 عالمی (دکتر): ۱۲۷
 عامری، جواد: ۳۸۹
 عاملی، عزت (دکتر): ۳۰۳
 عبدالرزاق خان: ۳۴۰
 عبدالکریم قاسم: ۳۹۵
 عبدالناصر، جمال: ۲۳-۲۳۴-۳۹۴-۳۹۵
 عبدخدائی: ۹۳-۱۲۳-۱۲۴
 عبیده، جلال (دکتر): ۵۴-۱۵۸-۲۶۱-۲۹۶
 -۳۰۲-۳۱۷-۳۸۹
 عبیده، علی: ۲۵۷-۲۵۸-۲۶۱-۲۶۲
 عدل، یحیی، پروفیسور: ۱۶-۲۹-۹۳-۱۰۳
 عراقی، نماینده مجلس: ۲۰۹
 عراقی، حاج مهدی: ۹۳-۲۷۷
 عرب شیبانی: ۲۲۵
 عزت الحاجیه: ۳۷۵
 عززی (نماینده اسرائیل): ۳۹۴
 عزیز (سپهبد): ۵۲
 عسگری، تقی: ۲۵۸
 عشقی، میرزاده: ۱۴۹
 عصمت اینونو: ۳۳۶-۳۸۳
 عضد السلطان: ۸-۲۱۲
 عضد الملک: ۳۸۱
 عطاپور، حسین زاده: ۲۱۲
 عطائی، رحیم: ۹-۷۶-۲۶۹-۲۷۳
 عطائی، منصور (مهندس): ۹
 عقیلی کرمانی، نظام الدین: ۱۹۹
 علاء، حسین: ۱۲-۷۲-۱۱۲-۱۴۵-۱۶۹
 ۱۸۸-۱۹۹-۳۷۹-۳۸۲
 علم، امیر اسد الله: ۱۳-۶۴-۶۶-۶۷-۷۲
 ۷۳-۷۵-۱۷۴-۱۹۹-۲۱۷-۲۳۳-۲۳۶
 ۲۴۶-
 علم، شوکت الملک: ۲۲۰

علوی، بزرگ: ۱۱۵-۱۵۳

علوی کیا، حسن (سر لشکر): ۲۸۱

علوی مقدم (سپهبد): ۱۰۱-۱۰۲

علی آبادی (دکتر): ۱۹-۱۳۶

علی اصغر خان (سر تپ): ۳۵۷

علی باهائی، احمد: ۵۱

عمیدی نوری، ابوالحسن: ۹۱-۱۱۶-۱۳۴-

۱۳۵-۱۴۱-۱۴۷ تا ۱۶۰-۲۶۴

عمیدی نوری، عفت (الموتی): ۱۵۷

عمیدی نوری، محمدرضا، عمید الشعراء: ۱۵۴

تا ۱۵۸

عون جزایری، سادات: ۳۸

غ

غازی، محمد کمال: ۴۰۳

غفاری، ذکاء الدوله: ۳۱۸

غفاری، سپهر: ۳۱۸

غفاری، سهام الدین: ۳۱۸

غفاری، معزالدین: ۳۱۸

غنی، قاسم (دکتر): ۴۰۴

ف

فاتح، مصطفی: ۳۳۳

فاطمی، پریوش (سطوتی): ۱۰۲-۱۰۶-۱۰۸

تا ۱۱۱-۱۱۴-۱۱۸-۱۲۷-۱۲۸

فاطمی، حسین (دکتر): ۱۰ تا ۳۱-۶۸-۸۸ تا

۱۳۳-۱۷۸-۱۸۸-۱۹۹-۲۳۳-۲۵۳

۲۶۳-۲۸۴-۳۹۶

فاطمی، سلطنت: ۱۰۲-۱۰۷-۱۱۰

فاطمی، سیف العلماء: ۱۱۷

فاطمی، سیف پور (دکتر): ۸۹-۹۶-۱۰۷

۱۱۰-۱۱۱-۱۱۴-۱۱۷-۱۲۴-۱۲۹

- ۱۰۸: فنائی (گروہبان): ۲۳۳-۱۳۱۶ تا
 فوزیہ: ۲۹۸ - فاطمی، سعید (دکتر): ۱۰۷-۱۰۰-۶۷-
 فولادی، فیروز: ۲۳۴ ۱۳۱
 فہیم، مرتضیٰ: ۱۷۷ فاطمی، علی (دکتر): ۱۰۳-۱۰۲-۴۱-۱۳۱
 فیروز آبادی، صادق: ۲۷۰ فاطمی، علی محمد: ۱۰۴
 فیروز (سرلشگر): ۳۱۴ فاطمی، عماد السلطنہ: ۱۱۷-۳۲۰
 فیروز، ناصر الدولہ: ۳۶۳ فاطمی، قس، سید محمد: ۳۸۲
 فیروز، نصرت الدولہ: ۷-۲۹۷-۳۷۱-۳۸۳ فاطمی، مصباح: ۱۱۷-۱۲۸-۱۳۱
 فرہاد (دکتر): ۱۶: فتحیہ (سروان): ۲۳۳
 فخر الدولہ، خانم: ۳۸۲
 فخرانی، ابراہیم: ۳۶۶
 فخر مدرس (سپہید): ۱۰۵
 ق ق
 قاجار، آقا محمد خان: الف
 قاجار، احمد شاہ: الف-۶۷-۱۹۹-۳۳۵-۳۳۶ فرامرزی، عبدالرحمن: ۳۵۴-۳۹۴
 - ۳۷۱ تا ۳۸۲ الف-۴۰۳ فرخ، مہدی: ۳۷۲-۳۸۹
 قاجار، رکن الدین: ۴۳ فرخی یزدی: ت - ۱۴۹
 قاجار، مظفر الدین شاہ: ۳۸۲ فردوست، حسین (ارتشبد): ۳۵۶
 قاجار محمد حسن میرزا: ب فردوسی: ب - ۳۵۷
 قاجار، محمد علی شاہ: الف-۴۷-۳۳۸ تا ۳۴۰ فرزین، محمد علی: ۳۸۲
 - ۳۸۲ فرسیو (سپہید): ۳۵۹
 قاجار، ناصر الدین شاہ: الف-۱۴۶-۱۵۵- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۲۲-۳۳۷
 ۳۸۱ فروتن (دکتر): ۱۱۵
 قاسملو، افشار: ۲۹۰ فروغی، ابوالحسن: د-۲۰۷
 قاسملو، عبدالرحمن (دکتر): ۱۸۳ فروغی، محسن (مهندس): ۳۸۱
 قاسمی، احمد: ۱۱۵ فروغی، محمد علی، ذکا الملک: ۳۰۶-۳۲۵-
 قاسمی، ابوالفضل: ۸۱-۸۲-۳۴۶ ۳۸۰ تا ۳۸۶ الف-۴۰۶
 قاسمیہ: ۵۷ فروہر، دارپوش: ۲۸-۵۷-۶۸-۷۵-۷۸-
 قاضی زادہ: ۳۳۳ ۷۹ تا ۸۱ الف-۱۲۲-۱۹۰-۲۳۸-۲۷۷
 قاضی عسگر: ۱۰۶-۱۲۵ فرہنگ (دکتر): ۴
 قاضی، محمد خان (نام قبلی ساعد): ۴۰۳ فرہودی، حسین (دکتر): ۴۰۰
 قائم مقام، صدراعظم ایران: ۳۵۷ فریال: ۲۹۸
 قبادی (افسر شہرستانی): ۱۹۸ فلاح، رضا (دکتر): ۸۳-۱۲۶-۱۳۹-۱۷۲
 قربانی (سرہنگ): ۱۰۱: فلور: ۱۷۱

- قوام شیرازی، قوام الملک: ۲۲۰-۲۲۵
 قورجانی، تاج محمدخان: ۳۷۴
 قوریم السلطنه: ۳۳۷-۳۳۸
 قهرمانی (سرهنگ): ۱۰۵
 قیائی، منوچهر: ۳۳۴
- ک
 کاتوزیان، محمدعلی، همایون (دکتر): ۱۸۴-
 ۲۰۷-۲۱۰-۲۱۳-۲۱۸-۲۱۹
 کارت: ۱۸۲-۱۹۶
 کازرونی: ۱۳۹
 کاشانی، سیدابوالقاسم (آیت الله): ۱-۲۲-۲۳
 -۳۲ تا ۳۴-۵۶-۷۵-۷۶-۸۴-۹۵-۱۱۲-
 ۱۱۳-۱۲۳-۱۲۹-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۹-
 ۱۵۱-۱۶۲-۱۷۱-۱۷۴-۱۷۸-۱۸۵-
 ۱۸۸-۱۹۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۵۵-۳۳۲-
 ۳۵۴-۳۴۶
 کاشانی، مصطفی: ۱۹۱
 کاظمی، باقر، مهذب الدوله: ۲۷-۲۸-۴۶-
 ۶۱-۶۲-۶۷-۶۸-۷۰-۷۶-۱۲۷-۱۷۰-
 ۳۸۲ -
 کاظمی، ساسان احمد: ۲۴۲
 کاظمی، عزالدین: ۶۷-۳۰۲
 کاظمی، منوچهر: ۲۴۲
 کاکس: ۳۳۵
 کامبخش، عبدالصمد: ۲۰۸-۲۱۰-۲۳۳-
 ۲۳۴
 کاوسی: ۱۰۱
 کاویانی، رضا (دکتر): ۴۵
 کتیرائی، حمید: ۱۶۳
 کرباسچیان: ۱۴۵
 کردستانی، سعید (دکتر): ۲۳۷
 کرمانی، میرزاشهاب: ۱۴۶
 کریم آبادی، ابراهیم: ۶۱-۶۲-۶۳-۱۱۶-
- قرب باغی، عباس (ارتشبد): ۱۷۶-۲۷۸
 قریب، جمشید: ۳۹۵
 قریب (سرتیب): ۳۰۸-۲۳۶-۲۳۸
 قریب، مهدی: ۳۳۴
 قشقائی، اسماعیل: ۳۲۰
 قشقائی، بهمن: ۲۳۵-۲۴۶-۲۴۷
 قشقائی، خسرو: ۶۴-۸۱-۹۱-۱۲۱-۱۲۲-
 ۲۱۷-۲۲۰ تا ۲۴۶
 قشقائی، سهراب خان: ۳۶۴
 قشقائی، صولت الدوله: ۲۲۰-۲۲۲-۲۲۶-
 ۲۳۷-۲۴۷-۲۴۸-۳۶۴
 قشقائی، عبدالله: ۲۳۹۳۸
 قشقائی، علی خان، سالارحشمت: ۳۶۴
 قشقائی، محمدحسین: ۶۰-۲۲۱-۲۲۲-
 ۲۲۴-۲۲۷-۲۳۳-۲۴۶
 قشقائی، محمدناصر: ۹۱-۲۲۱ تا ۲۴۸-۳۲۰-
 ۳۴۳-
 قشقائی، ملک منصور: ۲۲۲
 قشقائی، هوشنگ: ۲۴۶-۲۴۷
 قشقائی، هومان: ۲۴۲
 قطب، سیدعزیزالله: ۱۲۴
 قطب، سید کاظم: ۱۲۴
 قطب زاده، صادق: ۳۱-۲۳۶-۲۳۸
 قطبی (سرلشکر): ۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷
 قلعه بیگی (سرتیب): ۱۰۴
 قلیچ خان: ۳۷۴
 قنات آبادی، شمس الدین: ۷۵-۱۸۰-۲۰۱
 قندهاریان، ابوالقاسم: ۱۸۴
 قوام، احمد، قوام السلطنه ب: ۲۳-۳۸-۴۰-
 ۴۳-۴۵-۵۲ تا ۱۳۴-۱۳۸-۱۴۷-۱۴۹-
 ۱۶۱-۱۶۲-۱۷۰-۱۷۱-۱۸۴-۱۸۶-
 ۱۹۰-۲۰۳-۲۲۶-۲۲۷-۲۹۹-۳۰۲-
 ۳۳۴-۳۳۵-۳۷۰ تا ۳۷۸-۳۷۹

گاندى: ۲۸-۱۷۹	۱۴۵
گرگانی، عبدالعظیم خان: ۱۵۹	کریم پور شیرازی: ۲۱-۱۲۲-۱۲۸-۱۲۴۹ تا
گرگناد (روسی): ۳۳۳	۲۵۶
گرمان (مهندس): ۱۸۸	کشاوری، فریدون (دکتر): ۴۵-۱۹۸
گرزن (سرلشگر): ۲۸۲	کشاوری، کریم: ۱۴۳
گلبنگیان، گالوست: ۱۸	کشاوری صدر: ۶۳-۶۸-۸۰-۱۲۸
گلشائیان عباسقلی: ۳۰۸-۳۰۷	کشکولی، ایرج: ۲۳۴-۲۳۵-۲۳۸-۲۴۰
گلشائیان-گس: ۱۳۷	کشکولی، عطا: ۲۳۵-۲۳۸
گلشنی (سرهنگ): ۱۰۵	کلالی، امیر تیمور: ۷-۵۴-۵۵-۲۱۳
گنجه ای، رضا (مهندس): ۳۴۷ تا ۳۴۹	کلالی، منوچهر (دکتر): ۴
گودرزی، محمد: ۲۳۳	کلالی، ناهید: ۵۴
گیتی بین، اصغر: ۳۴۶	کلنل تیک: ۳۷۷
گیل گیلی، اکبر: ۱۰۱	کلنل ویلر: ۱۹۱
گیلاتشاه (سپهبد): ۱۳۹	کلهر، اصغر: ۲۵۷
	کلیم کاشانی: ت - ر
ل	کمال الملک: ۳۸۲
لاجوردی، حبیب (دکتر): ۳۴۱	کمال، عزیز الله (سپهبد): ۱۳۸-۱۷۸
لاری، سید علی اصغر: ۳۵۴	کندی (جان): ۲۰۱
لاشانی، کوروش: ۲۳۴	کوپال (سرلشگر): ۳۸۳
لاهوئی، ابوالقاسم: ۳۶۶-۳۶۷	کوهستانی، شیخ ابوالحسن: ۳۶۴
لاهیجی، کریم (دکتر): ۵۰-۲۷۷	کوهستانی، شیخ محمد: ۳۶۴
لباسچی، قاسم: ۵۰	کهبد، بهاء الدین: ۲۱
لرد کرزن: ۳۳۵	کیا، حاج علی (سپهبد): ۳۵۹-۳۶۰
لرن: ۳۳۶	کی استوان: ۲۸
لسان المحدثین: ۱۵۵	کی نژاد، رضا: ۳۶۲
لسانی، ابوالفضل: ۱۵۲-۱۵۴-۱۵۷-۱۶۰-	کیانوری، ضیاء الدین: ۳۸۲
۱۶۹	کیانوری، نورالدین (دکتر): ۱۱۵-۲۳۳-
لشگری (سرهنگ): ۱۰۵	۲۵۸
لطفی: ۱۲۳-۳۱۰-۳۱۱	کیوان، مرتضی: ۱۲۳
لقمان ادهم، علیقلی (دکتر): ۴۵	کیهان، خدیو (سرلشگر): ۳۵۹
لنین، ولادیمیر: ۳۷۳	
لیاخوف: ۳۸۳	

گ

- مرتضوی (سرهنگ): ۲۳۵
 مرزبان، رضا: ۱۲۱
 مزین الدوله: ۳۸۲
 مزین، منصور (سرلشگر): ۱۰۴-۱۰۷-۳۲۶-
 ۳۵۸ تا ۳۵۶-
 مزینی، علی اصغر (سرتیپ): ۲۸۲-۲۸۵-
 ۲۸۷ تا ۲۹۰-۳۵۶-۳۵۷
 مستوفی، باقر (مهندس): ۱۹۱
 مستوفی المالك: ۲۲۰-۲۲۲-۲۹۶-۳۶۷
 مسعود، اصغر میرزا: ۲۱
 مسعود، اکبر میرزا، صارم الدوله: ۳۶۵
 مسعود، محمد: ۹۰ تا ۹۳-۱۲۴-۱۲۶-۱۹۸
 مسعود انصاری: ۲۲۴
 مسعودی، عباس: ۳۹-۱۳۶-
 مسعودی، محمد علی: ۱۴۵
 مشار، خانباها: ۱۵۹
 مشکوة (استادان شگاه): ۷۳
 مشیری، علی: ۳۵۲
 مصدق، احمد (مهندس): ۸-۹-۱۳-۱۷-۲۰-
 ۲۱-۲۴-۲۵-۲۷-۲۸-۳۰-۱۵۳
 مصدق، حمید: ۳۰
 مصدق، خدیجه (دختر دکتر محمد مصدق): ۳۰
 مصدق، غلامحسین (دکتر): ۸-۱۲-۱۶-۲۵-
 تا ۳۰-۳۱-۹۳-۱۰۳-۳۹۱
 مصدق، محمد (دکتر) در اکثر صفحات
 مصدق، محمد (نوه دکتر غلامحسین): ۱۷
 مصدق، محمود (نوه مصدق): ۱۷
 مصدق، منصوره (متین دفتری): ۲۵-۳۰
 مصطفوی، رحمت (دکتر): ۱۲۷-۱۲۶ تا ۲۶۵-
 ۲۶۷-
 مصطفوی، سیامک: ۲۶۴
 مصطفوی نائینی، حسن: ۱۱۱
 مصطفوی نائینی، حسین: ۱۱۱
- مارگریت هیگنز: ۲۰
 مازندی، یوسف: ۲۹۸-۳۳۰-۳۳۲-۳۷۹
 ماندلا، نلسن: ح
 مانیان، حاجی: ۶۳-۲۷۷
 مبشری (سرهنگ): ۹۹-۱۲۳-۲۳۴
 مبصر، محسن (سپهبد): ۱۳۲
 مترجم السلطنه: ۱۵۹
 متقی، علی: ۲۳۴
 متین، حسن (دکتر): ۲۶۷-۴۰۱-۴۰۲
 متین دفتری، احمد (دکتر): ۱۹-۲۲-۲۸-
 ۱۴۶-۱۵۹-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۹-۳۰۷
 متین دفتری، هدایت: ۹-۳۱-۴۸-۵۰-۲۹۴
 مجدزاده: ۲۶
 مثقالی (دکتر): ۳۹
 محسنی (دکتر): ۹۹-۱۰۰-۱۰۸-۱۲۳-
 ۱۳۳
 محقق گلپایگانی (ستوان): ۱۲۳
 محمدبیگ، برات: ۳۷۴
 محمود، محمود: ۱۳۸
 مختاری (سرهنگ): ۱۲۴
 مختاری، رکن الدین: ۲۸۶-۲۸۳-۳۱۷ تا
 ۳۱۹
 مدیر (سرتیپ): ۱۵۳-۲۸۵-۲۸۸
 مدرس، سیدحسن (آیت الله): ۲۲-۱۴۵-
 ۱۴۹-۱۵۵-۳۸۳
 مدرس زاده: ۳۷۰
 مدنی، احمد، دریادار (دکتر): ۵۰-۸۱-۸۳-
 ۸۵-۲۳۷-۲۴۰-۲۴۱-۲۹۲
 مدنی، سیدجلال: ۴۴
 مرآت، اسمعیل: ۳۸۲
 مرادی: (سرتیپ، دکتر): ۱۵۲

- ممتاز السلطان: ۱۴۴
- ممتاز (سرهنگ): ۱۴۳-۱۴۴-۲۸۶
- منتخب الدوله: ۳۱۷
- منتظری (آیت الله): ۱۸۳
- منتظم، حسین (دکتر): ۳۳۷
- منزه، (سرتیپ، دکتر): ۲۸۷-۲۸۹-۲۹۰
- منصور، حسنعلی: ب-۹۱-۹۳
- منصور (دکتر): ۹۳
- منصور، رجبعلی، منصورالملک: ۳۲۰-۳۲۳
- ۳۲۴-۳۳۱-۳۸۴
- منوچهری: ۶۱
- موسوی: ۲۰۸
- موسوی، تقی: ۹۹
- موسوی خوثینیه: ۲۴۳
- موسوی، محمدحسین (دکتر): غ
- موشه دایان: ۳۹۶
- موقر، مجید: ۳۲۲
- مولاتی، سیدهاشم: ۴۳
- مولوی (سرلشگر): ۱۱۱ تا ۹۸-۱۰۲
- ۱۰۸-۱۱۱-۱۲۳-۱۳۲-۱۳۳
- مؤیدامینی، داود: ۳۲۶
- مؤیدثابتی: ج
- مهاجرانی (دکتر): ۱۹۰
- مهندی (دکتر، سرهنگ): ۳۰۸
- مهدوی، فریدون (دکتر): ۶۳
- مهربان، رسول: ۳۶
- مهنا (سرلشگر): ۲۸۵-۲۸۲
- میر (دکتر): ۱۶
- میراشرفی، مهدی: ۱۸-۵۲-۹۸-۱۲۹
- میرافضلی (سرلشگر، دکتر): ۱۰۳-۱۰۷
- میرجلیلی (مهندس): ۶۸
- میرحقانی (دکتر): ۲۵۳
- میرزا آقاخان (عصرانقلاب): ۳۴۰
- مصوررحمانی (سرهنگ): ۱۴۴
- مظفری (سرلشگر): ۲۱
- مظفری (گروهان): ۱۰۸
- معاون (دکتر): ۱۳
- معمدالسلطنه: ۱۳۵-۳۷۱
- معمدی، رضا (سرهنگ): ۱۹۵
- معدل شیرازی، لطفعلی: ۲۱-۲۲۵
- معزی (خلبان): ۵۱
- معصومی، سیدمحمد: ۱۱۷
- معظم السلطان: ۲۲۲
- معظمی، عبدالله (دکتر): ب-۶۷-۶۸-۷۶
- ۱۲۱-۱۴۲-۱۴۵-۲۰۴-۲۲۲-۲۷۶
- ۲۸۴-۳۵۲-۳۵۳
- مفتح (دکتر): ۲۷۷
- مقبل (سرتیپ، دکتر): ۱۰۳-۱۰۴
- مقدم مراغه ای (سرلشگر): ۳۲۶
- مقدم مراغه ای، رحمت: (مهندس): ۷۸-۱۸۲
- ۲۹۳-
- مقدم، ناصر: (سپهبد): ۲۳۳-۲۷۹
- مقدس زاده، مهندس: ۵۰
- مکری، محمد: ۱۲۱-۱۲۲
- مکی حسین: ۹۰-۹۵-۱۱۲-۱۲۶-۱۲۷
- ۱۳۴-تا ۱۳۶-۱۳۹-۱۴۹-۱۵۳-۱۶۲-۱۶۵
- ۱۶۶-۱۶۹-۱۷۷ تا ۱۷۹-۱۸۷-۱۸۸
- ۱۹۱-۱۹۹-۲۰۲-۲۰۴-۲۲۸
- ملك حسين: ۱۸۶
- ملك فاروق: ۱۹-۹۶-۹۷-۲۹۸
- ملك زاده (دکتر): ۳۳۵
- ملك مدنی، هاشم: ۱۴۴
- ملکی، احمد: ۹۰-۱۱۶
- ملکی، خلیل (دکتر): ۴۶-۷۵-۷۷-۱۱۴
- ۱۸۴ تا ۱۸۷-۲۰۶ تا ۲۰۸-۲۱۰ تا ۲۱۲
- ۲۱۶-۲۱۹-۲۹۱

نزید، حسن: ۵۰-۵۷-۷۸-۷۹-۱۸۲-۲۳۹

۲۷۱-۲۹۳

نصر، سید ولیخان (دکتر): ۱۵۹-۳۸۱

نصر، محسن (دکتر): ۱۴۲

نصیری، عبدالرحیم: ۳۱۹

نصیری، محمد (دکتر): ۱۲۷

نصیری، نعمت (ارتشبد): ۵۲-۶۳-۱۰۱-

۱۰۸-۱۱۵-۱۲۸-۱۲۹-۲۳۲-۲۴۶

نظام الملک، نظام الدین (سرتیپ): ۳۵۷

نقدی (سرهنک): ۱۰۵

نغازی، حاج محمد: ۱۸-۱۹

نواب، حسین: ۱۹-۵۷-۱۲۴

نواب صفوی، مجتبی: ۹۳-۹۴-۱۱۶-۱۶۵-

۱۸۸-۳۳۲ تا ۳۳۳-۳۹۱

نوائی (سرهنک): ۳۱۰-۳۱۱-۳۱۷-۳۱۸

نورالدین، سید: ۲۲۵-۲۵۰

نورگرافت: ۱۹۱

نورمان، انگلیسی: ۲۲-۳۳۵

نورمان شارب (کشیش انگلیسی): ۲۵۰

نوری، شیخ فضل الله: ۱۸۲-۳۸۱

نوری (قهرمان کشتی): ۲۵۸

نوشین، عبدالحسین: ۱۴۳

نائینی، مرتضی قلیخان: ۳۴۰

نائینی، معاضد السلطنه: ۳۴۰

نیرومند، سرهنک: ۲۰۹-۲۱۰

نیساری، امیرحشمت: ۳۴۰

نیک آرزو: (سرهنک): ۱۰۵

نیک آتین (مهندس): ۱۳۰

نیکپورنائینی: ۹۰-۱۲۷

و

وائق، نوری: ۲۰-۲۱

واحدی، عبدالحسین: ۹۴-۱۱۶

میرزا کوچک خان جنگلی: ۳۶۶

میرزا محسن (داماد بهبهانی): ۳۱۶

میرزا ملکم خان: ۳۸۱

میرزایانس: ۳۳۹

میرفخرائی (دکتر): ۹۳

میلیسپو (دکتر): ۳۸

میناچی، ناصر (دکتر): ۲۷۹

مین باشیان، فتح الله (ارتشبد): ۲۴۶

مینوچهر، شیخ عبدالمجید: ۱۲۳

مینوی، مجتبی (دکتر): ۳۳۸

ن

نادرپور، نادر: ۱۸۴

نادری، سرهنک: ۲۸۱-۲۸۷-۲۹۰

ناصر الملک ب

ناصر خسرو ج

ناطق، هما (دکتر): س

نجاتی، حاج رضا: ۱۲۵

نجاتی (سرهنک): ۱۱۸

نجف زاده (دکتر سرتیپ): ۱۰۳-۱۰۷

نجفی (آخوند): ۳۳۴

نجفی، محمد علی (دکتر): ۱۹۴

نجم آبادی (دکتر): ۹۳

نجم آبادی، شیخ مرتضی: ۳۸۲

نجم آبادی، شیخ هادی: ۳۸۲

نجم السلطنه (مادر دکترمحمد مصدق): ۱۳

نجم الملک: ۱۸۵

نجمی، ناصر: ۹۲-۱۳۸-۲۵۰

نحاس پاشا: ۱۹

نخجوان، محمد، امیر موثق (سپهبد): ۱۴۸-

۱۵۱-۱۵۲-۳۲۵-۳۲۷-۳۶۵

نخشپ، محمد: ۷۵-۲۷۶

نخلی، عباسعلی کدخدا: ۲۸۹

نریمان، محمود: ۳۸-۱۴۵-۲۱۳

- وارسته، منوچهر: ۱۵۹
 والاتبار، حشمت الدوله: ۳۷-۴۵-۴۶-۳۳۹
 والترز (سرهنگ): ۱۹
 وثوق، حسن، وثوق الدوله: ب-۳۳۵-۳۳۷-
 ۳۷۱ - ۳۹۰ تا ۳۹۳
 وثوق الدوله، ورثه: ۳۹۰
 وثوق (سپهبد): ۱۷۰-۳۵۸-۳۶۰
 وثوقی، ناصر (دکتر): ۱۸۴
 وثیق، غلامرضا (دکتر): ۱۸۴
 وحیدی: ۱۹۹
 ورزنده، میرمهدی: ۱۵۷
 ورزی، ابوالحسن: ذ
 وزیر علیرضاخان: ۳۷۳
 وزیر، علینقی خان: ۳۷۳
 وهاب زاده احد: ۳۹۷-۴۰۱-۴۰۴-۴۰۵
 وهاب زاده، پرویز: ۴۰۲
 وهلیام شوکراس: ۳۹۷-۴۰۲-۴۰۵

ی

- یزدان پناه، مرتضی (سپهبد): ۳۲۷-۳۲۸
 یزدی، ابراهیم (دکتر): ۳۱-۲۳۶-۲۷۰-
 ۲۷۶
 یزدی، سیدعلی آقا: ۱۵۶
 یزدی، مرتضی (دکتر): ۴۳-۲۵۵
 یغمائی، حبیب: ۳۹-۱۱۱
 هانی الحسن: ۳۹۷
 هادی، محمد: ۳۱۱-۳۱۷-۳۱۸
 هارون الرشید: ۱۶۶
 هارین: ۴۱
 هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۴۶-۱۰۱-۱۰۹
 -۱۲۵-۱۴۴
 هدایت، مخبر السلطنه: ۳۳۸
 هدایتی، محمدعلی (دکتر): ۳۸۹
 هروی، حسنعلی (دکتر): ۳۳۸

یادآوری:

برای اطلاع از اسامی اعضای شورای جبهه ملی به صفحات ۵۸ تا ۶۰ و اعضای جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران به ص ۲۱۸ و اعضای دفاع از آزادی و حقوق بشر به ص ۲۷۳ و اعضای عامیون ایران به صفحات ۲۹۹ تا ۳۰۲ مراجعه شود.

فهرست اسامی جلدنهم

- آ
- آبادا داش (مهندس): ۲۹۶
 آقازاده، بهرام، آقایف: ۲۰-۲۴
 آقازاده، کامران: ۲۴
 آقایف، عمران: ۳۲
 آقائی: ۲۰۵-۲۰۶
 آگاهی، عبدالحسین: ۳۰۴-۳۰۵-۳۵۸
 آگهی (انصر اعدام شده): ۳۶۰
 آل احمد، جلال: ۷۱-۷۲-۷۷-۷۹-۱۲۳-
 ۴۴۵
 آلبویه، اسدالله (دکتر): ۱۹۸-۱۹۹
 آلکساندروویچ، نیکلا (تزار): ۵۴۰
 آنادمیدوا (روسی): ۵۴۰
 آناستازیا (روسی): ۵۴۰
 آندره ساخاروف: ۵۱۹
 آندره یوف: ۵۱۸
 آوانسیان، آدیك: ۳۸۶
 آوانسیان، آرداشس: پ - ۳۸ تا ۴۹ - ۵۰ -
 ۵۶-۵۹-۶۲-۱۰۱-۱۲۳-۱۲۶-۱۲۸-
 ۱۳۶-۱۳۹-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۹-۱۶۸-
 ۱۶۹-۱۷۱-۱۷۵-۲۱۶-۳۵۷-۴۰۳-
 ۴۲۰-۴۴۷-۴۴۸ تا ۴۹۵
 آوانسیان، گاکیک: ۳۱۵-۴۰۵
 آهی، رضا: ۱۳۲
 آهی، مجید: ۵۶
 آیرم (سرتیپ): ۹-۳۳۷
- الف
- ابراهیم، احمد: ۴۹۸-۴۹۹
 ابراهیم اوف، ابراهیم: ۲۴
 ابراهیم زاده: ۱۳۶
 ابراهیمی، ابرالحسن: ۴۸۵
 ابراهیمی، انوشیروان: ۱۳۷-۱۴۰-۱۶۹-
 آپریم، (دکتر): ۷۲-۱۲۳-۱۵۷
 آتاکیشی یف: ۲۰۳-۳۰۰-۳۰۱
 آخوندزاده، محمود: ۲۶-۴۹-۵۰
 آدمیان، زاون: ۲۰۶
 آدمیت، تهمورس: ۱۳۲
 آدمیت، فریدون (دکتر): ۴۴۳
 آذر، مهدی (دکتر): ۱۹۹
 آذراوغلو، بالاش: ۱۱۸-۴۲۰
 آذر، سرهنگ شهریانی: ۳۴۲-۳۴۳
 آذر، عبدالرضا (سرهنگ): ۱۳۶-۱۴۳-۱۰۸-
 ۱۹۹-۳۵۵ تا ۳۶۰
 آذرفر، حسن (سرهنگ): ۴۷۱-۴۸۲
 آذرنگ، سعید: ۳۹۹
 آذرنگ، گیتی: ۳۹۹
 آذرنگ مسعود: ۴۶۸
 آذرنور، فریدون: ۱۱۹-۱۲۹-۴۱۰-۴۸۹-
 ۴۹۲
 آذری: ۴۲۰
 آراطونیان: ۲۳
 آریاپارت: ۱۳۳
 آرین، محمدحسین: ۳۴۲-۳۴۳
 آریانا، بهرام (ارتشبد): ۱۰۸-۳۵۵
 آرسن (قاتل حسام لنکرانی): ۳۰۷-۳۰۸-
 ۳۱۰
 آزاد، عبدالقدیر: ۱۶۷
 آزادفرازی، علی: ۳۱۷
 آزادگر، محمد: ۴۸۹
 آزموده، حسین (سپهبد): ۱۸۶-۳۲۰
 آزمون، منوچهر (دکتر): ۱۰۵
 آصف: ۴۱۴
 آفاق (همسر روزبه): ۳۴۷-۴۴۶
 آقاییگف: ۵۱

استالین: پ - ث - ج - ۸ - ۱۱ - ۲۶ - ۲۷ - ۳۳
 -۷۶ - ۷۴ - ۶۷ - ۶۶ - ۵۷ - ۵۲ - ۵۱ - ۴۹ -
 -۱۵۶ - ۱۴۹ - ۱۲۳ - ۱۲۱ - ۱۲۰ - ۸۳ -
 -۲۰۲ - ۱۷۶ - ۱۶۹ - ۱۶۴ - ۱۶۳ - ۱۵۹
 -۳۰۴ - ۲۷۸ - ۲۶۴ - ۲۱۶ - ۲۰۸ - ۲۰۶
 - ۴۴۱ - ۴۳۲ - ۴۲۸ - ۴۲۰ - ۴۰۸ - ۴۰۴
 ۵۲۲ تا ۵۱۷ - ۴۹۴ - ۴۴۸ - ۴۴۷ - ۴۴۲
 ۵۳۳ تا ۵۳۲ - ۵۳۰ - ۵۲۷ - ۵۲۶ - ۵۲۴
 ۵۴۶
 استپانیا، سروژ: ۸۰ - ۱۰۶ - ۱۰۷ تا ۳۱۲
 اسفندیاری (سرتیپ): ۲۳۰
 اسفندیاری، محتشم السلطنه: ۲۳۰
 اسکندانی، ابوالقاسم: ۵۱ - ۵۰
 اسکندانی، علی اکبر (سرگرد): ۱۰۸ - ۵۰
 ۳۵۹ تا ۳۵۵
 اسکندری، امیرنصرت: ۲۲۷
 اسکندری، ایرج: ۳۹ - ۴۰ - ۴۴ - ۴۹ - ۵۴ - ۵۸
 -۹۸ - ۹۴ - ۹۳ - ۸۹ - ۶۶ - ۶۴ - ۶۲ - ۵۹ -
 -۱۶۲ تا ۱۲۶ - ۱۲۰ - ۱۱۷ تا ۱۱۵ - ۱۰۶
 -۱۹۷ - ۱۹۵ - ۱۸۱ - ۱۸۰ - ۱۷۹ تا ۱۶۷
 ۲۳۶ - ۲۲۹ - ۲۲۸ - ۲۲۵ - ۲۰۲ - ۲۰۱
 ۳۸۹ - ۳۶۳ - ۳۶۲ - ۳۵۷ - ۳۱۴ - ۲۸۹ -
 -۴۰۱ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۹ تا ۴۱۹ - ۴۲۳ - ۴۲۳ -
 ۴۴۷ - ۴۳۰ - ۴۲۹
 اسکندری، پری: ۲۵۴
 اسکندری، زهرا: ۹۷
 اسکندری، محسن، سلیمان میرزا: ۱ - ۹ - ۱۱ -
 -۹۳ - ۶۳ تا ۵۳ - ۴۰ - ۳۸ - ۳۶ - ۲۰ - ۱۲
 -۱۶۵ - ۱۶۳ - ۱۶۱ - ۱۶۵ - ۱۴۶ - ۱۴۵
 -۲۵۱ - ۲۳۶ - ۲۲۱ - ۱۸۷ - ۱۷۹ - ۱۶۷
 ۴۵۵ - ۴۳۰ - ۴۱۹
 اسکندری، عباس میرزا: ۳۹ - ۴۰ - ۵۴ - ۵۵ -
 ۲۳۶ - ۱۸۰ - ۱۷۹ - ۱۵۶ - ۱۴۱

۳۲۵ - ۴۰۸ - ۳۸۵
 ابراهیمی، فریدون: ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۳۶۰
 ابلوچ، علی: ۱۳۶
 ابوالفتحی (مهندس): ۲۹۶
 ابوالقاسم زاده: ۱۰۴
 اتابک: ۱۲ - ۲۰
 احتشامی (مالک آذربایجان): ۱۳۶ - ۴۹۳
 احسان الله خان: ۲ - ۴ - ۶ - ۱۵ تا ۳۲ - ۱۹۹ -
 ۴۹۰
 احسانی، اصغر: ۵۰۷
 احیاء (دکتر): ۱۰۵
 ادوارد سابلیه: ۹۸
 ارانی، تقی (دکتر): ۳۶ - ۳۸ - ۴۳ تا ۴۹ - ۶۶ -
 ۷۴ - ۷۶ - ۷۷ - ۱۰۱ - ۱۱۶ - ۱۲۲ - ۱۳۱ -
 -۱۹۸ - ۱۹۲ - ۱۸۴ - ۱۷۵ - ۱۶۲ - ۱۴۱ -
 -۳۱۵ - ۲۸۵ - ۲۶۵ - ۲۶۳ - ۲۰۲ - ۲۰۱
 -۳۶۲ - ۴۱۱ - ۴۱۷ تا ۴۱۹ - ۴۲۸ - ۴۳۰ -
 ۴۴۷ - ۴۸۷ - ۴۹۰
 اریاب زاده: ۱۱
 اریابی، غلامرضا: ۴۷۴
 ارتشبار، جواد: ۵۰۷
 اردبیلی، عوض اوف: ۲۶
 اردلان، فرج الله: ۲۳۹
 اردلان، علیقلی (دکتر): ۱۳۴
 اردویادی: ۲۴ - ۲۹۷
 ارژنیکدرزه: ۲۶
 ارفع، حسن (سرلشکر): ۹۴
 ارکانی: ۹۴ - ۱۳۰
 ارونقی (قاتل سرتیپ شهاب): ۳۱۳
 اسدی، ابوالقاسم: ۴۹
 اسدی، امین: ۱۳۵
 اسدآبادی، سیدجمال الدین: ۴۳۴
 اسدوف: ۵۰

- اسکندری، محترم: ۲۳۴
- اسکندری، محمد ظاهر میرزا (جداسکندریها) ۵۷
- اسکندری، یحیی میرزا: ۱۶۱-۱۷۹
- اسکونی، مصطفی: ۱۰۲-۲۵۳
- اسلامی: ۳۱۰
- اسمعیل بیگی (دکتر): ۸۰-۲۹۸-۲۹۹
- اسمیرنوف: ۱۸۰
- اصغرزاده (دکتر): ۹۶
- اصفہانی، پرویز (مدیر نیروز): ۲۶۴
- اصفہانی، ژاله: ۳۰۰
- اعلامی، شہناز: ۱۳۷-۱۴۰
- افتخاری، یوسف: ۳۹-۴۸-۴۹-۲۱۰
- افخمی، اردکانی (سروان): ۲۹۱-۳۲۸
- افراسیابی، بہرام: ۹۵-۳۰۷
- افراشتہ، محمد علی: ۲۸۲-۲۸۳
- افروختہ (ستوان): ۳۲۹
- افردہ نی، ابوالقاسم (سرہنگ): ۴۷۱-۴۷۴-۴۷۵
- افشار، ایرج: ۴۴۲
- افشار، رضا: ۶
- افشار (سرہنگ): ۳۲۷
- افشار اوغلی، لطف اللہ (سرہنگ): ۳۵۳
- افضلی، ناخدا: ۳۹۰-۴۱۲-۴۲۶-۴۳۱
- ۴۶۱ تا ۴۷۳-۴۸۲-۴۸۳
- اقبال، عباس: ۲۶۶
- اقبال، منوچہر (دکتر): ۸۳-۸۸-۹۸-۱۳۴
- ۱۶۱-۱۶۲-۲۱۰
- اکبرنیا: ۲۴۶
- الکساندر (برادر لنین): ۵۲۹
- الکساندرا (ہمسرتزار): ۵۳۸ تا ۵۴۰
- الکسی (پسرتزار): ۵۳۸-۵۴۰
- الموتی، ضیا: ۶۶
- الموتی، مصطفی: د
- الموتی، نورالدین: ۵۵-۵۸-۶۳-۷۳-۹۳
- ۱۵۶-۱۶۳-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۲
- الہامی: ۱۳۵
- امامی، باقر: ۵۱
- امامی، سید احمد (دکتر): ۴۶
- امام لنگرودی (دکتر): ۸۰
- امجدی، مصطفی (سپہبد): ۲۹۳-۲۹۹-۳۵۱
- امید، علی: ۴۸-۱۰۵
- امیر احمدی، احمد آقاخان (سپہبد): ۱۶۵-۱۶۷-۴۹۷
- امیر ابراہیمی: ۱۷۰
- امیر انتظام (مهندس): ۳۶۶
- امیر خسروی، بابک: ۱۱۹-۱۲۹-۱۳۰-۲۴۲
- ۲۴۳-۲۴۵-۴۱۰-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۵
- امیر خیزی، احمد علی: ۵۴-۸۹-۱۲۸-۱۳۶
- ۱۶۷-۱۷۰-۱۸۱-۱۸۲-۴۲۰-۴۹۲
- امیرزادہ، احمد: ۲۴
- امیر شاہی، شہر آشوب: ۲۳۹
- امیر فضلہ، نصر اللہ (سر لشکر): ۶۰
- امیر مزید سواد کوهی: ۱۰۴-۱۳۲
- امینی، علی (دکتر): ۱۴۱-۱۵۶-۲۴۴
- انتظام، نصر اللہ: ۸۵-۴۴۶-۴۴۷
- انتظامی (سرہنگ): ۲۵۲-۲۵۳-۳۱۶
- انجوی شیرازی: ۲۶۹
- انصار، شیخ محمد: ۲۲۰
- انصاری، اکبر: ۸۰-۱۰۶
- انصاری، صادق: ۲۱۵
- انصاری، محمد: ۴۷۶
- انگلن: ح-۵۷-۵۱۸-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۹
- ۵۳۶-۵۴۱
- اوتیس پایک: ۵۱۲
- اوریک رولو: ۱۶۲
- اولگا (دختر تزار): ۵۳۸

- اونیگراف: ۳۶۴
 ایران بان، باقر: ۵۱
 ایران نژاد: خیرالله (سرهنک، دکتر): ۴۷۱-
 ۴۷۵
 ایرانی (دکتر): ۱۳۵
 ایرن (هنرمند توده ای): ۲۵۲-۲۵۳-۲۵۶-
 ۲۷۹
 ایزدی، فاطمه (دکتر): ۲۳۳-۳۹۸
 ایروانی شیرازی، رضا: ۵۰۲
 ایلخانی پور (سرهنک): ۳۲۶
 ایوانف: ۴۲۱
- ب**
 بابازاده: ۱۲۸-۱۸۲-۲۱۵-۴۲۰-
 بابکان، اردشیر: ۲۶۷
 باراژنوف، بوریس: ۵۳۳
 بارزانی، ادریس: ۴۹۹-۵۰۲
 بارزانی، لقمان: ۴۹۹
 بارزانی، ملامصطفی: ۱۰۹-۱۲۶-۴۴۸-
 ۴۹۶ تا ۵۱۴
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۱۵۳-۴۲۳-۴۷۲-
 باقراوف: ۹۱-۱۲۱-۱۴۳-۱۶۳-۱۶۹-
 ۲۰۲-۲۰۳-۲۲۵-۳۰۲ تا ۳۰۵-۴۴۷-
 ۵۱۸-۵۴۵
 باقرخان (سالار ملی): ۶۶-۴۵۵
 باقرزاده، ابوتراب (ستوان): ۱۰۴-۱۰۵-۳۱۵-
 ۳۲۶-۴۰۱-۴۱۴-۴۲۵
 بامداد، مهدی: ۱۹-۵۷
 بانس سعید (مهندس): ۲۹۶
 باوند، قبا: ۱۳۳
 باوندلهاک: ۱۳۲-۱۳۳
 باهری، محمد: دکتر: ۲۵۸-۲۷۷
 بجنوردی: ۲۴۱
- بختیار، ابوالقاسم: ۲۲۱
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۰۶-۱۲۷-۱۲۸-
 ۱۳۹-۱۶۶-۱۶۷-۱۸۸-۲۳۹-۲۴۱-
 ۲۴۲-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۴-۳۱۶-۳۱۷-
 ۳۳۶-۳۴۲-۳۴۴-۳۵۱
 بختیار، شاپور (دکتر): ۳۹۴-۴۲۱
 بدیع تبریزی: ۳۰۱
 بدیعی (مهندس): ۲۹۶
 براونشیتن: ۵۳۱
 برژنوف: ۱۸۱-۵۱۸
 برژنیسکی: ۳۸۳-۴۲۳
 برقمی: ۱۲۷
 برقمی، سید محمد (آخوند سرخ): ۱۲۷-۲۵۰-
 بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۲۵۱
 برومند، ادیب: ۸۸
 بریا: ۲۰۲ تا ۲۰۴-۴۴۷-۴۵۵
 برناردشاو: ۴۴
 بشیری، سیاوش: ۸۰
 بشیر، نعمت: ۲۴
 بصیری، تراب (دکتر): ۲۶۱
 بقائی، بروز (دکتر): ۴۱۴
 بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۷۳-۷۹-۲۶۹-
 بقراطی، محمود: ۷۱-۸۹-۹۵-۱۲۶-۱۲۹-
 ۱۳۶-۱۴۱-۱۷۵-۱۸۲-۲۱۴-۲۲۲-
 ۲۲۳-۲۲۴-۴۰۲-۴۰۳-۴۲۰
 بلوریان، غنی: ۴۲۴
 بنی صدر، ابوالحسن: ۲۳۹-۲۴۱-۳۶۶ تا
 ۳۶۸-۴۶۷-۴۷۶
 بنی صدر صادق: ۲۳۹
 بوتگین (دکتر): ۵۴۰
 بوخارین: ۵۳۳
 بوذری، محمد علی: ۲۱۲-۳۲۳
 بوریس یلسین: ۵۴۲

پ

پادگان، صادق: ۱۳۵-۲۰۵-۲۲۵-۳۰۰-۳۰۳
 پارسا نژاد: ۲۴۱
 پارسا تویسرگانی: ۴۱۷
 پازوکی: ۱۳۸
 پاشانی (سرهنگ-دکتر): ۳۵۱
 پاکروان، ابوالحسن (افسر): ۳۵۳-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-
 پاناماریف: ۱۳۹
 پرتوی، محمد مهدی: ۳۸۵-۴۰۵-۴۲۲-
 ۴۲۵-۴۲۶-۴۶۳-۴۶۸ تا ۴۸۳
 پرویزی، رسول: ۴۹
 پزشکیان (سروان): ۲۱۵-۳۲۶-۳۵۸
 پژمان، عیسی (سرهنگ): ۳۵۰-۴۹۶
 پطرکبیر: ۲
 پناهی، افسر فرقه دموکرات: ۱۰۸
 پناهی، بازجو: ۱۰۴
 پناهی، اصغر (مهندس): ۲۲۷
 پناهیان (سرهنگ): ۱۴۳-۳۶۰-۵۰۳-
 پوررحمتی، حسین: ۴۸
 پوررسول: ۴۹
 پورکاشانی، منصور (مهندس): ۲۴۵
 پول ریسون: ۲۴۵
 پوروالی، اسماعیل: ۶۸
 پورهرمرزان، محمد: ۳۸۵-۳۹۹-۳۸۵
 پوریا، ارسلان: ۱۲۸-۲۰۶-۲۰۷-
 پولاددژ (ستوان): ۸۰-۱۰۳-۲۹۱-۳۰۸-
 ۳۱۱-۳۱۲-۳۴۴-۳۴۵-۳۵۱
 پهلید، مهرداد: ۲۸۰-۲۸۱
 پهلوان، محمدزمان: ۲۴۸-۳۲۶-۴۸۸
 پهلوی، اشرف، شاهدخت: ۱۴۰
 پهلوی، ثریا-ملکه: ۹۷

بولگاتین: ۵۱۷

بومدین: ۵۱۱
 بوین: ۲۲۹
 به آذین، محمود، اعتمادزاده: ۴۲۲-۴۴۹ تا
 ۴۵۲-۴۵۸-۴۵۹
 بهار، پرویز: ۸۰
 بهار، مهرداد: ۲۴۰
 بهبهانی، سید عبدالله (آیت الله): ۱۲-۲۰-
 ۳۷۷
 بهرام، سیروس: (آخوندوف): ۲۶-۱۳۵
 بهرامی (سرگرد): ۳۴۶
 بهرامی، محمد (دکتر): ۳۶-۴۹-۵۴-۶۲-
 ۷۱-۸۹-۹۴-۱۰۵-۱۲۶-۱۵۶-۱۵۷-
 ۱۷۵-۱۸۴-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۲ تا ۱۹۴-
 ۲۰۴-۲۱۰-۲۱۵-۲۹۰-۲۹۷-۳۰۸-
 ۴۱۹
 بهرامی نژاد، ابوالفضل: ۴۸۲
 بهرامی نژاد، محمد: ۴۷۷ تا ۴۸۲
 بهزادی، علی (دکتر): ۳۳۸
 بهزادی، منوچهر: ۱۲۶-۱۳۷-۱۴۰-۱۶۹-
 ۱۷۰-۲۴۳-۳۸۴-۴۰۶-۴۱۴-۴۲۳-
 ۴۲۵-۴۲۶-۴۸۵
 بهشتی، محمدحسین (آیت الله): ۲۴۱-۳۷۸
 بهلول (سربازوظیفه): ۳۵۸
 بهنود، مسعود: ۱۲۸-۱۷۹-۴۱۹
 بیات، زهرا: ۱۷۸
 بیات، سهام سلطان: ۵۹
 بیجاری: ۱۰۶-۱۰۷
 بیریا، محمد: ۶۸-۳۶۰
 بیگدلی (سروان): ۱۰۸-۱۰۹
 بیگدلی، حسین (سروان): ۴۷۲
 بیگدلی، محسن: ۴۷۴
 بیگدلی، محمد: ۴۱۴

تیمورتاش، عبدالحسین: ۳۳-۲۴۶
تیواتی، محمد: ۵۰۷

۲۹-۲۹۱-۲۹۵-۳۲۷-۳۶۰-۳۸۵-
۴۰۲-۴۱۴-۴۲۰-۴۲۵-۴۸۴
جهاد، فرزاد: ۴۸۲

ث

ثابتی (عضو حزب توده): ۳۰۸
ثابتی، پرویز: ۹۹-۲۸۱
ثابتیان، منوچهر (دکتر): ۲۴۰-۲۴۲-۲۴۵
ثقفی، فتحعلیخان (سرهنگ): ۷
ثنائی، علی (ستوان): ۳۵۹

جهانبانی امان الله (سپهبد): ۵۰۷

جهانبانی (ستوان یکم): ۵۰۷

جهانبانی، محمدحسین میرزا (سرتیپ): ۹

جهاننیده، محسن: ۲۱۴

جهانسوز، محسن: ۴۴۶

جهانشاهلو، نصرت الله (دکتر): ۵۸-۱۰۸

۱۲۲-۱۷۲-۳۰۰-۳۰۳-۳۳۷-۴۳۷

جهانگیری، شاهرخ: ۳۸۵-۴۶۸-۴۷۲ تا ۴۷۴

۴۸۲-۴۸۳

جیمزبیل: ۲۵۰

ج

جاسوند، سیف الله: ۴۱۴
جاوید، سلام الله (دکتر): ۸-۳۶-۳۸-۵۰
جاوید (سرهنگ): ۳۵۰
جبار: ۲۵

چ

چانوشسکو: د-۵۲۳-۵۲۴

چچیرین: ۲۶-۵۳۲

چرنیکوف، کنستانتین: ۵۱۸

چشم آذر، میرقاسم: ۱۳۵-۳۰۳-۳۰۴

چلیپا، اکبر (سرهنگ): ۱۰۶-۱۰۷

چمران، مصطفی (دکتر): ۲۴۱

چویک، صادق: ۲۵۷-۲۶۰-۲۶۲

چوبینه، بهرام: ۱۶۸

چهرازی، ابراهیم (دکتر): ۴۶

چه گوارا: ۲۴۴

چرالدفورد: ۵۱۲

چزایی، محمد: ۱۴۹

چزنی، رحمت: ۱۰۵

جعفری، جواد (آذرمهر): ۲۱۶

جعفری، محمدعلی: ۲۵۲ تا ۲۵۵

جعفریان، محمود: ۱۰۵-۲۴۸-۳۳۶-۳۳۸

جلالی، بانو: ۱۳۷

جلالی، حسین: ۲۰۶-۲۰۷-۳۳۷

جماران، یوسف: ۱۲۹

جمال زاده، محمدعلی: ۲۶۹-۲۷۰

جمشیدی، ناظم (سرهنگ): ۳۲۶

جناب، رضا (سروان): ۱۰۴

جوانشیر، جواد: ۴۱۲-۴۸۵

جوهری، محمدعلی: ۶۷-۷۱-۷۲

جورج حبش: ۲۴۹-۳۶۴

جودت، حسین (دکتر): ۶۲-۸۹-۹۴-۱۰۳

۱۱۵-۱۲۲-۱۲۶-۱۳۵-۱۳۶-۱۴۰

۱۴۲-۱۸۸-۲۰۴-۲۱۴-۲۱۵-۲۴۳

حاتمی، هدایت الله: ۳۰۰-۳۰۳-۳۰۴-۳۵۵

۴۱۴

حاجبی، پری: ۲۳۹

حاجبی، ویدا: ۲۳۹

- حافظی، بهرام: ۴۷۲
 حاج وردی اوغلی، حسین: ۲۵
 حالتی، رفیع: ۲۵۴
 حجری، عباس: ۳۸۵-۴۲۲-۴۲۵-۴۲۶
 حدادزاده، رحمت: ۲۵
 حسامی: ۴۲۴
 حسن البکر: ۱۲۷
 حسنین، هیکل: ۳۶۴
 حسینی، کاظم (مهندس): ۲۴۰
 حسین زاده، فاطمه: ۳۹۹
 حسینی، شیخ عزالدین: ۳۷۳
 حضرت علی: ۲۷۸
 حقپرست (افسر فرقه دموکرات): ۳۶۰
 حقیقت، سید محمد: ۳۹
 حقیقی، حسین انور: ۴۸۹
 حکمت، رضا: سردار فاخر: ۲۵
 حکمت، علی اصغر: ۲۶۶
 حکمت جو، پرویز: ۱۱۷-۱۳۷-۱۳۸
 حکیمی، صمد: ۱۸۱-۱۸۲-۴۲۰
 حکیمی، (سرهنک): ۷۳-۸۹-۱۰۲-۱۳۸
 حمزه ای، روح الله: ۲۴۰
 حیدری: ۳۱۳-۳۳۷
 حیدری، ظفر (سرگرد): ۴۷۲-۴۷۴
- خ
 خاشع، حسن: ۷۲-۲۵۲-۲۵۷
 خاشع، کامران: ۲۵۷-۲۵۸
 خاضعی، غلامرضا: ۴۸۲
 خاکساری: ۳۶۰
 خالوقربان: ۲-۲۱-۲۵ تا ۲۷-۳۱ تا ۳۳
 خامه ای انور: ۴۸-۵۴-۵۷-۵۸-۶۷-
 ۷۱-۷۲-۷۶ تا ۷۸-۱۲۳-۱۵۵ تا ۱۵۷-
 ۱۶۷-۱۶۸-۱۷۱-۲۲۱-۲۲۲-۴۱۸
- خامنه ای، سید علی: ۲۴۱-۲۵۱-۳۶۴-
 ۳۶۵-۴۴۹-۴۸۹
 خانلری، پرویز (دکتر): ۲۵۴-۲۵۷ تا ۲۶۴-
 ۲۸۴
 خانلری، مولود: ۳۳۹
 خاوتیونف: ۵۴۰
 خاوری، علی: ۱۰۹-۱۳۸-۳۸۳-۳۹۳-
 ۴۱۲-۴۲۲-۴۲۵-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۸-
 ۴۹۰ تا ۴۹۳
 خروشچف، نیکتا: ۸-۸۳-۱۳۲-۲۶۴-۳۰۱-
 ۳۰۴-۳۰۵-۴۲۰-۴۲۸-۴۴۲-۵۱۷-
 ۵۱۸-۵۲۶-۵۴۴
 خسروانی (سرلشگر): ۸۹
 خسروانی، عطاء الله: ۱۸۹
 خطیب (دکتر): ۴۶۱
 خلخالی، شیخ صادق: ۲۴۹
 خلعت بری، جمشید: ۱۶
 خلعت بری، رحمانقلی: ۵۹-۹۴
 خلیلی، ابراهیم (سرگرد): ۳۲۵
 خمینی، سید روح الله (آیت الله): ۱۲۷-۱۲۸-
 ۱۴۵-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۳-۱۵۴-۱۶۲-
 ۱۶۸-۱۷۱ تا ۱۷۳-۲۲۶-۲۳۹-۲۴۱-
 ۲۴۲-۲۴۷-۳۶۳-۳۶۵-۳۶۸ تا ۳۷۰-
 ۳۷۲-۳۷۳-۳۸۰ تا ۳۸۲-۳۸۶-۳۹۱-
 ۴۱۰-۴۱۲-۴۱۳-۴۲۷-۴۴۰-۴۵۰ تا
 ۴۵۹-۴۶۶-۴۸۶
 خنجی، محمد علی: ۷۲
 خوش اتکال (مهندس): ۲۱۵
 خونساری، پرویز: ۲۳۹
 خیابانی، شیخ محمد: ۵۰-۶۶
 خیام: ج
 خیرخواه، حسین: ۷۲-۲۵۲ تا ۲۵۷-
 خیرخواه (سرهنک): ۱۳۸-۳۵۰

- دادخواه: ۲۹۲
 داریوش (هخامنشی): ۳۰۴
 داغدار، فرزاد: ۴۱۴
 دانش، بهرام (سروان): ۱۲۵-۳۰۱-۳۰۲-۳۵۹-۳۵۷-۳۵۰
 دانش شریعت، احمد (دکتر): ۴۱۴
 دانشور: ۳۱۳
 دانشیان، غلام یحیی: ج- ۱۰۷-۱۰۸-۱۱۸
 ۱۲۱-۱۲۶-۱۲۷-۱۳۵-۱۳۶-۱۴۰
 ۱۴۲-۱۶۸ تا ۱۷۱-۱۸۲-۱۹۳-۱۹۷
 ۲۲۵-۳۰۰-۳۰۳-۳۰۴-۴۲۰-۴۴۸
 دانیل، شر: ۵۱۲
 دردویانی، ناهید: ۲۳۳-۳۹۹
 دشتی، علی: ۱۲
 دفترروائی، ناصر: ۳۱
 دفتری، محمد (سرلشکر): ۱۲۴
 دوپچک: ۵۲۳
 دولت آبادی، یحیی: ۲۲
 دهباشی، علی: ۱۵۵
 دهخدا، علی اکبر: ۲۴-۱۴۹
 دهقان، احمد: پ - ۷۴-۹۱-۹۴-۹۵-۱۲۴
 ۲۵۲-۲۵۳-۳۱۷-۳۷۱
 دهقان، سیدمحمد: ۳۹
 دیلمی: ۱۳۵
- ذ
 ذره، ابوالقاسم (برادر دکتر سجادی): ۸-۲۱-۹
 ۳-۵۰-۴۹
 ذوالقدر، اسماعیل (سروان): ۳۵۱-۳۵۲
 ۴۱۴-۴۲۵
 ذوقی، ایرج (دکتر): ۶۸
- ر
 رادمنش، رضا (دکتر): ۴۰-۴۹-۵۴-۵۵
 ۵۹-۶۰-۶۲-۶۳-۷۱-۸۹-۱۲۰-۱۲۴
 ۱۲۶ تا ۱۴۶-۱۵۵-۱۶۰-۱۶۷-۱۷۱ تا
 ۱۸۲-۱۸۷-۱۹۵ تا ۱۹۹-۲۰۴-۲۱۰-
 ۲۴۲-۳۲۶-۳۸۹-۴۱۹-۴۲۰-۴۳۰
 ۴۴۶ تا ۴۴۸
 رازی، عزت الله: ۴۱۴
 راسکلینکف: ۳
 رامین: ۳۶۰
 راتین، اسماعیل: ۴۰-۲۵۱
 رجائی، محمدعلی: ۱۰۷-۳۶۶
 رجوی، مسعود: ۲۴۱-۳۶۵-۳۹۵
 رحمتیان، یوسف: ۳۴۲
 رحیمی، مهدی (سپهبد): ۲۴۷
 رحیمیان، غلامحسین: ۱۴۸ تا ۱۵۰
 رحیمیان (مهندس): ۱۴۹
 رزم آرا حاجیعلی (سپهبد): ۶۲-۸۴-۸۷-۹۰
 ۹۴-۹۵-۹۷-۱۴۷-۲۲۱-۲۲۸-۲۶۹
 ۳۱۳-۳۱۴-۳۲۳-۳۵۵-۴۹۷-۵۰۵
 ۵۰۶
 رزم آور، مراد (سروان): ۱۲۶-۱۳۹
 رزم دیده، آصف: ۳۸۵
 رزمی (سرگرد): ۱۳۸-۱۶۷
 رستگار: ۳۱۴
 رسول زاده، محمد امین: ۵۰ تا ۵۲
 رسولی، حسن: ۲۴۳
 رشتی، میرزا کریم خان: ۲۴
 رشید المالك: ۳۲
 رشیدی، مطلق: ۲۴۹
 رشیدیاسمی (دکتر): ۲۶۶
 رصدی، احمدعلی (سروان): ۱۰۸-۱۰۹-
 ۱۱۸-۱۳۶-۳۸۵-۴۰۷-۴۸۵

- ۳۵۸-۳۵۵-۳۵۰: (سروان) رصدی اعتماد
 رضا (پروفسور): ۲۶۳
 رضا، عنایت الله: ۱۰۹-۱۱۸-۲۶۲-۲۶۳
 ۳۰۳-۳۰۴-۵۲۶
 رضائی، محسن: ۳۸۲
 رضوی، بانومنیر: ۱۴۳
 رضوی (دکتر): ۲۱۵
 رضوی، ضیاء: ۲۳۹
 رضوی، مهندس: ۲۴۶
 رضوانی، محسن: ۲۴۰-۲۴۳
 رضوانی، هوشنگ: ۲۹۸-۳۰۷-۳۱۲ تا
 رعنا: ۱۸۵
 رفیع، محمود: ۲۴۱
 رفیعی، موسی (سرباز): ۳۵۸
 رفیق دوست، محسن: ۴۱۲
 رقبی، حیدر: ۳۲۲
 رنجبر، اسدالله اف: ۱۳۵
 روآسانی، شاپور (دکتر): ۲۲-۳۳
 روتشتین: ۹-۱۵-۲۲
 روحانی، فزاد (دکتر): ۱۶-۲۶-۲۶۲
 روزبه، احمد: ۲۹۲-۳۴۳-۳۴۸
 روزبه، خسرو: ۸۰-۹۴-۹۵-۱۰۳-۱۰۶-۱۱۶ تا
 ۱۱۹-۱۲۲-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۰-۱۴۲-۱۴۶-۱۴۷
 ۱۸۱-۱۸۳-۱۹۴-۲۱۰-۲۹۰ تا
 ۲۹۷-۲۹۸-۳۰۶ تا ۳۲۸
 ۳۴۱ تا ۳۵۵-۳۸۸-۴۶۸
 روزولت (رئیس جمهور آمریکا): ۵۷
 روستا، رضا: پ- ج- ۳۶-۳۸-۴۹-۵۴-۵۷
 ۵۷-۶۳-۸۹-۹۵-۱۰۱-۱۰۹-۱۱۶-۱۱۷
 ۱۲۰ تا ۱۶۹-۱۷۲-۱۷۵-۱۸۲-۲۰۹
 ۲۲۸ تا ۳۱۵-۴۰۳-۴۱۹-۴۲۰-۴۴۷-
 ۴۴۷-
 روستا، هما: ۲۱۰
- ز**
 زاخاریان: ۹۲-۱۰۴-۱۲۱-۳۷۱
 زازار: ۴۰
 زاوش (مهندس): ۷۱-۷۲
 زاهدی، اردشیر: ۲۳۹
 زاهدی، فضل الله، بصیردیوان (سپهبد): ۲۸۸-
 ۲۹۴-۳۱۸-۳۲۹-۳۷۲
 زوربخت، مرتضی: ۵۰۷
 زوربخش، مجید: ۲۴۱
 زورشناس، کیومرث: ۴۰۵
 زرنندی، صمد: ۱۰۳-۳۰۸
 زربنده باف: ۳۰۴
 زمانی (ستوان): ۳۰۸-۳۱۲
 زمانی، سهراب: ۱۳۶
 زمانی، شعبان: ۴۳
 زمانی، عباس: ۳۶۴
 زمانی، علی اصغر: ۱۰۴
 زنجانی: ۳۱۲
 زنجانی، اسماعیل (مهندس): ۷۱-۷۲
 زنجانی، شمس: ۱۶۷
 زندپور، ایرج: ۲۱۵
 زندی (ویولونیست): ۱۳۸
 زیبایی (سرهنگ): ۱۰۳-۱۰۴-۲۹۱-۳۱۱-
 ۳۱۲-۳۴۴-۳۴۵-
 زینوف: ۸-۱۵-۵۳۱ تا ۵۳۴

۴۹۰-۱۶۳-۵۰-۳۹

سلطانی، جعفر (سرگرد): ۳۵۰-۳۶۰

سلطانی، هوشنگ (مهندس): ۲۹۶

سلیمی، حسین: ۳۰۵

سمیعی، احمد: ۱۹۴-۲۰۴-۲۰۷

سمیعی، حسین: ۶۰

سنجابی، کریم (دکتر): ۱۴۰-۳۶۸

سنگلجی، شریعت: ۴۳۲

سوسلف: ۱۱۷-۱۳۸-۴۴۶

سهانی: ۳۰۹

سهیلی، علی: ۹۴

سیاحتگر: ۱۰۴-۳۱۲

سیاسی، ژیل: ۲۴۰

سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۱۹۸-۳۳۱

سیامک (سرهنگ): ۱۰۲-۱۰۵-۱۲۵-۱۴۳

-۲۰۱-۲۸۸-۲۹۰-۲۹۲-۲۹۳-۳۰۶

-۳۳۰-۳۲۹-۳۲۶-۳۲۵-۳۱۳-۳۰۷

۳۵۰-۳۴۴-۳۴۳

سیدحسن: ۴۱۴

سیدرحیم: ۴۱۴

سیدروغنی: ۴۱۴

سیف قاضی: ۵۰۸

سیفی: ۱۲۶-۵۰

سیگاری، شیخ احمد: ۳۱

ش

شارقی: ۱۵

شاطرعباس (پدرسرگرد بهرامی): ۲۴۶

شاملو، احمد: ۳۲۰-۳۲۱

شاندرومنی، اکبر: ۸۰-۹۵-۲۲۳-۴۸۷ تا

۴۹۲-۴۹۰

شاهرخی، کاظم: ۳۸

س

سادچیکف: ۱۵۹-۲۲۸

ساعده، محمد: ۲۰-۶۲-۷۴-۸۸-۱۶۴

ساقی (استوار): ۱۰۴-۳۴۵-۳۴۷

سالانیا، وارطان: ۹۲-۱۰۴

سالار شجاع: ۳۳

سالاری: ۱۰۴

سالک، محمد: ۷۱

سامی، کاظم (دکتر): ۲۳۹

سپهر، ذبیح (دکتر): ۲۰-۳۸

سپهر، مورخ الدوله: ۲۲۸

ستارخان، سردار ملی: ۱۲-۶۶-۴۵۵

ستارزاده: ۳۹

سجادی، رضا: ۲۳۱

سجادی، محمد (دکتر): ۸-۳۹

سختانی (افسر توده ای): ۱۱۸-۱۲۴-۴۱۰-۴۲۰

سدان: ۱۸۷

سرخوش، عطیه: ۱۱۳

سرخوش، یحیی: ۲۶-۳۱-۱۱۳

سررشته دار، حسین: ۳۱۲

سرکیسیان، آوادیس: ۸۰

سروش، عبدالکریم: ۴۴۳

سروشیان (سرگرد): ۳۲۹

سرویلیام، استرانگ: ۲۲۹

سزارین الکساندر: ۵۳۹

سعدی زاده، جمشید: ۸۰

سغانی (افسر فراری): ۱۰۶-۱۳۰-۱۳۷-

۳۶۰

سلطان زاده، آراکل میکائیلیان: ۸-۱۱-۱۴-

۱۵-۱۷-۲۰-۲۱-۲۴-۲۵-۲۷-۳۳-

- شاهین، تقی: ۱۳۵-۳۵۹
شهابوز: ۲۵۲-۲۵۳
شیرنگ، علی: ۳۶
شرقی، علی: ۳۹-۵۰
شرمینی، نادر (مهندس): ۵۵-۸۹-۱۰۴-
۱۸۸-۱۸۹-۲۰۴ تا ۲۰۸-۲۱۵
شروان، امیر: ۲۵۸
شریعت، (سرهنگ): ۳۱۴
شریعتی، علی: ۲۳۹-۳۶۸
شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۱۴۰-
۲۵۰-۳۶۶
شریف، محمد: (سروان): ۳۱۳-۳۱۴
شریف امامی، جعفر (مهندس): ۱۴۲
شریفی، رحیم (ستوان): ۳۵۸
شریفی (سرهنگ): ۳۴۷
شفا بخش (سرگرد): ۳۲۷
شفا، نوالله (سروان): ۸۰-۳۴۶-۳۴۷
شفائی، احمد، (پروفسور): ۳۰۰-۳۵۰-۳۵۹
شفیعی، اسماعیل: ۴۹
شلتوکی، رضا: ۱۰۴-۱۰۵-۳۸۵-۴۲۵-
۴۲۶
شمس آبادی، رضا: ۲۴۵
شمسی، رحیم (سروان): ۴۷۱-۴۷۲
شمسی (سرگرد): ۴۱۴
شمشیری، حاج حسن: ۲۴۳
شمعونی: ۱۲۹
شورشیان، محمد: ۷۶-۷۷-۲۲۴
شوشتری: ۹۲
شهاب (سرتیپ): ۳۱۳
شهاب فردوس، سید ولی: ۵۹-۷۳-۱۵۵
شهبازی (ستوان): ۳۵۸-۴۲۸
شهبازیان، آشوت: ۸۰-۱۰۶-۱۳۸-۱۳۹-
۲۹۸-۳۱۲ تا ۳۰۸
- شهریاری، عباس: ۱۱۷-۱۲۶-۱۲۷-۱۳۷ تا
۱۴۱-۱۶۶-۱۶۷-۳۸۹-۴۸۶
شهیدزاده: ۵۷
شهیدنورائی (دکتر): ۲۶۲-۲۶۸-۲۶۹
شهیدنورائی (ستوان): ۳۵۷
شیخ احمد: ۵۰۵-۵۰۶
شیروانلو، فیروز: ۲۴۱-۲۴۵
شیروانی، داریوش (دکتر): ۲۳۹
شیروانی (سرتیپ): ۳۷
شیلانی (دکتر): ۳۲۶
ص
صابر: ۴۱۴
صادق پور: ۲۲۲-۲۲۳
صادق زاده، رحیم (سرهنگ): ۴۷۱ تا ۴۷۳
صادق، صادق، مستشار الدوله: ۳۰۳
صارم الدوله، اکبر میرزا: ۵۹-۶۰-۲۲۱
صارمی، ناصر: ۱۳۷-۳۱۱-۳۱۶-۴۴۶
صالح، اللهیار: ۲۱۱ تا ۲۱۳
صالحی فریبرز: ۳۹۸-۴۱۴
صالحی، محسن: ۹۴-۱۲۶-۳۰۷-۳۰۹-
۳۱۰
صبحی، قلی: ۳۶۰
صدام حسین: ۱۲۷-۱۳۹-۱۶۶-۳۹۴-
۴۰۳-۴۲۸-۴۳۵-۴۵۸-۴۹۹-۵۱۳
صدر، محسن، صدرا لاشراف: ۷
صدرقاضی: ۱۴۸-۵۰۸
صدقی (سروان): ۲۹۲
صدیقی: ۱۳۵
صراف زاده (ستوان): ۳۵۷
صفاری، محمد علی (سرتیپ): ۳۱۷
صفری، حمید: ۱۳۶-۱۴۰-۱۷۰-۴۸۵-
۴۸۸-۴۹۰-۴۹۱

صفی پور، علی اکبر: ۳۱۴

صیاد نژاد: ۲۱۵

ض

ط

طالپوف، عبدالرحیم: ۲۲

طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۱۵۰-۳۶۷

۳۶۸-

طاهری، امیر: ۴۲۲

طاهری، هادی (دکتر): ۱۹۷

طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۹۴-۱۸۶-۱۸۶

-۲۱۷-۲۲۷-۲۳۶-۳۴۳-۳۴۴

طباطبائی، صادق: ۲۴۷

طباطبائی، (توده ای): ۱۳۶

طبری، احسان: ۴۴-۵۸-۶۱-۶۶-۶۷-۷۱

-۸۹-۹۳-۱۰۶-۱۱۵-۱۲۳-۱۲۴-

-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۵-۱۶۰-۱۶۸-۱۷۳

-۱۸۰-۱۸۳-۱۸۸-۱۹۳-۱۹۵-۲۰۰-

تا ۲۰۱-۲۰۹-۳۷۵-۳۷۷-۳۸۴-۴۱۷

۴۸۶

طبری، حسین: ۴۳۰

طبری، شیخ علی اکبر: ۴۲۸-۴۳۰

طبری، کیوان: ۴۳۷

طفراتی، داریوش (سرگرد): ۱۰۸-۳۰۱

طهماسبی، آرشاک: ۲۰۶-۲۰۷

ظ

ضرابی، افسر توده ای: ۳۳۱

ظهیری، افسر اعدام شده: ۳۶۰

ضیائی، رضا (مهندس): ۲۹۶

ع

عابدی، رحیم (دکتر): ۱۷۱-۱۷۲-۱۷۹-۱۵۷

عابدی، زین العابدین: ۲۱۵

عادلی نیا: ۱۳۹

عارف، قزوینی، شاعر ملی: ۱

عاصمی، فرهاد (دکتر): ۴۲۵

عاصمی: ۵۰

عاصمی، محمد (دکتر): ۲۷۹-۲۸۰-۲۸۶

عالم زاده (مهندس): ۲۱۵

عاملی، باقر (توده ای): ۳۵۵

عاملی، میترا (دکتر): ۲۳۳-۳۹۷-۳۹۸

عباس آقا، قاتل اتابک: ۱۱

عباسی، ابراهیم: ۳۴۲

عباسی، جعفر: ۳۴۲

عباسی، خلیل: ۲۹۲-۳۴۲

عباسی، عبدالحسین (سروان): ۹۵-۱۰۲-

تا ۱۰۳-۱۱۹-۲۹۲ تا ۲۹۰-۳۰۸-۳۱۰

تا ۳۱۲-۳۱۵-۳۱۷-۳۱۸-۳۳۱-۴۴۱

۴۴۴-۳۴۷-۳۵۱-۴۰۲

عبدالسلام، عارف: ۱۹۶-۵۰۱

عبدالکریم، قاسم: ۱۱۶-۱۲۶-۱۳۷-۴۹۸-

۴۹۹-۵۰۸-۵۱۰

عبدالناصر: ۳۷۶-۴۹۹

عبده، جلال (دکتر): ۱۹۶

عدل الملک، کامران میرزا: ۲۰۰

عراقی، میرزا باقر خان: ۲۲۰

عزیزی، بانو: ۱۳۷

عزیزی (دکتر): ۲۳۹

عسکراولادی، حبیب الله: ۲۴۱

عسگر نیا: ۱۴۳

عسگری: ۱۰۶-۳۱۲

عسگری، مهدی: ۲۳۹-۳۰۸

عضد، ابونصر (مهندس): ۴۳-۲۳۶

عضدی: ۱۳۳

عطارد (سرگرد): ۳۱۶-۳۲۷-۳۲۹

عطاریان، هوشنگ (سرهنگ): ۴۶۶-۴۶۷-

۴۸۲

عظیم زاده، عظیم (مهندس): ۱-۲۹۶

عظیمی، ابوالقاسم (ژنرال): ۳۶۰-

عظیمی، محبوب: ۲۱۵

علاء، حسین: ۲۵۲

علاء الدوله: ۱۲

علم، اسدالله: ۲۴۰-۲۵۸-۲۵۹-۲۸۴

علی مسیو: ۵۰

علوی، بزرگ: ۴۱-۵۴-۵۵-۱۳۷-۱۴۱-

۱۵۹-۱۸۴-۲۰۱-۲۱۰-۲۶۷ تا ۲۶۰-

۴۱۸-۲۸۵

علوی (سروان): ۲۹۱

علوی، علی (مهندس): ۸۹-۱۲۶-۱۸۸-

۱۹۴-۱۹۱

علوی کیا، حسن (سرلشکر): ۱۳۳-۲۸۰-

علوی، مرتضی: ۵۰-۱۸۴-۲۶۴

علی اوف، رستم: ج - ۲۱-۵۴-۹۱-۱۲۲-

۱۹۳-۲۰۲-۳۶۵-۴۱۹

علیخان اوف: ۲۴

علیزاده: ۱۳۶

عمواوغلی، حیدر (آقاوردیف): ۳ تا ۸-۱۱

۱۵۹-۱۹ تا ۲۱-۲۳-۲۴-۲۶-۲۷-۳۱-

تا ۳۳-۳۸-۳۹-۴۰-۴۵-۴۹

عمواوغلی، میرزا علی اکبر: ۱۹

عمونی، محمد علی: ۱۰۵-۳۱۵-۳۸۲-۳۸۴

۴۰۱-۴۲۵-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۹

عمید (سروان): ۱۰۴-۲۹۱-۳۴۵ تا ۳۴۲-

عنایت، حمید (دکتر): ۲۴۰-

۳۱۰

غفاری (سرهنگ): ۳۶۰-۵۰۴

غفاری، فرخ: ۱۰۵

غنی، قاسم (دکتر): ۲۳۰

غیاثوند (توده ای): ۲۱۵

ف

فاتح، مصطفی: ۱۴-۴۰-۵۴ تا ۵۷-۹۸-

۱۵۶-۴۱۸

فارسی، جلال الدین: ۳۶۵

فاضلی، حسین (ستوان): ۳۵۸-۳۵۹

فاطری: ۹۴-۱۲۵-۳۱۰-۳۱۱

فاطمی، حسین (دکتر): ۸۴ تا ۸۶-۳۶۹

فاطمی، شاهین: ۲۴۰

فاطمی، (توده ای): ۱۱۸

فتاحی، فتح الدین: ۸-۵۵

فتح الله اوف: ۲۵

فخرآرائی، ابوالقاسم: ۶-۳۱-۱۲۴-۱۳۰

فخرآرائی، ناصر: ۸۳-۸۷-۹۴-۲۱۰-۳۷۱

فداکار، تقی: ۵۵-۵۹-۷۳-۹۴-۱۵۵-

۲۱۴-۲۲۰-۲۲۱

فرجاد، فرهاد: ۴۸۹-۴۹۲

فرجاد، مهرداد: ۴۱۴

فرخ، مهدی: ۸

فرخ نگهدار: ۴۲۴

فرخی، یزدی: ۱۲-۲۲۸-۲۶۴-۴۱۹

فردوسی: ۱۵۴

فردوست، حسین (ارتشبد): ۱۲۴-۵۱۰-

فرزاد، مسعود: ۲۶۵ تا ۲۶۷-۲۶۹

فرزانه، حسین: ۱۸۰-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۱

فرسیو (سپهبد): ۹۸

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۱۷۳-۲۲۶ تا

غ

غفارزاده، میرزا اسدالله: ۱-۳-۲۰-۲۴

غفاری، داریوش: ۹۴-۱۲۶-۲۹۶-۳۰۷-

- فرمانفرماتیان، محمدولی میرزا: ۲۲۷-۲۲۸-۲۳۶
- فروتن (دکتر): ۷۱-۸۹-۱۱۵-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۰-۱۵۷-۱۷۵-۱۸۱-۱۸۲-۱۹۹-۲۳۱-۲۹۰-۲۹۷-۳۲۴-۴۱۰-۴۰۲-۴۱۹-۴۲۰
- فروغی، محمدعلی، ذکاء الملک: ۲۱۳
- فروغی، محمود: ۱۸۳
- فروغیان، حبیب الله: ۳۰۵-۴۸۵-۴۹۰-۴۹۲
- فرهی، بیتا: ۲۵۸
- فزهش، علی اکبر (سرباز): ۳۵۹
- فضل اللهی (سرهنگ): ۳۷۲
- فلسفی، نصرالله (دکتر): ۲۶۶-۳۳۷
- فولادی، فیروز: ۲۴۲
- فهسی (سروان): ۱۰۷-۱۱۸
- فیدل کاسترو: ۱۷۹
- فیروز، نصرت الدوله: ۱۲۴-۱۷۳-۲۲۶ تا ۲۳۶-۲۲۸
- فیروز، (سرلشکر): ۲۲۹-۲۳۶
- فیروز، صفیه: ۲۲۷
- فیروز، مریم (کیانوری): ۶۷-۹۵-۹۷-۹۹-۱۲۴-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۹-۱۳۰-۱۴۰-۱۴۳-۱۵۷-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۵-۱۸۳-۲۲۶ تا ۲۳۶-۳۲۴-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۹-۴۰۱-۴۱۲-۴۲۵
- فیروز، مظفر: ۳۶-۶۷-۹۴-۱۸۳-۲۱۲ تا ۲۲۶ تا ۲۳۶-۲۷۱-۴۰۱-۴۰۸
- فیروز محمد حسین: ۹۷-۲۲۷
- فیروز، مهین دولتشاه: ۲۷۱۳۶
- فیصل، فرزندنوری سعید: ۴۹۷
- فیلی، حاج فطن الدوله: ۲۳۱:

- ق ق
- قاجار، احمدشاه: ۲۲۹
- قاجار، عباس میرزا: ۵۷
- قاجار، فتحعلیشاه: ۵۷-۱۷۹
- قاجار، مظفرالدینشاه: ۱۹
- قاجار، محمدحسن میرزا: ۲۲۹
- قاجار، محمدعلیشاه: ۱۲-۲۲-۲۳-۳۰-۱۰۰-۱۶۱
- قاجار، ناصرالدین شاه: ۲۲
- قاسم اوف، میرشیر: ۲۴
- قاسمی، احمد: ۵۵-۶۲-۶۳-۷۱-۸۹-۹۴-۱۰۳-۱۰۶-۱۱۵ تا ۱۳۰-۱۴۰-۱۴۲-۱۵۷-۱۷۱-۱۷۲-۱۸۱ تا ۱۸۳-۱۸۵-۱۸۸-۲۰۵ تا ۲۰۷-۲۳۱-۳۰۷-۳۵۸-۴۰۲-۴۱۰-۴۱۹-۴۲۰-۴۴۷-۴۴۸
- قاسمی، ابوالفضل: ۲۲۷
- قاسمی، اعظم: ۱۱۶-۱۲۴-۱۲۹-۱۳۰-۳۲۶-۳۶۰
- قاسمی، توده ای (سرگرد): ۳۱۶
- قاسملو (سرهنگ): ۳۱۶
- قاسملو، عبدالرحمن (دکتر): ۱۳۶-۳۶۵-۴۲۴-۴۲۳-۴۰۶-۳۹۵
- قاضی، رحیم: ۱۳۶-۳۰۲-۳۰۳
- قاضی عسگر: ۳۲۹-۳۳۰
- قاضی، محمد: ۲۱۰-۲۱۲-۳۰۲-۴۹۷-۵۰۴-۵۰۷-۵۰۸-۵۱۰
- قاضی اسداللهی: ۳۵۵
- قاضی زاده، میرحبیب: ۲۵
- قانعی، زهره: ۲۳۳
- قائم پناه، غلام حسن: ۳۸۴-۴۰۳
- قائمیان، حسن: ۲۶۷
- قائنی، زهره: ۳۹۸

ك

- قبادی (ستوان): ۲۸۹-۳۲۴-۳۷۱
 قدر (سرتیپ): ۳۱۷
 قدس نخعی، حسین: ۲۴۴
 قدوه، محمدرضا: ۷۲-۱۲۷-۱۳۷-۱۴۰-۴۱۰
 قراگوزلو، ابوالقاسم (سروان): ۳۲۷-۳۲۸
 قریب (مهندس): ۲۱۵
 قره وشى، شریف: ۲۴۶
 قریشى، امان الله: ۸۹-۹۵-۱۵۷
 قزوینی، کامران: ۲۲۰
 قزوینی، محمد (علامه): ۲۶۶
 قشقائی، خسرو: ۱۰۵
 قطب زاده، صادق: ۲۴۰-۲۴۱-۲۴۷-۳۶۶-۴۷۳-۴۷۶
 قلاویج، علی: ۳۸۲
 قلمبر: ۴۱۴
 قلی اوف: ۴۴۸
 قمشه ای، منوچهر: ۱۳۱-۱۳۲
 قنبری، محمدعلی: ۷۲
 قندهاریان (مهندس): ۷۲
 قندی، ساسان: ۴۱۴
 قوام، احمد، قوام السلطنه: ۵۷-۶۵-۶۶-۶۹-۷۴-۷۶-۹۴-۱۴۱-۱۴۴-۱۵۶
 -۱۶۱-۱۶۳ تا ۱۶۵-۱۸۰-۱۸۲-۱۸۵
 -۱۹۸-۲۰۲-۲۱۲-۲۱۳-۲۲۷
 -۲۲۸-۲۳۶-۲۷۲-۳۲۶-۳۸۷-۳۸۹
 -۴۰۸-۴۹۷-۵۰۵
 قوام نژاد: ۱۵۷
 قهرمان، یزدان بخش: ۲۶۷-۴۴۲
 قیامی، زین العابدین: ۳۰۳
 قیائی، سیاوش: ۱۳۳ تا ۱۳۵
 قیائی، منوچهر: ۱۳۴
 کاتوزیان، محمدعلی، همایون (دکتر): ۶۷-۲۶۸
 کاظمی، نصرت الله: ۸۰
 کاشانی، سادات: ۲۴۱
 کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۱۲۴-۱۵۱-۱۶۶-۳۸۸-۳۸۹
 کاشانی، منصور: ۲۴۶
 کافتارادزه: ۶۱-۶۲
 کالینین: ۵۳۳-۵۴۳
 کامبخش، عبدالصمد: پ - ج - ۵۵-۵۸-۵۹
 -۶۲-۶۳-۷۶-۷۷-۸۹-۹۱ تا ۹۴-۱۰۰
 -۴۱۸-۴۲۰-۴۳۰-۴۴۳ تا ۴۴۶-۴۹۴-۵۴۵
 کامران، نصرالله: ۲۲۲-۳۰۶-۳۰۷
 کامرانی، احمد: ۲۴۵
 کامینف: ۵۳۲ تا ۵۳۴
 کانالی، جان: ۵۱۲
 کاوسیان، هما: ۱۷۸
 کاوه (سرگرد): ۳۲۶
 کاویان (ازسران فرقه دموکرات): ۱۳۵-۳۰۰
 کاویانی، خانم: ۲۳۹
 کاتوک، هوشنگ: ۳۱
 کباری، ۵۴
 کبیری، بیژن (سرهنگ): ۴۶۶-۴۶۸ تا ۴۷۰-۴۸۲
 کحال زاده: ۱۲-۳۳
 کرمانی، میرزا آقاخان: ۲۲
 کرنسکی: ۵۳۱-۵۳۲-۵۳۷
 کسرائی، سیاوش: ۴۹۰
 کسروی، سید احمد: ۲۳-۴۳۲-۴۴۳
 کسمائی، حاج احمد: ۹

کسمائی، حسین: ۴۰
 کشاورز، جمشید: ۱۲۰-۱۲۱-۱۴۵-۱۴۶
 کشاورز، خدیجه: ۱۴۴
 کشاورز فرهاد: ۱۲۱
 کشاورز، فریدون: (دکتر): ت: ۴۰-۵۵-۵۹
 ۶۲-۶۳-۶۷-۷۱-۷۲-۸۳-۸۹-۹۰ تا
 ۱۶-۱۷-۱۷۵-۱۷۹-۱۹۷-۲۰۱-
 ۲۳۱-۲۸۸-۳۱۵-۳۷۱-۴۹۴-۵۴۴
 کشاورز، کریم: ۱۴۵
 کلای (سروان): ۳۰۸-۳۱۱-۳۱۲
 کندلی، غفار: ۱۳۵
 کوپال (سرلشگر): ۲۰۶
 کوچک شوشتری، محمود: ۱۰۴
 کوزیچیکین، ولادیمیر: ۸۳-۸۴-۸۴-۳۷۵-۳۷۹-
 ۴۸۵-
 کیان زاده، محمود: ۲۴۶
 کیانوری، اختر: ۲۰۱

کیانوری، نورالدین (دکتر): پ - ج - ۵۵ -
 ۶۲-۶۳-۷۱-۸۳-۸۹-۹۱ تا ۹۷-۹۷-۲۰۵
 تا ۲۱۰-۲۲۵ - ۲۳۰ تا ۲۹۷-۳۰۴ تا ۵۴۵
 کیانی، اسماعیل: ۳۹
 کیسینجر، هنری: ۱۵۳-۱۵۴ تا ۵۱۴
 کی منش، تقی: ۳۱۵-۴۲۵
 کی نژاد، محمد تقی: ۴۰
 کیوان، مرتضی: ۱۰۵
 کیهان، مهدی: ۱۳۶-۳۰۵-۳۸۵-۴۸۵

گ

ل
 لاجوردی، اسدالله: ۲۴۱
 لاشائی، کورش: ۲۴۸
 لاله، مهدی: ۴۰
 لاهوردی، امیرعلی: ۱۱۵-۱۳۱-۱۳۵-۱۷۰-
 ۴۲۰-۴۹۱-
 لاهوتی، ابوالقاسم: ۱۹-۲۱-۱۳۵-
 لاهوتی، همسر: ۱۳۶
 لرتا، هنرپیشه: ۲۵۲ تا ۲۵۴-۲۵۶-
 لردویول: ۲۵۱
 لسانی، ابوالفضل: ۳۹-۴۰-
 لطفی، انوشیروان: ۳۹۷
 لطفی، خسرو: ۴۸۲
 لنکرانی، حسام: ۹۰-۹۱-۹۴-۱۱۷ تا ۱۲۶-
 ۱۴۲-۳۰۷ تا ۳۰۹-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶-
 ۳۸۸-۴۰۲

گالیندوپوهل: ۳۹۶-۳۹۷
 گاندی: ۴۸-۵۲

محقق دیوانی: ۲۹۰ تا ۲۹۲
 محقق زاده (سروان): ۲۹۶-۳۲۵
 محمدپور: ۳۵۸
 محمدزاده، حمید: ۱۳۵-۳۲۴
 محمدزاده، رفعت: ۴۰۵-۴۰۷-۴۱۴-۴۲۵
 محمدی: ۳۱۳
 محمدی، افسر شهربانی: ۲۸۹
 محمدی، مجید: ۳۰۱
 محمدی، محمد امین: ۷۱
 محمدی، محمود (ستوان): ۲۹۶
 محمدی، ملکه: ۱۸۵-۲۳۳-۳۹۹
 محمود، محمود: ۱۲
 محمودی: ۳۰۹-۳۱۰
 مختاری (سروان): ۳۷-۳۲۸-۳۴۵
 مختاری گلپایگانی (ستوان): ۲۹۰ تا ۲۹۲-۳۲۵
 مختاری، سعید (سروان): ۲۹۶
 مدد، حسین: ۳۴۶
 مدرس، سیدحسین: ۴۵۵
 مدنی، احمد، دریادار (دکتر): ۲۴۷-۲۴۹
 مدنی، (همسرافسراعدام شده): ۱۳۷
 مدنی (سروان): ۲۹۰-۲۹۱-۳۱۱-۳۲۶-۳۲۷
 مدنی، پاول: ۵۳۹-۵۴۰
 مرتضوی (سرهنگ): ۳۶۰-۳۶۶
 مرتضوی، ضرعغام: ۱۰۹
 مرزبان: ۳۲۴
 مرندی: ۲۰۵-۲۰۶
 مزین، منصور (سرلشکر): ۸۴
 مسعود، محمد پ: ۹۱-۹۴-۹۵-۱۲۴
 ۱۲۶-۳۱۴-۳۱۷-۳۷۱-۳۸۸
 مسعود انصاری: ۱۳۲
 مسکوب، شاهرخ: ۱۰۴

لنگرانی، شیخ حسین: ۵۹-۱۵۶
 لنین، ولادیمیر: ج - خ - ۵-۲۷ تا ۲۷-۵۲-۶۷
 -۸۳- -۴۳۲ تا ۴۶۶
 لوچنکوف: الکساندر: ۳۸۲
 لوتی سایان: ۱۸۰-۲۲۱
 لیقوانی: ۱۰۴
 م
 مارتین، جاکس: ۵۴۶
 مارکس، کارل: ج - ح - ۵۷-۷۸-۱۷۱-۴۹۱
 ۵۱۸ تا ۵۲۱-۵۲۴-۵۲۹-۵۳۵-۵۳۶-
 ۵۴۱-۵۴۲
 مازاریک: ۷۳
 مازندی، یوسف: ۲۹۳-۳۲۹
 ماسالی، حسن: ۴۰۸-۴۰۹
 ماکزیوف: ۲۲۷
 ماکسیم گورگی: ۵۳۲
 مالنکف: ۴۲۸-۴۱۷
 مانو: ۷۸-۲۱۶-۲۲۹-۲۴۷-۴۱۳-۵۲۲-
 ۵۲۳-
 مایکل فوت: ۲۲۱
 مبشری، محمد علی (سرهنگ): ۱۰۲-۱۰۶-
 ۲۹۰ تا ۲۹۴-۳۰۷-۳۱۳-۳۲۲ تا ۳۳۰-
 ۳۳۹-۳۴۳ تا ۳۵۰-۳۷۲
 مبشری، مهین: ۱۳۷-۳۴۸-۳۴۹
 مبصر، محسن (سپهبد): ۲۹۳-۲۹۹-۳۱۱-
 ۳۱۲
 متقی، علی: ۸۹-۱۰۴ تا ۱۰۶-۱۱۶-۱۹۴
 ۲۰۵-۲۰۶-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۳-۳۱۵-
 مجللی (سرهنگ): ۳۷۲
 محجوبی، اسحاق: ۸۰

- مستن (دکتر): ۵۰
- مشاور المالک: ۱۳۲
- مشکینی، (آیت الله): ۳۶۵
- مشیری، فریدون: ۲۶۰-۲۶۲
- مظهری (آیت الله): ج - ۳۷۰-۴۳۷-۴۳۸
- مظاهری: ۲۱۵
- مظفرزاده، میر صالح: ۶
- مظفری، (سرگرد): ۲۹۶
- مصدق، محمد (دکتر): ۵۷-۵۹-۶۰-۶۲
- ۷۳-۸۴ تا ۸۶-۹۲-۹۴-۱۰۳-۱۰۵
- ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۵-۱۴۵ تا ۱۷۸-۱۸۲
- ۲۰۵-۲۰۶-۲۲۱-۲۳۴-۲۴۵-۲۴۷
- ۲۴۸-۳۱۸-۳۲۲-۳۲۶-۳۲۹-۳۳۷
- ۳۶۸-۳۷۲-۳۸۸-۳۸۹-۴۰۹-۴۵۶
- مصطفی العریش: ۲۲۱
- مصور رحمانی، عبدالحسین: ۳۰۲
- معاضد السلطان: ۲۴
- معاون (سرلشگر): ۲۴۵
- معتضد، خسرو: ۴۶
- معزز، حسن (سرهنگ): ۴۷۲-۴۷۵ تا ۴۷۷
- ۴۷۹-۴۸۳
- معزز، سید محمد (سرهنگ): ۴۷۱
- معز دیوان، فکری: ۲۵۴
- معصوم زاده: ۱۳۸
- معیری، رهی: ۲۳۰-۲۳۱
- معیری، فرشته: ۱۰۵
- معین، محمد (دکتر): ۲۶۰-۲۶۲
- معینی (سرتیپ): ۱۸۵
- مغروری (سرتیپ): ۳۳۷
- مفیدی، محمد (سرهنگ): ۴۷۱-۴۷۶-۴۷۷
- مقدسی، محمد امین: ۴۷۱-۴۷۲
- مقدم، ناصر (سپهبد): ۲۴۶-۲۸۱
- مقدم طوسی: ۲۳۳-۳۹۹
- مقدم مراغه ای، رحمت الله (مهندس): ۲۷۱
- مترسی، احمد (سرلشگر): ۳۶۱
- ملاح، امیر هوشنگ: ۸۰
- ملک، حسین (مهندس): ۷۱-۷۲-۱۵۷
- ملک زاده، مهدی (دکتر): ۲۴
- ملکی، خلیل (دکتر): بت - ۴۰-۴۷-۶۲-۶۴
- ۶۷-۷۱ تا ۷۹-۸۹-۱۰۰-۱۲۳
- ۱۵۶ تا ۱۵۸-۱۹۳-۲۰۱-۲۰۸-۲۱۰
- ۲۲۱
- متمتع: ۱۱۹
- تمتاز (سرهنگ): ۳۷۲
- منتظری، حسین علی (آیت الله): ۲۴۱-۲۴۲
- ۳۴۶-۴۰۱
- منشی زاده، ابراهیم: ۱۱۳
- منشی زاده، داود: ۱۱۳-۱۱۴-۲۳۹
- منصور پور: (سرلشگر): ۵۱۰-۵۱۱
- منصوری (مهندس): ۲۴۱-۲۴۵
- منصوری، نجف: ۳۳۷
- موسوی اردبیلی: ۳۷۸
- موسوی تبریزی: ۱۶۷-۳۷۹
- موسوی، حسین: ۳۶۴-۴۳۶
- موسوی خامنه ای: ۳۶۶
- موسوی، خوثینی ها: ۲۵۱-۳۴۶-۳۶۵
- موسوی زاده، علی اکبر: ۲۱۲
- موسوی، سید ابوالقاسم: ۸-۵۰-۵۵
- مولوتوف: ۵۳۳-۵۴۳
- مؤمنی، باقر: ۱۹۳-۲۱۵
- مهتاش (دکتر): ۱۳۵
- مهتدی (سرهنگ): ۳۲۳
- مهدوی، شروین: ۲۳۹
- مهدوی کنی، محمدرضا: ۳۷۷
- مهدب السلطنه: ۱۸۸
- مهر اقدام، سعید: ۴۸۹

- مهرجویی، داریوش: ۲۵۸
 ممداد، حسین: ۸۰-۳۱۲
 مهرزاد، توران: ۲۵۲-۲۵۳-۲۵۶
 میرآقا: ۴۲۰
 میرحسینی، مجتبی: ۷۲
 میرزا آقازادگان، پدیرمیرزا کوچک خان: ۳۰
 میرزا کوچک خان جنگلی، یوسف: ۲ تا ۳۹-
 ۲۲-۴۵۵
 میرزائی، علی اکبر (سروان): ۴۷۲-۲۷۴
 میزانی، فرج الله (مهندس): ۱۰۳-۱۰۶-
 ۱۲۶-۱۳۶-۱۴۰-۱۷۰-۱۸۳-۳۱۴-
 ۳۶۴-۳۸۵-۴۱۴-۴۲۲ تا ۴۲۶-۴۸۵
 میلانی: ۱۰۸-۱۰۹
 میلوان جیلاس: ۵۲۶
 مینائی (ستوان): ۳۵۸
 مینوی، مجتبی (دکتر): ۲۵۴-۲۶۵-۲۶۶-
 ۲۶۹-
 مینوئی، الف: ۴۸۴
- نجفی، (ستوان): ۲۴۸-۳۵۸
 نحاس پاشا: ۴۰
 نخشب، محمد: ۳۳۹
 ندیم، کاظم (مهندس): ۸۰-۱۰۶-۲۸۹-
 ۳۰۹ تا ۳۱۲
 نراقی، عباس: ۴۰-۵۵-۵۷-۱۷۲-
 نریمانوف: ۱۸-۲۳
 نصر (ستوان-مهندس): ۲۹۶
 نصر، سیدعلی خان: ۲۵۴
 نصیری، اسدالله (ستوان): ۱۰۹-۱۶۵-۲۹۱-
 ۲۹۲-۳۴۵
 نصیری، نعمت الله (ارتشید): ۳۰۵
 نظام شجاع مرندی: ۱۲-۲۰
 نظام، شکرالله خان مرندی: ۱۲
 نظام مرندی، خانابا: ۱۲
 نظری، حسن: ۱۳۷-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-
 ۳۰۵
 نظری، مصطفی: ۳۱۲
 نفیسی، سعید (دکتر): ۲۵۷-۲۶۶
 نقره خان (قاتل میرزا کوچک خان): ۳۲
 نقوی، غلامرضا (ستوان، مهندس): ۲۹۶
 نمازی، محمد: ۲۲۷
 نوائی، پرویز: ۹۴-۱۲۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۱۱
 نوائی، شیخ زین العابدین: ۲۴۶
 نوائی، عابدین (سرهنک): ۱۰۸-۱۰۹-۳۰۳-
 ۳۵۷
 نوائی، محمود: ۷۲-۱۰۶
 نوری، آقاشیخ هادی: ۲۷۹
 نوری، شیخ فضل الله (آیت الله): ۹۸-۱۰۰-
 ۱۵۱-۱۷۳-۲۳۱-۳۷۷
 نوروزی، داود: ۱۳۹-۴۲۰-۴۹۰
 نوروزی (سروان): ۹۸
 نوشین، عبدالحسین، (هنرمند توده ای): ۵۴-
 ۳۵۸-۳۵۶ (ستوان): ۳۵۸

وکیل، سیدهاشم: ۵۹
 وکیلی، بانو: ۱۷۱
 وکیلی، (سرگرد): ۱۰۵-۱۷۱-۲۹۰-۲۹۲
 ۲۹۶-۳۲۵-۳۲۷
 ولاتی، میررحیم: ۱۳۵-۳۰۳
 ولایتی: ۱۳۸
 ولایتی، علی اکبر (دکتر): ۳۷۹

۱۳۰-۱۲۹-۸۹-۷۲-۷۱-۶۷-۵۷-۵۶
 -۲۳۱-۲۰۴-۱۸۲-۱۵۹-۱۳۷-۱۳۶-
 ۴۲۰-۲۶۴-۲۵۷-۲۵۴ تا ۲۵۲
 نوعی، صفر: ۵۵-۵۷
 نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۱۴۵-۳۹-۲-
 ۳۷۶-۳۶۲-۳۱۷
 نیک آئین، امیر: ۴۱۴
 نیک بین: ۵۰-۴۹۰
 نیکخواه، پرویز (مهندس): ۱۳۷-۲۴۱-۲۴۳
 تا ۲۴۵-۲۴۸-۳۷۱

هـ

هاشمی، رحمان: ۴۲۲-۴۲۳-۴۲۵
 هارولد، لمب: د
 هارونیان (پرفسور): ۳۶
 هاشمی حائری، سیدعلی: ۵۳۱
 هاشمی، رفسنجانی، علی اکبر: ۳۷۹-۴۴۳-
 ۴۸۹
 هاشمی نژاد، عباس: ۴۷۲-۴۷۴
 هانی الحسن: ۲۴۹
 هاینه من: ۲۴۱

نیک روان: ۵۰
 نیک، محمد: ۳۷۷
 نیکسون: ۵۴۸-۵۱۲-۷۶
 نیکنام: ۳۱۱
 نیکولین: ۵۴۰
 نیلو، سرهنگ: ۳۵۱
 نیما، شراگیم: ۲۷۹
 نیمایوشیج، (اسفندیاری): ۲۷۸-۲۸۷

و

هدایت، اعتضادالملک: ۲۶۶
 هدایت، خسرو، مهندس: ۲۱۰
 هدایت، رضاقلیخان: ۲۶۶
 هدایت، صادق: ۵۷-۶۷-۶۸-۲۳۱- تا ۲۷۲
 -۲۸۷-۴۴۳-۴۱۰
 هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۳۴۳
 هدایت، محمود: ۲۶۹-۲۷۱
 هدایتی، هادی (دکتر): ۱۰۵
 هرمز، محمود: ۷۲
 هرمزان: ۳۵۸
 هزارخوانی، منوچهر (دکتر): ۲۴۰
 هزیر، عبدالحسین: ۴۱۹
 هلمز، ریچارد: ۵۱۲
 همایون، سیف الدین: ۲۱۰

والا، عبدالله (مهندس): ۲۵۳
 والنا، هسرجانووشسکو: ۵۲۴
 وثوق الدوله: ۷-۹-۲۱-۳۳-۱۵۶-۲۲۷-
 ۲۲۸
 وثوقی، علی (سرباز): ۳۵۹
 ورجاوند، هوشنگ (دکتر): ۴۴۳
 وزیر، شاهرخ: ۹۰-۱۴۴
 وزیر، کاظم (دکتر): ۵۵
 وزیریان، بانو: ۱۳۷
 وزیریان، (دکتر، سرگرد): ۳۱۶-۳۲۷
 وطن پور: ۳۵۸
 وفا، نظام: د
 وکیل، پرویز: ۲۴۶

یزدی، حسین: ۱۱۶-۱۱۷-۱۲۷-۱۳۷-
۱۳۸

یزدی، فریدون: ۱۱۷-۱۲۷-۱۳۸

یزدی، مرتضی (دکتر): ۵۴-۶۲-۶۳-۶۷-
۷۱-۸۰-۸۹-۹۴-۹۸-۱۰۴-۱۱۶-

۱۱۷-۱۲۷-۱۳۸-۱۴۱-۱۵۶-۱۷۵-
۱۸۴ تا ۱۹۰-۲۰۸-۳۰۸-۳۱۲

یزدی، مهین (رادمنش): ۱۳۷-۱۳۸-۱۴۱-
یعقوب زادگان: ۲۱۵

یکرنگیان (سرهنگ): ۳۵۵

یوروفسکی: ۵۳۹-۵۴۰

یوری اندروف: ۵۱۸

یوسف زاده، پاپا: ۲۴

همایونی (سرلشگر): ۴۹۸-۵۰۴-۵۰۸-
همت: ۲۴

همداد، رحیم: ۴۸

هوشنگ پور: ۳۰۷

هونکر: ۱۹۶

هویدا، امیرعباس: ۹۹-۱۳۷-۱۴۲-۴۲۱

هویدا، فریدون: ۱۰۵-۱۲۶

هیتر: ۴۲-۱۷۲-۵۱۷-۵۴۴

هیبت، جواد (دکتر): ۵۲

ی

یاراحمدی، امیر: ۳۳۷

یاکوف یوروسکی: ۳۵۸

یپرم خان ارمنی: ۲۳-۳۰-۴۵۵

یزدی، پیترحسن: ۱۸۷

یزدی، پیترحسین: ۱۸۷

یزدی، حاج شیخ حسین: ۱۸۴-۱۸۶

یزدی، شیخ محمد: ۵۴-۱۸۶-۱۸۷

یادآوری،

الف: اسامی اعضای دولت میرزا کوچک خان جنگلی درص ۵

ب: اسامی اعضای نخستین کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ص ۳۷

ج: اسامی اعضای خانواده فرمانفرماص ۲۳۵

د: اسامی افسران توده ای اعدام شده و محکوم به حبس، صفحات ۳۳۲ تا ۳۳۵ به چاپ رسیده است.

فهرست اسامی جلد دهم

الف

- آبرستی صفریان، سرکیس: ۶۶
 آتابای، ابوالفتح ۳۳۹
 آتابای، سمین دخت: ۶۶-۲۷
 آتابای، کامبیز: ۳۳۶
 آتابای، کامران: ۲۷
 آتاتورک، مصطفی کمال: ۴۶۸-۴۲۹
 آجودانی، احمد (سرتیب): ۳۱۶-۳۸
 آجسن: ۴۸۵
 آخوندزاده، بسطی: ۱۱۶
 آرام، عباس: ۴۸۰-۵۹
 آردن، الیزابت: ۱۵۱-۱۴۸
 آریانا، بهرام (ارتشبد): ۳۸۰-۳۵۶-۲۲۴-۳۸۳
 آزموده، منوچهر (دکتر): ۸۹
 آزمون، منوچهر (دکتر): ۳۰۷-۳۰۵-۲۹۵
 آشتیانی، رکن الدین (دکتر): ۲۳۷
 آن، جرج: ۴۷-۴۸۱
 آموزگار، جمشید (دکتر): ۲۳۹-۵۵-۳۳
 ۲۵۷-۲۹۳-۲۹۶-۳۰۶-۳۰۷-۳۱۸
 ۴۵۸-۴۷۲
 آموزگار، حبیب الله: ۴۵۸
 آهنچیان، جلال: ۳۱۸-۳۱۵-۲۶۵
 آیرم (سرلشگر): ۵۳۳-۵۳۲
 آیرم، هرمز: ۵۳۲
 آیرملو (سرلشگر): ۵۲۸-۲۵۷
 آیزنهاور (ژنرال): ۴۱۴
 آبرون ساید (ژنرال): ۵۰۵-۵۰۲-۵۰۱
- ابتهاج، ابوالحسن: ۳۸-۴۳-۴۵-۵۲-۵۲۲
 ابتهاج، احمد علی (مهندس): ۱۱۱-۱۱۰
 ابراهیم الحمدي: ۱۲۸
 ابریشمچی (مجاهد): ۱۹۹
 احمدزاده (استاندار خراسان): ۲۸۰-۲۷۷
 احمدزاده، مسعود: ۱۸۲
 احمدی، اشرف: ۵۱
 احمدی، صادق: ۵۵
 احمدی، مؤید: ۷
 اخوی، حسن (سرلشگر): ۴۱۷-۲۶۱-۳۵۶-۴۱۷-۴۱۸
 اریاب جمشید: ۵۰۴
 ارسنجانی، حسن (دکتر): ۴۶۶
 اردشیر، جی: ۵۰۸-۵۰۲-۵۰۱
 اردلان، علیقلی (دکتر): ۴۸۶-۶۹-۶۸-۶۵
 اردلان، نادر: ۱۰۷
 ارفع الدوله: ۳۴۱
 ارفع السلطنه: ۳۵۶
 ارفع، ابراهیم: ۳۵۶
 ارفع، خانم: ۳۶۰-۳۴۳-۳۴۱
 ارفع (سرلشگر): ۳۵۶-۲۲۴
 ارم، محمود (سرلشگر): ۳۵۶-۲۲۰
 ارونقی (قاتل سرتیب شهاب): ۲۶۶
 اریل: ۱۳۰
 ازغندی: ۲۰۲
 ازهارى، غلامرضا (ارتشبد): ۲۰۶-۷۶-۶۷-۲۰۶-۲۸۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۹-۳۸۳
 استالین: ۴۴۸-۴۴۷-۳۵۵-ح
 استمیل: ۳۲۴
 اسد، حافظ: ۲۳۹-۲۳۶
 اسدپور (قاضی): ۳۰۸
 اسدپور، رئوف: ۱۷۳

- اسفندیاری (بختیاری) خلیل خان: ۵۱۰
 اسفندیاری، محمد هادی (سپهبد): ۵۲۶
 اسکرین، کارمونت: ۳۵۵
 اسکندر میرزا (بانو ناهید کلالی): ۹۰
 اسلامی نیا، هدایت: ۳۱۶
 اسماعیل زاده، هادی: ۱۹۳
 اصفهانی، آیت الله زاده: ۲۳۱
 اصفهانی، جلیل: ۲۰۱
 اصفیا، صفی (مهندس): ۳۵۹-۸۰-۷۹
 اعتضاد السلطان: ۵۳۳
 اعتضادی، بتول: ۵۳۳
 اعظمی، اصغر (سپهبد): ۵۳۰-۵۲۸
 اعلم، جمشید (پروفیسور): ۴۰۴-۳۶۹-۴۰۴
 اعلم، مجید (مهندس): ۴۵۷-۴۰۴-۸۰۰
 افخمی، ابراهیم: ۳
 افشار، امیر خسرو: ۴۲۷
 افشار طوس، محمود (سرلشگر): ۹
 افشار قاسملو، اصلان (دکتر): ۲۹۳-۲۹۲
 ۳۳۶
 افشانی (سپهبد): ۳۱۶
 افرشته: ۳۲۷-۳۷۱
 افلاطون: ۱۳۷
 اقبال، خسرو: ۴۸۴
 اقبال، منوچهر (دکتر): ۳۲۰-۱۸۸-۳۷
 ۴۶۶-۴۴۹-۴۱۹-۳۸۵-۳۶۶
 اگنیو: ۱۴۷-۱۴۶
 الموتی، کاوه (دکتر): ۶۴
 الموتی، مصطفی (دکتر): ذ - ر - ز - ۳۷۶-
 ۵۳۱-۵۲۷-۵۲۵-۳۸۶-۳۸۴
 المورتی، چارلز: ۳۷۹
 الیزابت (ملکه انگلیس): ۱۵۱
 امامی، احمد (دادستان کل): ۸
 امامی، حسن (دکتر): ۲۴۱-۷۷
- امامی، تقی: ۳۷۵-۳۴۵-۶۶
 امامی، جمال: ۵۲۸ تا ۵۳۰
 امانپور: ۱۴
 امجدی، بابا (سپهبد): ۲۲۹
 امجدی (سرلشگر): ۳۰۵
 امید، محسن (دکتر): ۳۶۹
 امیدوار، حسین: ۷۴
 امیر احمدی، احمد آقاخان (سپهبد): ۵۰۱
 امیر ارجمند، لیلی: ۱۰۷-۸۱
 امیر اکرم، چراغعلی: ۳۴۲
 امیر اکرم، ناصر: ۳۴۲
 امیر انتظام (مهندس): ۲۰۸
 امیرپور، ناصر خان: ۳۵۴
 امیر خسروی (سر تپ): ۳۱۶
 امیر سلیمانی، توران: ۵۰۱
 امیر صادقی (راننده رضاشاه): ۴۰۳
 امیر علائی، شمس الدین (دکتر): ۴۶
 امیر علائی، فتح الله: ۴۵۵
 امیر فضلی، نصر الله (سرلشگر): ۳۰۷
 امیر منقح (مهندس): ۳۲۳
 امیل، دیوید: ۱۷۲
 امین، علی اصغر: ۷۰
 امین، هادی: ۲۷۱
 امین زاده، (سرلشگر): ۳۵۶
 امینی، علی (دکتر): ب-۳-۴-۳۸-۲۲۲
 -۴۶۶-۴۶۰-۴۲۵-۳۴۴-۳۱۸-۲۲۸-
 ۴۷۸-۴۷
 امینی، محمود: ۳۴۴
 انالز، مارتین: ۱۷۳
 آن، پرنسس: ۱۵۱
 انتظام، عبدالله: ۴۵۹-۴۵۸-۳۲۵
 انتظام، نصر الله: ۴۶۰
 انصاری، بهرام: ۵۰

انصاری، سیروس: ۸۷ تا ۸۵

انصاری، هوشنگ: ۵۰-۵۵-۴۷۲-۴۸۱

اویسی، غلامعلی (ارتشید): ۲۶۶-۲۷۴-

۳۱۸-۳۱۹-۴۵۰

ایادی، عبدالکریم (سپهبد-دکتر): ۴۲-۹۵-

۲۴۷-۲۷۰-۲۹۴-۳۱۵-۳۱۸-۳۵۹-

۳۶۰-۳۶۳-۴۴۹-۴۵۰-۵۱۳

ایزدی، علی: ۳۱۵

بختیاری، ایران: ۲۲۵

بختیاری، بیژن: ۵۲۰

بختیاری، حاجی خان: ۴۴

بختیاری، سردار اسعد: ۲۴۶-۵۱۰-

بختیاری، سردار معظم: ۲۲۴

بختیاری، صمصام السلطنه: ۲۴۶

بختیاری، گودرز: ۵۱۱

بختیاری، ملک‌شاه ظفر: ۵۱۱

بختیاری، نورالدین: ۲۳۱-۲۳۲

بدر، محمود: ۸

بدره ای (سپهبد): ۲۹۷-۳۲۴-۳۵۵-۳۶۸-

۳۷۰

بدیع زادگان، اصغر: ۲۰۹

براهنی، رضا (دکتر): ۱۸۲

برزگر (ارتشی): ۲۶۱

بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۲۳۵-

۲۳۶-۲۴۱-۲۴۳ تا

بشیری، سیاوش: ۱۶۸-۱۷۰-۱۸۱-۲۹۶-

۲۹۸-۳۰۹

بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ج-۱۶۸-۱۶۹

-۲۵۴-۲۵۸

بلاشسه، پیر: ۱۴۴

بلاشسه، گلریز: ۲۵۲

بنی صدر، ابوالحسن: ۹۹-۱۹۹-۳۳۵

بنی صدر، فیروزه: ۱۹۹

بوذرجمهری، کریم آقا (سرلشکر): ۳۴۸

بورقیبه، حبیب: ۱۴۷

بورویل: ۴۰۴

بوش، جرج: ۱۲۵

بوشهری، مهدی (دکتر): ۲۰-۲۲-۲۶-۲۷-

۶۶-۴۳۵-۴۳۶

بوکاسو: ۲۹۲

بوئی: ۲۸۹-۲۹۰

ب

باقانقلیچ، نادر (سپهبد): ۲۴۰-۲۴۲-۴۲۹

باتومیلیانی، اسوالدو: ۱۹۶

بازرگان، مهدی (مهندس): ۹۷-۳۰۱-۳۰۳

-۳۲۲-۳۲۴-۳۳۵-۳۳۷ تا ۳۷۱-۳۹۳-

۴۱۴

باقرخان (سرهنک): ۳۴۱

بال، جرج: ۱۴۰-۴۸۳

باهنر، محمد (دکتر): ۲۴۹-۳۹۵-۳۹۶-

۴۰۸

بحرالعلوم، صالح: ۲۴۷

بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۳-۱۲۳-۱۲۵-

۱۷۱-۱۸۴-۱۸۷-۱۸۸-۲۲۲ تا ۲۴۶-

۲۵۱-۲۵۲-۲۶۲-۳۰۵-۳۰۶-۳۱۵-

۳۵۹-۴۲۵-۴۷۰

بختیار، رستم: ۵۱۲

بختیار، شاپور (دکتر): ب-۷۷-۱۳۴-

۱۴۱-۱۸۰-۱۸۴ تا ۱۸۶-۱۹۸-۲۲۴-

۲۴۶-۲۸۴-۲۹۱-۲۹۲-۳۰۲-۳۰۹-

۳۱۷-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۷-۳۶۸-۳۷۰-

۳۷۱-۳۸۴-۳۹۰-۴۶۴

بختیار، مجید: ۴۵۵

بختیاری، ابوالقاسم: ۲۲۴

بختیاری، امیرمفخم: ۲۲۹

- بهار، مهدی (دکتر) ۳۱۴
 بهادری، کریم پاشا (دکتر): ۱۰۷
 بهبهانی، سید محمد (آیت الله): ۴۱۷
 بهبهانیان، جعفر: ۸۱
 بهبودی، سلیمان: ۳۶۰-۳۴۷
 بهرامی، شاپور (دکتر): ۲۵۰
 بهزادی (سپهبد): ۲۹۲-۲۹۱
 بهزادی (سرهنگ): ۲۶۷
 بهشتی، محمد حسین (آیت الله): ۳۰۱-۳۰۳
 بهنود، مسعود: ۱۰۶-۱۶۱
 بیات: ۳۸
 بیریا، محمد: ۵۳۳
 بیگلری: ۲۰۹
- ب**
- پاپیر، انگلیسی: ۴۷
 پادگورنی: ۱۹۸-۱۴۷-۱۴۵
 پارسون، آنتونی (سفیر انگلیس): ۱۶۰
 پاسه پا، ایوان: ۷۷
 پاشائی، مجتبی (دکتر): ۲۵۱-۲۵۲
 پاکروان، امینه: ۲۵۷-۲۵۶
 پاکروان، حسن (سرلشکر): ۱۸۵-۱۸۷-۱۸۸
 ۲۶۷ تا ۲۶۵-۲۶۰ تا ۲۴۸-۲۳۸-۲۰۶-
 ۳۰۱-۳۳۱-۴۰۴-۴۲۵
 پاکروان، سعیده: ۲۵۷
 پاکروان، کریم: ۲۵۷
 پاکزاد، مهرداد: ۱۹۸
 پاک نژاد، شکر الله: ۲۰۹
 پالاتچیان، (مهندس): ۴۵۵
 پایدار، مصطفی (دکتر): ۶۷
 پرت، آمریکائی: ۳۳۶
 پرون، ارنست: ۳۲۹-۳۴۳ تا ۳۵۸-۳۵۰ تا
 ۳۶۰-۳۸۳-۳۹۲
- پژمان، عیسی (سرهنگ): ۲۲۴-۲۳۱-۲۳۳
 ۲۳۴-۲۵۰-۲۶۶-۳۲۶-۳۲۲
 پسیان، محمد تقی خان (کنل): ۵۰۱
 پمپیدو، ژوز: ۱۵۶-۱۵۰-۱۵۱
 پوجین تای (ژنرال آمریکائی): ۲۸۷-۲۸۸
 پوستی زاده، علی: ۶۶
 پولادین، احمد (سرهنگ): ۳۴۶
 پهلید، شهباز: ۲۲-۲۶-۷۲
 پهلید، شهر آزاد: ۲۲-۲۴-۱۰۴
 پهلید، مهرداد: ۲۶
 پهلوی، احمد رضا: ۱۶-۲۶-۳۱-۹۴-۳۴۳
 پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۳-۴-۱۶-۲۱-
 ۳۰-۳۱-۴۰-۴۱-۵۸-۶۲-۶۳-۷۶-
 ۹۸-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۷-۱۳۵-۲۲۲-
 ۲۶۳-۳۱۷-۳۲۲-۳۳۸-۳۸۲-۳۶۰-
 ۳۶۱-۴۰۶-۴۰۹-۴۳۲-۴۳۵-۴۳۶-
 ۴۵۴-۴۵۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۹-۴۷۳-
 ۴۸۳-۴۸۷-۵۱۳-۵۱۷-۵۲۲
 پهلوی، بهمن: ۲۷
 پهلوی، پری سیما (زند): ۱۰۰
 پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۹۸-۳۱۵-
 ۳۴۷-۳۸۲-۳۵۶-۳۶۵-۴۵۴-۴۵۵-
 ۵۱۲ تا ۵۱۸
 پهلوی، ثریا (ملکه): ۲۲-۲۴-۲۴۶-۳۲۹-۳۵۶-
 ۴۱۴-۴۵۳-۴۵۵-۴۵۶-۵۱۳-۵۱۴-
 ۵۱۸
 پهلوی، حمید رضا: ۳۱
 پهلوی، رضا: ۹۴-۱۰۲-۳۱۰-۳۴۳-۳۶۴
 پهلوی، روزا: ۱۶
 پهلوی، شمس (شاهدخت): ۱۸-۲۲-۲۳-۲۶-
 ۳۰-۳۱ تا ۷۱-۹۸-۱۰۰-۱۰۴-۳۴۶-
 ۳۸۲-۳۶۵-۴۵۴ تا ۵۱۱ تا ۵۱۴
 پهلوی، شهناز (شاهدخت): ۳۱-۹۴-۵۱۷-

- پهلوی، همدم السلطنه: ۳۴۶
 پهلوی نیا، شهرام: ۲-۳-۱۳-۱۴-۲۰-۲۱-
 ۲۳-۲۶-۳۱-۶۲-۶۴-۲۶۳
 پهلوی، حمیدرضا: ۲۳
 پیشه وری، میرجعفر: ۳۵۷
 پینه (نخست وزیرفرانسه): ۴۸۴

- پهلوی، صفیه (زن اول رضاشاه): ۳۴۶
 پهلوی، عبدالرضا (شاهپور): ۱۰-۱۱-۱۷-
 ۱۰-۴۳-۳۴۸-۳۶۱-۳۶۵
 پهلوی، عصمت: ۳۴۷-۳۸۲
 پهلوی، علی: ۳۱
 پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۱۵-۳۱-۳۱۳-
 ۳۲۵-۳۴۳-۳۴۸-۳۸۲-۳۸۴-۳۶۰

ت

- تاجبخش، رضا (دکتر): ۲۲۷
 تافته: ا. ۷۶-۴۵۵-۳۲۲
 تای (ژنرال): ۲۸۸
 تختی، غلامرضا (جهان پهلوان): ۲۸۰
 ترات: ۳۴۸
 تربتی عماد: ۳۳
 تزار، الکساندر: ۵۱۰
 تزار (خانواده): ۵۱۰
 تشید، علیرضا: ۱۹۸
 تقی زاده، سیدحسن: ۳۱۴
 توانگر، فریدون: ۱۸۳
 تورزنی: (دکتر آمریکائی): ۷۹
 توسلی: ۲۹۷
 تهرانی (رئیس زندان اوین): ۲۰۲
 تهرانی، سیدجلال: ۲۴۹
 تی-ان-کول (سفیرهند): ۴۷۹-۴۸۰
 تیتو، مارشال: ۹۵-۱۴۵-۴۴۷-۴۴۹-۴۵۹
 تیتو، خانم: ۴۴۹
 تیمورتاش، عبدالحسین: ۱۹۸-۵۲۷-۵۲۸
 تیمورتاش، مهرپور: ۳۱۳-۳۲۵-۳۴۳

- ۴۰۵
 پهلوی، علیرضا (فرزندمحمدرضاشاه): ۹۶
 پهلوی، غلامرضا (شاهپور): ۱۸ تا ۲۰-۲۶-
 ۳۱-۱۳۷-۱۴۳-۳۶۱-۳۶۷-۴۶۱
 پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۲۱-۲۶-۴۴-۴۵-
 ۳۸۲

- پهلوی، فرح (شهبانو): ۱۲-۱۵ تا ۱۷-۱۹
 ۶۰-۶۶-۷۷-۷۷-۸۱-۸۳-۸۸-۹۰-۹۴-
 ۹۵-۱۰۳-۱۰۵ تا ۱۰۸-۱۱۵-۱۱۸-
 ۱۲۰-۱۲۹ تا ۱۳۱-۱۳۵ تا ۱۳۷-۱۴۰-
 ۱۴۷-۱۵۰-۱۵۱-۱۶۰ تا ۱۶۲-۱۷۵-
 ۱۷۷-۱۸۴-۲۱۶-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۱-
 ۲۶۶-۲۶۹-۲۷۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۴-
 ۳۰۹-۳۳۲-۳۳۴-۳۶۴ تا ۳۶۷-۴۰۳-
 ۴۰۶-۴۱۴-۴۳۲-۴۳۴-۴۳۵-۴۶۰-
 ۴۶۴-۴۶۷-۴۷۳-۵۱۸

- پهلوی، فرحناز: ۹۶
 پهلوی، فوزیه: ۳۴۴-۳۴۵-۴۶۸-۴۱۷-
 ۴۷۷ تا ۵۱۱-۵۱۳-۵۱۸
 پهلوی، کیوان: ۲۱
 پهلوی، محمودرضا (شاهپور): ۱۵-۱۷-۱۹ تا
 ۲۱-۲۳-۲۶-۲۷-۳۰-۴۴-۴۵-۱۳۷-
 ۳۴۳

ث

- ثابتی، پرویز: ۱۸۸-۲۱۳-۲۲۳-۲۶۲-
 ۲۶۸-۲۷۸-۲۹۶-۲۹۷-۳۰۴ تا ۳۱۰-
 پهلوی، منیژه: ۱۸-۲۰
 پهلوی، نیلوفر: ۲۳

۳۳۷-۴۲۵

ثابتی، خانم: ۳۰۸

ثابتیان اصفهانی، پرویز: ۱۹۳

ثقة الاسلام: ۳۲۷

چمران، مصطفی (دکتر): ۲۳۶-۲۳۸

چیانکایچک: ۴۸۵

چیبین، سلوین (سفیر آمریکا): ۴۷-۴۸۱

ح

حاتم، (سپهبد): ۳۲۴-۳۷۱-۳۹۰

حاتمی، احمد: ۷۳

حاجبی، محمود: ۴۵۶

حاج سیدجوادی، احمدصدر: ۲۷۷

حافظ: ۴۱۵

حجازی، مطیع الدوله: ۴۵۸

حسن البکر: ۲۲۶-۲۳۲

حسین زاده: ۲۰۱

حقیقی (سرهنگ): ۲۲۲

حکمت، علی اصغر: س

حکمی، علینقی (دکتر): ۱۹۸

حکیمی، ابراهیم، حکیم الملك: ۴۲۷

حمادی، عدنان: ۱۱۴

حلو، شارل: ۲۳۰-۲۳۸

حیات داودی، فتح الله: ۱۲۵

ج

جانسون: ۴۷-۴۹

جانسون، اریک: ۴۱۴

جاویتس، ماریون: ۲۱۶

جاویدپور، شهرام: ۲۵۷

جاویدتاش، احمد: ۱۹۳

جاويز، مارتا: ۸۸

جاويز، یعقوب: ۸۸

جزئی، بیژن: ۲۰۱

جعفری دهناری، فاطمه: ۱۷۳

جعفری دهناری، مهدی: ۱۷۳

جعفریان، محمود: ۲۹۶

جلیلی (آیت الله): ۲۱۷ تا ۲۱۹

جلیلی، اکبر: ۶۷

جم، فریدون (ارتشبد): ۳۱۶-۳۱۷-۳۶۴-

۳۶۶-۳۷۶-۳۸۱-۴۲۳

جم، فیروزه: ۳۱۶

جمالزاده، محمدعلی: ر - ش

جمشیدی: ۱۹۸

جمشیدی، عباس: ۱۹۸

جمشیدی، خانم: ۱۹۸

جوهری، محمدرضا: ۵۰۰

جهانبانی، امان الله، (سپهبد): ۳۶۲

خ

خادم‌ملو، خیرالله: ۱۷۳

خانلری، پرویز (دکتر): ۳۳

خاتم، محمد (ارتشبد): ۱۴-۱۵-۴۴-۵۶-

۴۷۰-۴۷۱-۴۷۵

خاقی، (سرتیپ): ۳۶۷

خامنه‌ای، سیدعلی: ۳۹۳

خبیری (مهندس): ۳۲۳

خروشچف، نیکتا: ۴۴۷-۴۴۸

خزیمه علم، امیرحسین خان: ۳۸۶

خسروانی، خسرو (دکتر): ۲۲۷-۲۳۴

چ

چارلی: ۴۵۱

چائوشسکو: ج - ۷۸

چرچیل، وینستون: ۳۵۵-۴۴۷-۴۴۷

- خسرو داد (سرلشگر): ۲۸۰-۳۱۸-۳۱۹-۳۳۶-۳۷۰
- خلخالی، شیخ صادق: ۸۱-۳۰۲-۳۰۳
- خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۲۱۳-۲۱۶-۲۳۷-۴۲۷
- خلوتی (سرهنگ): ۲۸۱
- خلوتی نژاد: ۲۶۷
- خلیلی، عباس: ۵۳۰
- خمینی، سیدروح الله (آیت الله): ۶۲-۹۶-۱۴۶-۱۵۱-۱۵۶-۱۶۲-۱۸۳-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۹-۲۰۳-۲۱۰-۲۱۷-۲۱۹-۲۲۹-۲۳۵-۲۴۸-۲۵۳ تا
- ۲۵۵-۲۵۸-۲۶۹-۲۷۷-۲۸۰ تا ۳۰۳
- ۳۲۴-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۵-۳۳۷-۳۶۸
- ۳۸۴-۳۹۳-۴۱۰-۴۶۷-۴۷۰-۴۹۲
- خمینی، مصطفی: ۲۲۹
- خواجوی، آقا بزرگ: ۲۶۷
- خواجوی، نصیرالدین: ۷۰
- خواجه نوری، رضا: ۵۲۹-۵۳۰
- خوانساری (آیت الله): ۲۸۴
- خوشدل، مصطفی: ۲۰۱
- خوتی (آیت الله): ۲۸۴-۲۹۱
- خوتینی، نادر: ۱۷۳
- خیابانی، موسی: ۱۹۸-۲۰۳
- خیرالله، عدنان: ۱۱۴-۱۱۵
- خیرخواه، عبدالصمد: ۳۵۶
- دشتی، علی: ۲۳۰-۴۸۱
- دعائی، شیخ: ۲۲۹
- دفتری، محمد (سرلشگر): ۴۵-۴۶-۳۵۸
- دلماس، شامان: ۱۴۶-۴۷۰
- دولیه ژیرایر: ۴۲۲
- دوکاستل باژاک برتان: ۴۰۲
- دوگل (ژنرال): ۱۸۵-۲۹۸-۴۳۳-۴۴۷-۴۷۴-۴۷۸
- دولتشاهی، مینو: ۶۴-۶۶
- دولو، امیر هوشنگ: ۳۹ تا ۴۲ تا ۵۶-۲۹۴-۴۵۶-۴۷۰
- دولو، احسانه خانم: ۳۹
- دوما، الکساندر: ۱۴۹
- دوماران ش، الکساندر: ۲۷۴-۲۷۵-۳۳۱
- دویر، پل: ۹۸
- دهخدا، علی اکبر (علامه): ۴۹۹
- دهقانی، اشرف: ۱۸۲-۲۰۹
- دهقانی، بهروز: ۲۰۹
- دیبا، خانواده: ۴۳۲
- دیبا، کامران: ۱۰۷
- دیهمی (سر تپ): ۳۵۶
- ذ
- ذوالفقاری، محمود: ۲۲۵
- ذوالانوار، کاظم: ۲۰۱
- ر
- راهب، گراهام: ۱۱
- راجرز، ویلیام: ۳۴
- راجی، پرویز: ۱۷۴
- رادمنش، رضا (دکتر): ۲۲۳-۲۳۱-۲۳۲
- راسک، دین: ۴۶۱-۵۲۳
- راکفلر، دیوید: ۴۷-۵۲۲
- دادبه (دکتر): ۶۸
- دالس، آلن: ۴۷
- دانسی، غلامحسین: ۳۷۰
- دانکن، اندرو: ۳۲۱
- داویر، پاول: ۲۸۱

۳۶

۵۰۸-۵۰۳ تا ۵۰۱-۴۷۰-۳۹۲-۳۷۸-
ریس یولارد: ۳۱۴

ز

زالتاش (سرهنگ): ۱۷۱

زاهدی، اردشیر: ۱۹-۹۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۲۷-
-۳۵۹-۳۱۹-۳۱۸-۲۷۳-۲۶۸-۲۵۸-
-۳۶۸-۳۸۵-۴۲۷-۴۲۸-۴۵۵-۴۶۶-
۵۱۹-۴۷۰

زاهدی، حسن (دکتر): ۳۸۶

زاهدی، فضل الله، بصیر دیوان (سپهبد): ب -
۱۶۹-۲۲۱-۲۲۵-۲۲۸-۳۵۹-۴۲۵

زندنی، شاپور: ۲۳۰

زندنی، فریدون: ۲۹۷

زندنی پور (سرتیپ): ۲۰۱

زیبانی (سرهنگ): ۱۷۱-۲۹۸-۲۹۹

ژ

ژانسون: ۱۴۸

ژنیل، دان: ۴۸۷

س

سادات، انور: ۳۲۰-۵۱۹

سارتر، ژان پل: ۲۰۴

ساوین، ریچارد: ۱۷۳

سایمون: ۴۳۸

سبزهعلیان: ۸۷

سبزواری، سیدحسن: ۲۹۹

سپهر، مورخ الدوله: ۳۵۵

سپهری، اسدالله: ۳۸۴

ستاریان، ابوالقاسم: ۱۹۳

سجادی، محمد (دکتر): ۳۰۷

رام، هوشنگ (دکتر): ۸۱

رامبد، هلاکو: ۲۷۱-۳۰۶-۴۵۸

رائد، جعفر: ۴۲۷

رائین، پرویز: ۲۶۸

رائین، اسماعیل: ۴۸۱-۵۳۳

رایت، دنیس: ۴۲۷-۴۲۸-۴۸۶

رہیمی، اشرف: ۱۹۸-۱۹۹

رہیمی (سپهبد): ۳۷۰

رحیمی، مهدی (سپهبد): ۲۸۰

رجوی، مسعود: ۱۹۸-۱۹۹

رزم آرا، حاجیملی (سپهبد): ۲۲۴-۳۵۷-

۳۵۸-۴۲۵-۴۳۵-۴۶۵-۴۷۸-۴۷۹-
۵۱۴

رزم آور: ۲۳۳-۲۳۴

رسولی، حسین: ۲۰۲

رشیدیان، برادران: ۳۵۹-۴۵۷

رضائی، خانواده، (از مجاهدین): ۲۰۳-۲۰۹-
۲۷۷-

رضائی، قاسم (دکتر): ۴۵۸

رضائی، علی: ۲۹۲

رفیع زاده، منصور: ۲۱۵-۲۵۳-۲۵۸-۲۶۱

۲۷۳-۲۹۵-۲۹۹-۳۹۷

- ۳۵۳

روسانی، شاپور (دکتر): ۹

روبین باری: ۴۷۸

روحانی، حسین: ۲۳۶

روح انگیز: ۵۲۷-۵۲۸

روزولت، کرومیت: ۴۸-۳۵۵-۴۴۷-۴۴۸-

۴۶۰-۴۶۶-۴۶۹

ریاحی، (سرتیپ): ۳۵۹

ریاضی (سر لشکر): ۳۴۷

ریاضی، عبدالله (مهندس): ۳۳

ریچورتر، شاپور (سر): ۳۴۹ تا ۳۶۱ تا ۳۶۱

۳۱۸-۲۹۶-۲۹۱-۲۸۴-۲۴۹
 شریعتی، احسان: ۲۰۹-۲۱۱-۵۳۶
 شریعتی، علی (دکتر): ۲۰۹ تا ۲۱۱ تا ۲۳۸-
 ۵۳۶
 شعبانی دماندی، کرمعلی: ۳۰۹
 شفا، شجاع الدین: ۱۳۸-۱۷۹-۴۸۷
 شفقت، جعفر (ارتشبد): ۳۷۱
 شفیق آزاده: ۳۳۴
 شفیق، احمد: ۴۴-۴۳۵-۵۲۲
 شفیق، شهریار: ۲۶-۳۳۳-۳۳۴-۴۷۵
 شفیقی: ۳۵
 شقاقی، عباس (سرلشکر): ۲۳۰-۲۶۷-۳۸۷
 شکارچی، حسن: ۳۶۰
 شکیبی (سپهبد): ۳۷۰
 شمعون، کامیل: ۲۳۰
 شومر، داود: ۳۲۵
 شهاب، سیف الله (ژنرال): ۲۳۰-۲۶۶
 شهبازی، حیدرقلی: ۱۰۲
 شهریاری، عباسقلی: ۲۲۳-۲۳۱-۲۳۴ تا
 شهیدی، امیر: ۷۰
 شببانی (دکتر): ۳۲۳
 شیخ بهایی، امیر حسین: ۲۸۱
 شیخ زائد: ۱۰۲
 شیراک، ژاک: ۱۷۴

ص

صاحبیدوانی: ۴
 صادق خان، راننده رضاشاه: ۳۴۸-۳۵۴
 صارم الدوله، اکبر مسعود: ۳۶۵
 صالح، اللهیار: ۲۶۵
 صالح، جهانشاه (دکتر): ۱۰۷
 صباغیان (مهندس): ۹۰
 صببانی: ۳۱۶-۳۲۳

سبحانی، یدالله (دکتر): ۳۷۱
 سردارانفخمی: ۱۰۷
 سعود، خالد: ۱۲۷
 سعیدی، محمد: ۳۳
 سلطانپور، سعید: ۱۹۸
 سماکار، عباسعلی: ۱۷۳
 سنجابی، کریم (دکتر): ۱۷۰-۲۶۴-۲۸۳-
 ۲۸۸-۲۸۹-۲۹۱-۳۱۹-۳۵۷-
 ۴۲۴
 سنگورسیراز: ۸۳-۱۴۷
 سولیان: ۱۷۷-۲۷۵-۳۲۴-۳۳۶
 سهل علی: ۲۴۱
 سیاح، ناصر (مهندس): ۳۴
 سیدعلاء الدین: ۱۷۳
 سیگ، گاری: ۴۴۲
 سیمون: ۴۱۰-۴۸۶
 سیهانوک: ۳۹۹-۴۰۰

ش

شاپوری، پوران: ۲۲۲-۲۲۶-
 شادمان، جلال: ۳۳
 شاک (وکیل آمریکائی): ۸۷
 شاکراس، ویلیام: ۱۲۳-۱۴۸-۲۶۷-۳۳۳-
 ۴۸۱

شاکری (سرتیپ): ۳۹۶
 شاهمرادی، غلامرضا: ۱۷۳
 شایگان: سیدعلی (دکتر): ۱۷۰
 شریف الدین: ۲۳۵
 شریف امامی، جعفر (مهندس): ۸-۳۲-۳۳-
 ۷۶-۸۱-۸۲-۱۰۱-۱۲۵-۱۸۷-۲۰۷-
 ۲۹۴-۲۹۵-۳۰۷-۳۶۷-۵۰۱
 شریعتمداری، سیدکاظم (آیت الله): ۲۳۶-

صدام حسین: ج - ۱۱۴-۱۱۵-۲۲-۲۲۳-
۲۲۶-۲۳۲-۲۳۴-۴۳۹
صدر، آقاموسی: ۲۳۰ تا ۲۳۹
صدر، سیدباقر: ۲۳۶
صدری، جعفرقلی (سپهبد): ۷۴
صدیقی، غلامحسین (دکتر): ۱۷۰-۲۶۵-
۲۸۴

ظفر فروغ: ۵۱۱-۵۱۳-۵۱۴
ظروفجیان، جلیل: ۳۰۸
ع
عارف، عبدالسلام: ۲۲۶
عالیخان، علیبنقی (دکتر): ۷۸-۷۹-۲۲۷
عبدالناصر: ۲۲۷-۲۲۹-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-
۴۱۰-۴۵۹-۴۶۰
عبده، جلال (دکتر): ۳-۴-۴۸۲
عدل، خانم: ۴۵۵
عدل، یحیی (پرفسور): ۲۷۲-۴۰۴-۴۵۵ تا
۴۵۷

عراقی، حاج مهدی: ۳۰۲-۳۰۳
عرفات، یاسر: ۲۳۶-۲۳۸-۲۳۹
عسیران، ظهیر: ۲۳۱
عضد، ابونصر (مهندس): ۴۴۹
عضدانلورقاجار، مریم: ۱۹۹
عضدی (دکتر): ۱۸۲
عطارپور: ۲۰۹-۳۰۵
عطارپور، رضا: ۲۰۱

عظیمیا (دریابان): ۲۵۱
عظیمی (ارتشبد): ۳۳۰-۳۸۳
علاء، حسین: ۳۷-۴۴-۲۴۰-۴۵۸
علاء، فریدون (دکتر): ۱۰۷
علاءالدین: ۲۳۳-۲۳۴
علم، اسدالله: ۸-۹-۹۵-۱۲۲-۲۴۸-۲۹۴-
۳۲۴-۳۵۰-۳۵۲-۳۵۹-۳۸۴ تا ۳۸۶-
۴۰۶-۴۰۷-۴۲۷-۴۶۱-۴۶۶-۴۶۷-
۴۷۲
علم (شوکت الملک): ۳۵۵
علوی کیا، حسن: (سرلشکر): ۱۷۱-۲۵۱-
۳۶۴-۲۵۵

علوی مقدم (سپهبد): ۳۸-۲۲۶-۲۲۷
علیزاده: ۴۸۴

صفاری، بیژن: ۱۰۷
صفائی، حاج سیداحمد: ۲۴۴
صمدی، (سرهنگ): ۲۲۱-۲۶۶
صمدیانپور (سپهبد): ۲۵۱-۳۵۰-۳۶۲
صمصام (سرهنگ): ۲۳۰

ض

ضرغام، علی اکبر (سرلشکر): ۳۸
ضرغام، امیرقلی (سپهبد): ۲۶۶-۳۵۵
ضیائی، طاهر (دکتر): ۳۲

ط

طالقانی، اعظم: ۱۸۲-۱۸۳-۱۹۷
طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۱۸۲-۱۸۳-
۲۸۴-۳۰۳-۳۱۸-۳۱۹
طباطبائی، آقا احمد: ۲۲۹-۲۳۶
طباطبائی، جواد: ۱۹۸
طباطبائی، داریوش: ۱۹۷
طباطبائی (سپهبد): ۳۷۱
طباطبائی، سیدضیاء الدین: ۷-۵۰۳
طبری، احسان: ۲۹۹-۳۸۱
طوسی (نایب التولیه خراسان): ۱۰۵
طوفانیان (ارتشبد): ۷۹-۸۱-۸۲-۳۷۸

ظ

ظفر، امیرحسین خان: ۵۱۴

عمید (سرهنگ): ۱۷۱

عمیدی (سپهبد): ۳۷۰

غ

غفاری، فرخ: ۱۰۷-۱۶۲-۱۶۳

غفوری (سرهنگ): ۱۷۱

غنی، قاسم (دکتر): ۳۲۶-۴۲۰

غیائی، حیدر (مهندس): ۳۸

ف

فارسی، سلمان: ۴۳۰

فاروق، ملک: ۴۵۵

فاضلی، (سپهبد): ۲۲۴

فاطمی، حسین (دکتر): ۴۱۳-۴۴۸

فاطمی سیف پور (دکتر): ۵۲۶

فالچی، اوریانانا: ۳۹۹

فخرآرائی، ناصر: ۳۱۵

فراست، دیوید: ۱۸۴-۳۱۲

فرانکو، (ژنرال): ۲۵۳-۳۶۶

فرید (سرلشکر): ۳۳۷-۳۹۶

فرخی یزدی: ۱۹۸

فردوست، توران: ۳۶۹

فردوست، حسین: خ - د - ۴۲ - ۵۵ - ۷۴ - ۸۰

۹۳ - ۱۷۱ - ۲۲۰ - ۲۶۱ - ۳۰۴ - ۳۱۱ تا ۹۶

۳۹ - ۳۲۰ تا ۳۲۷ - ۳۲۸ تا ۳۴۱ - ۳۵۲ -

۳۵۴ - ۳۵۷ - ۳۶۱ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۷۳ تا

۳۸۴ - ۳۸۶ تا ۳۹۹ - ۴۰۱ - ۴۲۳ - ۴۲۷ -

۴۵۰ - ۴۵۲ - ۴۷۳ -

فردوست، سیف الله لاریجانی (پدر فردوست):

۳۱۴ - ۳۲۶ - ۳۴۰ - ۳۹۷ تا ۳۹۹

فردوست، طلا: ۳۲۷ - ۳۷۰

فردوست، ناصر: ۳۲۶

فرزانه (سرلشکر): ۳۸۴

فرناندل: ۴۰۴

فرنجیه: ۱۴۷

فرزاد، پرویز: ۳۰۵

فرد، فتح الله: ۴۲۹

فروغی، محسن (مهندس): ۳۸

فروغی، محمدعلی، ذکاء الملک: ۳۱۴

فروغی، مسعود: ۴۵۶

فرهتی، حمزه: ۱۹۸

فلاح، رضا (دکتر): ۴۹۰

فلاح رستگار: ۵۵

فلتمن: ۲۸۵ - ۲۸۶

فلسفی، محمدتقی (واعظ): ۲۴۱ تا ۲۴۵

فیروز، مریم: ۲۹۹ - ۵۳۳

فیروز، مظفر: ۳۲۷

فیروزه، همسر ارتشبدجم: ۳۶۶

فیکسون، ژورژ: ۳۹ - ۴۰

فیلیپ، پرنس: ۱۴۵ - ۱۴۷

ق

قاجار، احمدشاه: ۱۱۷ - ۱۱۶

قاجار، خاندان: ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۱۱ - ۵۳۳

قاسم، عبدالکریم: ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۴۲۹

قاشوقی، عدنان: ۱۱۲

قبادیان، عباس: ۴

قدر، (سرتیپ): ۲۳۵ - ۲۳۹

قذافی، معمر: ۲۳۷

قراگوزلو، منوچهر: ۵۱۸

قریشی: ۴۲

قرنی (سرلشکر): د - ۳۲۴ - ۳۳۷ - ۳۶۲ -

۳۹۴

قره باغی، عباس (ارتشبد): ۳۱۶ - ۳۱۸ -

۳۱۹ - ۳۲۲ تا ۳۲۴ - ۳۳۳ - ۳۳۵ - ۳۳۷ -

۳۵۵ - ۳۶۷ تا ۳۷۲ - ۳۸۴ - ۳۹۱ -

قطب زاده، صادق: ۹۶ - ۲۳۸ - ۲۸۶

کمالوند، علی: ۲۴۱
 کنت، آرتور: ۴۴۰
 کندی، جان: ۴۳-۲۲۰-۲۲۷-۲۳۴-۳۱۵-
 ۴۴۷-۴۶۰-۴۶۶-۴۷۹
 کنستانتین: ۱۴۵-۴۱۴-۴۸۶
 کوشان، مریم: ۴۵
 کیانوری، نورالدین (دکتر): ۲۹۹-۳۸۱-
 ۵۳۳

کیا، جهانگیر (مهندس): ۲۹۱
 کیا، حاجعلی (سپهبد): ۲۲۲-۲۲۶-۲۲۷
 کیسینجر، هنری: ۷۵-۲۱۵-۲۱۶-۳۰۰-
 ۴۱۲-۴۴۱-۴۴۸-۴۶۱-۴۷۵-۴۸۱-
 ۴۴۵

گ

گاندی، ایندیرا: ۸۹-۵۰۷
 گراهام، رابرت: ۳۲-۴۸-۸۴-۱۲۳-۶۸
 گرومن: ۸۴
 گرفتن مرو: ۷۳
 گلپایگانی (آیت الله): ۲۸۴
 گلستان، ابراهیم: ۱۷۴
 گلستان، بانو: ۱۷۵
 گلشائیان، اسدالله (سرتیپ): ۵۲۹-۵۳۰
 گلشائیان، عباسقلی: ۴-
 گنجی، همایون: ۱۰۷
 گنجه ای، رضا (مهندس): ۵۲۱
 گوت: ۴۷
 گوردوزی، خبیرخان: ۱۳-۴۳ تا ۴۷-۹۱-۵۲۰
 تا ۵۲۴

قطبی، خانواده: ۸۱-۴۳۲
 قطبی، رضا: ۱۰۶-۱۰۷-۲۶۵
 قطبی، لوتیز: ۳۰۶
 قشقائی، صولت الدوله: ۱۹۸
 قلعه بیگی، هایده: ۳۲۷
 قوام، احمد، قوام السلطنه: ۳۵۵-۳۶۱-۴۷۸-
 ۴۶۵

قوام، علی: ۴۱۸
 قویعی، فخری: ۲۵۶
 قهرمانی، صفر: ۱۹۶

ک

کارتز، بیلی: ۷۸
 کارتز، جیمی: ۷۵-۹۹-۱۰۳-۱۷۴-۱۷۷-
 ۳۱۰-۴۴۲-۴۷۲

کارلوس، (پادشاه اسپانیا): ۲۵۳-۳۶۶
 کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۲۴۰
 کاظم زاده (دکتر): ۴۸۲
 کاظمیه، اسلام: ۱۷۴
 کاتوکی: ۱۱۲
 کراقرچانلو: ۲۰۲
 کریستوفر: ۳۰۰

کشاوری، فریدون (دکتر): ۳۵۷
 کلاتری، مشعوف: ۲۰۱-۲۰۲
 کلالی، امیر تیمور: ۳
 کلالی، منوچهر (دکتر): ۴۴۳
 کلالی، رستم: ۱۷۳
 کلود، مادام: ۶۱-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۸
 کلی، گریس: ۴۵۳

کلیمی کاشانی، سلیمان: ۵۳۲
 کمال، حسین: ۱۱۵
 کمالی، سید محمد: ۱۷۳
 کمالوند (آیت الله): ۲۴۳

محمدی گیلانی: ۲۰۳

محمدی، منوچهر: ۱۰۴

محموی، ابوالفتح: ۲۹۴-۳۵۵

محموی، امیر ارتش: ۳۵۵

مخاطب رفیعی (سرلشگر): ۲۱۶

مدنی، جلال: ۸۹

مرادی (سرهنگ): ۱۷۱

مرادی، عیسی: ۲۳۳

مرعشی نجفی (آیت الله): ۲۸۴

مزمین، منصور (سرلشگر): ۳۸۸-۳۸۷

مستشار الملك: ۳۴۴

مسعودی، جواد: ۴۵۷

مشاور، تقی (سپهبد): ۷۴

مشفق کاظمی: ۴۷۹

مشکوة، فرهاد: ۱۰۷

مشیر، مرتضی (دکتر): ۵۲۶-۵۲۷

مشیری: ۳۸۴

مشیری، علی: ۵۳۱

مصدق، محمد (دکتر): ۹ تا ۶-۴۴-۴۷-۱۶۸

تا ۱۷-۱۸۵-۲۲۱-۲۲۴-۲۳۷-۲۶۰

۳۵۷ تا ۳۵۹-۳۹۱-۴۱۳-۴۲۵-۴۲۷

۴۳۱ تا ۴۵۲ تا ۴۵۵-۴۶۰ تا ۴۷۰-۴۷۴

۴۸۹-۵۱۷-۵۲۸ تا ۵۳۰-۴۷۸

مصطفوی (سرتیپ): ۲۴۰

مصور رحمانی (سرهنگ): ۲۴۰

معتضد (سرلشگر): ۳۰۴-۳۰۵-۳۶۴

معتمدی، رضا: ۱۹۳

معینیان، نصرت الله: ۵۶-۵۷-۵۸-۹۳

۳۰۵

مفرح، (مهندس): ۲۷۰

مقدم، خلیل الله: ۷

مقدم، ناصر (سپهبد): ۱۸۰ تا ۱۸۷-۱۸۹

۲۱۹-۲۲۳-۲۵۳-۲۵۸-۲۷۳ تا ۳۰۷

لاریجانی، حسین (نام قبلی ارتشیدفردوست):

۳۲۶

لاس، هنری: ۴۷

لاتون: ۱۴۰

لاهوتی (روحانی): ۲۷۷-۲۷۸

لدین، مایکل: ۴۶۴

لنکرانی، شیخ حسین: ۳۵۵

لنین، ولادیمیر: ۱۸۴

لواسانی (مأمور ساواک): ۱۷۲

لون لول: ۳۹۹-۴۴۰

لوئیز، ویلیام: ۳۲۵

لوئیس، ویلیام: ۴۶۴

لوئی، دو فونس: ۴۰۴

مارکوس، استیفن دیوید: ۶۴-۶۶

مارکوس (رئیس جمهور فیلیپین): ۱۲۲

مارکوس، ایمل: ۱۲۲

مازند، یوسف: ۱۳۷-۴۹۵

مالرو، آندره: ۴۷۹

مالک، نماینده ساواک: ۲۱۲

مالیک، آدام: ۱۳۶

ماهورتیان (سرلشگر): ۱۷۱-۲۵۱-۳۶۲

۳۶۳

مایر، آرمن: ۵۲۳-۵۲۴

میشری، اسدالله (دکتر): ۹۷-۱۷۰

مبصر (سپهبد): ۱۷۱-۲۳۳-۲۶۵-۲۶۶

۳۵۸-۳۸۴

متین دفتری، هدایت: ۱۹۳

مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۱۰۷

۳۳۵-۳۷۱ تا ۳۷۳-۳۹۵

مقدم، همسر ناصر مقدم: ۳۰۰

مقدونی، اسکندر: ۶۸

مک دونل، جیمز: ۶۹

مکری، کریم: ۸۶

مک کلان: ۴۷

مک کلی لاند: ۴۷

مکی، حسین: ۴-۵۲۵

ملک حسین: ۱۴۷-۲۳۰-۴۲۸

ملك زاده، مهدی (دکتر): ۳۸۴

منصف، محمد علی: ۱۲۲

منصف، محمود: ۱۲۲ تا ۱۲۶

منصور پور: ۷۴

منصور، حسن علی: ۳۰۲-۳۵۲-۴۶۹-۴۶۶

منصور، رجبعلی: ۱۰-۴۷۸

منصور (سرتیپ): ۲۳۱-۲۳۵-۳۹۰

منعم، حشمت الله: ۵۰۰

منوچهری، حسین (ارتشید بهرام آریانا): ۲۲۴

منیرزاد: محمد: ۱۹۸

موتقی (سرهنگ): ۳۵۰

مورف، جان: ۲۱۵

موریس، تقیل: ۴۹۱

موزوروا (اسقف): ۴۱۴

موسولینی: ح

موسوی اردبیلی: ۳۹۳

موسوی بجنوردی: ۳۹۹

موسوی (سرهنگ خلیبان): ۳۶۶

موسوی، عبدالمناف: ۱۹۲

مولوی (سرلشگر): ۱۷۱

مونت باتن: ۴۸۰

مهدوی: ۳۵

مهر علی زاده، حاج آقا: ۱۲۷

مهری آدریانی، سید ابراهیم: ۱۷۳

مهری آدریانی، سید جلیل: ۱۷۳

میتران، فردریک: ۱۰۸-۱۶۲-۱۶۸-۴۳۲

میر فخرانی، سعید: ۲۰۲

میر فندرسکی، احمد: ۱۹۸-۱۹۹

ن

ناپلئون: ۱۴۶

ناتانسون، جرج (آمریکائی): ۳۳۶

ناجی، (سرلشگر): ۲۸۹

نادری پور، بهمن: ۲۰۲

ناصری، (سرتیپ): ۲۳۶

ناصری، محمد: ۲۰۱

ناطق، اسماعیل: ۱۹۷

ناظر، فتح الله (دکتر): ۳۵۶

ناظم، علاء الدین (سپهبد): ۳۶۶-۳۸۷-۳۸۰

نوی، بهزاد: ۱۰۳

نجاتی (سرهنگ): ۴۷

نجم آبادی، فرخ (مهندس): ۸۵

نخجوان، امیر موقت: ۳۴۱

نخجوان (سرلشگر): ۳۴۷

نراقی، احسان (دکتر): ۷۶-۷۷

نشاط (سرلشگر): ۳۵۵-۳۷۰

نصیری (دکتر): ۲۶۰

نصیری، عنایت الله: ۲۶۰

نصیری، نعمت الله (ارتشید): ۷۴-۱۸۵-

۱۸۷-۱۸۸-۲۰۶-۲۱۰-۲۱۴-۲۲۳-

۲۳۰-۲۴۸-۲۵۳-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۱ تا

۲۸۳-۲۹۴-۲۹۷-۳۰۴-۳۰۶ تا ۳۰۸-

۳۱۶-۳۲۱-۳۳۷-۳۳۷-۳۴۹-۳۵۰-

۳۵۵-۳۴۶-۳۹۷-۴۱۴-۴۱۵-۴۲۵-

۴۶۳-۴۷۰

نعمانی (سرهنگ): ۱۷۱

نفیسی، فتح الله (مهندس): ۴۹۰-

نفیسی، مؤدب (دکتر): ۳۲۵

- نقدی (سرلشگر): ۳۴۳
 غازی، حسین: ۸۶
 نواب، حسینقلی: ۵۰۷
 نویری، علیرضا: ۹۸-۱۰۳
 نورائی: ۸۷
 نوری سعیدپاشا: ۲۳۱
 نویسی، روح الله (سرتیپ): ۳۸
 نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۲۹۲-۲۹۵-۴۸۳
 نهری، جواهر لعل: ۴۴۷-۴۷۹-۴۸۰
 نیک بخت (سرگرد): ۲۰۹
 نیکپور، عبدالحسین: ۳
 نیک پی، اعزاز: ۴۱۶
 نیک پی، غلامرضا (دکتر): ۵۱-۱۰۷
 نیکسون: ۶۳-۷۵-۱۴۶-۱۵۱-۲۶۲-
 ۴۰۰-۴۱۰-۴۱۲-۴۱۴-۴۴۰-۴۴۱-
 ۴۴۵-۴۴۷-۴۴۸-۴۶۲-۴۷۵-۴۸۳
 نیکنام، منصور: ۲۱۲
 نیمرودی، یعقوب: ۳۶۳
- ه
 هاشمی، جواد: ۱۱۴
 هاشمی (عراقی): ۱۱۵
 هاشمی، منوچهر: ۱۷۱
 هاشمیان، علی: ۱۹۳
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر: ۴۱۵
 هاشمی نژاد: (سپهبد): ۷۴
 هالیدی، فرد: ۱۸۱
 هامبارسون: ۴۰۳
 هامر، آرمانت: ۴۹
 هایزر، ژنرال آمریکائی: ۳۰۲-۳۳۳-۳۳۴
 هخامنشی، داریوش: ۱۴۱-۱۴۳-۱۴۸
 هخامنشی، کورش کبیر: ۱۳۱-۱۳۵-۱۴۱ تا
 ۱۴۴-۱۴۶-۱۴۸
 هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۲۲۲-۲۲۸
 هدایتی، محمدعلی (دکتر): ۴۵۸
 هرتر، مارتین: ۵۲۲
 هزیر، عبدالحسین: ۳-۴-۳۵۷-۳۵۸-۴۳۵
 هلمز، ریچارد: ۱۷۷-۳۲۳-۳۲۴-۳۳۳-
 ۴۰۶-۴۱۰-۴۲۷-۴۶۷
 هلمز (ژنرال): ۳۲۳
 همایون، داریوش: ۲۸۴-۲۹۹
 همتی گرجی، پرویز: ۱۷۳
 همدانیان، علی (ثروتمند اصفهانی): ۱۰۱
 همینگوی، ارنست: ۴۷۹
 هوشمند (سرتیپ): ۳۲۷
- و
 وارن اولیویه: ۷۰
 وارن، ویلیام: ۴۷-۵۲-۵۲۲
 واشنگتن، جرج: ۵۰۴
 واعظی دهنای، طاهره: ۱۷۳
 واعظی دهنای، مرتضی: ۱۷۳
 والا، عبدالله (مهندس): ۲۷۲-۲۷۳
 والترز، باریارا: ۱۰۰-۲۱۶-۲۶۱
 وان کلیف: ۱۳۰
 وثوق، سیداحمد: ۶۶
 وحیدی، محمود: ۲۰۲
 وحیدی، علامه: ۲۷۱
 وهرام، کریم (سپهبد): ۲۵۷
 وزیر (سرهنگ): ۲۰۱

ی

- هویدا، امیرعباس: ۵۵-۵۸-۶۰-۶۸-۶۹-
 ۷۵-۷۶-۸۰-۸۹-۱۰۷-۱۲۳-۱۸۷-
 ۲۱۰-۲۶۲-۲۷۱-۲۹۴-۳۰۴-۳۰۵-
 ۳۲۰-۳۵۲-۴۱۴-۴۵۲-۴۶۱-۴۶۳-
 ۴۶۶-۴۷۱- تا ۴۷۳-۴۷۶-۴۷۷-۴۸۱-
 ۴۸۴
- هویدا، فریدون: ۵۸-۱۷۴-۴۵۹
 هیکل، حسنین: ۱۴۶-۲۷۵-۴۰۹-۴۱۳-
 ۴۱۶
- هیلاسلاسی: ۸۸-۱۱۲-۱۴۵ تا ۱۴۷-۱۵۱
 هیتلر، ح
 هیراد، رحیم: ۴۰۳
- یادتسویچ، آمریکائی: ۳۵۱-۳۵۲-۳۶۳
 یزدان پناه، مرتضی (سپهبد): ۲۲۲-۲۲۵-
 ۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱۶-۲۶۶-۲۳۰-۴۲۳-
 ۴۷۳
- یزدانی، هژیر: ۱۰۸-۲۷۰-۲۷۱
 یزدی، ابراهیم (دکتر): ۲۷۷-۲۸۶-۴۹۰-
 یزدی، مرتضی (دکتر): ۳۵۷
 یگانه، محمد (دکتر): ۷۸-۱۰۱
 یگانه، ناصر (دکتر): ۳۳
 یمنی، اسماعیل: ۲۲۲

یادآوری:

اسامی مؤسساتی که بانیاد پهلوی و خاندان پهلوی شرکت داشته اند در صفحات ۱۵ تا ۲۸ چاپ شده است.

برای اطلاع از اسامی زندانیان به صفحات از ۱۹۳ تا ۲۰۰ و اسامی کمیته دفاع از زندانیان سیاسی به صفحه ۲۰۴ مراجعه شود.

فهرست اسامی جلد یازدهم

الف

- آبراهام لینکلن: ۴۰۲
 آجودانی (سرتیپ): ۲۹۶
 آدمیت، تهمورس: ۷۸
 آذر، مهدی (دکتر): ۲۹۸
 آذرخشی، رضا: ۲۶۹
 آذرفر، ماشاء الله: ۲۹۷
 آذری، علی: ۵۱۳
 آرام، عباس: ۲۸-۷۳-۷۷-۲۲۷-۴۵۵ تا ۴۵۷
 آرامش، احمد: ۱۹۲ تا ۱۹۶ تا ۲۰۲
 آرتیسدبریان: ۲۴۷
 آرمین، مایر: ۳۷۰-۳۷۱-۲۳۳
 آرموده، اسکندر (سپهبد): ۴۷۳
 آرموده، حسین (سپهبد): ۲۹۷-۲۹۹-۳۰۱-۳۰۳
 آشتیانی، رکن الدین (دکتر): ۵۲۶-۵۲۷
 آشتیانی، میرزاهادی: ۱۶۵
 آصفی، غلامرضا (مهندس): ۲۷۵ تا ۲۷۷
 آقاخان، کریم (سرلشگر-دکتر): ۱۰۵
 آقامیر (قاتل پدر ابتهاج): ۲۰۲
 آموزگار، جمشید (دکتر): ۶-۱۸-۸۹-۹۴-۱۰۸
 آملی، میرزاهاشم: ۴۳۹
 آموزگار، جهانگیر (دکتر): ۲۲۲-۲۶۱
 آندره مایر: ۱۸۴
 آیت اله زاده اصفهانی: ۱۸۵
 آیرم، محمدحسین (سرلشگر): ۲۰۵-۲۰۶
 آیزنهاور (ژنرال): ۶-۷۲ تا ۷۴ تا ۲۵۷ تا ۲۵۹-۳۴۷
 ابتهاج، ابوالحسن: ۸۰ تا ۸۷ تا ۱۹۲ تا ۲۱۶-۲۱۶
 ابتهاج، آذر (دکتر صنایع): ۸۷
 ابتهاج، احمد علی (مهندس): ۸۱
 ابتهاج الملك (پدر ابتهاج ها): ۲۰۲
 ابتهاج، غلامحسین: ۲۰۲
 ابتهاج، فاطمه (مادر ابتهاج ها): ۲۰۲
 ابتهاج، فرزندان: ۳۱۶
 ابتهاج، مریم (همسر پیشین ابتهاج): ۳۱۵
 ابطحی، جعفر: ۱۰۲-۴۹۱
 ابوذر (مهندس): ۲۱۶
 آپریم (دکتر): ۲۰۸
 اتابک، علی اصغر: ۲۴۵
 اتابکی، رحمت: ۵۲۲
 احرار، احمد ز: ۲۹۷
 احمدخانلو، جلیل: ۲۹۷
 احمدشاه بلوچ، برادر دادشاه: ۵۴
 احمد، مهدی: ۵۲۸-۵۳۰
 اخوی، جمال: ۱۳۴-۱۸۴ تا ۱۸۶ تا ۱۸۸ تا ۱۹۰
 ادیب، محمدحسین (دکتر): ۵۰
 ادناتر (صدر اعظم آلمان): ۱۷۹
 ادوارد هیث: ۳۸۷
 ارجمند، خلیل (مهندس): ۳۸
 ارجمند، مسیح (دکتر): ۳۸
 ارجمند، میرزارحیم: ۳۸
 اردلان، عباسقلی (دکتر): ۴۲
 اردلان، علی: ۲۸۷
 ارسنجانی، حسن (دکتر): ۱۶-۴۵-۸۹-۹۳-۹۵-۹۶-۲۳۸-۲۴۳-۲۶۱ تا ۲۸۴
 ۳۱۹-۳۲۱-۳۳۸-۳۵۰-۳۷۴
 ۳۹۲-۴۰۴ تا ۴۰۶ تا ۴۱۸-۴۱۹-۴۶۰-۴۶۲

اقتخاری، مهدی: ۱۱۷

افشارطوس، محمود (سرلشگر): ۳۴۳

اقبال، احمد: ۴

اقبال، توران: ۴-۱۵۳

اقبال، حاج مقبل السلطنه: (پدراقبال ها)

۴-۱۳۵

اقبال، خسرو: ۴-۱۵۲ تا ۱۵۴-۳۹۲-۳۹۳

اقبال، عبدالوهاب، اقبال التولیه: ۴-۱۳۱

اقبال، علی: ۴-۶-۱۵۸

اقبال، محمد: ۴

اقبال، مریم: ۱۵۳

اقبال، منوچهر (دکتر): از صفحه ۱ تا ۵۰۹ در

اکثر صفحات

اقبال، مونیک: ۱۵۵-۱۵۶

الموتی، مصطفی: د-ذ-۲۴-۱۴۴

الموتی، نورالدین: ۲۳۶-۲۳۵-۲۲۶ تا ۲۶۵-

۲۸۳-۲۹۶-۲۹۹-۳۰۲-۳۰۹-۳۱۰-

۳۲۸-۳۶۵-۳۷۳

الیزابت، ملکه انگلستان: ۱۷۹

امامی، احمد (دکتر): ۱۷-۲۴-۷۱-۱۲۲-

۱۴۰-۱۴۴-۲۱۷

امامی، حسن (دکتر، امام جمعه تهران): ۷۱-

۴۷۸

امامی، عبدالعلی (دکتر): ۴۱۶

امامی، نظام: ۳۶۷

امیدی، باباخان: ۴۲۹

امیراحمدی، احمد آقاخان (سپهبد): ۲۲۹

امیر پرویز، امیر حسین (مهندس): ۹۵-۹۶

امیر پرویز (سرتیپ): ۵۵

امیر حکمت، علی: (دکتر): ۷

امیر خیزی، اسماعیل: ۵۱۵

امیرعلاتی، شمس الدین (دکتر): ۷۵-۱۱۳-

۲۹۸-۳۱۸-۳۱۹-۳۷۳-۳۷۴

ارفع، حسن (سرلشگر): ۲۳۷

ارفع، حیدر علی (مهندس): ۹۶-۹۷-۹۸-

ارهارد، آلمانی: ۱۷۹

اژدری، محمد حسین: ۱۸

استالین، ژوزف: ۶۱-۳۳۶

اسدی، سلمان: ۲۰-۲۲-۲۳

اسدی، علی اکبر: ۵۱۶

اسدی، محمدولی: ۲۰

اسفندیاری، جمشید: ۲۸۵

اسفندیاری، حسن، محتشم السلطنه: ۳۹۲-

۴۷۷

اسفندیاری، موفق السلطنه: ۶۹

اسکندر میرزا: ۷۳

اسکندری، امیر نصرت: ۲۷۴

اسکندری، ایرج: ۲۳۵-۳۱۰

اسکندری، عباس: ۲۶۸-۳۱۹

اسلامی، شیخ عباسعلی: ۴۵۳

اسلامی نیا، هدایت الله: ۲۹۷

اشتری، هادی: ۲۵۳-۲۶۱-۳۷۵

اشرف احمدی: ۲۰۰-۲۲۳-۲۲۷

اشراقی، قاسم (مهندس): ۱۷۶

اصفهانلی، ابوطالب (جدشرف امامی): ۱۷۸

اصفیا، صفی (مهندس): ۸۵-۱۹۳-۴۹۲

اعتبار، عبدالحسین (دکتر): ۵۲

اعتصام، علی اصغر: ۱۵۹

اعتصامی، پروین: ت

اعتلاء الملك: ۲۴۶

اعتماد، (دکتر): ۷

اعتمادزاده، شیخ علی اصغر: ۴۵۳

اعتمادی، ناصر: ۲۹۲

اعلم، ایران (دکتر): ۳۶۸

اعلم، جمشید (پرفسور): ۱۱۱-۱۱۲-۴۷۵

- ۱۳۹ امیرفضلی، نصرالله (سرلشگر): ۱۰۴
- انصاری، عبدالرضا (مهندس): ۶-۱۸-۵۱-۹
 ۴۷۹-۴۶ امیرکبیر، میرزا تقیخان: ۲۴۸
 انصاری، هوشنگ: ۵۰۰ امین الدوله، محسن خان (پدر دکترا امینی):
 ۲۴۵-۲۳۴
 انواری، احمد: ۵۱۷ تا ۵۱۹ امین الدوله، میرزا علیخان: ۲۴۴-۲۴۵-۲۴۸
 انور سادات: ۳۱ امین ناطقی، مریم: ۱۰۱
 اورسل: ز-ژ امینی، ابوالقاسم: ۲۴۵-۲۶۹-۳۴۸-۳۴۷-۳۶۸
 اورل، هرین: ۲۳۲ امینی، احمد: ۲۴۵-۲۴۹
 اهری، شیخ عیسی: ۴۵۳ امینی، ایرج: ۲۳۵
 اهورهوش، نصرالله: ۳۶۶ امینی، بتول (وثوق)، همسر دکترا امینی: ۲۳۵-۳۶۴ تا ۳۶۸
 ایادی، عبدالکریم (دکتر): ۳۳-۳۸ امینی، حسن (سرلشگر): ۲۵۳
 ایزدی، بنان الملک: ۱۱۳ امینی، رضا: ۲۴۵
 ایلخان ظفر، امیرحسین خان: ۲۰۷ امینی، علی (دکتر) از صفحه ۴۸۶ تا ۴۸۷ در اکثر
 ایوب خان (مارشال): ۳۵۱-۳۵۸-۳۶۱ صفحات
- ب**
- باتمانقلیج، مهدی: ۲۶۸-۲۷۹ امینی، غلامحسین: ۲۴۵
 باتمانقلیج، نادر (سپهبد): ۱۱۴ امینی، فخرالدوله، (مادر علی امینی): ۲۳۴-۲۳۵
 باتمانقلیج، هوشنگ: ۴۸۸ امینی، محمد: ۲۴۵-۲۴۷-۳۶۵-۳۷۴-۳۷۶
 باری، رویین: ۲۳۲ امینی، محمد حسین: ۲۴۵
 بارون، جولیس: ۲۰۳ امینی، محمود: ۲۴۵-۳۶۵
 بازرگان، مهدی (مهندس): ۲۲۲-۲۵۳-۳۳۳ امینی، معصومه: ۲۴۵
 -۳۳۴-۴۵۵ امینی، مهدی (دکتر): ۳۶۶-۳۶۸
 باقراف: ۳۸-۲۰۲ امینی، لنگرودی، علی: ۳۷۴
 باقرخان (سالار ملی): ۲۷۴ انتظام السلطنه: ۱۶۵
 باقریان، محمدباقر: ۴۶۶ انتظام الممالک: ۱۶۵
 بامداد، مهدی: ۳۸۰ انتظام عبدالله: ۵۷ تا ۵۹-۱۶۵-۲۲۲-۲۵۳
 باهری، محمد (دکتر): ۲۳۸-۳۱۲-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۳-۳۶۸-۴۷۷ تا ۴۷۹
 -۳۸۵-۳۸۶-۴۱۸-۴۶۹-۴۹۷-۴۹۸-۵۰۰ انتظام، نصرالله: ۱۶۵-۳۶۶-۴۱۶ تا ۴۱۸
 ۵۰۰ اندرسن (پروفسور آمریکائی): ۱۶
 بختیار، تیمور (سپهبد): ۳۹ تا ۴۱-۴۸-۱۰۸ انصاری، شیخ زین العابدین: ۱۰۸-۱۰۹-۱۱۵-۱۲۶-۱۳۹-۲۳۹-۲۵۴-۲۸۶

- ۲۲۲-۲۶۵-۲۶۶-۲۸۷-۲۸۹-۲۹۱-۲۹۸-۲۹۹
 بهبهانی، خانواده: ۲۸۹
 بهبهانی، کاظم (مهندس): ۲۰۸
 بهبهانی، سید عبدالله (آیت الله): ۱۳۸
 بهبهانی، میرسید محمد (آیت الله): ۹۱-۹۴-۱۳۷-۲۰۸-۲۴۶-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۱
 ۴۳۴
 بهداد، صادق: ۲۹۸
 بهراد، محمود (دکتر): ۲۲۳
 بهرامی، مدیرکل بهداری (دکتر): ۷
 بهرامی، شاپور (دکتر): ۵۲۶-۵۲۷
 بهزادی، علی (دکتر): ۴۶-۴۸
 بهمن پور: ۵۱۸
 بهنام، میرزا عیسی خان: ۱۶۵
 بهنود، مسعود: ۶۳-۹۴-۱۳۷-۱۷۸-۲۳۲-۳۵۳-۴۹۸
 بهنیا، عبدالحسین: ۲۵۳-۲۵۶-۲۶۱-۲۶۲
- پ**
- پارسون: ۳۷۸-۴۵۷
 پاشانی، مجتبی (دکتر): ۵۲۱ تا ۵۲۵
 پاکذات، ابوالقاسم: ۴۸۶
 پارسا، فرخ رو (دکتر): ۴۸۶
 پاکروان، حسن (سرلشگر): ۲۰۰-۲۵۴-۲۷۸-۲۹۹-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۴-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۲-۵۲۷
 پاینده، ابوالقاسم: ۴۹۰
 پرتوا عظم، امیر حسین (دکتر): ۴۷۸
 پرویزی، رسول: ۱۳۸-۳۸۵-۵۰۱
 پرنس، علیخان: ۶۸
 پژمان، عیسی (سرهنگ): ۵۲۰-۵۲۸
- ۲۹۵-۳۱۱-۳۳۳-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۶-۳۵۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۷۱-۴۷۱-۴۷۱-۵۱۸
 ۵۲۶
 بختیاری، شاپور (دکتر): ۲۹۸-۳۲۹-۳۳۰
 ۳۳۴-۳۷۲
 بختیاری، امیر بهمن صمصام: ۴۲۹
 بختیاری، جعفر قلیخان (سردار اسعد): ۲۰۶
 بختیاری، صمصام: ۱۶۶
 بختیاری، صمصام (روشن ملک): ۱۶۶
 برزگر (دکتر): ۱۶
 برزنف: ۴۸۳
 بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله): ۹۱-۹۳-۹۴-۱۷۹-۲۸۲-۴۴۵-۴۶۱-۵۲۵
 برومند (مهندس): ۲۲۷
 بشارت، حسین: ۲۴۲
 بغایری، عبدالرزاق: ۱۶۵
 بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۱۳۲-۴۵۵
 بقائی نائینی، حسن: ۲۶۵
 بگائی، شیخ محمد حسین: ۴۵۳
 بلالی، سیاوش: ۳۷۴
 بن بلا: ۳۱۲
 بنی فضل: ۲۶۵
 بوذرجمهر: (۲۴۷)
 بوذریابان، سید علی: ۴۶۵
 بوشهری، رضا: ۲۰۲
 بوشهری، مهدی: ۲۰۲
 بهادری، سعید (دکتر): ۲۰۰ تا ۲۳۳
 بهار، شیخ احمد: ۳۹۲
 بهار، محمد تقی، ملک الشعراء: ۲۶۹
 بهبودی، سلیمان: ۹۴-۳۳۴-۳۷۵-۴۳۱
 ۴۳۳
 بهبهانی، آقا جعفر: ۴۸-۹۱-۹۳-۱۲۷
 ۱۲۹-۱۳۱-۱۳۴-۱۳۷-۱۳۸-۲۲۰-

پکوف: ۲۸۶

پل هوومن: ۳۱۳

پورسرتیب، فتح الله: ۱۸۷

پوروالی، ابوالقاسم: ۱۶۵

پوروالی، اسماعیل: ۱۱۶-۱۱۸-۳۹۲

پورهامیون، علی اصغر (دکتر): ۲۶۱

پویان، (پرفسور): ۴۱۶

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۸۳-۱۷۱-۲۰۲-

۲۰۷-۳۸۴-۴۱۶-۴۶۹-۵۰۶ تا ۵۰۸

پهلوی، تاج الملوک (ملکه مادر): ۳۶-۳۸۴-

۵۰۶-۵۰۷

پهلوی، ثریا (ملکه سابق): ۵۰۸

پهلوی، رضاشاه: ۱-۵-۱۳-۱۸-۲۰-۵۶-

۶۵-۱۶۶-۲۰۴ تا ۲۰۷ تا ۲۴۵ تا ۲۴۸

۲۶۳-۳۷۹ تا ۳۸۴ تا ۳۸۷-۴۱۹-

۴۳۱-۵۱۸

پهلوی، رضاشاه دوم: ۳۷۲

پهلوی، شهناز (شاهدخت): ۵۰۷

پهلوی، عبدالرضا (شاهپور): ۲۳۶-۵۰۷

پهلوی، غلامرضا (شاهپور): ۵۰۶-۵۰۷

پهلوی، محمدرضا شاه: در اکثر صفحات

پهلوی، محمودرضا (شاهپور): ۱۷۱

پهلوی نیا، شهرام (والاگهر): ۳۶۸-۳۸۴-

پیراسته، مهدی (دکتر): ۴۱ تا ۴۳ تا ۳۶۶-

۴۷۳-۴۸۷-۴۹۱

پیردوری (مهندس): ۵۱۳

پیرنیا، حسن، مشیرالدوله: ۱۶۵-۲۳۵

پیرنیا، حسین (دکتر): ۱۷۳-۲۲۳

پیرنیا، هرمز: ۲۳۵

پیروزان، محمدعلی (سرلشکر): س

پیشه وری، سیدجعفر: ۳۹۳-۴۳۶

پی یرجمایل: ۵۲۴

ت

تجدد، مصطفی: ۸۴-۸۵

ترات: ۲۰۴-۵۲۸

ترتبی، عماد: ۱۸-۲۷۷

ترومن (رئیس جمهور آمریکا): ۲۳۶

تزار: ۳۶

تفضلی، ابوالقاسم (دکتر): ۱۶-۱۸۴-۳۹۴

تفضلی، تقی: ۳۹۴

تفضلی، جهانگیر: ۳۹۱ تا ۳۹۴-۴۴۱

تفضلی، محمود: ۳۹۲-۳۹۴

تقی زاده، سیدحسن: ۲۳۸-۲۵۰-۲۸۹-

تا ۲۹۱-۵۱۵

تقی زاده، محمدرضا: ۴۶۵

تنکابنی، حاج سیدحسین: ۱۱-۱۲۳-۱۲۴

توانا (مهندس): ۵۲۹

توللی، فریدون: ۳۸۵

تهرانچی، تاجر: ۱۴۳

تهرانی، ارباب زین العابدین: ۳۷۵

تهرانی، سیدجلال: ۲۷۵ تا ۲۷۸ تا ۳۱۲-۴۶۴

تهرانیان، محمدصادق: ۲۷۷

تیمورتاش، عبدالحسین: ۲۰۵

تیمورتاش، منوچهر: ۹۴

ث

ثابت، حبیب: ۳۳ تا ۳۸

ج

جابر انصاری، اقدس: ۵۱۹

جاوید، هاشم: ۱۰۲

جاویدی، فریدون: ۴۲۹

جزایری، شمس الدین (دکتر): ۲۵۳

جعفری، جعفر: ۱۱۱

جعفری، رضا: ۱۸۴-۲۲۰

جفرودی، کاظم (مهندس): ۱۰۲-۱۲۱

جلال پایار: ۵۸-۷۳

جلیلی، محمود: ۱۷۴

جم، محمود: ۱۸-۱۳۹-۱۶۶-۲۲۹-۳۸۰

جمال زاده، محمدعلی: ذ-ر-ز

جنگی: ۲۲۳

جواهر لعل نهرو: ۶۲-۳۳۱-۴۳۰

جوئن لای: ۲۲۷

جهانبانی، خسرو: ۵۰۷

جهانشاهی، غلامحسین (دکتر): ۴۱۶

جهانشاهی، محمد: ۳۰۸-۳۱۰

جهانگیری (مهندس): ۱۰۸-۱۰۹-۵۱۴

چ

چستریاولز: ۳۵۹

چمران، مصطفی (دکتر): ۵۲۷

چهل ستونی، حاج میرزا عبدالله: ۴۷۵

ح

حاج خداداد: ۳۷۵

حاج رضائی، اسماعیل: ۴۲۹-۴۶۵-۴۶۶

حاج رضائی، طبیب: ۳۷۵-۴۲۸-۴۲۹-۴۶۵

تا ۴۶۷

حاج رضائی، علی اصغر: ۴۶۶

حاج سیدجوادی، احمد: ۱۲۶-۱۹۶

حالت، ابوالقاسم: ۱۵۹-۱۶۰

حایری، شیخ عبدالکریم (آیت الله): ۴۴۵

حایری، شیخ مرتضی: ۴۳۸

حایری زاده یزدی، سید ابوالحسن: ۱۴۶-۱۴۷

حجازی، مسعود: ۲۹۸

حسابی، محمود (دکتر): ۳۱۸-۳۷۴

حسام الملك: ۳۷۹

حسین، هیکل: ۶۳

حسینی، کاظم (مهندس): ۲۹۸

حسینی، سید احمد: ۴۵۳

حسینی نژاد (دکتر): ۱۶

حشمت الدوله، میر علم خان: ۳۷۹-۳۸۰

حکمت، رضا، سردار فاخر: ۱۴-۹۲-۹۳-۱۴۶

تا ۱۴۸۴-۱۸۴-۲۲۰-۲۲۲-۲۲۳-۲۴۲

۴۷۷-۲۸۹

حکمت، علی اصغر: ۶۵-۷۲-۷۳-۲۲۳

۴۷۷-۲۸۹

حکمتی: ۲۲۳

حکیم (آیت الله): ۲۸۲-۴۴۲

حیات داودی، حیدرخان: ۱۱۳

حیات داودی، فتح الله: ۱۱۲-۱۱۳-۴۲۹

خ

خاتم، محمد (ارتشبد): ۵۰۶-۵۰۸-۵۰۹

خاچیکیان، هرات: ۵۳

خان کارلوس: ۵۰۹

خانعلی، ابوالحسن (دکتر): ۲۱۹ تا ۲۲۵-۲۵۳

-۲۶۴

خراسانی، حاج ملا کاظم (آیت الله): ۱۳۸

خرم، رحیم علی: ۵۳۰

خروشچف: ۶۲-۱۷۹-۳۵۴-۳۵۵

خزاعی (سرلشگر): ۲۹۶

خزائلی (دکتر): ۱۶

خزیمه علم، امیر حسین خان: ۳۷۹

خسروانی، خسرو (دکتر): ۲۰

خسروانی، عطاء: ۲۲۲-۲۶۱-۴۸۴

-۴۹۰

خطیبی، حسین (دکتر): ۴۹۰

خلج، اسماعیل: ۴۶۵

خلخالی، فاضل: ۱۶۵

- خلعت بری، ارسلان: ۹۲-۹۴-۹۵-۱۲۷-
 ۱۲۹-۱۳۸-۱۹۲-۲۲۰
- خلعت بری، خانواده: ۱۲۵
- خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۶۴-۷۰-۷۷-
 خمینی، سیدروح الله (آیت الله): ۷۱-۷۸۲-
 ۳۳۶-۳۷۲-۳۹۴-۳۹۸ تا ۴۰۰-۴۲۶-
 ۴۳۰ تا ۴۸۵
- خمینی، مصطفی: ۴۴۴-۴۴۹-
 خندق آبادی، شیخ حسین: ۴۵۳-
 خواجه نصیرالدین طوسی: ۲۴۸-
 خواجه نظام الملک: ۴۳۹-
 خواجه نوری، (دکتر): ۲۲۳-
 خونساری (آیت الله): ۴۳۳-۴۳۴-۴۵۳-
 ۴۶۲
- د
- دادشاه: ۵۳-۵۴-
 دادفر (دکتر): ۴۹۳-
 دادور، محمد: ۱۸-
 داک هامرشولد: ۶۸-
 دالس، برادران: ۷۴-۲۳۶-۲۵۸-۳۳۷-
 ۳۷۳
- داور، علی اکبر: ۱۵۷-۲۰۶-۲۰۷-۲۳۵-
 ۲۴۷
- داوسن، کلنل: ۵۱۲-
 درخشش، محمد: ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۴-۱۳۸-
 ۲۱۹-۲۲۵-۲۵۲ تا ۲۶۵-
 درخشش، مینا: ۳۶۸-
 دروازه قزوینی، محمدخان (دکتر): ۳۸-
 دریانی، مهدی: ۸۴-۱۰۰-۱۰۱-
 دستغیب، سیدعبدالحسین: ۴۲۷-
 دستغیب، سیدکاظم: ۴۳-
 دستغیب، سیدهاشم: ۴۵۳-
- دستغیب، محمد مهدی: ۴۲۷-
 دشتی، علی: ۵۲۵-
 دفتری، محمد (سرلشکر): ۲۹۶-
 دفتریان، حسین (مهندس): ۵۱۲-۵۱۳-
 دلدم، اسکندر: ۲۳۳-
 دلیری، ستار: ۵۱۸-
 دنیس، رایت: ۸۴-۵۰۳-
 دوگل (ژنرال): ۲۳۸-۲۷۸-۴۸۳-
 دولت آبادی، حسام: ۱۸-
 دولو، امیر هوشنگ: ۳۰۴-۳۰۵-۳۰۹-۴۹۸-
 ۲۱۵-
 دها، سیدحسین: ۱۶۷-
 دهخدا، ابراهیم: ۱۶۵-
 دهخدا، علی اکبر: ۱۶۵-۴۷۷-
 دهقان، عبدالحسین: ۲۰۲-
 دهقان، علیمحمد: ۲۰۲-
 دیبا، فرح (شهبانو): ۱۵۱-۲۲۴-۳۵۸-۳۵۹-
 ۳۸۵-۴۶۱-۵۰۸-۵۰۹-
 دیبا، فریده: ۵۰۶-۵۰۷-
 دیلمی (سرلشکر): ۱۰۹-
 دیوان بیگی: ۲۸۸-
- ذ
- ذوالفقاری، ناصر: ۲۵۳-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۸-
 ۲۷۱-۲۷۹-
 ذوالقدر، مظفر: ۶۰-
 ذوقی، عنایت الله: ۴۶۵-
 ذوقی تبار، محمود: ۴۶۵-
- ر
- راجر، استیونز: ۸۳-
 رادفور: ۸۶-
 رادمنش، رضا (دکتر): ۴-

- راکفلر: ۶۴
راکول، ۴۹۸
رامبد، هلاکر: ۱۲۱-۲۲۷-۴۹۰-۴۹۱
رزم آرا، حاجیعلی (سپهبد): ۴۷-۴۹-۱۱۳-
۱۷۸-۲۱۵-۲۳۲-۳۳۷-۳۵۳-۳۶۹
رستم، حسینقلی: ۱۱۳-۴۲۹
رشتی، سردار محیی: ۲۰۴-۲۳۴
رشتی، محمدعلی (دکتر): س
رشتی، میرزا کریم خان: ۲۰۴-۲۳۴-۲۳۵-
۲۴۵-۳۷۴
رشیدیان، اسدالله: ۱۲۹-۲۲۲-۲۸۷-۲۹۲-
۲۹۷-۲۹۸-۵۰۹
رشیدیان، برادران: ۲۹۹
رضا، فضل الله (پرفسور): ۱۶۴
رضائی، خلیل الله: ۴۳۰
رضائی، قاسم (دکتر): ۱۸
رفعت، عبدالصمد (دکتر): ۱۱۶-۱۱۷
رفعت، علی اصغر (سرلشکر): ۵۴-۱۱۶
رفیع، حاج آقا رضا، قائم مقام: ۹۴
رفیع خان: ۳۷۹
رفیعی، داریوش: ۳۹۴
روتشتاین: ۷۸
روحانی، سیدحمید: ۴۳۰
روحانی، منصور (مهندس): ۸۳-۴۸۵
روحبخش، تقی: ۲۴۹
روستا، عباس: ۴۸۷
روغنی: ۴۶۵
رونقی (دکتر): ۱۰۵
رهر، حسن: ۹۶
رهنما، غلامحسین: ۱۶۷
ریاحی، ابراهیم (دکتر): ۲۶۱
ریاحی (سپهبد): ۲۷۰
ریاحی، منوچهر: ۱۳۹
- ریاضی، (سرلشکر): ۱۶۶
ریاضی، عبدالله (مهندس): ۱۵۱-۲۲۲-
۲۲۶-۲۳۵-۴۸۶-۴۹۲
ریگی، امان الله: ۱۸۵
رئیس، محمود: ۲۹
- ز**
زاوش (مهندس): ۲۸۳
زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۱۵-۵۱-۵۸-
۸۱-۱۷۸-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۶-۲۵۰-۳۰۴
-۳۶۸-۳۵۵-۳۴۸-۳۴۶-۳۳۸-۳۳۶-
۳۶۹-۳۸۷-۵۱۷-۵۱۹
زاهدی، اردشیر: ۱۳۸-۳۷۱-۵۰۸
زرنکار: ۵۱۵
زین کفش: ۵۱۵
زنجانی، سیداحمد: ۴۳۹
زنجانی، سیدعزیزالدین: ۴۵۳
زند، ابراهیم: ۲۱۵
زنگنه، محمود: ۵۰۷
زنوزی: ۲۱۸
زهباب فرد، رحیم: ۴۹۱
زیرک زاده، احمد (مهندس): ۲۹۸
- ژ**
ژیرایر: ۲۰۶
- س**
سادات خمسی: ۳۸
سازوف (مهندس): ۵۱۳-۵۱۴
ساعد، محمد: ۲۲۹-۳۸۷
ساعتساز: ۵۱۵
ساعی (مهندس): ۳۱-۳۹۳
سالور، عباس (مهندس): ۹۶-۴۸۴

ش

- سپهدار رشتی: ۲۰۲
 سپهر، علی: ۲۹۸
 سپهر، فضل الله: ۴۶۶
 سپهر، مورخ الدوله: ۲۴
 سپهسالار تنکابنی: ۲۰۴-۲۰۶
 ستارخان (سردار ملی): ۲۷۳
 ستوده (دکتر): ۲۲۳
 سجادی، محمد (دکتر): ۲۲۲-۲۲۳-۸
 سبحانی، یدالله (دکتر): ۲۵۳-۳۳۳
 سدريك، فاستر: ۲۸۶
 سراپندی: ۹۶
 سرتیپ پور، جهانگیر: ۱۴۵
 سرریدریولارد: ۳۸۴
 سرکلارمونت، اسکرین: ۳۸۶
 سرلک، تقی (مهندس): ۲۶۱
 سرمد، صادق: ث-ج
 سروری، محمد: ۱۴-۲۸۹-۳۹۰-۴۷۷
 سعیدی، محمد: ۲۱۵
 سلطانیه ۴۴
 سمسار (دکتر): ۳۷۲
 سمیعی، ادیب السلطنه: ۱۶۵-۴۷۷
 سمیعی، مصطفی: ۵۹
 سمیعی، هوشنگ (مهندس): ۲۶۱
 سنجابی، کریم (دکتر): ۲۹۸-۳۲۲-۳۲۴-۵۱۹
 سوکارنو: ۴۳۰
 سولیوان: ۴۵۷
 سیاح، محسن (دکتر): ۱۷۵
 سیاح، حمید: ۶۶
 سیاسی، فرزندان: ۱۶۶
 سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۱۶۱ تا ۱۶۷-۲۸۸
 سینکی، مجد الملک: ۲۴۴
 شاپور، ریچودتر: ۲۳۶-۳۸۵-۳۸۷
 شادمان، جلال: ۳۹۲-۳۹۳
 شاطر نصرالله (پدر سرلشکر ضرغام): ۳۲
 شالچیان، حسن: (مهندس): ۴۷۹
 شانه چی، حاجی: ۴۳۰
 شاهرودی، باقر: ۲۸۸
 شاهکار، محمد (دکتر): ۴-۵-۱۷-۱۸-۹۴-۹۴
 ۳۱۱-۳۱۰-۱۲۲-۱۰۲-۹۵
 شایسته، میرزا احمدخان: ۱۶۵
 شایگان، سیدعلی (دکتر): ۱۶۴
 شب پرده (سرهنگ): ۲۹۶
 شرف الدین (آیت الله): ۵۲۴-۵۲۵
 شریعت زاده، احمد: ۲۰۴-۳۱۱-۳۱۰
 شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۴۳۸-
 ۴۴۸-۴۵۰-۴۵۴-۴۶۳
 شریف، (سرتیپ): ۵۳
 شریف امامی، جعفر (مهندس): ۷۸-۷۹-۸۷-
 ۱۷۴ تا ۱۷۷-۲۹۷-۳۰۱-۳۳۹-
 ۳۷۱-۴۱۶
 شریف امامی، حاج محمد حسین نظام الاسلام
 (پدر شریف امامی ها): ۱۸۷
 شریفی، احمد هوشنگ (دکتر): ۱۶۴
 شفائی، اسماعیل خان (سرلشکر): ر
 شفق، رضا زاده (دکتر): ۲۷۳-۴۷۷
 شفیق، شهریار: ۱۷۱-۱۷۲
 شفیع امین، محمد (دکتر): ۴۸۶
 شقاقی، حسن: ۱۶۳
 شکوه، حسین (شکوه الملک): ۴۷۷
 شکوه، محمد علی: ۳۲
 شمس، (مهندس): ۵۳
 شمشادی، حسین: ۴۶۵
 شمشیری، حاج حسن: ۱۸۱

صدیقی، غلامحسین (دکتر): ۲۵۷-۳۱۹-
 ۳۳۲-۳۲۸
 صفاری، محمدعلی (سرتیپ): ۱۸-۱۲۲-
 ۵۲۹-۱۵۸
 صفویان (پروفسور): ۵۰۷-۵۰۹-
 صمصام الدوله: ۳۷۹
 صمیمی، حسن: ۳۷۵
 صورتگر، لطفعلی (دکتر): ۱۰۵-
 صیرفی (دکتر): ۳۶۵

ض

ضرغام، علی اکبر (سرلشکر): ۲۴ تا ۳۳-۴۱-
 ۳۰۱-۲۹۶-۱۱۴-۱۰۷-۱۰۶-۵۵

ضرغامی، سهراب: ۴۲۹

ضیائی، ضیاء الدین: ۱۶۷

ضیائی، طاهر (دکتر): ۴۱۶-۴۱۸

ضیائی، محمود: (دکتر): ۳۸۰

ط

طالاری، سیدمجتبی: ۴۶۶

طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۲۵۳-۳۳۳

طاهباز، قاسم (دکتر): ۱۲۴

طاهری، ناصر: ۴۲۹

طبا، عبدالحسین (دکتر): ۲۶۱

طباطبائی، آقا احمد: ۱۳۳-۱۳۴-۵۲۵

طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۶-۶۶-۲۳۵

۲۴۶-۲۳۸

طهماسبی، کریم: ۱۸۵

ظ

ظهیر الاسلام: ۲۳۸

ظفر، قباد (مهندس): ۱۰۲-۱۲۱

شمیم، علی اصغر: ۴۶

شنایدر: ۱۱۱

شهاب فردوس: ۲۳۶-۲۸۳

شهبازی، حبیب الله: ۱۱۳-۴۲۹

شهرستانی (آیت الله): ۲۴۹

شهرستانی (سرهنک): ۲۱۹-۲۶۴

شهریاری، عباس: ۵۲۰

شهمیرزادی، حسن: ۴۷۹

شیخ الاسلام زاده (دکتر): ۱۵۱

شیخ الاسلامی (سرهنک): ۵۲۸

شیخ محمدحسین: ۱۶۵

شیرزاد، عباس: ۴۶۵

شیلانی، امیر (دکتر): ۷۷

ص

صادق تهرانی، عبدالله: ۴۶۶

صادقی (سرلشکر): ۳۰۰

صالح، اللهیار: ۱۴-۱۸۱ تا ۱۹۱-۲۱۷-

۲۱۹-۲۲۲-۲۳۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۹-

۲۶۴-۲۸۷-۲۸۹-۳۱۸ تا ۳۲۰-۳۲۲-

۳۳۲

صالح، جهانشاه (دکتر): ۱۱۱-۱۶۴-۲۲۲

صالح نیا، حسین: ۴۶۶

صالحی، شیخ محمود: ۴۵۳

صبی، موسی: ۳۴۶

صدام، حسین: ۵۲۰

صدر (آیت الله): ۵۲۵

صدر، جواد (دکتر): ۵۲-۷۲

صدر، محسن (صدرالاشراف): ۷۲-۹۴-۲۸۸

صدر، موسی: ۵۲۰ تا ۵۲۸

صدرزاد، مهدی: ۹۲

صدری، سید محمد: ۴۵۳

صدیق اعلم، عیسی (دکتر): ۸۵-۱۶۷-۲۲۳

- علم، امیراسدالله خان: از ص ۵ تا ۵۱۰ در اکثر صفحات
- علم، شوکت الملک: ۳۷۸ تا ۳۸۰-۳۸۶-۳۸۷-۵۰۲
- علم، مصطفی (دکتر): ۴۸۸
- علوی کیا (سرلشکر): ۵۲۲-۵۲۴
- علوی مقدم، مهدیقلی (سپهبد): ۱۸۳-۳۹-۱۸۳
- ۱۸۴-۱۹۰-۲۹۶-۲۹۷-۳۰۱
- علی آبادی (دکتر): ۲۲۳
- عمیدی نوری، ابوالحسن: ۱۴-۲۴-۸۹-۹۴
- ۱۱۰-۱۲۳ تا ۱۲۶-۱۴۰-۵۱۶-۵۱۸
- عاقلی، باقر (دکتر): ۲۹۷
- عالیخانی، علینقی (دکتر): ۱۶۴-۳۸۹
- ۵۰۵ تا ۵۱۰-۵۲۳
- عامری، میرزا جواد خان: ۱۶۳-۱۶۵
- عاملی، باقر (دکتر): ۱۶-۴۲-۵۲-۳۶۷
- عامری، ناصر (دکتر): ۱۸-۴۸۶
- عبدالله (نایب السلطنه عراق): ۶۳
- عبدالکریم، قاسم: ۶۳-۶۴
- عبدالناصر: ۶۲ تا ۶۴-۴۳-۴۳۶-۴۴۲-۴۴۴
- ۵۲۱ تا ۵۲۳-۴۶۰-۴۶۰
- عبدالرسول خان: ۱۱۳

غ

- غفاری، خانواده: ۳۸۴
- غفاری، شیخ حسین: ۴۵۳-۴۷۶
- غفاری، هادی: ۴۷۶
- غنی، قاسم (دکتر): ۳۸-۲۰۲-۴۷۷
- غیبانی، حیدر (مهندس): ۲۹۷
- عبدالقیس، جوجو: ۴۶۰-۴۶۲
- عبده، جلال (دکتر): ۳۲-۶۷-۷۱-۷۲-۲۲۳
- عدل، یحیی (پرفسور): ۱۹-۱۲۱-۵۰۱
- عرب، حسن: ۳۷۵
- عروضی (مهندس): ۲۱۶
- عزیزی، صادق (سپهبد): ۲۱-۲۲۲-۲۶۱
- عزیزی، موسی (دکتر): ۱۱۰-۱۲۴
- عسگری، امیر هوشنگ (دکتر): ۳۷۳
- ۳۶۷: عضدی
- عضدی، خانم: ۳۶۵-۳۶۶
- عظیما، امیر ارتش: ۵۲۲-۵۲۳
- عظیمی (ارتشبد): ۴۱۶-۴۷۳
- عقیلی، عبدالله: ۲۸۷

ف

- فاتح، مصطفی: ۸۷-۳۷۵
- فاضل، حسین (دکتر): ۳۸۰-۳۸۳
- فاطمی، حسین (دکتر): ۴۷-۳۱۸-۳۲۰-۵۱۸-۵۲۶
- فاطمی، سیف پور (دکتر): ۵۱۸
- فاطمی، عماد السلطنه: ۵۱۷-۵۱۸
- فخرآزانی، ناصر: ۲۳۶
- فداکار، تقی: ۵۱۵
- فرامرزی، عبدالرحمن: ۷-۱۴۰-۲۸۹-۲۹۱
- فرخ، مهدی: ۳۷۹
- فرخو، نصرالله خان: ۲۰۳
- فرخی یزدی: ن
- فردوست، حسین (ارتشبد): ۳۸۳-۳۸۴-۵۲۸
- علاء، حسین: ۳۴-۳۷-۵۳-۶۰-۸۰-۸۵
- ۲۰۱-۲۰۸-۲۱۴-۲۲۲-۲۳۶-۲۵۷
- ۲۷۷-۲۷۸-۳۱۴-۳۳۸-۴۷۷-۴۷۸
- علاقبند، حسین: ۲۳
- علامه طباطبائی: ۴۳۸
- علامه قزوینی، محمد: ۴۷۷-۴۷۸
- علامه وحیدی: ۴۷۵

- تا ۵۳۰
فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۲۰۵
فرود، فتح الله: ۱۲۹-۲۲۲-۲۶۵-۲۸۷-۲۹۲-۲۹۷-۲۹۸
فروزان: ۲۱
فروغی، امین الله: ۵۲۵
فروغی، محسن (مهندس): ۱۰۲-۲۹۷
فروغی، محمدعلی: ۱۶۵-۱۶۷-۲۴۷-۳۸۲
۵۱۶-۵۱۷
فروهر، ابوالقاسم: ۱۰۶
فروهر، داریوش: ۵۱۹
فروهر، صادق (سرهنگ): ۵۱۹
فروهر، غلامحسین: ۵۱۵
فهاد (دکتر): ۱۵۰-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۰-۱۸۱-۲۹۵
فهرودی، حسین (دکتر): ۲۲۳
فریور، غلامعلی (مهندس): ۲۴۹-۲۵۳-۲۵۹
۲۶۱-۲۶۲-۳۳۳
فلاح، رضا (دکتر): ۱۵۱
فلسفی، حسین (دکتر): ۲۱۷-۲۲۰
فلسفی، محمدتقی، (واعظ): ۴۳۴-۴۴۷
۴۴۸-۴۵۳-۴۷۵-۵۰۸
فلیپ، تالپوت: ۲۳۹-۲۷۸
فلینگر، (دکتر): ۶۸
فزا د شهاب (ژنرال): ۵۲۳
فیروز، شاهرخ: ۳۶۵
فیروز ناصر الدوله (سرلشکر): ۲۶۹
فیوضات، ابوالقاسم: ۵۱۵
- ق
قاجار، احمدشاه: ۲۰۴-۲۰۵-۲۴۶
قاجار محمد علیشاه: ۱۳۲-۲۴۷-۲۶۶-۳۷۶-۳۳۵
قاجار، مظفرالدین شاه: ۱۳۲-۱۷۸-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۴-۲۴۴-۲۴۵-۳۳۵-۳۷۶
قاجار، محمدحسن میرزا: ۲۰۴-۲۰۵
قاجار، ناصرالدین شاه: ۱۷۸-۲۰۳-۳۷۸-۳۸۵
قائمی، غلامرضا: ۴۶۶
قدر، منصور (سرتیپ): ۵۲ تا ۵۲۷
قدس نخعی، حسین: ۲۰۰-۲۶۱-۳۱۳
قراگوزلو، محمد (مهندس): ۹۶
قراگوزلو، منوچهر: ۱۲۱
قربان، ذبیح (دکتر): ۱۰۴ تا ۱۰۶
قره العین، شاعره: ز
قرنی (سرلشکر): ۲۳۷-۲۵۴-۲۷۱-۳۰۱-۳۴۳
قریب، شمس العلماء: ۱۶۵
قزلباش: ۵۱۶
قزوینی، بیوک: ۲۱-۲۲
قشقائی، بهمن: ۴۲۹
قشقائی، خسرو: ۵۱۸
قشقائی، محمد: ۴۲۹
قشقائی، ناصر: ۳۵۴
قمی (آیت الله): ۴۵۴-۴۵۹-۴۶۲-۴۶۵-۴۶۷-۴۶۸-۵۲۵
قنات آبادی، شمس: ۴۸-۹۲
قوام، احمد (قوام السلطنه): ۸۶-۱۰-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۷-۱۷۸-۱۹۲-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۵-۲۴۷-۲۴۸-۲۶۷-۲۶۹-۲۷۱-۲۷۲-۳۱۰-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۶-۳۲۷
۳۵۳-۳۹۳-۵۱۵-۵۱۶
قوام شیرازی، قوام الملك: ۳۸۲ تا ۳۸۴-۳۸۶
قوام شیرازی، ملک تاج (علم): ۳۸۶
قوام، علی: ۳۸۴

کمالوند، علی: ت- ۴۸۵-

کندی، جان: ۱۳۷-۲۲۱-۲۳۲ تا ۲۳۴-۲۳۶

-۲۷۸-۲۵۹ تا ۲۵۷-۲۵۲-۲۴۱ تا ۲۳۸-

-۳۷۰-۳۶۰ تا ۳۴۹-۳۳۷-۳۲۲-۳۰۹

۴۹۸-۴۸۳-۴۳۸-۳۸۷

کندی، ژاکلین: ۲۳۴-۲۵۸-۲۵۹-۳۵۹-

۳۶۸

کوتوال، صفر علی: ۲۲۳

کوزنتسف: ۶۲

کهید، بهاء الدین: ۲۲۴

کیا، جهانگیر (مهندس): ش

-۱۸۶-۱۰۱-۱۰۰-: (سیهید)

۳۵۱-۳۰۱-۲۹۶

کیان، غلامرضا (دکتر): ۲۲۴ تا ۲۶۳-

۲۳۵

کیانی، حسینقلی: ۲۹۹-۳۶۵

کیانی، ولی: ۴۲۹

کیوان، امیر: ۱۴۶-۱۴۷

کیهانمر (دکتر): ۲۰۶

کیهان، مسعود: ۳۶۵

گ

گاندی، ایندیرا: ۰۹

گاندی، مهاتما: ۴۳۰

گرایف: ۸۳-۸۴

گرچی، محمد عبدالله: ۱۳۶-۱۸۸

گرکانی، فضل الله: ۲۸۳

گلپایگانی (آیت الله): ۴۳۸-۴۵۰-۴۵۳

گلپیرا (سیهید): ۵۳-۵۵

گنجه ای: ۷

گنجه ای، محمدجواد: ۲۴۵

گنچی، جمال (مهندس): ۲۶۱

کاتبی، حسینقلی (دکتر): ۱۶

کاتوزیان (سیهید): ۴۶۴

کاتوزیان، ناصر (دکتر): ۱۶

کاتوزیان، همایون (دکتر): ۳۹۰

کارتر: ۳۵۱

کاروزه: ۵۱۲ تا ۵۱۴

کارول، خانم: ۵۳

کارول، کوی (آمریکائی): ۵۳

کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۱۷-۱۸-۲۰-

-۲۴-۵۰-۵۵-۷۱-۱۱۶-۱۱۸ تا ۱۲۳-

۱۳۱-۱۳۸-۱۴۴-۱۶۸-۱۷۶

کاشانی سیدابوالقاسم (آیت الله): ۲۴۷-۳۳۷

-۳۹۳-۳۹۴

کاشانی، اخوان: ۲۴

کاشانی، زین العابدین: ۲۶۹

کاشانی، مصطفی: ۶۰-۱۳۸

کاظم زاده (دکتر): ۵۱۹

کاظمیه، اسلام: ۴۳۰

کامیل شمعون: ۵۲۲ تا ۵۲۴

کریمپور شیرازی: ۵۱۷-۵۱۸

کریمخانی، امیر: ۴۶۶

کشاورز، فریدون (دکتر): ۴-۳۱۰

کشفی، عبدالمجید: ۱۲۱

کفائی (آیت الله): ۴۶۵

کفائی، جعفر: ۱۳۳-۱۳۸

کفائی، حمید (دکتر): ۴۶۵

کلاب (پیمانکار آمریکائی): ۱۹۳-۱۹۴-

۱۹۷-۱۹۶

کلمانسو: ۲۴۷

کلهر، مهدی: ۲۹۲

کمالوند (آیت الله): ۴۳۲

- محمد القیسی: ۴۲۷
 محوی، ابوالفتح: ۳۸۹-۳۹۰
 مدرس، سیدحسن (آیت الله): ۲۴۷
 مدرس تهرانی، حاج ملاهادی: ۱۷۸
 مدنی، سیدجلال: ۴۳۶
 مرآت، اسماعیل: ۱۶۳
 مرآت اسفندیاری: ۱۸
 مرتضوی برازجانی، اسماعیل: ۲۹۲
 مرعشی (آیت الله): ۴۵۰-۴۶۳-۴۶۸
 مستوفی، حسن، مستوفی الممالک-ز: ۳۸۲
 مستوفی، عبدالله: ۲۴۵
 مستوفیان (ستوان یکم): ۴۵۱
 مسعودانصاری، عبدالحسین: ۶۶
 مسعودنیا: ۳۴۳
 مسعودی، کاظم: ۱۸۷ تا ۱۸۹
 مسعودی، عباس: ۴۶-۸۷-۱۳۹-۳۷۳
 مسعودی، محمدعلی: ۲۲۲-۲۹۷-۳۰۵
 مسیح تهرانی، حاج میرزا عبدالله: ۲۸۹
 مشکوتی، نصرت الله: ۲۴۲
 مشیریان (دکتر): ۱۶
 مصاحب (دکتر): ۳۶۶
 مصباح زاده، مصطفی (دکتر): ۴۹۲
 مصباحی (واعظ): ۴۵۳
 مصدق، غلامحسین (دکتر): ۵۰۸
 مصدق، محمد (دکتر): ۵-۱۴-۳۶-۴۷-
 ۱۳۸-۱۴۴-۱۵۷ تا ۱۵۹-۱۸۶-۲۳۳-
 ۲۳۶-۲۴۳-۲۴۷-۲۵۷-۲۷۲-۲۹۴-
 ۳۰۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۷-۳۲۰-۳۳۱-
 ۳۳۴-۳۳۶-۳۳۷-۳۴۱-۳۵۶ تا ۳۵۳-
 ۳۶۹-۳۷۳-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۳-۴۱۵-
 ۴۱۶-۴۱۹-۴۳۲-۴۳۷-۵۱۸-۵۱۹-
 ۵۲۶-
 مصطفوی، رحمت (دکتر): ۳۰۴
 مطهری (آیت الله): ۴۵۳
- لاجوردی (گروه): ۲۳
 لاشاری، محمد: ۵۴
 لسانی، ابوالفضل: ۱۴
 لقمان الدوله (دکتر): ۲۲۹
 لقمان الملک (دکتر): ۵۱۵
 لنگرودی، سیدمرتضی: ۴۳۹
 لیا زانوف: ۲۰۲
 لیلیاتال، آمریکائی: ۸۳-۱۹۳ تا ۱۹۷
 لیندن، جانسون: ۳۵۴
- م
 ماروین، زونیس: ۲۳۹
 ماری آتوانت: ۳۷
 مازندی، یوسف: ۲۸۰-۳۵۰-۴۸۲
 مافی، یحیی (مدیر مؤسسه فرهنگی مهران):
 ۱۲۵
 مالک، سعید (دکتر): ۲۹۷
 مانیان، حاجی: ۱۸۱
 مبارکی، سردارعلی خان: ۵۴
 مبارکی، عیسی: ۵۳
 مبشری، اسدالله (دکتر): ۲۸۳-۲۹۵
 مبصرالدوله، مهدی خان: ۲۰۳
 مترجم الممالک: ۱۶۵
 متین دفتری، احمد (دکتر): ش-۲۲۳-۲۸۹-
 ۳۸۰-
 مجتهد، شیخ مهدی: ۳۷۹
 مجتهدی، محمدعلی (دکتر): ۳۷۴
 مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۴۹۲
 محررعلیخان: ۴۹ تا ۴۴
 محلاتی، شیخ بهاء الدین: ۴۲۷-۴۵۴-۴۶۲-
 ۴۶۵-۴۶۷-
 محمداسماعیل خان: ۳۷۹

- منصور، علیرضاخان: ۱۶۵
منصوری نراقی (دکتر): ۱۷-۱۲۴
منوچهریان، مهرانگیز (دکتر): ۱۶-۲۲۹
موحدی ساوجی: ۴۵۳
موسوی، سیداسدالله: ۵۵-۲۲۲
موسوی، سیدمحمد: ۴۳۸
موسوی، محمدحسین (دکتر): ۱۹۴
موشه دایان: ۲۷۰
موقر، محسن: ۴۹۱
مولاتی، (مهندس): ۵۱۳
مولوتف: ۶۱
مولوی (سرلشگر): ۴۶۹
مهدوی، ابراهیم (مهندس): ۲۶۰
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ: ۶۰
مهدوی خراسانی، شیخ علی اکبر: ۴۵۳
مهدی نیا، جعفر: ۳۰۰-۳۳۹
مهر، فرهنگ (دکتر): ۱۰۵
مهران، محمود (دکتر): ۱۶۷
مهریان، رسول: ۱۸۲
مهرزاد، ایرج: ۴۲
میراشراقی، سیدمهدی: ۲۱-۲۳-۷۱-۲۱۸-
۳۱۸-۲۹۷
میرحیدر، حسین (مهندس): ۹۶
میرزاخلیل کلیمی: ۳۸
میرزا عبدالله بزاز: ۳۸
میرزا کوچک خان جنگلی: ۲۰۲
میس لبیتون: ۲۱۵-۳۷۸
میکده، غلامحسین: ۸۳
میکده، غلامعلی: ۵۱۶
میلانی (آیت الله): ۴۶۳ تا ۴۶۵-۴۸۵
میلیسپو (دکتر): ۲۰۸ تا ۲۱۰-۲۱۴-۲۱۵
مینوی، مجتبی: (دکتر): ۱۶۷
مظلومی، حاج محمد: ۴۶۶
مظهری (سرلشگر): ۵۱۸
معتمدی، علی: ۱۸۹-۱۹۰
معتمدی، قاسم (دکتر): ۱۶۴
معصومی (دکتر): ۱۵۶
معظمی، سیف الله (مهندس): ۲۲۳
معظمی، عبدالله (دکتر): ۲۲۲-۲۲۴
معینیان، نصرت الله: ۲۴-۲۵-۲۰-۳۸۶-
۴۸۵-۵۲۹
مفتاح، عبدالحسین: ۵۶-۶۵
مفرح، (مهندس): ۳۹۳
مقتدر، عبدالحسین: ۱۵۵
مقتدر، مریم: ۱۵۳
مقتدر شفیعیها، علی: ۳۶۸
مقدم، حاج میرزا عبدالله: ۲۱
مقدم، محسن (دکتر): ۱۶۳
مقدم، نصرالله: ۱۸۳-۱۸۴
مقدم مراغه ای، رحمت (مهندس): ۲۱۷-۲۲۰
مکارم شیرازی (آیت الله): ۴۵۳
ملک فیصل: ۶۳
ملکی، ابوالقاسم: ۲۲۳
ملکی، خلیل (دکتر): ۳۲۰ تا ۳۲۲-۳۳۴-
۳۹۰
ملک عابدی (مهندس): ۴۰۵-۴۰۶-۴۳۴-
۴۳۸
ملک عابدی، فرهاد: ۴۰۵
ملکی، ناصر: ۳۴۶
ممتاز: ۱۹۹
منتصر (سرهنگ): ۲۲۳
منصف، محمدعلی: ۳۸۰
منصور، حسنعلی: ۶-۵۲-۲۳۶-۴۸۴-
۴۸۶-۴۸۹ تا ۴۹۱-۴۹۸
منصور، رجبعلی: ۱۶۵-۲۸۹-۳۸۰

ناصری (سرتیب هوائی): ۵۲۴ تا ۵۲۱

ناوی، ضیاء الحق (دکتر): ۱۱۶

نہوی (دکتر): ۱۵۶

نبیل، زهرا: ۲۲۷

نجاتی، عباس: ۶۵

نجفی، حسین (دکتر): ۳۶۷

نجم، ابوالقاسم (نجم الملک): ۲۸۹-۳۹۰-۵۱۵

نجم (دکتر): ۵۲۶

ندیم، جعفر (دکتر): ۶۹

نریمان، محمود: ۵۱۲ تا ۵۱۴

نصر، ولی اللہ خان (دکتر): ۱۶۵

نصیری، عبداللہ: ۳۰۸

نصیری، قانع: ۲۰۶

نصیری، نعمت الہ (ارتشبد): ۳۱-۱۱۹-۲۲۲

-۳۰۸-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۶-۳۴۴-۴۵۵-

۴۵۶-۴۶۲-۵۲۹-۵۳۰

نظام الملک: ۲۴۸

نظامی گنجوی: ذ

نقیسی، ابوالقاسم (دکتر): ۳۸۴

نقیسی، احمد: ۴۸۵-۴۸۷-۴۸۸

نقیسی، نزہت: ۴۸۷

نقیسی، مشرف (دکتر): ۱۶۳

نقاہت، ضیاء الدین (دکتر): ۱۶

نقدی، علی اصغر (سپہبد): ۲۶۱-۳۰۱-

۳۰۲-۳۰۴-۳۴۳-۳۴۴

نقوی، حسین: ۲۸۹

نمازی، خانم: ۳۶۵

نمازی، علی: ۱۱۰

نمازی، محمد: ۱۰۵

نوروزی، علی: ۱۱۰

نوری، بہار (دکتر): ۲۸۳

نوری، سعید: ۶۳-۳۳۸

نوری، شیخ بہاء الدین: ۲۸۹

نویدی، امیر: ۲-۱۱۶-۱۵۶-۱۵۷

نویسی، روح اللہ (سرتیب): ۲۹۶-۲۹۷-

۳۰۱-۳۰۹

نہاوندی، ہوشنگ (دکتر): ۱۰۵-۱۶۴-

نیاکان (سرهنگ): ۲۹۶

نیک پی، اعزاز: ۴۷۹

نیکسون: ۶۴-۱۳۷-۳۵۰-۳۵۷-۳۸۷

نیرنوری، ارسلان: ۷۱

نیری (دکتر): ۱۹

و

وارستہ، محمد علی: ۱۶۵-۲۲۲-۲۸۹-۴۷۷

وارن: ۵۱

وارن، گروہ: ۴۹۸

واعظی، شیخ فرج اللہ: ۴۵۳

والا، عبداللہ (مهندس): ۴۹۱

والت ویتمن، راستو: ۲۳۳

والری پل: - ر- ژ

وثوق، علی: ۳۶۸

وثوق، حسن۔ وثوق الدولہ: ۲۰۶-۲۳۲-۲۳۵

۲۴۸-۲۶۳-۳۶۷

وحدت، شیخ محمود: ۴۵۳

وزیری، ابوالفتح (دکتر): ۳۰۳

وزیری، علی اصغر: ۲۶۹

وکیلی، علی: ۴۷۹

ولیان، عبدالعظیم (دکتر): ۱۵۴

وہاب زادہ (دکتر): ۱۵۳-۱۵۴

ویشکانی، سید محمد رضی: ۲۲۲

ویلسون: ۵۳

ویلیام دوگلاس: ۳۵۴

ویلیام شوکراس: ۳۵۴

ویلیام، وست: ۱۷۴

- همایون، داریوش: ۳۷۱
 هادیان: ۴۱-۴۲
 همایونی، فضل‌الله (سرلشگر): ۱۸۴-۱۸۶-
 هارولد ویلسون: ۳۸۷
 ۴۶۴
 هاشمی، حمید: ۴۹
 هندرسن: ۳۶۸
 هاشمی حائری، حسین (سرلشگر): ۱۸۴
 هوئی، رجبعلی: ۴۱ تا ۴۴
 هاشمی رفسنجانی، اکبر: ۴۴۲-۴۵۲
 هومن، احمد (دکتر): ۲۲۳
 هاشمی نژاد، سید عبدالکریم: ۴۵۳
 هویدا، امیرعباس: ۶-۹-۳۵-۵۲-۱۵۱-
 هاینه: ۲۲
 ۱۵۲-۲۷۲-۳۴۵-۳۷۰-۴۷۸-۴۷۹-
 هدایت، خسرو (مهندس): ۸۵-۲۴۹
 ۵۳۰-۰۰۲-۰۰۶-۰۵۳۰

ی

- هدایت، سعید (مهندس): ۱۲۱
 هدایت، صادق: ۲۴۹
 یاتسویج: ۳۵۷-۴۷۹-۱۴۸۰
 هدایت، عبدالله (ارتشبد): ۳۵۲-۳۵۳
 یزدان پناه، مرتضی (سپهبد): ۲۱۵-۴۷۷
 هدایت، عزت‌الله (مهندس): ۵۱۵-۵۱۶
 یزدانی، هژیر: ۳۱۶
 هدایت، مخبرالسلطنه: ۱۳
 یزدی، اریاب مهدی: ۱۱۶-۱۲۶
 هدایتی، محمدعلی (دکتر): ۱۸۴
 یکانی: ۵۱۵
 هرین: ۳۲۴-۳۵۱
 یگانه، ناصر: ۹۶
 هژیر، عبدالحسین: ۲۰۷-۲۱۵-۳۹۳

یادآوری:

اسامی اعضای (جبهه یاران متحد) در صفحات ۵۰ و ۵۱ و اسامی روحانیون بازداشت شده در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در صفحات ۴۵۳ و ۴۷۵ و ۴۷۶ آمده است.
 عکس و اسامی اعضای کابینه دکتر منوچهر اقبال در دو صفحه آخر کتاب چاپ شده است.

فهرست اسامی جلد دوازدهم

آ

- ادوارد براون: ۱۱۶
 آرام، عباس: ۱۱-۲۶
 ادوارد ساپلیه: ۴۷۷-۴۷۸
 آرتوس برتوان (فرانسوی): ۴۷۶
 ادیب سمیعی، نادر: ۵۱۱
 آزاد، عبدالقدیر: ۶۳
 ارانی، تقی (دکتر): ۵۱۹
 آزاد، علی اصغر (دکتر): ۳۵۷
 ارباب کیخسرو: ۵۲۸
 آزمون، منوچهر (دکتر): ۱۵۱-۱۵۴-۱۹۴-
 ارفع، حیدر علی (مهندس): ۱۳۸-۱۴۰-
 ۱۴۵-۱۶۵-۲۶۷
 ۳۹۱-۳۸۵-۳۷۵-۳۷۴-۳۷۲-۳۷۱
 ارم (سرلشگر): ۳۹۶
 ۵۲۱-۴۳۰
 ارزنت پرون: ۵۲۹
 آشتی، محسن (دکتر): ۵۱۰
 ازهری، غلامرضا (ارتشبد): ۲۳-۱۷۷-۳۸۷-
 آشتیانی، میرزا احمد: ۸۵
 -۴۰۷-۴۰۹ تا ۴۱۲-۴۲۴-۴۲۵-۴۳۹-
 آقایان، فلیکس: ۱۲۹
 ۵۰۵-۵۰۲-۵۰۱
 آقایان، عبدالهادی: ۴۰۰
 استالین، ژوزف: ۵۱۸
 آلبرت اشنایدر (رئیس بانک ملی): ۵۲۰
 اسکندری، ایرج: ۶۴-۱۱۲
 آموزگار، جمشید (دکتر): ۱۱-۶۵-۷۵-۷۶
 اسکندری، سلیمان میرزا: ۵۱۹
 -۸۱-۱۰۰-۱۰۵-۱۰۸-۱۱۴-۱۱۵-
 اسکندری، عباس: ۲۴۷-۲۴۸
 -۱۲۵-۱۳۰-۱۵۳-۱۸۵-۱۸۷-۱۸۸-
 اسکونیلر (سرلشگر): ۵۰۱
 -۲۱۷-۲۲۴-۲۳۲-۲۳۷-۳۵۱-۳۶۲-
 اسلامی نیا، هدایت: ۱۱۷-۱۱۸
 -۳۶۳-۳۶۹-۳۷۱-۳۷۴ تا ۳۷۶-۳۸۱-
 اشتراوس: ۱۴۱
 -۳۸۲-۳۸۴-۳۸۷-۳۹۳-۳۹۶ تا ۳۹۸-
 اشراقی (داماد خمینی): ۴۹۶
 -۴۰۱-۴۱۴-۴۰۶-۴۰۷-۴۴۸-۴۷۰-
 اصفیاء، صفی (مهندس): ۱۱-۱۲۵-۱۳۳-
 ۴۹۲-۱۶۹-۱۳۶
 ۴۹۷-۴۹۱-۴۸۹-۴۸۲-۴۷۲
 آبرون ساید (ژنرال): ۵۲۲
 اصولی، محمد: ۱۶۱-۱۶۲
- ## الف
- اعلم، جمشید (پرفسور): ۱۲۹-۱۳۹-۲۸۱
 ابتهاج، ابوالحسن: ۵۲۰-۴۵۷۵۶
 اعتمادی، محمد حسین (دکتر): ۳۷۹
 ابتهاج سمیعی، نیره: ۳۸۵
 افخمی (دکتر): ۱۹۰
 احتشام السلطنه: ۲۱۸-۳۱
 افخمی، مهناز: ۱۲۵-۳۶۴-۳۷۲
 احمدی، احمد (دکتر): ۱۵۶-۱۸۵
 افشار، امیر خسرو: ۲۸۴-۳۰۶-۳۰۸-۴۷۱
 احمدی، صادق: ۳۶-۳۸-۵۰
 افشار قاسملو، اصلان (دکتر): ۴۰۹
 اخلاقی، عطاء الله: ۱۵۶-۳۳۲
 افضلی (سرهنگ): ۶۰
 افندی، شوقی ریانی: ۲۳۲ تا ۲۴۱
 اخوان، عباس (مهندس): ۱۵۵
 افندی، عباس (معروف به عبدالبهاء): ۱۱۳-
 ۱۶۸-۱۱۶-۲۳۹-۲۴۰
 ادگانفور: ۴۲۳-۴۴۱

- ۱۳۳-۱۲۹
 انتظام، نصرالله: ۳۵۸ تا ۳۶۱-۳۵۹
 اندرزگو، سیدعلی: ۸۷-۸۸-۹۱
 انشاء فرشته رضوی: ۴۲۱-۴۲۳-۴۴۵
 تا ۴۴۷-۴۵۰
 انصاری (دکتر): ۳۳
 انصاری شیرازی: ۹۴
 انصاری، عبدالرضا (مهندس): ۴۱۳
 انصاری، هوشنگ: ۷۵-۱۲۹-۱۳۰-۱۷۳-
 ۳۵۲-۳۶۲-۳۶۳-۳۷۱-۳۷۶-۴۱۴-
 ۴۱۵
 انواری، محی الدین: ۸۰-۸۳ تا ۸۵-۸۸-۹۲
 اوتانت: ۲۶۲
 اویسی، غلامعلی (ارتشبد): ۱۷۰- تا
 ۵۰۲
 ایادی، عبدالکریم (دکتر، سپهبد): ۱۳-۱۱۹-
 ۱۲۴-۱۲۹-۱۵۴-۱۵۷-۱۶۴-۴۱۶-
 ۴۵۹-۵۰۵
 ایپکچی، حمید: ۸۲-۸۳
- ب**
 باب، سیدعلیمحمد شیرازی: ۱۱۵-۲۳۹
 بابان، فرخ لقا: ۱۶۲-۱۶۴-۴۰۱-۴۰۰-
 باخدا، سیدمحمد: ۵۳۴
 بازارگان، مهدی (مهندس): ۴۱۸-۴۳۲-۴۳۴-
 ۴۴۱-۴۴۲-۴۴۴-۴۴۹-۴۹۲- تا
 ۵۰۶
 باستانی، علی: ۱۲۶
 بالاخانلو، امیرنصرت: ۲۱۸-۲۲۳-۲۲۴
 بامداد، مهدی: ۲۳۹
 باوند، شیرین: ۵۱۹
 باهری، محمد (دکتر): ۴۴-۶۵-۳۷۲-۳۸۱-
- اقبال، منوچهر (دکتر): ۱-۷-۱۲-۱۸-۶۷-
 ۶۸-۷۴-۸۷-۱۱۳-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۹-
 ۱۳۸-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۷-۱۷۳-۲۰۶-
 ۲۴۸-۲۶۴-۳۵۵-۳۶۳-۳۷۶-۴۰۲-
 ۵۰۸-۵۰۹
 اقبال، مریم (شفیق): ۵۰۸
 اقبال، موتیک (دختر اقبال): ۵۰۸-۵۰۹
 الداغی: ۳۷۳
 الموتی، کاوه (دکتر): ۱۲۱
 الموتی، مصطفی (دکتر): ذ - ر - ز - ۷۴-
 ۱۴۲ تا ۱۴۴-۱۷۹ تا ۱۸۱-۱۸۴-۱۹۸-
 ۲۰۱-۲۰۴-۲۲۶ تا ۲۳۱-۲۷۷-۲۷۹-
 ۲۸۰-۳۵۶-۳۵۷-۳۶۱ تا ۳۶۶-۳۷۸-
 ۳۷۹-۳۸۵-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۸۷-
 ۴۹۸-۵۰۰
 الهی، حمدالله: ۳۴۶
 امامی، احمد (دکتر): ۶۵
 امامی، حسن (دکتر، امام جمعه تهران): ۱۲۹
 امامی، لیلی (همسر هویدا): ۸۱-۱۰۹-۴۱۱-
 ۴۴۵-
 امامی، نظام الدین: ۸۱-۱۰۹
 امامی رضوی، سید محمود: ۱۴۰
 امانپور، خانم: ۴۰۳
 امانی، صادق: ۸۰-۸۲ تا ۸۴-۸۶-۸۸-۸۹-
 ۹۱-۹۲
 امانی، هاشم: ۸۲-۸۳-۹۲
 امیر خسروی (سرتیپ): ۵۲۰
 امیر خسروی (قاضی): ۵۲۹
 امیرعلایی، شمس الدین (دکتر): ۵۲۹-۵۳۰
 امینی، علی (دکتر): ۴-۷-۴۱-۱۳۲-۴۰۷-
 ۴۴۹-۴۵۶-۴۵۷-۴۹۶-
 انتظام السلطنه: ۱۱۲
 انتظام، عبدالله: ۷۲-۸۱-۸۲-۱۱۲-۱۱۳-

پ

۵۰۵-۴۰۶-۳۹۶-۳۹۳

پاهنر، (دکتر): ۸۸

پجنوردی، محمد کاظم: ۸۰

پخارائی، محمد: ۱۲۳ تا ۹۳۷

پختیار، تیمور (سپهبد): ۴۵۵

پختیار، شاپور (دکتر): ۴۰۷-۴۱۷-۴۲۷-

۴۲۸-۴۵۰-۴۹۴-۴۹۵-۵۰۴ تا ۵۰۶

پختیاری، اسعد: ۱۳۳

پدره ای: (سپهبد): ۵۰۶

پدیغ، (سرهنک): ۶۰۰-۸۶

پرژه، ماسون (پرفسور): ۴۹۱

پروجردی، اصغر: ۵۲۴

پرومند، علی (مهندس): ۱۴۲-۳۵۷

پقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۳۶-۳۸-۶۴-

۳۵۴-۶۵

پقائی یزدی، محمد (دکتر): ۷۸

پلندقد، عبدالله: ۳۹۶

بنی احمد، احمد: ۴۹۴-۴۹۷

بنی صدر، ابوالحسن: ۴۳۲-۴۹۵

پوتو، ذوالفقار علی: ۳۲۸

پوشهری، محمد باقر: ۵۱۷

بهار، محمد تقی، ملك الشعراء: د

بهبودی، سلیمان: ۵۳-۵۲۴

بهبودی، ناصر (مهندس): ۳۵-۳۶

بهبهانی، عنایت، مهندس: ۳۵۰

بهرن، احمد (سرهنک): ۸۳

بهشتی، سید محمد (آیت الله): ۸۰-۸۴-۸۸-

۹۷-۹۱

بهنود، مسعود: ۱۷-۷۹-۳۵۱

بهبات (سروان): ۲۲۱

بیت اللهی، حبیب (سرلشکر): ۵۰۱

بیدل، اسمیت: ۵۱۸

بیگلری، محمد: ۴۱۶

پاتریک دووجیان: ۴۸۳

پارسا، فرخ رو (دکتر): ۱۱-۱۲۵-۱۷۴

پارسون، سرآنتونی: ۱۱۰

پارک، چون هی: ۱۸۲

پاکروان، حسن (سرلشکر): ۱۳-۵۹-۱۰۵-

۴۴۸

پالیزبان (سپهبد): ۳۸۰

پاینده، ابوالقاسم: ۳۶

پرتو (سرهنک): ۸۶

پرتو، منوچهر: ۱۵۹

پرند: ۵۱۰

پروشانی، محمود (مهندس): ۵۱۱

پزشکیور، محسن: ۶۴-۶۵-۱۳۹-۱۶۷-

۲۱۱-۲۵۲-۲۵۳-۳۴۷-۳۵۰-۳۸۵ تا

۳۸۷-۴۹۵

پزشکی، کاظم: ۱۰۲

پیل یالتا: ۲۰۲

پیتر آوری: ۲۴۶

پیراسته، سید مهدی (دکتر): ۱۹۶-۴۷۳

پیمان، حبیب الله: ۸۰

پینوشه: ۴۲۴

پییر لاول: ۴۶۲

پورباہانی، محمد علی: ۳۷۵

پورداد، ابراهیم: ۵۲۷

پورهایون (دکتر): ۵۲۰

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۸۰-۱۲۹-۳۵۵-

۴۱۳-۴۲۶-۴۵۲-۴۷۲-۵۰۶

پهلوی، رضاشاه: الف-۵-۶-۸-۱۴-۲۵-۳۵-

۱۱۱-۱۲۷-۱۳۱-۲۴۳-۲۴۴-۲۹۵-

۳۱۰-۵۱۶ تا ۵۲۸-۵۳۳ تا ۵۳۵

جانی، گراهام: ۳۳۰
 جابر انصاری (مهندس): ۴۱۱-۴۱۸-۵۱۰
 جباری، عباس (سرلشکر): ۴۹۲ تا ۴۹۴
 جعفریان، محمود: ۳۵۱
 جفری، هریسون: ۲۶۴ تا ۲۶۶
 جلالی نائینی، محمدرضا (دکتر): ۳۹۶
 جلیلود، علی اکبر: ۳۷۶
 جم، فریدون (ارتشید): ۵۰۶
 جمال زاده، محمد علی: ص
 جوادی (استوار): ۹۱
 جوادی، جعفر: ۴۰۰
 جوان، جعفر (دکتر): ۵۲۴
 جوانشیر، عبدالله: ۱۵۴-۵۱۰
 جهان‌نشاهی، عبدالعلی (دکتر): ۱۱-۵۲۰
 جیمزبیل: ۵۳

ح

حاجیان: ۵۱۰
 حاج میشر: ۵۲۵
 حائری زاده، سید ابوالحسن: ۶۳
 حائری، شیخ عبدالکریم (آیت الله): ۵۳۵
 حبیب الهی، دریا دار: ۵۰۲
 حجازی، عبدالحسین (ارتشید): ۴۴
 حجازی، محمد، مطیع الدوله: ۱۴۶
 حجتی کرمانی: ۸۰
 حسن البکر (سپهبد): ۳۱۱-۳۱۴
 حسنین، هیکل: ۳۹۵
 حکمت، رضا، سردار فاخر: ۶۸-۴۸۶ تا ۴۸۸
 حکمت، علی اصغر: ۵۳۳-۵۳۵
 حکیم (آیت الله): ۸۴-۹۲-۴۷۴
 حمزوی، عبدالحسین: ۲۵۷
 حیدری، ابوالفضل: ۸۳-۹۲

پهلوی، رضاشاه دوم: ۶۵-۲۲۴
 پهلوی، شمس (شاهدخت): ۷۶-۱۵۰
 پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۴۱۵
 پهلوی، فرح (شهبانو): ۱۲۹-۱۹۷-۴۰۸-
 ۴۳۴-۴۵۰-۵۰۴
 پهلوی، محمدرضا شاه، آریامهر: از صفحه نخست
 تا پایان کتاب در اکثر صفحات آمده است.
 پهلید، مهرداد: ۱۱-۷۵-۷۶-۱۲۵-۲۲۲-
 ۳۴۶
 پهلوی نیا، شهرام: ۳۰۴

ت

تاگری، رضاقلی بیگ: ۲۴۰
 تجدد، حسین (دکتر): ۴۰۰
 تربیت، هاجر: ۱۶۵
 ترومن: ۵۱۸
 تسلیمی، عبدالحسین (مهندس): ۲۳۶
 تفضلی، ابوالقاسم (دکتر): ۵۰۹
 تفضلی، جهانگیر: ۱۴
 تقوی، جلال: ۴۰۰
 تنکابنی، حاج سید حسین: ۵۲۳
 تنکابنی، سید محمدرضا (دکتر): ۱۸۹
 توانائی، جمشید: ۴۵۵
 توفیق (دکتر): ۴۸۲
 تهرانی، سید جلال الدین: ۱۷
 تهرانی، شیخ عباس: ۸۸
 تیمورتاش، عبدالحسین: ۲۴۴
 تیمورتاش، منوچهر: ۹۹-۱۰۰

ث

ثابتی، پرویز: ۷۶-۱۲۹-۱۵۴-۱۹۴-۲۱۳-
 ۲۱۴-۲۱۶-۲۳۶ تا ۲۳۸-۳۵۱

ج

دادفر، حبیب (دکتر): ۱۵۰-۱۸۶-۲۲۵-
 ۲۲۶-۳۸۵-۴۶۱
 دارونی (دکتر): ۱۸۹
 دانشمند، اصغر: ۱۸۴
 دبیرسیاقی، حسن: ۵۲۱-۵۲۳
 دبیرسیاقی، قدرت الله: ۵۲۱-۵۲۳
 درودی، موسی (دکتر): ۴۶۱
 دوانی، علی: ۸۷
 دوگلاس، هیوم: ۲۵۵
 دولتشاهی، مهرانگیز (دکتر): ۱۲۵
 دولو، امیر هوشنگ: ۱۲۹-۴۰۴
 دها، حسین: ۱۷۶-۴۰۰-۵۳۳
 دیبا، فریده: ۴۱۵
 دی، تی، وست (انگلیسی): ۲۶۵
 دیلمی، (سرلشگر): ۳۷۶

خاتم، محمد (ارتشبد): ۱۲۹-۵۰۲
 خانی، آیت (ناوی وظیفه): ۲۸۲
 خانلری، پرویز (دکتر): ۱۲۶
 خزیمه، علم، امیر حسین: ۳۷۶ تا ۳۹۹
 خسروانی، عطاء الله: ۱۱-۶۵-۷۵-۱۱۴-
 ۱۳۷ تا ۱۴۰-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۴-۵۱۱-
 ۵۱۲
 خسروشاهی، کاظم: ۳۹۶
 خطیبی، حسین (دکتر): ۱۴۴-۱۴۵-۱۹۹-
 ۲۰۰-۳۸۶-۴۸۰
 خلخالی، شیخ صادق: ۹۴-۲۲۴-۴۲۳-۴۳۲-
 ۴۴۱ تا ۴۴۴-۴۴۶-۴۴۷-۴۹۶-
 خلعتبری، خانواده: ۱۳۰
 خلعتبری، عباسعلی (دکتر): ۲۵۱-۳۱۱-
 ۳۱۸-۴۴۸
 خلعتبری، منصور (دکتر): ۱۸۹-۱۹۰
 خمینی، احمد: ۴۳۰

خمینی، بانو: ۵۹
 خمینی، سیدروح الله (آیت الله): ۱۹-۲۰ تا
 ۲۲-۴۴-۴۶-۵۸-۵۹-۶۱-۶۲-۸۰ تا
 ۹۷-۱۰۶-۱۶۴-۱۶۵-۳۵۴-۴۳۲-
 ۴۴۷-۴۷۲-۴۹۵ تا ۴۹۷-۵۰۴-۵۰۶
 خمینی، مصطفی: ۶۰-۹۶
 خنجی، محمد علی: ۶۴
 خواجه نظام الملك: ۱-۱۰۱
 خواجه نوری، محسن: ۷-۳۸-۷۴-۱۳۰-
 ۱۳۸-۱۴۵-۱۶۵-۲۸۰-۵۱۰ تا ۵۱۲
 خوانساری (آیت الله): ۱۱۸
 خوشکیش، یوسف: ۵۲۰
 خوئی (آیت الله): ۱۹-۱۰۰-۱۰۵
 خبیر، جمشید: ۴

رزم آرا، رضا (مهندس): ۵۱۰

رشتی، محمدعلی (دکتر): ۱۴۲-۱۶۸-۱۸۶

۳۵۷-۵۱۰-۵۱۱

رضائی، قاسم (دکتر): ۱۲-۱۸

رفیع، رضاقائم مقام: ۲۱۷-۲۲۰-۲۲۱

رمزی عطائی (دریاسالار): ۲۸۶-۲۹۷

روان راد: ۵۱۷

روحانی، سیدحمید: ۸۷

روحانی، منصور (مهندس): ۹-۱۱-۲۳-۷۵

۱۲۵-۱۳۰-۱۸۵-۲۳۶ تا ۲۳۸-۴۳۰

روحبخش، تقی خان: ۵۱۹

روسو، ژان ژاک: ۵۱۵

رهنما، زین العابدین: ۱۳۳

رهنما، حمید: ۱۸۳-۵۱۰

رهنوردی، محمدحسین (دکتر): ۱۴۰

ریاحی (سپهبد): ۱۱

ریاضی، عبدالله (مهندس): ۷۸-۱۱۴-۱۴۵

۱۵۳-۱۵۷-۱۶۳-۱۶۵-۱۸۱-۲۲۵-

۲۷۴-۲۷۵-۳۳۲-۳۵۶-۳۵۷-۳۸۶-

۳۸۷-۳۸۹-۳۹۲-۴۸۰-۴۸۷-۴۸۹ تا

۴۹۲

رتوفی: ۱۶۲

رئیس، محسن: ۳۰۶

رئیس، لطف الله (دکتر): ۱۶۸-۲۲۹-۴۰۰

ز

زاهدی، اردشیر: ۸۱-۱۲۹-۱۳۳-۱۷۲-

۱۹۶-۲۸۸-۲۸۹-۳۵۱-۴۰۷-۴۰۸-

۴۱۴ تا ۴۱۶-۴۲۴ تا ۴۲۶-۴۴۸-۴۴۹-

۴۵۲

زاهدی، حسن (دکتر): ۱۱۴-۵۱۱

زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۱۰۱-۱۷۳

زاهدی، هما: ۴۰۰

زنجانی، غلامرضا (مهندس): ۱۶۰

زنجانی، شیخ ابراهیم: ۵۱۹

زند، ابراهیم: ۵۲۰

زند، کریم خان: ۲۴۵

زندگنه، احمد (مهندس): ۴۹۸-۴۹۹

زنوزی، میرزا محمدعلی: ۲۳۹

زهدتاب فرد، رحیم: ۱۴ تا ۱۷-۳۶-۳۷-۵۳-

۲۱۶-۲۲۵-۲۲۶-۴۱۸-۴۱۹

زهری، علی: ۶۴

ژ

ژان روول: ۴۷۶

ژوگل (ژنرال): ۴۷۶

ژنرال، گراهان: ۳۲۹

ژیسگاردستن: ۴۶۸

س

سادات اخوی: ۵۱۰

سادات تهرانی: ۵۱۰

ساعد، محمد: ۱۱۲-۵۳۱

سالار جاف: ۴۹۶

سالور، عباس (مهندس): ۵۱۱

سام، محمد (دکتر): ۱۱

سامی، کاظم (دکتر): ۸۰

سامی، یوسف: ۵۱۶

سپهبدی، عیسی (دکتر): ۶۴

سپهر، هادی: ۴۶

ستاری، محمد (دکتر): ۴۷۹-۴۸۲

ستوده، فتح الله (مهندس): ۷-۹-۱۱-۱۳۰-

۵۱۰-۵۱۱

سجادی، محمد (دکتر): ۳۵۶

سجده ای (سرتیپ): ۴۱۳

- سراج الدینی، محمد عابد (دکتر): ۱۶۲-۱۶۴-۳۷۳-
 سر تیب پور، جهانگیر: ۳۶-۵۱-۲۵۲
 سردار، انصر الملک: ۱۱۵-۱۱۶
 سردار، محمد حسین خان: ۱۱۵
 سرداری، ادیب السلطنہ (یحییٰ رادسر): ۱۱۵
 سر لک، محمد تقی (مهندس): ۱۳۰-۵۱۱
 سروان ہروس: ۲۴۵
 سرویلیام لوس: ۲۶۰-۲۹۵-۲۹۶
 سعدون، حمای: ۳۱۸-۳۲۴
 سعید، جواد (دکتر): ۱۴۳-۱۴۴-۱۷۴
 ۱۸۴-۱۹۸-۳۵۸-۳۸۵-۳۸۶-۴۰۱
 ۴۱۰-۴۱۱-۴۵۵-۴۹۶
 سہیل دوزیری، منوچہر: ۲۲۹-۳۸۴
 سلطان بن سعید بن تیمور: ۳۲۶-۳۲۹-۳۳۰
 سلطان قابوس: ۳۰۵-۳۲۲-۳۲۶ تا ۳۲۹
 سمسار (دکتر): ۴۸۱
 سمیعی، احمد: ۱۳۲-۴۰۷
 سمیعی، مہدی: ۱۳۱-۲۰۸-۲۰۹-۵۲۰
 سواد کوهی، امیر مزید: ۵۱۹
 سوزنجی کاشانی: ۲۸۲
 سولکی کھریزی، حبیب: ۲۸۲
 سولیوان: ۴۰۳
 سیاسی، علی (وکیل دادگستری): ۵۲۴
 سید سلطان: ۲۴۵
- ش
- شاپور، ریپورت (سر): ۳-۷
 شادمان، ضیاء الدین (دکتر): ۱۱۰-۱۳۰-۱۳۹
 ۵۱۱-۵۱۰-۱۳۹
 شالچیان، حسن (مهندس): ۱۱۰
 شاهرخ، بہرام: ۵۲۸ تا ۵۳۳
 شاہقلی، منوچہر (دکتر): ۷-۷۹-۸۰-۱۰۵
- ۱۱۰-۱۶۸-۲۰۳-۴۱۶ تا ۴۲۱-۴۴۵-
 ۵۱۰-۵۱۱
 شایگان، علی (دکتر): ۶۳
 شرکاء، جلیل: ۵۲۰
 شریعت، ہاقر (دکتر): ۲۲۷-۲۲۸
 شریعت زادہ، احمد: ۵۲۴
 شریعت سنگلجی (آیت اللہ): ۵۳۴
 شریعتمداری، سید کاظم (آیت اللہ): ۶۲ تا ۶۶-
 ۴۰۳-۴۷۲-۴۷۳-۴۹۵-۴۹۶
 شریعتی، علی (دکتر): ۸۰
 شریف امامی، جعفر (مهندس): ۱۲۹-۱۵۸-
 ۱۶۱-۱۶۳-۱۶۵-۳۵۵-۳۸۱-۳۸۷-
 ۴۰۷-۵۰۵
 شریفی (دکتر): ۱۷۴
 شفیق، رضا زادہ (دکتر): ۵۲۶
 شفیق امین، محمد (دکتر): ۱۴۲
 شفیق زادہ: ۲۰۰
 شفیعی، فرهنگ (دکتر): ۱۱-۵۱۲
 شفیق، شہریار: ۲۸۲-۲۸۷-۲۹۷
 شقاقی، عباس (سر لشکر): ۵۰۱
 شکوہ الملک: ۵۳۵
 شکیبہ، راغب (مادر منصور روحانی): ۲۳۷
 شمس، یحییٰ (دکتر): ۱۸۴
 شمشیری، حاج حسن: ۳۸-۵۳۵
 شہبازی، ید اللہ: ۴۱۳
 شہرستانی، جواد (مهندس): ۱۹۶
 شہریار، محمد حسین ذ:
 شہریاری، توران: ۳۹۶
 شیخ الاسلام زادہ، شجاع الدین: ۴۱۹-۴۳۰-
 ۴۳۱
 شیخ الاسلامی، مہدی: ۱۶۱-۱۶۲-۱۶۴-
 ۱۸۶-۳۹۶
 شیخ بہائی، امیر حسین: ۱۱۷-۱۱۸

صفاری، محمدعلی (سرتیپ): ۱۴۶-۱۷۴-
 ۱۹۹-۲۰۰-۳۵۶-۳۷۲-۳۷۵-۴۰۰
 صفی پور، علی اکبر: ۳۶-۳۸
 صنیعی، اسدالله (سپهبد): ۱۱ تا ۱۳-۲۶-۳۳-
 ۱۱۹-۲۳۶-۴۰۴
 صهباء، ابراهیم: ۳۹۱-۳۹۲

ض

ضرغام (سپهبد): ۵۰۰
 ضیائی، عنذرا: ۳۹۶
 ضیائی، طاهر (دکتر): ۱۶۳-۳۵۰
 ضیائی، محمود (دکتر): ۳۷۷-۳۷۹-
 ۳۸۵

ط

طارق عزیز: ۳۲۲
 طالع یزدی (دکتر): ۱۳۹
 طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۲۰-۴۴۱
 طاهری، امیر: ۳۴۷-۴۵۰-۴۷۷
 طاهری (سرهنگ): ۸۴-۸۸
 طباطبائی، سیدضیاء الدین: ۱۵-۱۶-۱۱۳
 طباطبائی، عبدالحسین: ۴۹۳-۴۹۴
 طباطبائی، عبدالهادی: ۵۲۶
 طلیعه، باقر: ۵۲۴

ظ

ظهوری: ۲۱۹

ع

عاطفی، میرحسین (سرهنگ): ۸۳
 عاقلی، باقر (دکتر): ۱۳۸-۱۳۹
 عامری، ناصر (دکتر): ۶۵-۶۵ تا ۲۲۲-۳۵۳
 عاملی تهرانی، محمدرضا (دکتر): ۶۴-۲۵۲

شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه: ۲۵۹
 شیخ صفرین محمدالقاسی: ۲۸۳-۲۹۷
 شیخ عیسی بن آل سلمان: ۲۴۹-۲۶۰
 شیخ غروی اصفهانی: ۴۱۵
 شیخ محمدبن خلیفه: ۲۴۵
 شیخ ناصرخان: ۲۴۳
 شیرازی، آقا محمدرضا: ۱۱۵
 شیرازی، شیخ عبدالله: ۸۵
 شیرازی، میرزا حبیب: ۱۱۵
 شیرازی، میرزا خلیل: ۱۱۵
 شیرازی، میرزارضی (آیت الله): ۴۹۵-۴۹۶
 شیروانی (قاضی): ۵۲۴

ص

صالح، جهانشاه (دکتر): ۱۲۰-۳۷۹-۴۸۲-
 ۵۱۹
 صالح خو (دکتر): ۵۰۴
 صائمی، پرویز: ۳۹۶
 صائمی، حسن (مهندس): ۳۵۷
 صائمی، حیدر: ۵۱۱
 صدام حسین: ۳۰۱-۳۰۲-۳۰۵-۳۱۱-
 ۳۱۲-۳۱۴-۳۱۸-۳۲۱-۳۲۳
 صدر، جواد (دکتر): ۱۱-۱۹-۲۰-۵۸-
 ۵۱۱
 صدر، فضل اله (دکتر): ۶۴-۶۵-۱۳۹-
 ۲۵۲-۲۷۵-۲۷۹-۲۸۰-۳۴۹-۳۵۷
 صدر، محسن، صدرا الاشراف: ۵-۱۹
 صدقیانی، رضا (مهندس): ۱۷۴-۱۸۵-۱۸۶-
 ۲۰۰-
 صدیق اعلم (دکتر): ۳۳-۱۷۶
 صفاری پور: ۳۷۳
 صفارهرندی، رضا: ۸۰-۸۲-۸۳-۸۶-۸۹-
 ۹۲-۹۳

- فرخنده کیش (سرهنگ): ۴۰۸
- فرخی یزدی: ج
- فردوست، حسین (ارتشبد): ۳-۵۹-۱۰۰-۱۲۹-۱۷۰-۳۵۵-۴۸۶-۵۰۷ تا ۵۲۰
- فرزین، محمدعلی: ۵۲۰
- فرمانفرما، برادران: ۵۱۱
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۲۴۵
- فرمانفرمائیان، خداداد (دکتر): ۵۲۰
- فرهادپور، ناصرقلی: ۱۳۸-۱۳۹-۲۱۵-۲۳۰ تا ۲۲۶
- فروهر، داریوش: ۶۵-۴۱۸
- فریور، اسماعیل (دکتر): ۱۳۹
- فضائلی، محمد (دکتر): ۶۵-۲۰۷-۲۱۴-۳۴۷-۳۴۸
- فضل اللهی، حبیب الله (سرهنگ): ۱۱۴
- فلاتی، پزشکی قانونی (دکتر): ۵۲۴
- فلاح رستگار: ۳۹۶
- فلیکس، جونز: ۲۴۵
- فورده، خانم: ۴۰۳
- فورده، جبرالد: ۴۴۹
- ق
- قاجار، آغامحمدخان: ۲۴۵
- قاجار، احمدشاه: ۵۱۶-۵۱۷
- قاجار، فتحعلی شاه: ۲۴۰
- قاجار، محمدشاه: ۲۳۹
- قاجار، مظفرالدین شاه: ۲۴۴
- قاجار، ناصرالدین شاه: ۲۳۹ تا ۲۴۴
- قاسمی، ابوالفضل: ۱۱۵
- قاسمی، رضا (دکتر): ۲۶۱-۳۱۹
- قاضی (دکتر): ۵۲۴
- قراچورلو، محمدولی: ۵۲-۱۵۳
- قریان، ذبیح الله (دکتر): ۱۱۱
- ۳۸۸-۳۸۷
- عاملی، باقر (دکتر): ۱۰۰-۱۱-۵۱۱
- عالیخانی، علینقی (دکتر): ۱۱-۸۰-۳۵۱
- عالیمرد (دکتر): ۱۹۰
- عبدالناصر: ۲۴۹
- عبدالعزیز، هوتفلیقه: ۳۱۸-۳۲۴
- عبده، جلال (دکتر): ۴۵۸-۴۵۹
- عدل، یحیی (پرفسور): ۶۵-۱۵۰-۲۰۷
- عراقی، حاج مهدی: ۸۰-۸۲-۸۳-۸۷ تا ۸۹
- ۹۱-۹۲-۹۷
- عراقی، حسام: ۹۷
- عسکراولادی، حبیب الله: ۸۰-۸۳-۸۸-۹۲
- عسگری، ابوالحسن: ۵۰۱
- عشقی: خ
- عصار، سیدکاظم (آیت الله): ۵۳۴
- عصار، نصیر (دکتر): ۵۸-۵۱۲
- علاء، حسین: ۹۷-۲۸۹-۵۲۰
- علامه وحیدی: ۳۵۶-۳۷۹ تا ۳۸۱
- علاتی (دکتر): ۲۳۲
- علاتی، شعاع الله: ۲۳۳ تا ۲۳۵
- علم، امیراسدالله: ۲-۴-۷-۱۴-۱۶-۲۵-
- ۲۶-۳۷-۴۱-۴۴-۴۸-۶۸-۸۴-۸۷-
- ۱۱۰-۱۲۴-۱۲۷-۱۲۹-۱۹۵-۲۰۳ تا
- ۲۰۹-۲۱۶-۳۵۵-۳۸۴-۳۹۷-۴۷۱-
- ۴۸۶
- غ
- غفاری، هادی: ۴۲۳-۴۳۲-۴۴۱-۴۴۲
- ف
- فخرزاده هروی: ۲۳۴
- فرامرزی، عبدالرحمن: ۱۲۴

- قربانی نسب، حسین: ۴۰۰
 قریب، جمشید: ۱۱۳
 قریب، هرمز: ۳۵۵
 قریشی، احمد (دکتر): ۳۷۱-۳۷۲-۳۹۷-۴۰۰
 قره باغی، عباس (ارتشبد): ۴۲۴-۵۰۰ تا ۵۰۷
 قشقائی، صولت الدوله: ۵۱۶
 قطب زاده، صادق: ۴۹۵
 قمی (آیت الله): ۲۳-۶۰-۶۲-۸۶-۹۳-۹۶
 قنات آبادی، شمس: ۶۳
 قناد شیرازی، محمدرضا (جدھویدا): ۱۰۸-۱۱۳-۱۱۶-۲۳۷
 قنواتی، عبدالمجید: ۴۱۶
 قوام، احمد، قوام السلطنه: ۶۵-۶۷-۲۸۹
 قوام صدری، محمود: ۵۱۰
 قوامی (آیت الله): ۵۳۰
- گ**
 گالیگولا: ر- ز- ژ - ش
 گس: ۵۳۰
 گلپایگانی (آیت الله): ۶۰
 گلسرخی، ناصر (مهندس): ۱۵۵-۲۷۵
 گلشانیان، عباسقلی: ۵۳۱
 گنجی، منوچهر (دکتر): ۳۷۱-۲۷۲-۵۰۵
 گودرز نیا، سعید (دکتر): ۳۶۱
 گودرزی، منوچهر (دکتر): ۹-۱۱
- ل**
 لردکلاندرون: ۲۴۵
 لنین: ۴۴۷
 لیندن بلات، کورت (دکتر) رئیس بانک ملی: ۵۲۰
- کازرونی: ۵۱۰-۵۱۱
 کاسمی، عزت: ۱۲۰-۱۴۳
 کاسمی، نصرت الله (دکتر): ۶۵
 کاشانی، ابراهیم: ۵۲۰
 کاشانی، مصطفی: ۶۳-۸۰
 کاظمی، پرویز (دکتر): ۳۴
 کاظمی، سید کریم: ۳۸۵
 کاکس: ۲۴۴
 کامیل، شمعون: ۲۰۰
 کبابی، سرتیپ احمدخان: ۲۴۴

- مظهری، (آیت الله): ۸۰-۸۴-۹۷
 مظهری، علی اصغر: ۱۵۱
 معاد یخراه: ۸۸
 معتمدوزیری، فریدون (دکتر): ۱۱-۴۰۰-
 ۵۱۱-۵۱۰
 معتمدی، فضل الله: ۵۱۰
 معتمدی، قاسم (دکتر): ۳۷۲-۴۰۵
 معین المالك: ۲۴۵
 معینی، امیر قاسم (مهندس): ۱۳۷-۱۳۸-
 ۵۱۱-۵۱۰-۱۹۸-۱۸۴-۱۷۴-۱۶۶
 معینیان، نصرت الله: ۱۱-۱۴-۷۵-۱۰۵-
 ۱۲۹-۱۷۱-۱۷۲-۳۵۵-۴۰۸-۴۰۹-
 ۵۱۲-۵۱۱
 مغروری، سرتیپ: ۲۲۱
 مفیدی، شمس الدین (دکتر): ۳۷۳
 مقدم، ناصر (سپهبد): ۱۹۶-۵۰۲-۵۰۶-
 مك، لوی: ۴۵۷
 مك میلان: ۲۶۴
 ملك حسین: ۶۴
 ملك فیصل: ۳۱۰
 ملكی، خلیل (دکتر): ۶۴-۶۵
 ملكی، شیخ رضا: ۵۲۴
 منتظری، حسینعلی (آیت الله): ۸۸
 منشی زاده (دکتر): ۶۴-۶۵
 منصور، جواد: ۶-۱۰۵-۱۰۹-۱۱۴-۳۷۲-
 ۵۱۲-۵۱۰-
 منصور، حسنعلی: ۱۶۸ تا ۲۰۲-
 منصور، رجبعلی، منصور الملك: ۶ تا ۱۰-
 ۱۴-۹۹-۱۱۳-۱۳۳-۱۷۳-۵۲۹
 منصور، فریده (امامی، همسر منصور): ۸۱-
 ۸۲-۱۰۹
 مورس، (سرگرد): ۲۹۸
 موسوی، محمد حسین (دکتر): ۲۱۲-۲۱۵-
 مازندی، یوسف: ۸-۹۸-۱۲۷-۱۳۴
 مبشری، اسدالله (دکتر): ۴۳۲
 متین، حسن (دکتر): ۱۲۰-۲۰۰-۴۱۱
 متین دفتری، احمد (دکتر): ۶-۱۰
 متینی، جلال (دکتر): ۵۲۷
 مجتهدزاده، پیروز (دکتر): ۳۲۰-۳۲۵
 مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۱۲۵-۱۷۳-
 ۱۷۴-۲۲۳-۳۶۳
 مجیدیان، احمد: ۵۲۰
 محقق، احمدعلی (سپهبد): ۵۰۱-۵۰۲
 محقق، حسنعلی (دکتر): ۳۹۹-۴۰۰
 محمدی (دکتر): ۱۲۶
 محمود، پرویز: ۳۵۲
 مدرس، شیخ علی: ۵۳۴
 مدرس، فرد، عباس: ۸۳-۹۲
 مرتضوی: ۲۳۴
 مرشد، حسن (دکتر): ۳۷۹
 مرعشی (آیت الله): ۲۳
 مزین، منصور (سرلشکر): ۵۲۹
 مستوفی، حسن، مستوفی المالك: ۱۲۴
 مسعودی، اکبر: ۱۵۱-۳۵۷-۳۹۸
 مسعودی عباس: ۳۳-۱۶۳
 مسعودی، کاظم: ۱۴۳
 مسعودی، فرهاد: ۳۵۰
 مسعودامیرن: ۲۴۴
 مشیر، مرتضی (دکتر): ۶۰-۴۸۵-۴۸۷-
 ۴۹۲
 مشیرالدوله: ۵
 مصدق، محمد (دکتر): ۱۲-۴۰-۴۳-۶۴-
 ۲۱۷-۲۲۰-۴۳۷-۴۳۸-۴۹۸-۴۹۹-
 ۵۲۶-۵۳۰

- موسوی ماکوئی، میراسدالله: ۳۸۵
مولائی: ۸۰
مولوی (سرلشگر): ۵۹-۶۰
مهاجرانی، عباس (دکتر): ۴۱۵
مهدوی، فریدون (دکتر): ۴۹۴
مهر، فرهنگ (دکتر): ۵۱۰
مهران، حسنعلی: ۵۲۰
میرزا علی محمد خیاط (پدر منصور روحانی):
۲۳۸-۲۳۷
میرزا کوچک خان جنگلی: ۵۲۲
میرفندرسکی، احمد: ۲۵-۳۳
میرعلاء (دکتر): ۵۱۰
میرهادی، سید محمد: ۱۱
میشل، فوگو: ۴۹۵
میلاتی (آیت الله): ۲۳-۶۰-۸۰-۸۸-۸۹-۹۱
- نواب صفوی، مجتبی: ۷۸-۸۰-۸۳-۸۹-
نورتگرافت: ۵۳۰
نوری، حسینعلی میرزا (معروف به بهاء الله):
۲۴۱-۲۴۰-۲۳۹
نوری، عباس (میرزا بزرگ وزیر): ۲۳۹-
۲۴۱-۲۴۰
نوری زاده، علیرضا (دکتر): ۴۲۹
نهادندی، هوشنگ (دکتر): ۹-۱۱-۱۴۸-
۱۹۷-۳۵۲-۳۷۱-۳۸۱-۴۰۵-۴۷۰-
۴۸۱-۵۰۵
نیکخواه، پرویز (مهندس): ۳۵۱
نیکسون: ۲۸۸-۴۴۸
نیک پی، غلامرضا (دکتر): ۱۳۰-۱۷۰-
۴۳۰-۵۱۱-۵۱۰
نیک نژاد، محمد تقی (دکتر): ۱۰۱
نیک نژاد، مرتضی: ۸۰ تا ۹۳

ن

و

- ناصر، علی اصغر: ۵۲۰
ناطق نوری، علی اکبر: ۹۱
ناظمی، هوشنگ: ۴۸۷
نامدار، مصطفی (دکتر): ۳۸۰-۳۸۱
نجفی، حسین دکتر: ۳۹۶
نجفی نائینی (سپهبد): ۵۰۲
نراقی، احسان (دکتر): ۳۹۶
نصیری، محمد (دکتر): ۱۲-۳۵۰-۵۲۰
نصیری، نعمت (ارتشبد): ۹-۸۷-۸۸-۱۱۷-
۱۱۸-۱۲۴-۱۲۹-۱۹۳ تا ۱۹۵-۴۴۷-
۴۴۸
نفیسی، نزهت: ۱۱
نقشبندی، شیخ عثمان (رهبر قادریه): ۱۶۲-
- وارن: ۴۰
والا، عبدالله (مهندس): ۲۲۲
وثوق، حسن، وثوق الدوله: ۸۱-۵۱۹
وجدانی: ۵۲۴
ودیع، کاظم (دکتر): ۵۰۵
ورقا، محمدعلی (دکتر): ۲۳۳-۲۳۴
ورهرام، کریم (سپهبد): ۳۵۶
وکیل گیلانی، محمدرضا: ۳۹۹-۴۰۰
ولتر: ۵۱۵
ولیان، عبدالعظیم (دکتر): ۱۳۱-۱۷۴-۱۷۶
۱۸۸ تا ۵۱۲
ویتوریو، گیچاری: ۲۶۳
ویلیام اندرمری: ۵۳

- هادوی (دادستان انقلاب): ۴۴۱-۴۴۲
- هارولد ویلسون: ۲۵۶
- هاشمی رفسنجانی (علی اکبر بهرمانی): ۸۳-
- ۸۸-۹۱-۹۲-۹۴
- هاشمی نژاد (سپهبد): ۴۱۵-۵۰۲
- هایزر، ژنرال آمریکائی: ۵۰۴
- هدایت، خسرو (مهندس): ۱۷۳
- هدایت، رضاقلی: ۵
- هدایت، مسعود: ۱۲۰
- هدایتی، هادی (دکتر): ۱۰۰-۱۲۵-۱۳۰-
- ۵۱۱
- هزیر، عبدالحسین: ۹۷
- هشترودی، محسن (دکتر): ۵۱۹
- همایون، داریوش: ۶۴-۳۴۷-۳۵۱-۳۷۱-
- ۳۷۲-۳۹۷-
- همایونفر، ابراهیم (مهندس): ۴۶۲
- هنرمندی: ۳۹۶
- هواری، بهومدین: ۳۱۲-۳۱۴-۳۲۱
- هوشمند، پرویز (مهندس): ۳۵۹
- هویدا، امیرعباس: از ۷ تا ۴۶۷ در اکثر صفحات
- هویدا، حبیب الله، عین الملک (پدر هویدا): ۱۰۶-
- ۱۰۸-۱۱۱-۱۱۵-۱۱۶-۱۳۲-۲۳۷-
- هویدا، فریدون: ۱۱۱-۱۱۲-۱۱۹-۴۰۴-
- ۴۱۴-۴۲۳-۴۲۷-۴۲۸-۴۴۸-۴۵۰- تا
- ۴۵۲-۴۵۸-۴۵۹-۴۷۳ تا ۴۷۵-۴۷۸

یادآوری:

برای اطلاع از اسامی مؤسسين و فعالين حزب دموکرات ایران به صفحات ۶۶-۶۷ و مؤسسين حزب سوسیالیست ایران به صفحات ۷۰-۷۱ و مؤسسين و مسئولين و اعضاي هيئت اجرائی و دفتر سیاسی حزب رستاخيز ملت ایران به صفحات ۳۶۱ تا ۳۶۵ و ۳۹۹ و ۴۰۰، و اسامی محصلين اعزامی به خارج از کشور در زمان رضاشاه به صفحه ۵۱۹ و اسامی همراهان دکتر مصدق در نخستن اول دربار به صفحه ۵۲۶ مراجعه فرمائيد.

فهرست اسامی جلد سیزدهم

احمدی، صادق: ۸

- | | |
|--|---|
| <p>۳۶۷-۲۴۴-۲۴۲-۲۴۰: اخباری، عباس</p> <p>۲۳۴-۲۲۰-۹۷-۹۴: اخلاقیور، غلامرضا</p> <p style="text-align: center;">۳۶۷</p> <p>۲۸۴: اخوان توحیدی، حسین</p> <p>۲۹۵-۲۹۴: اخوان فرشچی، حاج حسین</p> <p style="text-align: center;">۲۳۰: اخوی، جمال</p> <p>۴۶۱: اردلان، حاج عزالمالك</p> <p>۴۴۹-۱۷۹: اردلان، علی</p> <p>۳۶۶-۱۸۷-۱۸۶: اردلان، علیقلی (دکتر)</p> <p>ارسنجانى، حسن (دکتر): ص-ش-</p> <p>ارنورد-دوبودج، گریر ۱۷۳</p> <p>ازمیرلی، یوسف: ۲۰</p> <p>ازهارى، غلامرضا (ارتشبد): ۱۷۸-۲۵۱-</p> <p>۲۵۳ تا ۲۵۵ تا ۳۲۷ تا ۴۵۵ در اکثر صفحات</p> <p style="text-align: center;">اسلامی: ۲۹۳</p> <p>استمیل: ۱۰۶-۱۳۴</p> <p>اسحقى نژاد، محمدحسین: ۲۱۲-۲۳۴-۲۳۶</p> <p style="text-align: center;">۳۶۷-۲۵۷-</p> <p>اسفندیاری، فرشید: ۱۸۷</p> <p>اشراقى، دامادخیمى: ۲۹۲-۲۹۳-۴۲۷-</p> <p style="text-align: center;">۴۲۸</p> <p>اصفهانى، جمشید: ۸۷</p> <p>اعتبار، عبدالحسین (دکتر): ۵۰۹</p> <p>اعتمادیان، محمدرضا: ۲۹۱</p> <p>اعظمى باوندپور، غلامرضا: ۲۳۶</p> <p>افتخار، محمدصادق: ۲۳۴-۲۳۶-۳۶۷</p> <p>افشارقاسملو، امیرخسرو: ۱۸۱-۲۶۶-۳۳۲-</p> <p style="text-align: center;">۳۶۲</p> <p>افشارقاسملو، اصلان (دکتر): ۱۵۸-۳۲۷-</p> <p style="text-align: center;">۳۳۱-۳۳۰-۳۵۳-۳۶۶-۳۹۳</p> <p>اقبال، منوچهر: ز-س-۴-۷-۳۸-۱۸۰-</p> <p style="text-align: center;">۵۰۹</p> | <p style="text-align: center;">آ</p> <p>آتابای، کامبیز: ۱۸۷</p> <p>آجودانى، بدری: ۴۳۵</p> <p>آجودانى، احمد (سرتیپ): ۴۳۵</p> <p style="text-align: center;">آچسن: ۱۶۳</p> <p>آذر، مهدی (دکتر): ۴۳۵ تا ۴۳۷-۴۴۱-۴۵۰</p> <p style="text-align: center;">آذری قمی: ۷۳</p> <p>آرشام، (ازرؤسای ساواک): ۳۲۰-۳۲۱</p> <p>آرمین، مایر (سفیر آمریکا): ۱۰</p> <p>آزمون، منوچهر (دکتر): ۸-۱۱۳-۱۸۱-</p> <p>۲۴۳-۲۴۷-۲۴۹-۲۵۳ تا ۲۵۶-۳۰۰-</p> <p style="text-align: center;">۳۰۲-۳۰۳-۳۰۷-۳۱۳-۳۷۴-۳۸۴</p> <p>آستانه ای، مهدی: ۳۶۸</p> <p>آشتیانی (دکتر): ۸</p> <p>آصف، کریم: ۲۴۴</p> <p>آصفی، بلوهر (دکتر): ۱۹۰</p> <p>آقا، سیاوش (سرهنگ): ۸۶</p> <p>آلادپوش، علیرضا: ۲۸۸</p> <p>آموزگار، جمشید (دکتر) از ۱ تا ۲۵۱-۴۹۹</p> <p>آموزگار، جهانگیر (دکتر): ۳-۶</p> <p>آموزگار، حبیب الله: ۲-۳</p> <p>آموزگار، کورس (دکتر): ۳</p> <p>آموزگار، هوشنگ: ۳</p> <p>آنتون، تچلر: ۲۰</p> <p>آوینی (مهندس): ۱۸۱</p> <p>آیت، حسن (دکتر): ۴۳۰</p> <p>آهنچیان، جلال: ۳۹۵</p> |
|--|---|

الف

ابتهاج، ابوالحسن: ش

ابراهیم زاده، ناصر: ۸۴

ابولپور: ۸۵

احرار، احمد: ۴۸-۵۲

انصاری (سرگرد): ۳۷۵
انصاری، عبدالرضا (مهندس): ۸
انصاری، هوشنگ: ۱-۸۸-۱۰۴-۴۱۰
انورسادات: ۳۲-۴۷۹

اورل، هارمن: ۴۲۳
اویسی، احمد (سرهنگ): ۱۸۸
اویسی، غلامعلی (ارتشید): ۱۵۳-۱۹۱-
۱۹۸-۱۹۸-۲۵۱ تا ۲۵۳ تا ۳۳۶ تا ۳۳۶
۳۸۲-۳۸۷-۳۸۹-۴۱۱-۴۱۶ تا
۴۱۸-۴۵۳
ایادی، عبدالکریم (دکتر، سپهبد): ب-۱۸۶
ایزدپناه، اکبر: ۱۷۵
ایزدی، علی: ۱۸۷
ایوب خان: ۱۳۵-۱۵۰
اینبوسوتو: ۲۱

ب

بادامجیان، اسدالله: ۲۹۴
باری روبین: ۱۶۳-۱۶۵-۳۹۴-
بازرگان، مهدی (مهندس): ۷۷-۸۱-۱۰۶-
۱۶۶-۱۷۰-۲۷۲-۲۹۱-۲۹۶-
۲۹۸-۲۹۹-۳۱۵ تا ۳۱۹ تا ۳۸۷-
۴۱۰-۴۲۳-۴۶۹-۴۸۲-۴۸۴-۴۸۸-
۴۹۰

بازیار، حبیب الله: ۸۵
باستانی، علی: ۱۲۴-۱۲۹
باهری، محمد (دکتر): ۹-۱۱-۱۳-۱۰۴-
۱۸۱-۲۱۶-۲۳۷-۲۴۴-۲۵۳
باهنر، (دکتر): ۱۸۸-۲۹۵-۳۱۸
بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۷۴-۲۸۶-۵۰۸
بختیار، رستم: ۱۸۸-۴۵۳
بختیار، شاپور (دکتر): ش-۶-۹-۱۱۴-

اکبر، اسماعیل: ۱۸۸
اکرمی، عبدالله: ۲۹۴
اکمل، خسرو: ۱۸۷
اگوستا: ۲۱
الکساندر دومارانش: ۱۳۶-۲۷۸
الموتی، مصطفی (دکتر): ز-ز-ژ-س-ش
-ص-ض-ظ-۹۰-۹۴-۳۰۴-۳۰۷-
۳۰۹-۴۵۶-۴۶۱ تا ۴۶۵-۵۰۷-۵۱۵-
۵۱۶
الیزابت، ملکه انگلستان: ۳۱۴
امامی، سیداحمد: ۲۳۰
املاتی: ۲۶۳-۲۹۳
امیرپرویز، امیرحسین (مهندس): ۱۸۱
امیرحسینی: ۲۴۷
امیرعلائی، شمس الدین (دکتر): ۲۷۲-۲۷۷-
۲۷۸-۲۳۵-۴۴۱-۴۵۰

امیرقاسمی، داود: ۱۸۷
امیری، فرزنان (دکتر): ۲۱۹
امین، محمدرضا (دکتر): ۱۸۱-۳۰۰-۳۳۲
امینی، علی (دکتر): ز-ش-ص-۷-۹-۱۰-
۱۳۵-۱۷۰-۱۷۲-۱۷۷-۱۷۸-۲۴۳-
۲۴۳-۳۳۴-۳۱۳-۳۰۱-۲۶۵-
۳۴۱-۳۶۵-۴۰۶-۴۲۰-۴۲۲-۴۲۳-
۴۳۴-۴۳۵-۴۳۷ تا ۴۳۹-۴۴۱-۴۴۹-
۵۱۰

امینیان، مجید: ۱۸۸
انتظام، عبدالله: ۲۳۰-۳۱۶-۳۱۸-۳۱۹-
۳۳۷-۳۴۱-۳۶۶-۴۲۰-۴۳۴-۴۳۵-
۴۳۷ تا ۴۳۹-۴۴۱-۵۰۸-۵۰۹
انتظام، نصرالله: ص-۵۰۹
اندرزگو، سیدعلی: ۷۱
اندرودانکن: ۱۳۱
انصاری، احمدعلی: ۹۸-۴۵۲

پیپرترزیان (دکتر): ۱۹

پهلوان، کریستیان: ۳۹۴

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۶-۷-۱۵۲-۱۶۹-۱۸۲-۲۰۱

پهلوی، رضاشاه: ح-۱۷-۳۵۹-۴۲۱-۴۵۷-۵۱۰

پهلوی، رضاشاه دوم: ۲۳۰-۲۵۰-۳۹۵-۳۹۸

پهلوی، فاطمه (شاهدخت): ۱۷۱

پهلوی، فرح (شهبانو): ۷-۸-۱۵-۱۶-۱۱۳-۱۴۲-۱۴۷ تا ۱۵۳-۱۷۶-۲۳۰-۲۵۳

۲۷۷-۳۲۸-۳۳۵-۳۴۳-۳۴۵-۳۵۳

۳۵۴-۳۹۹-۴۰۱-۴۱۲-۴۳۵-۴۳۶

۴۳۸-۴۵۴ تا ۴۵۷

پهلوی، محمدرضاشاه، آریامهر: در اکثر صفحات

ت

تجدد، حسین (دکتر): ۹۲

تریتی، عماد: ۲۳۱

ترنر: ۳۵۴

تزار، نیکولای: ۲۸۲

تسلیمی، منوچهر (دکتر): ۳۷۴

تفضلی، جهانگیر: ض

تقوی، جلال: ۴۶۱

تقی زاده منظری، محمود: ۳۶۸

تکبعلی زاده: ۶۴-۷۶ تا ۸۷

تورنه، احمد: ۲۸۸-۲۹۴

توسلی ۸۷

توسلی، (مهندس): ۱۷۹-۳۱۸

توفیق القیسی، محمد: ۴۳

توکللی، ابرالفضل: ۲۹۲

تهرانی سید جلال: ۲۹۴

تهرانی، شیخ علی: ۴۶-۷۴-۲۸۴

ث

ثابتی، پرویز: ۲۴۰-۲۴۳-۳۰۲

ثقفی، بتول (همسر خمینی): ۲۹۳

ج

جاویتس، خانم: ۱۶۵

جبرئیل، احمد: ۳۶

جرالد فورده: ۳۹۶

جرج بال: ۱۵۶-۱۶۳-۱۷۸-۱۸۳-۳۹۳

۳۹۴-۳۹۵-۴۲۳-۴۴۲

جرج، براون: ۲۶۶-۳۳۱-۳۹۶-۴۵۲

جرج حبش: ۱۵۶

جزایری، سید محمد (دکتر): ۲۳۴-۳۶۷

جزایری، کاظم: ۲۳۴

جعفری (سپهبد): ۴۹۵

جعفریان، (سرلشکر): ۴۹۲

جعفریان، محمود: ۸-۵۲-۱۰۴-۱۰۵

جلالی نائینی، محمدرضا: ۱۱۱-۱۹۲-۲۲۹

-۲۳۴-۲۳۹-۲۴۰-۳۶۵-۳۶۸

جلایر، محمد: ۱۷۴

جلیلوند، علی اکبر: ۲۳۱

جمال زاده، محمد علی: ژ-ض

جمی (حجت الاسلام): ۷۳-۷۸-۷۹-۸۳-

۸۷

جوادی، سعید: ۲۲۱

جوادی، فریدون: ۴۵۴

جوئز (ژنرال): ۴۸۷

جهانبانی، شوکت ملک: ۴۶۱

جهان بین، (واعظ): ۵۹-۶۹-۸۷

جیم دوناس: ۲۱

جین پاتریک: ۴۵۲

چ

چمران، مصطفی (دکتر): ۱۶۲

ح

حاتم، (سپهبد): ۴۱۹

حاج ابراهیم: ۲۸۵

حاج رضائی، طیب: ص

حاج سیدجوادی، احمدصدر: ۲۵۷

حاج سیدجوادی، علی اصغر (دکتر): ۲۹۸

حاجبی تبریزی، پری: ۱۷۵

حاجبی تبریزی، ویدا: ۱۷۴-۱۷۵

حافظ، اسد: ۳۶-۳۴

حایری، شیخ عبدالکریم (آیت الله): ۴۵

حاتری صفا: ۳۴

حبیب اللهی، دریادار: ۳۳۲-۳۳۴-۳۸۶-

۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۸۶-۴۹۰-۵۰۱

حبیبی، حسن (دکتر): ۲۹۱

حجتی، محمدجواد: ۴۶

حسن البکر: ۲۰۱-۲۶۱

حسینی، کاظم (مهندس): ۹-۴۴۹ تا ۴۵۱

حقشناس، جهانگیر (مهندس): ۴۴۹ تا ۴۵۱

حکمت، بیژن: ۱۷۵

حکمت، رضا، سردار فاخر: ۳۰۱-۵۰۸

حکمت، علی اصغر: ۵۰۸

حکیم، سیدمحسن (آیت الله): ۲۶۱-۲۸۶

حکیمی، ابوالفضل (مهندس): ۳۱۸-۳۱۹

حنافر (سرهنگ): ۸۴

حیات: ۸۴-۸۵

حیدری، محمد: ۵۲

خ

حاتم، سیدعباس: ۲۸۵

خاقی (ازرو حانیون): ۲۹۱

خادم، جواد (مهندس): ۴۵۲

خادمی، علیمحمد (سپهبد): ۳۳۹-۴۱۸

خامنه ای، سیدعلی: ۴۶-۲۹۳

خامنه ای، سیدمحمد: ۲۹۳

خانباها، تهرانی، مهدی: ۲۷۵

خان کارلوس (پادشاه اسپانیا): ۱۶۸-۱۶۹

۲۱۹-

خالد: ۲۴-۲۷-۳۰

خانعلی، ابوالحسن (دکتر): ش - ۲۱۸

خدایناهی، کریم: ۲۹۱-۲۸۷

خدر: ۲۵-۲۸

خرازی، کمال: ۲۸۸

خروشچف: ۴۱۲

خزعل، عبدالامیر: ۱۸۷

خسروانی، پرویز (سپهبد): ۳۸۲-۳۸۳

خسروداد (سرلشگر): ۳۳۰-۴۷۰-۴۸۶

خطیبی، حسین (دکتر): ۳۰۴-۳۰۷-۳۰۸-

۳۱۰-۴۶۴

خلخالی، شیخ صادق: ۴۶-۲۹۳

خلخالی، شیخ نصرالله: ۲۸۵

خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۱۱۱-۳۶۱

خلیل الله مقدم، احمد: ۴۵۱-۴۵۲

خمینی، احمد: ۶۱-۶۱-۷۱-۲۵۹-۲۶۳-۲۹۰

تا ۲۹۳-۴۲۷-۴۲۸

خمینی، سیدروح الله (آیت الله) الف - د - ح

ج - ص - از صفحه ۵ تا ۵۰۹ در اکثر صفحات

خمینی، سیدمصطفی: ۲۶۱-۲۶۵-۲۸۵

خواجه نوری (سپهبد): ۴۹۳-۴۹۶-۴۹۹

خوانساری، آیت الله: ۳۲۶

خوشکیش، یوسف: ۳۸۲-۳۹۰

خوئی، (آیت الله): ۴۶-۲۶۱-۲۸۶

خوئی، مرتضی: ۱۰۵

خیامی: ۲۳۰

- ۳۳۴-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۴-۴۵۷-
 ۴۷۶-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۴-۴۸۶-۴۸۷-
 ۴۹۰
 رجائی، محمدعلی: ۲۹۵
 رحمانی، کاظم (دکتر): ۲۳۴-۳۶۷
 رحیمی، رسول: ۲۴۶
 رحیمی، عزیزالله (سرتیپ): ۳۱۶-۳۱۹
 رحیمی، مهدی (سپهبد): ۱۵۳-۴۹۲-۴۹۵-
 ۴۹۶-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۳
 رخ صفت، علی اصغر: ۲۹۴
 رزازان، علی اصغر: ۲۴۶
 رزمی (سرتیپ): ۶۰-۷۰-۷۱
 رسولی، حسین: ۳۷۴
 رشیدیان، محمد: ۸۵-۸۶
 رشیدی مطلق، احمد (اسم مستعار): ۱۰-۴۰-
 ۴۷-۴۹-۵۰-۵۲-۵۳-۹۸-۱۱۶-
 رضائی، محسن: ۲۰۴-۲۰۵
 رضوانی: ۲۸۴-۲۸۵-۲۹۰
 رضوانی، علی: ۱۸۷
 رضوانی، محسن: ۱۷۵
 رضوی، هازیرس: ۷۷
 رفعت، علی اصغر (سرلشگر): ۷۰-۷۱
 رفعتی، رستم: ۹۲-۲۲۲
 رفیق دوست، محمد: ۲۹۱-۲۹۲
 رمزی، کلارک: ۴۰۹
 رمضان‌دهاقانی، اسفندیار: ۸۶
 روحانی، ضیاء: ۷۲
 روحانی، فؤاد (دکتر): ۱۶۸
 روحانی، منصور (مهندس): ۸-۲۴۴-۲۴۶-
 ۳۷۵
 روزولت، کرومیت: ۳۵۹
 ریاضی، عبدالله (مهندس): ۹۰-۲۱۴-۲۱۵-
 ۳۱۰ تا ۳۱۰-
 دادفر، حبیب (دکتر): ۳۶۳
 دانشپور، عبدالحسین (دکتر): ۴۵۲
 دانشور، حسین: ۱۸۸
 دانشی، غلامحسین: ۹۰
 دانیال، آلزبرک: ۱۷۵
 دباغ، طاهره: ۲۸۸-۲۹۱ تا ۲۹۳
 درخشان، علی: ۲۹۴
 درویش، محمد: ۲۹۴
 دعائی، محمود: ۲۶۱-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۸
 دلیم، اسکندر: ۴۲۲
 دوگل (ژنرال): ۴۰۰
 دولو، احسانه خانم: ص
 دولو، امیر هوشنگ: ص- ۱۸۸
 دها، سیدحسین: ۲۵۶
 دها، محسن: ۳۸۳
 دهقان: ۳۱۸
 دین بران: ۱۷۸
 دیوید، اوئن: ۴۳۳
- ذ
- ذکاء، حسین (دکتر): ۱۹۰
 ذوالفقاری، ناصر: ش-
 ذوالفقاری، هدایت: ۱۸۷-۱۸۸
- ر
- رادمهر، محمدریاستگان: ۷۷-۷۸
 رامید، هلاکو: ۹۷-۱۱۱
 راوندی، مرتضی: ۱۹۰
 رائد، جعفر: ۱۶۰-۳۶۱
 ربانی املشی: ۴۶
 ربانی شیرازی (آیت الله): ۴۶
 ربیعی، امیرحسین (سپهبد): ۱۷۶-۳۳۲-

سجادی، محمد (دکتر): ۳۰۲-۳۶۵-۴۵۷-
 ۴۶۳-۴۵۹
 سحابی، یدالله (دکتر): ۱۷۹-۲۹۸-۳۱۵-
 ۳۱۹-۳۱۸
 سررشته داری، فریدون (سرہنگ): ۱۸۸
 سرفراز، حسین: ۱۲۹
 سروری، محمد: ۲۳۰-۳۳۷
 سروش، عبدالکریم: ۲۸۸
 سعادت مند، ابوالحسن (سپہید): ۳۳۲
 سعدون، شاکر: ۲۶۳-۲۷۸
 سعید، جواد (دکتر): ۸۹-۱۰۷-۲۴۶-۳۰۱-
 تا ۳۱۰-۳۶۳-۳۶۶-۳۷۹-۴۲۷-
 ۴۵۵-۴۵۷-۴۵۹-۴۶۴
 سعیدانصاری، علینقی: ۱۸۷
 سکندری، پری: ۴۲۰
 سلامت بخش: ۴۱۵
 سلامتیان، احمد: ۴۲۷- تا ۴۲۹-۴۴۸
 سلیمان، حسینعلی: ۹۰
 سمعی، احمد: ۳۱۳-
 سمعی، محمدعلی: ۲۴۶
 سمعی، مهدی: ۴۳۵
 سنجابی، کریم (دکتر): ۹-۱۷۳-۱۸۹-
 ۲۹۲-۳۱۴-۳۳۴-۳۳۸-۳۵۱-۳۷۳-
 ۴۰۶-۴۲۳- تا ۴۵۱-۴۶۲
 سولیوان، ج: ۱۵۵-۱۵۶- تا ۲۶۰-۳۲۸
 تا ۳۴۸-۳۹۳-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۸- تا ۴۶۵
 ۴۹۰
 سہیل (کارمند اوپک): ۲۰
 سیف، خسرو: ۱۷۹
 سیف ناصری، غلامعلی: ۱۸۷
 سیفی، امیرعلی: ۹۴
 شاکراس، ویلیام: ۳۳۰-۳۹۳

ریپورتر، شاپور (سر): ۱۳۳
 ریچارد، کاتم: ۴۲۲
 ریگان، رنالد: ۴۲۱-۴۵۲
 رئیس، لطف اللہ (دکتر): ۲۱۶

ز

زاهدی، اردشیر: ۱۰-۱۶۵- تا ۱۷۰-۱۷۶
 ۲۶۷-۳۴۲-۴۸۳
 زکی یمانی: ۵-۱۹ تا ۳۹
 زنجانی (آیت اللہ): ۴۴۹
 زندہیگلری (سروان): ۵۹-۶۸-۶۹
 زندنیا: ۱۲۸
 زهرائی، ہابک: ۹-۱۷۵
 زیرک زادہ، احمد (مهندس): ۴۵۰-۴۵۱

ژ

ژریس دہرہ، نویسنده فرانسوی: ۱۷۴-۱۷۸
 ژسگاردستن (رئیس جمهور فرانسه): ۲۶۰ تا
 ۲۸۳-۳۹۳ تا ۴۰۴

س

سادات، انور: ۱۰۹-۲۷۱
 سادچیکف: ۱۸۳
 ساریانہا، قاسم: ۲۴۶
 سازش، جعفر: ۷۸-۸۰
 ساعدی، غلامحسین (دکتر): ۹
 سالم: ۲۴
 ساموئل سگوار: ۱۵۴
 ساندورز: ۳۹۷
 سائرس ونس، ج: ۱۴۸-۱۵۶-۳۴۶-۳۹۳-
 ۴۰۴-۴۱۳-۴۴۲-۴۶۹-۴۸۴
 سبوحی، حاج میرزا عبداللہ: ۱۷
 سپہری پور، محمد: ۷۷-۸۷
 ستاری، محمد (دکتر): ۳۶۷

شهبازی، شهباز: ۳۶۸
 شهرستانی، جواد (مهندس): ۳۱۵
 شهرستانی، محمد: ۳۶۷
 شهیدی، احمد: ۴۹
 شیرازی (از مقامات بانکی): ۳۸۰
 شیخ بهائی، رضا: ۳۷۴
 شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر): ۲۱۷-
 ۲۴۶-
 شیخ الاسلامی، مهدی: ۳۶۳
 شیروانی، داریوش (دکتر): ۹۰-۹۲-۲۲۲-
 ۲۳۴-۳۶۷
ص
 صادقی، علی: ۱۷۵
 صادقی، محمد (دکتر): ۲۸۶
 صادقین، محمود: ۱۷۵
 صالح، اللهباز: ۲۳۰-۴۰۶-۴۳۶-۴۳۷-
 ۴۴۱-۴۴۹-۴۵۱
 صالح، جهانشاه (دکتر): ۴
 صالحیار، غلامحسین: ۱۲۰-۱۲۷
 صالحی، مرتضی (دکتر): ۳۳۲
 صانعی، جعفر (سپهبد): ۱۹۱-۹۱
 صانعی، منوچهر: ۱۸۷
 صائب، سیدعلی: ۲۳۴
 صباغیان (مهندس): ۸۷-۱۷۹
 صداقت (طلبه): ۶۷-۷۸-۸۷
 صداقت نژاد، غلامعلی: ۲۸۷-۲۹۳
 صدام، حسین: ۲۵۸-۲۵۹-۲۶۳-۲۷۹
 صدر، موسی (آیت الله): ۱۶۲
 صدر، سیدمحمدباقر (آیت الله): ۲۸۶
 صدر، فضل الله (دکتر): ۹۲-۳۰۹
 صدیقی، جعفرقلی (سپهبد): ۳۷۴
 صدیقی، حاج علی: ۱۷۹

شالچیان، حسن (مهندس): ۱۸۱-۳۳۲-۳۸۶
 شالزامل، میریل: ۲۷۶
 شامان دلماس، ژاک: ۴۰۰
 شاملو، احمد: ۹
 شاهقلی، منوچهر (دکتر): ۳۸۰
 شاهکار، شهلا: ۱۶۸
 شایان، رضا: ۹-۱۷۹-۱۸۹
 شایگان، رضا (مهندس): ۲۴۶
 شایگان، سیدعلی (دکتر): ۶-۹
 شرکاء، جلیل: ۳۸۲
 شریف امامی، جعفر (مهندس): ز-س-ش -
 ۷-۱۲-۱۵-۴۸-۶۲-۶۳-۱۰۴-تا ۱۱۴
 ۱۳۵-۱۴۹-۱۵۳-۱۵۵-۱۷۸-تا ۱۸۰
 ۴۹۷-
 شریف امامی، مهدی (دکتر): ۳۲۵
 شریفی (دکتر): ۲۵۷
 شریفی، رحیم: ۴۵۱-۴۵۲
 شریعتمداری، سیدکاظم (آیت الله): ۵-۴۳-
 ۴۵-۴۶-۵۳-۷۴-۸۹-۱۰۱-۱۰۲-
 ۱۱۴-۱۳۵-۱۷۰-۱۷۸-۱۷۹-۱۹۱-
 ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۲-۲۲۸-۲۳۰-۲۳۷-
 ۲۳۸-۲۴۹-۲۵۱-۲۵۹-۲۹۷-تا ۳۰
 شریعتمداری، محسن: ۱۸۱-۳۳۲
 شریعتی، علی: (دکتر): ۲۸۵
 شفا، شجاع الدین: ۳۵۴
 شفقت، جعفر (ارتشبد): ۹۹-۱۰۰-۱۰۲-
 شفیع امین، محمد (دکتر): ۱۰۵
 شفیع، فرهنگ (دکتر): ۴۲۶-۴۲۷
 شمس، علی: ۱۷۵
 شمس آبادی (آیت الله): ۲۸۷
 شمس اردکانی: ۲۹۲
 شومر، داود: ۳۹۵
 شهبازی، نورعلی: ۲۳۵
 شیخ محمد باقر

تاریخ: ۱۳۷۴
 نام: شمس

طه، عبدالکریم: ۲۱

صدقیانی، رضا (مهندس): ۳۷۴

صدوقی (آیت الله): ۴۷-۲۹۱

صدوقی، محمدعلی: ۲۹۱

صدیق اسفندیاری، علی (دکتر): ۳۶۸

صدیق (دکتر): ۱۹۰

صدیقی، غلامحسین (دکتر): ۳۳۴-۳۵۱

۴۰۶-۴۲۰-۴۲۳-۴۳۳-۴۴۹ تا ۴۵۳

۴۶۲-۴۶۳

صفاری، رحیم: ۱۹۰-۲۵۷

صفاری، محمدعلی (سرטיפ): ۴۴-۴۵۵ تا

۴۵۷

صمدیانپور (سپهبد): ۷۰-۲۵۲

صمصام السلطنه: ۴۵۳

صمیمی (مهندس): ۴۵۲

صنیعی، اسدالله (سپهبد): ۳۸۱

صهباء، ابراهیم: ۴۴۵

ض

ضرغام، علی اکبر (سرلشکر): س

ضرغامی (ارتشبد): ۲۴۰

ط

طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۴۷-۱۷۴

۱۸۶-۱۸۸-۳۱۴-۳۱۶-۳۱۸-۳۱۹

۳۵۰-۳۷۳-۴۰۹-۴۲۴-۴۳۶

طاهری، آیت الله: ۸۵

طاهری، امیر: ۱۲۷

طاهری، شیخ: ۶۴

طباطبائی، صادق: ۲۸۸-۲۹۱

طیبی، حسین (دکتر): ۹۰-۹۵-۹۷-۲۰۶

۲۳۴-۳۶۷

طوفانیان، حسن (ارتشبد): ۴۶۹ تا ۴۸۷

۴۹۰-۵۰۵

ظ

ظفر بختیاری، ملکشاه: ۱۸۸

ظفری، پرویز: ۹۰-۹۴-۹۷-۲۰۶-۲۳۴

۳۶۷

ع

عابد (سرباز): ۴۱۵

عابدی جعفری، حسین: ۲۹۱

عادلی رانکوهی، جعفر (دکتر): ۳۶۷

عارف، عبدالرحمن: ۲۶۱

عارف قزوینی، شاعر ملی: ج

عاشور، هاشم عبدالرضا (نام مستعار): ۶۱-

۶۲-۶۳-۷۷-۷۸-۸۹

عاصمی، محمد (دکتر): ظ

عالیخانی، علینقی (دکتر): ۵۰۹

عامری، سید محمود: ۸۶

عامری، ناصر (دکتر): ض-ط-ظ

عاملی، ابوالحسن: ۳۶۸

عاملی، باقر (دکتر): ۸

عاملی تهرانی، محمدرضا (دکتر): ۱۶-۴۴-

۶۲-۶۳-۷۵-۷۶-۱۰۴-۱۸۱-۲۴۷ تا

۲۴۹-۳۳۲

عباسی (داماد آیه الله شریعتداری): ۳۰۰

عبدالپور: ۸۶

عبدالسلام، بیل عید: ۱۹-۲۱

عبدالسلام جلود: ۲۷

عبدالعزیز، ترکی: ۲۳

عبدالناصر: ص-۵۰۹

عدل، یحیی (پروفسور): ۱۰۸

عراقی، حاج مهدی: ۲۹۱-۲۹۴

- عزیزی (سپهبد): ۴۰۶
 عسگری (سرلشگر): ۴۱۴
 عسگری (مهندس) صاحبخانه خمینی در پاریس: ۲۹۱
 عسکراولادی، حبیب: ۲۹۲
 عطائی، دریا دار: ۳۷۵
 عظیمی، عبدالرسول (دکتر): ۱۲۹
 عظیمی (ارتشبد): ۱۸۱-۳۳۲-۴۱۸
 عقیل زاده: ۵۹-۶۸-۶۹-۸۷
 عقیلی پور (سرهنگ): ۲۷۵
 علاء، حسین: ۴-۵۰۷ تا ۵۰۹
 علاء، فریدون (دکتر): ۱۸۷
 علاءه وحیدی: ۱۸۸
 علم، امیراسدالله: ز- س- ص- ض- ۷-۱۱
 -۱۴-۱۸۰-۳۶۲
 علی، حسن: ۲۰
 عنایت، محمود (دکتر): ۱۲۹-۴۵۲
- غ
 غرابوی نژاد: ۵۶-۵۸
 غرضی، محمد (مهندس): ۲۸۷-۲۸۸-۲۹۱
 -۲۹۳-۲۹۴
 غضنفرپور، احمد: ۲۹۰
 غفاری، هادی: ۲۰۲-۲۹۲
- ف
 فارسی، جلال الدین: ۲۹۴
 فاضل سرچوئی، وجیهه الله: ۴۶۱
 فاطمی، علیمحمد: ۱۷۴
 فرانسواز: ۳۹۵
 فرانک ژیل: ۱۵۳
 فرانکو (ژنرال): ۱۶۹-۲۱۹
 فرخی (سرهنگ): ۲۰۳-۲۰۴
- فرخی یزدی: ژ
 فردوست، حسین (ارتشبد): ۱۳۶-۳۵۰-۳۷۵
 -۳۷۶-۳۹۵-۴۷۵-۵۰۹
 فردوسی، شاعر بزرگ ایران: ۵۱۱
 فردوسی پور: ۲۹۱-۲۶۳
 فرزانه، سیروس: ۱۸۷
 فرمان، محمدصادق: ۲۳۴-۳۶۸
 فروغی، محسن (مهندس): ۱۸۱
 فرهنگ بیگوند، پرویز: ۲۲۳
 فضاآلی، محمد (دکتر): ط- ض- ۱۰۸
 فلاح، رضا (دکتر): ۹
 فلاح رستگار: ۴۴
 فروهر، داریوش: ۹-۱۷۹-۲۹۲-۴۲۴-۴۴۲
 -۴۴۴-۴۴۹-۴۵۰
 فولادی، حسین: ۳۷۴
 فهیم کرمانی، شیخ مرتضی: ۴۶
 فیدل کاسترو: ۱۷۴
 فیروزآبادی، حاج سیدرضا (آیت الله): ۳۵۹
 فیروزمند (سپهبد): ۴۹۴-۴۹۵
- ق
 قاسمی، ابوالفضل: ۱۷۹-۲۵۷-۴۴۲-۴۵۰
 -۴۵۱-۴۵۲
 قاضی، (آیت الله): ۴۶-۱۰۱-۱۰۲
 قاضی، ابوالفضل: (دکتر): ۱۸۱-۳۱۴
 قاضی، حسن: ۱۷۵
 قاضی، نعمت الله: ۲۲۱
 قائمی، عنایت الله: -۲۲۱-۳۶۷
 قدمی، نورالله: ۳۶۸
 قذافی (سرهنگ): ۳۴-۳۶ تا ۲۵۶-۴۱۲-۴۸۹
 قرنی، ولی (سرلشگر): ش- ۲۶۶-
 قره باغی، عباس (ارتشبد): ۱۸۱-۲۵۰

- ۳۳۲-۳۵۰-۳۵۲-۳۸۲-۴۱۶-۴۷۲ تا
۵۰۵
قطب زاده، صادق: ۱۶۱-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۸-
۲۵۹-۲۶۰-۲۶۸-۲۶۹-۲۸۷-۲۸۸-
۲۹۱-۲۹۲-۲۹۶-۳۹۷-۳۹۸
قطبی، رضا (مهندس): ۳۵۳-۳۵۴-۴۵۳-
۴۵۴
قطبی، لوئیز: ۴۵۳
قطبی، محمد علی (مهندس): ۱۸۷-۴۴۲
قشقائی، خسرو: ۹
قسی (آیت الله): ۱۹۴
قسی، اسماعیل: ۲۰۱
قندهاریان، ابوالقاسم (مهندس): ۱۷۹
قندی (مهندس): ۳۱۸
قهرمان، همایون: ۱۸
- ک
کاتوزیان (سپهبد): ۳۳۲-۴۱۷
کارتز، جیمی: ح-ث-۶-۷-۱۰-۱۱-۱۴-
۱۱۶-۱۱۷-۱۳۸-۱۴۸ تا ۱۵۴-۱۷۲-
۱۷۵-۱۷۶-۱۷۸-۲۵۰-۲۶۶-۲۸۲-
۳۳۰-۳۴۲-۳۴۵-۳۴۸-۳۹۳ تا ۴۱۳-
۴۵۳-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۸-
۴۸۲-۴۸۳-۴۸۸-۴۹۰
کارتز، روزالین: ۱۴۳-۱۴۷-۱۷۶-۳۹۳
کارلوس (تروریست): ۵-۱۹-۲۴ تا ۳۹
کارلوس، خانواده: ۳۰
کاسمی، نصرت الله (دکتر): س-۸
کاشفی، احمد: ۱۸۷
کاظمی، عبداًالمطلب: ۲۱-
کاظمی، عزالدین: ۴۴۹
کالاها: ۳۹۳-۳۹۴-۴۰۲-۴۰۳
کائیدی چهارمحالی، حسن: ۱۷۴
- کتیرائی، مصطفی (مهندس): ۳۱۷
کرایسکی: ۲۰
کرمانشاهی، حسین: ۵۷ تا ۵۹-۶۷ تا ۶۹-۸۶-
۸۷-
کرومیت، روزولت: ۴۷۳
کریستفر: ۳۴۵
کریمی، سیدجعفر: ۲۸۵
کریمی، فزاد: ۶۱
کسینجر، هنری: ۳۲-۱۴۷-۱۴۶-۱۴۳
کشکولی، عطا آقائی: ۱۷۵
کفاش زاده، مصطفی: ۲۹۲
کفائی: ۲۶۹
کلاتری، خسرو: ۱۷۴
کلاهدوز (سرگرد): ۴۱۵-۴۱۹
کلین، تروریست: ۳۳
کنت، آرتور: ۱۶۰
کندی، ادوارد: ۱۸۲
کندی، جان: ش-۶-۷-۱۰-۱۴۱-۱۵۶
کنی، علینقی (دکتر): ۱۸۱-۲۱۶-۳۰۰-
۲۶۲
کوتام، ریچارد: ۱۶۵
کورس (مهندس): ۳۲۶
کیارش، سیدمحمد: ۵۹-۶۰-۶۴-۶۷-۸۳-
۸۶
کیاوش: ۳۱۸
- گ
گاری سبک: ح-۱۲-۱۵۶
گاندی، مهاتما: ۳۴۶
گرامی، ازروحانیون: ۴۶
گرین برنیتان (پرفسور): ث
گرچی (دکتر) پزشکی خمینی: ۲۹۲
گس، گلشائیان (قرارداد): ۱۲۶

گست (ژنرال): ۴۶۹

گلیاپگانی (آیت الله): ۴۳-۴۵-۲۵۹

گنجی، منوچهر (دکتر): ۱۸۱-۲۴۲-۲۵۳-۲۵۵

گواهی (مهندس): ۳۱۸

ل

لاجوردی، اسدالله: ۲۹۳

لاشانی، فرشته: ۱۸۷

لاهوئی: ۸۷

لهاسچی، قاسم: ۱۷۹-۴۵۲

لرقبا، عبدالله: ۸۵-۸۶

لطف اللهی، سیامک: ۱۷۵

لقائی، ستار: ض

لواسانی، سیدصادق: ۲۸۶

لویزانی، اوری: ۱۵۴ تا ۱۵۶

لونی شانزدهم: ۲۸۲

م

ماسالی، حسن: ۱۷۴

ماسالی، حسین: ۲۸۵

ماگدالناگوب: ۳۴-۳۵

مانیان، حاج محمود: ۴۲۷-۴۲۸-۴۵۲

ماتوتسه تونگ: ۵۰۲

مبروک، عزالدین: ۳۱

مبشر، ایرج: ۱۸۷

مبشری، اسدالله (دکتر): ۱۸۹

مجتهدی، سیدفرج الله: ۸۶

مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۸-۱۰۴

محتشمی: ۲۹۱

محرر معلی خان: ض

محققی، (سپهبد): ۴۹۴-۴۹۷-۴۹۸

محمدی، شیخ: ۶۴

محمودزاده: ۲۸۸

محموی، سهراب: ۱۸۸

مدریس، ضیاء (دکتر): ض

مدرسی، شیخ هادی: ۶۱-۲۹۱

مدنی، احمد (دکتر، دریادار): ۴۵۰

مدنی، سیدجلال: ۴۵

مرعشی نجفی (آیت الله): ۴۳-۴۵

مرشد، حسن (دکتر): ۱۸۱

مروارید، شیخ علی: ۲۹۲

مژدهی، نصرالله (دکتر): ۱۰۴-۱۸۱

مسعودی، فرهاد: ۴۹

مسعودی، محمدعلی: ۱۴۴-۲۵۶-۳۰۳

۳۰۷-۳۲۲-۳۸۰-۳۸۲-۴۶۱

مسعودی، منوچهر: ۲۵۷

مشیر، مرتضی (دکتر): ۹۲-۲۳۴-۲۴۴

۳۶۷-۴۳۷

مشیری (عضو جبهه ملی): ۹

مشیری، محمد: ۳۲۴-۳۲۵

مشیری، ناصر: ۱۸۷

مصاحب، شمس الملوك (دکتر): ۳۷۹-۳۸۲

۳۸۳-

مصباح زاده، مصطفی (دکتر): ۱۳۰

مصدق، محمد (دکتر): ۹-۱۰-۱۳۰-۱۵۱

۱۶۲-۱۶۸-۱۷۴-۱۸۹-۴۴۳ تا ۴۲۵

۴۵۱-۵۱۰

مظهری (آیت الله): ۸۱-۲۶۵

مظهری، علی اصغر: ۹۰-۹۲-۹۴-۹۷

۲۱۳-۲۱۵-۲۱۶-۳۶۷

معادیخواه: ۴۶

معتمدی کریم: (مهندس): ۱۸۱-۱۸۲

۳۳۲

معمارزاده (دکتر): ۳۳۲

معین زاده، جواد (سرتیپ): ۳۳۰

- معین فر، (مهندس): ۳۱۸
 معینی، قاسم (مهندس): ۳۷۹-۳۸۶
 معینیان، نصرت الله: ۱۳۶-۲۳۰
 مفتی اعظم: ۳۷
 مفیدی، شمس الدین (دکتر): ۳۳۲-۴۱۸ - ۴۹۷
 مقدم، ایرج (سپهبد): ۳۳۲
 مقدم مراغه ای، رحمت (مهندس): ۲۵۷
 مقدم ناصر (سپهبد): ۱۱۳-۱۱۴-۱۴۶-
 ۱۵۲-۱۷۶-۲۵۱-۲۵۴-۲۵۶-۲۹۰-
 ۳۵۰-۳۵۱-۳۶۱-۳۸۹-۳۹۰-۴۲۳-
 ۴۲۴-۴۴۲-۴۷۵-۴۷۷-۴۸۴-۴۸۸-
 ۴۹۲-۴۹۳-۴۹۹-۵۰۲-۵۰۴-۵۰۵
 مکارم شیرازی (آیت الله): ۴۶
 مگری، محمد (دکتر): ۲۹۲
 ملک ابهری (مهندس): ۱۸۱-۱۸۲
 ملک حسین: ۳۲-۱۵۸ تا ۱۶۰-۲۷۵-۳۶۲-
 ۵۱۰
 ملک خالد: ۳۲
 ملک فهد: ۳۷
 ملک فیصل: ۳۷-۳۶۲
 ممتاز، امیر فرهنگ: ۱۸۸
 ممکن (دکتر): ۳۱۸
 مناخیم بگین: ۱۵۷
 منتصری، اردشیر (مهندس): ۱۹۰
 منتظری، شیخ حسینعلی: ۴۷-۱۸۶-۱۸۸-
 ۱۹۴-۲۹۲-۳۱۴
 منتظری، شیخ محمد: ۷۱-۷۸-۱۶۲-۲۰۲-
 ۲۸۶ تا ۲۸۸-۲۹۱
 منصور، حسنعلی: ۴-۱۲-۲۶۱
 منصوریان، جعفر: ۹۶-۳۷۸-۳۷۹
 منوچهر: ۲۹۳
 منوچهری، علی: ۲۹۴
- منیر طاهری (سروان): ۷۲
 موسوی، محمد حسین (دکتر): ۱۰۱-۱۰۴-
 ۱۰۵
 موسوی تبریزی، سید حسین: ۷۵-۸۵-۸۶
 موسوی خوثینیها: ۲۹۱
 موسوی ماکوئی، اسدالله: ۲۱۳
 موسوی نسل: ۱۸۷
 موسویان، حمید (دکتر): ۲۴۶
 موسی قمی، شیخ محمد: ۷۸
 موشه دایان: ۱۵۷
 موفیا: ۲۱
 مولوتف: ۱۲۱
 مولوی، محمد علی (دکتر): ۳۸۷-۳۸۸
 مهاجرانی، عباس (دکتر): ۱۷-۱۸
 مهام، فرشید: ۶۶
 مهدمینا (مهندس): ۱۸۱
 مهدوی، فریدون (دکتر): ۱۰۴-۲۴۶-
 ۴۳۵
 مهدیان، حاج حسین: ۲۹۲-۴۲۷-۴۲۸
 مهران، حسنعلی: ۱۸۱
 مهران، رسول: ۴۴۰-۴۵۰
 مهری: ۲۹۰-۲۹۱
 میرفندرسکی، احمد: ۲۷۱
 میرفندرسکی، سید محمود: ۲۹۲
 میلیانی، اسوالدویار تو: ۱۷۴
 میناچی، ناصر (دکتر): ۲۹۸ تا ۳۰۰-۴۱۰
- ن
 نادا، تروریست: ۲۴
 نادری، علی: ۸۴-۸۶
 ناصری، حاجی: ۲۹۲
 ناطق نوری، علی اکبر: ۲۹۲
 ناظمی، احمد: ۳۳۲-۳۶۶

- ناظمی، اصغر: ۲۸۸-۲۹۴
 نامجو، محمود: ۴۱۶
 نایف، حوائقہ: ۱۵۶
 نبوی، سیف الدین (دکتر): ۲۹۴
 نجات اللہی (دکتر): ۳۲۰-۴۱۸
 نجارزادہ: ۲۹۲
 نجف آبادی، ہادی: ۲۸۷
 نجفی، حسین (دکتر): ۱۸۱-۳۲۱-۳۳۲-
 ۳۷۵-۳۸۶-۳۸۷
 نجم، ابو القاسم (نجم الملک): ۴۳۵-۴۳۶
 نجیمی نائینی (سپہید): ۴۹۲-۵۰۲-۵۰۳-
 ۵۰۵
 نراقی، احسان (دکتر): ۴۳۵-۴۴۳-۴۴۴
 نراقی، خسرو: ۱۷۵
 نزیہ، حسن: ۲۶۸-۲۹۲
 نژاد حسینیان، ہادی: ۲۸۷-۲۹۳
 نصر، حسین (دکتر): ۳۵۳-۳۵۴-۴۳۸
 نصرتیان، علی: ۱۸۸
 نصیری، شیخ یحیی (علامہ نوری): ۱۹۸-
 ۱۹۹-۲۰۱-۲۰۳
 نصیری (خانوادہ علامہ نوری): ۲۰۰
 نصیری، نعمت اللہ (ارتشبد): ۷-۷۰-۱۱۱-
 ۱۳۳-۱۳۹-۲۲۹-۲۳۰-۲۴۴-۲۵۱-
 ۳۳۹-۳۷۴-۳۷۶
 نظمی، علی: ۲۲۴
 نقابت (دکتر): ۲۴۶
 نقیب زادہ (دکتر): ۲۴۶
 نواب صفا، اسماعیل: ۲۳۴-۳۶۷
 نوری، جمشید: ۵۷ تا ۶۶-۶۹
 نوری، حسین: ۴۶-۶۷
 نویسی، روح اللہ (سر تیب): ص
 نہاوندی، ہوشنگ (دکتر): ۱۰۳-۱۰۴-۱۱۲-
 ۱۱۴ تا ۱۱۸-۱۷۰-۱۸۱-۲۵۳ تا ۲۵۵

نہائی (مهندس): ۵۷
 نیامیر، ہانو: ۱۸۸
 نیرومند، بہمن: ۹
 نیری، سید رضا: ۲۹۴
 نیکپور، علی: ۳۷۸
 نیک پی، غلامرضا (دکتر): ۸-۱۱۱
 نیک نژاد (کارمند مجلس): ۳۶۳
 نیکخواہ، پرویز (مهندس): ۸-۵۲
 نیکسون، ریچارد: ۶-۷-۱۰
 نیلی، آرام (دکتر): ۲۴۶
 نیوسام، دیوید: ۴۸۳

و

واحدی، قدرت اللہ (دکتر): ۲۲۶
 وارستہ، محمد علی: ۴۳۵-۴۳۹
 واسیلف: ۱۸۳
 وارون، زبیر من: ۴۰۹
 والترز، ہاربارا: ۱۴۷
 والترشل: ۱۱۷
 والترلیپمن: ۴۱۲
 والترماندیل: ۶
 وحیدی، ایرج (مهندس): ۸-۳۷۴
 ودیعی، کاظم (دکتر): ۱۸۱-۲۵۳-۲۵۵-
 ۳۸۶
 ودرہام، کریم (سپہید): ۲۳۹-۴۰۶
 وزیر، فیض اللہ (سرہنگ): ۱۸۸
 وزیر، ہوشنگ: ۱۲۸
 ولت: ۲۸۸
 ولز (وزیر خارجہ آمریکا): ۱۲۱
 ولیان، عبدالعظیم (دکتر): ۳۷۴
 ویشکائی، محمدرضی: ۱۸۱
 ویلسن: ۴۲۱

هاشمی (دادستان تهران): ۳۸۱-

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر: ۱۶۲-۷۰-

۲۹۴-۲۹۵-۳۱۷-

هاشمی رفسنجانی، محمد: ۲۹۲-

هاشمی، منوچهر (سرتیپ): ۵۰۹-

هاشمی، سیدمهدی: ۲۸۷-

هایزر، ژنرال: ۱۴۴-۱۴۵-۲۸۲-۳۹۳-۶۵-

۴۸۹ تا ۴

هدایتی، هادی (دکتر): ۸-

هلموت اشمیت: ۳۹۳-۳۹۴-۴۰۲-

همایون، داریوش: ۴۴-۴۹-۵۰-۵۲-۵۳-

۹۳-۱۰۴-۳۴۸-۳۷۴-

همشری، محمود (نماینده فلسطینیها): ۱۶۱-

هندی نیشابوری، میرحامد حسین (جذخمینی)

: ۲۹۰-

هویدا، ادیب: ۱۸۸-

هویدا، امیرعباس: ۱۶ تا ۳۲-۴۹-۵۰-

۵۳-۸۸-۹۷-۹۸-۱۰۴-۱۱۰-۱۱۴-

۱۳۳-۱۵۲-۱۶۹ تا ۱۷۱-۱۷۷-۱۸۶-

۲۲۰-۲۲۲-۲۴۰-۲۵۰-۲۷۴-۳۳۵-

۳۳۹-۳۴۰-۳۵۰-۳۷۴ تا ۳۷۶-۳۹۵-

۴۱۲-۵۰۹-

هویدا، فریدون: ۱۶۵-۴۰۴-

هیكل، حسنین: ۱۴۸-۱۵۱-۱۵۲-۲۹۲-

هیگ (ژنرال): ۴۶۸-

یاسر عرفات: ۱۵۶-۱۶۱-۲۵۹-۲۹۴-

یاسینی، منصور: ۲۴۵-

یزدان پناه، کامبیز: ۳۵۳-

یزدان پناه، عزت الله (دکتر): ۱۸۱-۳۷۹-

یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۵۰۷-۵۱۰-

یزدانی، هژبر: ۲۳۰-۲۴۶-

یزدی، ابراهیم (دکتر): ۶-۹-۱۶۱-۱۷۵ تا

۱۷۷-۱۷۹-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۳-۲۷۷-۲۸۶-

۲۸۷-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۶-۳۱۸-۳۹۵-

۳۹۸-۴۰۹-۴۲۷-۴۸۵-

یزدی (روحانی): ۴۶-

یزدی، کاظم (دکتر): ۳۱۸-

یزدی، منوچهر: ۹۰-۹۴-۹۷-۲۰۶-۲۲۲-

۲۳۴-۳۶۸-

یکرنگیان (سرتیپ): ۵۰۷-

یگانه، محمد (دکتر): ۱۸۱-

یوسف (تروویست): ۲۳-۲۴-

یادآوری:

عکس و اسامی هیئت رئیسه مجلسین سنا و شورای ملی در صفحات ۴۶۶ و ۴۶۵ (مکرر) به چاپ رسیده است.

فہرست اسامی جلد چہاردم

آ

اردلان، علی: ۱۲-۱۱۸-۱۲۰-۱۲۱-۲۲۹	آتابای، ابو الفتح: ۷۳
۲۹۹	آتابای، کامبیز: ۵۵۴-۴۲۴
اردلان، علیقلی (دکتر): ۱۰۰	آدمیت، تھمورس: ۳۳
ارم، محمود (سرلشگر): ن	آذریزین (سپہبد): ۳۰۹-۳۱۰
ازھاری، غلامرضا (ارتشبد): ط-ظ-ح-غ-	آذری، قسی: ۳۱۲
ف - ق - ۲۷-۳۲-۷۱-۱۰۷-۱۲۵-۱۴۲	آرتور کریستین: ش
تا ۱۴۴-۱۸۰-۲۵۵-۲۶۲-۲۶۳-۳۱۰-	آرماتو، رابرٹ (مشاور شاہ دریانا ما): ۴۰۶-
۳۸۹-۳۱۸	۴۴۸-۴۷۷-۴۸۰-۴۸۵-۴۸۷-۴۹۴-
اسحقی گاہکش، محمد: ۵۴	۵۰۳-۵۵۵
اسحقی نژاد، محمد حسین: ۵۳	آرنی، دانلر: ۴۸۸
اسفندیاری، محمد جواد (سردار اقبال): ۲۰	آریانا، بہرام (ارتشبد-دکتر): ۵۲۷
اسکندریان (سروان): ۴۱۲-۴۱۷	آریانا، منوچہر (دکتر): ۱۴-۳۱-۱۴۸
اسلامی، صادق: ۱۹۴	آزمون، منوچہر (دکتر): ۱۲۹-۱۴۴-۱۴۵
اسمیت، پیتر: ۴۳۶	-۲۹۸-۳۰۲
اشراقی، داماد خمینی: ۱۰۹-۱۶۴-۱۹۵-	آشوری، داریوش: ۱۳۰
۱۹۶-۲۲۲-۳۲۵	آموزگار، جمشید (دکتر): ۶۲-۲۱۱-۲۵۴-
اعتمادی، محمد حسین (دکتر): ۳۵	۲۶۲-۲۶۳-۲۸۷-۳۷۶
اعلم، مظفر: ۳۷۴-۳۷۵	آموزگار، سیروس (دکتر): ۱۴-۳۱-۴۸-
افتخاری، محمد صادق: ۵۳	آنتھرک، والت: ۴۷۵
افشار، نادر (سرلشگر): ۹۵-۳۲۳	آنتونی، شریزلی: ۴۴۳
افشار قاسملو، اصلان (دکتر): ۸۳-۹۱-۹۲-	آنریکو، ماتئی: ۳۹۹
۳۷۸-۴۱۴-۴۸۹ تا ۴۹۱-۵۴۰	آیزنہاور (ژنرال): ۱۷-۴۴۷
افشار قاسملو، امیر خسرو: غ	
اقبال، خسرو: ۱۱۲	
اقبال، منوچہر (دکتر): ض	
اکمل، خسرو: ۱۴۶	
الکساندر، دومارانش: ۴۰۴	
الموتی، مصطفیٰ (دکتر): خ-ر-س-ش-	
۳۵-۲۷۵	
الیاسی، محمود: ۹۲-۵۵۴	
الیزابت، ملکہ انگلستان: ۴۲۲	
امامی، سید احمد: ۳۱	
	ابو شریف: ۲۰۰
	اتاہکی (سرننگ): ۴۱۶
	اجاق، محسن: ۳۵
	اخلاقپور، غلامرضا: ۵۹
	ادریس، ملک: ۴۴۸-۵۴۷
	ادوارد ساہلیہ: ۳۹۴-۴۰۱-۴۰۲
	ادوارد، ویلسون: ۴۲۴
	اردلان (دریاسالار): ۲۶۹

الف

۳۵۷-۲۸۳-۲۷۸-۲۷۵-۲۶۳-۲

امجدی، بابا (امیر ارتش): ۳۱۴

امجدی، مصطفی (سپهبد): ۳۱۴

امیر افشار (سرتیپ): ۲۹۸

امیر احمدی، احمد آقا (سپهبد): ۳۷۱

امیر ارجمند، لیلی: ۵۵۴

امیر امجدی (سرتیپ): ۳۱۴-۳۱۵

امیر انتظام، عباس (مهندس): ۱۶۲-۳۳-

۱۶۵-۱۶۶-۱۶۹-۱۷۰-۱۸۶-۱۸۷-۲۲۷-

۲۲۹-۲۳۰-۲۴۴-۲۸۵

امیر علائی، شمس الدین (دکتر): ۲۵-۷۰-

۱۴۴

امیر فضل، نصرالله (سرلشکر): ۲۵۰

امیری (سپهبد): ۲۶۹

امیلیا: ۵۵۴

امین، عیدی: ۵۴۴-۵۴۶

امین، رضا (مهندس): غ

امینی (سرلشکر): ۲۴۱

امینی، علی (دکتر): ۱۱-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۷-

۱۱۰-۱۱۸-۱۳۵-۱۶۴-۲۸۴-۳۳۱-

۳۳۴-۳۳۵-۳۶۳-۳۷۲

امینی افشار (سرلشکر): ۲۴۶-۲۸۶-۲۸۷

۳۰۲-

انتظام، عبدالله: ۱۰-۱۱-۲۷-۱۰۰-۱۰۲-

۱۰۷-۱۱۵-۱۶۴-۲۸۴

انتظام، نصرالله: ۳۷۳

انصاری، احمد: م

انصاری، احمد علی: ۴۳۸-۵۵۴-۵۵۶

انوار (روحانی): ۳۱۴-۳۱۵

انوری، منصور: ۳۶۴

انیس نقاش (تروویست): ۲-۳۴۵-۳۴۸ تا

۳۵۰-۳۶۱

اویسی، احمد (ژنرال): ۵۲۵-۵۵۴

اویسی، غلامعلی (ارتشبد): ۲۷-۲۵۴-۵۵

اوتن، دیوید: ۴۲۳-۳۰۰-

ایادی، عبدالکریم (سپهبد - دکتر): ۷۵-۷۶-

۴۲۸

ایزدی، (دکتر): ۱۱۰

ب

بابونی، محمدجعفر (همافر): ۴۱۷

بازرگان، ابوالفضل (مهندس): ۲۲۸

بازرگان، مهدی (مهندس) در اکثر صفحات

بهری، محمد (دکتر): ۹۳

باهر، (دکتر): ۱۲۴-۱۶۷-۱۹۴-۲۲۴

بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۷-۵۱

بختیار، حاج شهاب: ۱۸

بختیار، شاپور (دکتر): در اکثر صفحات

بختیار، عباسقلی (دکتر): ۱۴-۳۲-۳۹-۴۸

۱۱۳-

بختیار، گودرز: (پسر دکتر بختیار): ۳

بختیار، گیو (پسر دکتر بختیار): ۳۵۸

بختیاری، امیر مجاهد: ۱۸

بختیاری، حاج شهاب: ۱۸-۱۹

بختیاری، سردار فاتح (پدر دکتر بختیار): ۱-۱۸

تا ۲۰

بختیاری، سلطانعلی: ۱۸

بختیاری، صمصام السلطنه: ۱-۱۸-۲۶-۹۸

بختیاری، علی قلی خان (سردار اسعد): ۲۶

بختیاری، گودرز: ۲۰

بختیاری، مرتضی قلی خان: ۱۸

بخشی آذر (سپهبد): ۱۸۴-۲۴۶

بدره ای (سپهبد): ظ-۳۳-۹۴-۹۵-۱۴۹-

- بو ضیاف، محمد: ۹۹
 بوکاسو: ۵۴۴-۵۴۶
 بویراحمدی، جمشید: ۳۵۳
 بویراحمدی، فریدون: ۳۶۱ تا ۳۵۳
 بویراحمدی، مرادخان: ۲۰
 بهار، حبیب: ۳۵
 بهبهانیان، جعفر: ۹۴-۴۴۲-۴۵۸-۵۴۶
 بهرامی، شاپور (دکتر): ۱۴۶
 بهرون، منوچهر (دکتر): غ
 بهزادی، سیاوش (سپهبد): ۲۶۹
 بهشتی، محمدحسین (آیت الله-دکتر): ۳۳-
 ۱۱۰-۱۲۴-۱۲۶-۱۲۷-۱۵۸-۱۶۷-
 ۱۶۸-۱۷۰-۱۷۱-۱۸۱-۱۸۵-۱۹۴-
 ۲۲۲-۲۲۴-۲۲۶-۲۴۸-۲۵۰-۲۶۲-
 ۴۷۴
 بهنود، مسعود: ۴۲۷
 بیدآبادی (سرلشگر): ۲۴۸-۳۲۳-۳۴۱
 بیگلری (سرلشگر): ۲۴۰-۲۸۶-۲۸۷-
 ۳۰۶-۳۰۷
 بیهقی، ابوالفضل: ش
 پ
 پارسا: ظ
 پارسونز: س-۱۸۷
 پاکدامن، ناصر (دکتر): ۱۳۰
 پاکروان، حسن (سرلشگر): ۱۰۶-۱۱۴-۳۲۳
 پاکزاد، احمد: ۱۱۷
 پالیزیان، عزیزالله (سپهبد): ۲۶۹
 پایدار، مصطفی (دکتر): غ
 پرتو اعظم، امیرحسین (دکتر): ۱۲۰
 پرورش: ۳۱۹
 پزشکیپور، محسن: ۴۶-۵۰-۲۱۸
 پزشکیزاد، ایرج: ۳۶۳
 ۱۷۹ تا ۱۸۳-۲۸۷ تا ۲۳۹-۳۰۶ تا ۳۰۹-
 ۳۴۱
 پروتف: ۹۶-۱۱۶
 پرشت، هانری: ۴۳۲-۴۳۵-۴۶۹-۴۸۰-
 ۴۸۲
 پروینسکی: ۳۵۰-۴۳۲-۴۷۵ تا ۴۷۷-۴۷۹
 تا ۴۸۱-۴۸۶
 برنجیان، (سپهبد): ۳۰۲-۳۲۳
 بزنگی، ایرج (همافر): ۴۱۶-۴۱۸
 بروجردی، محمد: ۲۰۰
 بروگیر (قاضی فرانسوی): ۳۵۷
 برومند، حیدرقلی (دکتر): ۵۶
 برومند، عبدالرحمن (دکتر): ۳۳۷-۳۵۳-
 ۳۵۷
 بشیری، سیاوش: ۱۹-۵۰۴
 بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۱۶-۲۵-۵۹-
 ۴۳۹-۴۴۰
 بقائی، یزدی، محمد (دکتر): ۳۵
 بنی احمد، احمد: ۳۶
 بنی اسدی: (مهندس): ۲۲۸
 بنی صدر، آیت الله: ۱۰۷
 بنی صدر، ابوالحسن: ۱۰۷-۱۱۵-۱۲۴-
 ۱۴۷-۱۵۹-۱۶۸-۱۹۶ تا ۱۹۸-۲۲۴-
 ۲۲۶-۲۲۷-۲۹۳-۳۲۴-۳۳۹-۳۴۴-
 ۳۶۳-۴۱۵ تا ۴۱۹-۴۵۳-۴۵۸-
 ۴۵۹-۴۶۹-۴۷۳-۴۸۳
 بنی صدر، فتح الله: ۴۶۲
 بوتو، ذوالفقار علی: ۳۲۴
 بودر، ویلیام: ۴۸۵
 بوذرجمهری، کریم آقا (سرلشگر): ۳۷۴
 بورژه، کریستیان: ۴۶۹ تا ۴۷۱-۴۸۲ تا ۴۸۴-
 ۴۸۷ تا ۴۸۹
 بوشی، احمد (همافر): ۴۱۶-۴۱۸

پهلوی، مهناز: ۵۵۵

پهلوی، یاسمین: ۵۴۷

پیراسته، رستم (دکتر): ۳۲

پیراینده (مهندس): ۲۲۶

پیروز، منوچهر (مهندس): ۱۴۵-۱۴۴

پیرنیا، حسین (مؤتمن الملك): ۱۰۲

پیرنیا، لوسا (دکتر): ۹۲-۴۲۹-۵۳۱-۵۵۳

۵۵۴-

پیل: ۱۹-۲۰

پیمان (دکتر): ۲۲۴

پینوشه: ۵۴۴

ت

تاجبخش، رضا (دکتر): ۱۴۶-۴۲۷

تاجور (سرهنک): ۲۳۳

تاجر، مارگارت: ۴۲۳

تاراجی، منصور: ۱۹۵

تافته ای، ا-ع: ۹۳

تجدد، مصطفی: ۵۸

ترکان، اسکندر بیگ: ش

ترکی، محمد: ۹۳

ترنر: ۷۳

ترومن، هاری: ۴۰۱-۴۴۷

تسلیمی، منوچهر (دکتر): ۱۴۴-۱۴۵

تنکابنی، فریدون: ۵۵۸

توانا (سرهنک): ۲۳۶

تورینخوس (ژنرال): ۴۴۶ تا ۴۹۵

توسلی (مهندس): ۲۲۷

توکلی، ابوالفضل: ۱۹۴

توکلی (سرهنک): ۳۰۱

توماج: ۳۲۴

تهرانچی: ۲۲۸

تهرانی، سیدجلال: ۱۱۰ تا ۱۲۱-۱۸۳-

پژمان، جلال (سپهبد): ۲۴۶

پژمان، عیسی (سرهنک): ۵۲۷

پسندیده، سیدمرتضی (آیت الله): ۲۰۰

پل یالتا: ۲۵۲

پورجعفر، بزرگ: ۱۳۰

پورشجاع، امیر: ۹۲-۳۵۱-۵۵۴

پوروالی، اسماعیل: ۱۴۶

پونیا توفسکی، میشل: ۲۲۶

پهلوی، اشرف (شاهدخت): ۱۴۶-۳۳۹-۳۷۱

-۴۸۰-۴۵۴-۴۲۸-۴۲۲-۴۰۷-۴۰۶-

۵۵۳-۵۳۰-۵۰۳-۵۰۲

پهلوی، تاج الملوك (ملکه مادر): ۴۴۱

پهلوی، ثریا (ملکه): ۲۶-۳۳۲-۳۷۴-۵۰۳

۵۵۳-

پهلوی، حمیدرضا (شاهپور): ۳۷۳

پهلوی، رضا شاه: ۱-۱۸ تا ۲۰-۲۳-۲۶-۸۷

-۱۱۳-۲۱۴-۲۹۴-۳۷۱ تا ۳۷۴-۴۳۸-

۵۳۷-۴۶۰

پهلوی، رضا شاه دوم: ۲۱-۲۲-۱۰۷-۳۴۰-

۳۶۹-۳۸۴-۳۹۰-۴۳۹-۴۵۶-۴۶۱-

۵۰۹-۵۱۶-۵۲۲-۵۲۵-۵۳۰ تا ۵۵۸

پهلوی، شهناز (شاهدخت): ۴۶۱-۵۵۵-۵۵۶

پهلوی، عبدالرضا (شاهپور): ۳۷۱-۳۷۳

پهلوی، علی: ۴۲۸

پهلوی، علیرضا (شاهپور): ۳۷۳-۴۲۸

پهلوی، علیرضا: ۵۴۷

پهلوی، غلامرضا (شاهپور): ۹۴

پهلوی، فرح (شهبانو): ۲۱-۲۲-۷۸ تا ۸۳-

-۳۹۵-۳۹۲-۳۸۵-۳۷۹-۱۸۳-۹۴۹۲-

۳۹۸ تا ۵۵۶

پهلوی، فرحناز: ۵۰۳

پهلوی، لیلا: ۴۲۲

پهلوی، محمدرضا شاه: در اکثر صفحات

چمران، مصطفی (دکتر): ۱۶۵-۲۲۹-۳۴۶
چوداری خامنه ای، یعقوب (هماقر): ۴۱۶-
۴۱۸-
چهارلنگ، علیمردان خان: ۲۰

تیتو، مارشال: ۳۳۷-۳۸۴-۵۱۶-۵۳۶
تیلری دژاردن: ۷۴
تیموری (سرهنگ): ۳۲۳

ث

ثابتی، پرویز: ۴۲۸

ح

حاتم، هوشنگ (سپهبد): ۲۴۱-۲۴۲-۲۴۵-
۲۴۶-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۳-۳۱۱-۳۲۰
حاج طرخانی: ۲۲۴
حاج عسگری: ۲۳۸
حافظ اسد: ۳۰۰
حاج روغنی: ۲۰۰
حاج محمدی (استواریکم): ۳۰۷
حایری، شیخ عبدالکریم (آیت الله): ۱۶۹
حایری، مرتضی: ۱۶۹
حبیب اللهی (دریاسالار): ۱۳۸-۱۷۹-۱۸۱-
۲۴۵-۲۴۶-۲۵۰-۲۵۸-۲۶۹-۲۷۶-
۲۸۸-۲۸۷
حجت کاشانی (سپهبد): ۳۲۳
حریری، اشرف: ۴۸-۵۳
حسنی مبارک: ۳۸۸-۳۸۹
حسیبی، کاظم (مهندس): ۱۱-۱۲۶
حسینی، عزالدین: ۳۲۴
حسینی، محمدحسین (هماقر): ۴۱۶-۴۱۸
حقشناس، جهانگیر (مهندس): ۱۲-۲۴۴
حکیمی، ابوالفضل: ۲۲۸
حیدری (مهندس): ۲۲۶

ج

جانسون: ۴۰۱
جرجانی: ۳۲۴
جرج پنجم: ۴۲۳
جعفری (سپهبد): ۱۳۷-۱۳۵-۵۸
جعفریان (سپهبد): ۳۰۷
جعفریان، محمود: ۵۶
جفرووی، کاظم (مهندس): ۲۴۳-۲۴۴-۲۶۷-
۲۶۸-۲۷۶-۲۸۴-۲۸۹
جلالی نائینی، محمدرضا: ۵-۶۱-۶۴
جلالی: ۲۲۴
جلیلونند، علی اکبر: ۶۴
جمال زاده، محمدعلی: ل
جم، فریدون (ارتشبد): ف- ق- ۶-۷۶-۲۷۵
جم، محمود: ۷۲
جناب (سرتیپ): ۲۹۸
جوادی، فریدون: ۵۵۴
جهانبانی، حسین (سپهبد): ۲۴۶
جهانبانی، نادر (سپهبد): ۳۰۲-۳۲۳-۳۴۱
جهان بینی، کیومرث (سرهنگ): ۹۲-۴۲۴-
۴۸۰-۵۰۱-۵۵۳-۵۵۴
جهانگیری (افسر ارتش): ۳۴۱

خ

خادم آبادی، جواد (مهندس): ۳۱
خادمی، علیمحمد (سپهبد): ۱۴۵

چ

چرچیل، وینستون: ۵۰۱-۱۴۰

دانشپور، عبدالحسین (دکتر): ۱۲
 دانش منفرد، علی: ۱۱۱-۱۹۴
 دانشی، غلامحسین: ۳۵-۵۶-۳۰۲
 داودخان (رئیس جمهور افغانستان): ۹۳
 داورپناه، ایرج: ۲۲۹
 دژکام، محمود: ۱۰۱
 دریفوس، رابرت: ۲۴۷
 دشتی، علی: ف
 دویبکی (دکتر- جراح شاه): ۴۳۲-۴۸۶
 دوگل، (ژنرال): ۹۸-۳۳۷-۳۳۸-۳۸۴-
 ۵۵۲
 دولتشاهی، مهرانگیز (دکتر): ۱۴۶
 دهقان، رحیم (استوار یکم): ۴۱۶-۴۱۷
 دیبا، فریده: ۴۱۲-۴۲۲-۴۴۵
 دیده بان، هوشنگ: ۲۹۹
 دیوان بیگی، رضاعلی: ۱۰۲

ر

راجی، پرویز: ۱۴۵
 راشد (دکتر): ۶۸
 راکفلر، دیوید: ۴۰۶-۴۳۰-۴۳۲-۴۴۲-
 رام، هوشنگ (دکتر): ۴۵۸-۴۵۹-۴۴۷-
 ۴۶۹-۴۷۵-۴۷۷-۴۸۱-۴۸۴-۵۰۳-
 ۵۳۱-۵۵۵
 رایث، دنیس (سر): ۴۲۴
 رائد، جعفر: ۱۴۶
 ربانی شیرازی: ۱۶۲-۱۶۷-۱۷۱
 ربیعی (سپهبد): ۱۴۷-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۳-
 ۲۰۰-۲۰۸-۲۱۰-۲۳۱-۲۳۳-۲۳۸-
 ۲۴۰-۲۴۲-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۸-۲۵۰-
 ۲۵۱-۲۷۶-۲۸۸-۲۹۹ تا ۳۲۰-۳۹۰
 رجائی، محمدعلی: ۱۹۴

خامنه ای، برادران: ۱۵۲
 خامنه ای، سیدعلی: ۱۲۴-۱۵۱-۱۵۳-
 ۲۲۵
 خواجه نصیری، حمید: ۳۳۶
 خواجه نوری (سپهبد): ۲۴۶-۳۲۳
 خواجه نوری، محسن: ۴-۵-۳۷
 خوانساری (آیت الله): ۱۰۶
 خرم، رحیمعلی: ۱۴۵
 خزعل، شیخ: ۱۸-۱۹-۲۰-۲۳
 خسروانی، پرویز (سپهبد): ۷۳
 خسروانی، خسرو (دکتر): ۳۸۴
 خسروداد، منوچهر (سرلشگر): ۸۸-۹۵-۱۴۷-
 ۲۴۱-۲۴۲-۲۴۶-۲۶۰-۲۸۷-۳۰۱-
 ۳۰۸ تا ۳۱۵-۳۲۲
 خسرویانی (سرهنگ): ۵۸
 خطیب شبیدی (سرتیپ): ۲۳۳
 خطیبی، حسین (دکتر): ۳۹
 خلخالی، شیخ صادق: ۱۴۸-۱۶۲-۱۷۱-
 ۳۱۲-۳۲۲-۳۲۵-۴۰۶-۴۴۸-۴۳۵
 خلعت بری، ارسلان: ۲۳
 خلعت بری، امیرفرهنگ (سپهبد): ۲۴۶
 خلعت بری، عباسعلی (دکتر): ۳۱۴-۳۲۳-
 ۳۸۱
 خلیلی (مهندس): ۲۴۴
 خمینی، احمد: ۱۰۹-۱۶۱-۱۶۴-۱۹۵ تا
 ۱۹۹-۳۰۲-۳۱۲
 خمینی، حسین (نوه خمینی): ۱۶۹-۱۷۱
 خمینی، سیدروح الله (آیت الله) در اکثر صفحات
 خمینی، سیدمصطفی: ۱۰۶

د

دادفر، حبیب (دکتر): ۳۵
 دارا، عبدالاحد: ۳۷۴-۳۷۵

رجوی، مسعود: ۳۴۴-۳۶۳-۴۱۵ تا ۴۱۸
 رحیمی، رسول: ۱۴۵
 رحیمی لاریجانی (سپهبد): ۲۶۶-۲۶۹
 رحیمی، مهندي (سپهبد): ط-ظ- ۳۳-۱۳۵
 ۱۳۷-۱۳۸-۱۴۸-۲۱۱-۲۳۸ تا ۲۴۱
 ۲۴۶-۲۴۸-۲۶۶-۲۹۳-۲۹۸-۳۰۲
 ۳۱۱-۳۲۲ تا ۳۴۱
 رزازان، علی اصغر: ۱۴۵
 رزم آرا، منوچهر (دکتر): ۳۱-۱۶۸-۲۷۷
 رسولی، حسن: ۱۴۵
 رشدی، سلمان: س
 رشیدیان، اسدالله: ۳۳۶
 رضائی، ایرج (بازیرس): ۶۰-۴۶
 رضائی، خلیل (پدر رضائیا): ۶۹
 رضائیا (مادر): ۶۹-۴۵۸
 رفعتی، رستم: ۳۶-۵۰
 رفیع زاده، منصور: ۴۳۹-۵۳۵
 رفیق دوست، حاج جواد: ۲۳۵
 رفیق دوست، محسن: ۱۹۴-۲۰۰-۳۵۰-
 ۳۵۸
 رکنی (افسر ارتش): ۳۴۱
 روحانی، منصور (مهندس): ۱۴۴-۲۹۸-
 ۳۰۲-۳۲۳
 روزولت، فرانکلین: ۴۰۱-۴۴۷
 روزولت، کرمیت: ۹۴-۵۱۰
 رهنما، شیخ مصطفی: ۴۵۸
 ریاحی، محمد امین: ۳۱
 ریاحی، محمد تقی (سر لشکر): ۲۶۰-۳۰۷
 ریاضی، عبدالله (مهندس): ۳۹-۸۲-۳۲۳
 ریپورتر، شاپور (سر): ۲۳-۴۲۳
 ریگان: ۵۱۶-۵۲۶
 ریو، آرتسید (رئیس جمهور یاناما): ۴۵۳-
 ۴۶۷-۴۷۰-۴۷۷

ز

زاهدی، اردشیر: ۲۵-۱۰۷-۱۴۳ تا ۱۴۵
 ۱۸۳-۳۷۵-۳۷۶-۳۸۳-۳۸۴-۴۲۴
 ۴۴۰-۴۷۵-۵۰۱-۵۰۳-۵۳۱-۵۳۵
 ۵۵۵ تا ۵۵۳
 زاهدی، فضل الله (سپهبد): ۱۰۷
 زمانی (سرهنگ): ۳۲۳
 زنجانی، سید ابوالفضل (آیت الله): ۲۶-۱۷۰-
 ۲۲۴
 زندیه (دکتر): ۴۳۷
 زیرک زاده، احمد (مهندس): ۱۲

ژ

ژاک، موریاک: ۳۹۴
 ژاک، وورش: ۳۵۰
 ژان ایو، شاپرون: ۳۵۷-۳۵۸
 ژان لویی، کوتن: ۴۳۰
 ژان نومی، تورینده: ۳۵۷
 ژورا، روبینا: ۳۴۹
 ژوزه لوپز، پورتیلو: ۴۲۵
 ژیسگاردستن: ۱۶۰-۳۹۳-۴۹۱-۴۹۲-
 ۵۲۵-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۴

س

سادات، انور (رئیس جمهور مصر): ۷۹-۸۱-
 ۸۳-۸۵-۹۱-۳۳۹-۳۶۹-۳۶۸-۳۳۹
 ۴۰۸-۴۲۴-۴۴۴-۴۵۰-۴۵۵-۴۶۹
 ۴۷۷-۴۸۶-۴۸۷ تا ۵۲۱-۵۲۴-۵۲۹
 ۵۳۱-۵۳۵ تا ۵۵۵
 سادات، جهان (همسر انور سادات): ۸۳-۳۸۵-
 ۴۵۲-۴۵۴-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۷ تا ۵۰۴
 ۵۱۹
 ساریانها، قاسم: ۱۴۵

سنجایی، کریم، (دکتر): ۱۰ تا ۱۵-۲۵-۲۷-
 ۶۸-۱۰۰-۱۱۱-۱۱۱-۱۵۹-۱۴۶-
 ۲۲۱-۲۲۸-۲۳۰-۲۷۸-۲۸۸-۳۴۲
 سنکور: ۴۰۱
 سولیوان: س- ۹۱-۹۵-۱۳۶-۱۸۵-۲۵۷-
 ۲۷۴-۲۸۸-۳۱۵-۴۰۲-۴۰۶-۴۲۵-
 ۴۲۸-۴۷۹
 سوموزا: ۴۶۸-۵۴۴-۵۴۶
 سیاسی، علی اکبر (دکتر): ۱۰۷-۱۲۷-۲۲۷-
 ۲۴۳-۲۴۴
 سیدجوادی، احمدصدر: ۱۲۴-۲۲۴-۲۲۸-
 سیف، خسرو (دکتر): ۷۰

ش

شاکری، علی: ۳۵۲
 شالچیان، حسن (مهندس): غ
 شاه حسینی: ۲۲۸
 شایگان، رضا، (مهندس): ۱۴۴
 شایگان، سیدعلی (دکتر): ۱۵-۱۹۶
 شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۶-۱۰۶-
 ۱۰۷-۱۱۰-۱۳۵-۲۶۳-۲۶۸-۲۶۹-
 ۳۷۶
 شریعتمداری، محسن: غ
 شریعتی، علی (دکتر): ۶۷
 شریف امامی، جعفر (مهندس): ط-ط- ۲۲-
 ۳۲-۳۶-۷۱-۱۰۲-۱۱۰-۱۲۴-۱۲۹-
 ۱۴۲-۱۴۴-۲۱۱-۲۵۴-۲۶۲-۲۶۳-
 ۳۷۲-۵۴۸
 شریفی، رحیم: ۱۰-۱۵-۲۶۷-۲۸۸
 شفا، شعاع الدین: ۱۴۶
 شفقت، جعفر (ارتشبد): ۳۱-۱۸۰-۲۳۹-
 ۲۴۵-۲۴۶-۲۶۴-۲۶۹-۲۷۱

سالارچاف: ۲۹۸-۳۰۲-۳۲۲
 سالامین (مارشال): ۴۷۲
 سالمان، مارسل: ۴۸۱-۴۸۲
 سالیانجر، پی: ۴۷۰
 سامی، کاظم (دکتر): ۲۲۴-۲۲۹-۲۳۰-
 سایر، ونس: ۳۸۹-۴۳۲-۴۵۱-۴۷۵-
 ۴۷۷-۴۸۲-۴۸۸
 سپهدار، تنکابنی: ۹۸-۱۲۰
 ستارخان (سردار ملی): ۳۲۵
 ستاری، محمد: ۳۵-۳۶-
 سجادی، محمد (دکتر): ع-ع- ۴-۳۸-۱۰۰-
 ۱۰۴-۱۰۷-۱۱۲-۱۲۱
 سحابی، (مهندس): ۲۲۴
 سحابی، یدالله (دکتر): ۱۱۰-۱۲۴-۱۲۵-
 ۱۶۷-۱۸۴-۱۸۶-۲۲۴-۲۲۶-۲۲۸
 سخانی، (مادر سرگرد سخانی): ۴۵۸
 سرحدی، ضیا: ۳۵۷
 سردار اسعد، جعفر قلیخان: ۴۷۰
 سرداری، روشنند (دکتر): ۳۲۳
 سرفراز، جلال: ۱۳۰
 سروری، محمد: ۱۰۷-۱۱۸
 سعادتمند، (سپهبد): غ
 سدیقی، سودابه: ۱۹۶
 سعدی: ۳۸۲-۵۲۸
 سعید، جواد (دکتر): ع-ع- ۴-۳۶-۳۷-۳۹-
 ۵۴-۵۹-۱۰۰-۱۰۷-۱۱۱-۱۲۱-۱۲۶-
 ۲۱۸-۲۷۲-۳۲۳
 سفری، محمدعلی: ۱۴
 سلیمانی، حسینعلی: ۵۰
 سمیعی، احمد: ۱۴۶-۲۱۸
 سمیعی، محمدعلی: ۱۴۵

شفیق، احمد: (دکتر): ۵۳۴

شفیق، شهریار: ۴۴۳

شکوه الملک: ۳۷۳

شکوهی، غلامحسین (دکتر): ۲۳۰

شلینگر، جیمز: ۳۷۶

شمس تبریزی (امیر ارتش): ۲۴۸-۳۴۱

شوکر اس، ویلیام: ۹۲-۴۲۲-۴۴۱-۴۵۱

۵۰۱

شومر، داود: ۹۵

شهبازی، علی (گروه بان): ۹۲-۵۵۴

شهرستانی (آیت الله): ۳۷۵

شهرستانی، جواد (مهندس): ۱۴۰ تا ۱۴۲

شهرستانی، محمد: ۴-۳۵

شهریار، محمد حسین: ۳

شهیدی، حسینعلی: ۴۱۶-۴۱۸

شهبانی، عباس (دکتر): ۱۲۴-۲۲۴

شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر): ۱۴۴

۳۰۲

شیخ طبسی: ۱۵۲

شیرازی (آیت الله): ۵۶-۱۵۱-۱۵۲

شیروانی، داریوش (دکتر): ۴۶

ض

ضیائی، محمود (دکتر): ۴-۳۵

ط

طالعی، جواد: ۱۳۰

طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۶۸-۱۲۴

۱۶۴-۱۶۷-۱۹۴-۲۲۱-۲۲۴-۲۲۵

۲۳۱-۲۳۳-۲۴۳-۲۶۲-۳۱۰

طاهری، امیر: ۹۲-۴۹۷-۵۵۲

طاهری (روحانی): ۱۷۱

طاهری قزوینی، یوسف (مهندس): ۲۲۹

طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۱۱۵-۴۹۱

۴۹۲

طباطبائی، صادق: ۱۹۶

طباطبائی، رضا (سپهبد): ۲۴۶-۲۹۸

طباطبائی، سید محمود: ۳۱

شفیق، احمد: (دکتر): ۵۳۴

شفیق، شهریار: ۴۴۳

شکوه الملک: ۳۷۳

شکوهی، غلامحسین (دکتر): ۲۳۰

شلینگر، جیمز: ۳۷۶

شمس تبریزی (امیر ارتش): ۲۴۸-۳۴۱

شوکر اس، ویلیام: ۹۲-۴۲۲-۴۴۱-۴۵۱

۵۰۱

شومر، داود: ۹۵

شهبازی، علی (گروه بان): ۹۲-۵۵۴

شهرستانی (آیت الله): ۳۷۵

شهرستانی، جواد (مهندس): ۱۴۰ تا ۱۴۲

شهرستانی، محمد: ۴-۳۵

شهریار، محمد حسین: ۳

شهیدی، حسینعلی: ۴۱۶-۴۱۸

شهبانی، عباس (دکتر): ۱۲۴-۲۲۴

شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر): ۱۴۴

۳۰۲

شیخ طبسی: ۱۵۲

شیرازی (آیت الله): ۵۶-۱۵۱-۱۵۲

شیروانی، داریوش (دکتر): ۴۶

ص

صادق نیا، مسعود (همافر): ۴۱۶-۴۱۸

صادق وزیری، یحیی: ۳۱-۱۴۴

صالح، اللهیار: ۱۰۰-۱۰۱-۱۱۰

صالح خو، جواد (دکتر): ۲۲۹-۳۲۶

صالح خانی: ۲۳۵

صالحی، مرتضی (دکتر): ۳

صانعی (سپهبد): ۲۶۹-۲۸۱

صائب، علی: ۳۷۵

صائبی، حسن (مهندس): ۳۵

صباغیان، هاشم (مهندس): ۲۰۸-۲۲۶ تا ۲۳۰

طوفانیان، حسن (ارتشبد): ۱۷۹ تا ۱۸۴ -
۲۴۰ - ۲۵۰ - ۲۵۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۳۷۳ -
۲۸۸

علی آبادی، عبدالحسین (دکتر): ۱۰۰ تا ۱۲۱

غ

غرضی، محمد: ۲۰۰

غضنفرپور: ۱۹۸

غفاری، هادی: ۱۹۶ - ۲۳۲ - ۲۳۵ - ۳۱۲

غنی، قاسم (دکتر): ۳۷۱

ظ

ظہیرنژاد (سرٹیپ): ۳۲۴

ف

ف، استاکیل: ۱۷

فاتح، مصطفی: ۱۷

فاروق، ملک: ۴۴۸ - ۵۰۰ - ۵۲۱ - ۵۳۶ - ۵۴۶

فاضل، ایرج (دکتر): ۴۳۴

فاطمی، حسین (دکتر): ۷۰

فاطمی، خانوادہ: ۴۵۸

فاطمی، سعید (دکتر): ۷۰

فالك، سوزان كلارك: ۴۲۹ - ۴۳۰

فتحی مقدم، تیمسار: ۳۰۲

فراز (از شعراي معاصر): ت

فرازمند، تورج: ع- ۱۹۷

فرانک، سیناترا: ۴۴۲

فرانکو، فرانسیسکو: ۲ - ۲۶ - ۳۳۳ - ۳۴۰

فردوسی (نماینده خمینی در پاریس): ۱۹۵ -

۱۹۶ - ۱۹۸

فردوست، حسین (ارتشبد): ۳۳ - ۵۶ - ۵۷ - ۹۴

۱۴۸ - ۱۴۹ - ۲۴۲ - ۲۵۱ تا ۲۶۲ - تا ۲۶۴

۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۷ - ۳۰۵ -

۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۴۱ - ۳۴۸ - ۴۹۰ - ۳۴۶

فرزام (سر لشکر): ۲۴۶

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۹۸ - ۹۹

فروزین، تهورس (طهمورث) (دکتر): ۵۳

فروغی، محسن (مهندس): ۲۴۳

فروغی، محمد علی (ذکاء الملک): ۳۷۱

ع

عابدی (حجت الاسلام): ۳۰۱

عاقلی، باقر (دکتر): ۱۴۴

عالی نسب: ۱۲۴

عالیخانی، علینقی (دکتر): ۴۸

عاملی، رسول: ۱۹۶

عاملی تهرانی، محمد رضا (دکتر): غ - ۱۲۹

عباس میرزائی، محمد حسین: ۵۴

عبدالله، پرنس: ۳۷۵

عبدالناصر، جمال: ۳۸۰ - ۳۸۲ - ۵۰۰ - ۵۰۴

۵۳۶ -

عدل، پرویز (دکتر): ۱۴۶

عراقی، حاج مهدی: ۱۶۱ - ۱۹۴ - ۱۹۶ - ۱۹۹

۲۰۰ -

عزیزی روزبھانی، ابراهیم: ۴۱۸

عزیزی (سپہبد): ۲۶۹

عسکراولادی، حبیب اللہ: ۱۹۴

عسگری، (امیر ارتش): ۳۰۸

عطا پور، رضا: ۲۸۷

عظیمی، رضا (ارتشبد): غ - ف - ۲۶۹

علاء، حسین: ۱۰۲ - ۳۷۱ - ۳۷۵

علامہ وحیدی: ۳۲۳

علم، امیر اسد اللہ: ۲۱۹ - ۴۱۰ - ۴۱۴ - ۴۵۸ -

۵۴۸

علم (دختران): ۴۵۴

- ۳۳۹-۳۴۶-۳۴۷-۴۴۵-۴۵۳ تا ۴۵۵-۹۸-۱۹۶-۱۵۹-۲۵-۱۲- فرور، دارپوش: ۲۸۳-۲۷۸-۲۲۹- ۱
 ۴۸۹ تا ۴۶۷ فرید (سرلشگر): ۱۴۹
 قطبی، رضا (مهندس): ۵۶- فلاندرین، جورج (دکتر شاه): ۴۲۷ تا ۴۲۹ -
 قسی (آیت الله): ۱۰۷- ۴۳۶- ۴۵۴- ۵۰۱- ۵۰۲-
 قوام، احمد (قوام السلطنه): ۱۹-۳۷۱- فلینگر (پرفسور معالج شاه): ۷۵-۴۲۷-
 قوام الملك شیرازی: ۳۷۳- فور، جerald: ۳۷۹-۴۰۱- ۵۰۰-
 ک کاتلر: ۴۷۷-۴۸۸- فوزیه، ملکه سابق: ۴۹۷-۴۹۸-۵۵۳-
 کاتم، ریچارد: ۴۸۲- فولادی، حسین: ۱۴۵-
 کاتوزیان (سپهبد): غ- فوریس، ویلیام: ۳۹۳-
 کارت، جیمی: ۹۱-۹۴-۱۶۰-۱۶۶-۱۸۱- فیاض (سروان): ۳۰۱-
 ۱۸۹-۲۵۳-۲۶۲-۲۹۹-۳۵۰-۳۸۰- فیاض، مجید: ۱۴۲-
 ۳۸۷ تا ۳۸۹-۳۹۷-۴۰۱-۴۲۴- تا ۴۳۰- فیروزمند (سپهبد): ۲۶۰-۲۴۶-
 ۴۵۳ تا ۴۷۱- ۵۳۵- ق
 کارلوس (تروریست): ۴۰۶-۴۴۹- قاجار، احمدشاه: ۹۸-
 کاسترو، فیدل: ۳۹۵-۴۵۲- قاسملو، عبدالرحمن (دکتر): ۳۲۴-
 کاسگین: ۳۰۰- قاسمی، ابوالفضل: ۱۳-۲۸۸-
 کاشانی، محمود (دکتر): ۷۰- قاسمی، مهدی: ۳۶۶-
 کاظمی، عزالدین: ۱۲- قاضی، عسگر (همافر): ۴۱۶ تا ۴۱۸-
 کاظمی، محمد (سپهبد): ۲۴۶-۲۶۹- قائمی، عنایت الله: ۴۷-۵۲-
 کاظمی، منوچهر (دکتر): ۳۲- قبادی (سروان): ۳۰۱-
 کاظمیه، اسلام: ۱۳۰- قذافی: ۱۴۵-۲۹۲-۵۰۴-
 کبیر (سرلشگر): ۲۴۶- قربانی نسب، حسین: ۵۳-
 کبیری، علی: ۹۲- قرنی، ولی (سرلشگر): ۱۲۴-۲۲۴-۲۲۹-
 کتیه (وکیل خانواده پهلوی): ۵۵۵- ۳۱۵-۳۱۴-۳۰۹-
 کتیه، سروش: ۳۵۳ تا ۳۵۵- قره باغی، عباس (ارتشبد): غ- ۵۶-۸۱-
 کتیرائی (مهندس): ۱۲۴-۱۲۵-۱۶۱-۲۲۴- ۱۰۰-۱۰۵ تا ۱۰۱-۱۲۱-۱۲۸-۱۳۴-
 ۲۲۹-۲۲۶- ۱۳۶-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۷-۱۶۷-۱۷۹-
 کرایسکی (مهندس): ۱۲۵-۴۲۴- ۲۰۷-۲۱۹-۲۳۷ تا ۲۳۷-۲۶۵-
 کزنسکی: ۳۴۴- ۲۸۸-۲۹۳-۲۹۹-۳۰۵-۳۲۶-۳۴۱-
 کریمی پور، حسن: ۴۶۲- قطب زاده، صادق: ۱۱۶-۱۲۴-۱۶۳-۱۶۸-
 کروپ: ۴۲۴- ۱۹۵ تا ۱۹۸-۲۰۷-۲۲۴-۲۲۹-۲۳۰-
 کسینجر، هنری: ۳۹۲-۳۹۳-۴۲۴-۴۳۰-

۴۳۲-۴۴۲-۴۶۹-۴۷۵-۴۷۶-۴۸۱-
۴۸۴-۵۰۳-۵۱۱-۵۱۲-۵۳۱
کلارک، رمزی: ۱۶۵-۱۶۶-۴۷۶
کلاهی، محمدرضا: ۴۱۵-۴۱۷
کمال، عزیزالله: (سپهبد): ۲۲-۱۴۴-۱۴۵-
۲۹۸

کمالان، علی اکبر (همافر): ۴۱۶-۴۱۸
کمالی (سرهنگ): ۱۵۱
کمپانی (تیمسار): ۳۰۱
کندی، جان: ۳۷۲-۴۰۱
کندی، (سناتور): ۴۴۴

کنستانتین (پادشاه سابق یونان): ۴۲۳-۴۴۸
-۵۰۳-۵۳۶-۵۳۹-۵۴۶
کنی، علی: ۱۶۶

کوچصفهانی (سرهنگ): ۳۲۳
کورت والد هام: ۴۰۹

کیانپور، غلامرضا (دکتر): ۱۴۴
کین، بنجامین هاریسون (دکترشاه): ۴۳۰-
۴۳۶-۴۵۰-۴۵۱-۴۷۶-۴۹۷-۵۰۱-
۵۰۲

کیوان، صدری: ۳۵

گ

گابریل، لوئیس: ۴۸۰ تا ۴۸۳
گاندی، مهاتما: ۴۹۹

گراهام، کاترین: ۵۰۵-۵۰۶
گس (ژنرال): ۱۳۶

گلشائیان، عباسقلی: ۳۷۱
گوهرشادی (همافر): ۲۳۵

ل

لا هوتی (روحانی): ۱۲۴-۱۹۶-۱۹۸
لاهیجی، کریم (دکتر): ۶۹

لرد جرج: ۳۲۳

لرن: ۱۹-۲۰

لسان سپهر: ش

لوپز، پرتینو: ۳۹۲

لیندون: ۱۷

لینکن، بروس: ۴۷۶

لثویولد: پادشاه بلژیک: ۷۷

لثون، بلوم: ۳۴۳

م

مارسل، لیمان: ۴۸۱

مارک، مورس: ۵۰۳-۵۳۱

مازندنی، یوسف: ۴۴۶

ماسو (ژنرال): ۹۸-۹۹

ماندیل: ۴۸۸

مانیان، سید محمود: ۶۹

مبشری، اسدالله (دکتر): ۲۲۹

مبصر، محسن (سپهبد): ۲۶۹

متین دفتری، هدایت الله: ۱۷۰

مجیب الرحمن، شیخ: ۹۳

مجیدی، شعاع الله (دریادار): ۱۳۸-۲۴۳

مجیدی، عبدالمجید (دکتر): ۱۴۴-

محب (سروان): ۳۰۱

محتشمی، علی اکبر: ۳۵۰

محرری (سرتیپ): ۱۴۵

محلانی، فضل الله: ۱۹۴-۲۲۸

محسن زاده (دریاسالار): ۲۴۵-۲۴۶

محققی، صادق (سرتیپ): ۳۱۵-۳۱۸-۳۴۱

محققی، سپهبد: ۵۶-۲۶۹-۲۸۰-۲۴۵-

۳۲۱-۳۲۰-۳۰۲-۲۴۶

محمد ظاهر شاه: ۴۴۸-۴۴۷

محمدیان (سروان): ۲۳۳

محمودی: ۵۶

- معصومی نائینی (سپهبد): ۲۴۵-۲۴۶-
 ۲۶۹-۲۸۲
 معمارزاده (دکتر): غ
 معین زاده، جواد (سرتیپ): ۵۵۶-۵۵۵
 معین فر (مهندس): ۲۲۹-۴۷۱
 معینیان، نصرت الله: ۱۱۴
 مفتاح (دکتر): ۷۰-۱۹۴
 مفیدی، شمس الدین: (دکتر): غ
 مقدم، ایرج (سپهبد): غ
 مقدم، ناصر (سپهبد): ۲۷-۳۳-۵۶-۵۷
 ۱۲۷-۱۲۸-۱۳۵-۱۴۴-۱۶۷-۱۸۲ تا
 ۱۸۶-۲۰۸-۲۳۹-۲۴۳-۲۴۴-۲۸۸ تا
 ۳۲۳-۳۲۴-۳۴۱
 مقصودی، سعید: ۱۹۴
 مک آرتور، ربرت: ۴۲۴
 مک فارلین: ۳۵۱
 مکارم شیرازی (آیت الله): ۳۲۲
 مکری: ۲۸۸
 ملک حسن: ۳۰۴-۳۶۸-۳۸۲-۳۸۴-۳۹۱ تا
 ۴۱۰-۴۲۲-۴۳۲-۴۰۳
 ملک حسین: ۱۱۴-۳۸۴-۳۸۹-۴۰۸ تا
 ۴۱۰-۴۴۶-۴۵۲-۴۹۱-۵۰۳-۵۵۳
 ملک فیصل: ۳۸۲-۳۸۳
 ملک (سرتیپ): ۳۲۳
 ملکشاهی، حسن: ۴۹
 ملکیان، س- ۵۶۱
 مکی، حسین: ۱۶-۱۸-۲۵-۴۶-۱۲۴
 مناخیم، یگین: ۳۸۹
 منتصری، هوشنگ (دکتر): ۵۵۳ تا ۵۵۶
 منتظری، حسینعلی (آیت الله): ۱۲۴-۱۶۲
 ۱۷۱-۱۷۱-۲۲۴-۳۲۴
 منتظری، محمد: ۱۹۶
 منزوی (دکتر): ۴۵۸
- محموی، ابوالفتح: ۴۵۴
 محیط طباطبائی: ۱۱۰
 مختوم: ۳۲۴
 مدنی، احمد (دریادار- دکتر): ۱۴-۱۳۸-
 ۱۶۶-۱۶۷-۱۸۶-۲۳۰-۳۰۹-۳۱۰-
 ۳۲۵-۳۶۵
 مرزبان، رضا (مهندس): ۱۶۳-۱۹۵
 مرشد، حسن (دکتر): غ
 مزینی، سهام الدین: ۱۱۳
 مستوفی الممالک، حسن: ۱۰۲
 مسعودی، علی (سرتیپ): ۱۲۴-۲۲۴-۲۲۶
 مسعودی، علیرضا (همافر): ۴۱۶-۴۱۸
 مسعودی، محمد علی: ۳۷۲
 مشکینی: ۳۱۲
 مشیری، علی: گ
 مشیری یزدی، محمد: ۳۲-۳۷-۳۸-۵۸-
 ۵۹-۱۳۸-۱۷۰
 مصدق (استوار): ۴۲۱
 مصلح، محمد (دکتر): ۲-۷-۸-۱۲ تا ۷۰
 -۸۰-۱۰۷-۱۱۹-۱۲۷-۱۳۱-۱۴۳-
 ۱۷۰-۱۸۷-۲۲۰-۳۲۴-۳۳۲-۳۳۹-
 ۳۴۱-۳۵۰-۳۶۲-۳۷۲-۵۴۰
 مصلحی، محمد تقی: ۲۸۸
 مطبوعی، ایرج (سرلشکر): ۵۸
 مظهری، مرتضی (آیت الله): ۳۳-۱۱۰-۱۱۱-
 ۱۲۳ تا ۱۲۵-۱۵۸-۱۶۷-۱۶۹ تا ۱۷۱-
 ۱۹۴-۱۹۸-۲۲۶ تا ۲۲۴-۲۶۲
 معتضد (سپهبد): ۱۴۶
 معتمدی (سرلشکر): ۳۲۳
 معتمدی، علی: ۱۲۰
 معتمدی، کریم (مهندس): غ
 معتمدی، محمد (دکتر): ۴۳۴
 معزی (سرهنک خلیبان): ۹۲-۱۱۱ تا ۱۸۱

- منشی الممالک، میرزا مهدی خان: ش
منصف، محمود: ۴۵۹
منصور، انیس: ۵۰۸
منصور، حسنعلی: ۱۱۲
منصور، رجبعلی (منصور الملک): ۱۱۹
منیعی (سپهبد): ۲۶۹
موحد، نظام الدین: ۱۴
موسولینی: ۳۶۴-۵۴۱
موسوی، سید اسدالله: ۵-۶۴-۱۴۱
موسوی، سید حسین (مهندس): ۲۲۴
موسوی اردبیلی (آیت الله): ۱۶۷-۲۲۴-۲۲۸
موسوی گرمارودی، علی: ۲۰۰
موسویان، حمید (دکتر): ۱۴۴
موشه دایان: ۳۸۴
مولوی (سرلشگر): ۲۳۹-۲۴۳
مهدمینا (مهندس): ۱۱۰
مهدوی، فریدون (دکتر): ۱۴۴
مهدوی کنی، محمدرضا (آیت الله): ۱۲۴-۱۶۶-۲۲۴-۲۲۶
مهدیون، سعید: ۳۴۱
مهران، حسنعلی: غ
میتران، فرانسوا (رئیس جمهور فرانسه): ۳۰۰-۳۴۸ تا ۳۵۰-۳۵۷
میرفندرسکی، احمد: ۲۸-۳۱-۳۳-۱۸۴-۲۳۹-۳۸۱
میلاتی (آیت الله): ۱۰۶-۱۰۷
میلر، ویلیام: ۴۷۶
می لژ (پرفسور): ۷۶
میناچی، ناصر (دکتر): ۶۹-۱۸۱-۲۲۴-۲۳۰
ن
ناپلئون: ۴۵۳
- ناجی (سرلشگر): ۳۰۲-۳۱۲ تا ۳۲۲
ناطق نوری، علی اکبر: ۲۰۴
ناظمی، احمد: غ
ناظمی، فضل الله (سرتیپ): ۱۴۷-۳۰۱
ناکس (انگلیسی): ۲۰
نبری، سیف الدین (دکتر): ۱۰۹
نجات الهی (دکتر): ۶۸ تا ۷۰
نجفی، حسین (دکتر): غ
نجیمی نائینی (سپهبد): ۲۴-۲۴۵-۲۴۶
نراقی، احسان (دکتر): ۱۶۹ تا ۱۷۱
نزیه، حسن: ۱۲۷-۱۶۳-۱۶۵
نشاط (سرلشگر): ۸۹-۹۵-۱۶۳-۲۴۰-۲۴۳
۲۶۰-۲۸۷-۲۹۸-۳۰۶-۳۰۸
۳۰۹
نشان (دکتر): ۱۵۱
نصر، حسین (دکتر): ۵۵۴
نصرتی، کیخسرو (سرهنگ): ۱۴۸-۲۳۹-۲۴۳-۲۹۳-۲۹۴
نصیری، نعمت الله (ارتشبد): ۵۴-۱۴۴-۲۹۸-۳۰۲-۳۱۲ تا ۳۲۲-۳۷۲-۴۱۰-۴۵۸
نقاقت (دکتر): ۱۴۴
نواب صفا، اسماعیل: ۵۶
نوبری، صادق: ۴۴۲-۴۵۹-۴۶۰
نوذری بقاء (سرلشگر): ۳۰۲-۳۰۹
نوری سعید: ۳۷۴
نوری، شیخ فضل الله (آیت الله): ۳۴۱
نوریکا: ۴۵۱-۴۵۲-۴۵۵-۴۹۳ تا ۴۹۵
نویسی، یزدان (سرهنگ): ۹۲-۴۵۵-۵۵۴
نهادندی، هوشنگ (دکتر): ۲۰ تا ۲۲-۱۴۴-۱۴۵-۲۸۶-۵۵۴
نیازمند (سرتیپ): ۳۲۴
نیک پی، غلامرضا (دکتر): ۱۴۴-۲۹۸-۳۰۲

- ۳۲۳-
 نیکسون، ریچارد: ۹۱-۳۸۳-۳۸۴-۳۹۲-
 ۴۱۰-۴۳۰-۴۴۷-۵۰۰-۵۰۳-۵۱۱-
 ۵۳۱-۵۳۶ تا ۵۳۹
 نیک شرف: ۲۳۵
 نیکلای دوم: ۴۲۳
 نیلی آرام (دکتر): ۱۴۴
 و
 واحدی: ۳۲۴
 وارسته، محمدعلی: ۱۰۰ تا ۱۰۴-۱۱۸ تا ۱۲۱
 وارن، اولیویه: ۵۵۲
 واسکوهار (ژنرال): ۴۷۲
 والترانتبرک: ۹۱
 والتریز، باربارا: ۴۴۲-۵۱۹
 والداهیم، کورت: ۴۸۳
 وفائی، علی: ۳۰۸
 وکیلی (هافر): ۴۱۷
 وکیلی راد، علی: ۳۵۵ تا ۳۵۷
 ولادیمیر، وینوگرادف: ۹۶
 ولتر: ۳۶۶
 ولایتی، علی اکبر (دکتر): ۳۵۰
 ولیان، عبدالعظیم (دکتر): ۱۴۴-۱۴۵
 وهایی (دکتر): ۶۹
 ویلالون، هکتور: ۴۷۱-۴۸۲ تا ۴۸۴
 ویل دورانت: ش
 ویلهلم دوم: ۵۴۶
 ه
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر: ط-۱۲۴-
 ۱۵۳-۱۶۷ تا ۱۶۹-۲۱۵-۲۲۶-۳۴۲-
 ۳۴۸-۳۵۹
 هاگلند، جیم: ۵۰۵
 هامیلتون، جرج: ۴۵۴ تا ۴۵۶-۴۶۹-۴۷۲-
 ۴۷۵-۴۸۰
 هانی الحسن: ۴۴۹
 هایز (ژنرال): ۹۵-۱۳۶-۱۸۰-۱۸۱-
 ۱۸۷-۲۴۸ تا ۲۸۱-۲۸۸-۳۰۵-۳۷۶-
 ۴۰۲-۵۰۷-۵۱۰
 هدایتی، هادی (دکتر): ۱۱۷
 هرزندی، حسن: ۴۸
 هزارخوانی، منوچهر (دکتر): ۱۳۰
 هلمز: ۴۴۲
 همایون، داریوش: ۱۴۴-۱۴۵
 همایونفر، عزت الله (دکتر): د-ض-غ-ق
 همدانیان (سرلشکر): ۳۰۲-۳۲۳
 همراز (از محافظین شاه): ۵۵۴
 هنری، اسماعیل (سرگرد): ۱۹۷
 هندی، مسعود: ۳۵۷
 هوشی مینه: ۳۳۷
 هویدا، فریدون: ۱۴۵
 هویدا، امیرعباس: ۶-۴۷-۵۱-۱۲۹-۱۴۴-
 ۳۰۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۷-۳۳۳-۳۷۶-
 ۳۸۳-۳۸۴-۴۲۲-۴۲۸
 هیتلر، گ: ۳۳۳-۳۴۰-۳۴۶-۵۴۱-۵۴۲
 هیکل، حسنین: ۹۵-۵۳۶
 هیگ، الکساندر: ۳۷۶
 ی
 یارافشار، پرویز: ۵۸
 یاسر عرفات: ۲۰۷-۳۵۸-۴۰۶-۴۲۵-۴۴۹
 یزدان پناه، مرتضی خان (سپهبد): ۱۰۲
 یزدانی، هژیر: ۱۴۵
 یزدجردی (سپهبد): ۱۵۱-۲۴۸-۳۲۳-۳۴۱
 یزدی، ابراهیم (دکتر): ۸۵-۱۰۵-۱۰۹-
 ۱۲۴-۱۲۶ تا ۱۵۷-۱۶۸-۱۸۰-۱۸۵
 ۱۹۵-۱۹۶-۱۹۸ تا ۲۲۲-۲۲۹-۲۴۲-
 ۲۵۰-۲۸۶-۳۰۱-۳۱۲ تا ۳۲۳-۳۳۵-
 ۴۳۶-۴۴۰-۴۷۶-۴۸۱-۴۸۲
 یغمائی، مسعود (دکتر): ۳۵
 یگانه، ناصر (دکتر): ج-۱۱۶

فهرست گروهی اسامی جلد شانزدهم

- ۱- اسامی افرادی که کارخانه های آنها ملی اعلام شد ص ۱۳۴
- ۲- اسامی اعضای خاندان پهلوی که اموالشان مصادره گردید ص ۱۳۶ و ۱۳۷
- ۳- اسامی کسانی که در مرحله اول اموال آنها مصادره شد ص ۱۴۱ تا ۱۴۳
- ۴- اسامی پزشکان بیمارستان پارس که به دادگاه انقلاب احضار شده اند ص ۱۴۴
- ۵- اسامی ترورشدهگان خارج از کشور ص ۱۴۶
- ۶- اسامی ایرانیان سرشناس که در خارج از کشور فوت کرده و یا خودکشی نموده اند ص ۱۴۷ تا ۱۴۸
- ۷- اسامی جوانان ایرانی که موفقیت های مهمی داشته اند ص ۱۵۰ تا ۱۵۵
- ۸- اسامی گروهی از دولتمردان و روزنامه نگاران و نویسندگان ایرانی مقیم آمریکا و فرانسه و آنهایی که به ایران بازگشته اند ص ۱۶۴ تا ۱۶۶
- ۹- اسامی گروهی از اعدام شدگان ص ۱۶۷ تا ۱۸۰
- ۱۰- اسامی کسانی که ترور و قطعه قطعه شده اند ص ۱۸۱ تا ۱۸۸
- ۱۱- اسامی نمایندگان مجلس در ۲ دوره قانون گذاری ص ۲۶۳ تا ۳۰۰
- ۱۲- اسامی سناتور هادر ۷ دوره قانون گذاری ص ۳۰۱ تا ۳۰۴

اسامی رضاشاه و محمدرضا شاه و رضاشاه دوم چون به دفعات در کتاب آمده، در فهرست اسامی ثبت نشده است.

فہرست اسامی جلد شانزدہ

- استوارت، ریچارد: ۴۸
- استالین، ژوزف: ۴۹-۱۱۲-۱۱۹
- اسدی، محمدولی: ۹
- اسراقیلی، پوران: ۱۵۴-۱۵۱
- اسفندیاری، ثریا (ملکہ سابق): ۱۱۱-۱۱۵
- اسفندیاری، حسن (محتشم السلطنہ): ۶۲-۶۳
- اسکندری، ایرج: ۱۵۹
- اسکندری، محسن (سلیمان میرزا): ۱۹۱
- اسکندری، علی (استوار): ۱۳۹
- اسلامی نیا، ہدایت: ۱۴۹
- اشراقی (داماد خمینی): ش
- اعتبار، عبدالحسین (دکتر): ۱۴۸
- اعتضادی: ۲۵۲
- اعتماد، روشنک: ۲۱۰
- اعلم، مجید (مهندس): ۹۵
- افشار شہریار: ۱۵۲
- افشار طوس (سرلشگر): ۳۴
- افشار قاسملو، اصلان (دکتر): ط-ظ-۲۴۷-
- ۲۴۹
- افشار قاسملو، امیر خسرو-غ: ۸۰
- افنان، جمال (دکتر): ۲۵۸
- اقبال، احمد: ۸۸
- اقبال، منوچہر (دکتر): ض-۸۲-۱۳۰
- اقبال السلطنہ ماکوئی: ۲۰۳
- الگا، اندرسون: ۱۲۹
- الموتی، کاوہ (دکتر): ۱۵۰-۱۵۱
- الموتی، مصطفیٰ (دکتر): د-ر-ز-ژ-س-ش
- ص-ض-ظ-ع-غ-گ-۱۵۷-۲۱۵-۲۴۷-
- ۲۵۰
- الیانس، داود (سر): ۲۵۷
- امامی، حسن (امام جمعہ تہران): ۹۰
- امان پور، کریستیان: ۱۵۴
- امان پور، محمد: ۱۵۴
- آتابای، دکتر (سرلشگر، دکتر): ۱۰۰
- آتاتورک، غازی مصطفیٰ کمال پاشا: ۹
- آچسن (وزیر خارجہ آمریکا): ۱۱۱
- آذری قمی، احمد: ۱۳۵
- آذین فر، حسین: ۱۹۶
- آریامنش، کورش (دکتر): ژ-ش
- آریانا، بہرام (ارتشبد): ۲۳۵
- آغاسی، آندرہ: ۱۵۵
- آلن، جرج (سفیر آمریکا): ۱۱۲-۱۱۳
- آموزگار، جمشید (دکتر): ۱۵۶
- آموزگار، حسین: ۲۵۲
- آموزگار، سیروس: ۱۳۷
- آہی، جہانگیر: ۱۴۸
- آیرم، (سرلشگر): ۳۵
- آیرون ساید: ۴۰
- ### الف
- ابتہاج، ابوالحسن: ۳۷-۱۳۵-۱۶۱
- ابراہیمی، عبدالرضا خان: ۱۸۷
- ابراہیمی، زین العابدین خان: ۱۸۷
- ابریشمی، افشین: ۱۴۹
- ابریشمی، مینو: ۱۴۹
- احساسی، مہدی: ۲۱۰
- احمدی (پزشک): ۶۵
- اخوی، علی اکبر (دکتر): ۱۴۸
- ارم، محمود (سرلشگر): ر
- ارنست، پرون: ۱۱
- ارون ل ری (آمریکائی): ۱۱۹
- اری بن مناشہ: ۱۱۵-۱۱۷
- اریک فن مارید: ۲۲۸
- ازہاری، غلامرضا (ارتشبد): ۱۳۵-۱۵۶-
- ۱۸۳-۲۲۰-۲۲۵

- امبرتو (پادشاه سابق ایتالیا): ۱۲۹-۱۳۰
 امیراحمدی، احمد (سپهبد): ۲۹-۵۰-۱۱۲
 امیرانتظام، عباس: (مهندس): ۱۳۵-۲۲۶
 امیرخسروی (سرتیپ): ۳۷
 امیرسلیمانی، توران (همسر رضاشاه): ۱۰-۲۲
 -۵۴-۱۴۸
 امیرفضلی، اسماعیل خان (سرلشکر): ۲۵-۵۸
 امیرکبیر، میرزا اتقیخان: ۲۹-۳۰
 امینی، علی (دکتر): ۱۵۶
 امینی، نصیر: ۱۳۷
 انتظام، نصرالله: ۵۴
 انصاری، خواجه عبدالله: ب
 انصاری، احمد: ۱۶۲
 انصاری، احمد علی: ۱۵۸
 انصاری، ماریانوش: ۲۱۰
 انواری، آناهید (دکتر): ۱۵۲
 انیس، نقاش: ۲۳۴
 اوری، لویرانی: ۱۱۶
 اوشاکوف، یالکونیک (روسی): ۵۶
 اویسی (ارتشبد): ط-۲۲۴-۲۳۵-۲۴۵
 ایادی، عبدالکریم (دکتر): ۹۷-۱۱۴
 ایزدی، علی: ۱۷
 اینونو، عصمت: ۱۲
- ب
 باباطاهر عریان: پ
 بازرگان، مهدی (مهندس): ش-۱۳۳-۱۴۵
 ۱۶۹-۲۱۶-۲۱۹-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۸ تا
 ۲۳۰-۲۴۲ تا ۲۴۰
 بازفت، فرزاد: ۱۴۷
 بافقی، شیخ محمد: ۸
 باهری، محمد (دکتر): ۷۶
 باهنر: ۱۸۰
- بختیار، تیمور (سپهبد): ۱۸۶
 بختیار، شاهپور (دکتر): ۹۹-۱۳۵-۱۴۵
 ۱۵۶-۱۵۸-۱۶۲-۲۱۶ تا ۲۲۴ تا
 ۲۳۰-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۸-۲۳۹
 بدره ای، ایرج: ۲۴۵
 بدره ای (سپهبد): ۱۸۳-۲۴۵
 بدیعی، جواد (استوار): ۱۸۲
 بدیعی، سیدحسین (سرتیپ): ۱۸۶
 برخوردارخان: ۲۷
 بشیری، سیاوش: ز
 بقائی یزدی، نامدار (دکتر): ۱۵۱-۱۵۳
 بگین، مناحیم: ۱۱۷
 بلوچ، حسین (پیشخدمت رضاشاه): ۲۳-۳۴
 بلوچ، دوستمحمدخان: ۳۵
 بلوشر (سفیر آلمان): ۳۸-۶۰
 بنی صدر، ابوالحسن: ۵۳-۱۴۵-۱۶۷-۱۶۹
 بوذرجمهری، کریم (سرلشکر): ۵-۲۷-۳۲-۳۵
 بومدین (رئیس جمهور الجزیره): ۸۱
 بونیه، هنری (فرانسوی): ۲۲۳-۲۲۴
 بهبودی، سلیمان: س-۱-۲۰-۲۳-۳۶-۵۴
 -۵۶-۶۱-۱۶۳
 بهبهانی، سیدمحسن (واعظ): ۱۸۳
 بهرامی، محمد (دکتر): ۱۲۴
 بهرون، منوچهر (دکتر): غ
 بهشتی، محمدحسین (دکتر، آیت الله): ۱۶۸-
 ۱۶۹-۱۸۰-۲۴۰
 بیگلری (سرلشکر): ۱۸۳
- پ
 پارسا، فرخ رو (دکتر): ۱۸۸
 بازارگاد: ۲۵۲
 پاینده، ابوالقاسم: ۲۵۲
 پرسی لرن (سر): ۴۴

پژمان بختیاری (شاعر): د:

پهلوی: خاندان سلطنتی:

اشرف: ۱۰-۱۱-۱۴ - ۱۰۲-۱۰۳-۱۱۲
۱۵۸-۲۰۹-۲۱۰

پری سیما (همسر عبدالرضا): ۱۳۰-۱۳۱

تاج الملوك (ملکه مادر): ۱۰-۱۱۲-۱۴۸

حمیدرضا: ۱۴۸

شمس: ۱۰-۱۱۲

شهناز: ۱۵-۱۷

عبدالرضا: ۱۳۰

علیرضا: ۱۰-۱۱-۱۸-۱۹-۵۳-۱۰۴

غلامرضا: ۱۴-۲۲

فاطمه: ۱۱-۱۴۸

فاطمه (همدم السلطنه): ۱۰

فرحناز: ۱۰۲

لیلا: ۱۰۲

محمودرضا: ۱۶-۱۴۸

نیلوفر (پهلوی نیا): ۲۱۰

پیراسته، سید مهدی (دکتر): ۲۵۲

پیرنیا، منصوره: ۹۶

ج

جان (پاپ بیست و سوم): ۱۳۰

جعفرخان: ۲۱

جعفریان، بقراط (سپهبد): ۱۸۴

جفرودی، کاظم (مهندس): ۲۱۹-۲۲۶

جم، فریدون (ارتشبد): ۲-۲۳۱-۲۴۰-۲۴۴

۲۴۶-

جم، محمود: ۱۵-۳۷-۲۰۳

جمالی، فخرالدین (دکتر): ۲۵۸

جمشیدی (استوار): ۱۸۲

جوان، علی (دکتر): ۱۵۲

جهانبانی، امان الله میرزا (سپهبد): ط

چ

چراغعلیخان (امیراکرم): ۲۶-۲۷-۳۱

چرجیل: ۵۰-۱۱۹-۲۰۲

چیانکایچک: ۱۱۱

چینی، حبیب: ۱۳۷

ح

حاتم، هوشنگ (سپهبد): ۲۱۷-۲۳۳-۲۳۵-۹

۲۳ - ۲۴۰

حاج آقا جمال: ۲۷

حاج حسن سقط فروش: ۲۱

حبیب، قصاب: ۱۸۲

حبیبی (دکتر): ۱۵۲

حداد، استاد علی: ۲۹

حسابی، ایرج: ۱۵۳

حسام، مسعود (ستوان یکم): ۱۸۵

حسین پور، امیر: ۱۵۲

حفیظی (دکتر): ۱۴۴

حقگو (استاندار): ۱۳۹

حقگو، سید شجاع: ۲۴

ت

تدین سید محمد: ۴

تصاعدی، (سرهنگ): ۱۸۱

تقی زاده، سید حسن: ۶۳-۱۱۹-۱۹۲ تا ۱۹۵

تقی زاده، محمدرضا: ۱۳۷

توکلی، احمد: ۳۹

تهرانی، شیخ علی: ۱۸۳

تیتو (مارشال): ۸۸

تیمورتاش: ۵-۷-۹-۲۹-۳۵-۶۴

حکیم، منوچهر (پرفسور): ۱۸۷
حمدالله (گروهیان): ۲۲-۲۳-۵۴
حمید (گروهیان): ۲۲

دادفر، حبیب (دکتر): ۲۲۰ تا ۲۲۴
دادگر (عدل الملک): ۵-۳۳
دارابی، هما (دکتر): ۱۸۷
دانشی، غلامحسین (معمم): ۱۸۲
داور، علی اکبر: ۲۹

خ

خاتم، محمد (ارتشید): ۱۳۱
خادم (عکاس): ۲۱

دبیر آشتیانی، سیما: ۱۳۷
دبیر خاقان: ۶۰

خادمی، علیمحمد (سپهبد): ۱۸۱
خاک نگار مقدم، حسین: ۲۹

درگاهی، محمد (سرتیپ): ۶۱

خاموشی، شهرام: ۱۴۰

دزفولیان، حمید: ۱۴۹

خامنه ای، سید علی (آیت الله): ۱۶۸

دشتی، علی: ۳۷

دویچی، مایکل (دکتر): ۱۲۸

خدایارخان (امیر لشکر): ۲۲-۲۶-۲۹-۱۹۱

خزعل (شیخ): ۲۹-۴۲-۴۳

دولت‌شاهی، عصمت الملوک (همسر رضاشاه): ۱۰۰

خزاعی (سرلشکر): ۲۸

-۵۴

خسروداد (سرلشکر): ۱۶۷

دولو، امیر هوشنگ: ۱۹۶-۱۹۷

خسروانی، پرویز (سپهبد): ۲۳۱-۲۳۹-۲۴۶

دهقان تفتی، حسن (اسقف): ۱۸۸

خسروانی، عطاء الله: ۱۲۲

دهقان، بهرام: ۱۸۸

خسروی، جمشید (سروان): ۱۸۶

دیبا، فرح (شهبانوی): ۷۱-۷۴-۹۴-۹۶-۱۰۱

خلخالی، شیخ صادق: ۵۳-۱۳۷-۱۳۸

-۱۰۴-۱۰۶-۱۰۸-۱۱۵-۱۱۷-۱۲۷

۱۴۰-۱۴۵-۱۶۸-۱۶۹-۱۸۵-۲۴۳

۱۳۱-۲۲۲ تا ۲۲۴-۲۵۶

خلیلی، عباس: ۳

دیبا، فریده: ۱۳۱

خلیلی، علی (دکتر): ۱۴۹

دیباچ، مهدی (اسقف): ۱۸

خمینی، احمد: ۱۳۹

ذ

خمینی، روح الله (آیت الله): ۸۳-۱۱۵ تا

ذبیحی، سید جواد (مداح): ۱۸۶

۱۱۸-۱۳۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۶۷ تا ۱۶۹

ذبیحیان، یدالله: ۱۳۷

-۱۸۰-۲۱۸-۲۲۵-۲۲۷-۲۲۹-۲۳۰-

ذوالفقاری، مرسده: ۲۱۰

۲۳۳-۲۳۶ تا ۲۳۸-۲۴۵

ذوالفقاری، هدایت الله: ۲۱۰

خواجه نوری، ابراهیم: ۳۷-۴۴

خواجه نوری، عزیز: ۱۵۲

ر

خواجه نوری (نظام سلطان): ۲۴۹

رادمنش رضا (دکتر): ۱۸۶

خیام: ۸۳

رافی، ایقان: ۱۱۶

رامبد، هلاکو: غ

د

ریبعی (تیمسار): ۱۱۸-۲۴۵

زنوزی: ۲۴۸

رجائی، محمد علی: ۱۸۰

زوار: ۳۲

رجوی، کاظم (دکتر): ۱۴۶

زینب: ۲۱

رجوی، مریم: ۲۵۹

ژ

رجوی، مسعود: ۱۳۳

ژرارد وویلہ: ۱۸-۲۰-۱۲۸-۱۲۹

رحیمی، مهدی (سپہید): ۱۶۷-۲۳۹-۲۴۰

ژسگار دیستن: ۷۲

رزم آراء منوچہر (دکتر): ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۴ تا

۲۳۰

س

رزم آراء، حاجی علی (سپہید): ۱۲۴

سادات، انور (رئیس جمهور مصر): ۷۰ تا ۷۲ -

رشتی، میرزا کریم خان: ۲۶-۹۵-۹۱

۸۱-۹۹-۱۰۳-۱۰۶-۱۰۸-۱۲۷

رشوند سرداری، ابوالقاسم (دکتر): ۱۸۵

سادچیکف (سفیر شوروی): ۱۱۳

رشید عالی گیلانی: ۲۰۴

سالار الدولہ: ۶۰

رضائی، محمود: ۱۴۸

سالار لشکر: ۶۳-۶۴

رضوانی، سعید (سپہید): ۲۳۱-۲۳۵-۲۴۶

سالیسبوری، ہاريسون: ۱۹۵

رفیع، رضا (قائم مقام الملك): ۲۳

سایرس ونس: ۷۴-۲۲۷

رکنی، ناصر (ستوان): ۱۸۶

سپہدار اعظم: ۳۹

روحانی، تقی: ۱۸۵

سپہر، مورخ الدولہ: ۱۱۹

روحانی، منصور (مهندس): ۸۲

سپہسالار، میرزا حسین خان: ۳۰

روزولت، فرانکلین: ۵۰-۱۱۹

سجادی، محمد (دکتر): ۴۴

رہنما، مجید: ۲۱۰

سحابی، یداللہ (مهندس): ۱۶۹-۲۱۶

ریاحی (سرلشکر): ۲۱۷

سرجان کدمن: ۱۹۵

ریپورتر، شاپور: ۱۱۴

سرخوش، پریوش (دکتر): ق

ریدریولارد (سر): ۲۰۴

سردار اعظم: (امیر لشکر): ۲۴

ریگان (رئیس جمهور آمریکا): ۱۰۸

سردار انتصار: ۴۰

ز

سردار معزز جنوردی: ۲۴

زاهدی، اردشیر: ۱۵۶

سرمہ، صادق (شاعر): ۱۶۷

زاهدی، فرج اللہ: ۱۴۱

سعیدی: د

زاهدی، فضل اللہ (سپہید): ۱۲۹-۱۳۷

سعید، جواد (دکتر): س

۲۱۲

سلطان العلماء: ۷

زمانی پور، سرہنگ: ۱۸۱

سمیعی (ادیب السلطنہ): ۲۹-۱۹۳-۱۹۴

زند، کریم خان: ۳۰

سمیعی، عبدالحسین: ۲۱۰

زندنیا، شاپور: ۱۳۷

سمیعی، مهدی: ۱۹۷

زندنی، فریدون: ۱۸۲

سولیوان (سفیر آمریکا): ۲۲۸

سهیلی، علی، ۴

سیداجاق: ۲۹

سینمانی، فرید: ۲۱۰

۲۲۶-۲۲۵

صیری، موسی (سردبیر الاخبار): ۱۲۷

صفاری، محمدعلی (سرتیپ): ۳۴

صفائی، رحمت (مهندس) غ - ق

صفیه: ۱۲۹

ش

شاهپوریان، علیمحمد: ۲۱۰

شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۱۶۹-

۲۴۰

شریف امامی (مهندس): ۱۳۵-۱۵۶-۲۲۰-

۲۲۵-

شعبانی، محمدعلی (گروه بان): ۱۸۷

شفا، شجاع الدین: ۸۳-۲۵۹

شفاعت، عباس (سرتیپ): ۱۸۶

شفائی، اسماعیل خان (سرلشگر): ۴۷

شفیق، آزاده: ۲۱۰

شفیق، احمد: ۱۱

شکوه الملک: ۳۸

شمس آبادی (آیت الله): ۱۸۲

شوشتری، سید محمدعلی: ۲۴

شهری مقدم، عطاء الله: ۱۸۵

شهریاری، عباس: ۱۸۶

شیبانی، حبیب الله خان (سرلشگر): ۴۱

ض

ضیائی، طاهر (دکتر): ۱۳۴-۱۳۵

ضیائی کوهی سرخی، احمد (سرهنگ): ۱۸۴

ضیائی، محمد صالح: ۱۸۷

ط

طالب الحق، محمد: ۳۹

طالقانی، سید محمود (آیت الله): ۱۶۹

طاهرزاده، بهزاد: ۲۹

طاهری، احمد: ۱۸۲

طاهری، امیر: ۸۹

طاهری، منیر (سروان): ۱۸۳

طباطبائی، سید عبدالله: ۴۰

طباطبائی، سید ضیاء الدین: ۱۸-۲۵-۳۹-

۴۰-۴۱-۴۸-۶۱-۶۳

طباطبائی، سید محمد صادق: ۲۶-۱۹۱

طلوعی، محمود: ۸-۹-۱۱۲-۱۱۴-۱۱۵

ص

صابر، بیوک: ۲۵۲

صاحب جمع، عسگر: ۲۸

صادق، حسین: ۲۴۷ تا ۲۴۹

صارم الدوله (اکبر میرزا مسعود): ۲۶-۶۳

صالح خو (دکتر): ۲۲۹

صانعی، محمد تقی: ۲۱-۵۸

صدام حسین: ۸۱-۱۴۷-۲۵۵

صدرالاشرفی، ضیاء (دکتر): ۲۱۸

صدراج سیدجواد، احمد: ۱۳۵-۱۳۹-

ظ

ظفر، خانم: ۲۱۰

ظهیرالاسلام: ۴۷

ع

عالیخانی، علینقی (دکتر): ۱-۸۹-۹۵-

۱۳۴-۱۶۰-

عسل بیگ عبدالفتاح (سفیر مصر): ۲۰۴

عصر فتحی (سرهنگ): ۲۰۲

علاء، ایران: ۱۲۹

- علاء، حسین: ۱۱۹-۱۲۹-۲۵۰
- علم، امیر اسد اللہ: ۱-۴۵-۸۲-۸۹-۹۰-۹۳
- ۹۴-۹۶-۱۱۴-۱۱۵-۱۲۴-۱۲۸-
- ۱۳۱-۱۶۰
- علم، شوکت الملک: ۱۱۵
- عمیدی نوری، ابوالحسن: ۲۵۲
- عیسیٰ خان (خیاط): ۲۱
- عین القضاہی، سعید (سرہنگ): ۱۸۴
- غ
- غضنفر السلطنہ: ۲۴
- غفرانیان، سیامک مهندس: ۱۵۱-۱۵۳
- غفاری، شیخ ہادی: ۱۴۵-۱۶۸
- غفاری، غلامحسین (صاحب اختیار): ۴۳
- ق
- قاجار، آغامحمد خان: ۳۰
- قاجار، احمد شاہ: ۲۴-۲۹-۴۱-۴۵-۶۱-۶۲
- ۲۵۰-
- قاجار، فتحعلی شاہ: ۱۹۶
- قاجار، محمد حسن میرزا: ۲۲-۴۱-
- قاجار مظفر الدین شاہ: ۳۹-۴۰-
- قاجار، ناصر الدین شاہ: ۴۶
- قاسم (پیشخدمت رضا شاہ): ۲۳
- قاسم، عبدالکریم: ط
- قبادیان، علی (پرفسور): ۱۵۲
- قربانی، اسماعیل: ۱۸۶
- قرہ باغی، عباس (ارتشید): ۱۹۸ تا ۲۰۱-
- ۲۱۵ تا ۲۱۹-۲۲۲ تا ۲۲۷-۲۲۹ تا ۲۳۶-
- ۲۳۹ تا ۲۴۶
- قشقائی، صولت الدولہ: ۲۴
- قسی (آیت اللہ): ۱۶۹
- قوام، احمد (قوام السلطنہ): ۲۲-۳۷-۴۶-
- ۴۷-۱۱۲-۱۱۳-۲۵۲
- ف
- فاتح، مصطفیٰ: ۴۵
- فاطمہ (خدمتگزار رضا شاہ): ۳۴
- فتحی مقدم، جمشید (تیمسار): ۱۸۴
- فخر الدولہ: ۵۹
- فرامرزی، حسن: ۲۵۲
- فردوست: حسین (ارتشید): ۱۲۸-۱۶۳
- ۲۱۶-۲۱۸-۲۲۰-۲۲۵-۲۳۵-۲۴۴-۲۴۵
- فرمانفرما (عبدالحمید میرزا): ۵۶ تا ۶۰-۶۳
- ۶۶-
- فرمانفرما، نصرت الدولہ: ۶۰ تا ۶۴-۶۶
- فرمانفرما، عزت الدولہ: ۶۴
- فرمانفرمایان، ستارہ: ۵۶-۶۳
- فرمانفرمایان، عبدالعلی: ۶۶
- فرمانفرمایان، محمد علی: ۵۷
- فرمانفرمایان، محمد ولی میرزا: ۶۳
- فروغی (ذکاء الملک): ۲۸-۳۲-۵۰-
- ۵۱-۲۰۲

ک

کارترا (رئیس جمهور آمریکا): ۱۰۵-۱۰۸-۱۰۸-

۲۲۷-۲۲۸

کارترا، هاردینگ: ۲۲۷-۲۲۸

کازرونی، حاج محمدجعفر: ۱۸۳

کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله): ۲۵

کاشانی، کلیم (شاعر): ج

کاظمی، باقر: ۳۱-۲۰۴

کاظمی، محمدعلی: ۱۸۲

کاظمیان، فرامرز (سروان): ۱۸۴

کرخه آبادی، مسعود: ۱۵۳

کریمپور، رحیم (دکتر): ۲۵۸

کیسینجر، هنری: ۶۷-۲۵۴

کلاهدوز، علی اصغر: ۲۱

کلهر، (امیر مخصوص): ۲۴

کندی، جان: ۱۲۴

کندی، رابرت: ۱۲۴

کیا، حاجعلی: (سپهبد): ۲۲۲ تا ۲۲۴

کیانوری، نورالدین (دکتر): ۱۳۳-۱۶۳

کیهان، مسعودخان (ماژور): ۴۰-۴۱

گ

گانندی، مهاقما: خ

گابریلا، ماریا (پرنسس ایتالیا): ۱۲۹ تا ۱۳۱

گنجی، منوچهر (دکتر): ۲۵۹

گلسرخی، غلامرضا: ۲۱۰

ل

لاجوردی، اسدالله: ۱۴۵

لاهورتی، ابوالقاسم: ج

لاهورتی (شیخ): ۱۳۸

لحساتی (سرهنگ): ۱۸۴

لخ والنسا: ج

لطیفی، تقی: (سرلشگر): ۱۸۲

لقمان ادهم: (حشمت السلطنه): ۲۵۰

لمبتون، میس: ۲۰۴

لی لی (معشوقه شاه): ۱۲۹

م

ماندلا، نلسن: ج

مبارک، حسنی (رئیس جمهور مصر): ۱۰۸

مبشری، اسدالله (دکتر): ۱۶۸

متین دفتری (دکتر): ۳۸-۲۵۰

محبئی، مهدی (سرگرد): ۱۸۷

محمدخان (سرلشگر جان محمدخان): ۶

محمدولی زاده، رحیم: ۱۸۱

محمدی گیلانی (آیت الله): ۱۶۹

مجتهدزاده، پیروز (دکتر): ۱۵۳

مجللی، فیروز: ۱۳۷

مجیدی (سرگرد): ۱۸۱

مختاری (سپاس): ۷-۵۰-۶۵

مدرس، سیدحسن: ۸-۲۷

مدنی، احمد (دکتر): ۱۶۹

مراند (پروفسور فرانسوی): ق

مریم (همسر شاه): ۱۰

مرضیه (خواننده): ۲۵۹

مستوفی، عبدالله: ۴۴

مستوفی الممالک: ۲۷-۳۵-۳۷-۴۳

مشاور الملک: ۴۷

مشیرالدوله: ع-۲۴-۲۹-۳۰-۳۵-۴۷

مصدق، محمد (دکتر): ۲۵-۲۷-۳۷-۱۱۵-

۱۲۱-۱۲۴-۲۱۰ تا ۲۱۳-۲۵۲-۲۵۳

مطبوعی، ایرج (سرلشگر): ۳۷

مطهری (آیت الله): ۱۶۹

معاضد السلطنه: ۲۷

معتضد، خسرو: ۲۰۲-۲۰۴

- معتمدی، نعمت الله: (سرتیپ): ۱۸۳
- معزّی (خلبان): ۱۱۵
- معمار، جعفرخان: ۲۹
- معیری، رهی (شاعر): ج
- معین زاده، جواد (سرتیپ): ۲۲۴-۲۲۵-۲۴۵
- مفتح (دکتر): ۱۸۰
- مقدم، ایرج (سپهبد): ۱۸۳-۲۱۹-۲۲۶
- ملك حسن (پادشاه مراکش): ۱۰۳-۱۰۷
- ملك حسین (پادشاه اردن): ۱۰۸
- ملكپور، ذبیح الله: ۵۴
- ملك فاروق (پادشاه مصر): ۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴
- ملكه یونان: ۱۰۴
- منتظری، حسنعلی (آیت الله): ۱۶۹
- منصور، حسنعلی: ۵۳
- منصور، علی: ۳۳-۶-۵۰
- منیژه، (معشوقه شاه): ۱۲۹
- موسوی تبریزی، سیدحسین: ۱۴۵
- موسوی، سیداسدالله (سناتور): ۱۸۷
- موسوی نسل، علی (مهندس): ۱۵۲
- موسوی، کاوه (دکتر): ۱۵۲
- موریس، برنو: ۱۲
- مؤتمن الملك: ۲۷
- مؤید ثابتي - ب
- مهران، حسنعلی: ۱۹۷
- میبدی، علیرضا: ۲۳۱-۲۳۲-۲۳۴
- میرفندرسکی، احمد: ۷۷
- میگائیلیان (اسقف): ۱۸۸
- نجف آبادی، محمدعلی: ۱۸۲
- نجم آبادی، شیخ مهدی: ۲۷
- نصیری، نعمت (ارتشبد): ۱۶۷-۲۱۲
- نظام حیدرآباد: ۲۰۴
- نقیسی، احمد: ۳۸
- نقدی، رفعت (سردار، سرلشگر): ۲۶-۲۹-۳۲
- نقوی، رضا: ۲۵۰
- نوری، علیرضا: ۱۶۸
- نور، امیرهوشنگ (سرهنگ): ۱۸۶
- نور، شهریار: ۱۸۶
- نوری، شیخ فضل الله: ۴۰
- نوری زاده، علیرضا (دکتر): ۲
- نهاوندی، هوشنگ (دکتر): ۲۲۳
- نهر: خ
- نیکسون، ریچارد: ۱۰۴-۲۵۴
- و
- والدین (نماینده روسیه): ۴۵ تا ۴۷
- وثوق الدوله، حسن: ۶۳-۱۹۶
- وثوق، علی: ۱۹۶
- ودیمی، کاظم (دکتر): ۲۲۳-۲۲۴
- ورزی، ابوالحسن: الف
- ورزی، مهدی: ۱۵۲
- وشمگیر، چنگیز (سپهبد): ۱۸۴
- ویدا (دکتر): ۲۵۸
- ه
- هادوی، مهدی: ۱۳۹
- هاشمی حاتری، سیدعلی: ۲۵۲
- هاشمی، سیدمهدی: ۱۸۲
- هاشمی، شیخ هادی (فرقه دراویش): ۱۸۲
- هارمین، اورل: ۸۸
- هارمین، پاملا: ۸۸
- ن
- ناپلئون ۲-۸
- ناجی (سرلشگر): ۱۶۷
- ناصر (رئیس جمهور مصر): ۱۲۴
- نجات اللهی، کامران (دکتر): ۱۸۱

هایزر (ژنرال) ۲۲۷-۲۲۸-۲۳۷-۱۴۱ ی

هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه): ۹-۴۳-۶۱

یارجانی، محسن (سروان): ۱۸۶

هروی، رضا (بصیرالدوله): ۴۵

یدالله (پیشخدمت رضاشاه): ۲۳

هزیر، عبدالحسین: ۴۶

یزدانبخش: ۲۵۲

هفت تز (آصف): ۱۱۶

یزدان پناه، مرتضی (سپهبد): ۹۳-۹۴

همائی، جلال (استاد): ب

یزدجردی، علی اکبر (سرتیپ): ۱۸۵

همائی، حاج ماشاء الله (روحانی): ۱۸۷

یزدی، ابراهیم (دکتر): ۲۲۵-۲۲۶-۲۲۸-

هندرسن (سفیر آمریکا): ۲۱۰

۲۲۹

هوسپیان مهر (اسقف): ۱۸۸

یزدی، حسن (سرلشگر): ۱۸۴

هوشنگی، ابراهیم (سرهنگ): ۱۳۹

یزدی، سیدعلی آقا (پدر سیدضیاء): ۳۹-۴۰

هویدا، امیرعباس: ۹۲-۹۴-۱۱۴-۲۰۹

یزدی، مرتضی (دکتر): ۱۲۳-۱۲۴

هیث (نخست وزیر انگلیس): ۱۲۵

یعقوبی، مجتبی (سرپاسبان): ۱۸۵

هیك، الکساندر (ژنرال آمریکائی): ۱۰۸

یگانه، ناصر (دکتر): ۱۴۷-۱۴۸

هیلمر، علی: ۱۱

یمینی (سرهنگ): ۲۵۲

هیوم، دوگلاس: ۱۱۴

یوسف خان، خیاط ارمنی: ۲۱

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
ف	۲۷	داد	دارد
۱۶	۲	برمی خواست	برمیخواست
۳۲	آخر	ولیعهد	ولیعهد
۵۱	۱۱	نکرده بود	نکرده بودم
۸۳	۲۶	در نقطه	دونقطه
۹۵	۱۱	جهان	جهان
۱۴۸	۲	محمودرضا	احمدرضا
۱۴۹	۱۹	سینو	مینو
۱۷۶	۲۳	ستوان سیاوش پورفهمیده	مکرر چاپ شده
		در اسامی اعدام شدگان	چنداسم تکرار شده است
۱۸۰	آخر	که که	که
۱۸۲	۲۵	محد	محمد
۱۸۶	۲۳	نزیک	نزدیک
۱۹۶	۱۰	دارندگان	دارندگان
۲۶۶	۳	مانی	محمدمانی
۲۹۵	۲۳	معتدوزیری	همایون معتدوزیری
۳۳۰	۳۱	چاب	چاپ

* در جلد پانزدهم نام همسر شهناز بهلوی (مسعود جهانبانی) چاپ شده، که (خسرو جهانبانی) می باشد

منابع و مأخذ

- ۱- پاسخ به تاریخ - محمدرضا شاه پهلوی
- ۲- یادداشتهای امیراسدالله علم - به کوشش دکترعلینقی عالیخانی
- ۳- خاطرات سلیمان بهبودی - به اهتمام غلامحسین میرزاصالح
- ۴- سال های کاخ سفید - هنری کیسینجر
- ۵- قدرت و زندگی و خاطرات یک رئیس جمهور - ژسکارستن
- ۶- یادداشتهای عباس خلیلی - روزنامه (پیام ما آزادگان)
- ۷- پدروپسر - داستان انقلاب - محمودطلوعی
- ۸- خاطرات شمس پهلوی و ارتشبد جم وعلی ایزدی
- ۹- خاطرات بلوشر سفیر آلمان در ایران
- ۱۰- مشروطه ای که نبود - احمدتوکلی
- ۱۱- خاطرات مخبرالسلطنه هدایت
- ۱۲- دختری از ایران - ستاره فرمانفرمایان (به انگلیسی)
- ۱۳- زندگی سیاسی مظفرفیروز - مهین دولتشاه فیروز
- ۱۴- نوشته هائی از شجاع الدین شفا - روزنامه ایران شهر
- ۱۵- سفرنامه شهبانوفرخ و گفتگوئی باشهبانو - منصوره پیرنیا
- ۱۶- پول خون - آری بن مارشه مأمور سازمان اطلاعاتی اسرائیل - ترجمه دکتر مسعودانصاری
- ۱۷- زندگی طوفانی - خاطرات سیدحسن تقی زاده - ایرج افشار
- ۱۸- خاطرات عطاء الله خسروانی - نشریه گام
- ۱۹- نمایندگان مجلس شورای ملی - زهرا شجیعی

- ۲۰- آخرین روزهای رضاشاه - نوشته ریچارد استوارت - ترجمه
عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات
- ۲۱- دوسال روابط محرمانه احمدشاه و سفارت شوروی - یادداشتهای
رضا هروی (بصیرالدوله) به کوشش مجیدتفرشی
- ۲۲- خاطرات فوزیه (حکایت تلخکامی - قصه جدائی) - خسرو معتضد
- ۲۳- زندگی ناشناخته شاه - امیرطاهری (به انگلیسی)
- ۲۴- کاخ تنهایی - خاطرات ثریا (ملکه سابق) با همکاری لونی ولانتن
- ۲۵- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد سفارت آمریکا -
از انتشارات جمهوری اسلامی
- ۲۶- تاریخ معاصر ایران از تأسیس پهلوی تا کودتای مرداد ۱۳۳۲ -
نوشته پیتر آوری - مترجم محمدرفیعی مهرآبادی
- ۲۷- شورش ۵۷ درآینه مطبوعات (دو جلد) - شهرام جاویدپور
- ۲۸- حقایق درباره بحران ایران - ارتشبدعباس قره باغی
- ۲۹- توطئه در ایران - سائرس وانس
- ۳۰- طوفان در ۵۷ - سیاوش بشیری
- ۳۱- اسناد منتشره وزارت خارجه آمریکا
- ۳۲- خیانت به امید - ابوالحسن بنی صدر
- ۳۳- نقل مطالبی از نشریه های فارسی و انگلیسی

در صفحه ۱۴۸ نام شاهپور محمود رضا پهلوی که در لوس آنجلس زندگی می کند، اشتباها به جای نام شاهپور احمد رضا پهلوی که در فرانسه فوت کرده چاپ شده است. با عرض معذرت بدینوسیله تصحیح می شود.

بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۵۷

مؤسسه Book PRESS که شانزده جلد کتابهای

«ایران در عصر پهلوی»

را منتشر ساخته از آقای دکتر الموتی خواسته است که این رشته
از مطالعات تحقیقی را که در حال تدوین میباشد در اختیار این
مؤسسه بگذارد تا نظیر سلسله انتشارات

«ایران در عصر پهلوی»

منتشر گردد. نویسنده با این نظر موافقت نموده و امیدواریم

خیلی زود توفیق انتشار آن را داشته باشیم

بازیگران سیاسی... مجموعه کاملی است،

از زندگی نامه شخصیت های سیاسی ایران،

از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۵۷





تابلو نقاشی از دوست هنرمندم استاد مهدی سجادی

دوره کامل (ایران در عصر پهلوی)

- ۱- جلد اول - شگفتی های زندگی رضاشاه
- ۲- جلد دوم - رضاشاه در تبعید
- ۳- جلد سوم - بازیگران سیاسی ازیدو مشروطیت تا بحران ۵۷
- ۴- جلد چهارم - پهلوی دوم در فراز و نشیب
- ۵- جلد پنجم - بحران نفت و ترورهای سیاسی
- ۶- جلد ششم - ملی شدن صنعت نفت و زندگی پرماجرایی دکتر مصدق
- ۷- جلد هفتم - کودتا یا ضد کودتا و دور دوم سلطنت
- ۸- جلد هشتم - سرنوشت سیاست پیشگان و قربانیان نفت
- ۹- جلد نهم - جنبشهای کمونیستی و سوسیالیستی در ایران و سرنوشت رهبران حزب توده
- ۱۰- جلد دهم - آریا مهر در اوج قدرت
- ۱۱- جلد یازدهم - جنگ قدرت در ایران و خاطراتی از دوران نخست وزیری: دکتر اقبال - شریف امامی - دکتر امینی و علم
- ۱۲- جلد دوازدهم - دولت های حزبی و حزب های دولتی - یادمانده هائی از دولت های حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا
- ۱۳- جلد سیزدهم - بحران در ۵۷ و وقایع مهم دوران نخست وزیری: دکتر آموزگار - مهندس شریف امامی و ارتشبداهاری
- ۱۴- جلد چهاردهم - آخرین روزهای زندگی شاه شاهان و سرنوشت آخرین نخست وزیر شاه
- ۱۵- جلد پانزدهم - روز شمار تاریخ و وقایع مهم عصر پهلوی و فهرست گروهی جلد ۱۵
- ۱۶- جلد شانزدهم - خاطراتی از شاهان پهلوی و فهرست اسامی جلد ۱۵

برای تهیه هر جلد از کتاب با ارسال (۱۰ پوند) و دوره کامل (۱۶۰) پوند با افزایش هزینه پستی هر جلد (۲/۵۰) می توانید کتاب هارا از موسسات معتبر فروش کتاب فارسی و آدرس زیر تهیه فرمائید.

BOOK PRESS (PAKA PRINT)
4 MACLISE Rd.
LONDON W14 OPR